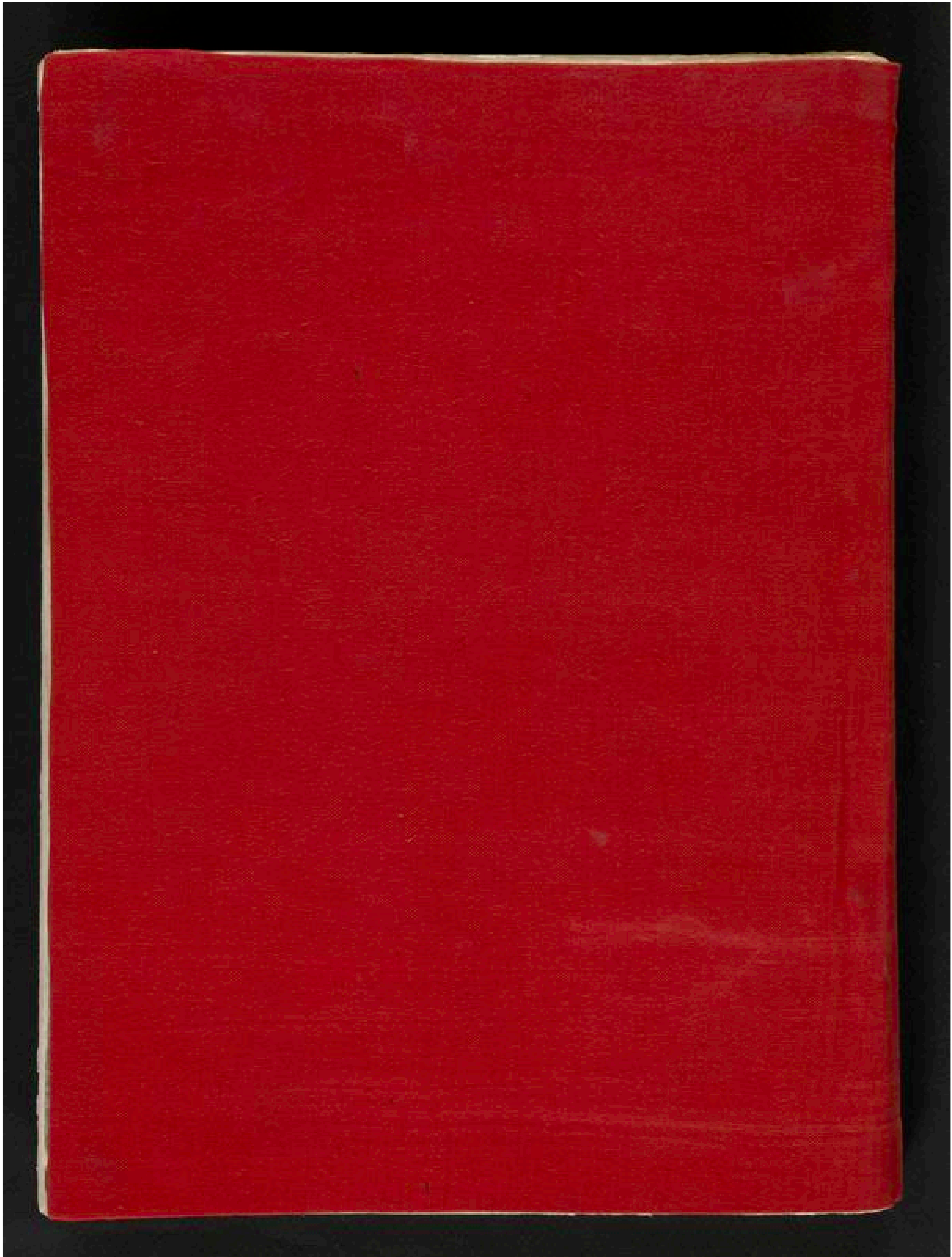




واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

(جریده هفته‌گی حبیب الاسلام — سال اول شماره اول

ثبت ۵۱/۴/۶۷

اداره خانه ده افغانان کابل — افغانستان — نمره تلفون
سردبیر — غلام محی الدین
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود ·
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است ·
درهر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشر میشود ·
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

حبیب الاسلام

	قیمت سالانه	قیمت ششماهه
درداخل	۵ افغانی	۳ افغانی
درخارج	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

تاریخ قمری ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۴۷

(پنجشنبه)

تاریخ شمسی ۱ حوت ۱۳۰۷ هجری

انقلاب

از چند ماه باینطرف اغتشاشات داخل صفا وسکون وامنیت افغانستان را مختل ساخته بود و بدبختانه این اغتشاشات درتمام این مدت خون ریزی وبرادر کشی را سبب شده بود وعلت یگانهٔ این انقلاب چنانچه واضح است که نتیجهٔ دو امر اساسی بوده یکی اینکه عملیات امیرامان الله خان مخلوع از مفهوم دین مبین درین محیط خارج بود دیگری بی دادی بعضی حکام و کار روایان حکومت سابقه ·

همین دو مسئله اساسی بود که ملت وروحانیون یعنی علمای دین پرور را متنفر و بغضب اورده در دو سمت مشرقی وشمالی ترتیبات انقلاب اماده شد ·

وچون در عالم قاعدهٔ اساسی است که غالبیت ومظفریت بسته باستقامت وشجاعت است همین بود که انقلابیون شمالی که ترتیبات حربی ایشان را دو جوان غیور امیر حبیب الله خان وجناب سید حسین خان اقا وتعبیرات لازمی را یکعده از روحانیون وخوانین محترم مینمودند فتح نموده سلطنت سابقه را منحل ساختند ·

اگرچه امان الله خان برای استیلای سلطنت برای یکمدتی مقاومت وبعد انعه کردند ولی دوام شورش اسباب قناعت از نارضائی ملت گردیده سلطنت را به سردار عنایت الله خان واگذار شدند ولی بازهم استقامت انقلابیون سردار عنایت الله خان را بعد از عقد یک معاهدهٔ تامینی که باعتبار جناب حضرت صاحب قرار داده شد سلطنت را بحضور مبارک امیرصاحب حبیب الله خان واگذار شدند ازین تاریخ اعتبارا یعنی از ٦ شعبان ١٣٤٧ دور سلطنت شرعی شروع میشود چه درتمام پایتخت مظاهر حقیقی دین حنیف اشکار وبعضا بعمل وتطبیق امد · و همه عملیات غیر مشروع که درین سرزمین درین ده سال بنام ترقی روی کار امده بود لغو گردید ·

تنها وتنها چیزیکه از دورهٔ گذشته فرق داده نشد مسئله استقلال است که ملت انرا بخون خود خریده وبرای حفاظت ان تازمان اخر خون خودرا خواهد داد · این بود مختصر حادثه انقلاب افغانستان واینمرتبه و بادرجهٔ که بان خاتمه یافت ·

ولی چیزیکه بان متاسف باید بود همینستکه وقوع انقلابات درممالک یک امر معمولی است و انحلال یا سقوط حکومتها مسئله عادیست مگر انحلال وپارچه گی ملت امر خیلی با اهمیت و حزن یا اندوه اور است اگرچه سردی زمستان واشکالات عبور ومرور باعث بزرگی برای انحلال ملت شده است ولی باوجود این هم وفد هائی که از بعضی ولایات ونواحی برای مذاهمه وتقدیم بیعت امده اند امید را بیگانگی ووحدت ملت تربیه میسازد وخیلی انتظار داریم که علما وروحانیون وخوانین محترمیکه در اطراف وولایت هستند مسئله توحید ملت را اهمیت داده هرچه ممکن باشد بزودی وفد های خودرا برای مذاهمه ومشاهدهٔ حال انقلاب وسعی کردن در یگانگی ملت بشتابند

تا ملت ازهم متفرق نبوده ، مغرضین ازین فرصت استفاده کرده نتوانند بمفاد ایهٔ کریمهٔ
(واعتصمو بحبل الله جمیعا ولا تفرقو)

وبعقیدهٔ ما محترمین وضعیت برای توحید و یگانگی ملت همین است کفی الفور نمایند ، ازتمام نواحی واطراف مملکت بپایتخت اعزام شده بتمام زودی پایتخت را به مملکت خود شریکی ساخته برای تلافی خطر انحلال ملت تحکیم وتائید سلطنت را سعی نمایند .

این ازنقطهٔ نظر داخلی است حالا بد نخواهد بود اگر صدای این انقلاب را در — مطبوعات وعالم خارجی به بینیم .

جراید عالم مسئلهٔ انقلاب افغانستان را اهمیت بزرگی داده هر جریده که نماینده یا — مبلغ افکار یاحزب مملکت خود است . حسب عقیده یا ذهنیت خود وبعضا ازنقطهٔ نظر بعضی — اغراض خود مسئله انقلاب افغانستان را یك رنگی داده است . ازهمه پیشتر جرائد هندی بود که از چند ماه باینطرف حوادث ووقایع داخلی افغانستان را زیر تنقید وتحلیل گرفته مقالات مختلفی از ماخذ های متنوع شایع کرده میرفتند .

ولی درین اواخر لهجه وبیانات ان ها رنگ دیگری غیر ازطبق گرفته است چون دفعتا تغیر لهجه جرائد هندی مسئله قابل غوراست برای رفع سوء تفاهم توضیحات ذیل را میدهم . تایك ماه قبل جرائد هندی برعلیه افغانستان وحکومت ان قلم فرسائی مینمودند واستناد یا محور اساسی اعتراضات انها همه احتجاجات دینی بود . وامروز که علمای شمالی احکام دین مبین را روشن و منور یا قایم ساخته مقتضیات مبارك ان رابعبد ان عمل اورده قطعه منطقه پای تخت را مطلقا واز — همه نقطه نظر (دینی صرف) ساخته اند بازهم اعتراضات انها بلند وبرعلیه علمای محترم ما — نشریات میکنند . اگر در بین امضاات محررین جرائد هنوز ام علما هند نمی بود ما میتوانستیم ازین مسئلهٔ صرف نظر کنیم مگر برای رفع سوء تفاهمات ان علمای محترم هندوستان مدار یا نتیجه — انقلاب را اختصارا ذکر میکنیم :

بعد ازینکه سلطنت اسلامیه حالیه قایم شد ازجمله مقررات وعملیات که برای دفع عملیات بد سابقه که بنام ترقی روی کار امده بود فقرات ذیل است :

چون ناشر علمای هند ازنقطه نظر دیانت و تدین بود یقین است بعد از ملاحظه این مقررات ازذکر کردن عبارتهای رکیك وبیانات تکفیر که جرات بی نزاکت است وبرای علمای محترم سمت شمالی نموده اند صرف نظر نمایند .

<u>مقررات حکومت سنیه حالیه :</u>

رفع حجاب که ازاد گذاشته شده بود لغو وبعوض مقرر گردید که هیچ زن بی محرم خود از خانه نبراید .

مکتبهائیکه درکابل زبان های اجنبی وکفار را باولاد اسلام یاد میدادند لغو گردید .
دیگر مدرسه ها که بچه های اهالی که شرعا منزله دختر بالغه را دارند ویران مکتب ها

دریرهائیکه از مفاد دینی وعلم شرایع واحکام قرانی بران‌ها مرتب نیست بلکه در اعتقاد شان خلل های زیادی واصل میشود یاد میگرفتند. بلی تعلیم هر فرد مسلم جائز است مگر مقصد از علم احکام دین واصول عبادات است نه علوم زیاده لسان خارجه کفره یا نام وبلد وسلاطین ماضیه کفر را یاد گرفتن که اینهمه مکتب ها لغو شد .

مدرسه مستوراتکه دختر ها ازخانه های خود برامده درانجا سبق می خواندند موقوف شد قوانین ونظامات که بمانند ملکها غیره مانده شده بود لغو وعوض ان قضات مقرر وبه تطبیـــق دادن احکام شرع شریف مقرر گردیدند .

همچنین باقی مطلل جزئی وکلی بدکه دراین ده سال بنام ترقی رواج یافته بود ازقبیل سلام های رنگ رنگ یا کلاه فرنگی وبریشی یا موقوف کردن تعدد زوجات وتعیین سن ازدواج ودوائر زیاد بنام تشکیلات ساختن که همه اسباب محوشدن پول بیت‌المال بشمار میرفت اینها همه لغو گردید وبعوض ان پول بیت‌المال بدرک های صحیح وبرای علمائیکه اقامه عبارت و موذنی وبجا اوردن فرائض دین را مینمایند که سابق موقوف بود تعیین شد .

والحاصل امروز در کابل غیر از اصول شرع شریف دیگر هیچ مظهری دیده نمیشود انچه را که حکم خداوندکریم وسنت رسول مقبول امر میفرماید رویکار است .

نمیدانم که علمای محترم هند ازروی چه کینه برعلمای محترمیکه محور واساس این انقلاب بود ماند حمله نموده نسبت های تکفیر ناملایم وغیر مناسب میکنند.

درحالیکه خودشان بیشتر اوضاع سابقه افغانستان را محل شکایت گرفته بودند اگر دین مبین بود روشن واگر شرع شریف بود قایم گردید .

والبته این منتها ارزو ومطلب علمای محترم اسلامی هند باید باشد .

بهرحال فعلا ازتشریح ویا تردید مقالات که بدون سبب بمخالفت دراغلب جرائد هند نوشته شده است صرف نظر کرده مسئله را برای اتیه فقط میگذاریم .

تفصیلات انقلاب واراکین محترم انرا با سوانح ونظریات وخیالات شان مثل جناب سید حسین خان اغا که مقام وزارت جنگ را اشغال وبازوی اول حضور امیر صاحب هستند یا جلالتماب معظم اقای شیرجان خان وزیر صاحب دربار که محترمین عضو تعمیرات داخلی وجلالتماب اقای عطاءالحق خان وزیر صاحب خارجه وجناب اقای عبدالغفور خان وزیر داخله وجناب محمدمحسن خان والی وجناب خواجه تاج الدین خان رئیس بلدیه وبیگر اراکین .

بسم الله الرحمن الرحیم

(تعهدیکه بر ورق سفید قران شریف
ازحضور معین السلطنه نوشته شده)

برادرم حبیب اللهخان ·

به علم معلوم است که من اراده وشوق پادشاهی نداریم چنانچه درموقع شهادت پدر مرحوم من ازین مسئله صرفنظر کردم باوجود میسر بودن وسائل ان درینوقت که امان اللهخان خودرا از پادشاهی خلع نمود بازمن هیچ اراده وذوق پادشاهی رانداشتم مگر ارباب حل وعقد مرکز برداشتن این باررا بمن به اصرار تکلیف نمودند وسعادت ملت واعتلای اسلام رادران نشان دادند من هم ازنقطه نظر اصرار انان قبول کردم اما اکنون که می بینم مسئله به قتل مسلمین می انجامد ازان صرفنظر نموده خودرا از امارت افغانستان خلع نمودم وبه تبع دیگر جماعه مسلمین که بشما بیعت کرده اند من هم بیعت کردم وماموریکه امروز بامن در ارگ وبقید بیعت من وبزرگان ان اشخاص ذیل میباشد · محمد ولیخان ــ عبد العزیزخان ــ محمدسرورخان ــ غلام حیدرخان ــ احمدعلیخان ــ غلام دستگیرخان ــ عبد الغیاثخان ــ عطاالحق خان ــ محمد امانخان ــ محمد امینخان ــ محمد اسحاق خان ــ سید قاسم خان ــ عبد الوهابخان ــ عبد التوابخان ــ شاهمحمود خان یعقوب اللهخان ــ سلطان محمد خان ــ سید احمد خان ــ میرعلی احمد خان ــ محمد اکرم خان بشمول ویپروی من ازقید بیعت بامن برامده باشما بیعت کردند · بر شرایط ذیل اول خودمن با عائله ومتعلقین واهل بیتخود ومامورین مذکور وسائرین انان که در ارگ میباشند وکلیه صاحب منصبان عسکری وافراد نظامی وعمله وخدمه مقیم ارگ از طرف خود ومتعلقین خود ومال وهستی خود مامون بوده از هیچ رهگذر وبهیچ وسیله وحیله اذیتی به انها نرسد دوم خودمن با عائله ومتعلقین خود به قندهار یا خارج میروم باید توسط طیاره به قندهار رسانده شویم ــ سوم محمد ولیخان وعبد العزیز خان واحمدعلیخان را اجازه داده شود که بامن بروند چهارم از مامورین بزرگ نوع کلیکه خواهش رفتن بخارج داشته باشند تا اقلیعد یکماه ازین تاریخ به اوشان اجازه رفتن با عائله داده شود · پنجم تازمانیکه طیاره برای مسافرت من حاضر شود من در ارگ بوده پس از سوار شدن به طیاره وحرکت طبیعی ان ارگ برای شما تخلیه میشود · لیل پنجشنبه پنجم شعبان المعظم سنه ۱۳۴۷ ·

عنایت الله

مایان بندگان ایزد منان عبد العزیز وعبد الحبیب وفقط محمد ولی واحمدعلی علیحده بقران عظیم با امیر حبیب اللهخان چنین عهد مینمائیم که ابدا با او خلاف عهد نمی ورزیم وبدخواهی اورا نمی نمائیم ودر داخل افغانستان که سکونت میکنیم قطعا اسباب اغواء وفساد را بمقابل امیر حبیب الله خان فراهم نمی اوریم وچون سائر تبعه افغانیه بزیر حمایت دولت اسلامیه ایام حیات خودرا بسر میبریم · فقط لیل جمعه ۶ شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۴۷ ·

عبد العزیز ــ احمدعلی ــ عبد الحبیب ــ محمد ولی ·

(خدایا به برکت انما المؤمنون اخوه بر اسلام رحم بفرما)

عربســـــــــــتان

حکومت نجد و حکومت عراق عرب .

در زمان خلافت اسلامی تمام ممالک عربستان یک قطعه وزیر اسم عربیت و اسلامیت اداره شده هیچ تفرقه و اختلاف و نزاع و نفاقی از آن سرزمین که مصدر دین مبین است شنیده نمیشد . ولی بعد از شکست یافتن خلافت و سقوط آن این قطعه بزرگ بحکومتها و دولتهای متعدد تقسیم شده همان عربستان بزرگی که بنام عربیت مظاهر اخوت و برادری و یگانگی داشتند یک حصه نجدی شد و دیگر حصه عراقی و یک قطعه شامی و دیگر قطعه لبنانی و پارچه * دیگر حجازی شد که هریک از این قسمت نام خود را یک سلطنت نهادند . و در بین این سلطنتها که براساس قومیت تقسیم شده است رقابت و کشت و خون فظیع و خیلی حسرت آور واقع شد هر کدام بنام غزا و بنام غیرت برخواسته بر قوم یا سلطنت دیگر حمله میاورد .

چنانچه دران روزها همه جرائد بالفصله کرده بود که این حالت رفتار عربستان تنها نتیجه تحریکات دولتهای فرنگی است که میخواستند عربستان را زیر قبضه خود بیارند چنانچه فی الواقع در نتیجه دیدیم :

وقتیکه رقابت و کشت و خون در بین این حکومتهای کوچک واقع شد هرکدام برای مامون بودن از فشار و حمله قوم رقیب خود زیر حمایه گی دولت انگلیس و یا فرانسه را بخوشی خود قبولدار گردید و از امروز تا الحال تمام عربستان به تقسیم حکومت انگلیس و فرانسه داخل شده در هر نقطه آن حکمرانهای یکی از این دو دولت مقرر گردید و اغلب دنیا کشف کرده توانست که این خانه جنگی و زیر حمایه رفتن عربستان در نتیجه مهارت و استادی (کرنیل لارنس) انگلیس مشهور بود که خود را بلباس عربیت ملبس ساخته بعد از اینکه لهجه و عرف و عادات عربیت را اموخته توانست که از خانه جنگی عربها استفاده کرده اینها را طرفدار دولتهای دوست انگلیس بگرداند . بهرحال اینهمه مسائل گذشته تاریخی است و چیزیکه مارا بایراد کردن این عبرت تاریخی وادار ساخت شنیدن خبر پیدا شدن نزاع بین حکومت نجد و عراق عرب است که قبائل سرحدی این دو مملکت که ازیک نژاد و متدین بیک دین شریف اند مابین خودها محاربه کرده یک طیاره * که در سرحد عراق بود پرواز کرده و در علاقه * نجدیها بذریعه * بمبارد مان چندین خانه را بر زنها و اطفال و موسفیدانیکه دران سکونت داشتند ویران نمود گویا مسئله کسب وخامت کرده است و شاید این نزاع موجوده منجر بقتل و قتال گردیده باز دوباره خبرهای محزن را از آن سرزمین بگوش ما برساند که نجدی بنام (غزا) عراقی را قتل و عراقی نیز بنام (غزا) نجدی را قتل کند .

در بین حکومت عراق و حکمران انگلیسی که بصفت اداره و مراقبت عراق موجود است مخالفت واقع شده است که اصل منشاء این خلاف راجع به بعضی مواد معاهده تازه * است که بین حکومت انگلیس و حکومت عراق عقد شدنی است که مواد مذکوره اختیارات داخلی حکومت عراق را علاقه داشته اسباب مختاریت و نفوذیت حکمران دولت انگلیس در عراق میگردد .

مابین امام یحیی
وابن سعود حتما جنگ نخواهد شد

علت اختلاف .

اختلاف بین امام یحیی وابن سعود بطوریکه بعضی ها خیال کرده اند یک اختلاف ظاهری وسطحی نیست بلکه این اختلاف عمیقی است که دارای علل وعوامل معنوی ومادی است :

اختلاف معنوی این دونفر بواسطه تفاوت مابین مذهب زیدی ومذهب وهابی است قضیه خرابی وعملیاتی که وهابیها در حجاز نمودند تاثیر بسیار بدی در اهالی یمن که زیدی مذهب هستند نمود و آنها ازنقطه نظر مذهب این بی احترامی را یکی از جنایات بزرگ شمردند واگر تدبیر وحزم امام یحیی نبود قطعا تاکنون یمنیها بحجاز حمله ور بوده باوهابیها جنگ های خونین نموده بودند علاوه بر این یمنیها از قضیه خونینی که چندی قبل واقع شد وبالنتیجه ششصد نفر ازاهالی یمن بدست وهابیها مقتول شدند خیلی عصبانی هستند اما اختلاف مادی ابن سعود وامام یحیی نظر بفواید اقتصادی وسیاسی این دوپادشاه است .

آیا جنگ واقع خواهد شد .

تاکنون بین امام یحیی وابن سعود جنگ بوقوع نه پیوسته با اینکه اسباب وقوع جنگ کاملا موجود بوده است وعلت عدم وقوع جنگ بین این دونفر برای این است که هردو نفر مستغرق مشکلات سیاست خارجی بودند ؛ وامام یحیی از یکطرف مشغول حل مشکلات سرحدی عدن واختلافاتی که در این موضوع با بریتانیا دارد بوده وابن سعود نیز مشغول محکم کردن سرحدات نجد بوده برای اینکه نجدرا ازحملات عراق مصون نگاه دارد واگر این دوقضیه نبود قطعا جنگ بین امام یحیی وابن سعود واقع شده بود .

قشون امام یحیی و ابن سعود .

امام یحیی دارای یک قشون نظامی است که عده آن ۱۲ هزارنفراست وهمه متحدالشکل ودارای یکنوع اسلحه میباشند وتحت سرپرستی یکعده صاحب منصبان نظامی هرروز ۸ ساعت مشق نظامی میکنند وتمرینات جنگ نظامی رابعمل میآورند .

قشون امام یحیی دارای توپخانه ایست مرکب ازدویست توپ واین توپها را امام یحیی ۸ ماه قبل ازایتالیا خریده است وانها ازسیستم توپهای امریکائی هستند برای این توپخانه امام یحیی تاکنون یکعده توپچی تهیه کرده ومشغول تمرین هستند دیگر آنکه قشون ابن سعود هم در مقابل دارای صد توپ است از سیستم توپهای اطریش اما ازحیث عده قشون امام یحیی وابن سعود در آن قسمتی که ممکن است جنگ واقع شود تقریبا مساوی اند اما وضعیت نظامی وجبهه جنگ برای امام یحیی بیشتر از ابن سعود مفید ومساعد است زیرا قشون ابن سعود برای جنگ

با امام یحیی باید از محل دور دست بمیدان جنگ حاضر شوند درصورتیکه قشون امام یحیی بمیدان جنگ حاضر چندان دور نیست محتمل است نقشه جنگی ابن سعود در یمن این باشد که به تهامه هجوم کند .

عجایب یک اداره روزنامه

در اداره روزنامه مانچستر گاردین که از جراید مهم انگلیس است دستگاه تلگرافی جدیدی نصب کرده اند ویکی از عجیب‌ترین دستگاه‌های تلگرافی است که تاکنون در اروپا و امریکا وجود پیدا کرده . اداره روزنامه مزبور دارای اطاق مخصوصی است در شهر لندن و میان این اطاق تحریر و مرکز اداره که در شهر مانچستر است سیم تلگرافی مخصوصی است که میتواند چندین خبر تلگرافی را در آن واحد مخابره نماید خواه این تلگرافات از لندن به منچستر یا بالعکس مخابره شوند عجیب تر اینکه در اداره روزنامه مزبور پنج ماشین تحریر است که خودشان تلگرافاتی را که از لندن میرسد تحریر میکنند باینطوریکه در اطاق تحریر روزنامه که در شهر لندن است پنج ماشین مثل آن ماشینها موجود است که پشت آنها اشخاصی نشسته ومطالب را ماشین میکنند تمام این نوشتجات بوسیله یک سیم در یک موقع بمنچستر مخابره میشود ووقتی اینها باداره تلگراف روزنامه میرسند از دستگاه مخصوص عبور میکنند و آن دستگاه اینها را ازهم جدا کرده وبین آن پنج ماشینی که در اداره روزنامه است تقسیم میکند واینها خودشان مطالب را تحریر میکنند .

مدیر تلگراف این روزنامه در منچستر در حضور شخصی اخیرا امتحان ذیل را که یک نمونه از فعالیت و سرعت عمل آن اداره است بعمل آورد اولا بآن شخص گفت سوالی از این دستگاه بکن او پرسید هوای لندن چه جور است ، مدیر تلگراف چند دفعه اشاره بدستگاه تلگراف که جلو او بود کرد وناگهان در مدت کمتر از یک ثانیه در روی یکی از ماشینهای تحریر دیده شد که نوشته (هوا صاف است وخورشید میدرخشد)

(شفق سرخ)

سیاست عمومی عالم

خلاصه از جرائد خارجی

اگر یک نظر عمومی بر سیاست عالم انداخته شود در هر طرف آثار کدورت وتیره گی ظاهر میشود بحدیکه گفته میشود تا این تیره گیها خیلی اسباب بدبختی میگردد اشکالات سیاسی بین دولتهای بزرگ وکوچک در نتیجه جنگ عمومی پیدا شده وتا امروز حل نشده وروبحال خود مانده ، رفع مسئله تاوان جنگ و گذاشتن روی فرانسه وقرضه های جنگ عمومی وتقسیمات سرحدات بین بعضی دولت ها ومسئله خلع اسلحه بری وبحری ودیگر خطرهائیکه تیره . طمع کاری دولتهای بزرگ اروپا است وتقسیم هائیکه از اتحاد بعدم توافق مصلحتهای دول

بزرگ بوجود امده رفت این همه قضیه های مشهور است و اشخاصیکه دائما جرائد را مطالعه میکنند از تیرگی این قضایا اطلاع دارند و البته واقف خواهند بود هریک ازاین قضیه ها ازروزیکه پیدا شد تا امروز جز وخامت و تیرگی و اشکالات دیگر نتیجه * نرسیده که اگر کدام روزی خطره * یک جنگ پیدا شود این قضیه ها برای گرم ساختن و برافروختاندن آن مساعد بزرگ خواهد شد صرف نظر ازاین قضیه ها در وقت حاضر اغتشاشات داخلی از ممالك و منطقه های دنیا پیدا شده است که بودن این اغتشاشات در وقت حاضر در حقیقت از همه قضیه هائیکه بالا ذکر شد مهمتر و خطرناکتر است مثلا انقلاب داخلی یوگوسلاویا و بلوای بزرگیکه تازه در اسپانیا پیدا شده اگرچه حکومت اقدارا انرا فرو کرده است ولی ثابت است ارامی تملیکه در اسپانیا حکمفرما است یک کون بوقت و عارضی است و بمراحل تازه و ضعیفه خود راضی نیست ازاین رو پیش بینی میتوان کرد که بلوای مذکور دوباره تجدید شدنی است و انقلاب کوچکیکه راجع (بعسکر بحریه) در انگلستان پیدا شد (اگرچه این قضیه بامور سیاسی کمتر علاقه دارد) و دیگر مشکلات متعدد دیگر که راجع بمعاهده تحریم جنگ بین (بعضی) دول مغربی است و اشکالیکه بین حکومت عراق و انگلستان با عاقدنامه بین عراق و تجدد و اتفاقات اینها به وخامت اوضاع سیاسی عمومی را نشان میدهد .

افغانستان در جرائد خارجی

خبرلندن : یکی ازنماینده های پارلمان در لندن از وزیر خارجه انگلیس توضیحا خواسته است که آیا حکومت انگلستان در مقابل حالت حالیه * افغانستان چه رویه و سلوك خواهد داشت ، وزیر خارجه بجواب گفته است حکومت انگلیس در اغتشاشات داخلی افغانستان هیچ مداخلتی نخواهد کرد . و پیدا شدن یک حکومت مرکزی اصولی که تمام ملت انرا تائید وطرفداری کند حکومت انگلیس انتظار میکشد .

کرنیل لارنس و افغانستان .

خبرلندن : جمعیت مخالفین استعمار در (تورهیل) بحضور یک جمع غفیر نطقهای مفصلی برعلیه حکومت انگلیس خود ایراد نموده گفتند که حکومت انگلیس میخواهد که افغانستان را زیر قبضه خود بیاورد و نطق مستر ماکلنانالا که از اعضای این جمعیت است مؤثرتر از همه نطقها بود که مخصوصا برعلیه کرنیل لارنس بیانات داده از اقدامات خفیه خیز او در سرحدات افغانستان خیلی اظهار تنفر کرد .

انکار علاقه کرنیل لارنس
(بوقایع افغانستان)

خبرلندن : کرنیل لارنس کاتب رسمی دارد که مخصوصا بجمع کردن سوانح و یاد داشت او مکلف میباشد .
نام این کاتب مستر (رویر تگریف) است که جریده * (سند اروواکر) ازطرف این کاتب یک خبر نشر کرده .
میگوید نسبتهای که راجع بعلاقه * داشتن کرنیل لارنس بشورش افغانستان شایع میشود غلط است . و شاید

کدام کمپنی که ناول‌های ت لارنس مذکور را در هندوستان تجار کرده است این خبر را شایع کرده باشد تا بتواند از این شهرت استفاده تجارتی برای ناول خود بنماید ·

خبرهای علوم و اختراع و مدنیت

اهمترین اختراعات و اکتشافات در سنه ۱۹۲۸ علوم و اختراعات خصوصاً در این سالهای اخیر گامهای بزرگتر را بجانب پیشرفت گذاشته میرود · و هیچ ماه و یا هفته نمیگذرد تا خبر یک اختراع تازه و اکتشاف نوی را نشنویم · اینک برای خوانندگان خبر مختصر از اهمترین اختراعات و اکتشافات که در سنه ۱۹۲۸ـ یعنی در سال گذشته بوجود آورده شده است از روی یک مجله علمی مصر ترجمه میکنم ·

در سنه گذشته حصه بزرگ اختراعات و اکتشافات نصیب المانیها و امریکائیها شده است موتر و طیاره که بدون پترول بذریعه " پتاقی های بارود براه می افتد ـ اگرچه این اختراع تازه است و هنوز صورت ـ ابتدائی و بهترین خود را نگرفته است ولی باید اعتراف کرد که اهمیت خیلی بزرگ دارد · زیرا همه میدانیم که پترول در عالم نسبت بمقدار استعمال و بکمی است · ازین رو اگر ممکن شود که موتر و طیاره بی پترول راه ـ انداخته شود البته یک فایده بزرگ بشمار میرود ·

مشغلات

مسافرت به کره زهره

اختراع اتومبیل و طیاره فشفشه دار

تخم مرغی را پیدا کنید سر آنرا یک سوراخ و ته آنرا یک سوراخ بکنید بطوریکه یکی از این سوراخها از دیگری قدری بزرگتر باشد سپس سفیده و زرده تخم مرغ را خالی کرده و آنرا پر از آب بکنید و یکی از ان سوراخها را ببندید بعد از آن یک تخته برداشته چهار میخ روی آن بموازات یکدیگر بکوبید بطوریکه بشود تخم مرغ را روی آن چهار میخ با اینهم کره بلندی از سطح تخته قرار داد · سپس زیر تخم مرغ را شمع یا شی که شعله ور باشد قرار دهید و چوب و تخم مرغ را روی آب بیندازید خواهید دید که ان تخته و تخم مرغ آب را شکافته بسرعت یک کشتی روی آب حرکت میکند علت حرکت این است که آب داخل تخم مرغ در اثر حرارت آتش زیر ان تبدیل به بخار ـ میشود و چون هیچ راهی جز سوراخ کوچک سر تخم مرغ برای خروج بخار نیست علیحاله فشار به این نقطه آورده تخم مرغ و چوب را بسرعت جلو میبرد · این قاعده علمی است که بر روی آن هواپیمای جدید را میخواهند ایجاد کنند و این هواپیمای جدید بوسیله فشفشه ای که در قسمت عقب آن قرار گرفته بسرعت در هوا حرکت خواهند نمود و انتظار دارند بوسیله اختراع این هواپیمای فشفشه دار به کرات سیاره ها مسافرت نمایند ·

در اول تابستان گذشته جراید اروپا نوشتند یک اتومبیل از این قبیل یعنی اتومبیل فشفشه دار در ـ برلن تحت امتحان قرار داده شده و آن اتومبیل دارای دوازده لوله در عقب است و از آن لوله ها دود خارج

میشود که در موقع خروج از دود اتومبیل را بسرعتی که نظیر آن هیچ دیده نشده بجلو حرکت میدهد واحتمال میرود سرعت سیر این اتومبیل شگفت دار چندین برابر بشود .

این اتومبیل دارای موتوری که بوسیله سوختن داخلی ایجاد تولید قوه کند وسپس قوه از موتور به چرخها برسد وانهارا بحرکت آورد نیست ولی دارای شگفته ایست که روی چرخهای آن قرار داده شده و در پشت سر اتومبیل مزبور جا گرفته وقتی آن شگفته شروع باشتعال نمود کارهائی از آن خارج میشود که آنها اتومبیل را بسرعت هرچه تمامتر جلو میبرند این وضعیت و ساختمان اتومبیل چندی قبل بود که جراید نوشتند و اینک یک اتومبیل جدیدا ساخته اند که روی همین قاعده و با همین قوه حرکت میکند منتهی در داخل آن لوله هائی است که در اطراف آن لوله ها استوانه هائی قرار داده شده که در آنها مواد یاستکه وقتی مشتعل شوند گاز هائی از آنها تولید میشوند که فشار باطراف استوانه ها میاورند وچون هیچ منفذ برای خروج جز دهانه های لوله ها نیست ناچار گازها فشار میاورند که از آن دهانه ها خارج شوند و در موقع خروج اتومبیل را مثل یک تیر بطرف جلو سوق میدهند راننده کان این اتومبیل میگویند که این اتومبیل بدوا حرکتش بطئی وسپس تدریجا تند میشود تا اینکه به منتها درجه سرعت سیر میرسد اتومبیل المانی که روی این قاعده علمی درست شده تاکنون بسرعت ۱۰۰ میل در ساعت رسیده این سرعت بعد از آن است که فقط قریب دودقیقه بطور کند تر حرکت کرده ولی این اتومبیل هنوز در دوره امتحان وتجربه است وهنوز کامل نشده است .

سرعت سیر چنین اتومبیلی تا چه حد خواهد رسید مسلم است تعلی که این اتوموبیل را برای امتحان بحرکت آورده اند چندان مناسب نبوده برای اینکه اتوموبیل هشتاد درجه سرعت سیری که میتواند حرکت کند ولی مهندس وراننده وسازنده این اتوموبیل همه معتقدند که میتواند از هشتاد درجه سرعت سیر اتوموبیل هائی که تاکنون در دنیا ظهور نموده اند جلو بیفتد تاکنون اتوموبیلی در سرعت سیر از اتوموبیل (کامل) پیش نیفتاده وسرعت سیر اتوموبیل کامل پیش نیفتاده وسرعت سیر اتوموبیل کامل در زمین مسطح درهر ساعت ۱۱۶ میل بوده است .

این یک قاعده علمی است که اتومبیل روی آن ساخته شده وممکن است این قاعده را در حرکت دادن هوا و قطار آهن نیز استعمال کرد واز قراریکه میگویند فعلا مشغول ساختن یک هواپیما روی این قانون در کارخانه های (ولپ) واقع در (کانزتشتاین) یکی از شهرهای ایالات (کاسل) المان هستند وهوانوردان هواپیما خیال دارند پس از ساخته شدن بوسیله آن به طبقات عالیه هوا که تا اکنون هیچ هوانوردی نتوانسته پرواز کند هوانورد مزبور (انطون راب) یکی از بزرگترین ومعروفترین هوانوردهای اروپاست .

اگر انسان بخواهد بکرات زهره ومریخ یا سایر سیارات مسافرت کند تنها وسیله ایکه او را به آرزوش نائل کند این قبیل هواپیماست وتاکنون وسیله دیگری که آرزوی مزبور را بعمل نزدیکتر کند پیدا نشده است .

مسافرت بین زمین وسیاره ها بالغ برملیونها میل است واین مسافت از هوا خالی است وبهمین جهت وسایل نقلیه فعلی نمیتواند این مسافت را طی کنند زیرا همه محتاج بهوا هستند مثلا بنزین که در اتوموبیل وهواپیما بکار میرود بایستی قبل ازسوختن بهوا مخلوط شود وموتور های هواپیما های معمولی نمیتواند هواپیمارا بالا ـ ببرند یا حرکت دهند مگر اینکه در وسط هوا سیر کنند درجائیکه ازهوا خالی باشد نمیتوانند بلند شوند یا جلو وعقب روند ۰

تنها طریقه ایکه انسان بوسیله آن میتواند بکره ماه مسافرت کند این است که مثل یک گلوله توپی که از دور بهوای پرتاب میشود خودش را بکره ماه بوسایل پرتاب کند ۰ وبطوریکه ظاهر است اتومبیل تشقشه دار که فوقا ذکرشد وطیاره تکه روی این قاعده ساخته شود میتواند این ارزو را عملی نماید ۰

قضیه خروج از دائره جاذبه زمین وحرکت بین زمین وسایر کرات یکی از مسایل مشکل ومهمی است که افکار متفکرین ونویسنده گان وعلما را از قدیمترین ازمنه دنیا تا امروز بخود متوجه ساخته ۰ درسال ۱۸۶۵ (اشل ابرو) کتابی که موضوعش (اززمین تا ماه) بوده نوشت وازان کتاب استعمال تشقشه رابرای پرواز اززمین به کره ماه پیشنهادکرده اما (ژول ورن) فکرکرد اشخاصیکه بخواهند از زمین بکرات مسافرت کنند داخل گلوله های بزرگی شوند وان گلوله ها بقوه باروت وغیره بکره هائیکه بخواهند بان بروند پرتاب بشود ۰

(باقی دارد) (شفق سرخ)

بالا شدن وفرود امدن طیاره باستقامت راسی

میبینیم وقتیکه طیاره به پرواز می اید مجبور میشود که یکمسافه ۰ راه روی زمین رفته تا اینکه بهواشود ۰ وهمچنین در وقت فرود امدن مجبوراست که بچند دوره تدریجی خودرا بزمین برساند ۰ باین سبب بودن یک میدان هموار برای طیاره یکدام لازمی بود ولی درچهار سال گذشته (لا شیرقا) طیاره ساز وطیاره ران ۰ طیاره ساخته توانست که بدون این احتیاج میتواند که باستقامت ازجای خود بهواشود ۰ همچنین در وقت فرود امدن میتواند که بموضع خود باستقامت فرآید بدون اینکه محتاج دوره زدن شود گویا میدان طیاره شرط ضروری نیست ۰

بالون هوائی که ۱۰۰ مسافررابرداشته میتواند

این همبزرگترین ذریعه سفرهوائی بوده است که درسال گذشته درجرمنی ساخته شده که ۱۰۰ مسافر را برداشته میتواند وهمه ضروریا ت وآسودگی مسافرین را دارد ۰ حتی سینما وراديو دراثنائیکه بهواباشد صدای سازها ونقطهای که درنقاط مختلف زمین جاری باشد بشنود ۰

تیلفون بی سیم الته دار

اینهم یکی از عجائب مخترعات سال گذشته است که تیلفون بی سیم استعمال شد بذریعه تیلفون مذکور انسان صدای دوست خیلی دور خودرا بدون اینکه مابین انها سیم وصل باشد شنیده میتواند وعلاوه ازان روی تلفون یک ائینه نصب شده کی استکه انسان میتواند روی کسیکه با او سخن میزند در ان ائینه به بیند ٠

مسایل دینی

ـ تمهید ـ

البته هموطنان عزیز میدانند که جریده یا اخبار از حیث تبلیغ اتخاذ مسلك تابع محیط ودر هر زمان باقتضای زمان راه رفته بوطن وهموطنان خود خدمه میکند ٠ ازاین رو جریده " حبیب الاسلام نظر بحد لول وشعور (اسم) خود درنظر دارد علاوه ازیکعده معلومات مفیدیکه از حوادث و وقایع اخلی وخارجی و سیاست دول خارج به هموطنان خود تقدیم میکند بعضی ازارکان اسلامیت را نیز ازبعضی کتب واثار معتبره " مفید ه منتخب کرده زیرعنوان مسائل دینی بمعرض مطالعه واستفاده " هموطنان خود گذاشته وبا ینوسیله خدمه بزرگی به قارئین عزیز خود کرده باشد ٠

بنابراین درهمیه با محیط وزمان که ازهر طرف تداعی دیانت وتقویه احکام دین بگوش میرسد جریده "ـ حبیب الاسلام درتعقیب نظریه " خود شروع کرد انتخاب از کتاب مستطاب سراج الارکان اسلام راکه این کتاب در زمان امیرصاحب شهید ازفقه دین پروری امیر مرحوم وتوجه وزحمت بعضی ازعلمای علام انوقت مثل حاجی عبد الرازق خان مرحوم وملا عبد الرحمن خان مرحوم وغیره که ازروی احکام متین کتب معتبره فقه " ارکان اسلام به عبارت فارسی شرح وتوضیح شده وحصر نماز وروزه ازکتاب ما حق که بصورت نظم است شرح وتفصیلا بیان شده ـ استوا یعنی اولا احکام روزه را و چیزهای راکه روزه رامیشکنند یا نمیشکنند نظر بمناسبت وقت انتخاب وبحضور قارئین عزیز تقدیم میکند ٠ (انتخاب از کتاب سراج الارکان اسلام)

رکن سوم احکام روزه "ماه مبارك رمضان که انهم تشریح تا بحق وتکمیل ان است ٠

باب نهم در بیان روزه ماه رمضان

نیست درحکم شرع گردانی
از جماع وشراب دور شدن
روزه جز قهر نفس شهوانی
وز همه خوردنی نفور شدن

شرح لغات: (قهر) مغلوب شدن (نفس شهوانی) نفس انسان که مائل به خورد ونوشیدن ولذت نفسانی است ٠
(نفور) رمیده و دور ٠

(حاصل هردو بیت): تعریف روزه :

بیان حکمت خداوند تعالی است در فرض کردن ان میفرماید که حکمت در ان اینست که نفس شهوانی تابع انسان شود سبب ان که انسان تابع وفرمانبردار مولای حقیقی خود شود ٠

روزه نزد اهل شرع نگهداشتن نفس است از خوردن و آشامیدن و جماع با نیتی که از اهل آن حاصل شده باشد از طلوع صبح صادق تا وقت نماز شام و اهل وجوب آن کسی است که عاقل و بالغ و مسلمان و تندرست و غیر مسافر و پاک باشد از حیض و نفاس و مریض نباشد مسافر و نابالغ اگر روزه بگیرند رواست که از اهل ادای آن میباشند ·

فرض دان جمله روزه را نیت	تا بیابی ز روزه امنیت
نیت روزه گر ادا نبود	در قضا جز بشب روا نبود
لیک مر وقتی و نوافل را	تا به پیش از زوال هست روا
همچنین ار خلل طلب نکنی	نیت روزه جز بشب نکنی

شرح لغات: (امنیت) آرزو و مراد ـ (گر ادا نبود) روزه وقتی نباشد · (در قضا) در قضا روزه (نوافل) روزهای نفل ·

حاصل ابیات:

نیت در هر روزه فرض است خواه روزه فرض باشد یا روزه نفل و خواه روزه وقتی باشد یا قضائی ـ اما وقت نیت در روزه قضا شب است و بغیر از شب روا نمیشود و نیت در روزه وقتی و نفل تا پیش از نصف روز رواست و اگر احتیاط کنی و خلل در روزه خود نخواهی که از اختلاف خلاص باشی باید که هر روزه را بجز در شب دیگر وقت نیت نکنی ·

بیان چیزهائیکه روزه را نمیشکند

مگس و پشه در گلو چو پرید	نیست نقصان روزه تو پدید
گر کسی رگ زد و حجامت کرد	می نشاید ورا ملامت کرد
نمک و سرکه که از دهان بچشید	روزه باقیست گر فرو نکشید
روزه باقی بود ولی مکروه	از کراهت مباش بی اندوه
ور کنی صبح روغن و سرمه	بر سر و چشم نیست جرمه
نان که از بهر طفل می خایند	علما اندرین چه فرمایند
گر ضرورت بود روا باشد	بی ضرورت چنین خطا باشد
بفراموشی ار کنی و خوری	هست هر دو ترا هنی و مری
روزه‌ات هست هم چنان باقی	گر تو سیری و گر تو مشتاقی

(شرح لغات)

(رگ زد و حجامت کرد) مراد خون کشیدن است · (مینشاید ورا ملامت کرد) ملامت نیست روزه او بجا است ·
(گر فرو نکشید) بشکم نرسانید · (کراهت) مکروه شدن · (جرمه) گناه · (هنی و مری) گوارا و خوشمزه ·

حاصل ابیات: هفت چیز روزه را نمیشکند ·

اول ـ در گلو پریدن مگس و پشه ·

دوم ـ خون کشیدن است یا از رگ باشد یا حجامت از دیگر بدن ·

سوم — چشیدن چیزی است مثل نمک و سرکه بشرطیکه بشکم فرو نرود لیکن روزه او را گرچه نمی شکند مکروه میکند ·
(از کرامت ماشی بی اندوه)

چهارم — چرب کردن سر است بروغن یا غیر آن ·

پنجم — سرمه کشیدن است در چشم ·

ششم — خائیدن نان است برای طفل بشرطیکه بشکم فرو نرود ·

واین کار در روزه بدون ضرورت روا نیست واگر ضرور نبود که طفل هلاک میشد وشخص غیر روزه دار نیز نبود دراینصورت روزه تو دار روا است ·

هفتم — بفراموشی جماع کردن یا خوردن یا آشامیدن است خواه سیر شده باشد یا اشتهای آن باقی باشد ·

بیان چیزهائیکه روزه را میشکند ·

ور بقصد است خوردن وکارت — لازم آید قضا و کفارت

گر خوری آنچه او غذا نبود — برتو لازم بجز قضا نبود

همچه سنگ وکلوخ آهن وروی — نبود زین قبیل گل سرشوی

شرح لغات: (کارت) مراد جماع کردن است · (قضا) قضای روزه · (کفارت) بیان کفارت در آینده در نظم کتاب میشود · (غذا) چیزیکه بدن بآن قوت میگیرد مانند طعام وغیره · (باقی دارد)

اطلاع از اداره

بذوات محترم قلم داران !

لطفا وقتیکه نامه نگار اداره بدوائر و وزارتهای ایشان بیاید معلومات قابل درج جریده ووقایع وحوادث لازمه را به او تفصیل وتوضیح بدهند تا جریده از وقایع داخلی خالی نباشد ·

معذرت

نظر به مهیا نبودن سامان زنکوگراف اداره نام جریده را بخط جلی و واضح تهیه کرده — نتوانست انشاء الله بکمال سرعت تهیه خواهد شد ·

مطبع حبیب الاسلام

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

(جریده هفتگی حبیب الاسلام ــ سال اول ــ شماره ۲)

صفحه اول نمره مسلسل ۲

اداره خانه در افغانان کابل ــ افغانستان ــ نمره تیلفون
سردبیر ــ غلام محی الدین
همامور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارد مختار است
درهر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشرمیشود
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

حبیب الاسلام

قیمت شش ماهه	قیمت سالانه
۳ــ افغانی	درداخل ــ پنج افغانی
۸ــ شلنگ	درخارج ــ ۱۰ شلنگ
	یم شماره ۱۰ پول

تاریخ هجری ــ ۵ ۲ رمضان المبارک ۱۳٤۷ (پنجشنبه) تاریخ شمسی ۱۸ حوت ۱۳۰۷ هجری

از اهل غرض احتیاط باید کرد

اگربطورمجموعی بگیریم ازسمعاماینطرف درکابل تشویش وبی راحتی رابتمام معانی ان ظاهر و هویدا میبینیم . زیرا عادت است که اهالی هرپای تخت بهتعب برهای (تیارخورونازکداده میباشند) بیچاره اهالی کابل کهسالهای دراز بحیات ملائم وارام عادی بودند دفعتا بغرش های توپ وصداهای تفنگ وخطرهای مهلک چارگرد بدند گویا درانوقت کهخاطرشان پریشان میبود حزبخطر نبودند ولی حالا که ان دورها تقریبا گذشت وهمان صداهای مهیب به راحت و سکون شانرابرهم زده نمیبود قرارشد هنوزهم در بعضی چهره ها علامات اضطراب وپریشانی میبینیم اگرچه اینکه برکابل گذشت بود انقلاب است وکسانیکه درصفحات تاریخ ملاحظه داشته باشند بهتر میدانند کهانقلاب چیزی اسان نیست کهبدون خطرهای فردی وقحط وگرانی عمومی بگذرد . در

انقلابات عادت بود دانسته که از گناهگاران و بی گناهان جوانان و پیران و طفلان قتل میشوند واز خانه ها گذشته شهرها میسوزد ولی الحمد الله در این حادثه نه گناهگار ونه بی گناه ونه پیر ونه طفل کشته ونه شد خانه سوخت.

مگر چرا با وجود اینهم علامات پریشانی و اضطراب ونا ارامی در چهره واوضاع اکثریت میبینیم وچرا در هر محفل یا مجلسیکه چند نفر یکجا میشوند صدا ی بعضی افواهات و شایعات متنوع صفا وارامی ان محفل را بهم میزند گوئی حوادث ها لی پایتخت را باز بیم شنیدن صداها ی نقلق معیب بحران انداخته باشد . بنظر ما اشخاصیکه باعث شایعات وافواهات وخبرهای اضطرابی میشوند همعنصر هستند و مخصوصا برای دفع اثر افراض انها این مقاله را لقلم نوشتیم معلوم است بزرگترین اسباب بی سعادتی و پریشانی همین است که فکر انسان مضطرب وکدام خدر یرا در تصور داشته باشد وعموم اشخاصیکه امروز افواهات و شایعات مختلف مینمایند جزب سلب راحت عمومی دیگر منظوری ندارند .

اگرچه ما نمیگوئیم که همه مسایل سلطنتی افغانستان فیصله شد وهرچه بود خاتمه یافت بلکه هنوز دامنه دارد وشاید این دامنه تا چند روز دوام بگیرد چنانچه نمیگوئیم که هر خطریکه برای این سلطنت بود گذشت وتمام شد نه بلکه هنوز سلطنت زیر خطر است وبزرگترین خطریکه انرا تهدید میکند انحلال و پارچگی است .

مگر اینرا هم باید بگوئیم اغلبا اشخاصیکه پارچگی وانحلال و پراگندگی این سلطنت را ارزو دارند همان اشخاص هستند که امروز شایعات وافواهات وخبرهای گوناگون تراشیده میروند وبه ذریعه این خبرهای مصنوعی افکار عمومی را پریشان وسلطنت را بیخبر وادراک اهالی را برعلیه یکدیگر میشورانند .

امروز سلطنت ما اندازه اخرین باتحاد واتفاق محتاج است. امروز سلطنت زیر خطر است و بزرگترین خطریکه انرا تهدید میکند پراگندگی وبی اتفاقی است ممکن است دشمنها داشته باشد که بخواهند از پارچگی ان استفاده بکنند ونماینده های این دشمنان بنظر ما تنها اشخاصی هستند که افواهات و تولید شایعات موجب پریشانی را در بین مردم نشر میکنند .

امروز فرض هر فرد است که جز سخن اتحاد واتفاق و یگانگی سلطنت نگوید جز فکر اتحاد و یگانگی سلطنت نکند وجز خبر اتحاد واتفاق و یگانگی سلطنت نشنوند غیر از این هرچه بمیدان امد غرور است . پس از مغرضین اجتناب باید کرد اگر کسی بشما بگوید سلطنت تجزیه ... انقلا

خراب شد یا عقب ماند یا اینکه از وسایل ترقی محروم شد یا اینکه استقلال ان رفت وغلام اجانب گردید ودیگر تبلیغات که ازین قبیل باشد هرچند این عبارتها رنگ و رونق دار باشد مگر انها را هیچ وقت فکر خود راه ندهید وهمین قبیل اشخاص را مغرض بدانید .

زیرا همه مید انیم ویقین داریم که اساس این انقلاب مبنی بر ابادی دین مبین است و چیزیکه بر دین مبنی باشد البته هیچگاه اسباب خرابی نمیشود واگر کسی بگوید مکتب — تعلیم — نظام — قانون — اداره — تشکیلات — برای مملکت لازم است وخوبیشد که ازین پرداشته شد شما بگوئید که ما منکر هیچ کدام انها نیستیم . مگر معلوم است واضحتر و راستر از شرع شریف برای ما تمسکی نیست هرچند بشریعت پاک خود متمسك باشیم وازان استخراج کنیم همان قدر احتیاجات ضروری خود را ازان کشیده میتوانیم . ما منکر نیستیم که افغانستان نسبت به بعضی ممالك عقب مانده است وتیمار دار و احتیاجات زیاد بکار دارد افغانستان دولت است همانند دیگر دولتها قوت سرمایه وتجارت واز ادی ومختاریت بکار دارد میدانیم .

ممالکیکه این چیز هارا ندارند یعنی ممالکیکه برای مدافعه کردن از خود توپ وتفنگ و جباخانه ندارد برای ضروریات احتیاجات معاشی سرمایه از قبیل نقره وطلا وسرود یگر معد نیات ندارند برای وارد کردن پول وتبادل احتیاجات یعنی حاصلات خود را با حاصلات دیگر ممالك تبادله نکنند یعنی موی پوست شکر و بوره و چای وموی میوه وروغن وگندم رخت واهن ومس نگیرد یعنی تجارت نکنند این چنین ممالك هیچ زنده گانی نخواهند داشت وفرضا اگر همه اینها را داشتند واستقلال و مختاریت نداشت در حقیقت هیچ کدام انها را ندارد زیرا اگر مستقل نبود اسیر پادشاه غیر میشود و وقتیکه اسیر بود همان مملکت اورا نمیگذارد از — مملکات وحاصلات خود استفاده بکند . یعنی اورا غلام واسیر ودهقان خود میسازد والبته این بدترین زندگانیها خواهد بود .

این همه را میدانیم ولی چیزیکه ازین مهمتر است انرا هم میدانیم که اساس هرچیز دین است اول دین بعد از ان دنیا بهرحال ازموضوع خود دور نرفته میگوئیم اهمترین چیزیکه فکر ما بطرف ان باشد همینست که تازمان مسائل داخلی مملکتی فیصله شود باید از مغرضین ودشمنان — داخلی یا خارجی خود احتیاط کنیم . زیرا اهل غرض این چنین مواقع باریك را برای نشر کردن شایعات خود فرصت خوب میدانند .

میماند یك مطلب دیگر که انهم ناگفته نماند که مغرضین خود رنگ ولباس وصورت وقیافه مخصوص

ندارد . در هر طبقه واز هر نوع مردم کهباشد خواه بلباس تاجر یا مامور یا اجنبی باشد مجرد یکه ازاو الفاظ تفرقه امیز یا نفاق خیز شنیده شد اقلا باید به حرفهای او اهمیت داده نشود . چه انقلاب گذشته این مسئله را برای ما واضح ساخت که شایعات واشخاص مغلطه خواهش یا فقیر حتی در لباس عالم در امده تلقینات خودرا بمردم مینمایند ودیدیم که از یکطرف علما یحدیکه برای حدمتدین کمربست نمودند ازطرف دیگر بعض علماء دیگر که ریشه اساس انها حتی درهند رسیده بود (وشاید بدیگرایحد متمکردند) نسبتهای بیزاکترا بعلمای حقوقی ماکرده مسئله را به تکفیر میرساندند گویا اسانترین فیصله درنزد اینها والعیاذا بالله تکفیراست.

ازطرف دیگر میدیدیم کهبعض عبارات ازچند طرف هرکدام بمفاد خود تراستعمال میکند ـ (واعتصموا بحبل الله . . . الایه ودیگر ایتهای) عبارتیکه درچارطرف مملکت بمفرض اشخاص استعمال میشد حاشا وکلا در دین ما تفرقه باشد وسوء استعمال ایتها بزرگترین گناه هاست.

این تجربه ها را دیده لاچار شدیم کهمطالعین عزیز خودرا اگاه وفکر شانرا بطرف اتفاق واتحاد واجتماع ملتفت سازیم.

بسم الله الرحمن الرحیم

بیعت نامه مامورین ولایت قطغن و بدخشـــان

الحمد لله ما انعم وعلم من البیان مالم تعلم والصلواة والسلا م علی رسوله محمد سید العرب والعجم وعلی الهواصحابه ذوی المجد والکریم وبعد یوم تفقد سه شنبه ۲ رمضان المبارک ۱۳۴۷ ما اهالی خطه بدخشا ن از علما وسادا ت وجمهوری معتبرین در موضع خانابا ن حاضرگردیده دو قطعه حکمنامه ولایت قطغن بدخشا ن کهیکی نمبرده م مورخه ۲۳ (دلوشمسی ۱۳۰۷ ودیگرش نمبر ۶۱ مورخه ۵ (شهر شعبا ن المعظم بامضا جناب حضرت صاحب فضل احمد خا ن اقای مجددی و جناب عظیم الله خا ن نائب الحکومه صاحب و جناب مولوی محمد میرزا خا ن رئیس صاحب عمومی میرزا شهنوازخا ن وکیل حکومت کلا ن بدخشا ن وعلما وسادا ت ومعتبرین وغیرها اهالی اینولا درساعت ۵ بجه شام روز دو شنبه اول شهر رمضا ن المبارک وارد شد مبود حالا کهیوم سه شنبه ۲ شهر مذکوراست قرائت گردیده خلاص.

مضامین ان کهبیعت نمودن اهالی مرکز ولایت قطغن با مارت اعلیحضرت امیر حبیب الله خان بود درانسعکردیده بحکم ایه وافی الهدایه یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول و

اولی الامر منکم و بحکم مسائل اعتقادیه شرعیه لابد للمسلمین من امام یقوم بتنفیذ حقوقهم و سد ثغورهم وتجهیز جیوشهم وقهر المتغلبة والمتلصصة وتزویج الصغیر والصغائر ونصب الحکام والقضاء واقامة الجمع والاعیاد وامثالها .

ونظر بترویج واحیاء دین متین حضرت سید المرسلین علیه الصلوة والسلام که از ذات با برکات حضور شاهانه قرار حکمفرما واطلاع ولاینقطع بعد خشان صادر گردید ما علیحضرت امیر حبیب اللهخان را امارت وپادشاهی خود ها قبول کرد بیعة اتحد وبیعت نموده از خداوندی نیاز بکمال خلوص نیات تبر قرار پر دوام ماندن همچو پادشاه مترقی خواه دین نبوی محمدی صلی الله علیه وسلم را استدعا وسئلت داریم واز حضرت خداوند بی مانند توفیق ان ذات شاهانه را برای عبودیت ربانی واطاعت اوامر ونواهی الهی واستقامت بشریعت غرا نبوی محمدی علیه الصلوة والسلام وتوفیق اطاعت خود ها را حسب الشرع برای اولی الامر خود ها بدعا طالبیم . تحریر یوم سه شنبه شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۴۷ .

امضاء . امضا . امضاء ... الخ

(حاصل ابیات)

روزه نفل بشروع کردن دران لازم میگردد پس اگر کسی بعد از شروع روزه نفل را خورد باعذر ویا بیعذر قضای ان بروی لازم است وکفاره ندارد .

باب دهم . در بیان کفاره روزه رمضان .

گرکسی قصد کرد درخوردن　　بنهار ومجامعت کردن
شصت مسکین طعام باید داد　　یا یکی بنده کرد نش آزاد
یا دوماه روز را پیاپی دار　　تا شوی از حیات برخوردار

شرح لغات . (نهار) روز مجامعت جماع .

(حاصل ابیات)

اگر کسی روزه فرض وقتی رمضان را بقصد خورد یا در روزه ان بقصد جماع کرد روزه او— می شکند وقضائی ان بروی لازم می شود با کفارت چنانچه پیشتر ازین بیان شد وکفارت ان آزاد— کردن یک غلام یا یک کنیز است واگر بران قدرت نداشت دوماه پیاپی روزه بدارد واگر توان انرا نیز نداشت شصت مسکین را طعام بدهد ومراد ازمسکین در اینجا کسی است که مالک هفتاد روپیه کابلی زیاده از حاجت اصلی خود نباشد وطریق طعام دادن این است که هر مسکین را

باندازهٔ صدقهٔ فطر طعام بدهد که سه ونیم پاو ویک خورد بجز کابل گندم ویا یک چهارپاو وسه ونیم پاو جو می شود ویا قیمت ان را بدهد .

خاتمه

از برای تو اینقدر گفتم — یادگیر که مختصر گفتم
هرکه این را بعد ازین خواند — واجب وفرض نقل حق داند

شرح لغات

(مختصر) کوتاه.

حاصل هردو بیت :

اینقدر گوهر بیان احکام شرع را که در رشته نظم درآورم چرخ از عمر خدا عزیز را بسر بردم همه را برای تو گفتم. ومیباید که تو عمر خود را بخششگی رانی واین گفتار مرا هزل وسخریه ندانی وان را یاد گیری که بسیار کوتاه ویا فایده گفتم وهرکه این نظم بعد ازین را بخواند ویا کند فرض واجب نقل نماز وروزه و وضو وتیمم را میداند .

رکن چهارم در احکام زکوة

زکوة رکن چهارم از ارکان اسلام است که بعد از نماز مقصود تر وبهتر عبادات است که در سی ودو جا پیوسته با نماز در قران مجید وفرقان حمید ذکر شده است وکثرت ذکر ان دلیل شرافت واهتمام ان ست ولفظ زکوات در شرع عبارت از تملیک نمودن جزء مال است بمصرفان که مانع جواز در او نباشد چنانچه در احکام مصرف ملفظ زکوات میاید بطریقی که در شرع معین شده است که بیان ان طریق نیز می اید وبلفظ تملیک احتراز است از اباحت ومعنای اباحت اینست که مثلا طعام را جهت خوردن بمصرف زکواة مباح کرده باشد وتملیک نکند ووی بخورد پس درین صورت از زکوات روا نمی شود که تملیک نکرده است وبلفظ جزء مال احتراز است از منفعت مال یعنی درعوض زکوات جزء مال ادا نکرده از منفعت مال درعوض زکوات بدهد چنانچه اگر فقیری را درخانهٔ خود یکسال سکونت داد بنیت زکوات رانموده بود پس زکوات او محسوب نمی گردد بلکه لازم است که از اصل مال زکوات جزوی را ادا کند وشرط های فرض شدن زکوات وسبب ان شش چیزی است اول عقل پس بر دیوانه فرض نیست دوم بلوغ است پس بر کودک فرض نیست — سوم اسلام است پس بر کافر نیست — ۴ آزادی است پس بر غلام نیست — پنجم طرف داشتن است بفرض زکوات که گرچه علم حکمی باشد چنانچه بفرض بودن ان عالم نباشد ودر دار اسلام باشد پس اگر کسی که در دار حرب اسلام آورده باشد وسال برو

گذشته باشد لیکن فرض بودن زکوة علم نداشته باشد بروی فرض نیست بخلاف کافریکه در دار الاسلام ایمان آورده باشد و فرض بودن زکوة علم نداشته باشد که زکوة بروی فرض است که او حکما علم دارد .

ششم . مالک نصاب است پس بر مالک کم از نصاب زکوة فرض نیست و بیان هر مال زکوة بعد ازین بیاید و در ملک انشاء الله تعالی چهار چیز شرط واجب شدن زکوة است اول اینکه ملک مالک دران نصاب تمام باشد یعنی مالک رقبه و تصرف را باشد پس بر مکاتب زکوة فرض نیست که ملک او ناقص است یعنی مالک تصرف است دران نه مالک رقبه، اینچنین بر غصب کننده در مال غصب کرده شده و در مال مضاربت بر مضارب فرض نیست .

دوم : انکه سال بران نصاب گذشته باشد و اگر چنین نبود زکوة دران فرض نیست

سوم : اینکه فارغ باشد از دینیکه از طرف بنده خواسته میشود خواه حق خدای تعالی باشد مانند زکوة یا خراج یا حق بنده باشد و اگر از طرف بنده خواسته نمیشد و حق خدای تعالی بود مانند : نذر و کفارت فرض بودن زکوة را منع نمی کند .

٤ : اینکه فارغ باشد از حاجتهای اصلی و سکونت کردن و پوشیدن رخت و اسباب خانه و سلاح حرب و کتابهای خواندن و کنیز و غلام خدمت و اسپ سواری زکوة فرض نیست .

٥ : اینکه زیاد شونده باشد بزیاد شدن حکمی خواه بزیاد شدن حقیقی دران باشد خواه نباشد و زیاد شدن حکمی بسه چیز میشود .

اول نقد بودن مال است یعنی زر و سیم بودن خواه مسکوک باشد و خواه غیر مسکوک چون زیور و ظروف وغیره در نصاب زر یا نقره . دوم . چریدن است در صحرا در مال زکواتیکه از جنس حیوانات باشد . سوم . نیت تجارت است در غیر این چیزها ذکر شده .

زکات در چند چیز نیست

اول در کسب غلام که خواجه او بتجارت اورا اذن کرده باشد .

دوم در مالی که کسی آنرا گرو داده باشد پیش از قبض کردن ان .

سوم در مالی که آنرا خرید برای تجارت قبض نکرده .

٤ : در مقدار دینیکه از طرف بنده خواسته میشود و مالی که زیاده از قدر دین آن باشد اگر بقدر نصاب میرسید زکوة آن فرض است که بدهد .

٥ : در جامه های بدن که بران حاجت داشته باشد برای دفع گرما و سرما .

۶: در مالی که از مالک غایب شده باشد وغالب گمان چنان باشد که بدست نمی اید . مانند مال گم شده که انرا بعد سالها یافته باشد ومالی که بقعر دریا افتاده باشد بعد سالها انرا کشیده باشد ومالی که ازو بغصب گرفته شده باشد وشاید ان بر غصب کننده نداشته باشد ومالی که انرا در بیابان دفن کرده باشد وجای انرا فراموش کرده بعد از سالها انرا یافته باشد و دینی که دین دار او سالها منکر باشد وشاهد ان نیز بران نباشد بعد ازان ان دین برو برسد ومالی که ازو بظلم گرفته شده باشد بعد از سالها باو برسد پس درهمه این چنین مالها زکوات ان سالهائی که مال در انها برو نرسیده بود لازم نمیشود سبب لازم شدن ادای زکوات توجه خطاب خداوند تعالی به بنده است .

درین قول او: جل جلاله (واتوالزکوات) شرط فرض شدن ادای زکوات سه چیز است اول گذشته سال بر نصاب که در ملک مالک باشد دوم بها بودن مال است مانند درم یا دینار یا چریدن در صحراست در اکثر سال وچهار پایان یا نیت تجارت است در مال های منقولی بجز از زر وسیم وچارپایان .

۳: خالی بودن مال نصاب است ازجهت و پلیدی مانند ربح چیز فروخته شده به بیع فاسد زیرا که ان مال خبیث با ان ربح واجب است که صدقه کرده شود پس فایده نیست در واجب کردن صدقه بعض ان .

شرط صحیح شدن ادای زکوات

نیت است که پیوسته با باشد یاد اگر دن ان بمصرف ویا بوقت جدا کردن مقدار زکوات یا صدقه کردن است همه مال نصاب را اگرچه به نیت نفل باشد .

(فرض شدن زکوات)

بخواست بعضی نزد وجود نصاب با شرایط وجوب ان بمجرد گذشتن سال ادا برو فرض میشود پس اگر بدون عذر شرعی تا خیر در ادای ان کرد گنه کار میشود وشاهدی او قبول نمیشود .

(مالهائی که زکوات بران ها فرض است)

سه قسم است اول چار پایان چرنده است و ان نزد اهل شرع انست که در بسیاری از سال در صحرا بگیاه مباحه اکتفا کند برای قصد شیر ونسل وزیاد شدن فربهی پس اگر مالک در نصف سال انها را کاه از خود میداد ان شرط چرنده گفته نمیشود پس زکات انها بر مالک فرض نیست و اگر انها در صحرا فقط برای سواری وگوشت خوردن نگهداشته بود نیز زکوات فرض نیست .

دوم طلا ونقره است سوم مال منقول اما در قیمت خانه وزمین زکات نمی شود (مال های چرنده که زکات در آنها واجب میشود) سه اند اول اشتر دوم گاو سوم گوسفند بز.

(زکات اشتر) (تشریح اسامی) اشترهای که در زکات لازم است داده شوند —

(بنت مخاض) اشتر ماده ئی است که یکسال بران کامل گذشته بسال دوم داخل شده باشد.

(بنت لبون) اشتر ماده ئی است که دو سال بران کامل گذشته بسال سوم داخل شده باشد.

(حقه) اشتر ماده ئی است که سه بران کامل گذشته بسال داخل شده باشد (جذعه) اشتر ماده ئی است که ٤ سال بران کامل گذشته بسال ٥ داخل شده باشد. و ٤ اشتر عفر است یعنی دران زکات نمی شود اول نصاب اشتران ٥ است. دران یک گوسفند میانه میشود. دوم ده است دران دو گوسفند میانه میشود. سوم ١٥ است دران سه گوسفند میانه میشود. چهارم بیست است دران ٤ گوسفند میانه میشود. پنجم ٢٥ است دران بنت مخاض میشود.

٦— ٣٦ است دران بنت لبون میشود. — ٧ — ٤٦ است دران حقه لازم است.

٨— ٦١ است دران جذعه لازم است. ٩— نصاب ان ٧٦ است تا نود وبنت لبون دران واجب است.

١٠— نصاب ان ٩١ است تا ١٢٠— دو حقه دران واجب است بعد از ١٢٠ فرض زکات از سر گرفته میشود یعنی در پنج اشتر یک گوسفند ودر ده دو گوسفند ودر ١٥— ٣ ودر ٢٠ ان چهار گوسفند لازم است ودر ٢٥ که مجموعه انها ١٤٥ میشود یک بنت مخاض با ان دو حقه که در ١٢٠ بود لازم میشود پس در هر ٥٠— یک حقه شد ودر ٢٥ بنت مخاض شد چون ٤ دیگر دران افزود که یکصد وپنجاه شود دران ٣ حقه واجب میشود ودو در هر ٥٠ یک حقه در این بار از سر گردانیدن فرض زکات بنت لبون ازمیان برامد از بنت مخاض بحقه رسید چون به ١٥٠ رسید بازفرض زکوات از سر گرفته میشود یعنی در پنج اشتر یک گوسفند میشود ودر ده دو — و در ١٥ سه — ودر ٢٠ ان ٤ میشود ودر ٢٥ بنت مخاض ودر ٣٦ بنت لبون ودر ٤٦ حقه تا به ٥٠ چون به ٢٠٠ رسید دران ٤ حقه واجب میشود بعد از ٢٠٠ فرض زکوات باز از سر گرفته میشود. مانند باز گرفتنیکه پس از ١٥٠ بود یعنی از یک گوسفند گرفته میشود تا که بحقه برسد در ٤٦ تا به ٥٠ پس درین بار از سر گردانید فرض زکوات جذعه ساقط شده فقط پرده همین حکم که از گوسفند گرفته تا بحقه برسد وجذعه ازمیان ساقط شود تا اخر جاری کرده میشود اشتر مایه مانند دیگر اشتران است در نصاب زکوات وهم در فرض بودن زکوات.

(زکوات گاو)

زکوات گاو

اسامی گاوانیکه در زکات داده میشوند اول تبیع وان گوساله ئی یکساله است که بدوم سال داخل شده باشد . سوم مسن وان گوساله فوق تر دوساله است که بسوم سال داخل شده باشد .

دوم – تبیعه وان گوساله ماده ئی یکساله است که بدوم سال داخل شده باشد .

چهارم – مسنه وان گوساله ماده ئی دوساله است که به سوم سال داخل شده باشد باید دانست که در کم از سی گاو زکوة نیست اول نصاب سی است که در ان یک تبیع یا یک تبیعه میشود . دوم نصاب ان ۴۰ استکه در ان یک مسن یا یک مسنه میشود سوم نصاب از زیاده از ۴۰ است و در ان بحساب ان میشود یعنی اگر یک فرد از ۴۰ زیاده شود در ان چهلم حصه قیمت مسن یا مسنه میشود .

(باقی دارد)

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلان سرکاری

پوشیده بر ضمائر علما وسادات ومشایخ وخوانین وسائر رعایای قطغن وبدخشان مخفی نماند .

حضور والای ما وهمه برادران اسلامی بهره مند اند که شورش واقد اما تهیکار طائفه غیور دیندار سمت مشرقی وسمت شمالی با امیر امان الله خان صرف برای رضای خدا وخوشنودی حضرت رسول الله (ص) بود چه این شخص خیلی بعلم وعلما استخفاف مینمود وهمو قرار اینکه میبایستهاد شاه وقت بحکم شریعت غرا در تقویت وترقی دین میکوشید بالعکس امیر امان الله خان در تخریب بنیان دین مبین سعی مینمود فقرات خلاف ورزی اومنسبت اوامر شریعت غرا پوشیده وپنهان نیست وهمه افراد ملت یکه یکم معلوم است چون در اعلان های علیحده تشریح ان – تا یک حدی شد تکرار ان ضرور دیده نمیشود چه از اظهار ان زبان می سوزد چون در کلام برحق خود حضرت پروردگار فرموده (انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون) حکمت بالغه ئی او تقاضا نمود که بهمت وبرکت اهالی سمت شمالی وغیره برادران دین و عار از روزگار او برآورده شود – همانا بمعاونت خداوندی وتوجه روح پرفتوح حضرت رسول عربی (ص) که صاحب دین است بجزای عمل خود گرفتار گردید هرچند بموجب وعده ئی که برادران اسلامی غیور سمت مشرقی بما داده بودند در رمضان بمقابل شان طلبنده نتوانستند ولی از باعث که امان الله خان نفری زیاد از هر طرف بدست اورده میخواست اهالی سمت شمالی را پریشان ومضمحل کند بهادران سمت شمالی کفایت بعد انعه

نکرده برنفس پایتخت حمله های رستمانه دلاورانه نمودند چون توفیقات ربانی وتائیدات یزدانی شامل حال بود همانا امان الله خان تاب مقاومت نیاورده معین السلطنه برادرش را بجای خود در ارگ کابل نشانده فرارگردید معین السلطنه نیز قوت مدافعه ومحاربه را در خود ندیده از در صلح پیش آمد چون حکومت اسلامیه خالیه نمیخواست که خون مسلمانها بریزد ویا مال شان تلف شود با او صلح نموده قرار خواهش خود او را با عائله او بهندوستان فرستاد وقلعه ارگ غیر محاربه تسلیم شده وافواج داخله ارگ سلام کرده بیعت نمودند واین خادم دین را همه سادات وعلما ومشائخ وسرداران وتجار وخوانین وسائر اهل اسلام نفس شهر کابل وولایات به امارت خود پذیرفته دست بیعت دادند هرچند این کمترین بندگان خالق یکتا خواهش سلطنت رانداشتم واین اقدامات را صرف به لحاظ خدا وخوشنودی حضرت رسول الله (ص) نموده بودم به لحاظی که اینده همه اسلامیان خدمات درست بکنم این بارگران را بامید اجر آخرت قبول نمودم همانا که هر روزه جوق جوق برادران اسلامی ولایت کابل برای بیعت بحضورم حاضر میشوند واهالی ولایات دور دست بیعت نامه ها فرستاده اند شما هارا بذریعه این اعلان اطلاع وارشاد میشود که این خادم دین در بدو جلوس خود بتخت سلطنت چند فقره مصمم کرده ام که بتوفیق خداوند بقرار ذیل اجرا نمایم.

۱- اجرا امور مملکت بحکم شریعت غرا میشود چه حضرت خداوند در کلام برحق خود فرموده (فقد ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون) بنابران در نظامنامه هائیکه در زمان سلطنت امیرامان الله خان بطبع رسیده آنچه خلاف حکم شریعت غرا وسیاسیات شرعیه باشد کاملا موقوف و منسوخ میشود.

۲- مدارس علوم دینی راکه امان الله خان موقوف کرده بود حکم اجرا نمودم.

۳- مکاتب معارف نسوان کاملا موقوف مکاتب بچه هاکه در مکتبهای جدیده جغرافیه وریاضیه وغیره میخواندند آنهم موقوف. اطفال مسلمانان که در مساجد جاهای سکونت خودها بقرار سابق ازنزد ملا های مساجد خود تعلیم بگیرند بعضی بچه هاکه بتعلیم فن تلگراف وطیاره وتفنگ وطوپ سازی مشغول بودند برحال خواهند ماند چه برای مملکت اسلام تلگراف وطیاره و آلات حربیه ضرور است.

٤- باقیات مستوفیات ماضیه الی اخیر سلطنت امیر حبیب الله خان مرحوم آنچه بذمه رعیت از درک مالیه اراضی ویا بذمه تجار از درک محصول وبذمه کارداران از درک کارداری باشد کاملا معاف

صرف سه قسم باقی که شخصی چقه وجه نقد ازخزانه برده ونرسانده باشد یاکدام شخص بصیغهٔ قرارداد وجه برده باشد ونرسانده باشد ویاکسی مال وخانه واملاک سرکاری را خریده باشد وقیمت آنرا نرسانده باشد گرفته نمیشود باقیات سلطنت امیرامان‌الله‌خان زمینگی رعایای زمیندارکه ازدرک مالیهٔ زمین باقی باشد تا آخر سنه ه ۱۳۴۶ کاملا معاف اگر رعایا ازدرک قیمت زمین یامال سرکارکه خریده باشد ونرسانده باشند باقی‌ده باشد گرفته میشود باقی زمینگی کارداران واسامیکه از خزانه تقاوی برده باشند ونرسانده باشند یابرای خرید طلا ونقره وغله وغیره اشیا وجه برده باشند ونرسانده باشند گرفته نمیشود .

۵– وظیفهٔ فقط سادات وعلما ومشایخ وحضرات وتنخواه خوانین که در سلطنت امیرحبیب‌الله‌خان مرحوم مقرر بود وامیرامان‌الله‌خان موقوف کرده بود جمله برحال .

۶– تنخواه ملا امام ها ومؤذن ها وچراغی مساجد که در سلطنت امیرامان‌الله‌خان در جاهائیکه بحصول بلدیه بود موقوف شده بود از جانب بلدیه داده میشد قرار عهد امیرحبیب‌الله‌خان باشد .

۷– نفری نفوریکه در سلطنت امیرامان‌الله‌خان برای نظام جبری گرفته میشد موقوف نفری برای نظام به طریق خوش رضا گرفته میشود .

۸– اجرای امر معروف ونهی منکر راکه امیرامان‌الله‌خان موقوف کرده بود بقرار سابق اجراداشته باشید .

۹– ماذون های طریقهٔ مبارکه قادریه ونقشبندیه وچشتیه وسهروردیه را امیرامان‌الله‌خان منع کرده بود که بها حالی تلقین نکنید از حضور والای ما اجازهٔ عام است هر ماذونیکه در تلقین افراد طالب از جانب پیرخود اذن داشته باشد بقرار سابق در تلقین خود آزاد میباشد .

۱۰– اضافه هائیکه بر اصل مالیه در سلطنت امیرامان‌الله‌خان شده مثل اعانهٔ مکاتب ومصارف وتنخواه – وکیل ها وسرک پولی وپیزه باقیات طی سنوات ماضیه جمله معاف

۱۱– منصبداران نظامی که در سلطنت امیرامان‌الله‌خان موقوف شده بودند حال لیاقت و– خدمت شان را دیده بمطابق رتبهٔ منصب بلند شامل خدمت میشوند .

۱۲– نائب واضطال واربابیکه در سلطنت امیرامان‌الله‌خان موقوف شده بود برحال است – کمافی السابق اجرات کار را بدارند .

شما برادران دینیرا ازفقرات فوقیکه اجرای آن فرموده شده بذریعهٔ این اعلان اطلاع داده بیعت نامه های شما را بذریعهٔ خوانین وعلما ومشایخ ووکلا نشوند بجای شما انتظار دارم

بذریعهٔ انها بحضور برسد وبه نوازش شاهانه سرافرازی یافته مرخص شوند_

<u>ازجراید خارجی</u> ·   از کلمات طیبات

حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم میفرماید :

۱ــ فاضلترین مرد ان است کهبداند در هرکجا باشد خدای تعالی با او خواهد بود ·

۲ــ مردانگی وشجاعت ان است کهادمی در حالت غضب بتواند ازخود نگهداری کند·

۳ــ هم نشین نیک عطر فروش است اگر از عطر خود بشما ندهد ازبوی ان بهرمند میگردید وهمنشین بد چون کوره اهنگر است اگرچه شراره اتشش بشما نرسد اما دود وبخار او بشمامیرسد ·

٤ــ جاهل سخی محبوب تر است نزد خدا از عالم بخیل ·

· · · ·

حضرت علی کرم الله وجهه میفرماید :

۱ اعتماد نمودن بهرکس پیش از ازمودن او ازعجز نفس است ·

۲ــ بجز ازخدا به هیچ کس امید مبندید ·

۳ــ بجز از گناه ومعصیت خویش مترسید ·

٤ــ اگر ازشما چیزی سوال شد که نمیدانید ازاینکه بگوئید (نمیدانم) شرم مدارید چه کسی که ازکلمه نمیدانم شرم دارد مثل کسیست کهاز برهنهساختن زانوی خود شرم دارد ولی پس ازان عورت خودرا مکشوف می سازد·

٥ــ هرکس چیزی رانمیداند از اموختن ان ننگ مدارید ·

٦ــ برشما است که به نوائب ومطلب صبر وسکون پیشه کنید چراکهصبر ازارکان ایمان است همان طورکه سر عضو مهم ورئیسه بدن است بدنی کهسرندارد بی فایده است · همچنین در ایمانی که باصبر مقرون نیست فایده مشهود نمیباشد ادم شکیبا وصبور شاهد پیروزی وظفر را ازدست نمیدهد هرچند روزگار شکیبائیش بدراز کشد ·

۷ــ فوت حاجت بسی اسانتر است که از غیر اهلش طلبیدن ·

۸ــ ازهرکه خواهی استغنا کن تا مثل ونظیر اوباشی وبهرکه می خواهی احسان کن تا بزرگ و امیر اوباشی واز هرکه خواهی طمع کن تا بنده واسیر او باشی ·

حضرت امام حسن رضی الله تعالی عنه میفرماید :

مروت مرد وقتی بسرحد کمال میرسد کهقطع امید از مردمان بکند و در تازی وتعدی ان ها تحمل نماید وهرچه برخود روامیدارد بر انها نیز روا دارد ·

هرکهبخدا ایمان ارد خوار نشود وهرکه بخدا توسل جوید مغلوب نگردد وهرکهخدا را اطاعت کند معدوم نشود وهرکه عصیان ذات واجبش نماید سالم نماند·

فتوحات اسلام

(تمهید)

قاعد طبیعی است که مبتلایان بحر حوادث را در هرزمان ذکر وقایع ایام پیشر خصوص که پیشروان مذهب مقدس اسلام باشند اسلامیان را مدد بزرگ میدهد ازان روها لازم می بینیم که فتوحات اسلام را از زمان حضرت سرور کائنات خلاصه * موجودات حضرت محمد رسول الله (ص) وچهاریار کبار وبعد درجرید محود بقارئین محترم ازکتاب مولفه حضرت واقدی رحمت الله علیه نقل وتقدیم کنیم.

ذکر فتح مدینه بیت المقدس

واقدی رحمت الله علیه نقل کرده که امر مسلمانان چنین شد که مدت یکماه در دمشق اقامت گیرند زیرا بعد فتح غزوهٔ یرموك چندی راحت کرد ند بعد ازان امیر ابا عبیده رضی الله عنه امیرهای مسلمانان را جمع اورده وازبرای شان گفت که .. ای مسلمانان بامری که مصلحت میدانید مرا اشاره کنید که درکجا روی اوریم رای مسلمانان بدین امر متفق شد که یا بطرف قیساریه روی اورند یا بطرف بیت المقدس امیر پرسید که در باب این دوشهر شما چه مصلحت میدید . مسلمانان عرض نمودند که ای امیر تو مرد مبارك طلعتی وامین الامت میباشی بهر طرف که روی اوری ما یان درعقب توهی ائیم . معاذ بن جبل رضی الله تعالی عنه فرمود که :

ای امیر . بخدمت امیرالمومنین عمر رضی الله عنه نوشته فرست بعد ازان بهر طرف که شمارا امر امد ازطرف خدای تعالی طلبیاری کن وروی اور امیر ابا عبیده رضی الله تعالی عنه فرمود یا معاذ رای نیکورا تو رسیدی بعد ازان بخدمت امیرالمومنین عمر نوشته کردند که یا امیرالمؤمنین ما یان امرشمارا انتظار داریم که بطرف قیساریه روی اوریم یا بطرف بیت المقدس .

کتاب را بدست عرفجه بن ناصح نخعی رضی الله تعالی عنه دادند واورا امر نمودند که زود بطرف مدینه منوره روانه شود عرفجه رضی الله عنه روی براه اورد ورفت تا اینکه در مدینه منوره رسید وکتاب امیر ابا عبیده را بدست امیرالمومنین عمر رضی الله تعالی عنه داد . چون امیرالمومنین کتاب (مراسله) اباعبیده رضی الله عنه را گرفت مسلمانان جمع بودند امیرالمومنین عمر رضی الله تعالی عنه کتاب را برمسلمانان بخواند وبعد به همرای شان مشورت کرد . علی ابن ابی طالب رضی الله تعالی عنه عرض نمود که یا امیرالمومنین صاحب خود ابا عبیده را امر نمای که بطرف بیت المقدس روی اورد گرد اگرد ان شهر را بگیرد وبه همرای اهل او مقاتله کند که نیکوترین وبهترین رایها این است . چون بیت المقدس فتح شد بعده روی بطرف قیساریه اورد که انشاء الله تعالی بعد ازفتح بیت المقدس قیساریه هم فتح میشود . که رسول الله صلی الله علیه وسلم درین باب مرا چنین خبر دادند . امیرالمومنین عمر رضی الله تعالی عنه فرمود که صدقت یا ابوالحسن بعد ازین امیر المومنین عمر رضی الله عنه بطرف امیر ابا عبیده رضی الله عنه نامه نوشت که این است مضمون ان :

بسم الله الرحمن الرحیم

ازطرف عبد الله عمر بن خطاب بطرف عامل اوبر شام ابا عبیده مخفی نماند اینکه کتاب (خط) تو بمن رسید واینکه ازطرف من طلب مشورت کرده بودی که بکدام ناحیه روی اورم — من بهمراهی ابن عم رسول الله صلی الله علیه وسلم مشورت نمودم ان حضرت فرمود مصلحت اینست که تو روی بطرف بیت المقدس اوری که خدای تعالی (ج) ان شهر را بدست تو فتح میگرداند. والسلام علیك.

بعد ازان کتابرا بسعید بن عمر بن عرفجه رضی الله تعالی عنه دادند واورا فرمودند که به تعجیل روی بطرف شام بر عرفجه رضی الله تعالی عنه بطرف شام عازم شد ورفت تا اینکه امیر ابا عبیده رضی الله تعالی عنه را در ارض جابیه یافت وکتاب امیر المؤمنین رابدستاو تسلیم کرد و اوبر مسلمانان خواند — چون مسلمانان سمع نمودند همگی شان ازرفتن بطرف بیت المقدس زیاده خوشوقت گردیدند.

درینوقت امیر اباعبیده خالد بن ولید را خواست ولوای برای او ترتیب داد وپنج هزار سوار ازجماعه لشکر جنبش کننده به همراهی او گردانید واورا امر کرد اینکه بطرف بیت المقدس روانه شود بعد ازان یزید بن اباسفیان رضی الله عنه را به نزد خود طلبید ولوائی برای او مرتب نمود وپنج هزار سوار را به همراهی او نمود واورا امر کردند که بطرف بیت المقدس روانه شود وبخالد بن ولید رضی الله عنه ملحق گردد وامیر از برای او گفت که یا ابن اباسفیان من ترا بسیار دانا ومتقی میدانم چون در بلده ایلیا رسیدید اوازهای خود هارا به تهلیل وتکبیر بالا کنید واز خدای تعالی سائل باشید اینکه بابروی پیغمبر خود محمد (ص) وبابروی انبیا وصالحین که دران شهر اسوده اند فتح ان شهر را از برای شما اسان گرداند بعد ازان یزید رضی الله عنه لوارا بگرفت وروی بطرف بیت المقدس اورد. (باقی دارد)

غارتگری عشایر در بلاد عرب

اخباریکه ازجده میرسد حکایت میکنند که غارتگری اعراب شرق اردن در سرحدات حجاز و نجد زیاد و در طرف سمعاء ده واقعه مهم رخ نموده است. در معاد ماتعقد اری ازرجال نجد مقتول وهزارها شتر وگوسفند واشیاء دیگر بغارت رفته اند قطعا این غزوات خاتمه پذیر نیست مخصوصا با اینکه انرا بمقامات رسمی منسوب میدارند.

شبهه نیست ازقدیم الایام نظیر اینوقایع دراین قسمت جزیرت العرب حاصل میشده وازطرفین بنهب وغارت میپرداخته اند. دراینصورت خیلی دشوار است که بتوان تشخیص داد این اعمال ناشی ازعادات قدیمه یا بواسطه تحریکات روسا ومربوط بنظریات سیاسی است.

درحقیقت اینگونه حملات اشکال مختلف پیدا میکند چه گاهی بین روسا ازقدیم اختلاف نظر بوده وخونهائی بینشان ریخته دشمنی ان ها قابلی ونژادی است اقدام ... (باقی دارد)

مطبع حبیب الاسلام

(جریده ٔ هفته گی حبیب الاسلام ـ سال اول ـ شماره ۳)
صفحه اول

نمره مسلسل ۳

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیـــــب الاســـــلام

اداره خانه ـ ده افغانان کابل ـ افغانستان ـ نمره تلفون

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .

اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .

در هر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشر میشود .

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

	قیمت سالانه	قیمت ششماهه
در داخل	۵ ـ افغانی	۳ ـ افغانی
در خارج	۱۵ شلنگ	۸ ـ شلنگ

یک شماره ۱۰ پول

تاریخ قمری ۱ شوال المکرم ۱۳۴۷ (پنجشنبه) تاریخ شمسی اول حمل ۱۳۰۸ هجری .

تشریف آوری امیر صاحب
(در مسجد عیدگاه)

روز عید فطر که یکی از اعیاد متبرکه مسلمین است تمام اهالی شهر و نواحی آن بر حسب امر برای ادای صلوات عید در مسجد عیدگاه حاضر و انتظار موکب امیر صاحب را میکشیدند در ساعت ۱ حضور امیر صاحب با ترتیبات سلطنتی تشریف آورده تمام حاضرین به استقبال قیام نموده نماز را ادا فرمودند ، بعد از ادای نماز در منبریکه برای خطابه حضور ترتیب شده بود حضور والا بر آمد ، نطق ذیل را ایراد فرمودند :

برادران اسلامی من ، اولاً این عید سعید فطر را که خاصه تمام مسلمین است برهمه شما تبریک میگویم ثانیاً البته بشما ثابت و مبرهن شده باشد که تخت من برای تصرف مقام سلطنتی ابداً اینهمه سعی نداشته مجاهداتم فقط وفقط برای اعلای کلمة الله وتنویر دین مبین سید المرسلین (ص) بوده بعد از آن همه جهد و کوششیکه بشما معلوم است اینکه من در راه دین محمدی (ص) قائم شدم علما و فضلا (که چند

مرتبه تکرار کرده ام) بمن اشتمال مقام سلطنت را تکلیف نمودند از اینکه خودم بر هر زمان مطیع اوامر دین و تابعنده کان دینی ام ـ لاچار این بار بزرگ را به تکلیف ایشان قبول کرده امیدوارم از بن عزم واراده ام که سراسر در راه دین مبین اسلام است شما مطمئن بوده باشید و مرا نه به منزله پادشاه شاهی که به تمام قواعد دینی مخالفت نماید بدانید بلکه پادشاه برادر و خدمتگار دین اسلام بشناسید • درینجا تعلق حضور ختم شده بعد یکنفر از اهالی بلدهٔ کابل برخاسته از طرف رعایا ـ جلد به خطابه ذیل را قرائت نمود :

ای سلطنت پادشاهما دی ایمان — ذکر تو بود زمزمه شادی اسلام

پادشاه ظل الله وحامی شریعت رسول الله •

همان روز بهترین ایام واز هزاران عید برعالم اسلام افضل معین گشت که بدعوی ایادی اسلام وترقی شریعت پیغمبر آخرالزمان بمحبت اهالی معظم سمت تعالی بحضور صاحب دین برای دست آوری اجرای احکام دین مبین متقبل و متعهد فداکاری نمودید •

همان روز مسعود را که دل مبارک شما بحال پریشانی اسلام بسوز آمده جان شیرین شما وقف راه رضای خدای تعالی و شریعت رسول الله (ص) گشته برشما و تمام عالم اسلام تبریک میگویم •

امیر مجاهد فی سبیل الله ! امروز که روز عید رمضان بود در پی ماه مبارک صیام آمده این ماه مبارک که شما این شهر را به عهد حاکمیت خود روزهایش بصیام واجرای احکام اسلامیه انجام رسیده بر وجود مقدس شما ـ هزارها رحمت می فرستد و بحضور خداوند از نزد شما اظهار خوشنودی مینماید •

امیر امان الله اسلام • امروز ما شمارا نمی توانیم تنها پادشاه افغانستان بعالم معرفی نمائیم بلکه وجود شمارا از زمره صاحبان دیانت بخلاف تا سلامی از دل وجان قبول میکنند •

امیر صاحب • شما سزاوار هزاران تبریک گشته اید که اگر هر یک آنرا بکاپ عرض کنم باعث تکلیف شما میشود لهذا بطور مختصر عرض میکنم که امروز هزارها اعمال خلاف شرع متروک و بوجود شما هزاران حکم شریعت جاری و با جرای هر حکم شایان رحمت ولایق تبریک میشوید •

خلیفه اسلام • امروز شمارا به تشریح توصیف زیاد تصدیع داده مختصر عرض میکنم که کامیابی شما وظفریت شما ترقی اسلام بنام شما شجاعت شما دلاوری عسکر غیور شما از سر و مال و جان گذشتن و دامن شریعت محکم گرفتن شما عزم مجاهدین بمقتضای مجاهدین با شجاعت مجاهدین با عظمت مجاهدین با حمیت مجاهدین با الاهیت مجاهدین با دیانت مجاهدین سرباز راه رضای خدا مجاهدین رضای جوی محمد رسول الله (ص) را بحضور شما در بین روز عید سعید مبارکباد گفته از خدای بی نیاز التجا میکنم تا بزیر سایه حمایه اسلام کارانه شما ترقی دین و دیانت واسوده حالی رعیت عالم انتساب ما نتا بگردیده شما را از جمله پادشاهان

صالح اسلام محشور نماید · (وعد الله الذین آمنوا منکم وعملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لایشرکون بی شیئا ومن کفر بعد ذالك فاولائك هم الفاسقون·) الله اکبر یا محمد (ص) یا چار یار ·

مسائل دینی

(۳)

ویره من تمام تا انکه به شصت میرسد چهار نصاب از شصت است و در ان دو تبیع یا دو تبیعه میشود وبعد ازان در هر سی یك تبیع یا یك تبیعه میشود و در هر ۴۰ یك مسن یا یك مسنه میشود پس نرس زکوات بر زیاد شدن ده تغییر می یابد از تبیعه به مسنه و از مسنه به تبیعه پس در هفتاد یك تبیع یا تبیعه یا یك مسن یا مسنه میشود و در هشتاد دو مسن یا دو مسنه میشود و در نود سه تبیع یا سه تبیعه میشود و در یکصد – دو تبیع و یك مسنه میشود و بیره من تمام حساب بر هر سی و هر چهل میگردد و گاو و گاومیش درین حکم فرق ندارد نه در نصاب نه در زکوات (زکوات گوسفند و بز) در کم از چهل بز و گوسفند زکوا نیست اول نصاب ان چهل است و در ان یك گوسفند میشود اگر نصاب گوسفند ان باشد یا اکثر ان گوسفند ان [illegible] درین دو صورت بز روا نیست واگر نیمه · ان بز و نیمه · گوسفند باشد درین صورتها ادنی گوسفند داده میشود یا اعلی بز و یا یك بز داده میشود اگر نصاب بز باشد یا اکثر ان بز باشد و گوسفند در جای بز روا است نه عکس ان که بز بجای گوسفند باشد مگر از روی قیمت·

دوم نصاب ان یکصد و بیست و یك است و در ان دو گوسفند یا دو بز لازم است بطریق مذکور (سوم) نصاب ان ۲۰۱ است و در ان سه گوسفند یا بز لازم میشود ۴ نصاب ان چهار صد است در ان چار بز یا چار گوسفند لازم میشود · وبعد ازان در هر صد که زیاده شود یك گوسفند یا بز میشود و در ادای زکات نر و ماده ان درست است باید دانست که زکات در مواشیکه لازم نمیشود :

۱– استر است و خر که برای تجارت نباشد واگر برای تجارت باشند قیمت میشوند اگر قیمت انها به نصاب طلا یا نقره میرسید زکوات انها را بدهد (دوم) چهار پایانیکه در انها زکوا لازم نیست ان است که برای عمل باشند یا مالك انها را در نصف سال در خانه از خود علف دهد (سوم) بره ها بزغاله ها گوساله ها واشترچه ها که تنها باشند و کلان از جنس انها با انها نباشد و اگر کلان از جنس انها با انها باشد به تبع کلان زکوات انها لازم میشود (۴) در عفو و ان چهار پایان مال است که ما بین دو نصاب باشد که مذکور شد هر نوع که باشد · (۵) در مالی که هلاك شده باشد بعد از واجب شدن زکوات ان یعنی بعد از گذشتن سال بران اگر کل نصاب هلاك شده باشد کل زکوات ساقط میشود واگر بعضی هلاك شده باشد بقدر حصه · ان ساقط میشود واگر خود

مالك ان را هلاك كرده باشد زكوات ان لازم ميشود ونيز بايد دانست كه دادن قيمت مالي كه در زكوات واجب شده باشد رواست چنانچه رواست دادن قيمت در عشر وصدقه فطر ونذر وكفارت غير از اعتاق وهمچنان رواست دادن بجاى وقله در عوض زكوات زر و نقره بطريقي قيمت ببايد دانست كه واجب در مال زكوات عال ميانه است نه اعلى وادنى واگر ميانه ازان در مال مالك موجود نبود اعلى را بگيرد وزياده از قيمت اوسط را بمالك بدهد يا ادنى ازانرا بگيرد از مالك بازياده قيمت ان مال واجب ومالي كه از جنس نصاب درميانه سال — زياده شده باشد با ان ضم ميشود وزكوات ان زائد شده داده ميشود اگرچه بران زائد شده سال — نگذشته باشد .

زكوة طلا ونقره در كم از بيست مثقال طلا وكم از دوصد درم شرعي نقره زكوة عيب نيست در طلا و نقره در واجب شدن زكوة اعتبار وزن است ونصاب طلا بيست مثقال است ونصاب نقره دوصد درم شرعي است ودرم شرعي ان است كه هرده درم ان هفت مثقال ميشود وهر مثقال ان بيست قيراط است كه بحساب اين ديار ديانت مدار هر مثقال بوزن بيست وچهار نخود ميشود چنانچه در مقدار ابوحنيفه گذشت وهر قيراط بوزن ٥ جو ميانه است وزن مثقال ٢٠ قيراط است وزن قيراط پنج شعير است وبايد دانست كه دوصد درم شرعي هشتاد روپيه كابلي موج اين زمان ميشود پس در ٢٠ مثقال طلا نصف مثقال لازم ميشود ودر دوصد درم شرعي كه ٢٠ روپيه كابلي است پنج درم شرعي كه يك روپيه و ٦ شاهي است لازم ميشود ودر زياده از ٢٠ مثقال طلا و ٢٠٠ درم شرعي — زكوة عيب نيست كه ان زياده به پنجم حصه نصاب برسد وچون به پنجم حصه نصاب رسيد كه ٤ مثقال است در نصاب طلا و ٤٠ درم شرعي است در نصاب نقره زكاتش لازم ميشود بحساب اينكه در هر ٤٠ درم شرعي كه زياده شود يك درم ودر هر چهار مثقال طلا زياده شود دو قيراط لازم است وفرق نيست در واجب بودن زكوات مابين نقد سكه زده شده وغير سكه زده شده خواه ظرف باشد يا چيز ديگر باشد وهمچنين در زيور زنان زكوات واجب ميشود واگر طلا ونقره غش داشته باشد ديده شود واگر طلا ونقره بر غش غالب بود حكم طلا ونقره را دارد واگر غش ان زياده بود حكم ديگر مالهاي منقوله را دارد اگر قيمت ان به نصاب طلا يا نقره ميرسيد زكوات ان لازم ميشود .

وشرط واجب شدن زكوات كامل بودن نصاب است در اول سال واخر او ونقصان نصاب درميان سال ضرر بواجب شدن زكوات نمي رساند . تا اينجا مسائل روزه وزكوة بود كه بحضور قارئين تقديم شد چون مندرجات سراج الاركان اسلاميه ركن بيان عقايد است لهذا ركن اول كتاب راكه در باب عقائد است اقتباس كرده انتشار ميگذاريم :

ركن اول دربيان عقايد ضروريه اهل سنت وجماعت و متعلقات ان ومشتمل است بر دو باب :

باب اول . دربيان عقايد ضروريه اهل سنت وجماعت :

بدان ارشدك الله تعالى كه همه اعمال صالحه بنده گان بدون ايمان قبول درگاه حق جل جلاله نميشود

و بر هر بنده فرض است که ایمان خودرا درست کند ·

وان چنان میشود که اول بزبان اقرار کند و بدل باور کند یعنی اینکه (امنت بالله وملئکته وکتبه ورسوله والیوم الاخر والقدر خیره وشره من الله تعالی والبعث بعد الموت) یعنی ایمان اوردم بـــه خداوند تعالی وبفرشتگان اوتعالی وبکتابهای اوتعالی وبه پیغمبران اوتعالی وایمان اوردم بروز باز پسین که روز قیامت است وایمان اوردم باندازه · خیر وشر که ازجانب خداوند تعالی است وایمان اورد بزنده شدن بعد ازمرگ که حق وراست است ونیز بداند که همه موجودات بغیر ازذات وصفتهای خدای عز وجل عالم میگویند وعالم نوپیدا است نوپیدا کننده وافریننده · اوخداوند تعالی است که واجب الوجود ویگانه است ودرذات وصفات خود شریک وشبیه ومانند ندارد (دوم) خداوند تعالی ستوده است به صفات کمال که زنده ودانا وبینا و شنوا وگویا وتوانا است درهروقت هرچه خواهد کند ونماید · ازلی وابدی است وافریننده وپیدا کننده · همه عالم است بخواهش خود (سوم) همه صفتهای اوتعالی قدیم وقایم بذات اوتعالی اند نه عین ذات اند که درمعنی ومفهوم با ذات اوتعالی یکی باشند ونه غیر ازذات اند که ازذات اوتعالی جدا باشند که وجود ذات باشد وصفات بان عارض شود وصفات اوتعالی مانند صفات ممکنات نیستند چنانچه بینائی اوتعالی به واسطه · چشم وشنوائی اوتعالی بی واسطه · گوش وگویائی اوتعالی بی واسطه حرف وصوت (یعنی اواز) وزبان است · چهارم کلام صفت ازلی خداوند تعالی است که خالی ازحرف وصوت وکیفیات است وانرا کلام نفسی گویند که قدیم وقایم بذات اوتعالی است مخلوق نیست وازان صفت قدیم کلام نفسی اوتعالی است با الفاظ قران شریف وغیره — کتبهای منزله مانند :

تورات انجیل زبور وغیره که مرکب ازحرف وصوت اند تعبیر کرده میشود که این الفاظ قران شریف وغیره کتب منزله بران کلام نفسی قدیم دلالت میکند هرگاه تفصیل بخواهند رجوع بکتب علم کلام نمایند (پنجم) خداوند تعالی منزه وپاک است ازهمه صفتهای نقص وزوال که نادان وکور وکر وگنگ وناتوان وقابل فنا وزوال ونو پیدا نیست وجسم نیست یعنی چیزی نیست که درازی وپهنائی [illegible] وژرفی دارد وجوهر نیست یعنی چیزی نیست که [illegible] در مکان باشد که جسم ازان مرکب شود وعرض نیست یعنی چیزی نیست که دروجود وپیدایش خود تابع غیر باشد وبه غیر خود بی قیام بغیر وجود نداشته باشد مانند سفیدی وسرخی وسیاهی ودرازی وکوتاهی وکل وجز و نیست واوتعالی را شکل وصورت وحد ونهایت وعدد وکثرت نیست وهیچ چیز مانند اوتعالی نیست و— اوتعالی از زن وفرزن وپدر ومادر ومکان وزمان وجهت وکیفیت پاک است وهیچ چیز از علم اوتعالی بیرون نیست وبرا است ازینکه درعقل وخیال ووهم وقیاس اید ·

(بیت)

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم   وز هر چه گفته‌اند شنیدیم و خوانده‌ایم

۶ــ خداوند متعال آفریننده و آفریننده‌ٔ خیر و شر و همهٔ افعال بندگان است از کفر و ایمان و طاعت و عصیان لیکن عمل خیر و شر با ختیار بندگان میباشد کبنده فاعل مختار است هم عمل خیر مستحق ثواب و به عمل شر مستحق عذاب میشود . و همهٔ افعال بندگان به اراده و حکم و قضا و قدر او تعالی است لیکن بعضی امر و رضاء او تعالی نیست چنانچه می آید :

هفتم . بندگان را افعال اختیاری است که اگر بفرمان او تعالی عمل کردند ثوابی یابند و اگر از فرمان او تعالی مخالفت کردند مستحق عذاب میشوند پس اگر خداوند تعالی خواست ایشان را بسزا می رساند و اگر رضای او تعالی شد بفضل و کرم خود ایشان را می امرزد .

هشتم . افعال نیک و شایستهٔ بندگان چنانچه بقضا و قدر او تعالی است نیز برضاء و محبت و امر او تعالی است و افعال بد و ناشایستهٔ ایشان برضا و محبت و امر او تعالی نیست .

نهم ــ همه عالم قابل فنا است هر وقتیکه او تعالی بخواهد انرا نیست میکند .

دهم ــ فرشتگان خداوند تعالی موجود اند بندگان او تعالی اند و از گناه صغیره و کبیره و از مردی و زنی پاک اند و در هیچ کار و هیچ وقتی از فرمان خداوند تعالی مخالفت نمیکنند .

یازدهم ــ کتابهای خداوند تعالی حق اند که بواسطه جبرئیل امین علیه السلام انها را برای مصلحت های بندگان فرستاده و در انها امر و نهی و وعده و وعید خود را بیان کرده خواندن و نوشتن دیگر کتابها مانند تورات و انجیل و زبور وغیره بقران شریف منسوخ گردید و حکمهای انها نیز منسوخ گردید مگر ان حکمیکه در شریعت ما باشد .

دوازدهم ــ خداوند تعالی بمحض فضل و مرحمت خود در هر عصر و زمانه از نوع بنی ادم پیغمبرانی فرستاده که احکام خداوند را بمردم برسانند مومنان را بجنت بشارت داده اند و کافران را به دوزخ ــ داده اند و انچیزی را که مردم بعقل خود نیافته اند محتاج میشوند همه را برای ایشان بیان نموده اند . و خداوند تعالی ایشانرا تائید داده و محکم گردانیده به معجزها و معجزه چیزیست که برخلاف عادت از مدعی نبوت بعد از طلب منکران ظاهر شود بظاهر شدن ان منکران عاجز شوند از ظاهر کردن مثل ان چیز و اول پیغمبران حضرت ادم صفی الله و اخر شان محمد علیه الصلوة والسلام است و همه ایشان برحق اند و در بعضی حدیثها شمار پیغمبران ذکر شده است لیکن بهتر انست که در ایمان اوردن ــ با ایشان شمار ایشانرا معلوم نکند زیرا که اگر شمار انرا معلوم کند احتمال دارد که کسی پیغمبر نباشد

در جمله پیغمبران داخل شود یا شخصی که پیغمبر باشد از پیغمبران خارج گردد پس بنده این نمیشود از ینکه ایمان بغیر پیغمبر آورده باشد یا کسیکه پیغمبر باشد ایمان باو نیاورده باشد بهر تقدیر — ایمان او درست نمیشود و همه پیغمبران احکام شرعیه و عقیده ها ی حق و خبرها ی گذشته و آینده را از جانب او تعالی بمردم رسانیده اند و همه ایشان راستگو و نصیحت کننده و خیرخواه مخلوق بودند (سیزدهم) همه پیغمبران علیهم الصلوات والسلام از دروغ معصوم اند ونیز از کفر وگناه کبیره معصوم اند پیش از وحی آمدن برایشان و بعد از آن . (باقی دارد)

فتوحات اسلام

فتح بیت المقدس

(۲)

بعد از ان امیر مسلمانان شرجیل بن حسنه کاتب وحی رسول الله صلی الله علیه وسلم را طلب کرد و لوای رااز برای او مرتب گردانید پنج هزار سوار از جمله اهل یمن به همراه او ضم نمود او را فرمود که بهمراه تابعان خود روی براه آورد تا اینکه در بیت المقدس برفرود آید وازبرای او امیر فرمود که یا شرحبیل تو بان لشکرها ئیکه قبل از تو رفته اند مخلوط نشوی . بعد از ان مرقال بن هاشم بن عتبه بن ابی وقاص رضی الله عنه را خواندند پنج هزار سوار را از تمام طوایف مسلمانان بهمراه او ضم نمودند در عقب شرحبیل رضی الله عنه اورا روانه کردند واورا فرمودند که بگرد آن حصار — فرود ائی واز اصحاب خود جدا باشی . بعد از ان لوای پنجمین را مرتب گردانیدند بدست مسیب — ابن نجبه فزاری رضی الله تعالی عنه تسلیم کردند پنجهزار سوار را از بنی نخعی واز قبیله ها ی دیگر به همراه او ضم نمودند واورا امر کردند اینکه با اصحاب خود ملحق شود بعد از ان لوای ششمین را — مرتب گردانیدند بدست قیس ابن هبیره مرادی رضی الله عنه تسلیم کردند پنج هزار سوار را به همرای او ضم نمودند وازعقب شان فرستادند باز لوای هفتمین را مرتب نمودند بدست عروه بن مهلهل بن زید عبد الخیل رضی الله عنه دادند پنج هزار سوار را بهمراه او ضم نمودند واز عقب انها روی براه آورده از جمله کسانی راکه امیر ابا عبیده رضی الله تعالی عنه بطرف بیت المقدس فرستاد سی وپنجهزار شدند رضوان الله تعالی عنهم اجمعین واین همه تا امیر در هفت روز روی براه آوردند ودر روز یکی ازین امیرها واین سر رشته از سبب بود . تا اینکه د شمنان خدای تعالی از طرف مسلمانان خوف کنند ودر روز یکه امیر بهمراه اصحاب خود بگرد حصار شان فرود می آمد ولوای اول که در اطراف ان حصار فرود آمد لوای خالد بن ولید رضی الله عنه بود که چون بهمرای — اصحاب خود در اطراف حصار شان فرود آمدند همگی تکبیر گفتند وچون اهل بیت المقدس آواز

تکبیر گفتن مسلمانان را شنودند همه گی بلرزه امدند چنانکه دلهای شان به جنبش شد ود و بالا سور شهر خود بالا رفتند چون قلت مسلمانان را بدیدند انها را بسیار حقیر شمردند وگمان بردند که تمام لشکر مسلمانان همین هاست وخالد بهمرای اصحاب خود رضی اللهعنهم نزدیک باب اریحا فرود امدند چون روز دوم شد یزید بن اباسفیان واصحاب او رضی اللهتعالی عنهم رسیدند ودر روز سوم شرحبیل بن حسنه وتابعان او در روز چهارم مرقال و روز پنجم مسیب ابن نجبه ودر ششم قیس بن هبیره ودر هفتم عروه بن مهلهل بن زید الخلیل که او در نزدیک طریق رحله فرود امد عبد اللهبن عامر بن ربیعه عطفانی رضی اللهعنه نقل کرد که هیچکس از مسلمانان در اطراف بلد بیت المقدس فرود نمی امد مگر این که انچه قدرت داشت بلند تهلیل وتکبیر میگفت و درود میفرستاد وبنصرت و ظفر یافتن در بالای دشمنان دعا میکرد بعضی گفته اند که خالد بن ولید بهمراه امیر اباعبیده رضی اللهعنهما در دمشق مقیم بود چون مسلمانان بطرف بیت المقدس رفتند این دو امیر از عقب مسلمانان روی براه اوردند باقی ماندگان شان را مثل زنها و اموال ومواشی وغنایم وانچه خدای تعالی ازبرای مسلمانان عطا کرده بود بهمرای این دو امیر بود واینها ازجای خود دور نشدند مگر از عقب همگی مسلمانان.

راوی گفت که مسلمانان مدت ده روز در اطراف بیت المقدس اقامت کردند چنانکه درین مدت نه کسی بهمرای شان محاربه کرد ونه بمبارز شان بیرون شد ونه رسولی بطرف شان فرستاد ونه از تمام اهل روم کسی بهمرای شان سخن گفت مگر این که سورهای شهر خود هارا بهمرای کمانها ومهتابی ها و شمشیرها وزره ها وجوشن ها ولباسهای فاخره محکم گرفتند مسیب ابن نجبه فزاری رضی اللهعنه نقل کرد که درهیچ بلدی از بلاد وشام فرود نیامدیم که بدمیدیم این که اهل ان شهر از اهل بیت المقدس زینت واسباب حرب بیشتر داشته باشد ودر بالای هرقومی که فرود امدیم از خوف ما بجنبش شدند وهول بسیار بدلهای شان داخل شد وهیبت ما همگی شان را فروگرفت مگر اهل بیت المقدس که مدت ده روز در برابر شان افتاده بود هیچ کسی از انها بهمرای ما نه سخنی گفت ونه نطق کرد مگر اینکه پاسبانی خود را محکم گرفتند واسبابهای کاملی را جمع اوردند چون روز چهارم شد مردی از اهل بادیه مسند شرحبیل بن حسنه رضی اللهعنهم نمود که ای امیر ایا این گروه کرانند که نمی شنوند یا گنگ اند که نطق ندارند یا کورانند که ما را نمی بینند حالا عزم نمائید که باتفاق بطرف شان جنبش کنیم چون روز چهارم شد ومسلمانان نماز صبح را ادا کردند بعد اول کسی که از جمله امیرهای مسلمانان بطرف شان روی اورد که جواب وسوال کند یزید بن اباسفیان رضی الله عنه بود که

سلاح های خود را برهنه کرده و نزد یک سور شهر رفت و ترجمانی را نیز بهمراه خود به برد تا اینکه سخن او را ترجمه کند وامیر مسلمانان رفتتا اینکه به نزد یک سور شهر ایستاده شد چنانکه اهل شهر اواز او را میشنوانند ند و در حین که اهل شهر خاموش بودند امیر ترجمان خود را فرمود که برای اهل شهر بگوی که امیر عرب میگوید که شما یان در باقبول کردن دین اسلام چه میگوئید والله کلمه حق واخلاص را که لا اله الا الله محمد رسول الله است قائل شوید واگر این کلمه را — بگوئید پروردگار ما گناهان ایام گذشته شما را می امرزد و ریختن خونهای شما بستهمیشود واگر از گفتن این کلمه سر باز زنید وقبول نکنید پس از هوش شهر خود بهمراه ما صلح کنید چنانکه کسانی که از شما در اسباب و اموال تمیز گاتر بودند بیشتر شدت داشتند انها هم صلح کردند واگر ازین دو امر سر باز زنید هلاک گردانید شما از برای ما حلال میشود وعاقبت سروکار شما به دوزخ میگردد راوی گفت که ترجمان بطرف شان نزدیک شود واز انها پرسید که مخاطب شما کیست تا اینکه بهمراه او گفتگو کنم درین وقت قسیسی از جمله قسیسهای شان که لباسهای موسین بجان خود داشت پیش امد وگفت از جمله اینها مخاطب منم ترجمان گفت که امیر ما شما را بطرف این چنین و این چنین امری میخواند وچنین میگوید واگر قبول نمیکنید بطرف یکی ازین دو خصلت میخواند که یا اسلام یا ادای جزیه یا شمشیر است پس راوی گفت که قسیس گفته ترجمان را برای کسانی که در پشت سر او بودند بیان کرد بعد انها همگی بکلمه کفر خود هم اواز شدند وچنین گفتند که ما یان از سر دین خود وقبول خود بیرون نمیشویم زیراکه قتل ازین امر بما اسانتر است . ترجمان جوابشانرا بخدمت یزید بن ابوسفیان رضی اللهعنه بیان کرد یزید رضی اللهعنه بطرف باقی امیرها امد جواب اهل بیت المقدس را بانها نقل کرد وهمگی را خبر داد واز برای شان چنین گفت که ای مسلمانان انتظار شما از محاربه شان ازچه سبب است امیرها رضی الله عنهم فرمودند که ازین سبب است که امیر ابا عبیده رضی اللهعنه مارا امر بمحاربه قوم ننموده بلکه مارا امر کرده که در برابر قوم — فرود ائیم ولیکن حالا بطرف امین الامة نوشته میفرستیم اگر چنانچه مارا امر بمقاتله کرد مقاتله میکنیم بعد ازان یزید رضی اللهعنه بخدمت امیر ابا عبیده رضی اللهعنه نوشته کرد واز جواب قوم — امیر را اگاه گردانید وسوال نمود که ای امیر درین باب تو مارا چه میفرمائی چون کتاب بخدمت امیر ابا عبیده رضی اللهعنه رسید ومطالعه کرد بعد ازان در جواب امیرها نوشت که بطرف قوم جنبش کنید وخود هم من در عقب این نامه شما رسیدهام چون مسلمانان از جواب های امیر ابا عبیده رضی الله عنه مطلع شدند بشارتها کردند وفرحناک دران شب ارام گرفتند وانتظار صبح رامیکشیدند واقدی

رحمة الله علیه نقل کرد که مسلمانان دران شب آرام گرفتند وچنان انتظار صبح را داشتند که گویا در صبح دوست بسیار عزیزی بطرف شان می اید واز نهایت شدت فرح وخوشوقتی که بمقاطعه اهل بیت المقدس داشتند بسیار شادمان بودند چنانکه هر امیری اراده داشت که ان شهر بدست او فتح گردد که از نماز گذاردن تمتع ها دران شهر برد ارند ودر نظراثار انبیاء الله تعالی اند ازند راوی گفت که چون صبح طلوع کرد موذنان درمیان لشکر مسلمانان اذان گفتند و نماز را مسلمانان ادا نمودند یزید بن ابا سفیان رضی الله تعالی عنه در نماز خود این ایه را تلاوت نمود که (یا قوم ادخلوا الارض المقدسة التی کتب الله لکم ولا ترتدوا علی ادبارکم) ونیز گفته اند که خدای تعالی جل شانه برزبان همگی امیرها این ایه را جاری گردانید چنانکه همگی شان در نماز این ایه را تلاوت نمودند وگویا همه شان باین میعاد واحد وعده کرده بودند چون از نماز فارغ شدند درمیان مسلمانان ندا کردند که النفیر النفیر یا خیل الله ارکبی .

راوی گفت که کسانی که اول بطرف محاربه مبادرت کردند بنی حمیر بود ومردمان اهل یمن وبعد همگی مسلمانان بسان شیر حمله کننده بطرف محاربه کردن روی اوردند چون اهل بیت المقدس بطرف محاربه کردن مسلمانان دیدند در سورهای شهر پراگنده شدند ومسلمانان را از تیرهای خود گزند رسانیده وجماعت مسلمانان رابه تیرهای خود پاره کردند وبسان لشکر ملخ در سورهای شهر خود بالا امده بودند ومسلمانان همه همراه زره های خود انهارا ملاقی شدند واز صبح تا غروب افتاب محاربه درمیان فریقین قایم بود که مقاتله های شدید میکردند نه خوف وفزعی بانها راه یافت ونه مسلمانان را درشهر خود طامع گردانیدند چون افتاب غروب کرد مسلمانان . . .

(باقیدارد)

اعلانات عسکری

(از ریاست بلدیه)

(١)

برای برادران عسکری نظامی وملکی اینکه : بقرار اطلاع یاورحضور بعوالی بکابل واز انجا بریاست بلدیه حکم رسید که عسکری نظامی که در بازارها وغیره جاها گردش میکنند وبرای خرید اری اجناس میروند جمعیت ها برپا کرده وترددد میدارند بهر دکان که میروند ده روپیه راجنس خریداری میکنند وینجروپیه میدهند درینصورت برای اهالی ودکانداران هایک وحشت رونکار شده واز ین رویه نظامی شکایت میدارند . بهذا بذریعه اعلان شما برادران نظامی خود را اگاه نمودم که ازین وضع غیر مناسب که بابرادران مسلمان وهموطنان اسلامیه خود میدارید بموجب ایه وافی هدایه انما المومنون اخوة دست بردارشده مخالفت نکنید کما زخواسته میشود درعهده مشناقه سید . فقط

(٢)

بر رعایای صادقه اعلان میشود :

قبلا اعلان حکومتی شده بود که زنها و دخترهای جوان از خانه های خود شان بلا سبب و بدون محرم شرعی و ملازم از خانه خود ها در بازارها نه برامده همواره مستر و حجاب باشند — بحضور والی صاحب ولایت کابل احوال رسیده که درین ایام اکثر زنها در کوچه و بازار لا ابالی گردش دارند از حضور والی صاحب بریاست بلدیه حکم صادر شده و اعلان گردید که زنهای جوان و دخترهای کلان بدون محرم از بازارها تیر نشده اگر ضرورت داشتند از طرف صبح یا عصر که هجوم مردم — کم باشد آنهم مستر بروند والا خیر بذریعه اعلان هذا شما رعایارا آگاهی داده شد که — هرگاه مخالفت کرده بودید سخت بازخواست میشود آگاه بوده درعهده شناسید . فقط.

(٣)

بر رعایای صادقه اعلان میشود.

اسپ و یابوهای سرکاری بخانه هر شخصی که باشد بعد از نشر اعلان هذا بصورت فوری — عجالتا تحویل کنند سرکاری نموده برای سند خود رسید حاصل و در ریاست بلدیه رسید های — خود را برای ملاحظه حاضر دارید هرگاه مخالفت شده بود و ظاهر گردید که اسپ و یابوی سرکاری را تحویل نکرده و در حکم اعلان غفلت کرده بوده بود بازخواست شدید خواهد شد درعهده شناسید . فقط

(٤)

بر عشایر خلوصیت مظاهر برادران ملکی و نظامی مخفی پوشیده مباد !

چون حضور امیر صاحب غازی یکجهتی خواه ملت نجیبه خود میباشند از آنرو مسموع گردید که نفرهای نظامی و ملکی که وارد مرکز کابل از سمت شمالی میشوند و در بازارها تردد میکنند برای — اهالی کابل وغیره بلفظ لالی لانی و رکیک میگویند در بین اهالی و نظامی سمت شمالی و مرکزی نزاع واقع میگردد چنانچه تکرارا این نزاع از همین باعث بحضور یاور حضور و به والی صاحب ولایت کابل رسیده و ازانجا بریاست بلدیه آشکارا حکم امده که باید نظامی و ملکی این چنین الفاظ نامناسب را باهمدیگر نگویند و همه مسلمان و برادر میباشند ترک این اقوال را کرده بزبان شیرین با همدیگر خود ها بگوئید تخلف نکنید و اگر بعد ازین گفته شده بود و بثبوت رسید البته بازخواست بقرار حکم شرع شریف کرده میشود .

غارتگری عشایر در بلاد عرب

(٢)

بعضی دیگر چون طبعا خونخوار و آدمکشند وضمنا منافعی درنظر میگیرند بعضی اینکه

برودتی درمیان روءسای خود احساس کردند بدون اطلاع پاشا رفتها بهر طرف حمله میکنند روسا هم درچنین موقعهائی احتیاج دارند ازخوف سرپیچی ازاطاعت خود نمیتوانند انهارا مجازات کنند وازاین عمل بازدارند .

گاهی هم روءسا صدمه رسانیدن بطرف قبایل خود یا معاهدین خود را محرمانه اشاره بقتل و غارت میکنند وبحسب ظاهر بی اطلاعی خود را باز مینماید .

گاهی هم درحجاز ونجد این غارتها مربوط برنجشهائی است که روءسای ایلات ازسلطان حجاز ازسابق داشته اند چون فعلا ترقی وبزرگی او را مینگرند بران هانا هموار است ومیخواهند هرقدر ممکن است رعایا وبستگان او را مورد نهب وغارت قرار دهند .

اخیرا یکی ازقبایل اردن صلاح خود را بفرار در اطاعت ازسلطان نجد وتوطن درخاک او دانسته وپس ازوصول بایمقصود دستجمعی بعشائر وطن اصلی دراز ویکی ازعوامل مهمـــه قد اغتشاشات فعلی محسوبست.

باین ترتیب حل قضایا ورفع اشکالات سرحدی بی نهایت دشوار است با اینکه فعلا تسویه ان نهایت لزوم را پیدا کرده چه ممکن است مورث ایجاد سوءتفاهم بین سلطان حجاز وبرطانیای کبیر شود ایلات حجاز براراضی عراق حمله میبرند وچون این بی اعتدالی ازحد تجاوز کرد انگلیس بحمایت عراق برنجد اعتراض میکند وما داستان اخوان وفیصل دویش را سابقا درصفحات اقدام انتشار دادیم سلطان حجاز درحالتیکه خود را ازاین حملات بی اعتدالی هایی اطلاع وغیرمسئول بخرج — میدهد اعتراضاتی ازحملات عشایر شرق اردن بحجاز مینماید وانرا دلیل دشمنی وعداوت — می شمارد البته درصورتیکه پادشاه نجد همه روزه ازتعدیات عشایر همسایه انتشاراتی میدهد ودرمقابل غیر ازسکوت چیزی شنیده نمیشود باید تصدیق بصحت دعوای او نمود .

پادشاه نجد پس ازقطع مذاکرات در طائف معتمد دار اجرا بمواد معاهده شد وکلیه عشایر سرحدی خود را چه ازسمت عراق وچه ازطرف شرق اردن مامور بحفظ سلامت وسکون داشت با وضع حاضر نمیتوان باتیه ان حدود خوش بین بود چه روءسای عشایر نجد بیش ازاین تاب نیاورده مبارزه مقابل خواهند نمود ودران میانه انقلاب بزرگی برپا خواهد شد . اقدام

شرط بندی یا دیوانه گی

از روزنامه شفق سرخ.

دریکی ازشبهای تاریک پائیز (الکس) صراف در اطاق تحریر برقد میزد ناگهان حوادث

شبی را که پانزده سال قبل در منزلش واقع شده بود بیاد آورد . در آن شب عده ای از فضلا ومحترمین بمنزل صراف مزبور دعوت شده بودند وتا صبح جلسه ومذاکرات آنها طول کشیده بود وهیچیك درآنشب نخوابیده بودند وازجمله چیزهائی که در آن شب مورد بحث وموضوع گفتگو شده بود قضیه مجازات قاتل ومحکومیت باعدام بود .

درآن جلسه بیشتر حضار این مجازات را زشت دانسته ومخالف دیانت وتمدن شمرده و میگفتند بایستی این مجازات ملغی وتبدیل بحبس ابدی شود صراف که میزبان مهمانان بود اظهار داشت . (من با این عقیده موافق نیستم . با اینکه من تاکنون نه محکومیت باعدام ونه حبس ابد را امتحان نکرده ام ولی معتقدم وعقیده خودم را صحیح میدانم که محکومیت باعدام برای قاتل بیشتر از حبس ابد با دیانت وتمدن موافقت دارد زیرا اعدام رشته زندگانی را بفوریت قطع میکند — ولی حبس ابد مرگی است تدریجی . اما کدام یك ازین مجازاتها بنظر پراحترامتر است . آیا آنکه در چند ثانیه انسان را میکشد یا آنکه هرروز مرتبا یکقدم شخص محکوم را بطرف مرگ نزدیك — مینماید .) یکی از مهمانان اظهار نمود :

بعقیده من هر دو این مجازاتها با دیانت وتمدن مخالفند زیرا اثر هر دو یکی است وآن قطع کردن رشته زندگانی محکوم است وقاضی این قضیه هم خدا است وبنابراین حق ندارد چیزیرا ازمحکوم بگیرد که وقتی خواست بتواند دوباره باو تسلیم کند). در بین حضار وکیلی بود ۲۲ ساله دیگران از او تقاضا کردند عقیده خودشرا در این خصوص اظهار دارد . در جواب گفت .

(بعقیده من این مجازاتها هردو وحشیگری ومخالف قوانین تمدن هستند ولی اگر من درانتخاب آینده مجازات فقط اختیار داده شود مجازات دومی (حبس ابدی) را براولی (قتل) ترجیح میدهم زیرا زندگی بهر شکلی که باشد بهتر از مرگ است) گفتگو وجنجال در سر این موضوع زیاد شد ودامنه اختلاف حضار در این قضیه خیلی وسیع گردید صراف میزبان در این موقع در اول جوانی دارای روح تند وسریع الغضب بود مشتخود را روی سفره کوبیده ورو بجوان وکیل کرد باغضب وغیظ شدید گفت: (این دروغ وتهمت است من با تو شرط می بندم که دو ملیون تومان بتو بدهم اگر تو توانستی فقط پنج سال در محبس بسر بری .

— اگر شما در این اظهار خود جدی باشید من حاضرم شرط ببندم که نه فقط پنج سال بلکه پانزده سال در محبس بمانم .

صراف فریاد زد . (شانزده سال (!) حاضرم آقایان شما شاهد باشید .

اوکا گفت: بلی ما در حضور این آقایان این شرط را بستیم شما دو ملیون تومان قمار می کنید ومن جان خود را در خطر میاندازم.

باینطریق این شرط بندی عجیب که بیشتر بمسخره بازی شباهت داشت تمام شد.

صراف در این موقع یکی از سرمایه داران بزرگ و صاحب ملیونها ثروت بود. ودر همان حینی که برای صرف غذا نشسته بودند به اوکا گفت:

(ای جوان. اینقدر مغرور نباش و قبل از گذشتن وقت این خیال فاسد را از سرت بدر کن — برای من دو ملیون تومان پول اهمیتی ندارد ولی یقین دارم که تو بیش از سه یا چهار سال قادر نخواهی بود در زندان بمانی وجان خودت را مفت فدا میکنی ای جوان بدبخت این نکته را درنظر داشته باش که حبس اختیاری بدرجات از حبس اجباری سخت تر است دیگر خود دانی.

این بود حادثه آن شب بعد از پانزده سال امروز صراف وقایع آنشب را بیاد آورده وپیش خود گفت.

(برای چه من این شرط را بستم. چه فایده ای داشت. پانزده سال عمر اوکا و دو ملیون تومان پول من بدون جهت هدر میدهم. آیا این شرط بندی ها بمردم ثابت خواهد کرد که محکومیت بمرگ یا حبس ابد برای قاتل کدام یک بهتر یا بدتر است. نه. ابدا. تمام اینها اشتباه وغرور بود من بوسیله نخوت وتکبر تحریک شده بودم و اوکا بوسیلهٔ فقط پول پرستی وطمع زیادش.)

صراف مزبور سپس حادثه های را که بعد از آن شب اتفاق افتاده بود بیاد آورده روز بعد از آنشب بموجب شرطی که بسته بودند اوکا در اطاقی از اطاقهای باغی که منزل صراف در آن بود محبوس شده وبا کمال سختی او را تحت مراقبت گذارده بودند ودر اثناء مدت حبس حق نداشت از اطاق بیرون آید ویکنفر انسان را ببیند وصدای بشری را بشنود ویا روزنامه ومکتوبی از کسی بگیرد وفقط مجاز بود که یکدستگاه موسیقی نزد خود نزد داشته باشد وهر کتابی میخواهد مطالعه کند وهرچه میخواهد بنویسد وسیگار بکشد و.و.و. برحسب قراردادی که کرده بودند اوکا محبوس بایستی هرچند میخواهد روی کاغذ نوشته واز سوراخ کوچکی که در اطاق او برای همین مقصود درست کرده بودند بیرون اندازد و برای انکه یک کلمه با کسی تکلم کند وبایستی تمام وسائل لازمه برای اجراء شدن مواد قرارداد مزبور — اتخاذ شود و اوکا ملزم شده بود که از وسط روز ١٤ ماه نوامبر ١٨٧٠ تا وسط همان روز در سال ١٨٨٥ در محبس بماند وشرط شده بود که اگر کوچکترین تخلفی از مواد این قرارداد بجا آورده شود ولو

ولو اینکه محبوس یک دقیقه قبل ازخاتمه وقت از محبس خارج شود صراف حق داشته باشد دو ـ
ملیون تومان پول را نبعد . ازروی یادداشتهای مختصری که اوکا حسب القرار فقط مینوشت
واز سوراخ محبس بیرون میانداخت همچو فهمیده میشد که سال اول حبس را او باکمال سختی
ومشقت بسر برده ودر مدت این یکسال صدای پیانوی او شب وروز مرتبا شنیده میشد . دراین
سال او ازقبول شراب وسیگار امتناع کرد ودر یادداشت خودش راجع باین قضیه نوشته بود :

(مکر شهوات انسان را که بزرگترین دشمن محبوس است تحریک میکند هیچ چیز مثل نوشیدن
شراب در تنهائی بدون رفیق انسانرا غمگین نمیکند ودر ضرر سیگار همین قدر بس که دود ان هوای
اطاق را کثیف ومضر برای تنفس مینماید) کتابهائی که دراین سال باو دادند همه ازکتبی بودند که
برای سرگرمی ووقت گذرانی خوب بودند از قبیل رومان وحکایت ها وغیره .

سال دوم صدای پیانوی اوکا قطع شد واصرار زیادی برای کتابهای ادبی داشت . درسال
پنجم دومرتبه صدای پیانو شنیده شد واشخاصی که مراقب او بودند میگفتند که دران سال ـ
اکثر وقت خودش را بخوردن وخوابیدن صرف کرد وبلهجه غضبناک خیلی بخودش بد گوئی میکرد .
واز مطالعه کتاب بیزار شده وبعضی ازشبها مشغول تحریر می شد ومقدار زیادی چیز مینوشت و
سپس هرچه راکه مینوشت پاره میکرد ومکرر می شنیدند که مشغول گریه وناله کردن بود . (باقی دارد)

صفحه ۱ (جریدهٔ هفتگی حبیب الاسلام ـ سال اول شماره ۴) نمره مسلسل ۴

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

حبیـــب الا ســـــلام

ادارهخانه ـ دهافغانان کابل ـ افغانستان ـ نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختار است
درهر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

	قیمت سالانه	قیمت ششماهه
درداخل	پنج افغانی	۳ ـ افغانی
درخارج	۱۵ شلنگ	۸ ـ شلنگ

قیمت یکشماره ۱۰ ـ پول

تاریخ قمری ۱۶ شوال المکرم ۱۳۴۷ ـ پنجشنبه ـ تاریخ شمسی ۸حمل ۱۳۰۸هجری .

تشریف بری ذات همایونی به مدیریت گمرک کابل
در روز نوروز

بدیهیست فلسفهٔ تشکیل حکومت خدمت بمملکت وطنا سود وحالی افراد مملکت است . ازاین حیث خدمات شخص اولوالامر وسائر زمامداران مملکت که رجال اطی ود را سا مر موضوع وجود خارجی پیدا میکند موجب هرگونه تقدیر ومایهٔ هرنوع سرور است جای خیلی افتخار است که حکومت اسلامیهٔ حالیه ما مخصوصا شخص اول مملکت خدمت را باین مملکت مطابق احکام دین مقدس مبین ما آرزو داشته ونصب العین اساسی ذات شاهانه خدمت به راه اعتلای کلمه الله وبرای حصول موجبات امید وحالی رعایا وافراد این مملکت است .

چنانچه ذات اشرف همایونی قبل از روز نوروز اراده داشتند که بمدیریت گمرک کابل در روز نوروز که روز اول سال است تشریف برده در عائدات گمرکی مملکت به ذات خویش رسیدگی فرموده واز تجاران وطن دلجوئی فرمایندکه اینهم از خدماتی به مملکت است . اینست که روز نوروز بنابراراده همایونی برای تشریف بردن شان به گمرک خیلی ترتیبات عالی گرفته شده وسواران شاهی وارد لیان حضور از حد گمرک الی پل خشتی دو رسته صف گرفته ورود موکب همایونی را انتظار می کشیدند تا اینکه ذات شاهانه و وزرای محترم بساعت معینه بسواری اسپ بصورت خیلی مجلل ومحتشم در گمرک کابل نزول اجلال فرمودند بعد از ورود ذات شاهانه بگمرک ورسیدگی درعایدات گمرک ـ

عریضهٔ ذیل ازطرف تجاران بحضور شاهانه قرائت گردید :

——— بحضور مبارك والا ———

(عرض مایان تجاران)

حضور شاهانه که بوجود اشرف خویش واد ار تکلیف شده وبا این یکروز مخصوص مایان تجاران وغیره شعبهٔ تجارتی را بروبهٔ شاهان بوضعیت زره پروری ازنظر مبارك دور نساخته همین است که به شرف حضور خود ما مردم را مفتخر ساخته اند تا امروز که جلب احساسات نظریهٔ شان را ما سعادت مند نشده ایم در ضمن عدم لیاقت ما گویا نوازشات شاهانهٔ خودرا بما روادار شده اند احوال خطرناك کابل و وحشت انقلاب اقدامات سش را اگر نیك غور کنیم وبا اتش — خانمان سوز جور وچپاول متنفرا به یاد اوریم ما مردم کابل از لطف حضرت الهی که هم اقـوش امنیت وسعد این محفل جمعیت هستیم ان خالق یکتائی کهدرچین وجود چنان احوال الطاف وتدبیر حضرت ربانی خویش را شامل حال ما ساخته گویا مرحمت خودرا بر محیط کابل بصورت فرشته امن وامان فرستاده بجارها زبان باداي شکریهٔ این نعمت امنیت قاصریم نی نی از لطف عمیم خویش مارا حیات تازه بخشیده ، اکنون که نوازشات خسروانه بموجودیت انعقاد این محفل مارا — سرفراز ساخته است وخوش بختانه باثر نتیجه محصولات گمرکی خود ها این محفل تجارتی خود را بحضور مبارك شاهانه مالك اشم بایست بحثی از امور تجارتی و محصول گمرکی سال خاتمه یافته کنیم . این ادارهٔ گمرکی کهدر سالانه یکگرور روپیه محصولات گمرکی رابدون از گمرکات دیگر نایب الحکومگی ها خاص بتوسط تجاران کابل داراست در هذا سنه با وجودیکه نصف سال ایام ترقی عمل درانقلاب گذشته واز قرار رویداد باید نصفهٔ عمل سال گذشته را هم پوره نمی کرد ولی خوشبختانه باوجود تقریبا مدت ٦ ماه بند شدن راه وتیامدن مال التجاره کمو کلی نکرده ، چنانچه صورت عمل سال گذشته وهذا سنه در ضمیمهٔ این معروض معلوم است کمو مذکور را به نسبت انقلاب نباید اهمیت بدهیم حضور شاهانه که خودرا بزحمت گرفتار وشب و روز برای اسود حالی رعایای خود مصروف کار اند و به پیروی شان تمام اداره های دولت و مفیت عمومی تجارت وعلی الخصوص والی صاحب کابل که حاکم شهر اند ومستوفی صاحب ومدیر صاحب گمرك کابل وتجاران محترمان وطن عزیز ما هم باستفاده ، امورات تجارتی خود جد وجهد تمام دارند حضرت الهی قدرت دارد که وحشت نفاق را از برادران اسلامی ما دور وخاطر جمعی مرحمت وعطا امد وشد تجارتی ما هم ازپیشتر بیشتر جاری وتقصانات عایدات خزینهٔ اسلامی را برطرف وخساره را نصیب دشمن دین مبین حضرت — سید المرسلین گرداند ، وخطهٔ اسلامی مارا از جمیع افات وبلیات بوجود مبارك پاد شاه اسلام در پناه حضرت خویش محفوظ ومسلم دارد بحق محمدص) واله الامجاد .

پس از خاتمه عرض تجاران ذات همایونی نطق مفصلی درجواب عرض تجاران ایراد فرمودند که مفاد ومحتوای اینست .

(شکر میکنم بدرگاه خالق خود که باوجود انقلاب گذشته در عایدات ومحصولات گمرکی مملکت خساره قابل اهمیتی واقع نشده است واز خداي متعال نیاز میکنم که امور تجارتی مملکت ما بیش ازاین

بیش ازین ترقی پذیر گردد من ارزو دارم که کارهای تجارتی مملکت و رونق تجارت شما روز تا روز خوبتر شده برود ویول ودارائی شما تاجران را خدا نصیب شما کرده واز حد افزون شمارا صاحب ثروت بگرداند . و برای اینکه امور تجارتی مملکت ما ودامنهٔ تجارت شما توسعه پیدا کند من میل دارم هرکدام از شما بحر اندازهٔ که تقاوی خواهش داشته باشید برایتان عطا کم شما بخاطر جمعی تمام مشغول تجارت خود بوده و مرفه الحال باشید وهر قدر که شما تاجران تجارت خودرا رونق بدهید موجب خوشمن است زیرا تجارت شما برای مملکت شما یك خدمت بزرگی است و نفع کلی به مملکت شما عائد میشود . پس از ایراد نطق و دعاگوئی تاجران ذات همایونی ازگمرك خارج شده این مرتبه ذات همایونی برای اینکه مشتاقان دیدار او ازدیدار مبارك محفوظ شوند بسواری اسپ از راه شور بازار واهنگری بطرف چوك تشریف اورده وبصورت خیلی معظمانه و محتشمانه درحالیکه باهمه دکانداران احوال پرسی میفرمودند از بازار عبور فرموده بارك مبارك تشریف اوردند .

این بود صورت تشریف بردن ذات همایونی بگمرك که خدمتی به مملکت است ما از خدای متعال ارزو داریم که پادشاه خیرخواه مارا بالاتر ازاین توفیق خدمت به مملکت عطا فرموده و بیش ازاین از هر حیث موجبات اسایش افراد مملکت را فراهم داشته اتفاق نصیب ما مسلمانان بگرداند .　زززز —— امین —— زززز

حقیقت واقعهٔ شاب

خیلی اتفاق می افتد که در مواقع بحران حواس مغرضین میدان استفاده برای خود یا تصحیحی خبرهای خالی از (حقیقت) را در اذهان عموم می گنجانند مثله ثلاو هم این موقعیت را در عقول احراز کرده صاحبان غرض ممکن است موضوع را ازشکل اصلی برگردانیده در افکار جلوه دیگری نقش داده باشند ولی حقیقت این است که چند نفر دزد وراه زن بغرض استفاده مادی شاید تصور کرده باشند که ازاین موقع خوبتر بتوانند استفاده نمود : مبنای غارت مال مردم ودست اندازی بحقوق غیری داشته چون حضرت عالی نائب السلطنه صاحب وقوف یافتند برای تنبیه وسرکوبی اوشان از کابل حرکت فرموده در اول ورود اوشانرا دستگیر وبسزای اعمال نا شایست شان رسانیدند ازطرف دیگر وخصوصاً پسر حضرت اخند زاده صاحب ثلاو بغرض برات دیگران نزد جناب نائب السلطنه صاحب امده استرضای حضور شانرا نموده واپس مرخص شدند عده عسکری هم که به معیت حضرت عالی نائب السلطنه صاحب بغرض تنبیه اوشان از کابل حرکت کرده بودند بطرف کابل عازم شده اند .

مسائل دینی

واز گناه صغیره بقصد نیز پاکند وبحر ایشان پیغمبر ما محمد رسول الله (صلعم) .

۱۴— در جنت دیدار خداوند تعالی برای مؤمنان حق استکه بعین چشم سر بغیر از روبرو بودن و بغیر از دوری ونزدیکی وبغیر از طرف وچگونگی می بینند .

۱۵— الله تعالی بمحض فضل ورحمت خود بنده را قدرت داده باین معنا که الات واسباب و اعضای اورا درست وسلامت گردانیده که بان سبب بکوکاری توانائی یافته وبنده را بهمین

قدرت باحکام شرع شریف مکلف نمود و خداوند تعالی بنده را بچیزی تکلیف نکرده که در توان او نباشد وان چیزیکه بعد از فعل بنده پیدا میشود مانند دردیکه بعد از زدن در شخص زده شده پیدا میشود یا مانند شکستگی که بعد از شکستن در شیشه پیدا میشود همه مخلوق وافریده شده او تعالی است بنده را در افرینش ان هیچ صنعی ودخلی نیست.

١٦ــ خداوند تعالی هرکه را خواهد راه می نماید وایمان ارزانی میکند وهرکه را خواهد گمراه وکافر میکند وبر الله تعالی بصلاح اوردن کار بنده لازم وواجب نیست بلکه اگر رضاء او تعالی شود بمحض فضل خود اصلاح کار بنده را مینماید.

١٧ــ حرام نیز رزق وروزیست چنانچه حلال رزق است لیکن بنده بحرام بعذاب الهی گرفتار میشود و هرکس رزق خودرا کامل می خورد خواه حلال باشد یا حرام وامکان وصورت ندارد که ادمی رزق خودرا نخورد یا دیگری رزق اورا بخورد.

١٨ــ خداوند تعالی هرکس را که در ازل اجلی مقرر کرده که چون اجل او برسد میمیرد ویک لحظه المین پس نمیشود ونه پیش از ان کس میمیرد وشخص کشته شده نیز باجل خود مرده است وبسبب کشتن ازاجل خود پیش نمرده است اگرچه قاتل بسبب مخالفت امر شرع شریف در دنیا واخرت بعذاب گرفتار میشود.

١٩ــ برانگیختن خداوند تعالی مردگان را ازقبرها در روز قیامت باین طریق که اجزای اصلی ایشانرا یکجا میکند وارواح ایشان را بانها باز میگرداند حق است.

٢٠ــ عذاب قبر همهٔ کافران وبعضی گناه کاران مؤمنان را حق است.

٢١ــ براحت وتن اسوده بودن اهل طاعت از مؤمنان در قبر بوجهیکه او تعالی میداند واراده انرا کرده است حق است.

٢٢ــ سوال منکر ونکیر از مرده در قبر حق است یعنی چون مرده در قبر نهاده شد دو فرشته نزد او حاضر می شوند که یکی را منکر ودیگری را نکیر گویند وبعد از ان که بقدر کاملا وتعالی روح ببدن اوچنان تعلق بگیرد که مرده بسبب ان صلاحیت جواب گفتن را پیدا میکند از ان مرده می پرسند که پروردگار تو کیست . ودین تو چیست . ونبی تو کیست . پس اگر ان مرده جواب نیکو گفت براحت میماند واگر جواب گفته نتوانست در قبر بعذاب گرفتار میشود.

٢٣ــ سنجیدن عمل نیک وبد بندگان بمیزان حق است وکیفیت ان را خداوند تعالی میداند بنده ازادراک ان عاجز است.

٢٤ــ نامه اعمال بندگان که عمل نیکی وبدی ایشان دران نوشته است مؤمنان را ازپیش روی بدست راست وکافران ومنافقان را ازطرف پشت بدست چپ داده میشود حق است.

٢٥ــ در روز قیامت پرسیده شدن پروردگار از اعمال بندگان مؤمنان وکافران ومنافقان که در دنیا چه کرده اید . حق است.

٢٦ــ حوض کوثر حق است که در حدیث شریف صفت ان چنین وارد شده است که پیغمبر خدا گفته که فراخی حوض من مسافت یکماه است وکنجهای ان باهم برابرند ابش از شیر سفید تر وازمشک خوشبوتر کوزهایش از ستارهای اسمان بسیار تر است هرکه ازان بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد.

٢٧ـ صراط حق است وان پلی است بر پشت دوزخ باریکتر ازموی تیزتر از شمشیر تاریکتر ازشب مؤمنان هریک بقدر اعمال حسنهٔ خود ازان عبور میکنند وبجنت داخل میشوند بعضی چون برق وبعضی بسیار بدیری واهستگی ان منحصر بعمل اوست وپایهای اهل دوزخ بران میلغزد ودر دوزخ می افتد ·

٢٨ـ جنت ودوزخ حق است که درحال موجودند وفرایند ه دایم وباقی اند وتنیکه مسلمانان درجنت وکافران در دوزخ درامدند همیشه دران میباشند ازان بازنمی برایند وجنت ودوزخ واهل انها بعد ازان فانی نمی شوند ·

٢٩ـ ایمان اقرار بزبان وباورکردن بدل است باینکه هرچیزیراکه پیغمبران صلوات الله علیهم ازخداوند تعالی اورد ماند همه حق است پس نفس ایمان زیاد وکم نمی شود واعمال صالحه وطاعت ها درذات خود بلکه زیاد میشوند·

٣٠ـ ایمان واسلام درعرف اهل شرع یک اند ودرشرع شریف روانیست که برکسی حکم شود که مؤمن است مسلم نیست یا مسلم است نه مؤمن ·

٣١ـ چون ازبنده اقرار وتصدیق هردو موجود شد درست است که بگوید که بتحقیق ویقین مؤمنم که مؤمنم وچنین نگوید انشاءالله تعالی که در ایمان اوتوهم شک کرده نشود ·

٣٢ـ شخص سعید وتیک گاهی بد می شود چنانچه مطلمان مرتد شود نعوذبالله من ذالک وشخص شقی وبد گاهی نیک میگردد چنانچه کسیکه ز کفر ایمان ارد وتغییر درنیک شدن وبد شدن است که از صفت های بنده میباشد نه در نیک گردانیدن وبد گردانیدن زیراکه این دو ازصفت های او تعالی اند وتغییر در ذات وصفت های او تعالی نیست·

٣٣ـ بکردن گناه کبیره کسی کافر نمیشود تا که ان را حلال نداند·

٣٤ـ خداوند تعالی کفر وشرک را نمی امرزد وبدون ازکفر وشرک دیگر گناهان صغیره وکبیره را بافضل وکرم خود می امرزد برای کسی که رضای او تعالی به امرزیدن اوشود ·

٣٥ـ رواست که خداوند تعالی بنده گان را بگناه صغیره بعذاب گرفتار کند ورواست که گناه کبیره ایشانرا عفو کند بشرط انکه انرا حلال ندانسته باشد وحلال دانستن گناهی که ثبوت ان بدلیل قطعی شده باشد کفر است·

٣٦ـ خداوند تعالی صاحبان گناه کبیره راکه ازدار دنیا با ایمان رفته باشند همیشه در دوزخ باقی نمی ماندگرچه بغیر توبه مرده باشند بلکه بقدر گناه ایشانرا بعذاب گرفتار کرده بعد ازان بجنت می درارد ·

٣٧ـ شفاعت پیغمبران علیهم الصلوات والسلام در روز قیامت برای گنهکاران مؤمنان راحق است ·

٣٨ـ رفتن پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم در شب معراج بجسد شریف خود دراسمانها وتاحد یکه ارادهٔ خداوند تعالی بران رفته بود حق است ·

٣٩ـ کرامات اولیاءالله تعالی حق است ولی شخصی است که مسلمان ودانا بذات وصفت های خداوند تعالی باشد بقدر امکان ودانائی ان باشد · وهمیشه مشغول باشد بطاعت پروردگار واز گناهان کبیره

ودوام بر صغیره کاره باشد واز لذتها وخواهشها وارزوهای نفسانی روی گردانیده باشد و کرامت ولی ان است که ازوی امری صادر شود که خلاف عادت باشد ودعوی پیغمبری بران نباشد زیرا که اگر باان دعوی پیغمبری بحق موجود باشد انرا معجزه گفته میشود چنانچه پیش ازین ذکرشده واگر از شخصی خلاف عادت ظاهر شود وایمان وعمل صالح با ان موجود نباشد ان استدراج گفته میشود وکرامت ولی بطریق خلاف عادت ازوی ظاهر میشود مانند قطع کردن راه بسیار درزمانه اندك وظاهرشدن خوردنی وپوشیدنی ونوشیدنی نزد او در وقت حاجت بدون اسبابیکه درعادت جاری است ومانند رفتن در روی اب وپریدن درهوا و سخن گفتن چیزهای بی روح وبی زبان با وی ودفع شدن بلاهای نازله بسبب توجه ودعای وی وکفایت ازخود شمنان وامثال ان وهر کرامتیکه ازولی ظاهر شد معجزهٔ ان پیغمبر است که ان ولی یکی از امت اوست زیراکه باین کرامت ولایت ولی ظاهر میشود وهیچ شخص بولایت نمیرسد مگر اینکه بعد بنداری خود ثابت باشد وایمان اورده باشد به پیغمبری پیغمبر خود وفرمان برداری پیغمبر خود را در امر ونهی کرده باشد پس اگر ان کیکه چنین اورا ظاهر کرده دعوای استقلال خودرا مینمود واز متابعت پیغمبر خود منکر بود ولی نیست زندیق است ・

۴۰ـ افضل وبهتر مخلوقات بعد از پیغمبران علیهم الصلوات والسلام حضرت ابابکر صدیق رضی الله عنه وبعد ازان حضرت عمر فاروق رضی الله تعالی عنه وبعد ازان حضرت عثمان ذی النورین رضی الله تعالی عنه و بعد ازان حضرت علی مرتضی رضی الله تعالی عنه است وخلافت ایشان نیز بهمین ـ ترتیب است وخلافت کامله درسی سال زمانهٔ ایشان منحصر است چنانچه بعد از شهادت حضرت علی کرم الله وجهه ششماه ازین سال مانده بود ششماه را حضرت امام حسن رضی الله عنه تمام نموده خودرا بعد ازان خلع کردند وبعد از همان سی سال زمان امارت است ・

۴۱ـ بر مسلمانان لازم است که همه صحابهٔ کرام را رضی الله تعالی عنهم وامامان دین صالحین پیشینه را بخوبی یاد کنند وزبان خودرا ازبد گفتن ایشان نگهدارند ・

۴۲ـ مشاجرات ومخالفاتیکه درمیان صحابهٔ کرام وامامان صالحین پیشینه گذشته بر غرض دینی حمل کرده شود نه بر غرض دنیوی ومدعای نفسانی واگر ازایشان خطائی صادر شده باشد خطای اجتهادی است بان گنهکار نمی شوند بلکه صاحب یك ثواب میشوند زیراکه ایشان مجتهدان دین متین بودند و محض برای حصول رضای خداوند تعالی سعی وکوشش کرده اند وهر مجتهد یکه سعی وکوشش خودرا بقدر طاقت خود صرف کرده باشد گاهی بحق میرسد وگاهی خطا میشود پس اگر بحق رسیده باشد خداوند تعالی اورا دو ثواب میدهد واگر خطا شده باشد یك ثواب اجتهاد را باو میدهد (باقی دارد) ・

فتوحات اسلام
(فتح بیت المقدس)

(۲)

بطرف منزل های خود باز گشتند وانچه فرایضی که خدای تعالی بر ذمه شان فرض گردانیده بود ادا ـ نمودند ودر اصلاح شان وقبائل خود شروع کردند چون ازین امورات خود فارغ شدند اتشهای خودهارا افروختند وهیزم بسیاری در بالای اتش ها انداختند چراکه هیزم درنزد شان بسیار بود وبعد ازان بعضی بنماز گذاردن مشغول شدند وبعضی تلاوت کلام شریف میکردند وقومی بطرف خدای تعالی

به تضرع بودند و قومی از نهایت ذلگی وتعب بخواب رفتند چون صبح شد باز شتاب کان روی بطرف حرب شان اوردند وخدای تعالی را بسیار ذاکر بودند ورسول الله (ص) راﷺ درود میفرستادند وتیر زنان را در مقدم روی خود اوردند همگی پیش امدند وتیری انداختند وخدای تعالی (ج) را ذکر میگفتند وبطرف حق تعالی بدعا وتضرع هم اواز بودند ·

واقدی رحمت الله علیه فرموده که :

تا مدت چند روز مسلمانان بدین احوال بودند واهل بیت المقدس اظهار فرح وسرور میکردند چنانچه بقلب هیچ یکی ازان ها حزن واندوهی راه نیافت چون روز یازدهم امد لوای خود امیر ابا عبیده رضی الله عنه نمایان شد وغلام امیر که سالم نام داشت لوا را بشانهٔ خود کرده بود وقد دلاوران مسلمین وپهلوانان از عقب لوا می امدند وگرد اگرد امیر اباعبیده رضی الله عنه را گرفته و بودند وپس امدند وخالد بن ولید رضی الله عنه در جانب راست امیر بود وعبد الرحمن بن ابی بکر صدیق رضی الله عنه در جانب ﷺ چپ او که به همرای تمام عیال واموال ها رسیدند رضی الله تعالی عنهم اجمعین چون مسلمانان به یکدیگر رسیدند همگی شان به یکدفعه بصدا تکبیر وتحلیل هم اواز شدند وتمام قبایل ها جواب یکدیگر را پس گفتند چنانچه خوف بسیاری بقلب مشرکان داخل شد وهمگی اهل بیت المقدس پریشان امدند بعد ازان همگی کلان ها وعلما وسرهنگان شان بطرف ان بیعه که از همه بیعه ها به نزدشان بزرگ تر بود امدند که ان قمامه است ودر انجا جمع گردیدند ودر حضور جاثلیق خود بپای استاده شدند واورا عظمت وبزرگی بسیاری بجا اوردند وعاجزی ها کردند واز برای او گفتند که ای پدر ما امیر عرب به همرای باقی مسلمانان وهمگی بطرف ما امد واین فریاد های مردم عرب از سبب امدن او است چون بترك وجاثلیق شان این گفته را شنود رنگ روی او تغییر کرد وچنین گفت که همین است وهمین است اهل بیت المقدس گفتند که ای تبرکها وای پدر بزرگ ما · این گفتهٔ تو چه معنی دارد ·

تبرك گفت بحق انجیل قسم که در علومیکه از متقدمین بعایان میراث مانده چنین دیده ام که ان مردی که روی زمین را در طول وعرض فتح میکند مرد گندم گونی است که سیاهی چشم اوراسفیدی بیشتر است و معنی بعمر (رض) است اگر چنانچه همان مرد امده باشد شمایان بطرف مقاتله او راه ندارید واین طاقت بشما نیستکه به همرای او کار زار کنید وحالا مرا چاره نیست تا اینکه بطرف او نروم وبچهره او نظر نبیندازم اگر چنانچه همان شخص باشد باید که به همرای او صلح کنم وهرچه اراده داشته باشد از برای او بدهم واگر غیر ان مرد باشد هرگز شهر خودرا بدست شان تسلیم نمیکنیم زیرا که بغیر ازان کسی که من از برای شما ذکر کردم شهرما بدست دیگری فتح نمیشود والسلام ·

بعد ازان جاثلیق از جای برخواست وبپای ایستاده شد وتمام قسیس ها ورهبانان وشماسه بگرد گرد او جمع بودند وصلیب هارا به بالای سر او بپای کرده بودند وانجیل را در مقدم روی او مفتوح داشتند وتمام بطارقه وسرهنگان باطراف او جمع بودند وبران ﷺ طرفی که جای امیر اباعبیده رضی الله عنه بود وبر بالای سور شهر بالا رفتند وبطرف مسلمانان نظر انداختند دیدند که مسلمانان همگی می ایند وامیر ابا عبیده (رض) را سلام میکنند وبعد ازان باز روی بطرف مقاتله جایی اورند ·

چنانکه گویا همگی شان شیر های حمله کننده اند بعد ازان از جمله ان مردمانی که در مقدم روی جاثلیق بودند یکی ندا کرد که یا معاشر مسلمین دست خودرا ازمقاتله کردن نگاه دارید تا اینکه ازطرف شما خبری جویا شویم وسوالی بپرسیم ٠

راوی گفت که بعد ازان مسلمانان دست خودرا از مقاتله کردن نگاه داشتند ومردی از جمله اهل روم بزبان عربی فصیحی ندا کرد که یا قوم عرب ان مردی کشهرها بدست وتمام بلاد مارا فتح میکند درنزدما موجود است اگر چنانچه همان شخص امیر شمایان باشد اورا بمایان بنمائید ومایان من بعد بهمرای شما مقاتله نمیکنیم وشهر خودرا بشما تسلیم میدهیم واگر همان شخص امیر شما نباشد ما هرگز شهر خودرا بدست تسلیم نمیکنیم ٠

واقدی رحمت الله علیه فرموده که چون مسلمانان این گفته را شنودند فورا چند مرد روی بطرف امیر اباعبیده رضی الله تعالی عنه اوردند وانچه از تبرک رومی شنوده بودند بخدمت امیر اباعبیده رضی الله عنه قصه نمودند ٠

راوی گفت که بعد ازان امیر مسلمانان روی بطرف شان بیرون شد ورفت تا اینکه در برابر شان ـ بایستاد تبرک بطرف امیر ابا عبیده رضی الله عنه نظر انداخت بعد ازان از برای اهل بیت المقدس گفت که بشارت باد شما را اینکه مردی را که من بشما صفت کردم این مرد نیست من بعد شمایان از جای دین خود وقد حریم خود مقاتله نمائید چون این گفته تبرک را شنیدند همگی شان به کلمه کفر خود هم اواز شدند وروی بطرف مقاتله مسلمان اوردند ومقاتله های شدیدی کردند وخود بترک بطرف قمامه بازگشت وبهمرای امیر ابا عبیده رضی الله عنه بطرف اصحاب خود پس امد خالد بن ولید رضی الله تعالی عنه پرسیده که ای امیر بشما چه حاجت داشتند ٠ امیر فرمود که من ندانستم مگر اینکه چنانکه تو می بینی بطرف شان رفتم شیطانی ازجمله شیاطین های شان که انهارا گمراه میکند بطرف من امد وبچهره من نظر انداخت وفکر کرد بعد ازمن روی گردانید وگفت وشنید هیچ بهمرای من نکرد ازین زیاد تر چیزی ندیدم خالد رضی الله تعالی عنه روی بطرف مسلمانان اورده فرمود که بزودی تاویل این فعل شان دانسته میشود که مایان هم بمعنی ان دانسته شویم بعد امیر حکم کرد اینکه مقاتله را در بالای قوم محکم گیرید ٠

واقدی رحمت الله تعالی علیه نقل کرده که فرود امدن مسلمانان در بیت المقدس در فصل زمستان وشدت سرما بود ومشرکان چنین گمان بردند که درین شدت سرما مسلمانان بانها قادر نمیشوند ٠

راوی گفت که مسلمانان بطرف انها به جنبش شدند وتیر زنان اهل یمن ودلیران درنده صاحبان زور بازو کمان ها روی بحرب شان اوردند وجماعات شانرا به تیرهای خود پاره پاره کردند ومشرکان ازتیرهای مسلمانان خیال نداشتند وازمحاربه شان کم پروا میکردند تا اینکه اهل یمن ازپس پشت شان تیرهای خودرا در بالای شان فرو کوفتند که انها اگاه نبودند مهلهل رضی الله تعالی عنه گفت که خدای تعالی اهل یمن را خیرها دهد زیرا که من دیدم که چنان مشرکان را به تیر میزدند که بسان کوفتن از بالا بسوی به پایان می افتادند چون مشرکان این حال رادیدند که تیر های مسلمانان بانها چه عمل میکند بعد ازان از تیرها احتراز کردند ودر بالای سور شهر برده ها اوردند تا اینکه تیر های مسلمانان را از طرف شان بگرداند وسپر ها وپوست ها را در بالای سر

شهر پرده ها اوردند تا اینکه تیر های مسلمانان را از طرف شان بگرداند وسپرها وپوست هارا در بالاي سور شهر حاضر اوردند •

راوي گفت ضرار بن ازور رضی الله عنه را دیدند که بطرف باب اعظم بیش میرود وسرهنگ بزرگی ازجمله مشرکان روم که صلیب جواهری را بسر خود بالا داشت وغلامان بسیاري باطراف او جمع بودند که بعضي هارا بدست خود گرفته داشتند وکمان هاي تیز تیر ومحکم بدستهاي شان بود ودران درب مقرر بودند وان سرهنگ مشرکان را به محاربه تیز میکرد •

عوف بن معلهل رضی الله عنه نقل کرد که من دیدم اینکه ضرار رضی الله عنه به پنهانی بنوعی که ان سرهنگ اگاه نشود خودرا برده کرده بطرف او میرفت تا اینکه دران برجی که جلی سرهنگ بود نزدیک رسید • بعد ازان تیر خودرا بطرف او رهاکرد عوف رضی الله عنه نقل کرد که با وجود انکه بوار بسیار بلند بود چون تیر ضرار رضی الله عنه تعالی عنه از کمال اوجدا شد وبطرف ان برج رفیع و بلند رفت من بدل خود گفتم که ایا تیر بدین برج بلند ورفیع چه کار میکند ودرجان این گبری که زره ها بجان او لمعه میزند چه تاثیرخواهد بخشید قسم بخداي تبارک وتعالی جل شانه که تیر بدهان گبر واقع شد چنانکه ازبالاي برج به پایان افتاد وبعد ازان ازطرف قوم او اوازهاي وفریاد هاي عظیم شنودم دانستم که ان سرهنگ بقتل رسیده وتامدت چهار ماه کامل هر روز بهمراي اهل بیت المقدس محار به میکردند وهیچ روزی نه بود اینکه مقاتله شدیدي بیش نمی بردند ودر ایام برف وباران وبود مسلمانان صبر را بیشه گرفتند چون اهل بیت المقدس بطرف شدت حصار داري وانچه ازطرف مسلمانان در بالاي شان نازل می شد دیدند بعد ازان از بلندی وبزرگی خود بنگ شتند ودر مقدم روي تبرک خود ایستاده شدند واورا سجده کردند وتعظیم بجاي اوردند وبعد ازان عرض نمودند که اي پدر مایان مدت حصار طوري این گروه عرب در بالاي ما بطول انجامید وامیدوار بودیم اینکه ازطرف ملك هرقل بمایان مدد اید نیامد وشك اینکه ملك هم از سبب گریختن لشکرهاي خود بحال خود مشغول باشد وقوم عرب هم در مقاتله ازما بیشتر اشتهار دارند وازان روزي که انها در اطراف شهر ما فرود امده اند مایان یك کلمه حرف بهمراي شان — نگفتیم واز نهایت انکه انها را حقیر شمردیم سوال شان را جواب بسر ندادیم حالا امر انها دربالاي ما بسیار بزرگ گردیده لهذا ازطرف تو امید داریم اینکه بطرف شان روي اوري ومعلوم کنی که انها از طرف ما چه مقصد دارند اگرچنان امر وخواهش شان بما نزدیك بود ودور از معامله سختی نمی گفتند ما اراده شان را وانچه طالب بودند قبول میکنیم واگر معامله شان سخت بود درب هاي شهر خودرا مفتوح میکنیم وبطرف مقاتلهشان بیرون میشویم که یا همگی ما تا به اخر بقتل میرسیم یا انهارا از ملك خود گریزمیدهیم تبرک این گفته شان را قبول کرد ولباس هاي خودرا بپوشید وصلیب را در مقدم روي خود اورد ودر بالاي سور شهر بالا رفت وقسیس ها ورهبانان انجیل ها بدستهاي شان مفتوح بود وبگرد اگرد او جمع بودند نجار میکردند ورفتند تا اینکه دران موضع رسیدند که جاي امیر ابا عبیده رضی الله تعالی تبارک وتعالی عنه بود بعد ازان مردي ازمیان شان به زبان عربی فصیح ندا کرد که یا معاشر عرب اگاه باشید که عمده دین نصرانیه وصاحب شرع شان بطرف شما امده تا اینکه بهمراي شما سخن گوید حالا باید که امیر شما به نزدیك ما اید •

امیر اباعبیده رضی الله تبارك وتعالی عنه را از گفته شان خبر دادند فرمود کهقسم بخدای تبارك وتعالی که در هر موضعی که مرا طلب کنند میروم بعد ازان امیر مسلمانان بهمرای جماعتی از امیرهای صحابه کرام رضوان الله تبارك وتعالی عنهم اجمعین ترجمانی را باخود گرفته وروی بطرف شان — اوردند چون به تبرك شان نزدیك گردیدند بعد ترجمان متوکان از امیر هاي صحابه کرام (رض) سوال کرد که ای قوم عرب مقصد شما از امدن بطرف شهر ما چیست وچه اراده دارید چرا که هرکه این بلده مقدسه را قصد کرد نزدیك است این که خدای تعالی اورا هلاك گرداند وبروی غضب کند ترجمان ابا عبیده رضی الله تبارك وتعالی عنه را از گفته شان خبر داد امیر مسلمانان ترجمان را— امر کرد که ازبرای اینها بگوی که مایان هم قبول داریم که این شهر شما شهر بزرگی است وپیغمبرما صلی الله علیه وسلم را ازین جای باسمانها بالا بردند وبه پروردگار خود جل شانه و بقاب قوسین او ادنی نزدیك رسید واین شهر شما معدن انبیا است وقبور هاي شان دراین شهر است که اسوده اند لیکن ما از شما برحق تر می باشیم کهدراین شهر فرود ائیم ومنزل گیریم وحالا بهمرای شما مقاتله می کنیم تا اینکه خدای تبارك وتعالی مارا مالك این شهر گرداند چنانکه شهر هاي غیر شهر شما را مالك شدیم ·

تبرك گفت بگوئید که حالا شما ازطرف ما چه اراده دارید امیر مسلمانان فرمود که ما ازشما یکی را ازسه خصلت اراده داریم اول اینکه بگوئید که (لا اله الا الله محمد رسول الله) وحده لاشریك له · واگر شمایان بطرف این امر اقدام گردید باید که انچه نفعی که بمقابل مایان باشد از برای شما هم باشد انچه ضرری که ازبرای شما بود مایان را هم باید ·

تبرك گفت این کلمه بزرگی است مایان هم این کلمه را می گوئیم لیکن علم نداریم اینکه محمد (ص) که نبی شما بوده او پیغمبر است ایشه·

امیر اباعبیده رضی الله تبارك وتعالی عنه فرمود که دروغ میگوئی تو ای دشمن خدای ج زیرا که شمایان هرگز خدای تعالی را یکی نمیگوئید ویکی نمیدانید چرا که خدای تبارك وتعالی جل شانه مایان را ازحال شما درکتاب عزیز خود خبر داده اینکه شمایان مسیح را پسر خدای می گوئید و مایان میگوئیم کهلا اله الاهو سبحان وتعالی عما یقول الظلمون علوا کبیرا" ·

تبرك گفت که این خصلتی است کهمایان هرگز این امررا ازطرف شما قبول نمیکنیم · خصلت دومین خود را بگوئید که چیست · امیر مسلمانان فرمود که خصلت دویم این است که ازعوض شهر خود— بهمرای ما صلح کنید وجزیه را برضا مندی خود ادا نمایند وبه نزد مایان خوار وذلیل باشید— چنانکه مردمان غیر شما ازاهل ذم ادا کردند ·

تبرك گفت که خصلت دویم شما ازاول بمایان بزرگتر است ومایان ازان جمله نیستیم که هرگز بتحت ذل وصغار داخل شویم امیر ابا عبیده رضی الله تبارك وتعالی عنه فرمود که مایان هم هرگز از نزد شما دور نمیشویم وبهمرای شما مقاتله میکنیم تا اینکه خدای تبارك وتعالی جل شانه مارا در بالای شما ظفر دهد وعیال واطفال شما را کنیز وغلام گردانیم وهرکه از کلمه توحید سرباز زد— برکلمه کفر خود اقامت کرد مایان اورا بقتل می اوریم ·

تبرك گفت که مایان هم شهر خودرا بشما تسلیم نمیکنیم اگرچونکه همگی ما تا به اخیر بقتل رسیم وچگونه شهر خودرا بدست شا میدهیم که تمام الات واسباب حصار داری ومردان محکم دلاور درمیان اوجمع اورده ایم ومیسان قلا مردمان دیگر که در باقی شهرها شمایان ملاقی شدید مایان نیستیم که انها بشمایان رضا دادند وعزم ان کردند که جزیه را بشما ادا کنند ودر بالای ان مردمان مسیح غضب کرده که انها را به تحت طاعت شما داخل گردانیده ومایان در شهرمسکن داریم که هرکه مسیح را در این شهر بخوانندمسیح دعای اورا اجابت میکند . امیر ابا عبیده (رض) فرمود که ای دشمن خدای عزوجل دروغ گفتی زیراکه خدای تبارك وتعالی جل شانه مارا از احوال مسیح خبر داده که ما المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل وامه صدیقة کانا یاکلان الطعام .

تبرك گفت که من بمسیح قسم برمیدارم که اگر مدت ۲۰ سال شمایان در اطراف شهر ما اقامت کنید هرگز قادر بفتح ان نمیشوید واین شهر ما بدست مردی فتح میشود که صفات او درکتابهای ما موجود است وهرگز از صفات او ذره درتو موجود نیست .

امیر ابا عبید (رض) فرمود که صفات ان مردی که شهر شما بدست او فتح میشود چیست .

تبرك گفت که مایان از صفات او ترا خبر میدهیم زیرا که مایان صفات اورا در کتاب های خود دیده ایم واز نزد خود نمیگوئیم وچنین دیده ایم که این شهر ما بدست کسی فتح میشود که صاحب محمد (ص) است وعمر نام دارد ولقب او فاروق است و قد او چنان مرد محکمی است که درنزد خدای تبارك وتعالی جل شانه ملامتی هیچکس اورا دامن گیر نمیشود وحالا هرچند مینگریم صفات اورا درتو نمی بینیم . (باقی دارد)

شرط بندی یا دیوانه گی

از روزنامه شفق سرخ

(۲)

درنیمه سال ششم شروع کرد به تحصیل زبان های مختلف وحفظ کردن لغات ویاد گرفتن فلسفه ودرابتداء متعاقب چند بتراپخرج داد ومیل مفرطی باینکارها پیدا کرد بطوری که دستی از وقت صراف [illegible] برای تهیه کتابهای که محل احتیاج او بود صرف کرد وبود در مدت چهار سال عده کتبی که او خواسته وخوانده بود بهشتصد رسید ویکروز کاغذی به صراف چنین نوشت .

((اقای عزیز ! من این مکتوب را بشش زبان مختلف نوشته وبرای شما فرستاده ام خواهشمندم اینها نوشته را باشخاصی که کاملا بایرچ زبانها اشنا هستند نشان دهید اگر غلط نوشته بودم تفنگی دربا غ درکنید وازصدای ان من خواهم فهمید که زحمات اینمدت من بیهوده شده بوده است دنیا همیشه نیز بانهای مختلف تکلم میکرد ولی تودای کهانها را نابغه کرد میکسی بوده است . اما اینکار شما میتوانستید مقدار بسر ترسیر اکنون امروز بسر ازیاد گرفتن زبان وفهمیدن افکار انها [illegible] میبرم بدانید .))

صراف تقاضای اورا قبول کرد بسر از انشاء ان مکتوبها باشخاص مختلف نشانداد وانها هم تصدیق صحت اوراکردند امر داد تفنگی درباغ درکنید بعد از سال دهم اوکا مشل بند رمقابل میز تحریر بهاکمال دقت وتعمق مشغول مطالعه قسمت ((عهد جدید)) از کتاب مقدس شد . صراف خیلی متعجب شد از این

اینکه چگونه اوکا خلاصه این همه علوم را در ظرف چهار سال و بوسیله خواندن ۶۰۰ جلد کتاب در ذهنش حاضر نموده و بعد از اینهمه تحصیلات عالیه مشغول مطالعه یک کتاب آسان و کوچکی مثل (عهد جدید) میشود . بالاخره طولی نکشید که اوکا تاریخ ادیان و کتب فقهی خواست .

در دو سال اخیر که سالهای چهارده هم و پانزده هم اوکا بود فقط چیزهائی که را مطالعه کرد که اتفاقا به سنش میافتاد بدون اینکه در آنها دقتی نماید یا مثل سابق آنها را انتخاب و تقاضا کند وقتی مدت حبس او نزدیک به تمام شدن رسید صراف در فکر فرو رفت و پیش خود گفت . (فردا ساعت ۱۲ مدت حبس این اوکا تمام میشود و از محبس بیرون میاید و بموجب قرارداد من بایستی دو ملیون تومان باو بپردازم و اگر این مبلغ هنگفت را من بدهم فقیر و از هستی ساقط شده دیگر هیچ ندارم) .

و صراف سابقا خیلی متمول و صاحب ملیونها ثروت بود ولی سالهای اخیر در چند قسمت معاملات متحمل ضرر کرده و ثروتش کم شده و دارائی او وضع خیلی خطرناکی پیدا کرده بود . وقتی در خصوص نزدیک شدن مدت خاتمه حبس فکر کرد خیلی غمگین و مضطرب شده و سر را مابین دستهایش گذارده و با لحن غم‌آمیز و مأیوسانه گفت : (چه شرط زشت و شومی من با آن اوکای بدجنس و نادان بستم . چرا تاکنون نمرده که من از شرش خلاص شوم . بزودی تمام هستی مرا از دستم گرفته و ازدواج میکند و مشغول عیش و نوش شده و در کمال آسایش زندگانیش را بسر میبرد و مرا در عمیق‌ترین گودال فقر و بدبختی میاندازد که آنجا با غم واندوه بسر برم . نه . نه . این قضیه برای من قابل تحمل نیست و بهترین وسیله برای خلاص شدن از این مهلکه این است که اوکا بمیرد و برای من چاره ای جز مرگ او نیست) .

در اینموقع ساعت سه بعد از نصف شب شده و صراف بیدار بود و ابدا خوابش نمیبرد سکوت خانه او را فرا گرفته و تمام اهل خانه اش خواب بودند . صراف کلید در محبس اوکا را که پانزده سال است بان نزده بود برداشت کتش را پوشید و از اطاق بیرون آمده سمت اطاق اوکا رفت .

سرما در کمال شدت و تاریکی تمام فضا را فرا گرفته بود صراف مثل کورها با دست راه خود پیدا میکرد و میرفت تا اینکه بمحبس رسید و دو مرتبه مستحفظ محبوس را صدا زد جوابی نیامد زیرا مستحفظ در مطبخ باغ در خواب فرو رفته بود وقتی بدر اطاق محبوس رسید کبریت زد و دید جای مهر همان طور که روز اول زده شده روی قفل باقی است شمع کوچکی تعبیه و از سوراخ اطاق نگاه کرد دید اوکا روی صندلی پهلوی میز نشسته و سرش مابین شانه هایش فرو رفته و مقدار زیادی کتاب اطرافش متفرق است .

پنج دقیقه معطل شد و در این مدت محبوس ابدا حرکت نمی‌کرد و مثل یک قطعه جماد افتاده بود . با انگشت چند مرتبه بشیشه دریچه اطاق زد ابدا جوابی نشنید و محبوس هیچ حرکتی نکرد ناچار طرف در اطاق رفت و جای مهر روی قفل را جای کرد و چند مرتبه کلید را دور دستش گردانید باین خیال که اوکا اگر ملتفت نیست ملتفت شود و اگر خواب است بیدار شود ولی هیچ صدائی نشنید و بالاخره مصمم شد که وارد اطاق شود قفل را باز کرد و داخل شد . دید پهلوی میز مردی نشسته که ابدا شباهتی به سایر مردها ندارد جسمش بقدری لاغر است که غیر از استخوان و پوست چیز دیگر از آن باقی نمانده — پوست بدنش بهم کشیده و پیر از چروک رنگش زرد گونه هایش بیرون آمده کمرش منحنی موهای سرش سفید موی ریشش بهم پیچیده و کثیف و در جلویش صفحه کاغذی است که با خط خیلی ریز چیزهای بان — نوشته است . متوجه کاغذ شد و پیش خود ش گفت :

(این محبوس درخواب عمیق فرو رفته وشاید دو ملیون پول ولذایذی که بعدها ازان منتظر است در خواب می بیند . من باید اورا بلند کرده وبر رختخوابش خوابانده ومتکا در [illegible] دهانش بگذارم تا خفه شود این عمل مرا متهم بقتل او نخواهد کرد زیرا حتی بزرگترین اطباء هم خفه کردن ـ ادمی را نمیتوانند ازهم تشخیص دهند ولی بهتر این است که من قبل ازاینکار کاغذ راکه نوشته ـ بخوانم) .

سپس مشغول مطالعه مکتوب شد ودید دران نوشته است :

((فردا ساعت ۱۲ مدت حبس من تمام ومن ازاد واز این زندان بیرون میروم ولی من پیش ازبیرون رفتن ازاین زندان ودیدن نور افتاب لازم میدانم بشما ای اهل دنیا بعضی مطلب را خاطر نشان کنم صریحا میگویم وجدان پاك وخداوندرا کەدر مقابل من حاضر است شاهد می گیرم که من ازاد وزندگانی وصحت وتمام انچیز هائی راکه شما از برکات این دنیا شمرده وبانها افتخار میکنید حقیرمیشمارم .

(من پانزده سال است مشغول مطالعه وتفکر در دنیا وزندگانی ان هستم . بلی درا ینمدت من زمین و مردم راندیده ام ولی هرچیزیکه شما تصور کنید ازکتابها شما فهمیده وتمام اشیائیراکه چشم ازدیدن وگوش از شنیدن انها محظوظ میشود تحت دقت قرار داده ام . دراینمدت من از اسرارطبیعت وعلوم وفنون مطلع شده وتمام بر وبحر کره زمین را گردش کرده وتمام نقاط غیر مکشوف زمین وتمام چیز هاي که زیر اب وبالاي هوا بوده اند کشف کرده ومطالبی راکه حتی بزرگترین فلاسفه شما ازحل انها ـ عاجز اند حل کرده ام . من ازروي کتابهاي شما معجزات وکرامات وکارهاي خارق العاده راکشف وباسرار ادیانی که در دنیا منتشر شده تمام مردم بانها معتقد گردیده اندپی بردم خلاصه ازروي همین کتابهاي شما من حکمت اولین واخرین را فهمیده ودانا ترین انسان روي زمین شده ام والان میگویم که من تمام کتابهاي شمارا حقیر شمرده وحقیر شمرده وتمام حکمتها وبرکات دنیوي شمارا ناچیز وتمام اشیائیراکه در دنیا است بیهوده وبی فایده میدانم وتمام این اشیا جز وسایل گول زدن فریفتن انسان چیزهاي دیگر نیستند . شما به عقل وثروت وجمال ومقام مباهات میکنید ولی تمام اینها چیزهاي بیهوده میباشند ووقتی دست مرگ بطرف شما دراز شد ونیستی باقیافه هولناکش بشما رو اورد هیچیک ازینها نمیتواند از شما دفاع کند . (شما غرق غرور وگمراهی بلکه دیوانگی هستید وحقیقت را درک نمی کنید ودروغ را به راستی وحرام را بر حلال ترجیح داده وخوب را با بد مبادله میکنید . (باقی دارد) .

صفحه(۱) (جرید هفتگی حبیب الاسلام ـ سال اول ـ شماره ٥) (نمرمسلسل ٥)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقـــوا

حبیـــب الا ســــلام

اداره‌خانه ـ د مالفاتان کابل ـ افغانستان ـ نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار واطلاع مقالات وارده مختار است .
درهر هفته یکمرتبه‌صبح پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود فقط اعاده نمیشود

قیمت سالانه	قیمت ششماهه
درداخل ـ پنج افغانی	سه ـ افغانی
درخارج ۱٥ شلنگ	۸ شلنگ

یك شماره ۱۰ پول

(تاریخ‌قمری ۲۲شوال‌المکرم ۱۳٤۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۱٥ حمل ۱۳۰۸ هجری)

بیعتهاي ولایات وملحقات ان
(۱)

تمهیـــد

مبنی برینکه خیال‌هاي عموم در تشخیص راه راست از پادر افتاده واین درماندگی را صاحبان غرض بواسطه ازپیش بردن مطلب سوء خود مددکاری مینمایند حوصله ما سراغد از روي مطلعات مفصل خود براي‌تسکین‌افکار پریشان وعقول ازدست‌رفته یك‌سلسله حقایق را سرمیدهیم تا درمخیله حقیقت سنج مکانی بخود احراز کرده ان خاطره هاي فقط مضطرب وروحیات لرزان را مغلوب ومنکوب نماید.
سلسله حقایق عبارت ازبیعت نامه ها ایست که اطراف ونواحی ولایت‌کابل وولایات‌دیگر ملحقات وزارت‌داخلیه تا اینزمان بمناسبت تربیعد مسافه بحکومت مرکزي تقدیم داشته‌ماهم درجات تاریخ را بمناسبت قبل‌وبعد مبداء شایعات‌خود قرار میدهیم وانچه قبل‌ازهمه رسیده بمراتب درج اخبار (حبیب اللاسلام) نموده بقارئین تقدیم میداریم ونیز از رجال معروف درخاتمه هربیعت‌نامه که امضاء نموده اند اسم خواهیم برد واز سایر [illegible] اشخاص ملحوظ به تطویل کارتنها به تعیین تعداد قناعت‌خواهیم نمود .

بیعت‌نامه مفرزه عسکري (مزارشریف)

بحضور اعلیحضرت پادشاه مسلمین امیرالمجاهدین عرض ما مفرزه مزار اینست : چون خداي عالم براي تجدید وتازه گی امور منهدمی ما ملت موید ارادت شما شده وحضور همایونی شمارا توفیق عنایت فرموده که با یك همت دلیر ویك فقط شمشیر توانا پاي تخت مملکت‌را تصرف شدید واینك‌بعنوان یك‌خدمتگذار دین ویك‌امیر مسلمین بورکابل شرف اجلال ارزانی فرمودید .

لهذا ارباب مناصب وافراد علاقه مزار که فی الحقیقت یکقطعه از خدمتگاران دین و فداکاران ملت خود میباشیم خودرا هم باین اتفاق قومی وملی شامل داشته بیعت میکنیم و با این عریضه قرار احکام الهی وحضرت رسالت پناهی به بیعت حضور همایونی اماده وار بودن خود را درینجا ذریعه عریضه جداگانه که بتوسط جناب جلالتماب سردار سپه سالار صاحب تقدیم داشته ایم آگاهی داده فرمان برطا ریم . امضاء :

نائب علاقه مزار عبد الرحیم — عبد الغفار کندکمشر — سید پاد شاه کاتب کندک — الله داد تولیمشر غلام علی بلوکمشر — عبد العلی بلوکمشر — جلال الدین بلوکمشر — گل باز برکمشر تقلیه .

بیعت نامه علاقه عسکری (قطغن وبدخشان)

بحضور مبارك انوار تقلد والا حامی دین اعلیحضرت امیر حبیب الله خان ! ما یان ضبطداران وباقی علاقه عسکری قطغن و بدخشان معروض میداریم اینکه ازانجا که حضرت خداوند جل جلاله بر اهالی دین اسلام برحق وپیشوای مطلق که حضرت محمد (ص) است افریده وبر روی زمین خلیفه که اطاعت اولی الامر را الی روز محشر اراده کرده ازان رو الحمد لله تعالی تا اکنون دین اسلام بحترق بدخواهان دین حضرتش بار خجالت بدوش داشته خسر الدنیاء والا خره میباشند . وما علاقه عسکری که کمر همت بسته واسلحه اسلامی را برداشته شب و روز صرف اوقات خود را به زحمت دنیائی میکنیم مقصد مان چند چیز است . اول اطاعت اولی الامر بقرار ایه کریمه قرانی که اطیعوا الله واطیعوا الرسول اولی الامر منکم را بر زمه مان ثابت کرده ورضاء حق حضرتش دران است .

دوم حفاظت ناموس خود مان وپدر وبرادر همجواران ما که از دست طغیانات کفر درامان باشند بهمه حال بسیار بسیار ملحوظات دیگر استکه اگر بیان کرده شود عرض مان طویل میشود . خلص اینکه عارضان قبلا قرار جلب امیر مخلوع امیر امان الله خان با ده لك روپیه پخته واسلحه وابراق خود ها عازم دار السلطنه شده به بسیار زودي چشم انتظار بطرف کابل داشته الی منزل صیغان رسیده بودیم قرار حکمنامه نمبر ١٦١ ٣ — ٣٠ برج جدي ١٣٠٧ عبد العزیز خان نائب الحکومه ولایت ترکستان ذریعه تلگرام وزارت حربیه رسیده که علاقه بدخشان الی امر ثانی در ایبك معطل شود چرا که در راها برف زیاد است) . خلص اینکه بمعیت علاقه به بسیار زحمت بازگشت ایبك شدیم چند یوم در ایبك توقف بودیم که نور محمد خان ضبطمشر که قبلا رئیس ارکان حربیه فرقه مزارشریف بود با دو قطعه حکمنامه که یکی از نائب الحکومگی ویکی از فرقه مزارشریف وارد ای بك گردید . در حکمنامه مذکورتشریح وتوضیح بود اینکه علاقه شما قرار حکم وزارت حربیه بسمت فرقه مزارشریف گردیده لازم کشفري و خزانه خودرا بمزارشریف سوق داده اعزام شوید

همین که خادمان دولت ازجلوس اعلیحضرت غازی واقفیت یافته بقسم سیاسی خزانه وشفری خودرا از شهر ای بك بارگیری کرده همرای کرایکشها بیلقسم تسلی داد بخزانه وبه قرزخفقلا خودرا حرکت داده برای نور محمد خان ضبطمشر وباقی اهالی بیان کردیم که خزانه وخود مایان بمزارشریف میرویم — حینیکه خزانه بسترهء بارگیری شد سر بارگیررا بطرف قطغن گردانیده بطالع همایونی مع الخیر

والعالیه بتاریخ یوم پنجشنبه ٤ رمضان المبارک داخل خان اباد گردیدیم چون روز پنجشنبه که به خان اباد گردیدیم اعلانات شهر باری را بچشم دیدیم از خلع امیر امان اللهخان وتقرر سلطنت شما مستحضر شدیم واینکه خودرا خادم دین رسول الله صلی اللهعلیه وسلم نام نهاده اید واهالی دار السلطنه شمارا امیرخود ها قرار داده است ودست بیعت داده اند ما نیز بر اعتبار دین اسلام ؔ رشته اطاعت شمارا بگردن انداخته وخود هارا فدائی دین اسلام شناخته بقرار دیگر قوم وبرادران عسکری خود ها خود مایان دست بیعت را برایت الی بقای ؔ حیات داده وشمارا بپادشاهی خود هاقبول داریم واوامر شما که موافق به امر خداوند جل جلاله ورسول اکرم علیه الصلوات والسلام باشد انرا بجا میکنیم واز خداوند جل شانه توفیق خدمت برای اسلام واهل اسلام خواسته وشمارا به شرع شریف راسخ الاعتقاد میخواهیم • خداوند تعالی جل جلاله کند که دین اسلام روشن ودشمن اسلام شرمسار دارین باشد این عریضه ما بیعت است که الی بقای شریعت فوق ازان عدول نمیکنیم اگرعدول کنیم خسرالدنیا والاخره باشیم امین ثم امین فقط تحریر ٦ ماه رمضان المبارک سنه ١٣٤٧ •

امضاء ات : عبد الرؤف — محمد امین — سید محمد وکیل کندکمشر — غلام احمد تولیمشر — عبد الصمد جبادار خان اباد — محمد اکبر وکیل تولی مشر — عبد الصمد کاتب تولی — یار محمد وکیل بلوکمشر — فتح محمد — نور محمد وجیل برکمشر — وکیل بلوکمشر — میرعنایت کاتب تولی — محمد رفیق بلوکمشر وکیل تولیمشر — محمد مراد بلوکمشر — جلال الدین برکمشر — شیرمحمد برکمشر وکیل بلوکمشر — دو امضاء خوانده نشد — موایبر • جلال الدین برکمشر — عبد الکریم بلوکمشر — محمد رحیم — راز محمد تولی مشر — بهاءالدین — محمد زرین کدامد ار نظامی خان اباد — سه مهر خوانده نشد •

بیعت نامه <u>گردیز وارگون</u> (١٥ شعبان)

درجات پادشاه غازی امیر حبیب الله خان سراج الملت والدین ؔ در ترقی و تزاید باد ونجم سعادت ؔ غالب ومشتعل باد — وعلم کافر ومکفر چنانکه واقع شده ازدست پادشاه غازی — امیر حبیب الله سرنگون خواسته ایم چنانچه امیر امان الله معه مفاسدات ازدست شما سرنگون شد انشاء الله تعالی • بعد ازین عرض ملایان مدرسین علاقه گردیز وارگون چنان است که مایان فریبان از دست مبتدعین وکفره در بدر خاکبسر بودیم چونکه سیف غازی شمشیر شما ؔ ظهور یافت مایان ورجای خود امده ایم والحال درخدمت دین وپادشاه اسلام امیر حبیب الله خان شاغل ومشغول هستیم وقران شریف را بر سر گرفته در مخلوق میکردیم وعظ ونصیحت میکنیم انشاء الله تعالی بعد از ماه روزه حاضر در بار شریف خواهد شویم ارنده بیعت نامه هذا ملا جلاد نام رئیس — طالبان اهل زوت می باشد که ساعی درحق دین وپادشاه اسلام امیر حبیب الله خان سراج الملت والدین می باشد بحضور روانه کردیم که هر خدمت که بر مایان تعلق دارد بدست ملا جلاد سر رشته — داده شود که بجا اوریم • (الناس علی دین ملوکهم والعلما ورثة الانبیا) لهذا لازم است که برین بیعت دستخط بکنند •) امضاء :

مدرس ملا عبد الرحیم — مدرس ملا عبد الملک — امیرمحمد طالب العلم — عادل شاه طالب العلم — (محی الدین — جمعه خان — عبد الحکیم — ملاجیلان — ملامحمد اصغر — ملا سید گل — ملاگل محمد —

ملا شیرمحمد— ملا عماد الدین— ملا عبد الحق— ملا باز محمد — ملا احمد جان — ملا محمد امین
و ملا جان محمد طالب العلمان) — مدرسه قریه نیکام خورد — ملا عبد المحمد مدرس خورد —
طالب العلم— ملا عبد الرحمن— ملا مرتضی — ملا راز محمد — ملا حق جان محمد — ملا محمد عظیم—
ملا عبد الحکیم مدرسه رحمان خیل معوازی • طالب العلم • ملا حیدر — ملا عبد الظاهر— ملا عبد المجید
ملا عبد الرحیم— ملا محمد شریف— مدرسه مقدسه علیخان خیل — ملا محمد نعیم مدرس— مدرسه
مقدسه شمال زائی — ملا دین محمد مدرس— طالب العلم— ملا حاجی محمد — میر صاحب— ملا غلام صدیق—
صمد اللهخان— مدرسه مقدسه ساخند زاده خیل معوزائی — ملا محمد هاشم اخند زاده مدرس— طالب العلم—
ملا جان محمد — ملا میرحمزه — عبد السلام — مدرسه مقدسه این خیل ازیاخیل — ملا راز محمد مدرس—
(٣٤ نفر دیگر)

مسایل دینی

(٥)

٤٣— لعنت بر هیچ مسلمان گفته نشود اگر چه فاسق وظالم باشد مانند یزید زیراکه خاتمه مستور است.

٤٤— برای فرد مسلمان شاهدی دادن دخول جنت روانیست مگر لازم استکه شاهدی دخول جنت برای — افراد یکه درقرآن ﷻ شریف واحادیث صحیح وارد شده داده شود چون همه انبیا علیهم السلام وبعضی از صحابه کرام مثلا ده یار بهشتی وغیره مثل حضرت ابوبکر صدیق وحضرت عمر فاروق وحضرت عثمان ذوالنورین وحضرت علی مرتضی وحضرات طلحه و زبیر وعبد الرحمن بن عوف وسعد بن ابی وقاص وسعید بن زید بن عمرو بن نفیل و ابو عبیده بن جراح و بی بی فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین وخدیجه کبرا وعایشه صدیقه ﷻ وعباس و سلمان وصهیب وعمار بن یاسر وغیره صحابه عظام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین که حضرت رسالت پناهی (ص) شهادت دخول جنت را — فرموده اند.

وشاهدی دوزخ برای یکفر کافر درست نیست مگر به افراد کفاریکه درقرآن شریف ویا احادیث صحیحه مبارکه بعین موت یکفرد ان شده باشد چون فرعون لعین وابوجهل وابولهب وغیره امثال شان وچنین شاهدی رواست که همه مؤمنان اهل جنت اند وهمه کافران اهل دوزخ.

٤٥— حرام دانستن شیره خرما که مسکر نباشد روانیست.

٤٦— ولی بدرجه پیغمبران علیهم الصلوات والسلام نمی رسد وتازمانیکه بنده عاقل وبالغ باشد بمقامی نمیرسد که امر ونهی خداوند تعالی از وساقط شود.

٤٧— نصوص ایت های قرآن شریف واحادیث رسول الله علیها لصلوات والسلام همه بر ظاهر ان حمل کرده شدند همان معنی که از ظاهر الفاظ ان ها فهم میشود ان معنی مراد است مگر که ترک شده باشد معنی ظاهر او به لیل شرعی وتاویل انها از ظاهر انها بسبب مدعای نفسانی کفر والحاد است.

٤٨— منکر شدن از حکمائیکه نصوص قطعی قرآنی ویا احادیث نبوی برانها دلالت میکنند مانند حشر اجساد کفر است.

٤٩— بر مسلمانان واجب است که برای انتظام ومصلحت های دین ودنیای خود پادشاهی استاد مکنند

که مرد مسلمان ازاد عاقل بالغ سیاست کننده باشد وتوانا باشد برجاري نمودن حکم هاي شرعیه ونگهداشتن سرحدات دار اسلام ودفع ظلم کافران وره زنان ودزدان وغیر ازین ها از اهل فساد وتوانا باشد به برداشتن حدود چون حد زنا وحد دزدي وغیره وبرپا داشتن تمام ونماز هاي جمعه وهر دو عید وبر قطع کردن دعوا هائیکه میان بنده گان خداوند تعالی واقع میشود و برقبول نمودن شاهدي هائی که بر حق ها ادا کرده میشود وبر نکاح کردن صغیر وصغیرهٔ که ولی وقریب نداشته باشد وبر تقسیم وبخش کردن مال هاي غنیمت ۰

٥٠ـ برامدن ازفرمان پادشاه وباغی شدن بر او روانیست خواه عادل باشد خواه ظالم وبباید که پادشاه ظاهر باشد نه پنهان وپوشیده و شرط نیست که پادشاه معصوم باشد ونه انکه بهتر اهل زمانه خود باشد چنانچه شیعه میگویند که امام مهدي اخر الزمان رحمت الله تعالی حال زنده وپادشاه است واز چشم مردم خودرا پنهان کرده وبه نزدیك قیامت خود را ظاهرمیکند

٥١ـ اقتدا کردن درنماز بهر مسلمان رواست خواه نیکوکار باشد یا بد کار باشد بشرطیکه بد کاري او بحد کفر نرسیده باشد واگر بحد کفر رسیده باشد اقتداء نماز باو روانیست ولیکن اقتداء نماز به مسلمان بد کار اگرچه رواست مکروه است بکراهیت تحریمی ونماز جنازهٔ هر مسلمان نیکوکار وبد کار خوانده شود ومسح بر موزه رواست در حال سفر سه شبا روز ودرحال غیر سفر یك شبا روز ۰

٥٢ـ در دعا وصدقه کردن مسلمانان زنده براي مرده گان مسلمان نفع وفائده بان مرده گان میرسد ۰

٥٣ـ خداوند تعالی قبول میکند دعا هاي بنده گان را وروا میسازد حاجت هاي ایشان را اگر دعا بگناه وقطع صلهٔ رحم نباشد ودعوات بحضور دل باشد والا قبول نمیکند ۰

٥٤ـ تاوقتیکه نفس در گلو و غرغره نرسیده باشد یا افتاب از جانب مغرب نبر امده باشد توبه نزد خداوند تعالی قبول میشود خواه از کفر باشد خواه از گناه وچون نفس به گلو رسید توبه از کفر قبول نیست باتفاق ودر توبه از گناه [illegible] خلاف علما است ۰

٥٥ـ انچه از علامات قیامت پیغمبر ما علیه الصلوات والسلام خبر داده همه حق است مانند طلوع افتاب از جانب مغرب وفرود امدن حضرت عیسی علی نبینا وعلیه الصلوات والسلام بجسد مبارك خود از اسمان وبرامدن یاجوج وماجوج از سد خود که از نوع بنی ادم اند وهمه ایشان کافرند وبر اکثر روي زمین غالب میشوند وبرامدن دابت الارض که حیوانی است که از زمین می براید وبروي زمین میگردد وبر امدن دجال ووي شخصی است یك چشم کور جادوگر ودروغگوي وبر اکثر زمین غالب میشود ودروغ دعواي خدائی را میکند وچون حضرت عیسی علی نبینا وعلیه الصلوات والسلام از اسمان فرود اید بدست مبارك خود اورا میکشد وهمه این علامات که درانخصوص بیان شده بر ظاهر خود محمول اند تاویل ان کفر والحاد است ۰

٥٦ـ پیغمبران بنی ادم از پیغمبران ملائیکه بهتر اند وپیغمبران ملائکه ازعامهٔ مؤمنان بنی ادم بهتر اند وعامهٔ مؤمنان صالحان از عامهٔ ملائکه بهتر اند ـ

٥٧ـ حلال دانستن گناه صغیره وکبیره که بدلیل قطعی ثابت شده باشد و سخریه کردن بسر شریعت غرا ونا امید شدن از رحمت اوتعالی وایمن بودن از عذاب اوتعالی وراست پنداشتن قول کاهنان وساحران درچیزیکه از غیب جز (غیب خبر) میدهند واهانت ودشنام گفتن حضرات شیخین

را كه حضرت ابوبكر صديق وحضرت عمر فاروق واستعمال چيزيكه علامهٔ خاصه اين كافران باشد مانند زنار بستن و قشقه زدن وان صليب است كه نوع برنج ساخته به نيت عبادت مى اويزند و رد كردن قران عظيم شريف وحديث متواتر وانداختن قران شريف در جاي پليدي • و تاويل كردن قران شريف وحديث شريف بر خلاف تاويل علماي دين واتفاق اصول شرع مبين همه اين چيزها كفر است •

٥٨ــ اختلافاتيكه درميان چهار امام دين امده يعني حضرت امام ابو حنيفه وحضرت امام شافعى وحضرت امام مالك وحضرت امام احمد حنبل رحمهم الله تعالى رحمت پروردگار است نه چنين است كه بعضي متعصبان وجاهلان ميگويندكه اختلاف ايشان موجب خلل وزحمت براي مردم شده بس بر مسلمانان لازم است كه همه ايشان را به نيكي ياد كنند واختلاف ايشانرا رحمت خدا ونجل جلالهيد انند •

٥٩ــ حق در بين هر چهار مذهب داير است باين معنى كه حق فقط در همين چهار منحصر است وحق از چهار مذهب بيرون نيست پس اگر كسي بدون از چهار مذهب درمذهب ديگري حق را داير كند گمراه ومبتدع است ومراد بر چهار مذهب مذهب امام ابوحنيفه ومذهب امام شافعى ومذهب امام مالك و مذهب امام احمد حنبل است رحمهم الله تعالى وكسي از مذهب خود هركدام ازين چهار مذهب كه باشد بديگر مذهب نرود زيرا كه استخفاف صاحب مذهب اول مى ايد واستخفاف هيچ كدام از اصحاب اين چهار مذهب روا نيست •

٦٠ــ ترسنه چهارصد هجري نبوي على صاحبها الصلوات والسلام تبار واجتهاد قطع شده و بعد از سنه مذكوره كسي بدرجه اجتهاد نمى رسد •

٦١ــ اگر كسي درين زمانه دعوا كند كه استخراج مسئله هارا از قران شريف واحاديث نبوي على صاحبها الصلوات والسلام ميكنم در دعواي خود دروغگوي وخود او مبتدع وگمراه است زيرا كه مسئله ها همان است كه مجتهدين مهديين بسعي وكوشش تمام استخراج انرا نموده اند وكتب معتبرهٔ اهل سنت و جماعت ازان مملو وپر است ودرين زمانه كسي توتاستخراج مسئله هارا ندارد هرگاه كسي دعواي انرا كند ضال ومضل است •

٦٢ــ اگر كتابي يا رسالهٔ يا مسئله مخالف از كتب عقايد وفقه شريف اهل سنت وجماعت پيدا شود عمل كردن بان روا نيست • •

باب دوم در بيان مسئله متعلقه عقايد ومراد ازان اشيائى است كه مرتكب انرا فقهاء كرام رحمهم الله تعالى كافر گفته اند واجتناب تمام ازان لازم وفرض است واين باب مشتمل است برپازده نوع —

نوع اول بيان چيزهائيكه لابدي است از دانستن ان ها وان چند قاعده كليه است اول بايد دانست كه هرمسلمان رامى بايد كه در صبح ومساء اين دعا را ورد خود سازد تا سبب نگهداري او شود از كفر گشتن نادانسته ومعمول بوده محمود رفعه حضرت پيغمبر ما عليه الصلوات والسلام (اللهم انى اعوذ بك من ان اشرك بك شيئا وانا اعلم به واستغفرك لما لا اعلم بتبت عنه وتبرات من الكفر والشرك والكذب والغيبة والنميمة والبدعة والبهتان ومن المعاصي كلها واجدد ايماني واسلمت واقول لا اله الا الله محمد رسول الله)

واقول لااله الاالله محمد الرسـول الله))

یعنی بارخدایا پناه میبرم بتوازاینکه شریک ملزم باتو چیزیرا درصفاتو یادرخالقیت تو یادرخالقیت تو ومن بدانم بان وامرزش میخواهم از تو ازان چیزی که تا روا باشد وباین ندانسته باشم وتوبه کردم ازان وبیزارم از کفر وشرك وبدروغ گفتن وسخن چینی وازتهمت گفتن وازبدعت وبهتان وهمه گناهان وتجدید میکنم ایمان خود رااواسلام اوردم ومیگویم (لااله الاالله محمد ـ رسـول الله))

دوم :ـ این را باید دانست که کافر گفتن مسلمان پرخطر باید بود که رسول علیه الصلوة والسلام فرموده اند که اگرکسی دیگری را کافر گوید وان شخص بقرار شرعی کافر نباشد همان نسبت کفر بخود گوینده بازمیگردد اگر نیست وتبدیل دین او باشد نه دشنام .

سـوم :ـ فقهاء عظام رحمهم الله تعالی فرموده اند که اگر در شخصی ۹۹ چند وجه بود که کفر اورا ثابت میکرد ویك وجه باشد که کفر اورا منع کند مفتی را لازم است که بهمان یك وجه میل کند .

٤ ـ درخاطر بعض از مسلمانان بعض خطرهای بد ومخالف عقاید واعمال اسلامی خطور میکند که بتلفظ کردن ان خطرها کفر لازم میگردد پس اگر ان شخص خطرات مذکور را بد میداند پس حکم شرعی چنین استکه بد دانستن ان ازایمان خالص است که شیطان متوجه ان بوده وایمان اورا میرباید وبرای دفع ان (لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم) گفتن مجرب است .

ه ـ اگر بزبان کسی کلمهٔ کفر نادانسته جاری شد که نمیدانست که این کلمهٔ کفر است در کفر او ـ اختلاف است پس لازم بر مسلمانان است که احتیاط کند وازان اجتناب نماید که در هر کلمهٔ که در کفران اختلاف است احتیاطا امر میشود که تجدید نکاح او کرده شود .

٦ ـ عزم کفر نیز کفر است یعنی اگر شخصی مثلا اراده مستحکم وعزم وبالجزم داشته باشد که فلان وقت کافر میشود نعوذ بالله منها اگرچه در اراده او بعد از یکصد سال باشد فی الحال فقط کافر میشود .

٧ ـ اگر شوهر یازن مرتد گردد نعوذ بالله منها نکاح شان باطل میگردد وچون تجدید ایمان واسلام خودرا بنماید لازم است که تجدید نکاح رانیز بکند نوع دوم بیان کلمات که در شان الله تعالی گفته شود وفقهای کرام رحمهم الله تعالی انهارا الفاظ کفر گفته اند .

اول ستودن خدای تعالی بصفتیکه شایان جناب قدس او نباشد مانند جهل عجز کذب در ذات و صفات او تعالی یا شریك یا زن یا فرزند یا امثال ان برای او تعالی ثابت کردن نعوذ بالله منها یا ـ تمسخر ولعانت بامری از اوامر او تعالی یا باسمی از اسمای او تعالی یا منکر شدن از وعد ووعید او تعالی .

(باقی دارد .

فتوحات اقلیم اسلام (فتح بیت المقدس)

(٥)

راوی گفت که چون امیر مسلمانان این گفته را شنید تبسم کرد وخندیده شد که برب کعبه قسم اینکه شهر را مالك شدیم وفتح کردیم بعد امیر از وی پرسید که اگر ان مرد را ببینی می شناسی (تبرك) گفت اری چگونه نمی شناسم که صفات او وایام وسنین عمر او همه گی در نزد من موجود است ابا عبیده رضی الله عنه فرمود که والله قسم اینکه ان شخص خلیفهٔ بزرگ ما وصاحب نبی ما میباشد (تبرك) گفت اگر قول تو صدق است صدق قولها یان رام خواهد دانست حالا توسعی کن که ریختن خون ها در بین ما وشما

بسته شود وبطرف صاحب خود کبر فرست که بطرف ما اید که چون اورا دیدیم که بچشم ما ظاهر شد وصفات اورا شناختیم بعد ازان دروازه هاي شهر خود را از براي شما مفتوح میکنیم وهیچ کید و مکري نداریم وجزیه خودرا هم ادا مینمائیم امیر ابا عبیده رض فرمود که ما بطرف او کس میفرستیم که او بطرف ما اید تا اینکه بعد ازان بدانیم که شما مقاتله را دوست دارید مایان دست هاي خودرا از طرف مقاتله شمایان نگاه داریم تبرك گفت یا معاشر عرب بعضي خودرا ترك کنید ومایان هم شما را خبر میدهیم اینکه از براي شما خیر صدق را گفتیم تا اینکه ریختن خون ها در بین ما وشما — بسته گردد وشما از مصالحه سر باز میزنید ومقاتله را ذکر می کنید امیر ابا عبیده رضي الله عنه فرمود که این چنین است که تو میگوئی زیرا که مایان در قتل خودها از حیات خود بیشتر اشتها داریم و— چنین امید واریم که اگر بمقاتله قتل شما بقتل رسیم مستوجب عفو وغفران خداي تعالی گردیم ·

راوي گفته که امیر ابا عبیده رض حکم کرد اینکه من بعد مسلمانان دست خود هارا از مقاتله شان نگاه دارند وتبرك هم بشهر رفت ·

وقدي رحمة الله علیه نقل کرد که بعد ازان امیر ابا عبیده رضي الله عنه مسلمانان را به نزد خود جمع اورد وازگفته تبرك انهارا خبر داد دراینوقت مسلمانان همگی اواز هاي خود هارا به تکبیر وتهلیل بالا کردند وعرض نمودند که اي امیراین تعل را عمل نماي وبطرف امیر المومنین عمر رضي اللهعنه نوشته کن شاید که اوبطرف ما تشریف فرما شود واین شهر فتح گردد شرجیل بن حسنه رضي الله عنه فرمود که اي امیر صبر کن تا اینکه ازبراي شان بگوئیم که امیر بزرگ ما بما همراه است وخالد رضي الله عنه را بطرف شان بریم بلکه چون بطرف او ببدند فقط دروازه هاي شهر خودرا از براي ما مفتوح کنند وذلة گی ما برطرف شود خالد بن ولید از همگی مردمان بامیرالمومنین عمر بیشتر مشابهت داشت رضي الله عنهما فقط چون صبح شد ترجمان بطرف تبرك رفت واورا گفت که خلیفه ما امد وابا عبیده ازبراي خالد رضي الله عنهما این معنی را بیان کرده بود بعد ازان همه امیرها سوار شدند وبطرف اهل بیت المقدس رفتند وازبراي شان گفتند که ان مردیراکه طالب بودید قدم اورد— مشرکان این قول را به نزد تبرك گفتند تبرك روانشد تا اینکه در بالاي سور شهر امد وازبراي — ترجمان مسلمانان گفت که متعلق صاحب خود را خبر دهید که به نزدیك ما اید تا اینکه معاینتا اورا ببینیم چون خالد رضي الله عنه را بدید گفت بحق مسیح قسم که میگویم همان شخص است لیکن بعضي علامات او دراین شخص موجود نیست بعد ازان تبرك ازبراي خالد رضي اللهعنه گفت که ترا بحق دین تو قسم که بگوي اینکه تو کیستی خالد رضي اللهعنه فرمود که من از جمله اصحاب او می باشم تبرك گفت اي جوانان عرب تا بکی مکر و فریب را به خود همراه دارید بحق مسیح که تا ان مرد موصوف را بچشم خود نه بینم این شهر از براي شما فتح نخواهد شد ولیکن از مایان بطرف شما نخواهد امد اگر که مدت ۲۰ سال در اطراف شهر ما اقامت کنید دراینوقت مسلمانان بخدمت امیر ابا عبیده رضي الله عنه عارض شدند که اي امیر اگر مایان بخدمت امیر المومنین نوشته فرستیم واورا از صورت واقعه اطلاع دهیم شاید که دربن بقعه تشریف فرما شوند واین مشقت ها ازبالاي ما رفع شود بعد ازان امیر بخدمت امیر المومنین عمر رضي اللهعنه کتابی نوشته کرد که این بود :

بسم الله الرحمن الرحيم .

بخدمت اميرالمومنين عمر رضي الله عنه ازطرف عامل اودرشام ابا عبيد عامر بن جراح سلام عليك اما بعد فاني احمد الله الذي لا اله الا هو واصلي على نبيه محمد صلى الله عليه وسلم مخفي نماند يا امير المؤمنين كه مايان در اطراف بلده ايليافرود امديم ودرمدت چهار ماه درروز بهمراه شان مقاتله كرديم وان ها بهمراه ما مقاتله ميكردند واز شدت برف وباران وبدي هوا به مسلمانان مشقت هاي عظيم رسيده ليكن مسلمانان درين همه مشقت ها صبر كردند واميد خود را بطرف پروردگار خود اوردند ودران روزيكه اين كتاب را بخدمت شما نوشته كردم تبركي كه اهل بيت المقدس اورا بسيار بزرگ ميدانند بطرف ما بيرون شد واز براي ما گفت كه مايان دركتابهاي خود ديده ايم كه اين شهر ما فتح نميشود مگر بدست صاحب پيغمبر شما كه عمر نام دارد وان تبرك نعت وصفت اورا هم مي شناسند كه دركتابهاي شان موجود است وحالا مايان ازطرف شمايان مسئلت مينمايم اينكه :

ريختن خون هارا شما بسته نمائيد وبه نفس خود بطرف ما تشريف فرما شويد ومايان را مدد دهيد شايد كه خداي تعالى اين شهر را بدست ما فتح گرداند بعد ازان نامه را درپيچيد ومهر نهاد وفرمود كه يا معاشر المسلمين اين نامه را كدامين از شمايان بطرف مدينه منوره كه نزد او بر خداي عز وجل باشد ميبرد ميسره بن مسروق عبسي رضي الله عنه فورا جواب گفت كه يا امير رسول منم كه انشاء الله تعالى بهمراه خود امير المومنين رضي الله عنه پس مي ايم ابا عبيده (رض) فرمود كه بارك الله فيك كتاب را بگير ميسره رضي الله عنه كتابرا بگرفت ودرپشت اشتر تيز رفتار خود سوار شد وهميشه راه مي پيمود تا اينكه درمدينه منوره رسيد ودرحين شب بمدينه منوره داخل شد وبخود گفت كه قسم بخداي تعالى كه درنزد هيچ يك از مردمان داخل نمي شوم بعد ازان اشتر خودرا بدرب مسجد بخوابانيد وزانو هاي اورا بسته نمود وبمسجد داخل شد واز براي مرقد مطهر رسول الله صلى الله عليه وسلم ومرقد حضرت صديق اكبر رضي الله عنه سلام كرده بعد ازان درموضع از مسجد بخواب شد زيرا كه چند شب گذشته بود كه خواب نشده بود چون چشم او بخواب رفت — بهمراه اذان امير المؤمنين عمر رضي الله عنه بيدار شد وهنوز شب تاريك بود كه اذان گفتند بعد ازان درمسجد داخل شدند ونداكردند (الصلوات رحمكم الله) ميسره رضي الله عنه نقل كرد كه من هم وضو كردم ودرخلف اميرالمؤمنين عمر رضي الله عنه نمازرا ادا نمودم چون اميرالمؤمنين رضي الله عنه روي مبارك خودرا از محراب بگردانيدند من بخدمتشان بيا شدم وسلام كردم انها چون مرا ديدند بهمراه من مصافحه كردند ومن انها را بسلامت مسلمانان بشارت دادم وگفتم : كه يا امير المؤمنين برب كعبه قسم كه اين چنين است كه عرض نمودم باز از من پرسيدند كه يا ابن مسروق بگوي كه درعقب خود چه خبر داري . من عرض كردم كه خبر خير وسلامتي .

بعد ازان كتاب ابا عبيده رضي الله عنه را تسليم شان نمودم چون اميرالمؤمنين عمر رضي الله كتابرا بر مسلمانان بخواند همه گي خوشوقت گرديدند بعد ازان امير المؤمنين عمر رضي الله عنه روي بطرف شان اورد وفرمود كه اي مسلمانان شمايان درباب نوشته ابا عبيده چه ميفرمائيد .

اول کسیکه درین باب سخن گفت عثمان ابن عفان رضی الله عنه بود که اورا فرمود که یا امیر المؤمنین خدای تعالی اهل روم را خوار گردانیده وملکت شانرا از دست شان بیرون کشیده و مسلمانان را ور بالای شان نصرت بخشیده والحال اصحاب ما بلده ایلیا را در بالای شان شدت و قهر محاصره کردند وامر شانرا در مضیقت اوردند وهر روز مذلت وضعف شان زیاده میشود وخوف بیشتر بقلب شان جاگیر میگردد واگر شما درجای خود اقامت نکنید بطرف شان روید انها خیال میکنند که بنظر شما بسیار سبک داشته اند چنانکه شما هیچ خیال شانرا ندارید ومحاربه ومقاتلهٔ شانرا حقیر میدانید بعد ازان اندك مدتی در شهر خود قرار نمیگیرند تا اینکه بفضل تعالی تمام روی بطرف اصحاب ما میاورند جزیه را زمه بردار میشوند چون امیر المؤمنین این فرمودهٔ عثمان جزاه الله تعالی خیراً را بشنید روی بطرف مسلمانان اورد وفرمود که ای مسلمانان ایا بغیر فرمودهٔ عثمان رضی الله عنه دیگر رای هم به نزد شما موجود هست یانه ٠

علی کرم الله وجهه فرمود که اری رای من بغیر رای عثمان رضی الله عنه میباشد که از برای شما ظاهر میگردانم وفقك رحمکم الله تعالی امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه فرمود که یا ابوالحسن بفرمای که رای تو چیست ٠ علی کرم الله وجه فرمود که یا امیر المومنین اهل روم ترا سوال کرده انواین سوال شان سبب فتح مسلمانان میگردد وتا حال از سبب سردی هوا وبارندگی وطول مقام وازشدت مسلمانان را جهد وکوشش ومشقت عظیمی رسیده وحالا من چنین مصلحت دیدم :

که اگر شما به نفس خود به ان طرف روی اورید خدای تعالی ان شهر را از برکت شما بدست مسلمانان فتح میگرداند ودرین رفتن شما از برای شما بهر تشنه گی وگرسنگی وقطع کردن وادی ها و پستی ها وبلندیها وکوها بهر یکی ازینها ازطرف خدای تعالی ازبرای شما تاحینیکه بازگردید اجر عظیمی نوشته میشود وچون شما به نزد مسلمانان رسیدید هم ازبرای انها عافیت وامنیت واصلاح کارها حاصل میاید ومن ازین ایمن نیستم اگر سلطانان هم ازامدن شما وهم صلح نا امید گردند واهل بیت المقدس هم شهر خود را محافظه نگاهداشت کنند اخر از طرف یك شهری از شهر های روم ویا از طرف کلب بادی روم خود هر از پیشرکان مدد رسد وازین سبب در بالای مسلمانان اند وهی وبلا ئی فرود اید خصوصا شهر بیت المقدس مرکبه در نزد اهل روم بسیار بزرگ است وتمام اهل روم دران شهر حج بجا می اورند که هیچ تخلف نمیکنند وقلیل صواب این است که شما به نفس خود بطرف شان روی اورید انشاءالله تعالی ٠

راوی گفت که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه از مشورت و فرمودهٔ علی کرم الله وجه بسیار خوشوقت شدند وفرمودند که درباب کید ومکر بدشمنان مشورت عثمان رضی الله عنه نیکو میاید ودرباب مشورت امور مسلمانان مشورت کردن بهمراه علی کرم الله وجه نیك وقع میشود خدا یتعالی این هردو را جزای خیر دهد وحالا من درین امر بمشورت علی کرم الله وجه عمل میکنم زیرا که من اورا جز نیکو مشوره و میمون فال دیگر چیزی ندیده ام بعد ازان امیرالمؤمنین مسلمانان را امرکرد باینکه سر رشتهٔ از جهت رفتن بگیرند واسبا ب سفر خودرا اماده کنند مسلمانان بشتاب این امر را بجا اوردند وخود هارا ازبرای سفر اماده گردانیدند ٠ امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه امر کرده اینکه :

در بیرون مدینه منوره جا گیر شوند مسلمانان فرمودهٔ امیر خودرا بجای اوردند وبعد ازان — امیر المؤمنین رضی الله عنه در مسجد داخل شد وچهار رکعت نماز ادا کرد و به نزد مرقد مطهر رسول اللهصلی الله علیه وسلم ومرقد حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه بپای ایستاده شد · علی کرم الله وجهه را در مدینهٔ منوره خلیفه گردانید واهل مدینهٔ منوره از جهت بیرون شدن شان ناله ها وفریاد ها کردند و همرای شان وداع نمودند واقدی رحمة الله علیه فرموده که امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه — در بالای اشتر سرخ خود سوار شد وازمدینهٔ منوره بیرون امده واسباب بهمرای خود برداشتند که — درمیان یکی سویق بود ودیگری خرما ومشك ابی راهم درمقدم روی خود گرفتند وکاسهٔ چوبین را از جهت طعام خوردن در پشت سر خود دربالای اشتر بسته نمودند وبدین اسباب ازمدینهٔ منوره بیرون شدند وجماعتی ازصحابهٔ کرام که در فتح یرموك حاضر بودند ودرمدینهٔ منوره امده بودند درین روز بهمرای شان که زبیر وعباده بن صامت رضی الله عنهما بیرون شدند ازان جمله بودند وبدین — اسباب خود امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه روی بطرف بیت المقدس اوردند ودر هر منزل کهفرود میامدند تا نماز را ادا نمیکردند بیرون نمیشدند وچون از نماز فارغ شدند بعد روی بطرف — مسلمانان می اوردند و می فرمودند که الحمد لله اینکه خدای تعالی مارا بدین اسلام عزیز گردانید و بایمان بزرگی نمود واز ضلالت بهدایت اورد ومایان را به پیغمبر خود محمد صلی الله علیه وسلم مخصوص گردانید که از جملهٔ امت او گردیدیم وبعد ازتفرقه مایان را در بالای کلمهٔ حق وصدق جمع کرد ودر بین قلوب مایان الفت داد ومارا در بالای دشمنان ما نصرت بخشید ودر بلاد خود مکین داد که از برای یکدیگر برادر گردیدیم چنانکه دوست ومحب شدیم یا عباد الله بر شمایان لازم اینکه خدای تعالی را در نعمای کاملهٔ اوشکر بجا اورید وفقیق در این انعام ظاهرهٔ او حمد وثنا گوئید زیرا که خدای تعالی نعمت شاکرینرا زیاده میگرداند واز برای شکران نعمای خود را تمام میکند بعد ازان کاسهٔ چوبین را میگرفت وپر از سویق می نمود وقدری خرما باطراف او می نهاد وبه نزد مسلمانان میاورد و می فرمود کبعد ازین زحمت ومشقت وخوش گوارنده طعام خورید وخویشان هم به همرای مسلمانان ازان طعام ها می خوردند وبعد ازان رحلت می کردند وهمیشه بدین منوال راه می پیمودند عمر وبن مالك عبسی رضی اللهعنه نقل کرد که دران حین که امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه بطرف شام میرفتند منهم به همرای شان بودم ودربین راه گذر شان در بالای چشمه ابی افتاد که ان چشمه ابرا ذات المنار مینامیدند (باقیدارد)

نصائح دینی واخلاقی
شرابنوشی چرا ممنوع است

حدیث شریف من شرب الخمر خرج نورالایمان من جوفه یعنی کسیکه خمر بنوشد نورایمان از جوف او خارج میشود · (روایت طبرانی ·

نقصانات شراب ·:

١ــ شراب نورچشم را کم میسازد· (٢) شراب مردمان عاقل را احمق میسازد· (٣) شراب خون انسانرا خشك میسازد· (٤) شراب نوشنده خودرا ازبار یابی درگاه حضرت حق سبحانه وتعالی جل جلاله محروم میدارد · (٥) شراب دشمن دین وایمان است ·(٦) شراب ام الامراض میباشد که ازان رعشه وفالج ودیگر

امراض پیدا میشود ۰(۷) شراب را حکما و دکتران متفکر مضر ثابت کرده اند ۰ (۸) شراب را مذاهب عالم لعنت گفته اند ۰(۹) شراب انسانرا کاملا بی حیا میسازد ۰(۱۰) از شراب تمام اعضاء رئیسه بیکار میشوند ۰ (۱۱) شراب نوشنده خود را مفلس میسازد ۰ (۱۲) شراب نوشنده خودرا درمحبس به فرقره و مرگ بی شرفی دچار می نماید ۰(۱۳) شراب دشمن شرف انسان است ۰

(اقوال زرین) هر شخصیکه ... زکوات خودرا بغرض احسان مید هد خدا ... صبحانه وتعالی جل شانه قبول درگاه خود نمیفرماید ۰ (حضرت رسول اکرم) (ص) ۰

سه چیز باعث هلاکت است : اول — بخیل که حق خودرا وخلق را ادا نکند ۰ دوم مطیع خواهشات نفسانی بودن — سوم خود بینی ۰ (حضرت رسول اکرم (ص) ۰

صاحب قناعت باعزت وشخص اخلاق مند کامیاب میباشند ۰(حضرت علی کرم الله الی وجهه)

از خدا خائف بودن کار عارف است ۰(حضرت علی)

هر شخص راز خود را اشکارا نسازد گویا خودرا سلامت نگاه داشته است (حضرت عمر) رض

سه چیز خوب ... نیست ۰ برای پادشاهی تعجیل — برای پارسا حرص — برای توانگر بخل (امام علی موسی رضا)

علامت انسان انست کهخودرا بچشم مردمان عزیز سازد (یك دانا)

نزد ان گناه که عبادت فائده نمیبخشد ان کبر است (سلمان فارسی)

اگرخواهی که از راز تو دشمن واقفنشود انرابه دوستخود اظهار مکن ۰(نوشیروان عادل)

اگر بدانم کهدعای من مستجاب میشود ان دعارا درحق پادشاه میتمایم زیرا از وجود ش فائده عام است(سقراط)

علم وحلم را یکجا کردن کرامت است (یك حکیم)

تعجب است ازان شخص که ازخوف بیماری ازطعام پرهیزمیکند اما از خوف عذاب از گناه پرهیزنمیکند ۰ (معروف کرخی)

هر شخص که بخشش شمارا قبول میکند گویا انشخص در کارنیك شما امداد مینماید (بطلیموس یونانی)

اگر تو هزار دوست داری کم بدان واگر ترا یك ... دشمن باشد بسیار بدان ۰ (بزرجمهر)

اسرار ترقی:

ترقی عقل از علم — ترقی عزت از دولت — ترقی نیکنامی از عزت — ترقی زندگی از نیکنامی — ترقی اسایش از محنت — ترقی راحت از ... اسایش — ترقی صحت از راحت — ترقی دنیا از صحت — ترقی مال از زکوات — ترقی اقبال از مال — ترقی جلال از اقبال — ترقی حکومت از جلال — ترقی شوکت از حکومت — ترقی کمال از راستی — ترقی شهرت از کمال — ترقی محبوبیت از شهرت — ترقی محبت از محبوبیت — ... ترقی اتفاق از محبت ۰

(مطبع حبیب الاسلام)

ملحقه(۱) جریده ٔ هفتگی حبیب الاسلام ـ سال اول ـ شماره(٦) (امیر مطلب ٦)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

اداره خانه ده افغانان کابل افغانستان ـ نمره تلفون

مدیر مسئول سید محمد حسین .

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود

اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است

در هر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشر میشود

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه	قیمت ششماهه
در داخله ۵۰ افغانی	۳۰ افغانی
در خارجه ۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

یک شماره ۱۰ پول .

تاریخ قمری ۲۰ شوال المکرم ۱۳۴۷ ـ پنجشنبه (تاریخ شمسی ۲۲ حمل ۱۳۰۸ هجری) .

مداوله گردد
یا انقلاب

بسم الله الرحمن الرحیم .

انما مثل الحیوة الدنیا کما انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض مما یاکل الناس والانعام حتی اذا اخذت الارض زخرفها وازینت وظن اهلها انهم قادرون علیها اتاها امرنا لیلا او نهارا فجعلناها حصیدا کان لم تغن بالامس کذلک نفصل الایات لقوم یتفکرون .

مثل زندگانی دنیا مانند آبیست که از آسمان فرود آوردیم پس بان مختلط گشت نباتات زمین که ازان انسانها وحیوانها میخورند حتی چون زمین زیبائش ان گرفت وآراسته گردید واهل کشت گمان بودند که بران قادر اند امر ما در شب یا روز وارد شد گشت پس آنرا چنان نیست ونابود ساخت گویا دیروز نام ونشان نبود ـ اینچنین ما آیتهارا تفصیل میدهیم برای قومیکه تفکر میکنند .

مملکت عزیز یا باغیست که دران اشجار گل ومیوه بسر سبزی وشادابی ایستاده اند به [illegible] بکار شکوفه گرد میشوند دیگرها ازبیخ جوز زده اگر درخت سایه عیش بود (نحوی نیز) بار نمی آرد برش توت وشاخدار شده دیگر درختها را که در سایه ٔ انها آرام میجویند نمیگذارند که نشو ونما بیابند چنانچه سعدی میگوید : (تا اول زور نه اخل ادب ـ اود سوزنخل نه نیس رطب)

بجهه ٔ تازه این ان نمی برد ازد نخل سایه خرما نمیگیرد ان شجر های یمن والوند وتنار نزدیک است کل یا انرا احاطه کنند وبر تمام سرزمین سایه افگن شده وتخم نباتات را کم سازند که طولان عالم برداشته شاخدار بلند انها می شکند وپاوجود پنجه وریشه ٔ محکم ازبیخ وبن برکنده میشوند پس برای دیگر اشجار واز هار از سرنو موقعها بدن وسرکشید ونحاطر میاید .

تلک الایام نداولها بین الناس ـ خدای تعالی میفرماید که این ایام را در بین مردم بالنوبت ـ میگردانیم ومراد ازین (مداوله گردد یا انقلاب) اینست که چون در یک سرزمین فتنه وفساد فسق وفجور ظلم وستم غفلت وجهالت کبر ونخوت نفاق وریا اغراض شخصی النسل تمام حکم فرما شوند ومساله

بلکه بسا اوقات تقریباً در همین حال بگذرند. مشیت ایزدی چنین اقتضا دارد که از میان مردم — شهدا را اتخاذ کند و برای شان جنت بخشد و مجاهدین و صابرین را معلوم نماید و برای شان مرتبت و عاقبت عالی فرماید. چون خدای تعالی ظالمان را دوست ندارد درین گردش نوبت تباهی شان میرسد.

ظلم چیست: وضع شیء فی غیر موضعه چیزی را بجای گذاشتن که برای آن معین موزون یا مناسب نیست — هر کاری نادانی بی تدبیری محل انگاری خصوصاً تکبر ضلالت و خلق آزاری در تعریف ظلم داخل اند و یک زمان در همین دنیا بعد از مرور دهر بالاخیر می پیوندد که این همه خطاهای بد و خصایل شنیعه باندازۀ کیفیت و کمیت خود خمیازه میکشد و یک موسم بهانه یا دلیل برای کیفر کردار از طرف غیب پیدا میشود و فقط باعث جزای غیبی اینست که چون اهل حکومت بمجازات شرور و تعدی نپردازند و بسبب کوتاهی پادشاهی مصائب و فلاکت و انواع اعمال زشت غلبه کند حالانکه وظیفۀ نخستین سلطنت استیصال ظلم و قمع مفاسد و مظالم است پس غیرت خداوندی بجوش میاید و مقام حلم و صبوری و بردباری به چندی مظاهر غضب و عقاب و قهاری میگردد.

قبلاً چون لمن الملک الیوم گفته شد میشد زبان حال جواب میداد که پادشاه و ملکه و کسانیکه بمکر و فریب و تملق و چاپلوسی رتبۀ [illegible] را حاصل کرده اند امروز مالک ملک اند بسکه آن هرچه بخواهند می کنند. الان بطور بلند نعره زده می شود که الملک لله الواحد القهار اوست الی از قدرت کاملۀ خود مبادا ولی باز قید را پیدا میکند ولی بند آنرا [illegible] جهان ارادۀ جباریت و معدلتش را در منصۀ شهود می آرند. در هر ملک این انقلاب ادوار پدید آمده است و در اصطلاح غربی آنرا ریولیوشن مینامند که معنای آن گردش است یعنی بیشتر بنیاد ظاهری مملکت هموار و یک قرار رفتار داشته اما ناگاه یکروز میاید و بشدت وحشت میگردد که یکدفعه احوال منقلب میشود و دیگر گون میگردد. در ریولیوشن مشهور فرانس از روی تاریخ صحیح محقق شده است که در عرصۀ شش سال گردش یا انقلاب فقط آن هزارها نفر صدها و [illegible] ها چنانکه قبلاً ملیونها نفوس را [illegible] ها رتبه ها [illegible] میچشیدند یعنی بر چنین گردش نسبت باحسن تام نخاد [illegible] کمتر مردم در معیت گرفتار میامدند اینجا مقام عبرت و نصیحت است و ازین مرحله — استفاده لابد است ورنه سلسلۀ فتنه و فساد طول میکشد. از اعمال سابقه ندامت و توبه و با احوال لاحقه شکیبائی و توجه چنین مطلوب است که باعتراف خطایای خود رو به عجز و انکسار نهاده متابعت حکومت حاضره شعار گردد و رعونت و استکبار را ترک داده بتواضع و استکانت رفتار نمایند. اگر درین وقت ملت از خویی [illegible] خود آگاه و متنبه شد و در معاملات [illegible] متجاوزانه و کردار [illegible] خود متر کشته کمر بکارهای صالحه با نیت خالص بسته کرد آن ساعت مبارکتر نخواهد آمد و در تعریف همین قسم اول شعرا سرائیده اند از انقلاب خون سیاه مشک ناب شد — مشتاق انقلاب نباشد کسی چرا . ملک بعد خون جگر لعل میشود . چون بان درجه بعد بهار رسید باید بحبیب دل جا گیرد . این وقت وقت اتفاق و اتحاد و موافقت و مرافقت است . از شکایات و اعتراضها نه تنها ثقافت و امن ذاتی خالی میشود بلکه تفرقه و نفاق تولید شده هنوز بربادی و بد امنی [illegible] منتهی میشود .

(باقی دارد) .

اطاعت اولی الامر

اطاعت اولی الامر واحترام مقام پادشاهی را خداوند عز وجل در قرآن کریم سوره نساء –
پاره (۵) میفرماید که: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنا
زعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن
تأویلا .

یعنی : ای صاحبان ایمان اطاعت خدا و رسول و امیرانیکه از خود شما هستند لازم گیرید و در امریکه به
با دیگر دعوا بیزید به امر خدا و رسول مراجعه کنید . اگر ایمان به خدای تعالی و روز آخرت داشته باشید
واین همه ارشاد الهی برای شما خیر وموجب انجام نهایی است این امر در عصر (مفهوم وطن) مارا به
یک شعار مرد لالت میکند که اگر خدا نخواسته مقاطعه [illegible] جان مال زندگانی هستی
مطلق بالاخره تمام خواهشات دینی ودنیائی ما در ظل این مرحمت پادشاه [illegible] میشود .

درین زمینه حضرت رسول کائنات خلاصه موجودات حضرت محمد مصطفی رسول الله (ص)
احادیث متعددی دارد .

از روایات ابو هریره که یکی از جمله اصحاب حضرت رسالت مآب علیه الصلوة والسلام است که :

قال رسول الله (ص) من اطاعنی فقد اطاع الله ومن عصانی فقد عصی الله ومن یطع الامیر فقد اطاعنی
ومن یعص الامیر فقد عصانی وانما الامام جنة یقاتل من ورائه ویتقی به .

یعنی : کسیکه اطاعت نمود مرا اطاعت کرد خدا را و کسیکه نافرمانی نمود مرا نافرمانی کرد خدا را
و شخصیکه اطاعت نماید امیر را اطاعت کرد مرا وانکه نافرمانی ورزد امیر را عصیان ورزید مرا و –
پادشاه فقط سپر است که در عقبش کارزار کرده میشود ونگهداری نیز [illegible] میشود یعنی مقاتله و
مقابل اعدا وحفظ ونگهداری رعایا هر دو منحصر در وجود پادشاه است . آنحضرت (ص) –
میفرماید که : (پادشاه سپر استکه از پس پشت او مقاتله کرده میشود وپناه گاه این قوم خود را از دشمن
نگاه میکند چون آن پادشاه ازبین قائم نماند پس قوم چسان جنگ کند وچگونه خود را محافظه نماید .
واما آن الملحدان اگر خدا به تغییر [illegible] عطیکرد [illegible] نمیگرفت وقوم را بحال
خود رها میکند [illegible] پادشاهی را بجا نیاورد که حفاظت [illegible] است چون بعنوان فرموده –
رسول الله (ص) پادشاه سپر است وصورتیکه پادشاه [illegible] فرموده [illegible] پس مجموع او به
سلطنت باقی ماند وکدام شخص بی غیرت بی تمیزی خواهد بود که بعد از دلم وقرار با اختیار این

چنین پادشاه خود غرور وجود پرستی بالین خود ه* وابستگی وعقیده شرا با و بختند .

حضرت ام‌الحصین (ر ض) کیکی از زنان صحابا حضرت رسالتماب وراوی احادیث زیاد میباشد میفرماید که انحضر فرمود : (قال رسول الله (ص) ان امر علیکم عبد مجدع یقودکم بکتاب الله فاسمعوالله واطیعوا .)

یعنی : اگر غلام گوش وبینی بریده بر شما امیر گردد که حکم کتاب خداوند تعالی ادا و امور شمارا بنماید پس قبول امر و اطاعت او بر شما لازم وواجب است .

حضرت انس بن مالک (ر ض) کخادم حضور حضرت رسالتماب بود فرمود که حضرت رسول (ص) فرمود : اسمعوا واطیعوا وان استعمل علیکم عبد حبشی کان راسه زبیبه .

یعنی : بشنوید واطاعت کنید اگرچه حاکم شما غلام حبشی باشد که سر او مانند دانه مویز بوده باشد . مطلب : حاکم امیر میباشد خواه امیر باید از طرف رعایا اطاعت شود چه خود ن حر عبارت است از نقصان عقل حاکم زیرا عدم اطاعت حاکم موجب عدم اطاعت خلیفه میگردد .

بیعت داری رعایا با تو طحدات ان

(۲)

بیعت نامه شنواری و خوگیانی وروند کوت وحصارک ومزینه وغیره .

اول رمضان :

فرنده اشته ایفه شنواری وخوگیانی وروند کوت وحصارک ومزینه وروند جپرهار وغیره سمت مشرقی بحضور حضرت خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب الله خان رایشه . بعد از مشاهده تمد یعه داری کبیر وتشویشات که در سمت مشرقی بود بسمیان محترم رسیده باشد که همه بوادرف شده تنون حاکم جمعی کامنه برایا وشما حاصل است جهت ارتباط رشته* اتفاق وزم تا بلیران حصول وطاقات داشتیم اما هر ا ز طرف سرحدات سمت مشرقی وهده و ما عمار از رمضان بوقوع رسیده اعلی عالیان بی السالی رمضان خیر دیده شد وزیاده بدون توقف د ین متین حضرت رسول اکرم چنگر ندعای

فهرست اعدا : محمد علم خان شنواری ملا اعظم خان شنواری محمد افضل خان شنواری [illegible] ضیاء الله خان ملا نصیر خان [illegible] ملا ظفر شاه سید میرزا [illegible] خان ملا [illegible] خان ملت الله خان [illegible] (۲۶ نفر [illegible]) .

طرا بیعت وطاعت شنوار بدار عقد ین

اولا بیرون اتاق الارض نفعنا من اطراف اقد الدعا لتعالیهم خداوند جل جلاله میفرماید ایها مردم نمی بینند تعرض را از اطراف کرده مسریم بر ایا انها غالب اند . بالحالیکه قدر ارید اتعالی ..

ترسید . خودکشی و مشت مشت الفی را به لندن آوردند و بمقابله امان الله وتشید عار بسر یکف درعهد ان
برآمده بنصرت ایزدی ملک را ازیشان خالی ساختند درعرصهٔ قلیل سه چهار ماه همه مملکت
افغانستان تدریجا درحلقه اطاعت امیر صاحب مجاهد حبیب الله خان داخل شده رفته است و
ازتمام اکناف واطراف ملک باوجود بعد مسافه بیعت نامه ها با هدایا وتحف اهالی برگزیده میرسد —
چنانچه میلادری اخبار میگردد ودر شماره‌های سابقه نیز مندرج شده بود ازینجمله بیعت نامه
طائفهٔ شیعه شیراز بلکه قد بتاریخ اول رمضا (بهار ...) موصول شده بود وتقریری گذشته است
ومن بعد بتاریخ ۲۳ شوال المکرم بود تا بیعت نامه وارده‌ای بعدا در باطل محمد علیخان شیرازی
مشهور ومعروف که ازبارگاه جهاد شاه امیر حبیب الله خان بمنصب نائب سالاری ونظامی سرافراز شده
بود باستقبال جمعی متعین بعد ازنقل اقوام خود وارد دارالسلطنه گردید . برای استقبال ایشان
عسکر میهونیکه بسیار قلیل بود تمام معاونان رمیز درورازت جلیله حربیه تشریف آورده بودند وهمراه صاحب
منصبان عسکری تا متکرده متناولیات تا نمودند بعد ازیکجا شدن واتحاد شجاعان بهادران
اسلام معاونان رمیز شیرازیمشهور عالی جناب امیر صاحب غازی در قصر دلکشا باریاب شدند —
علی محمد علیخان نائب سالار بعد ازعرض سلام بیان کرد کما ازطرف بیعت امیر صاحب والا —
حبیب الله خان را نمود بود بم وخود را مطیع ومنقاد امیر گردانیده‌ایم اما چون آن اخلاص وعقیدت
ما غایبانه بود حالا ظاهرا انرا تجدید کرده سعادت جهاد شاه را میبوسیم و برو بیعت دهیم خود را
تقدیم مینمائیم این حقیقت را بحضور پادشاه عرض میکنم که درین مدا ملت بیعت کمیشتر والا بحظ
آمد هیچ مدعا ونفسی نداریم لکن بن مفسدین دین وخدمت ملت ازطرف تا سالار مفتخر
شدیم اما بعد ازان نیز حاضر خدمت هستیم چون امان الله در وطن اسلامی مرسم ورواج کفار را اشاعت
داد البته ما مسلمانان بحیرت وحسرت فرو رفتیم دیدیم که در هند وستان باوجود صد ساله حکومت
کفر مسلمانان انجا طریقهٔ اسلامی را ترک نداده‌اند اما در افغانستان میان امان الله خان بسوی
کفر راه برسم کفار را در انجا عاری ساخت بغیرت دینی امد بمقابلهٔ ایرا بحولات کشتیم
اما ازین واقعه انکار کرده نمیتوانیم که بسر اقرار داریم که درین شکست امان الله خان حصهٔ زیاد
مساعد نمودیم شجاعان ممتشالی است اگر اینجا فوتا برابر اکنه میکرد نه همه توجه بما —
مرکوز بوقفه شده مشهور که نمیتوانستیم لهذا ممتشالی حق دارد که فاتح اسیر گفته شود و ما
همان ملیح تابعان شده صدرگاه امیر حبیب الله خان بیعت نمائیم وتا وقتیکه امیر والاخد مدد بن بحال

ارد سر از اطاعت ایشون نکشیم .

بهر اینطق موجود امیر صاحب الا فرمودند از ورود برادر رایشنوار و نائب سالار محمد علیخان بعد از خدمات شایستهشان که در تقویت اسلام کرده اند بسیار خوش شدم و از کمالات محبت و صفت سمت شمالی که نائب سالار صاحب بیان نمود متشکرم در باب خود میگویم که هیچگاه خیال - پادشاهی را نداشتم بلکه محض مقصد من خدمت دین اسلام بود که روز بروز خراب شد مصرفت و براحکام ان التفات پادشاهی نبود این حال زار دین متین را مشاهده کرده بعد ان جنگ برادرم و یکعده یاران رفقا به همراه وشجاع خود بکمال مجاریه نمود م علما و مشائخ در هر مرحله تجویز کرد ند که چون امان الله خان به دین اسلام قائم نیست خلع او لازم و بطوریکه پادشاه خود راستورته بغیر امیر وجود ان مجاهدین ما درست نخواهد بود لهذا همه علما و مشایخ و خوانین و رعایا متفق شده مرا بامارت گزیده خود م چون هیچ جاه وطمع نداشتم گفتم که در سمت شمالی بسیار علما ومشایخ و خوانین محترم موجود اند باید یکی ازانها منتخب شود اما همگان باصرار مرا مقرر کردند بازگفتم که از من بهتر سید حسین خان اقا خود ارد که کمال اتصال رسول اکرم صلی الله واله وسلم و جوان مرد شجاع و دلیر است . لیکن انها نیز از خود رد نموده بمن حواله داد ند که شما از همه و از من زیاد تر مستحق پادشاهی می باشید پس باین نیت و اراده که در حقیقت پادشاهی خویش خدمات اسلام بجا می ارم این عهده بزرگ را قبول کرده ام والا هم اگر به همین عزم خویش مستقیم نباشم کلاه شاهی را فقط برای ترقی و تعالی اسلام و ترویج احکام آن اختیار کرده ام و اگر بجز این دیگر خیال غیر دین بدلم باشد ظاهر شود انوقت زندگانی خود را نمیخواهم من همین ارزو دارم که مسلمانان همه متحد شوند وافغانستان با قواعد وضوابط اسلامی کل بوجود گشته بحسب شریعت سلطنت اسلامی در دنیا نامدار گردد و رعایای افغانستان در پابندی اسلام زیست در رفاهیت و سرخ رو بخیزند از خداوند کریم وقدیر نیازمندم که در این اراده ما که بمن بزرگ تفضلا فرموده مرا برای اجرای این مقاصد پاک اسلامی - توفیق بخشد .

بعد از تقریر شریف پادشاهی همه اهل دربار بخورسندی و بهجت با مهمانهای عزیز شمالی ملاقات نمودند و برای شان دیگر از عمارات عالیه شاهانه اهتمام مهمان نوازی کرده شد .

بعد از مذاکرات که در بین شان و حکومت متبوعه شان دایر کرد بالحاق سمت مشرقی کیفی از جوانب بسیار مجمع افغانستان استیصال الطاعت حبیب الله خان صورت خواهد بسوار ان صوبه طانیت و

امنیت تام حاصل امده در ظل لوای اعلی وفروغ بهار زیب روح خواهد داد (ولم یروا کیف یبدی الله الخلق ثم یعیده ان ذلک علی الله یسیر) ایا بنظر نکردند که چگونه خداوند تعالی خلق را ـ کرت اول پیدا میکند باز بتکرار انرا پیدا میکند واین بر خداوند تعالی اسان است.

بیعت نامه اهالی مزار شریـــــف

٦ رمضان المبارک.

مایان مامورین ملکی ونظامی وعموم اهالی از علما وفضلا وسادات ومشایخ وغیره مسکونه محال مزار شریف قرار معتبر صحیح وشرعی مینمائیم براینکه چون معاملات واجراات امان الله خان امیر سابقـــه افغانستان بخلاف شرع انور شریعت غرای محمدی جریان داشت وتمام علما وفضلا وسادات ومامورین ملکی و نظامی ومشایخ وکلان شوندگان وعموم رعایای دار السلطنه کابل بموجب شهادت جداگانه خلاف رفتارهای امان الله خان را از اجراات شرعیه تشریح داده استوار از امارت افغانستان معزول گردانیده اند ومعلوم گردیده که امیر حبیب الله خان خادم دین متین حضرت سید المرسلین (ص) بخلاف امان الله خان مطابق فتوای علمای دین کاروائی واجراات معاملات مینماید لهذا ما مامورین ملکی و نظامی وکل اهالی اینجا از علما وفضلا وسادات ومشایخ وسادات ومشایخ تا بدلیل امان الله خان امیر سابق را که بانی فساد وعامل بدعات ومرتکب افعال ناشروع بود وعقیده اورا ما اهالی هم بخلاف امور دین حضرت سید المرسلین (ص) ملاحظه کرده بر بنا فسخ بیعت نموده کرده بودیم واورا از امارت معزول نمودیم وبیعت جدیده صحیحه بقرار امر خداوند وعده ایمه رسول اکرم (ص) وصحابه عظام با امیر حبیب الله خان که شخص صادق ومسلمان ومروج دین پاک محمدی (ص) است نمودیم وامیر حبیب الله خان را بپادشاهی وقت خودها بامارت سلطنت دولت مستقل افغانستان قبول ارزیم که تا اله تنفیذ اجراات وامارات را مطابق احکام الهی وسیاسات را بروفق سیاسات شرعی اجرا بدارد وما جمیع اهالی اسلامی از خداوند بارتعالی رخواست توفیق سعادت در اجرای ـ اجراات وحب مهرورزی وانجام فرموده ایشان هستیم . امضاآت:

ملا میر ... الدین مفتی محکمه ـ ملا رحمت الله محتسب ـ خواجه عزیز احمد وکیل حکومت ـ میرزا ... خزانه دار ـ خواجه عبد الرسول وکیل ماموریت مالیه ـ محمد اسماعیل ساریاغی ـ محمد هاشم مامور ـ غلام ... تاشقرغان ـ ... ـ میرزا ... ـ ملا حسام الدین ـ میرزا محمد مراد ـ ملا قربان تجار ـ محمد شریف ـ اقا محمد ـ مهر واسامی ... شصت نفر دیگر (٣٦٠٠).

بیعت نامهٔ [illegible] قطغن)

(هوالعزیز)

۲۷ شعبان .

بسم الله الرحمن الرحیم .

از انجا که خالق کون ومکان ورب العالمین بمضمون آیه [illegible] هدایه به رسول مقبول و محبوب کائنات وعده داده [illegible] و [illegible] آیات قرآنی امر صادر فرموده که (من یعص الله ورسوله ویتعد حدوده یدخله نارا خالدا فیها وله عذاب مهین) بموجب این نص [illegible] که دین ـ اسلام محو [illegible] قرآن مجید را [illegible] نیست ولی [illegible] افغانستان که تماما پیروان دین [illegible] بیعت امارت را [illegible] شریعت غرا با امیر امان الله بقرار [illegible] از امیر [illegible] داده بودیم چون [illegible] اطاعت [illegible] شریعت [illegible] اجابت نکرد [illegible] او چند [illegible] احکام قرآن مجید [illegible] حضرت سید المرسلین [illegible] اند ـ عالم [illegible] حضرت [illegible] شجاعت خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب الله خان [illegible] دین رسول الله صلی الله علیه واله واصحابه وسلم [illegible] اسلامیه گردیده شمشیر [illegible] امیر امان الله [illegible] ایستاده [illegible] بالیوم ۲۷ شعبان المعظم قلعه [illegible] رجب المرجب ۱۳٤۷ هجری [illegible] حاجی الحرمین الشریفین جناب حاجی [illegible] و جمهور رعایای [illegible] رسیده [illegible] را خوانده [illegible] افغانستان [illegible] اهالی اسلامی [illegible] امان الله [illegible] اهالی [illegible] را بقرار امر خداوند [illegible] حضرت رسول اکرم علیه الصلوة والسلام [illegible] امیر حبیب الله خان که [illegible] اهالی اسلامی [illegible] باری تعالی جل شانه [illegible] استقلال [illegible]

دربار حشمت واجلال در موج درمون باد بالتون رالتماد جارنهاد سلطنتا قفانستان بر خادم
دین رسول الله امیر حبیب الله باقی باد مرکتمخواهد بقای شاه .

امضا٫ :

ملا محمد علی د قاضی صاحب — د ملا محمد حسین — مولوی عبد الکریم باجی — مولوی عطا٫ الله —
د ملا مولاداد — د ملا دولت محمد — ملا عبد الحکیم — ملا عبد الرحیم — د ملا عبد الحکیم — ملا
غلام نبی — ملا علی مراد — علی محمد — ملا محمد تجار — فقیر محمد — عطا محمد — محمد سرور دا وکیل
ملا محمد تحصیلدار دولت محمد — قلندر بهاء — علی مدد یوسف — عبد الشکور — میرزا فتح محمد قریه دار
سایف — خدای نظر — دولتخان بایمشاه — صفر محمد — رحیم بادستخار بائے شیرعلی — غلام قادر —
غلام رسول — شیر محمد — میرزا نظر — خیرالدین — فقیر محمد — عبد الرسول — شیر محمد — میرزا علی —
عبد الغفور — عبد المجید — عبد الحسین — صفدر علی — حبیب اللطف محمد کریم باقی نشان شصت
وچار ١٢٤ نفر .

بیعت نامه اهالی تاله ویرفک

٢ رمضان المبارک .

بیعتنامه اهالی مضمون متعلقه ملا قطغن و بد خشان تاریخی ٢ رمضان المبارک ١٣٤٧
عینا مطابق بمضمون بیعت نامه اهالی محالقیورکه درفوق در استیاعضا وبواهرا سا برذیل بیعت
رسیده استکه بیعتها سر بود در مضمون متحد بود در الفاظ اینجا بیعت نامه فوق الذکر از انداراج
مضمون صرف نظر کرد صرف بمشتر کردن اسما٫ اهالی مرسل آن اکتفا ورزیده بم . امضا٫ات وبواهر ذ :

میرزا محمد مراد — محمد رحیم — سید محمد بیگ — فاضل احمد بهادر — سید محمد قریه دار — ارباب
محمد عیسی — ارباب شیرعلی — بازمیر — میرزا میر — محمد اسلم — ملا غلام محمد — ملا پیوند — عبد الرحمن
بیگ سلطان مراد بیگ ملا٫ شیرعلی — ملا محمد نظر — علیمراد — محمد حسن — اسد الله — محمد شاه
قریه دار بابهادر — سید محمد — نظر — علی نظر — سید احمد — پیوند — بابخان — ملا جمعه —
غلام محسن — غلام محمد وکیل لوی جرگه غلام رسول وکیل — زرین — عبد الرشید ملا قدار و باقی نشان
٨٧ نفر .

اعلانات سرکاری از ریاست بلدیه

(١)

بر عموم اشخاص که موتر وگادی وموتر سکل وبائی سکلوکراچی دارند اعلان میشود چون محصول
محصول موتر وگادی وموتر سکل وبائی سکلوکراچی بها است بلدیه گرفته میشد در هذا السنه ١٣٠٨

تیزگرفته ونمبر جدید داده میشود تکس برای اخذ محصولات کیرا زریاست بلدیه مامورطور است کیقرار دستورالعمل سال گذشته که مقرر شده مذکور میباشد محصول گرفته میشود ونمبر به شد .
لهذا برای آگاهی شما بذریعه اعلان هذا خبر داده شد که نزد مامور مذکور رفته محصول خود را بقرار دستورالعمل سال گذشته اداء رسید ونمبر بگیرید — هرگاه موتر وگادی وغیره نوع مراد بعد از تاریخ اعلان هذا الی پانزده یوم بعد نمبر دستگیر شد دو چند محصول گرفته میشود .

(۲)

بر رعایای شهر مخفی وپوشیده مباد !

فرمانیکه از حضور امیر صاحب غازی بنابر رفاهیت وخورسندی اهالی کابل بریاست بلدیه رسیده عینا بشما اعلان شد اینکه :

ازانجا که حضور والا بما مردم سکنه کابل محبت ارزانی داشته من اینست که ازطرف دولت معونت بانها سازند وبشتر باشد لهذا چون محصول صفائی بالخصوص است که از مردم شهر جمع میشود وباز بمصرف صفائی شهر میرسد که دولت تعلق ندارد اما بواسطه اینکه بما مردم کابل مراعات ارم باقیات چهار ساله صفائی را که از سنه ۱۳۰۲ الی سنه ۱۳۰۶ مبلغ سی وسه هزار وهشتصد وهشتاد ویکروپیه هشتاد وهفت پول میشود بخشش کردم ومحصول صفائی را که در سابق فی هزار هشتروپیه وبیست وچهار پیسه بود سر از سنه ۱۳۰۸ هجری ازقرار فی هزار پنج روپیه کابلی مقرر شد که محصول گرفته شود و فی هزار دو روپیه وبیست وچهار پیسه اضافی را نیز بخشش نمودم تا رعایای دولتم خورسند وخاطر والای ما از رفاهیت شان آرام باشد . حکم حضور بقرار فوق بشما آگاهی داده شد تا بدعا گوئی پادشاه اسلام امیرصاحب غازی خرم وشاد باشید در باب محصول صفائی سنه ۱۳۰۷ شمسی که هنوز بعضی باقی مانده آنرا خود شما ها بدفتر محصل برسانید که حاجت محصل وتحصیلدار نشود .

مجلس بلدیه

---

(۶)

دوم — ازدیگری گفتن در جواب کسیکه اورا بگوئید که تو خدا الی که غیب دانی .

سوم — نمی ترسم گفتن در جواب کسیکه بگوید که ازخدا تعالی نمی ترسی .

۴— برادرخود گفتن که از خداوند تعالی ترا زیاده تر دوست دارم یا اگر ترا از خداوند تعالی — دوست تر نداشته باشم ملای باشم .

پنجم ـ گفتن این قول که اگر فلان خدا شود حق خودرا ازو نستانم .
ششم ـ گفتن کسی دیگری را که خدا را توشناسد هرچه توکنی آن خدا
هفتم ـ گفتن این قول که خدا از یاد با زبان ترس... من [illegible] بیزارم اند ا .
هشتم ـ بطور ولیور گفتن ظالم که این کار را بی تقدیر خدا میکنم .

نهم ـ گفتن شخصی درباره کسیکه خدا را او می بایست آرزوهای او این باشد که خدای تعالی
حاجت یاوه داشت .

دهم ـ گفتن اینکه من از دوزخ نمی اندیشم بجواب کسی که او گفته باشد که گناه مکن که خدای تعالی ترا در
دوزخ داخل میکند .

۱۱ ـ گفتن اینکه از ثواب و عذاب بی زارم .
۱۲ ـ این قول که این کار را بی انشاءالله تعالی میکنم در جواب کسیکه بگوید انشاء الله تعالی اینرا کن .
۱۳ ـ گفتن این قول که خدای تعالی ترا فراموش نموده هرکسیرا اعتبار نمیشود .
۱۴ ـ گفتن شخص بیمار یا پسر مرده این را که اگر خدای تعالی با وجود این زحمت [illegible] ولد مرا
بعذاب گرفتار کند ظلم کرده میباشد . درجواب کسیکه او را گفته باشد که [illegible] خدای
تعالی ترا بعذاب گرفتار میکند .
۱۵ ـ گفتن این قول که اگر خدای تعالی مرا [illegible] امر میکرد نمی کردم .
انواع سوم ـ در کلماتی که در شان انبیاء علیهم الصلوة والسلام وخلفای راشدین واصحاب رضی الله
عنهم گفته شود) وفقهای کرام رحمهم الله تعالی انها را کفر گفته اند .
اول ـ منکر شدن وصیت [illegible] پیغمبران را [illegible] ایشان .
دوم ـ گفتن این قول که اگر فلان شخص نبی می بود ایمان بوی نمی آوردم .
سوم ـ گفتن این قول که اگر [illegible] قبول ندارم .
۴ ـ بطریق شک وانکار گفتن که اگر آنچه پیغمبران گفته اند صحیح باشد پس مایان نجات یابیم .
۵ ـ بطریق تمسخر یاد کردن نام پیغمبران و [illegible] اهانت [illegible] شان ـ
ایشان [illegible] باشد [illegible] واحتکار [illegible] ـ
نعوذ بالله منها .
۶ ـ گفتن این قول که این بی ادبی وکار بد [illegible] درجواب کسیکه او را گفته باشد که [illegible] پیغمبر علیه الصلوات
والسلام [illegible] زیرا که این کار [illegible] است
داشتن سنت کرامت .
۷ ـ دشنام گفتن شیخین یعنی ابوبکر و عمر رضی الله تعالی عنهما وانکار از صحبت وخلافت ایشان بنابر
صحیح ترالقوال [illegible] عایشه صدیقه رضی الله عنها [illegible]
[illegible]
[illegible]

مساهله نکند.

نوع چهارم — کلمات کفرکه با ایمان اسلام تعلق دارد ونزد فقهاء کرام رحمهم الله تعالی کفراست.

اول — گفتن شخصی که گناه یقین را اشکارا میکرد درجواب کسیکه اورا منع نمود این قول را که مسلمانی — اشکارا باید کردن که ان گناه خودرا مسلمانی می گفت.

۲— این قول که لعنت برتو وبرمسلمانی تو درصورتیکه مراد اولعنت براظ مسلمانی باشد.

۳— تمنا وارزوکردن کفر که شخصی بگوید کاشکی من کافر می بودم.

٤— توبیخ وسرزنش نمودن شخصیکه اسلام اورده باشد باینکه درکفرچه عیب بود ودر اسلام چه فایده که کفر را گذاشتی ومسلمان گشتی.

٥— گفتن این قول که روزگار کافری است نه روزگار ورزیدن مسلمانی. نوع پنجم درکلماتیکه نزدفقهاء کرام رحمهم الله تعالی اقراربکفر ازان ها ثابت میگردد بصریح یا کنائی.

۱— اقرار بکفر خود چنانچه کسی ازوی سوال کندکه کافری یا مسلمان وی درجواب بگوید که کافرم.

۲— گفتن این قول که کاشکی من یهود بودمی یا گبر بودمی

۳— تعلیم دادن وامرکردن شخصی زنی راکه مرتد شو. تازشوهرت خلاص گردی.

٤— گفتن این قول که کافر می شوم یا اینکه بت را سجده مکم واین صلح واین کار روا را نکم.

٥— گفتن این قول که فلان شخص ازمن کافر تر است.

٦— گفتن این قول که چنان دل تنگ گشته ام که میخواهم که کافر شوم نوع ششم دربیان تشبه بکفار که فقهاء کرام رحمهم الله تعالی انرا کفر گفته اند باید دانست که سبب کافر شدن بواسطه تشبه بکفار نیت است یعنی اگرکسی کاری رابکند ونیت او مشابهت کفار وخوب دانستن اعمال وافعال — کافری ایشان بوده باشد پس همان عمل او را بکفر میرساند وعلاوه بران بعضی اعمال است که شرع انور انرا از خواص کفر دانسته اگر شخص مسلمان انهارا شعار خود سازد کافر میگردد — اگرچه نیت کفر را نکرده باشد اول زنار بستن دوم استعمال کردن صلیب بطریق معهود دینی کفار وقشقه کشیدن مانند رسم کفار هنود. سوم کارهای کافری رابعد از دل تعریف وتوصیف کردن ورسومات کفر ایشان را خوب گفتن ونیا پسندانشتن وارزوی تشبه ان هارا نمودن نوع هفتم درکلمات که درشان قران عظیم گفته میشود ونزد فقهاء عظام رحمهم الله تعالی کفر است.

اول — بقصد انداختن قران عظیم درجائی باید که مراد استخفاف قران عظیم باشد یا نسبت بد بقران — عظیم نمودن وگفتن این قول که اکنون احکام وعلوم قران عظیم فائده ندارد قانون کفار کاملتر است نعوذ بالله منها.

دوم — بذکر واوراد وتلاوت قران عظیم تمسخر کردن که ازین چنین اعمال چه فائده حاصل میشود وبان هیچگونه گناه عفو نمیشود.

سوم — دروقت خوردن خمر یا کردن چیزی ازحرام قطعی مانند زنا وامثال ان (بسم الله) گفتن.

نوع هشتم درکلمات قلق وفجار که فقهاء کرام رحمهم الله تعالی ان هارا کفر گفته اند.

۱— ارزوکردن اینکه زنا یا قتل نفس بغیر حق حرام نمیشود وهم چنین ارزو کردن حلال بودن

هر چیزیکه در یاد بن از دین ها حلال نبوده است ·

٢ـ گفتن این قول من چه کرده ام که تا توبه کنم · در جواب کسیکه اورا بگوید در وقتیکه گناه یقینی را می کرد که این عمل گناه است ازان توبه باید کرد ·

٣ـ گفتن ظالمی را که ظلمش بخلق خدا اذیت بی موجب شرعی میرساند که این ظلم ترا دوست دارم ·

٤ـ گفتن این قول که حرام را از حلال دوستر دارم که حلال دانستن حرام قطعی وحرام دانستن حلال قطعی کفر است ·

٥ـ نثار کردن درم ها بر می خوار ومبارك باد گفتن بر می خواران وگفتن این قول که حرمت خمر بقران ثبت نشده است · (باقی دارد) ·

فتوحات اســـــــلام
(فتح بیت المقدس)
(٦)

در بین اینکه امیر المؤمنین به همراه باقی اصحاب رسول الله صلی الله علیه واله واصحابه وسلم در بالای ان چشمه' فرود امده بودند قومی از بنی جذام بخدمت شان امدند وعرض نمودند که یا امیر المومنین در نزدیك مایان مردی است که از برای او دو عیال است و هردو عیال او خواهر پدر ومادری اند امیر المومنین (رض) ازین گفته شان در غضب امد وفرمودند که ان مرد را به حضور من حاضر نمائید · چون ان مرد را حاضر اوردند امیرالمومنین از وی سوال کردند که ان دو عیال را چه کردی ان شخص گفت که عیال های من می باشند ·

امیر المومنین رضی الله تبارك وتعالی عنه پرسیدند که ایا بیکدیگر قرابت هم دارند ان مرد گفت اری خواهر یکدیگر میشوند ·

امیر المومنین رضی الله عنه ازوی پرسید که توچه دین داری ایا مسلمان نیستی · ان مرد گفت مسلمانم · امیر المومنین گفت ایا ندانستی که این فعل حرام است وخدای تبارك وتعالی جل شانه در کتاب کریم خود فرموده وان تجمعوا بین الاختین الا ماقد سلف ان مرد گفت که من ندانستم واین هرد و برمن حرام نیست ·

امیر المومنین (رض) ازین گفته او در غضب شده وفرمود که ای مرد دروغ گفتی والله قسم که یکی ازین دو برتو حرام است زود سبیل یکی ازین دورا خالی گردان ویکی را رها کن و الا در حال گردن ترا قطع میکنم ·

مرد گفت یا امیرالمؤمنین چرا برمن غضب میکنی · امیرالمومنین فرمود که قسم بخدا الله الذی لا اله الا الله که حکم خدای تبارك وتعالی جل جلاله این چنین است ·

ان مرد گفت که یا امیر المؤمنین این دین شما دینی است که مایان در او خیر قط ندیدیم ونه باین دین محتاج بودم که داخل شدم امیر المؤمنین رضی الله تبارك وتعالی عنه فرمودکه ای مرد بمن نزدیك ای چون نزدیك امد امیر المؤمنین محکم دره احتساب خود را بسر

او تزود اورد و فرمودند که تو از برای دین اسلام شامت پیدا میکنی وبد میگوئی وبد میدانی ای دشمن خدای تعالی ودشمن نفس خود این دین دینی است که خدای تبارک وتعالی ایــــن دین را برای ملائکه ورسل وبهترین مخلوقات خود اختیار کرده وای باد از برای تو زود یکی ازین دو عیال را رها کن والا ترا چنان دره احتساب زنم که ضعیف وسست گردی چنانکــه از خود خبر نباشی ·

ان مرد گفت یا امیر المومنین چه فعل کنم که هر دو را بسیار دوست دارم لیکن حالا قرعه می اندازم بنام هرکدام که برامد او از قرعه باشد ودیگر از برای من باشد ·

امیر المومنین رضی الله تبارک وتعالی عنه فرمودند که قرعه انداز وچون قرعه انداخــــت بنام یکی ازان دو عیال برامد یکی را نگاه داشت ودیگری را رها کرد ·

بعد ازان امیر المومنین رضی الله تبارک وتعالی عنه روی بطرف ان مرد اورد وگفت ای مرد گوش کن که هرکه بدین ما داخل شد وبعد رجوع کرد اورا بقتل می اوریم وبشنو اینکه تو از دین اسلام رجوع نکن وهشیار باشی که اگر بسمع من رسید که دو مرتبه بان خواهر زن خود که اورا رها کردی در ما بعد دخول کردی ترا رجم می نمائیم ·

واقدی رحمه الله تعالی علیه فرموده که بعد ازان امیر المومنین عمر رضی الله تبارک و تعالی عنه روی براه اورده ورفت تا اینکه به قبیله از بنی مرو رسیدند دیدند که ازان جملـــه قومی در افتاب ایستاده اند وعذابی شوند ·

امیر المومنین رضی الله تبارک وتعالی عنه از معذبان پرسیدند که چرا اینها را عذاب میکنید معذبان عرض نمودند که یا امیر المومنین در بالای اینها خراج باقی مانده ·

(باقی دارد)

شرط بندی یا دیوانه گی

(۳)

<u>از روزنامه شفق ·</u>

امن برای اینکه عملا بشما ثابت کنم تا چه درجه اینچیزهای که شما بانها علاقه دارید و در اینزنده گانی تمام هم خودرا برای بدست اوردن انها مصروف نموده اید در نظر من حقیر است از دو ملیون تومانی که شرط بسته بودم ومطابق قرارداد فردا ساعت ۱۲ باید بگیرم صرف نظــــر میکنم وبرای اینکه قانونا مستحق گرفتن این پول نباشم ومخالف قرارداد عمل کرده باشم پنج دقیقه قبل از مدت خاتمه حبس از محبس خارج خواهم شد) ·

وقتی صراف مکتوب فوق را تا اخر خواند انرا روی میز گذارد وپیشانی اوکا را بوسیده واورا در میان صدای گریه وضجه در اغوش کشید وپس ازانکه از اطاق اوکا بیرون امد بطرف منزلش ــ مراجعت نمود تلفیق فوق العاده محزون واند وهناک واز منتهای پستی ودنائت خود ش پشیمان ومتاثر بود · رفت در رختخوابش که بخوابد ولی خوابش نبرد وانشب را تا صبح در رنج وغصه وندامت از کاری کــــه کرده بود بسر برد ونزدیک طلوع فجر خوابش برد تا اینکه مستحفظ محبس اوکا بطور وحشت زنعره

او امد واورا پیدا کرده وگفت شخصی که در محبس بوده ازین‌بده محبس بیرون امده واز پا یخانه خارج شد و رفت — صراف با سایر نوکرهایش بطرف محبس اوکا رفته ودیدند اثری از او نیست وفرار کرده وبرای اینکه از گفتگو وحرف های مردم در موضوع شرط بندی او و دوملیون تومان خلاص باشد مکتوب اوکا را برداشته ونزد خود ضبط کرده که بموقع بمردم نشان دهد ۰ (انتها)

مطبع حبیب الاسلام

صفحه (۱) (جریده هفتگی حبیب الاسلام — سال اول شماره ۷) (نمره مسلسل ۷)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاسلام

اداره خانه — ده افغانان کابل — افغانستان — نمره تلفون
سر دبیر — سید محمد حسین
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارد مختار است
در هر هفته یکمرتبه صبح پنجشنبه نشر میشود
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ۰

قیمت سالانه — قیمت ششماهه
درداخل پنج افغانی — ۳ — افغانی
درخارج ۱۵ شلنگ — ۸ — شلنگ
یکشماره (۱۰) پول

(تاریخ قمری ۸ ذیقعده ۱۳٤۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۲۹ حمل ۱۳۰۸ هجری)

مداوله — گردش ۰ یا انقلاب
(۲)

این انقلاب در افغانستان تعجب انگیز ویکی ازان حوادث غیر مترقبه است که بعد از — چندین صد سالها بوقوع میاید — عقول بشری نه پیش بینی اثرا کرده میباشد ونه باندازه ان — موفق میاید انقلاتا مل کنید ۰ امان الله خان در شرق وغرب اعلان عظمت وحشمت خود نمود عالم واله وحیران گردید افغانستان بزیر ظلم وستم نالان بود ورعایا سرگردان بهزار زبان باس وخموشی میگفت که همین حال مقهوریت دینی ودنیوی شان هنوز سخت تر خواهد شد که ندای حافظ بگوش هوش امد ع مردی ازیرد بیرون اید وکاری بکند ۰

ان جوانمرد میرسد وبقوت وغلبه غیب دارالسلطنه رابه تحت خود میارد البته یک خصلت ممتاز یا یک سجیه دارد که پادشاه سابق نداشت ان چیست ۰ عزم فداکارانه — برای حصول این مطلب عالی که خادم دین رسول الله گردم بمقابله توپ وتفنگ وطیاره وبمب بکرات خویشتن را نشانه ساخت واز مرگ هیچ بیم نداشت ۰

حضرت صدیق اکبر (رض) چند نفر اصحاب خودرا بصوب پادشاه روس گسیل داد با مرسله بدین مضمون که انی ارسل لیکم رجالا یحبون الموت کما تحبون الحیات — من مردانی راسوی شما میفرستم که موت را انقدر دوست دارند که شما زندگانی را میخواهید یاموزخ کافر اقرار میکند

(والفضل مایشهد به الاعداء* بزرگی همانست که دشمنان گواهی بان بدهند) که این کلمات — صدیق رضی الله تعالی عنه چنین رعب وهیبتی به لقای رومیان وپادشاه شان انداخت که — از موجودیت یک لشکر بسیار جرار بیشتر بود حالا عزم فداکارانه امیر حبیب الله خان را که با همرکابانش درمیدان محاربه بمشاهده رسانید مقایسه کنید باامان الله خان ومصاحبانش که — کدامین قابل تحسین است •

بر شمشیریکه سرور دوعالم صلی الله علیه واله وسلم بابی دجانه انصاری رضی الله عنه — اعطاء فرمود این شعر کنده بود •

بالمن والاقبال مکرمت — بالجبن لاینجوالمرء من القتل باحسان وپیشقدمی عزت وحرمت بدست میاید یکدلی وترسناکی مرد ازقتل نجات نمی یابد یکخاندان مرونگیان در یورپ قدیم حکمرانی کرده است چون شاهان ان در صف کارزار می برامدند همیشه فاتح میشدند چون در قصر نشسته امر صادر کردند سلطنت شان زوال پذیرفت همین احوال سلاطین ترکیه ومغلیه بوده در هریکجا الافتح وشکست وعروج وزوال بهمین نقطه عزم فداکارانه وبرعکس ان دور خورده است •

خداوند جل وعلی میفرماید لن تنال البرحتی تنفقوا مما تحبون — خیر وخوبی را بدست — اورده نمیتوانید حتی چیزی رابخرچ نیارید که دوستش دارید چون ازجان عزیزتر چیزی نیست لهذا جانفشانی موجب مظفریت شده میتواند پادشاهیکه از خطر جان خودرا کشید لاجرم پادشاهی را — عدل
ازدست داد وشخصیکه جان خودرا درهلاک نهاد برتبه پادشاهی رسید علوانعالی راهمین حتمیقی است ع بقدر الکد تکتسب المعالی — رتبه های بلند بقدر رنج ومحنت اکتساب میشود چون ازجان دادن سخت تر مصیبتی نیست لا محاله از اجر ان هم بلند ترچیزی نباشد •

حکایت بابر پادشاه است که چون پسرش همایون بمرض عجیبی مبتلا شد واطبا ازمعالجه مایوس شدند حکیمی تجویز کرد که عزیز ترین اشیا برو نثار شود تا شفا حاصل اید — بابر گفت که ازجان عزیزتر چیزی ندارم لهذا سه بار بدور بسترش گشته گفت که جان خودرا نثار کردم — میگویند که بعد ازین همایون تندرست وبابر بیمار شده رفت تا از دنیا رخت بربست اما — ازاینگونه فداکاریهایش وبرکات ان بود که از اولادش شاهان عظیم الشان سه ونیمصد سال بر هندوستان وافغانستان سلطنت نمودند درافغانستان باید دلی وهراس پادشاه ریا وظاهر — داري نیز منظم شد — امان الله خان از سالها دعوی عزم بالجزم وفداکاری وجان نثاری نمود که من برابر کوها عزم دارم عاشق ملتم وبران خودرا فدا میکنم وقطره اخری خون خود را در خدمت ان میریزانم — حسب ادعایش ملت اورا شجاع خیر خواه وجان نثار می پنداشت واز — وعده هایش بازی خورده خودرا قربان او میساخت اما این ملمع وریاکاری همیشه پایداری نمی توانست — یحق الله الحق بکلماته — خدای تعالی بکلمات خود حقیقت را اشکار میسازد — یک ولایت یا یک حکومت اعلائی بلکه یک جزوي از یک حکومت کلان برخاست وباوجود یکه مهلت امادگی یک ماهش داد تا بمقاومت ان نیاورده نه تنها خودرا مخلوم بلکه مفرور گردانید — پادشاهیکه

از احساس خطرهٔ اول عائلهٔ خودرا کشیده محفوظ بدیگر جای ببرد گویا عائلهٔ های ملت را در خوف وخطر بگذارد سپس خود از تاج وتخت دست بردار شده رو بگریز نهد آیا مطابق دعوی خود حفاظت ملت وپیمان وفا کرده است ۰ وقتیکه خود شرپادشاهی را باختیار خود ترک کند وازین قصد ش رعایا وعساکر ومامورینش آگاه آگاه گردند که نیمروزه را درموتر بیمود بخود را دور نموده باشد اطاعت وبیعت او از روی کلام آئین وشریعت باقی میماند بلکه غیرت — عزت نفس وخود داری برعلیه تقاضا می نماید [illegible] د کافر گل په شان گازه سوی — چه را سبزی روز به نیمهٔ تیروی نه — اگر معشوق آفتاب پرست است عاشق غیور خودرا آفتاب قرار — میدهد دیگر شاعر افغان همین مضمونی می سراید که در فارسی نیز موجود است ۰ ع برسر زلف تو نباشد بر سر زلف دیگری ۰

بانی مقدس اسلام علیه الصلواة والسلام کسیرا جانشین خود نمیسازد بلکه باجماع امت امر خلافت را می سپارد حضرت عمر رضی الله عنه درحالت زخم ونزع سفارش مینماید که پسرش را در مجلس انتخاب خلیفه داخل کنند اما خود اورا بخلافت نگمارند زیرا عیالش را بی سبب طلاق داده مورد عتاب حضرت رسالتماب (ص) گردیده بود — بدین حدیث شریف الطلاق ابغض الاشیاء عند الله از طلاق هیچ چیز زیاد تر موجب قهر خداوندی نمیشود — چون طلاق اینقدر مبغوض بارگاه الهی باشد که حضرت فاروق که در حقش [illegible] جناب خاتم النبیین فرموده — لوکان نبیاً بعدی لکان عمر — اگر بعد من نبی می بود آن عمر (رض) می بود — فرزند خود را بسبب طلاق از خلافت محروم سازد پس پادشاهیکه طلاق را بیوجه روا داشت چسان حق پادشاهی داشته باشد نتیجهٔ اینگونه تجاوزات دینی بود که خود مجبورا ومقهورا از — سلطنت علیحده شد ۰

باز بدون مشورت با وزرا وارکین دولت وملت برادرش عنایت الله خانرا بعوض خود — گماشت حالانکه از روی شریعت وطریقت خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین رضوان الله علیهم اجمعین این حق را نداشت واو نیز با عائله خود راه فرار پیش گرفته رعایارا — بحال خود شان واگذاشت بالاخر اطاعتی که برما واجب ماند — استحقاق بیعت را بعد ازین خلع وفرار کدام پادشاه بیشتر دارد ۰ همونکه علاوه بر برهان الحق لمن غلب تائید باطنی ربانی دارد واگر سرکشی از و ورزیده شود بجز اینکه خون مسلمان بریزد وشماتت اعدای دین شود دیگری سودی نخواهد بخشید در ملوات اسلامی وعقل حق مفاخرت و — مباهات قومی گنجایش [illegible] ندارد یا ایها الناس انا خلقنکم من ذکر وانثی وجعلنکم شعوبا وقبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقکم — خدای تعالی میفرماید که ای مردم شمارا ازنر و ماده آفریدیم وطائفه طائفه وقبیله قبیله گردانیدیم تاکه از همدیگر شناخته شوید اما بزرگ و معزز شما نزد خدا انست که از خدا از همه زیاد تر بترسد درینصورت لازم است که سر تسلیم پیش پادشاه شجاع وبطل را میر حبیب الله خان خم کرده خراج معاونت ومتابعت باعیان دولتش ادا شود تامزید بران خانهجنگی واختلال داخلی ملک وملت را برباد نهد — از محاربات

نیابین خوطا جرم ضعف وکمزوری منتج وواقع میشود مخاصمان خارجی پلنگ وار مترصد این مواقع نشسته اند وترحم ندارند برجمعیتیکه از تمام شدن سامان حرب مانند گوشند عاجز گردد الان قوت وسطوت ما منحصر در اتفاق واتحاد است وبر کزان اطاعت وعقیدت بحضور پادشاه است که سلطنت را خدای مليك ومقتدر باعزت كرامت فرموده ـ قل اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير ـ انك على كل شيء قدير ـ بگو که ای بارخدایا مالك ملك هستی ـ ملك را می بخشی بهرکسیکه میخواهی وملك را ـ می ستانی از هر که میخواهی عزت میدهی هرکرا میخواهی وذلت میدهی هرکرا که میخواهی ـ بدست تست همه خیر وخوبی وبتحقیق بر هر چیز قادری ·

خبر های افغانستـــــان
از خارج

ترجمه اخبار تائمز لندن) مارچ ۱۲ ـ مطابق غره شوال المکرم ·

مجادله افغان
(تحرکات شاه امان الله)

این تجاهل عارفانه است یا بلندن خبر تازه صحیح نرسیده که امان الله خان را هنوز شاه میخوانند اولا سمت مشرقی در مذاکرات خود فیصله قطعی نمود که امان الله خان بهیچ وجه پادشاه قبول کرده نمیتوانیم سپس از طرف سمت شمالی حرکت عمومی ملت بمقابله او شروع شد علمای کرام ومشائخ وخوانین قوم ممتاز واهالی قندهار متحدا امیر حبیب الله خان را پادشاه خود منتخب کرده آغاز بمحاربه نمودند که یکنیم ماه دوام کرد بعد ازین مدت خود امان الله خان بحقیقت امور پی برده که در تمام مملکت کسی اورا بامارت قبول ندارد ـ خودرا مخلوع ساخت و برای اثبات این اعلان خلع تحریر خودرا گذاشت وخودش مفرور گشت · پس با نامش نسبت شاه از طرف اخبار انگریزی است نه از جانب حبیب الاسلام) ·

آمادگی های شاه امان الله در قندهار جاریست افواه سوق عسکر سوی کابل غیر صحیح است (درین شماره بیعت نامه اهالی کلات درج شده ازان ظاهر میگردد که نفوذ امیر حبیب الله خان از غزنی ومقر گذشته تا کلات فائز گشته · پس حرکت عسکر از قندهار بجانب کابل فاصل های صعب وحائل های دشوار کار دارد اولا توقع میرود کمسلمانهای متدین افغانستان ضرور ومنفعت ـ اتحاد را دانسته ازخانه جنگی مزید پرهیز خواهند کرد که دران هزارها مسلمان از طرفیـــن ضائع خواهد شد وسامان حرب عبث خواهد رفت ازین جهت که مسلمان کشی بته داد هزارها واقع نشود وعلاوتا تلفات مالی وارد نگردد فقط یکچاره است که بحکومت حاضره امیر حبیب الله خان ـ تمام اهالی افغانستان دست بیعت وطاعت بدهند بصدق وفا خدمت دولت وبراستی وحسنات مابین خود معاملات بنمایند (ح ـ ا)

· · · · · ·

اخبار طلوع افغان قندهار مورخه ۲ مارچ مطابق ۲۰ رمضان مشعر است :

یك شنبه ۲٤ فروری (۱٤ رمضان المبارك) بحضور اهالی قندهار مشتمل بر سادات وعلماء

خرقهٔ مقدسه پیغمبر(ص) از زیارت گاه ان براورده بانظار عموم جلوه داده شد ــ اگر این مقصد بود که امداد روحانی سرور دوعالم بیمن خرقهٔ مبارکه بطرف قندهار شامل شود تا بمقابل کابل صرف گردد این گمان همان تفرقه وموجب کشت وخون است که در فوق مذکور شد والبته انحضرت (ص) گاهی خوشنود نمی شود که درمیان امت جدال و قتال جاري گردد ومنجر به ضعف اسلام وغلبهٔ کفرشود . ان اکرمکم عند الله اتقکم ــ نزدیک خدا همان شخص بسیار عزت و کرامت دارد که ازهمه زیاد ازو تعالی می ترسد ــ اهالی کابل وسمت شمالی ودیگر سمت ها ــ بدون قندهار نیز پیروان دین محمدی (ص) فقو انه ورح وروان واب وام خودرا بصاحب(ص) خرقه قربان میکنند ــ پس این زعم چگونه معقول میشود که قندهار برعلیه کابل از خرقــهٔ مبارکه مدد جوید ــ ما امید ودعا میکنیم که این سؤ تفاهم رفع شده اهالی قندهار براي ــ حصول رضامندی نبوی (ص) باسکنهٔ کابل ونواح ان متفق شوند واز وعید الهکم التکاثر حتی زرتم المقابر ــ اندیشیده نظر به صلوات ومواخات اسلامی بشخص اولیکه در انتخاب امارت سبقت حاصل کرده است وبعد از خلع امان الله خان ازطرف علما وخوانین ومجاهدین پادشاه مقرر ــ گردیده است یعنی بامیر حبیب الله خان دست بیعت دراز کنند وازمنافرت وتکاثر گول ــ نخورده بشاهان سابق ومقابر شان رجوع نمایند بلکه ازنقد وقت استفاده کرده باصلاح حال بپردازند که خیر استقبال درینست (ح ق) .

.....

از روي یک اطلاع شاه امان الله تعهد کرده بود که من قندهار را گذاشته به هرات میروم لیکن اهالی قندهار تمنا نمودند که در قندهار بماند ــ بعد از جلوه افروزي خرقهٔ مبارکه شاه امان الله قسم خورد که بقوانین شرعیه پابند خواهم شد ــ از علما وملک هاي قبایل وعده هاي معاونت حاصل کرد هندوهاي شهر ادعا نمودند که بمنازل راه کابل از ــ قندهار عساکر را اذوقه ومایحتاج بهم خواهند رسانید .

علامات اینست که مجادله براي استرداد سلطنت سابق افغان بعد از رمضان ــ شروع خواهد شد چون برفها اب گردد کوچی هاي افغان از هندوستان درفراهم امدن ــ تعجیل ورزیده اند بعضی درکارخانه هاي اسلحه امدوشد دارند از روي یک اطلاع غلزائی ها باهم حلفا قرارداده اند که در اثناي اختلال حاضر کل قوم خود را علیحده صیانت نمایند ــ تعبیهٔ این اغاز یافته است اما تحریک سست شده است وجود سلطنت افغانی با ولایات ــ حکومتی ها وعلاقه هاي ان باختتام رسیده است خوانین وملک ها براهالی حکمرانی دارند اگر باز انها براي اتحاد کل ملک بسعی مائل شوند اگر گاهی مائل شوند مثل درین اتحاد ثانی بکار خواهد شد (البته بعد از کرد شر پادشاهی اینچنین تشتت عارضی رخ مینماید اما حقیقت اینست که افغانستان و سلطنت ان وجود وحیات دارد چنانچه از ــ بیعت نامه هاي متواتر که از هر طرف وکف ملک میرسد ثابت است که قلب مملکت حرکت

صحیح و سالم داشته تمام اعضا و جوارح باز بجرائین روآورده ایجاب مینمایند وملت وملك افغانستان زنده وازاد ومستقل است وعنقریب بتمام وکمال تابع تخت امیر حبیب الله خان شده قدم بترقیات اسلامی بسرعت بیشر از پیشر خواهد نهاد (ح — ۱)

مارچ ۱٤ مطابق ۲ شوال ·

اختلال سلطنت افغانستان
پشاور مارچ ۱۳ مطابق غره شوال

روش قبائل

مطابق اطلاعیکه سلفران کابل براه خوست یا جلال اباد اوردند وکم شان بکامیابی بمنزل مقصود واصل شدند بیان میشود که بیرون بلاد مشهور هیچ قاعده یا اداره قایم نیست، یا نشان نظم ونسق کم است کسانیکه مال واسباب ندارند بدون انعاد نقل وحرکت کرده — میتوانند وانهائیکه امتعه دارند تادیه نقد برای بدرقه حفاظت برایشان لازم است بعرض — موضع منازعات پیدا میشود که مستحق این نقد کیست — یك قافله کوچك در خوست متواتر معطل کرده شد بوین شبهیکه برای امیر صاحب کابل پول می برد — مردم این قبائل گفتند که انها — بامداد امان الله شاه ایستاده اند چه او در قندهار است وان از روی سلفه د ورترین — است وهیچ غرض با امیر حبیب الله خان در کابل ندارند چه اغلب است که او دو باره ازادی جدید شان بسبب نزدیکی اول نزاع کند درین اثنا انها از ازادی خود استفاده زیاد تری مینمایند ودلیل خاص نمی بیند که چرا بطرف داری کسی گرایند ·

غالبا صحیح است که قبائل افغانستان مدافعت خود شان را ترتیب داده اند واز اقتدار یك حکومت مرکزی که از حد زیاد اضافه ستانی میکرد خودرا خلاص کرده اند وبیادرت نخواهند ورزید که باد دیگر حکومت را قائم سازند — تا این وقت اقلا درین باره هیچ علامت کدام تحریك عمومی نیست (مسلمانان از روی دین خود مامور ومجبور بیك حکومت مرکزی میباشند واز پراگندگی وتنازع نهی وممانعت یافته اند حکومت مرکزی جدید درکابل اکثر قبائل را باخود ملصق وملحق ساخته است وخود شان برضا ورغبت مربوط وتابع شده میروند زیرا علاوه بر تاکیدات اسلامی که بیك پادشاه مجاهد مسلمان بیعت وطاعت کنند این راهم می بینند که حالا اضافه ستانی نمانده همه امور بصورت وطنی که بحترین شکل است اجرا می یابند مالیات از روی شریعت گرفته میشود که تخفیف بیشتر از خمس است ونیز در محصولات گمرك وبلدیه بقرار اعلانات رسمی همان قسم تقلیل بروی کار امده باین دلایل مالی وبادی نیز قبائل وطوائف همه مائل باتحاد و تمرکز شده اند — (ح — ۱)

· · · · ·

یك مجلس امروز در پشاور منعقد شد تا عبدالغفار خان ومیان جعفر شاه راکه فو کلان

شونده محلی اند متابعت نماید وان ها اراده دارند که با اصرار راه قندهار گیرند وخدمات خود را بشاه امان الله خان تقدیم نمایند .

(۷) چون حکومت هند بارها در امورات داخلی افغانستان بیطرفی خودرا اظهار داشته اند چگونه اشخاص مذکور از بنادر هندیه در قندهار داخل شده خواهند توانست.

از بیخبری وکوتاه بینی اهالی پشاوراست که این چنین اقدامات بیجا بلکه مضر و مهلک مینمایند انها از هم روی اخوت اسلامی با افغانستان معاونت میکنند وباید لحاظ اشخاص هیچ داشته نباشند که پادشاه امان اللهخان باشد یا امیر حبیب اللهخان به مسلمانان همین قدر تفکر لازم است که بهتری واعلای اسلام درکدام صورت است .

درعهد امان الله خان غوغا ازهند برخواست که اوهم مثل دیگر شاهان ملوث برسم و رواج کفر گشته است اکثر جرائد هندی مرقوم داشتند که ازمی تهذیب یورپ همه مخمور گردیدند الا شاه حجاز چون همین تشبیه باافکار ملت افغانستان را از امان الله خان بیزار ساخت و قبلا از فلتهای اوبجان رسیده بودند که درعدم ممانعت رشوت ستانی وحرام خوری مداومت ورزیده میرفت بروی او کمر مخالفت ومجاهدت بر بستند تا خودش مخلوع شده دارالسلطنت را بلوث وغلبه [illegible] حقانی به امیر حبیب اللهخان سپرد حالا مسلمانان پشاور اگرقصد سلم اسلامی دارند باید باامیر حبیب اللهخان موافقت ورزند تا بزیر سایه او مسلمانان اسودگی وترقی نمایند نه که باامان اللهخان معاونت نموده باعث تشویش وترغیب مقاتله بین مسلمانان گردند انها باید خیر کل را طلبیده جزو را رعایت ننمایند ـ ح ـ ۹ .

. . . . .

شش فراری جرمنی که ازکابل بچاره چنار بد وشنبه رسیدند همه سامان ورخت وکاغذات خودرا ضائع کردند زیرا مطالبات حریصانه شدید هر قبیله را براورده نتوانستند برای بؤقف بدرقه اجوره خواستند ولو حق ان قبیله اقل بود ـ نسبت بجانهای شان جیب فراری ها بیشتر درخطر بود تجربه شان را بسیار ناگوار بیان میکردند .

(۱) این جرمن ها اولا بطرف قندهار گریخته بودند چون در سفر انسو موفقیت نشده براه سمت جنوبی اقدام کردند مطلب شان ازسمت خود شان بیشرامد زیرا پاسپورت ازحکومت کابل نگرفته بودند وذمه وار حفاظت شان حکومت نبود بلکه بذمه شان حقوق حکومت بود ـ لایحیق المکر السیئ الا باهله مکر بد بصاحبان بربادی میارد ازقرار معلوماتیکه مخبر اداره مان بدست اورده بعد از واپس وارد شدن همروزه چند نفر جرمنی ها از راه قندهار بکابل سفیر دولت علیه المان بواسطه اینکه اشخاص مذکور مسئولیت بحکومت افغانستان داشتند و بدون اداء ان فرار نمودند وتادر بقرار نشده واپس امدند بوزارت خارجه پیشنهاد نمود که حکومت [illegible] المان ضامن ایشان میشود اگربرای شان ویزا داده شود که بروند ودرهر

وتت حکومت موجوده انهارا بخواهد حکومت المان انهارا واپس روانه میدارند وزارت — خارجیه بلحاظ سفیر المان انهارا خیال ویزه نمودن را داشت که مکررا اشخاص مذکور از — راه سمت جنوبی بدون ویزه فرار نمودند . ج — ۱

. . . . . .

اطاعت اولی الامـــــر

(۲)

حضرت ابوهریره (رض) فرموده است که ازان حضرت علیه الصلوات والسلام شنیدم که می فرمودند :

((من خرج من الطاعة فقد فمات مات میته جاهلیه ومن قاتل تحت رایه عمیه یغضب لعصبیته فقتل فقتله جاهلیه ومن خرج علی امتی بسیفه یضرب برها وفاجرها ولایتحاشی من مومنها ولا یفی لذی عهد عهده فلیس منی ولست منهم)) .

یعنـــــی : کسیکه از اطاعت پادشاه خارج گشت ودران حالت مرد مرگ او مرگ جاهلیت است که احکام مسلمانی بروی جاری نمیگردد وکسیکه زیر بیرق نامعلوم (یعنی بیرقیکه حقیت وحقیقت ان معلوم نباشد) مقاتله کند وبرای تعصب قومی بغضب شده مقتول گردد قتل اونیز بقسم جاهلیت است وشخصیکه بر امت من شمشیر خودرا کشیده نیکوکار وبدکاران رایکسان بزند واز مومن امت من کارهجوئی نه نماید ویا صاحب عهده وفای عهد ننماید پس این چنین اشخاص نه ازمن اند ونه من از ایشانم) .

هرگاه بنظر بصیرت این اوامر سنیه واین ارشادات نافعه که درین حدیث شریف حضرت فخر النبیین ورود یافته استدیده وملاحظه شود پر ظاهر میگردد که اصول اصلاحات کلیه دران — مندرج بوده اجمال اوامر ان بقرار ذیل است :

۱ — مرگ اشخاص باغی مرگ جاهلیت است .

۲ — کسانیکه برای امر نامعلوم وخیال خامی با پادشاه زمان مقاتله کنند زیر بیرق فساد وفتنه اجتماع نمایند وکشته شوند کشته انان ازجاهلیت است نه شهادت .

۳ — کسانیکه بسبب تعصبات قومی ود شمنیها وکینه های داخلی بغضب امده یکدیگر خودرا میکشند وبرخلاف اوامر پادشاه درین خونها اقساد وتشبث مینمایند قتل انان ازجاهلیت است نه شهادت .

٤ — کسیکه بکشت وخون راغب میگردد ونیکو وبد مسلمانان رایکسان می کشد ووفای عهد نداشته باشد این همه امور موجب عدم رضاء وبیزاری حضرت پیغمبر (ص) سید البشر است که از — حضرت فیاض مطلق نجات قوم واولاد ووطن خودرا ازان خواستگاریم . امین . (باقی دارد) .

بیعت های ولایات و ملحقات ان (۲)

(بیعت نامه اقوام توخی وهوتکی قلات)

۲۸ رمضان المبارك

الحمد الله الذي خلق الموت والحیات لیبلوکم ایکم احسن عملا والذي هدانا بواسطه نبینا بقران عظیم علی قول ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین .

اما بعد بر ضمایر کافه ما اهالی اقوام توخی وهوتکی علاقه قلات مخفی مباد — قبلا — با جمیع اهالی ذکور سکنه قلات دست بیعت امارتحقه السلطنت را بعد از سیاسیات امر شرع شریف فرا با امیر امان اللهخان بقرار شرطیکه از امورات شرعی تخلف نکند داده بودیم چون موصوف شرطیکه اطاعت اوبمراسم شرعی برما بان لازم باشد اجابت نکرده تا اینکه عملیات او انچه است بخلاف احکام قران وروبه دین مبین حضرت سید المرسلین ملاحظه شد وبدعات ونواقصات ارکه بخلاف شرع محمدی است به کل افغانستان هویدا است که رویه وعقیده وکردارات وعملیات و — اختراع بدعت امان الله خان جاري وظاهر است ازان روکه عالیجاه نیاز محمد خان برگد ملکی ونظامی حاکم قلات ومحمد اکبر کدکمشر که از حضور مبارك بعده فرمان ها واعلان ها از طرز — سلطنت موجوده ونشر اعلان ها وغیره ابراز بیانات نموده همه ما اهالی ملاحظه کردیم که همه دانسته بشرایط شرع شریف است متحضر شدیم لهذا امیر امان اللهخان راکه بانی فساد ومغایر دین پاك ومرتکب افعال نامشروع وعقیده ما نرخرا ب که کفر اورا ثابت مینماید ملاحظه نمودیم چون الزام اطاعت اوشرعا ازذمه ما اهالی زمره ما مسلمین ساقط شده بناء علیه فسخ بیعت امارت سابقه خود هارا ما زمره اسلامی ازاو موقوف امارت خود ها کردیم وبیعت تازه صحیحه جدیده بقرار امر خداوند عالم وهدایت رسول اکرم وصحابه معظم خادم دین رسول الله (ص) با امیر حبیب اللهخان که شخص صادق خدمت گار ملت وپیرو دین پاك محمدی وباوصاف حمیده واخلاق حسنه وشجاع وغیور ورعیتنواز بود نمودیم وان خادم دین رسول الله (ص) را برضا ورغبت خود ها بامارت سلطنت کابل بسر وجان ومال قبول داریم که امورات امارت راطبق احکام الهی وسیاسیات اورا بر وفق سیاسیات شرعی اجرا میدارد وما اهالی اسلامی از خداوند بار تعالی درخواست توفیق سعادت رابامورات امارت ورعیت پروری وانصاف و — عدالت اورا مسئلت داریم کهالهی التابعمر واقبال واستقلال سلطنتش دراوج ودریای حشمت وجلالش موج درموج باد بنون وصاد مبارکباد سلطنت افغانستان بر خادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان باقی مباد هرکه نخواهد بقاء شاه . امظاءات :

میرزاگل محمد هوتکی — میرزاقلقد نظر محمدهوتکی — سید احمد توخی — سیف اللهخان توخی — حاجی تاجو اندری — عصمت اللهتوخی — محمدشریفت وخی — حاجی عبد المجید — حاجی عبد الحی — خیرمحمد خان هوتکی — کنقل خان — خیرمحمد اخند زاده — ملا بازمحمد — ملا برهان الدین — ملا محمد ملاخدای نظر — سید علیجان — ملا مولاداد — ملا اغا محمد — علی محمد — صالح محمد —

کاکر خان توخی ـ و امیرمحمد خان ـ صاحبخان ـ محمد نبی ـ عزیزالله خان ـ عبد القیوم ـ گل محمد محمدرحیم ـ محمد نوابخان ـ لعل محمد ـ ملانقیب الله ـ ملاخیرمحمد ـ ملا امیرمحمد ـ سید غلام خان ـ ملا زها بالدین ـ ملا میر ملنگ ـ خالقداد ـ ملا فیروزخان ـ ونورمحمد توخی ها) اسامی ونشان شصت ۷۸ نفر دیگر .

بیعت نامه قریه اوز بین و سرویی

بحضور عدالت ظهورامیر صاحب عرض میشود که :

این بندگان الله ملک محمدقایم خان ـ ملک صالح محمد خان بیعت نامه قریه سرویی و ازبین قوم حسین خیل ومحرعلی خیل را بحضور مبارک اورده ام که تقدیم مبارک شود امید است امر فرمایند که تسلیم کم سلطنت افغانستان را خداوند تعالی جل شانه بوجود امیر صاحب ـ مبارک گرداند مایان رعایا وملکان شکرخدا بجا میاوریم که برای ما مسلمانان شمارا پادشاه ـ گردانیده خداوند مایان راهم توفیق رفتار رعیتی بدهد که خدمت پادشاه خودرا بصداقت و ـ راستی نمائیم . امضاء ها :

ملک صالح محمد ملک محمدقایم خان ـ ملاحبیب الله اخندزاده ـ گل احمد خان ـ عبد اللطخان ـ عبدالحنان ـ مسجدی خان ـ جلاد خان (امضای باقی ٦٤ نفر دیگر)

بیعت نامه تیزین و بابکر خیل

٦ رمضان .

الحمد الله علی دین الاسلام وطوا توسلام علی رسول محمد واله واصحابه اجمعین .
اما بعد بحضور مرحمت ظهورحقائق اگاه مهربان پادشاه مسلمین امیر صاحب غازی حبیب الله خان عرض ما مردم علما وخوانین وملکان ورعایا تیزین قوم بابکرخیل بحضور صاحب چنان است که الحمد الله والمنه که چنین پادشاه بیدار یادیانت مهربان رابرما مردم مسلمانان ـ عطا کرده وجلوس میمنت مانوس سلطنت افغانستان را بوجود مبارک شان نیک ومبارک گردانده و ما مردم را بامر ایه کریمه که اطیعه واللهواطیعه والرسول والوالامر منکم توفیق اطاعت وخدمت و گذاری نصیب کند واورا برمایان رعایا وخدمت گذاران شفیق ومهربان گرداند فقط امین یارب العالمین تحریر ٦ رمضان المبارک ۱۳٤۷ شکرالحمد الله که تاریکی کفررا از ما مردم دورکرده افتاب اسلام رابرای ما مردم درخشان گردانید . امضاء ها توپواهیر :

محمد سلیمان ـ عبد الحمید ـ احمد جان ـ عبد المومن ـ عبد الغفار ـ عبد الرحمن حبیب الله ـ محمدصدیق ـ عبد الله ـ غلام سرور ـ عبد الخالق ـ رحمت الله خان ـ شیراحمد ـ عبد الغیاث ـ جمعه خان ـ محمدعمر . (باقی نشان انگشت ۲٤ نفر دیگر)

بیعت نامهٔ سروبی وباد پش وغیره

<u>۹ رمضان</u>

بیعت‌نمودم سروبی وباد پش وازبین وادریم خیل وغیره توابع‌ان بمعرفت امیرمحمد خان بحضور انور والا امیر صاحب‌حبیب‌اللهخان خادم دین رسول‌الله تقدیم نمودیم کمسلمانست الغانستان را بذات شاهانه تبارک وتشکری نمائیم که زمان دولت درخشان وتابان بسلد نقط تحریر مورخه ۹ رمظان‌المبارک ۱۳۴۷ ۰ امضاء ات ومواهیر :

محمد شریف — ملامحمدکریم — عبد اللهخان — نورمحمد — محمدعیسی خان — عبد الکریم — علی محمد — فیض محمد — ملا دین محمد — عبد الواب — نشان‌انگشت‌ومهر ۴۸۰ نفر دیگر ۰

مسایـــــل دینـــــی

(۷)

ششم — گفتن این‌قول‌که هرکه‌شراب‌نخورد یازنا نکند مسلمان نیست ۰

۷ — مد تعکردن‌حرام‌قطعی بامید وار بودن ثواب ان ۰

۸— گفتن این‌قول‌که هرکه نماز کند کار را برخود دراز کند یا اینکه خدای‌تعالی‌مال مرا نقصان کرده است‌من ازحق‌اوتعالی نقصان‌میکم ونمازنمیگذارم وروزه نمیدارم ۰

۹ — این‌قول‌که نمازنمیگذارم بطریق انکار اگر معنایش منکرشدن از نماز باشد درجواب کیکه اورا گفته باشد که نمازرا ادا کن ۰

۱۰— دشنام دادن ایمان یا دین یا مذهب‌که مراد اودین ومذهب‌اسلام باشد یا قبر یا دل یا روح یا زبان یا دهان‌مسلمان‌وهم چنین‌دشنام دادن پیر ومرشد وغیره که انسان را تا دائستهبکفر میرساند والفاظ کفر بسیار است‌درین اوراق برای‌اختصار برین قدر — اکتفا نموده شد زیرا که از ذکر همین الفاظ‌امثال ان معلوم میشود ۰

نوع‌نهم استخفاف‌علم وعلما

استخفاف‌ایشان نزد علماء عظام رحمهم الله تعالی درچند لفظ کفر است ۰

۱— دربغض‌عالم سبب‌علم‌دین بغیر سبب ظاهر خوف کفر است ۰

۲— درین قول‌هر شخص‌صالح رابسبب‌صلاحیت‌او کهدیدار وی به نزدمن چنان است‌چون دیدار (خوك) خوف کفر است ۰

۳— نشستن کسی درجائی وازوی بطریق‌استهزا پرسیدن مسئله های‌دین را واو باستهزاء جواب‌گفتن وهمه شان‌خندیدن ۰

۴ — استهزا کردن‌برعمل‌کسیکه بروت‌خودرا بطریق سنت کوتا کرده باشد ودستارخودرا موافق سنت بسته باشد ۰

٥- گفتن این قول که از گلا گشت امده هرکسی راکه از مجلس علم دین امده باشد .
٦- این قول که مرا با مجلس علم دین چه کار .
٧ - بطریق کبر وغرور گفتن این قول که کدام کس قدرت دارد بر ادا کردن انچه علما دین - میگویند از کتب دین .
٨- در زمین انداختن نوشته فتوا شرعی بسبب استخفاف وگفتن این قول که چه شرع است این .
٩- این قول که درم باید علم دین بچه کار اید - یا اینکه اینها که می اموزند داستانهاست یا بد است یا تزویر است یا اینکه من علم حیل شرعی را منکرم .
١٠- خواندن قران شریف بضرب دف وضرب نی ودیگر اسباب لهو به نیت استخفاف واستهزاء

نوع دهم

در کلمات کفر که تعلق بمرض ومردن وقیامت دارد وان چند کلمه است نزد فقها رحمهم الله :
١- گفتن این قول که ده دیگر بمن ده وبان جهان باز خواه اورا بازده هم درجواب کسیکه اوراگفته باشد که درم های دین مرا در دنیا بده که در قیامت درم ها نیست .
٢- این قول که مرا با محشر چه کار . یا اینکه ازقیامت نمی ترسم .
٤ - گفتن این قول باستهزاء و سخریه زاهد یراکه بنشین کمترعبادت کن تا ازبهشت بیرون نیفتی .
٥- این قول که نقد رابه نسیه نگذارم درجواب کسیکه اورا گفته باشد کهدنیا را ترک کن تا اخرت را بگیری .

نوع یازدهم

در کلمات کفر که با کابر گفته میشود وان نزد فقهای عظم رحمهم الله درچند کلمه است .
١- اینکه شخصی درجواب عطسه پادشاه یرحمك الله گوید ودیگری گوید که پادشاه را این چنین لفظ گفتن روانیست ومراد او این باشد که درجواب عطسه پادشاه لفظ مسلون کفایتفدارد - نعوذ بالله .
٢- خلاف شرع را عدل گفتن .
٣- این قول که ای خدا وای پروردگار هریکی از اکابر را .
٤ - سجده کردن بغیر الله تعالی .
٥- فرمان پادشاه را قضا جریان وحکم اورا تقدیر گفتن بدون تاویل (باید دانست) که زبان از اعضای انسان عضوی است که جسم ان خورد وگناه ان بزرگ است که درحال شدت وتیزی غضب یا شهوت کلماتیکه مسلمان بان کافر میشود از زبان می براید - لهذا مسلمان را لازم است که با حتیاط بسیار زبان را بحرکت بیاورد وازدشنام وبی باکی احتراز واجتناب

تام بنماید وعلاوه بران این را باید فهمید که بگفتن یا الفاظ از الفاظ مذکور فوق زن قد — دشنام دهنده بروی طلاق می گردد واگر تجدید ایمان نکند وتجدید نکاح نیز نکند اگــــر بزن خود نزدیك شود زنا می باشد وهر ولدی که ازایشان حاصل میشود حرامی است پـــس بنابرین به نهایت احتیاط زبان را حرکت دادن لازم هر مسلمان است چنانچه شاعر میگوید :

نیست در عالم ایجاد بجز تیغ زبان
بیگناهی کمسزاوار بحسب ابداست

واز بعضی الفاظ نامشروع است که کفران ها لازم نمی شود ودر شرع شریف ان ها تعزیر— لازم می ـ ـد مانند دشنام دادن مسلمانان را بغیر حق بزن ومادر وخواهر وغیره پس از اجتناب از امسال ان نیز لازم است وانچه فقهای کرام رحمهم الله تعالی از الفاظ وکلمات کفر را بیان کرد وبعضی انها که باتفاق همه ایشان کفر است درین رساله اورده شد همه از همین قبیل است که تجدید توبه وبعد ازان تجدید نکاح را لازم میکند امادر باب — اینکه در بعضی انها قتل گوینده لازم میشود یانه وتوبه ان در بارهٔ قتل قبول میشود یانه پس تفصیل انرا از کتاب فق فقة شریف طلب باید نمود الله تعالی وتقدس به فضل ومرحمت خود جمیع افعال واقوال ما عاجزان را موجب رضای حضرت خویش و بر خلاف نفس بد اند یشا داشته ودارد — امین یارب العلمین ۰ (باقی دارد)

فتوحات اســــــلام
(فتح بیت المقدس)
(۷)

لهذا عذاب میشوند ۰ امیر المؤمنین رضی الله تبارك وتعالی عنه فرمودند که خود اینها چه میگویند ۰

محذبان گفتند که اینها میگویند که مایان چیزی نداریم امیر المؤمنین فرمودند کـــه اینهارا رها کنید واین امر مالایطاق تکلیف نکنید چرا که من ازرسول الله (ص) واصحابـــه وسلم شنیدم که فرمودند که مردمان را بدنیا عذاب نکنید بعد ازان محذبان راه انهارا — خالی کردند وامیرالمومنین عمر (رض) هم روی براماوردند ورفتند تا اینکه بوادی القری— رسیدند بعد ازان انمردمان انهارا خبر دادند که درینجا شیخی است کهدر بالای ای مسکن دارد ودوست بسیارمهربانی هم دارد که اندوست او ازبرای ان شیخ گفته که ایا تو مرا به مال خود شریك میگردانی تا اینکه مهمات ترا کفایت کنم واشتران ترا بچرانم وبه جمع کردن حقوق تو قیام نمایم مقرر بر اینکه عیال تو یك شبانه روز از برای تو باشد ویك قد شبانه روز— از برای من یا شیخ باین گفته رضا داده واین امر را قبول کرده ۰

چون امیر المؤمنین (رض) ازین امر واقف شدند امر کردند که ان هردو مرد را حاضـــر اورند بعدا زان امیرالمومنین (رض) ازبرای شان فرمود که وای باد شمارا بگوئید که چه دین

دارید ٠ گفتند دین اسلام ٠

امیرالمومنین فرمودند که وای باد شمارا ازطرف شما چه خبر بسمع من رسیده ٠
ان دو مرد گفتند که مایان نمیدانیم کچه خبر بسمع شما رسیده است٠

امیرالمومنین (رض) انچه از قوم عرب شنیده بود ازبرای شان قصه کرد ٠ شیخ گفت یا امیر المومنین صدق را می فرمائید که حال مایان این چنین است امیرالمومنین (رض) فرمودند که ایا ندانستید که این فعل شما حرام است ان دو مرد گفتند والله قسم که ندانستیم که — این حرام است امیر المومنین رضی الله تبارک وتعالی عنه ازان شیخ پرسیدند که ازچه سبب تو این فعل حرام را فعل کردی شیخ عرض نمود که یا امیرالمومنین من پیرمرد کلان سالی ام و— کسی [illegible] نداشتم که در باب اموال ومواشی خود بوی اعتماد کنم اخر از برای این مرد گفتم که اگر تو چرانیدن اشتران و گوسفندان مرا ذمه بردار میشوی ٠ و بخانهٔ من اب می اوری و در امورات جمیع دولت من مرا یاری می کنی من ترا حصهٔ در عیال خود شریک میگردانم او— گفت اری من امورات ترا ذمه بردار می شوم من اورا حصهٔ در عیال خود شریک کردم وحالا که دانستم که این فعل حرام است درما بعد این فعل را ترک می کنم امیرالمومنین عمر (رض) ازبرای او فرمودند که ای مرد دست عیال خودرا بگیر وبخانهٔ خود داخل نمای که اورا در عیال تو هیچ حقی نیست وبعد ازان روی بطرف ان مرد دیگر اوردند وفرمودند کـــه بنگری اینکه درما بعد درخانهٔ او داخل شوی که اگر بسمع من رسید که من بعد تو در خانهٔ او داخل شدی گردن ترا قطع میکنم بعد ازان جا روی بطرف بیت المقدس اوردند ورفتند تا اینکه در اول شام رسیدند اسلم بن برقان مولی عمر (رض) نقل کرد ٠

که چون در اول زمین شام داخل شدیم مسلمانان روی بطرف ما [illegible] اوردند وما بطرف خیل مسلمانان دیدیم ٠

امیر المومنین روی بطرف زبیر اوردند (رض) که یازبیر بشتاب تو روی اور و ببین که این خیل چه کسانند — زبیر (رض) نقل کرد :

که چون نزد یشان رفتم دیدم کطائفه اند از اهل یمن کابا عبیده رضی الله انرافرستاده تا اینکه خبر امدن امیرالمومنین عمر (رض) را معلوم نمایند ٠ وبعد اوراخبر دهند زبیر (رض) فرمود که چون من انهارا دیدم انها از برای من سلام کردند وپرسیدند کـــه ای جوانان تو از کجا می ائی ٠ من گفتم که ازمدینهٔ رسول الله (ص) می ایم ٠ پرسیدند که اهل مدینهٔ منوره چه حال داشتند ٠

گفتم بخیر وعافیت بودند باز سوال نمودند که امیرالمومنین عمر (رض) چه فعـــل میکردند ایا بطرف ما قدم می اوردند یانه ٠ زبیر (رض) نقل کرد که من ازانها سوال — نمودم که شمایان چه کسان می باشید ٠ فرمودند که مایان قوم عرب ایم واز اهل یمن که امیر ابا عبیده (رض) مارافرستاده تا اینکه خبر امدن امیرالمومنین (عمر) را معلوم کنیم

وباو رسانیم بعد ازان زبیر بخدمت امیر المؤمنین عمر (رض) بازگشت. باقی دارد.

مطبع حبیب الاسلام

صفحه ۱ (جریده هفتگی حبیب الاسلام — سال اول — شماره ۸) (نمر مسلسل ۸)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاسلام

اداره‌خانه — د افغانانو کابل — افغانستان — نمره تلفون
سر دبیر — سید محمد حسین
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه — قیمت ششماهه
در داخل ۵ — افغانی — ۳ — افغانی
در خارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
قیمت یک شماره ۱۰ پول

(تاریخ قمری ۵ ذیقعده ۱۳۴۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۶ ثور ۱۳۰۸ هجری) .

موازنه تفوق پادشاهـــــان

رسم ورواج پادشاهی زاداراست که حسن وقبیح امور را پوشانیده بنظر عوام همان چیزی را که ازمد تعبید معمول شد وامده است مقبول نشان میدهد — پادشاهی معزز ومحترم پنداشته میشود زیرا اجداد ان افراد بزرگ بودند حالانکه حضرت علی کرم الله وجهه میفرماید — بجد لا بجد کل مجد — وما جد بلا مجد — بجد — یعنی وهمت وابسته است هر بزرگی نه بجد و اباء واجداد نیز بسبب بزرگی شان یاد میشوند نه ازین سبب که محضا ابه واجداد بودند باوجود این ارشاد ولایتمابمردم پابند کرامت نسبی اند واز کمالات حسبی صرف نظر مینمایند البته اگر هرد و موجود باشند نور علی نور است اما لیاقت ذاتی وقابلیت شخصی جداگانه یک افتخاری را مالک است که بر رسم و رواج نیز غلبه دارد .

سلطان ییلدرم بایزید پادشاه عالیمرتبه بود وکسی از و سرتابی نکرد که جلوس او برتخت چسان بود وچه امد سلطان مراد پاسر ویا محاربه داشته یکعلاقه را فتح نمود اما جنگ هنوز جاری بود که یک سروی بی محابا وارد شده گفت که با سلطان یکراز مهم مخابره کردنی دارم چون نزدیک رسید بخنجر اورا شهید گردانید درین مرحله شهزاده بایزید بصف حرب رفته بود ازانجا خواسته شد تا جانشین پدر گردد چون امد شرطی پیش نهاد که تا برادرم کشته نشود پادشاهی را قبول ندارم لاجرم ان برادر را نیز از میدان جنگ خواستند وپیش نعش پدر مقتولش ساختند تـــا

سلطان بایزید تاجدار گردید چون از اباء واجداد شهزاد مبود کسی اورا قاتل ومستحق قتل دانسته ازتاج وتخت محروم نساخت تا منتقم حقیقی امیر تیمور را برو مسلط ساخت واورا در قفس انداخته باخود در سفر می برد ۰

اورنگ زیب عالمگیر بسیار پادشاه متدین ومتعصب مشهوراست چون پنجنفر ازاجدادش پادشاه کشته شد کسی اورا قاتل گفته مستوجب قصاص قرار نداد حالانکه بقتل برادر خود شهزاد مراد را مقتول ساخت ودیگر برادران خودرا نیز کشت یا اواره خانمان گردانید امثله بسیار درین باره ازشاهان شرق وغرب مندرج تاریخ است مثلا شهزاده هنری قمار میزد اوباش بود با جمعیت احباب خود رهزنی میکرد واز پدر خودبارها عتاب میشنید اما چون از خاندان پادشاهی بود بکیفر کردارش نمیرسانید تاپادشاه بسیار نامدار انگریزها شد اگر دیگری میبود بدنام عام وخاص میشد حالانکه پادشاه وگدا مخلوق یک خالق اند واو تعالی همه بندگان خودرا مساوی جزا وسزا مید هد (الحر بالحر والعبد بالعبد والانثی بالانثی)

امیر عبدالرحمن خان در سمرقند قرار بود مدد معاشکه دولت روس میداد اکتفا نمینمود لهذا نفری همرکابش مرافقانرا گشته سیم وزر بدست می اوردند وقافله هارا غارت کرده مال وقد اسباب را بهم میرسانیدند چون حضرت ضیاء الملة والدین امیر ابن الامیر ابن الامیر بود کسی اوراحامی قتل ورهزنی انگاشته برای پادشاهی نا اهل نشمرد اثر دیرینه عادت این چنین مکث دارد ۰

جد الله فنه ملک طالوت بود که براو افتخار می کنند حالانکه چون بنی اسرائیل از نبی خود علیه وعلی نبینا الصلواة والسلام پادشاهی خواستند که ما تحت او جهاد نمائیم و طالوت ملک مقرر شد ابا ورزیدند زیرا از پدر وجد پادشاه نبود چون خدای تعالی اورا برگزیده بود (ان الله اصطفه علیکم) لا محاله بسلطنت فائز شد والان تمام افغانان بنامش مباهات می ورزند قس علی هذا ۰

رمز اشنای معنی هر خیره سر نباشد
طبع سلیم نیخی است ارث پدر نباشد (باقی دارد ۰

انکشافـــات فاحــــش

عمل زشت وخوب مانند بوی خراب وخوش امکان ندارد که انتشار یافته بمشام یا مسامع یا انظار که وجه جلوه گر نشود ازین جهت اولیای کرام مثل خواجه عبدالله انطری علیها الرحمه فرموده انکه باید ظاهر را برای خلق وباطن را برای خالق اراسته وپیراسته ساخت بلکه تاکید اصلاح باطن را بیشتر نموده اند چه خلاق متعال از مخلوق بسا زیاد تر بصیراست وعالم الغیب والشهاده غفلت ازین امراست کهمردم را مرتکب ریا وتصنع میگرداند لا تحسبن الله غافلا عما یعمل الظالمون خلق خدایتعالی راغافل مدان از انکه ظالمها

میکنند برای شان مهلت داده میشود تا وقتیکه پیمانه حلم وتحمل لبریز شده همه اسرار — فاش وطشت ازبام میافتد ·

امان الله خان در نشهٔ پادشاهی مغرور گشته ازان مليك مقتدر بی اعتنائی ورزید که اسلام را بمنزلهٔ دین خود قرار داده است ان الدین عند الله الاسلام · از روی این مذهب مقدس تعداد ازواج تاچهار تعیین یافته است البته حکیم مطلق برای بندگان خود مصلحت در همین دیده که از یکزن زیاد تر را اجازه داده، چنانچه در ممالك غرب چون فقط يك عيال میگیرند زنا بسیار پیش می اید واکثر مرد ها علاوه بر يك زوجهٔ خود با دیگر یک وزن اشنائی نهانی بلکه بعضی اوقات تعلق علنی دارند · این يك راز اشکار در یورپ است که در شهر های بزرگ — هزارها طفل حرامی متولد میشود · باوجود این رسوائی وخیم تقلید یورپ نمودن واز احکام اسلام بی پروائی ورزیدن ضلالتی است که دلالت بر قلب مینماید درقران مجید اذن صریح مثنی وثلث وربع وارد است البته این شرط هم نهاده شد که اگر عدل کرده نتوانید پس بیکی اکتفا کنید · در دیگر ایه شریفه این هم بیان شد که شما عدل کرده نمیتوانید ولو حرص نمائید پس کل میل ورغبت بیکی نموده دیگر را از تغافل معلقه مگذارید · ازینجا استنباط میشود که هرچند در صورت عدل نکردن ونتوانستن یکعیال بس است اما بلحاظ ضرورتهای متعدد مثل ابقای نسل چون ازیکزن اولاد نشود یا اجتناب از اندیشهٔ فتنهٔ زناچون قوای جسمانی محرك شهوت شود یا مصالح اتحاد قومی وغیره که در امور اجتماعی گاهی رو مینماید تعدد ازواج لازم میاید ودرینحال نحی نازل شد که بیکی مودت تام و بدیگری نفرت یا غفلت مورزید ·

— علاوه برین حکم منصوص سنت نبوی (ص) قلا و طریقه اصحاب کبار واولیا وحکمای الهی درین سیزده ونیم صد سال بهمین نهج رفته است که از يك الی چهار زن رخصت بوده است · این سلسله جلیلهٔ اسلامی را ازدست دادن وبجلوان تمدن ظاهرا روشن وفقط باطنا تیره وتاریك یورپ را چنگ زدن — از کوه گسستن وبکاه پیوستن است — يدعوالمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولی ولبئس العشیر — خدا یتعالی میفرماید که بعض مردم کوتاه بین بغیر او دیگری را — برای امداد میخوانند که ضررش از نفع او نزدیکتر است بتحقیق او بد صاحب است وبد رفیق ·

امان الله خان در پیروی از یورپ اعلان کرد که مامورین دولت فقط یکزن بگیرند واگر قبلا زیاد داشته باشد انجام طلاق بدهند · در شماره گذشته حبیب الاسلام درین باب بحث رانده شده بود که حضرت عمر (رض) پسر خودرا از خلافت محروم ساخت که او عیال خودرا بی سبب طلاق داده بود زیرا ارشاد خیر البشر (ص) الطلاق ابغض الاشیاء عند الله — از طلاق زیاد تر هیچ چیزی نیست که قهر خداوندی را موجب شود — برخلاف وزری حکم خدا ورسول اینکه امر طلاق داد بلکه دیگر اینکه از یکزن اضافه راتهی کرد واین فعل عبادت طاغوت بود لهذا خسران مبین نتیجه شد ·

دلیل حقانیت احکام اسلام همین است که همان شخصیکه بکور دهل منادی یکقبال را — مینماید از تقاضای شهوانی مجبور میشود کهدیگر نکاح اقدام کند — درجلوت اگرچه اعلام یک زن مینماید اما در خلوت خود ش مقهور می شود کهیکدیگر را هم بگیرد . وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها . هرکه در اسمانها وزمین است برغبت یا بجبر تابع اوست. مسلمان صادق حکم خدارا ازدل وبرضا قبول میکند وغیر ان ناچار تسلیم میکند وبی اختیار مطیع میشود .

ور تصیحت غلط بدیگران فضیحت خود امان الله بدینصورت عیان میشود که چون

مامورین را از ازدواج ثانی ممانعت میکند وخویشتن را مرشد نشان داده بامتثال ذات خود

هدایت مینماید خود ش بازوجه دوم عقد نکاح می بندد .

ع چون بخلوت میرود ان کار دیگر میکند طرفه تر اینکه دران ایام انتشار در — سمت مشرقی باعث اظراب وپریشانی ملت بود وان سوی کوتل خیرخانه مجاهدین در تب وتاب گویا همه رعایا وبرایا در یکاندیشه وخدشه مبتلا بودند که این ... عاشق ملت ... — مشغول بعیش وعشرت بود حالانکه حافظ رلیز هجره وگرمابه وگلستان را درست پیمان وعاشق صادق می انگارد .

دراتی بذریعه زنکوگرافی عکس مکتوبات بمتعلقه نکاح مذکور را شائع می کنیم فی الحال جهت تائید فوق تحریر هایرا درج میکنیم که نکاح ثانی وتاریخ انرا بیان مینماید :

(عینا نقل عریضه سردار عزیزاللهخان ولد سردار نصراللهخان مرحوم)

بحضور مبارک اعلیحضرت امیر صاحب غازی خادم دین رسول الله (ص) عرض کمینه خلق الله — عزیزالله بحضور انور والا اینکه فرمان مرحمت ترجمان ا می غلام اصدار یافته وشرحیکـــه در باب معروضات وزیر دربار ورئیس خرابخانه ازظلم وبیدادی کهدرحق پدر مرحوم وخاندان ما امان الله کرده بود بحضور والا بارها عرض کرده بودند ومارا برخلاف امان اللهوبیطرف قرارداده بودند وحضور والا نسبت بعرض انها درحق ما مرحمت نموده مورد الطـــاف شاهانه فرموده وطرح مواصلت ودوستی را خیال فرمود وحالا گمان برخلافی حضور والا را بر این غلامان فرموده وطرفداران امان الله قرار داده اند حاشا وکلا معاذ الله که ما خاندان این ظالم بیرحم رابطه یا واسطه یا امیدواری یا نامه وپیام داشته باشیم به تمام عالم ظاهر — است که ازما خانه دان کرد بشکسته حال وپامال درتمام کارد اران ودوستان امان الله کسی نبود وباز که حضور والا درحق ما مردم ترحم والطاف فرموده خیال وصلت ودوستی را — فرموده اند چون معد انیم که به مضمون تعز من تشاء وتذل من تشاء حق جل وعلا چنان قادرو مقتدریست که تخت وتاج صد ساله افغانستان را بشما مرحمت فرمود وشما در تمامی مردم — خاندان مارا انتخاب نموده مورد نوازش والطاف فرموده اید زهی سعادت واقبال ما خاندان

اما حرفیست که اگر گویم زبان سوزد — اگر پنهان کنم در سینه مغز استخوان سوزد ·
اگر حضور والا باور کنید خوب والا بذات پاک اقدس خداوندی جل جلاله سوگند میخورم

اما حرفیست که اگر گویم زبان سوزد — اگر پنهان کنم در سینه مغز استخوان سوزد · اگر حضور والا باور کنید خوب والا بذات پاک اقدس خداوندی جل جلاله سوگند می خورم که تا — دیروز من هم ازین واقعه واقف نبودم دیشب همین همشیره من عالیه اظهار نمود که امیر امان الله خان در روز هاي ماه رجب در ۱۰ جدي مرا نکاح کرد که شاهد ها یکی — لالا سید میر ودوم حاجی غلام محمد میرزاي سید میر وناکح حافظجی محمد حسن پدر وکیل خان محمد خان خانه سامان گلخانه بودند و براي عالیه تاکید وتکرار کرده بود که تا زمانیکه خود من برادران شما را نگفته ام وبکسی اظهار نکرده ام شما بکسی هوش کنید اظهار نکنید و حالا اظهار نمود اکنون حضور والا مختارند چون الحمد لله حضور والا محض براي خدمت دین مبین محمدي کمر بسته انحرگاه شرع شریف احمدي که امروز خود والا حامی وخادم شریعت می باشد حکم فرمایند چاره نداریم و خود ما برادران بسر وجان دوست وخیر خواه وصادق بحضور مبارك پادشاه خود می باشیم خداي متعال باین حرف ما شاهد است باقی ایام مستدام باد برب العباد — تحریر ۲٦ رمضان ۱۳٤۷
خادم تان عزیزالله

عینا نقل حکمنامه جناب وزیر صاحب دربار وجوابات ان :

حافظجی محمد حسن خان وحاجی خان محمد خان شما بان ازروي سلامت وحقانیت معلومات ومشاهدات خود تان را بخصوص عالیه نامه همشیره سردار عزیز اللهخان وچگونگی واقعه ان عند الله معلومات بدهید فقط ۲٦ رمضان · دستخط شیرجان ·

اظهار من بنده الله حافظجی محمد حسن اینکه درزمان سلطنت امیر امان اللهخان بقرار امر شرع شریف مسمات عالیه مذکوره را بامیر امان اللهخان بزبان خود نکاح کرده ام · صحیح است فقط — دستخط حافظ محمد حسن ·

اظهار حاجی خان محمد خان اینکه بقرار شاهدي سید میر ومیرزا غلام محمد از زبان عالیه مذکوره پدر وکیل بودم کاورا ما بان بامان الله خان بحکم چنانچه دادم · فقط
حقیر خان محمد

عالیه خانم همشیره سردار عزیزالله خان از تحریري برادر خود وشهادت حافظ محمد حسن خان وخان محمد خان خانه سامان که درین دو ورق مکتوب مسطور است حالی میشوید اگر این واقعه حقیقت دارد بقلم خود صاف وپاك بنویسید · فقط (دستخط شیرجان)

حضور امیر صاحب غازي خادم دین رسول الله (ص) عرض فقط عاجزانه عالیه اینکه ·
انچه برادر بزرگوارم سردار عزیزاللهخان بحضور عرض کرده بحقیقت مقرون است که بتاریخ ۱۰ جدي ۱۳۰۷ مطابق ۱۸ رجب ۱۳٤۷ بشهادت لالا سید میر ومیرزا غلام محمد خان

حاجی خان محمد خانه سامان را بوکالتخویش گرفتام که نفرعاجزانه مرا بامیر امان اللهخان بدهد چنانچه داد وحافظجی محمد حسن خان بروز مذکور عنقرته مرا بامیر امان اللهخان بدهد چنانچه بسته است انچه حقیقت بود بحضور والا عرض شد باقی ایام اقبال مستدام باد فقط شنبه ۲۷ رمضان المبارك سنه ۱۳٤۷ـ عالیه .

حسب فرموده پادشاه مسلمین امیر صاحب غازی مکتوب عریضه هذا را عالیه خانم بخط خود تحریر کرد بحضور فرستادم ـ عزیزالله .

اگرچه نکاح ثانی جائز است اما ازپنهان داشتن ان چه معنا بود . اگر نکاح ثانی روا بود بدیگران ﷺ چرا نی ازان کرده میشد . کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون ـ خدای تعالی میفرماید که نزد او موجب رنجش بزرگ است اینکه بگوئید ان چیزی را کنمیکنید اگر گفتار وکردار مطابق نبود البته ﷻ دروغ و فریب استکه باعث عتاب وعقاب کبریائی میگردد ـ لهم فی الدنیا خزی برای شان در دنیا رسوائی وذلت است واگر از نفاق و کذب نادم وتائب نشدند در اخرت عذاب شدید .

بخدمت حضرت فاروق رضی الله عنه مجرمی را حاضر اوردند که گناهش ثابت بود حکم شرعی براو جاری شد فریاد براورد که عفو بفرمائید . کرت اول جرم کرده ام ـ فرمودند که خدا ستار العیوب ﷻ است چندین خطا ها را می پوشاند چون اصرار دید اخر فاش میسازد اگر بگوئی ﷻ دیگر جرائمت را تحقیق نموده بجزای بسر اشدت میرسانم ـ ملزم مذکور بهمان سزای اول قانع شد . فاعتبروا یا اولی الابصار .

ﷻ اطاعت اولی الامـــر

(۳)

حضرت عوف بن مالك اشجعی صحابی حضرت رسول مقبول علیه الصلوات والسلام فرموده است خیار ائمتکم الذین تحبونهم ویحبونکم وتصلون علیهم ویصلون علیکم وشرار ائمتکم الذین تبغضونهم ویبغضونکم وتلعنونهم ویلعنونکم قال قلنا یا رسول الله افلانا بذهم عند ذالك قال لا ما اقاموا فیکم الصلوات لا ما اقاموا فیکم الصلوات الامن ولی علیه وال فراه یاتی شیأ من معصیت الله ﷻ فلیکرها یاتی من معصره الله ولا ینزعن یدا من طاعته .

یعنی :

بهترین پادشاهان شما انانند که شما ایشان را دوست داشته باشید وایشان شمارا دوست داشته باشند وشما داعی ومادح ایشان باشید وایشان داعی ومادح شما ـ وبد ترین پادشاهان شما انانند که شما انان را مبغوض بدارید وان ها شمارا و شما مذمت کننده و بدگوی انان باشید وانها از شما ـ حضرت عوف که راوی حدیث است میگوید که :

مایان جماعه حاضرین اصحاب بحضور حضرت رسالتمآب معروض داشتیم که اگر پادشاهان ما از تسم دوم باشند آیا پادشاهی آنان باقی میماند. وآیا ما با ایشان معارضه ننمائیم .

واطاعت ایشان را از گردن خودها نیفگنیم . آن حضرت (ص) بشد تمام فرمود تازمانیکه در بین شما نماز را بر پا دارند واز نماز انکار نکنند هرگز معارضه ایشان را روا مدارید .

وهرگز معارضه ایشان را روا مدارید . تکرار این فقره برای تاکید است بعدازان ــ چنین ارشاد فرمود که آگاه باشید ای امت مرحومه باینکه شخصیکه در تحت حکومت وولایت والی باشد ومعصیتی را از معاصی خدای تعالی از والی خود به بیند پس لازم استکه همان معصیت را دردل مکروه پندارد اما هرگز دسترا از اطاعت والی باز نکشد . از مفاد این ــ حدیث مبارك نتائج ذیل حاصل میشود .

۱ــ امیران مسلمانان نیك وبد میباشند وبهترین پادشاهان آنانند که ایشان را از رعیت راضی باشند ورعیت از ایشان وبد ترین پادشاهان برعکس میباشند .

۲ــ اگر پادشاه مسلمانان خدا ناخواسته مبغوض قوم بگردد وقوم مبغوض پادشاه شود پس تا وقتیکه آثار اسلام مانند برپا داشتن نماز وغیره شعایر اسلام را ترك ننموده باشد رعایا را باوجود مبغوضیت طرفین اطاعت پادشاه لازم وواجب القضاست . مبغوضیت وعدم رضا از پادشاه به هیچ گونه مجوز نافرمانی نیست .

۳ ــ اگر افراد رعیه از والی وپادشاه خود ارتکاب معصیتی را از معاصی خدای تعالی معاینه دارند پس بقرار امر پیغمبر (ص) لازم است که همان معصیت را در دل مکروه پنداشته از درگاه خداوند جل شانه سوال نمایند که همان معصیت باطاعت مبدل گردد و به سبب دیدن معصیت هرگز از اطاعت دست نکشند که دیدن معصیت عذر عدم ــ اطاعت نمیتواند شد . (باقی دارد .)

نقل ازجریده شریفه بیدار
مزارشریف ــ ۱۵ شوال المکرم
۱۳٤۷

عبور ایام با فلاکت یا ورود زمان با مقتضه سعادت :

قرار اطلاعات واثقی که به ما رسیده حضرات قارئین را احتضارا مسبوق می گردانیم اولا میگوئیم که اسلام یکدین بسیار مقدس وبا شرفی است که بهترین اقلا ادیان گفته شده همانا ملت اسلام به تمامها به مراعات وتعمیل مسالك ـــ دینیه خویش پابند ومکلفاند پس هیچگاه باموراتدینیه نجیبه اسلام خلل وفتوری واقع گردید موکبی نمیتواند این دین مقدس را ــ اخلال کند چنانچه دیدیم وشنیدیم که ملت غیور اسلامی افغانستان چگونه برای جلوگیری از موانعات وتعقیبات مسالك دینیه خود اقدامات غلورانه نمودند وتاکدام اندازه انقلابات

دهشتناکی سرتاسر افغانستان‌را مضطرب گردانید وملاحظه نمودیم که باچه یك اتحاد واتفاق اسلامیانهٔ برادران شجاع دین پرورکوهدامنی ها وکوهستانی ها استحکامات امانی وامانیان‌را به یمن همت دلیرانه وغیورانه حامی دین مبین حضرت سیدالمرسلین ملقب بخادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان متخدم مشحل وتقلقل نمود و دین مقدس‌را مامور ودیند اران با شرف راقلقل مسرور گردانیدند پس‌ما ازخداوند تبارکنو تعالی نیاز میکنیم که این پادشاه شریعت‌پرور افغانستان‌را که برای ترقی وروشنی دین اسلام واباد ی مملکت افغانستان واسودگی رعیت‌ان کمر همت‌را بسته بصراط المستقیم شریعتغرای حضرت محمدی(ص) مستقیم داشته به مقاصدات وملحوظات نظریاتش فائز وکامیاب گرداناد •

برگردیم بسوی مقصد خویش در اواخر برج دلو سال گذشته افواهات مکرری به نسبت اوامرات حکومت سابقه در مزارشریف فقط شایع بود که میرزا محمد قاسم خان ترکستانی باچند نفر اعضاء که جناب عبدالرحیم خان نائب سالار وغیره باشند از مرکز کابل برای استحصال بیعت ترکستان عازم است پس برای جلوگیری و مدومیت این عازمین از مزارشریف یك مفرزه عسکری به ایبك وتاشقرغان سوق داده شده بود و ترتیبات واستحکامات فوق العاده برای انسداد ومغلوبیت عازمین تابه حدودات روئی ودواب گرفته شده بود ولی شده شد که چون قضا اید طبیب ابله شود — همین ترتیبات واستحکامات به خبر ورود ان چند نفر که مراد از جناب میرزا محمد قاسم خان رئیس تنظیمیه وعالیجاه عزت و شجاعت نشان عبدالرحیم خان — برگد وعالیجاه میرزا خلیل اللهخان پسر مستوفی الممالك مرحوم و سیادت پناه سیداحمدخان مدیر گمرك وعالیجاه خواجه عین الدین‌خان در حدودات سیغان وکهمرد وروئی ودواب اخلال پذیر گردیده و انقلابات وخیمه را بحال خود شان فراهم اورد •

ترازیکه عالیجاه عزت وصداقت همراه میرزا محمد قاسم خان رئیس تنظیمیهٔ ترکستان — اظهار میفرماید که چون در حدودات بامیان ازین اقدامات حکومت مزار اطلاع یافتم فورا — تبلیغات لازمه به برادران اقوام ایبکی وتاشقرغانی اخبار نمودیم وانها با برادران عسکری خود مراوده نموده و بطرفداری طرفداران روشنی دین اظهار معاونت نموده و متعهداران خود را قید وکمر همت‌را بسته تا اینکه باین موجبات در هر موضع ازطرف اهالی با یك گرمجوشی مطیعانه استقبال و پذیرائی حاصل می شد چون به ایبك رسیده با برادران — عسکری واهالی ملاقات نموده وبیعت شان را استحصال و بحضور همایون والا ارسال نمودیم وچون حضرت الله تعالی بطرفداران دین اسلام معاونت داشت ازین خبر برادران عسکری مقیمهٔ تاشقرغان ودهدادی مستحضر گردیده وبپیروی برادران ایبکی خود را نموده اقدامات فقط انقلابیه راتولید ونائب‌الحکومه وفرقه مشروباتی متعهداران خود را توقیف وقبل از ورود ما ندا کاران خطبهٔ امارت‌را بنام نامی خادم دین رسول الله امیر حبیب‌الله خان خوانده بودند جریدهٔ بیدار ازاین موفقیت وکامیابی خاطر خواه حضرات هیئت —

انتظامیه وورود با سعادت شان تبریکات گفته واز خداوند فائز شدن جمله مقاصدات وطن پرستانه ملت پرورانه شان را خواستار است . حضرات قارئین از ورود سعادت نمود اقایان هیئت انتظامیه ولایت ترکستان بروز ۱۷ رمضان المبارک که با چه تجملات واحتشاماتقا بل التجبدی ازطرف برادران عسکری وملکی که از حدود ایبك وتاشقرغان ومزارشریف بغیر های توپ وتفنگ شادیانه وصداهای شادمانی مسرویت داشتند الی صحن روضهٔ مبارکه حضرت شاه ولایت استقبالات ویذیرائی شایانی نموده شده بود مسبوقید که اهالی باچه جوش و خروش وچه اندازه هیاهو وولولهٔ خوشی وخورسندی می نمودند .

ما از خداوند همیشه این مسرویت وشادمانی برای برادران اسلامی خود نیازومسئلت مینمائیم و اباتی دارد .

بیعت های ولایات وملحقات ان

(٤)

بیعت نامه لهوگرد

<u>اول شهر شعبان .</u>

بسم الله الرحمن الرحیم . چون ابتدای هر امر از اوامر مشروعه به بسم الله شریف طیبه مشرفه است اغاز نمودیم وبعداز ان مایان رعایای قریه معنی خیل وقلجان وسرخ اباد وشکار قلعه وقلعه ملا بهادر لهوگرد بحضور مبارك اعلیحضرت خادم دین رسول الله — امیر حبیب الله خان بطور بیعت نامه معروض میداریم اینکه قبلا ما جمیع اهالی بیچاره دست بیعت فقوامارت سلطنت را بشرط انقیاد اوامر شرع که ازان تخلف نورزد به امان اللهخان امیر سابقه داده بودیم . چون نامبرده باموراتشرعی مقاومت نکرده پرده ننگ وناموس — مایان بیچارهگان را بنظر بلاد کفر دریده حتی که ازسفر منحوس اثر اروپا بازگشت نموده بود بعلا واشکارا خیا.ل های فاسده خلاف شرع شریف را پیشنهاد خود نموده وبدل جاداده بود اگرچه ما غربا بیچاره بهاعمال وکردار نامشروع او راضی نبوده ایم اما بدون اینکه مدام شب وروز قران عظیم الشان ورسول اکرم (ص) را بدربار احدیت شفیع می اوردیم که الهی مخترع بدعت را بطرف گردانی دیگر چاره نداشتیم تا که خادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان بتوفیق واستعانت یزدانی ود یانتفطری خود کمر همت را بخدمت دین رسول الله (ص) بعداقت بسته باعث قلع بدعیات امان الله مخترع بدعت گردیده به تخت سلطنت امارت استقلال یافت وما اهالی را از ایقاع این فتنه های بالغه وتهلکه رهیده نجات داد لهذا امان الله امیر سابقه که بانی فساد ومدابر دین پاك بود واطاعت او شرعا از ذمه ما اهالی ساقط گردیده بود بنا علیه فسخ بیعت امارت سابقه خود هارا نموده ایم و امان الله مذکور را از سلطنت — خود ها مازمره اسلامی موقوف کرده ایم وبیعت تازه صحیحه جدیده خود هارا بامر خداوند ورسول اکرم (ص) به خادم دین مبین امیر حبیب اللهخان که شخص شجاع وبطل ویبرو دین پاك بود

باو نمودیم وبرضا ورغبت خود ها بامارت سلطنت تخت کابل وبامارت افغانستان اورا — قبولداریم که کافه امورات امارت را مطابق احکام الهی اجرا بدارد واز خداوند کریم مسئلت داریم که التاب عمر ومجد لشکر دراز وبرپای حشمت وفتح مزید درمزید باد وشکر کا ن میگوئیم که مبارک باد سلطنت وپادشاهی خادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان بحق نون وصاد . امضاء ات:

غلام محی الدین — ملک محمد خان — سید احمد — ملک سید غلام — شاه محمد — ملا عبد القاضی مانیقه — ملا عبد الحمید — ملا غوث الدین — عبد الجبار — تمام الدین — جان باز — بسم الله — موسی خان — لوتیکی — ولی محمد — سلطان محمد — اختر محمد — عبد اللطیف .
شصت (۶۲) نفر دیگر .

بیعت نامه اهالی حضرت امام صاحب علاقه قطغن

ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف الذین اوتوا الکتاب الامن بعد ما جاءهم العلم — بغیا بینهم ومن یکفر بایات الله فان الله سریع الحساب) بعد از حمد کردگار ودرود بسر احمد مختار (ص) طریق مستقیم رسوخ یافته وبرتو عنایت ملک قدیم برما تافته قواعد ملت بیضاء — ضیاء دین اسلام با اهتمام ملت افغان استوار شده وبناد شریعت غرا واساس رکن ومقام — برما باید ارگشته قطعه نقل فرمان واجب الاذعان حضرت شهریار والا امیر حبیب الله خان از امارت خویش انظر بمکتوب مورخه ۲۲ شعبان المعظم بقریب روضه مبارکه حضرت امام صاحب علیه الرحمه عالیجاه صالح محمد خان حاکم وعالیجاه سید شاه خان وکیل عسکری باتفاق برادران عسکری وملکی به جهر بلند خوانده ما یان تفری علما وسادات ومشائخ وکلان شوندگان و مامورین ملکی ونظامی وغیره اهالی منطقه حضرت امام صاحب مونا دانسته گردیده امارت حضرت شهریار اعلیحضرت امیر حبیب اللهخان را بقرار ایه کریمه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) بسر وجان وتن ومال قبولدار گردیده (اللهم انصر من نصر الدین وثبت اقدامنا وانصرنا علی القوم الکافرین) به امارت حضرت پادشاه مسلمین امیر حبیب اللهخان بیعت نمودیم از خداوند عالم توقع ورسول اکرم واصحاب کرام التجا والتماس داریم که بحمایت حضرت ظل الهی امیر حبیب اللهخان — ارام واسوده حال بوده تخت وتاج سلطنت ملت افغانستان را بحضور مبارک تبریک میگوئیم علی الخصوص اقدامات این اعلیحضرت ما یان در امور شرعی نموده شده است که در زمان امان اللهخان دین محمدی (ص) قریب بود که رو بخرابی بیاورد چون صاحب دین روا دار خرابی دین محمدی (ص) نبود ازان رو چنین یک شخص غیور جسور را رویکار اورده وانست که بر ای[illegible] اهل اسلام یک خدمت نمایان را نموده که چنان فتوحات را مالک وتخت پادشاهی را صاحب شد الله وتبارک وتعالی مزید ومبارک گرداناد بحق محمد (ص) واله الامجاد هزارها شکریه نموده قلاده — تابعیت را بگردن انداخته واز عدالتپروری شان که همشنلری ومکتب[illegible] اخانصالیات

وغیره تکالیفات وطرق بلی معاف ومنتر فرموده اند دانسته گردیده شکرانه زیادی نمودیم الهی افتاب اقبال این چنین پادشاه رعیت پرور درتزائد وظفر ونصرت ازبارگاه یزدانی و بدین متین حضرت سید المرسلین مستقیم وپاینده باد بربالـه باد . فقط

امضا ها :

صالح محمد حاکم موقتی — سید شاه وکیل عسکری — عبد الصمد قریه دار — غلام حیدر برکمنر — فضل احمد برکمنر — باتراحظ ومهر (۱۲۸۵) نفر از افراد نظامی وملکی وعلما ومشائخ و سادات وغیره .

بیعت نامه اهالی دره علی شیوه لغمان

بحضور مرحمت ظهور مبارك خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب الله خان عرض میداریم ما علما و سادات وخوانین وکلان شونده گان وسائر رعایای دره علی شیوه لغمان بذریعه اعلانیکه از طرف قرین الشرف پادشاهی برعالم اسلام شد میبود از خلع و فرار امان الله خان و— تسلیم نمودن برادرش خود را به انگلیس وتحوف شدن پایتخت کابل را ان ذاتعالی با مجاهدین دین وبیعت نمودن رعایا وعسکر فیض ظفر شهر کابل وسمت شمالی برای ذاتعالی شاهانه شان وقبول نمودن ذاتعالی امارت افغانستان را مطلع ومستحضر شده بودیم به نسبت فداکاری ومجاهداتی که ذاخسروانه به شمشیر بیدریغ خود در راه ترقی و تعالی دین مبین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وسلم نموده اند وامارت ومملکت افغانستان را از چنگال امیر امان الله وعمله واراکین او که از راه شریعت نبوی خارج شده بودند خلاص داده انعا علما وسادات وخوانین وسائر رعایای این علاقه ازصمیم قلب خود هارا رعیت و ذات عالی شانرا که باعث رونق دین مبین گردیده امیر خودها میدانستیم وبدلهای مملو از اخلاص خود غائبانه بیعت نموده بودیم لیکن چندی از واسطه که علی احمد خان خود را در جلال اباد وجگدلك امیر قرار داده بود ودر ارض راه کابل بمواضع مختلفه پهره ومحافظه از طرف خود مقرر نموده بود بیعت نامه خود هارا بحضور مبارك فرستاده نتوانستیم کنون بیعت نامه هذا را بذریعه دو نفر وکلا خود هریك میرزا حبیب الله خان و ملك الله نورخان بحضور پادشاهی تقدیم نمودیم وعهد میکنیم بذات اقدس حضرت خداوندی وروح پر فتوح حضرت سید وسردار کائنات که ان ذاتعالی پادشاه وامیر وخود هارا رعیت میدانیم اوامریکه از طرف قرین الشرف پادشاهی مطابق شریعت غرای محمدی (ص) صادر— شود بموجب ایه کریمه (اطیعوالله واطیعوالرسول و اولوالامرمنکم) همه وقت به تعمیل ان حاضر وآماده هستیم علاوه بران ماعلما وسادات وخوانین وکلان شونده گان این علاقه عموما— طوائف مسکونه لغمان رابه بیعت نمودن ان تشویق وترغیب میدهیم هرگاه کلهم تبعه لغمان بخوشی واشد رضای خود ها بیعت می نمودند بیعت شانرا گرفته بزودی بحضور مبارك روانه

میدانیم واگر مخالفت کنند وبدادن بیعت خودها تمرد وسرکشی اختیار کنند ما علما وسادات وخوانین وکلان شوندگان وسائر رعایا این علاقه بقرار اصدار امر حضور به تادیب وسرکوبی شان حاضر وآماده هستیم فی الحال بواسطه شرارت بعضی اشخاص جاهل ونادان در لغمان بد امنی زیاد واقع است رجا از حضور مرحمت ظهور پادشاهی داریم که یکنفر حاکم باقوه ملکی به لغمان مقرر شود انشاء الله تعالی به یمن طالع خسروانه بورود حاکم وقوه عسکری در لغمان امنیت حاصل وحکومت انتظام پذیر خواهد شد باقی آفتاب عمر وبقای دولت در ترقی ودرخشان باد .

عمرت دراز باد که تادور مشتری — ما از توبرخوریم فقط و تو از عمر برخوری

دوشنبه اول رمضان المبارک ۱۳۴۷ — امضاء ها :

اولاده حضرت باباولی علیه رحمه قندهاری — مولوی سید عالم بارکزائی — جانان — محمد جان — خلیل الرحمن اسلام اباد — شیر اللعـ الله نور — محمد اسلم — حاجی ملاعبد الحکیم اخندزاده — ملک محمد عیسی — مولوی معز الدین — باقی امضاء ومهر ۸۹ نفر علما وسادات وخوانین وسائر رعایای علی شنگ واسلام اباد وغیره .

بیعت نامه چکری وخورد کابل

۸ شعبان .

ندای حضور مبارک امیر صاحب حبیب الله خان شویم . از جلوس میمنت به تخت سلطنت پادشاهی افغانستان حضور والا مایان اهالی قریه چکری وخورد کابل ابراز رضامندی وشکرانه حق وتعالی جل علی شانه را میکنیم که خداوند این قسم پادشاه حامی دین حضرت سید المرسلین را برای مایان عطا فرموده ومایان اهالی بسر وجان ومال خودها بخدمت دین ودولت اسلام حاضر وآماده میباشیم . که بزیر سایه بلند پایه مبارک خدمت نمائیم وهم از خدای خویش میخواهیم که این پادشاه شجاع مایان مطابق امر شرع شریف از برای اسلام خدمت نماید . تحریر ۸ شعبان المعظم ۱۳۴۷ . امضاءات ومواهیر :

میر . شکر — سید رسول — غلام محمد — میر محمد رحیم — عبد الحنان — محمد جان — شرف الدین — عمرا خان — محمد خان — جمعه خان — محمد رحیم خان — فضل احمد — باقی نشان شصت ۱۱۲ نفر دیگر بقرار شرح فوق همه افراد بدعاگوئی امیر صاحب غازی شاغل میباشیم که همیشه تیغ اسلام فقط بران باشد .

مسائل دینی

(۸)

(رکن دوم در بیان نماز ومتعلقات آن) وچون بیان احکام نماز ومتعلقات آن که وضو وغسل وتیمم است وبیان احکام روزه درکتب عربی فقه شریف به بسط تمام ذکر شده اما احکام آنها در کتب نظم تام حق بوجود اسهل وتمام منکور بوده لهذا نظم مذکور را شرح نموده بیان رکن دوم

اسلام که نماز است با انچه بدان تعلق دارد از وضو وغسل وتیمم وبیان رکن سوم اسلام که روزه است ازنظم مذکور تشریح وتکمیل داده درج این کتاب شد تا مبتدیان را حفظ اسان شود

بسم الله الرحمن الرحیم

نام حق بر زبان همی رانیم – که بجان ودلش همیخوانیم
ملك وصانع قدیم وحکیم – خالق ورازق وروف ورحیم
هرچه است ازبلندی وپستی – همه از و یافت صورت هستی
طاعتاوستفرض عین شده – برهمه خلق همچو دین شده
داد مارا کتابتا خوانیم – کرد مارا خطاب تا دانیم
هرچه اوگفت ان کنیم همه – طاعت او بجان کنیم همه
انچه اوگفت غیر ان کردن – نیست سودی ﷺ بجز زیان کردن
روز وشب طالب قبول وئیم – پیرو یامت رسول وئیم

شرح لغات

(همی رانیم) جاری میکنیم (ملك) پاشاه (صانع) کنند هکارها باختیار وافریننده (قدیم) ازلی وابدی (خالق) افریدهکار (رازق) روزی دهنده (روف) بسیار مهربان (رحیم) بسیار رحم کننده (کتابمراد قران شریف است) ۰

حاصل ابیات:

مقصود حمد خداوند تعالی است می فرماید کهثناء حق سبحانه تعالی را همیشه درظاهر بزبان می گوییم وباطن ما نیز بذکر ثنای بی ریای اوتعالی مشغول است وتنها بلفظ بذکر زبان مانند منافقان اکتفا نمی ورزیم باز اوصاف خاصه او تعالی را بیان میکند که اوتعالی پادشاه حقیقی ومالك همعالم وازلی وابدی وحکیم است که هیچ کار اوتعالی خالی ازحکمت نیست وروزی دهنده همه روزی خوران است که هیچ کدام رابی روزینمیگذارد وبسیار مهربان است بر مومنان که ایشان راتوفیق در دار دنیا بشرف ایمان رسانید وبسیار رحمت کننده است برایشان کهدر دار عقبی ایشان را به بهشت جاودان وحور وقصور میرساند وباز بیان دیگر صفت کمال اوتعالی را میکند که هرچه از عالم پائین است اززمین وچیزیکه دران ها است وکوه ها وزنده جان وغیره – وهرچه از عالم بالا است ازاسمانها وهرچه دران است ازافتاب وماه تا بوستارهگان ملائك وغیره همه ازاوتعالی نعمت وجود یافته که هیچ کس در افرینش انها با او تعالی مشارکت ندارد ونیز میفرماید که چون افرینش همه عالم از اوتعالی است پس مالك ومولای حقیقی همه اوتعالی است۰

وفرمان برداری مولا بر بنده فرض عین مانند دین است وبطریق اظهار نعمت وشکر گذار میگوید که اوتعالی برما بنده کل احسان کرده راه نجات رانشان داده که قران عظیم الشان را نازل فرموده وخطاب امر ونهی را دران بما کرده تا عمل بان کرده از عذاب اوتعالی نجات یافته

به نعیم جاودانی برسیم باز بر سبیل وعده٭ عذاب میگوید که مخالفت از امر ونحی او تعالی عمل کردن بجز زیان ونقصان وشرمندگی دنیا واخرت چیز دیگر نیست .

- بطریق اظهار فرمان برداری او تعالی میگوید که روز وشب وهمه وقت قبول ورضای او تعالی را میخواهیم وپیرو وامت رسول او تعالی (ص) استیم . نعت سید المرسلین (ص)

شرح لغات

(نعت) صفت (سید المرسلین) سردار رسولان که پیغمبر ماست (ص) . شکرحق تعالیکه

شکر حق راکه پیشوا داریم | پیشوائی چه مصطفی داریم
مهتر وبهتر گزین همه | سرور وخاتم ونگین همه
او شریعت بیان کند مارا | او طریقت عیان کند مارا
صلوات خدا بر وی باد | تا بروز جزا بپایی باد
امت او و دوستار وئیم | دوست داری چهار یار وئیم
چون ابوبکر عمر وعثمان | مرتضی دان علیهم الرضوان
رحمت حق نثار یارانش | باد برجمله دوستداران اش

شرح لغات

(مصطفی) پاک کرده شده ٭ ازخطاهای بد بشری (مهتر) سردار قوم (گزین) برگزیده شده (سرور) سردار قوم (خاتم) انگشتری (صلوات) رحمت ها (روزجزا) روزقیامت است (علیهم الرضوان) خداوند تعالی ازایشان راضی باد .

حاصل ابیات : چون در حدیث وارد شده که حق جل جلاله پیغمبر ما صل اللعلیموسلم را گفته که توبهترین پیغمبرانی وامت تو بهتر امتانند (باقیدارد)

فتوحات اســـــلام

(فتح بیت المقدس)

(۸)

وانچه دیده بود نقل کرد امیرالمؤمنین فرمود که یا عبدالله رسیدی .
وخوباطلاعی حاصل کردی .

وبعد ازان روی براه اوردیم گروهی دیگری از مردمان درمقدم روی ما امدند واز احوالات امیرالمؤمنین ازما سوال کردند امیر المومنین عمر (رض) درجواب شان فرمود که اگاه باشید اینکه عمر خطاب منم انها عرض نمودند که یا امیرالمومنین اشک ها ازچشم ها جاری شد وگردنهای ما بهمراه چشم ها دراز گردید ازجهت طول مدت قدوم اوردن شما وهمه گی ما امیدواریم اینکه خدای تعالی بیت المقدس رابدست شما فتح گرداند . واقدی رحمت اللعلیه فرموده که بعد ازان مسلمانان روی درعقب خود اوردند تااینکه بالشکر مسلمانان رسیدند وروی بطرف امیر ابا عبیده (رض) کردند وباواز بلندی ندا نمودند که ای مسلمانان بشارت باد شمارا بقدوم

اوردن امیرالمومنین عمر بن خطاب (رض) راوي گفت که درینوقت همگی مسلمانان [illegible] بـــه جنبش امده ند وعزم نمودند اینکه همگی جماعات شان سوار شوند وباستقبال امیرالمومنین (رض) روند امیر ابا عبیده رضی الله عنه حکم نمود اینکـــه در بالاي هر مردي فرض است اینکه از جـــاي خود حرکت نکند بعد ازان خود امیر ابا عبیده (رض) به همراه کسانی که اصحاب او بودند وبا بعضی از مهاجر وانصار سوار شدند ورفتند تا اینکه بخدمت امیر المومنین عمر (رض) رسیدند رضی الله تعالی عنهم اجمعین راوي گفت که چون امیر المومنین بطرف ابا عبیده رضی الله عنهما ــ نظر انداخت و دید که سلاح خودرا پوشیده وکمان خودرا بشانه خود کرده وامیرالمومنین (رض) هم در بالاي اشتر ماده خود سوار بودند وعبا قطوانی را بجان خود [illegible] لباس داشتند ومهار اشتر شان از موي بود چون ابا عبیده بطرف امیر المومنین عمر (رض) بدید اشتر خودرا ــ بخوابانید وامیر المومنین هم اشتر خودرا بخوابانید و هردوي شان پیاده شدند ۰ ابـــا عبیده رضی الله عنه دستهاي خودرا پیش برد وبا امیر المومنین مصافحه کرده وتمام مسلمانان بـــه همراه یکدیگر گردن بوسی کردند ویکدیگر خودرا سلام نمودند وبعد همه مسلمانان پیش امدند و بخدمت حضور امیر المومنین عمر (رض) سلام کردند وبعد هرد و امیر مسلمانان سوار شدند ودر مقدمه روي مسلمانان راه میرفتند وقصه می گفتند وتمام جماعات مسلمانان درعقب شان بودند واین چنین راه می پیمودند تا اینکه در اطراف بیت المقدس فرود امدند چون در انجا فرود امدند وامیر المومنین بهمراه مسلمانان نماز صبح را ادا کردند بعد ازان خطبه نیکوئی وبلیغـــی را شروع کردند ودر خطبه خود چنین حمد وثنا گفتند که (الحمد لله القوي الشدید الفعال لما یرید) بعد ازان فرمودند که اي مسلمانان خداي تعالی مارا بســبب دین اسلام عزیز ومکرم گردانیده و بهدایت کردن محمد علیه افضل الصلوات واکمل التحیات مارا هدایت نموده وـــ ضلالت وگمراهی را از مایان دور گردانیده وبعد از بغض وعداوت در بین دل هاي ما الفت داده پس بر مایان لازم اینکه بعوض این نعمتها اورا [illegible] حمد وثنا گوئیم تا اینکه مستوجب مزیــد نعمت مایان گردد وخداي تعالی فرموده لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان [illegible] عذابی لشدید ۰ بعد ازان ایه را تلاوت نمود که (ومن یهد الله فهو المهتد ومن یضلل فلن تجد لــه ولیا مرشدا) راوي گفت که چون امیر المومنین این ایه را تلاوت نمود قسیسی از جمله نصارا که در مقدم روي امیر المومنین استاده بود بپاي شد وگفت خداي تعالی کسی را گمراه نمی کنــد درین وقت امیر المومنین عزم نمود که این ایه را ثانیا تکرار نماید ۰ (باقی دارد)

(مطبع سرکاري)

صفحه اول (جریده هفتگی حبیب الاسلام — سال اول شماره ۹) (نمره مسلسل ۹)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاسلام

اداره خانه د باغبانان کابل — افغانستان
سرد بیر — سید محمد حسین
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه قیمت ششماهه
در داخل — ۵ — افغانی — ۳ — افغانی
در خارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
یک شماره ۱۰ پول

تاریخ قمری ۲۲ ذی قعده ۱۳۴۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۱۳ ثور ۱۳۰۸ هجری)

(۲)

یک مقایسه مقدسه حضرت خالد بن ولید (رض) وجناب فضیل بن عیاض (رح)

(الف)

در جنگ احد سرور دو عالم صلی الله علیه وسلم فرمودند که در لشکر مخالفین خالد است و از قد بیر وحیله او اندیشه باید کرد چنانچه بعد از مقدمه کار زار تغیر کفار شکست خوردند و آن حضرت (ص) ارشاد نمودند که شاید درین هزیمت یک مکر باشد لهذا لازم است که مسلمانان در تعاقب شان و برای گرفتن اموال غنیمت موقع ومقام خودرا ترک ندهند مبادا دشمن از دیگر طرف برگشته حمله آور گردد (وانه لحب الخیر لشدید) انسان برای محبت مال سخت پیدا شده بر هدایت نبوی التفات نکرده مسلمانان از جایهای خود برخاسته تعقیب دشمن — نمودند وغارتگری آغاز گردند تا خالد از دیگر جانب آمده تلفات زیاد بمسلمانان رسانید بسیاری از اصحاب کرام پراگنده شدند رسول اکرم (ص) بنفس نفیس خود نیز زخم خوردند و آوازه افتاد که — شهید شدند و این افواه هنوز باعث بتری عساکر اسلام گشت این صدمات مهلک از دست خالد رسید اما چون او مشرف بایمان گردید همه گناه ها وقتلها بر علیها سلام مبدل بخدماتی شد که در فتوحات روم وشام ومصر وایران بجا آورد جناب رسالتماب علیه الصلوات والتحیه حضرت خالد (رض) را سیف الله لقب دادند وعزت واحترام وشهرت نامی در دنیا وتاریخ کسب کرد که یکم فاتحین وشجاعان نجیب شده است در فتح مکه خالد (رض) شجاعت زیاد ابراز داد آن حضرت (ص) فرموده بودند که چون اهل مکه از خود ما وقابل رحم اند کسی از ایشان کشته نشود باوجود آن خالد (رض) هفده نفر را ته تیغ نمود وچون رسول الله (ص) بازخواست فرمودند جواب داد که فرشته ها از آسمان نازل شده میگفتند که اینها را بکش پس آنحضرت (ص) — فرمودند که من ازین فعل تو بری الذمه ام . معهذا هیچ مجازات ننموده البته تذبـــــر

خدمات انجعفو فرمودند چنانکه تا حال جناب خالد بن ولید رضی الله تعالی عنه یکی از نابغه های روزگار شمرده میشود ومسلمانان بحرمت وتحسین حق کافران بحیرت وافرین یاد ش مینمایند.

(پ)

درعهد خلافت عباسیه بگرد ونواح بغداد رهزنی های زیاد واقع شده حکومت از دست قطاع الطریق پیشان ورعایا سرگردان گردید یکجمعیت دزدها بسرکردگی یک شخص بسیار عاقل وشجاع هر طرف راه ها میگرفتند واموال وامتعه کاروانهارا ربوده غائب گشتند چون یکقافله را بغارتبردند تاجری سامان گرانبار را گذاشته باجواهرات درجیب های خود برداشته رو بگریز نهاد بعد از طی مسافه در بیابانی رسید که در انجا یکخیمه زده بود اندرون رفته دید که شخصی بتلاوت قران مجید مشغول است از وامین تر نیافته ان همه جواهرات را باو سپرد وفریاد کردکه دزدها مالهای مرا بردند این را بتو امانت مید هم چون او جزع وفزع مصروف بود رهزنها رسیدند وپیشر همان قران خوان حاضر شده تعظیم بجا اوردند او همه اسباب مسروقه را ملاحظه کرده بتقسیم ان پرداخت وبرای دزدها احکام دیگر داد ان شخص یقین کرد که از باران بزیر ناوه امدم یا از دهان گرگ بچنگال شیر افتادم حالا این افسر قطاع الطریق کی جواهراتم را پس مید هد اما برخلاف توقع دید که بعد ازفراغ تقسیم وبخشش سرقه ان سرقه شده امین جواهراتمرا واپس بخشید این رهزن بنام فضیل بن عیاض بود چون از دزدی تایب شد اولا همه رفقای خودرا نادم گردانیده در توبه نصوح خود متفق ساخت همه راه ها مامون ومصئون گشت چون از همه مهارتها وکید های رهزنان اگاه بود همکنان ازو ترسیده از رهزنی کار جستند پس حضرت فضیل قدس الله سره العزیز جمله منازل ومراحل شریعت وطریقت را پیموده بدرجه بزرگی واصل شد که در زمره اولیای کرام محسوب می شود صدها هزار مسلمان گمراه را این امر شد کامل بصراط مستقیم دلالت نمود واین یکامتیاز معروفی است که هیچ ولی یا عالم انقدر سارقان جانیان ومجرمان را هدایت موثر نداده که حضرت فضیل (رح) بر نجات دادن شان کامیاب امده بدین تفاوت مشائخ واولیا باکرام واعزاز اوبسیار می گرایند زیرا فی الحقیقت نهایت دشوار است که شخصی متعود باخلاق بد وعادات ذمیمه بصفات نیکو اراسته گردد وتامرشد ازطرز وحکمت تاثیر انداختن در دلهای بد معاشان وسیه کاران واقف ومتجرب نباشد البته در رهمائی مرید ان مانند جناب فضیل (رح) بن عیاض موفق امده نمیتواند چون خدای هادی مطلق برایش توفیق اطاعت وهدایت بخشید ان عمر رهزنیش که از بس قتل وسرقه مملو بود فراموش خلایق ومعفو خلاق غفور گردید وفقط ان حصه زندگانیش در تذکره وسیر ویاد مردم باقی ماند که سراسر رشادت رهبری تقدس وناموری بود مثل احیای اموات همین است قل یاعبادي الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم . بگوای بندگان منکه برنفسهای خود تجاوز نموده اقدام بر ظلم وتعدي ورزیده اند از رحمت خدا مایوس نگردید خدای تعالی جمیع گناه های شما را می بخشد بتحقیق

او تعالی بخشنده و بسیار مهربان است بعد ازین آیه شریفه خدای تعالی میفرماید که قبل از مرگ بسوی پروردگار تان رجوع کنید وپیروی خویشتن احکام اسلام را بنمائید چون معلوم نیست که موتکی می آید وهذا ابکدام وقت نازل میگردد لهذا بتوبه واعمال صالحه واتفاق واطاعت پادشاه مجاهد امیر حبیب الله خان و بمعاونت وموافقت با اعیان و اراکین دولتش مباد رت ورزید تا اتفاقتان بوجود یمتحد وبحبل الله اعتصام تان متین گردد تفرقه و تشتت ازبین رفته قوت وسطوه اسلام قائم ودائم شود از میمنت ارواح حضرت خالد (رض) وجناب فضیل (رح) فاعتبروا یا اولی الابصار •

هزیمت محمد نادر خــــان

در اثر نیات اسلامیت کارانه وترشحات رعیت نوازانه حضور مبارك ملوکانه که همیشه متنج بسعادت مال وحسن اقبال هر فرد وطن است قبلا عبد العزیز خان سفیر سابق افغانی مقیم طهران واحمد شاه خان پسر سردار محمد اصف خان از حضور مبارك امیر صاحب با فرامین مرحمتانه برای جلب محمد نادر خان وبرادرانش باروپا اعزام شده بودند بطور سفر خرچ انها وبماش عائله شان مقیم کابل تخمین سطك روپیه از حضور اعطا فرموده شده بود • ولی محمد نادر خان که انکار سوء خود فرضانه بدماغش تولید گشته بود راه مستقیم را ترك گفته از راه پشاور عازم سمت جنوبی شده درانجا بامید نیلان باغراض نفس پرستانه اش اهالی را بنام صلح بر علیه حکومت مرکزیه اسلامیه شان تحریك نمود •

بالاخره چندی از اقوام احمد زائی ومنگل را وادار ساخت که به مقابل برادرهای اسلامی شان از ریختاندن خون همدیگر دریغ ننمایند ــ اما حینیکه انها بجرخ وارد میشوند درینجا عسکر غیور ما ونفری مجاهدین شاه مزاری واستانکزئی وغیره لوگری ها به مقابله شان پرداخته به مفاد واذ اجاء الحق وزهق الباطل حق بذیحق ملحق شده عسکر ما شکست فاحش به انها وارد نموده توپ های شترین وتفنگ های پاشیندار با جبه خانه شان وتعداد کثیر از تفنگ های مقتولین راه ضلالت که بعیدان خجلت ازدست قدر ظاهر صلح نادر خان مانده بود بدست عسکر مان افتاده بود سپس فقط وسیله اشخاص راه بلد عسکر ما بخروار خورا رسانیدند •

از مرکز قوای لوگر ما یکفرزه بجانب کوتل تیره سوق داده شد که کوتل مذکور را بهمین تو مستحکم واشغال نمودند ودرهمین زمان بطرف جنوب کوتل مذکور چند باب خیمه وجبه خانه وبارگیر که از جانب مقابل روانه جرخ بود بدست عسکر ما افتاده درنتیجه محمد نادر خان و نفری معیت او بکدام طرف مجهول فرار شدند •

در اثر تقیه فوق جناب محمد یوخان فرقمشر سابق سمت جنوبی ازموقع استفاده نموده با بیانات بشارت امیز فوق وارد کابل وبحضور مبارك امیر صاحب مشرف شدند •

معظم له مجدداً از حضور همایونی با هدایات مکمل وکافی برای رفع خون ریزی اقوام سمت جنوبی بحیث رئیس تنظیمه ورتبه رفیعه نائب سالاری نظامی بان سمت مقرر وسر افراز گردید که امنیت ورفاه عامه را در بین اهالی وافراد ان ولا قایم ودوام داده ان چند — گروه جاهل را به صراط المستقیم موافق ساخته بعد شانرا به حضور مبارك امیر صاحب هرچه زودتر ترسیل نمایند ·

ترجمه از جریده الفضل
مورخه ۲۵ جنوری مطابق ۱۳ شعبان مقام لاهور

امان اللهخان پادشاه سابق افغانستان از سیاحت اروپا بدرجهٔ متاثر شد که تقلید کردن اوضاع اروپائی را نه تنها باعث افتخار خود میدانست بلکه ملکه خود ثریا را نیز در لون مغربی متلون ساخت ملکه بمجرد یکه سوار کشتی شد نقاب را الوداع گفت وهمینکه قدم درخاك اروپا نهاد بچنان فیشن های زنانه خودرا مفتن ساخت که بسی خوانین اروپائی هم از اختیار نمودن ان اجتناب میکردند · بالاخر امان الله خان بعد از اختتام دورهٔ سیاحت وقتیکه به مملکت خود مراجعت نمود از تحفه پیوستن مغرب باندازهٔ مسحور ومفتون — بود که مصمم گشت معاشرت مغربی را در مملکت خود بطور اجباری جاری نماید ومیخواست در — طرفة العین رسم ورواج قدیمهٔ یك مملکت مشرقی مانند کابل را تغیر وتبدیل کند وافغانستان را یك خطهٔ از نقشهای مغربی بسازد وچنانچه از حصص مختلفه مملکت نمایندگان قومی را برای — شمولیت در یك مجلس مشورت مدعو نموده وحکم برای تراشیدن ریش های ایشان صادر — فرموده وایشان را بپوشیدن کلاه لگی وکوت وپتلون مجبور نمود ونیز بعضی احکام دیگر هم صادر کرده شد که نه تنها از لحاظ معاشرتی برای افغانستان نامناسب بود بلکه خلاف تعلیم اسلامی نیز گفته میشد در نتیجه یك شورش در افغانستان ظهور کرد · بعضی از — ملا نما های هندو جمیع احکام امان اللهخان را جایز قرار داده چنین گفتن اغاز نمودند که ریش های مردم را تراشیدن وانها را به پوشیدن کلاه لگی مجبور نمودن وحجاب را از زنان برداشتن وغیر ان از چنین احکامی گفته میشوند که در جاری نمودن ان عیبی نیست وبه مناسبت حالات افغانستان بالکل جایز ودرست اند ·

یقیناً در این ذلت که به مسلمانان عاید میشود ضعف دینی نیز دخل تمام دارد — لیکن متاسفانه مسلمانان این ضعف را حس ننموده اند وهر وقتیکه قدم بر داشته اند غلط برداشته اند چون گمان کرده میشد که این مرض تنها در ترك سرایت کرده وهم تا همانجا — محدود است لاکن اکنون می بینیم که اثر ان در ممالك دیگر مانند افغانستان نیز منتشر شده است پس مجبور شدیم بگوئیم وهم تا هر جائیکه اواز ما شنید میشود باواز بلند میگوئیم که این راه راه ترقی نیست برای نایل شدن بهترقی ضرور است که بطرف اسلامیت توجه شود ·

اکنون انقلابیکه در افغانستان رونما شده است وگفته نمیشود که بکجا خاتمه خواهد یافت

از یك حیث نهایت ناگوار است که اهالی افغانستان با یك طوفان خطرناك مطلب دچار شده وبه کشتن وتباه کردن یکدیگر مصروف‌اند — لاکن معلوم میشود که دراین همه مشاء ومصلحت خداوند جل‌شانه است . اگر افغانستان خوش قسمت باشد البته ازاین تغییرات استفاده خواهد کرد و برای همیشه‌ بخاطر خواهد داشت که ترقی افغانستان نه در ترك — کردن اسلامیت وتقلید کردن یوروپ است . بلکه ترقی افغانستان دراین‌است که بر تعلیم اسلامی عمل‌پیدا شود . اگر از انقلاب‌حاضره افغانستان این سبق را بیاموزد واصل تعلیم اسلامی را در مملکت رایج کند پس باید فهمید که‌دراین‌گرداب تازه مصایب که افتاده است هیچ چیزی تلف‌نکرده بلکه بالعکس فایده‌ٔ زیاد برداشته است . از خداوند جل شانه استدعا میکنیم که افغانستان را بزودی‌ازاین بلیه نجات داده وتوفیق عطا کندکه بر تعلیم اسلام — عمل نموده بمدارج ترقی وتعالی نایل شود . مترجم عبد الصمد

مکتـــــوب

همه خواهند دانست که درعقاید اهالی قطغن وبدخشان بدائم‌جاریه قبل رخنه نه نموده به همان‌حال سابق باکمال‌نظافت ناموس‌دینی خویش‌را محافظه نموده دراول امر اینکه صدای (الله اکبر لا اله الا الله محمد رسول‌الله) از مرکز بگوش‌شان بار دیگر رسید

با ان معانی که مبین‌حقیقت اسلامیت یك‌قوم است همه بانیتهای‌خالصانه اسلامیانه بیعت — خود را تقدیم شهریار مرکز نمودند .

وما ازچند نقطه بیعت‌ملحقه ان‌ولایت را بسمع قارئین جریده حبیب الاسلام — قبلا رسانیده‌ایم شاید ملاحظه‌فرمود باشند وانچه معطل بموقع دیگر باشد انرا هم بتوفیق خداوند مرتبا خواهیم رسانید .

اما بیشتراز همه لازم دیدیم‌کهاز ورود مامورین‌جدید که از مرکز بعد رسیدن بیعت ها اعزام شده انتشر بدهیم .

قطعه خط مورخه ۱۵ شوال‌المکرم ازطرف‌رسول بخش‌خان‌مدیر ومیرزا سلطان‌محمد خان سرکاتب راجع بمتسلیم‌شدن‌کارات واجراات امور گمرکی ولایت قطغن بمدیریت عمومی تجارت رسیده است‌نقل‌ان بعد ازالقاب قرار ذیل است .

بعد از شرح دعاگوئی دوام‌دولتخدا داد امیر صاحب‌غازی معروض‌میدارم اینکـــه فدویان به روزیکه ازخدمتتان مرخص‌شدیم این والا گردیدیم در ارغنداوه شش‌روز به روز — یکشنبه ۱۲ شوال‌المکرم داخل‌خان‌اباد گردیده روزدوشنبه ۱۳ شوال‌المکرم کارات گمرك — مرکزی‌قطغن وبدخشان‌راتسلیم‌شده شروع‌بکار نمودیم درحق‌پادشاه اسلام وان محترمان دعای

خیر نمودیم ـ لهذا از رسیدن خود ها وتسلیم شدن کارات خود حضور محترمان را اطلاع دادیم ·

نقل از جریده شریفه بیدار مزارشریف
تاریخ ۱۵ شوال المکرم
۱۳٤۷
(۲)

تنظیمات و یا تبدل تشکیلات ·

تشکیل ریاست تنظیمیه :

ازانجا که عالیجاه عزت وصداقت همراه میرزا محمد قاسم خان که یك شخص خیرخواه ملت و دولت است وقارئین عظام از نیات حسنه اسلامیانه این شخص خدمتگار صادق دین و دولت وتکلیفاتیکه برای موصوف در اوائل سال ۱۳۰٦ شمسی از ضبط شدن اموال منقوله وغیر منقوله وحبس وقیود اتیکه به نسبت سوء تفهم بامر حکم امان اللهخان پادشاه سابـــق افغانستان تصادف نموده ، تا یکدرجه استحضاریت دارند اینك لازم امد که تا یك اندازه شرح حال ماضیه این شخص شریف باشرف را توضیحات بدهیم ·

چون عالیجاه موصوف شخصی صاحب قوم وبادیانت در مزارشریف وایبك وتاشقرغان رسوخ ونفوذ زیادی داشت وموصوف همیشه مرجع همه گونه حوائجات ملت مزارشریف بود ، واهالی سمت ترکستان اورا با وضع احترامانه کلان خود می شمردند ولی حکومت سابـــق ازین رسوخ ونفوذ شان بسوء تفهم حد مرکرده ، برای سلب این اقتدارات بهانه براو گرفته وجمعا اموال منقوله وغیرمنقوله اورا ضبط وخود شرا محبوس و بعد چندی بکابل بردند اهالی مزارشریف ازاین اقدام ناگوار حکومت مذکور خیلی متأسف و متاثر گردیده ، وبیك یاس واضطرابی هیجان داشتند ولی دران زمان چون همین تصادفات بر موبی الیه مقدر بوده ، تا سال گذشته بمرکز کابل بودند ·

واز قراریکه اداره اطلاع دارد تاچند روزقبل انقلاب امان الله خان برای موصوف ـ فرمان داده بود که شما در ترکستان رفته با نائب الحکومه معاونت کرده ، بخدمات دین ودولت میکوشید · چون موصوف بدل ازردگی داشت چندی معطل کرده ، تا اینکه جناب شجاع دین پرور عدالت گستر خادم دین رسول الله (صلعم) امیر حبیب اللهخان تخت سلطنت را تحول نمود جنابموصوفرا بنظر عزت دیده ، وبمراحمات خسروانه مسرور وبرای امید واری وتلگرپی اقوام عزیز او اهالی ترکستان بریاست تنظیمه منصوب فرموده ، واین است که به تشویق حیات فوق وارد مزارشریف گردیدند ·

واز ین نقطه نظر این پادشاه عدالت گستر جناب موصوف را بریاست تنظیمه ترکستان مقرر

والزام فرمودند اعضاء ریاست اول عالیجاه عزت وشجاعت همراه عبدالرحیم خان برگد که حالا به تصویب رئیس تنظیمیه بمرتبه نائب سالاری ملقبات ومشار الیه یك شخصی دلیر وشجاع وصاحبته بیر میباشد دوم عالیجاه عزت وصداقت همراه خواجه عین الدین خان تاجر که شخصی صادق وخیر خواه خالص است .

سوم عالیجاه عزتهمراه غلام رسول خان اسحق زئی است .

چهارم عالیجاه عزتهمراه محمد یق خان کمشحور بهکاکامیباشند از اعزه واشراف واقامه گزین مزارشریف اند .

حضرات فوق الذکر که هیئت انتظامیه ولایت ترکستان شمرده میشوند بکمال صداقت جدیانهبرای فورسی رعایا وتنظیمات وتشکیل دوائرات اشتغال دارند دائره مستوفیت ومدیریت گمرکات واداره شفاخانه وریاست بلدیه ودائره مخابرات وقوماندانی کوتوالی تاهنوز به تشکیلات سابقه انیزیر هر سر اداره های باشرف باوجدان بکمال سرعت وجدیانه واجراات ان عملی است محکمه ابتدائیه ومرافعه به تصویب هیئت انتظامیه لغو ویك محکمه که عبارت از یك قاضی ونائب القضاء ودونفر مفتی تشکیل یافت واهالی ان بموجب اوامرات شرع شریف ازادانه ایفاء وظیفه مینمایند .

علاقه داری جدید التشکیل ۱۳۰۶ تصویب کرده حکومت سابقه لغو وقرار تشکیل زمان امیر شهید بحکومات منسوب گردید .

رئیس باشی ورئیسها ومعیرها وقاری باشی ها بمواضعات لازمه از هیئت تنظیمه مقرر شد ومطرنات روضهٔ مطهره حضرت شاه ولایت ماب بقرار زمان امیر شهید بتوجه این شخص نیت بخیر رئیس صاحب تنظیمه جاری شده احکامات شرع شریف بشدت حکمفرما ست .

چون تشریف شریفجناب ریاست مابی با هفدهم رمضان المبارك مصادف نبوده ازصورت اجراات شان در هر موضوع بشماره هذا ذکر نموده ضمنا از تشریح ترتیبات عید سعید نحل وافراشتن جنده مبارکه روضهٔ مطهره که بتوجه موصوف بقرار زمان امیر شهید اجراشده برای قارئین با تمکین خویش ذیلا معلومات میدهم : (باقی دارد .

— اطاعت اولی الامر —

(٤)

حضرت عبد اللهبن امیر المومنین عمر (رض) فرموده است که ازان حضرت (ص) شنیدم که فرمودند . (من خلع یدا من طاعته لقی اللهیوم القیامه ولاحجته لهومن مات ولیس فی عنقه بیعته مات میتته جاهلیته) .

یعنی : کسیکه دست را از اطاعت وفرمان برداری کشید در روز قیامت باخدای تعالی ملاقی میشود وهیچ حجت وسند نجات برای اوموجود نخواهد بود وشخصیکه بمیرد در گردن او بیعتی نباشد این مرگ او از جاهلیت است .

مفاد حدیث مبارك •

۱ـ دست کشیدن از اطاعت پادشاه زمان موجب باطل گشتن جمیع دلایل نجات اخروی مومن است یعنی اگر دلایل بسیاری ازعبادات برای نجات اخروی داشته باشد ودر ـ اطاعتش خلل راه یابد این درد بی درمان همگی را باطل میسازد•

۲ـ اشخاصیکه در افغانستان بود وباشد ارند ویا پادشاه مسلمانان بیعت نکرده اند ودر ـ گردن شان قلاده اطاعت پادشاه مسلمان نیست مرگ اوشان مرگ جاهلیت است •

ثالثاً حضرت عرفجه صحابی (رض) میفرماید که از حضرت رسالتمآب علیه الصلوات والسلام شنیدم که می فرمودند :

(انه ستکون هنات وهنات فمن اراد ان یفرق امر هذه الامة وهی جمیع فاضربوه ـ بالسیف کاینا من کان) •

یعنی :

زود است که فساد ها و شرور زیادی واقع گردد پس کسیکه اراده کند تفریق امر امت را در حالیکه امت جمع ومتفق باشد بشمشیر بزنید وبکشید ان تفریق دهنده را هرکسیکه باشد •

مفاد حدیث مبارك :

۱ـ معجزه ظاهره ان حضرت (ص) ازین حدیث ثابت میشود که بوقوع شرور وفسادات ونزاع در امر خلافت قبل از وقت ان خبر داده اند وهدایت اصحاب وباقی مسلمانان را ـ فرموده اند •

۲ ـ تفریق دهنده امر امت بعد ازانکه هر شخصی اجتماع شان حاصل گردد وهرکه باشد لازم القتل است ومراد این است که اگر شخصی مدعی فضیلت باشد وباعث وموجب تحریك فتنه گردد وتفرقه در اجتماع مسلمانان خلل افگند همان شخص باوجود فضیلتش واجب القتل است زیرا که تصریحات اوامر شرعیه وهدایات نبویه مقتضی بقای امن وامان ودفع فساد و ـ فتنه میباشد وتحریك فتنه اگرچه فرضاً برای نتیجه نیك باشد بحکم شرع انور ممنوع ومحرك ان واجب القتل است• ونیز حضرت عرفجه (رض) که راوی حدیث قبل است فرموده است فرموده ـ است که شنیدم از حضرت رسول مقبول (ص) که میفرمودند :

(من اتاکم وامرکم جمیع علی رجل واحد یرید ان یشق عصاکم اویفرق جماعتکم فاقتلوه)

یعنی : چون امارت شما بر مردی قرار یافته باشد واجتماع شمایان حاصل باشد پس هرکه اراده خلل اندازی در اتفاق شمایان بنماید یاتفریق دهد جماعت شمارا بکشید اورا •

(باقی دارد)

بیعت های ولایات و ملحقات آن

(۵)

بیعت نامه کلنگار لهوگرد — ۹ شعبان ۱۳۴۷

بسم الله الرحمن الرحیم .

(الحمد لله رب العالمین والصلوات والسلام علی سید الکونین محبوب رب المشرقین و المغربین حضرت محمد مجتبی احمد مصطفی صلی الله علیه وسلم وعلی آله واصحابه)

اما بعد بموجب هدایت وافی کفایه حضرت ذوالجلال که در قرآن مجید وفرقان حمید فرموده (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) اطاعت وفرمان بردار یپادشاه اسلام را برعایا واجب ولازم گردانیده است چون بوجود پادشاه اسلام فوائد دینیه ودنیوی از حد افزون مرتب ومربوط است چنانچه حفظ دین ووطن ودولت واهل واولاد واموال رعایا واجتماع واتحاد واتفاق اهل اسلام تاخواص وعوام وکافه انام اهل اسلام از آسیب حوادث روزگار در سایه او به آسوده حالی وخاطرجمعی زیست نمایند چون بنای دین بنابر اتفاق واتحاد واجتماع اهل اسلام ونفاق وقلّه و شقاق موجب ضعف اهل اسلام وغلبه کفر واهل طغیان است لهذا بر طائفه اهل اسلام ضرور و واجب است که برای خودها بنا بر حفظ دین وشریعت مقدس نبوی وجمعیت اسلامی شخصی راکه لایق پادشاهی بدانند بپادشاهی خود انتخاب نموده به او بیعت نمایند که همان پادشاه حفظ دین وشریعت ومذهب وشعایر اسلامی راکه تغیر وتبدیلی بر آنها رو نماید نموده و مرتدین و زنادقه ومبتدعین بدعت را شرعا زجر وتوبیخ دهد واقامه حدود و استیفاء قصاص وامن راه هارا ازشر دزدان وقطاع الطریقان بنماید وتحفظ سرحد های اسلام را با انواع والات جنگ بر خود لازم داند تا بلاد اسلام از شر کفار وقطاع الطریق مامون ومصئون باشد وحفظ جمعیت اسلام را هم بنماید تا ضعف ونقصان در دین وملت پیدا نشود واهل اسلام را بر اقامت جمعه وجماعات وادار وائمه ومدرسین و مفتیین و محتسبین و واعظین متدین نیز مقرر نماید و با رعیت بر طبق امر حضرت الهی بعدل واحسان وموافق سنت مصطفی (ص) و سیرت عمری (رض) رفتار وکردار نماید .

بنابرین چون امان الله خان پادشاه سابق مان از امارت مخلوع ومعزول گردیده جناب امیر حبیب الله خان که اقدام باعلای کلمة الله وحفظ دین وشریعت ومذهب وجمعیت اسلامی نموده وجناب ممدوح متعهد شده که بطبق مقررات امر حضرت الهی وشریعت نبوی و سیرت عمری رفتار نماید چنانچه علما ومشایخ وسادات وسائر رعایای شمالی ومشرقی وکابل وغیره مشارالیه را به پادشاهی خودها قبول کرده به او بیعت نموده اند چون جناب ممدوح ظاهرا صاحب سیف وغلبه دیده میشود وفی الحال متصف با وصاف مذکور ودارای لیاقت پادشاهی است ما مردم قریه جات کلنگار وغیره اورا نیز به پادشاهی خودها قبول کرده بیعت نامه هذا را بذریعه وکلای خود بحضور ممدوحی تقدیم نموده عهد میکنیم که باوامر ونواهی امیر حبیب الله خان

که خلاف شریعت مقدسه نبوی نباشد اطاعت کرده بدادن مالیات وزکوات مشروعه وعند الحاجات بمعاونت مالی وجانی اماده ایم فقط . امضاء ها :

نازمحمد کلنگاری — ملادین محمد — حضرت میان غلام سرور— صاحبزاده مجددی— حضرت میان غلام — اکبر مجددی— ملاعبد الغفور — خواجه ولی محمد — عبد الرحمن— خواجه محمد سعید حضرت میان غلام یحیی مجددی— حضرت میان عبد الحق مجددی— حضرت میان غلام معصوم مجددی— حضرت میان شبیر احمد مجددی . باقی امضا ومهر وشصت انگشت ۱۸۶ نفر دیگر .

هو المستعان

بیعتنامه اهالی تریهکخیل لهوگرد

۲۸ شعبان .

بحضور اعلیحضرت خادم دین رسالت پناهی (صلعم) امیرحبیب اللهخان ما مسلمین اهالی تریهکخیل عرض مید اریم که به اول فتح وتمهید اراسلطنه کابل تمام رعایا واهالی مذکوربـــــه رضا مندی وخورسندی بیعت نمودیم چه که بیوم جمعه مبارکه کهقبایل اکاه ملا عبد الحمید اخند — زاد بصاحب موسی خطیب مسجد جامع باتفاق ما ذکر اسم امارت انصاحب راد رخطبه نمود — بنابران چون اوصاف جمیل واخلاق حمیده امیر صاحب موصوف را مسموع شدیم که محی شرع شریف واعلاء کلمه اللهوکتقدیدین متین حضرت رسول الله را نمود وقالع بدعات وضلالات وگمراهی گردید — صغیر وکبیر وعوام وخواص شکرا للهتعالی جل جلالهرا بجا کرده وامارت این شخص کامل بقرار امر کتاب الله تعالی واحکام شریعت غرا بجان ودل قبول نمودیم وبدعاگوئی مزید عمر وترقی دین ودولت مشغول میباشیم . امضاء ات :

عبد الحمید صاحبزاده — ملا جان محمد— ملافضل احمد — ملا یار محمد— شیرعلی — خان زاده — خواجه عبد الرسول— طرباز خان— سراج الدین— ملا عبد اللطیف— عبد الرشید — محمد عالم باقی امضاء ونشان شصت ۸۹ نفر دیگر .

بیعتنامه اهالی پادخوابوشانه لوگر

۵ ۲ شعبان

بسم الله الرحمن الرحیم :

قال الله تبارکوتعالی جل جلاله واطیعوا اللهواطیعوا الرسول واولوا الامر منکم .

چون بنا بر موجب ایهٔ رحمه مذکوره اطاعت اولی الامر واجب ولازم بوده ومیباشد مایان علماء وسادات وسائر رعایای پادخوابوشانه علاقه لوگر اطاعت امیرمسلمانان خادم دین رسول الله (صلعم) امیر حبیب اللهخان راقبول داریم وبا او بیعت نموده ایم وپیشوائیم کهپادشاه دینپرور رعیت نواز میباشد ومایان از امیرصاحب موصوف رضامند میباشیم وازخداوند قادر سبحان جل جلالهخواستاریم که امیر موصوف را برجاده شریعت غرا وخدمت دین نبوی (صلعم) مستقیم داشته باشد مبارکباد وپاینده باد بیرق این پادشاه مسلمانان . فقط

امضاء ات :

ملا میر زکریا مدرس وخطیب یاد خواب وشانه — ملا سید اجابالدین مدرس — ملا محمود مدرس یاد خواب وشانه — میر یحیی — میرعبدالرحیم علاقه دار سابق — ملا احمد — ملا غیاث الدین مدرس — میرجمال الدین — میر شاه محی الدین — ملا محمد اللف — ملا خان محمد خان ملا جلاد خان — ملا غوث الدین خان — میر سبحان — علاوالدین — ملاء نادر ·

بمهر تدامها هالی حصارک لوگر — سلخ شعبان ۷ ۱۳٤

شعبان المعظم · بسم الله الرحمن الرحیم ·

(الحمد الله الذی هدانا الی الاسلام وبین انا الحلال والحرام وامرنا باطاعتنا طاعته — رسوله والصلواه والسلام علی سیدنا وحبیبنا محمد ص) ن المبعوث بشیرا ونذیرا وعلی اله واصحابه الذی هم نجوم الاقتدا والاهتدا) امابعد چون برکافه اهل اسلام واجب ولازم است که در هر وقت امیر و اولوالامر ازخود شان داشته باشند که صاحب قدرت بوده بانت باشد تا اقامت حدود وانفاذ احکام شرع ونیره مصالح مسلمین را مطبق امر شرع بر پا دارد بنابران چون جناب امیر حبیب الله خان شخص متدین وتابع بدعت مجاهد فی سبیل الله است وتمام اهالی شمالی اورا به اولوالامری خود قبول ارشده انما یان مردم حصارک لوگر نیز اورا بامارت خودها قبول اریم و جناب موصوف را امیر واولوالامر خود دانسته حکم اورا کمطابق امر شرع شریف وموافق مذهب مقدس ابوحنیفه کوفی باشد بسر وجان ومال قبول اریم وبر رکاب او برای اعلاء کلمة الله بجد جهد میکوششیم واز خداوند جل ذکره برای امیر صاحب موصوف خودها استقامت بر امر شریعت وعدل وبرای خودها توفیق اطاعت وخدمت گذاری بجهت ترقی دین حضرت سید المرسلین مسئلت مینمائیم (قال رسول الله صلی الله علیه وسلم الامام جنته یقاتل وراء صدق رسول الله) · امضاها :

حاجی ملا صاحب الدین — ملا عبدالکریم اخند زاده — جلال الدین — خضر گل — عبد الله خان — نقشبند — باقی امضا ونشان انگشت ۱۰۹ نفر دیگر ·

لایحه

مواد لایحه که راجع به ائر شدن یکه اثر قافله باشی گری عمومی برای ضبط وربط امورات — حمل ونقل بتحت اوامر وزارت تجارت در مرکز ازطرف مثل الیها ترتیب یافته واز حضور نائب السلطنه صاحب منظور گردیده است سواد آنرا عینا برای استحضار تجار محترم و کرایه کشها و — باقی اشخاص ذیلا درج نمودیم ·

نقل لایحه وظائف قافله باشی گری ملکی و نظامی با احکام نمبره ۸ تاریخی ۱۳ ذی قعده الحرام حضرت عالی نائب السلطنه صاحب اینکه :

۱ — قافله باشی همیشه مراقبات داشته باشد که هر کجا بار گیر موجود بشود بذریعه کلان شونده های صنف کرایه کش یا بذریعه سرجماعه های کوچی به نسبت ضرورت وقت بارگیر موجود کند تا به کرایه صاحب مال را نمود صفت ورایگان بالای احدی خدمت نکند واگر بد ولت معلوم شد که وجه

کرایه بکرایه کش داده نشده ویا کمتر رسانیده شده و اثبات شد یك روپیه کرایه پنج روپیه زجرا از قافله باشی وسرجماعه ها حصول وباز خواست لازم هم شده موقوف می شوند ۰

۲ـ قافله باشی که بارگیر را تقسیم میکند اگرچنین فرصتی برای عسکری مثل حال زیاد بارگیر بکار باشد قافله باشی دیانتدار بخرچ برده پنج یك بارگیر موجود را برای تجاران باقی را بخدمت عسکری محول کند مثل از صد یابو بیست راس را برای تجاران وهشتاد را برای عسکری بدهد ۰

۳ـ اگر ضرورت دولت اوسط الحال باشد مناصفه را محول خدمت دولت نموده مناصفه را برای تجار وغیره بدهد ۰

٤ـ اگر برای دولت بارگیر ضرورت نباشد همیشه بارگیر موجوده جالان مال التجاره و ضرورت اهالی بین تجار واهالی تقسیم کند ۰

۵ـ چون برای برطرفی کشدند وکی شبهه عسکری ویا بند شدن نکردن معاملات تجارتی و اهالی دائرهٔ قافله باشی گری تجویز شده تقسیمات بارگیر تماما بذریعه دائره قافله باشی گری میشود برای اینکه یك نوع افراط جاری نشود ویا بکرایه کشها کسی تکلیف نه دهد بدست اشخاص کمسند ادارهٔ قافله باشی گری نباشد جمع وری نمیتواند ۰

٦ـ چون ادارهٔ قافله باشی گری مرجع عمومی بارگیری است وهمیشه بارگیر احتیاج میداشته باشد برای اینکه بدون روز ویا بدون استحضار قافله باشی گری کسی بارگیر را تعویض نشود کرایه کش بمحافظ کردن سند اجازه حمل ونقل از اداره قافله باشی گری محتاج است اگر سند اجازه حمل ونقل بدست کرایه کش نباشد باندازه کرایه که از صاحب مال گرفته وجه نقد بالای او ـ تحویل خزانه شود وهم اگر اسم کرایه کش بقرار تاریخ دادن مسلسل داخل دفتر باشد وسند اجازه از دست او مفقود شده باشد کرایه کش مجرم شناخته نمیشود حق مثنی را دارد ۰

۷ـ ادارهٔ قافله باشی گری وحسابات مربوط وزارت تجارت است وهم سر رشته طی و بند شانیکه داشته باشد از وزارت تجارت کند وبر هر امور امر مافوق خود وزارت تجارت را ـ بداند تا دیگر دوایر درکار قافله باشی گری مداخله وزیر دستی نتواند وهم قافله باشی گری خلاف رفتار نتوانند ۰

۸ـ قافله باشی گری که مال تجار را بکرایه میدهد اگرخود صاحب مال کرایه کش را میشناخت ونسبت به شناخت خود بالای کرایه کش اعتماد میکرد از صاحب مال در کتاب خط گرفته شود که نمبر تاریخ اجازه نامه حمل ونقل واسم کرایه کش در سند یکه تجار میدهد توضیح باشد اگر مال او در منزل نرسد ادارهٔ قافله باشی گری مسئول شناخته نمیشود واگر صاحب مال بکرایه کش اعتماد وبلدیت نداشته باشد قافله باشی وسرجماعه تم از اول وقت اهلیت وغیر اهلیت کرایه کش را زیر نظر گرفته مال را تحویل کرایه کش کنند تا مال تجار مفقود نشود واگر مفقود گردید وپیدا نشد چون قافله باشی وسرجماعه ها مستخدم هستند ومعاش ویا حصه میبرند قافله باشی وسرجماعه مسئول

قیمت مال مفقود شده گی شناخته میشوند وهم قافله باشی ازاول مد نظر داشته باشد که سرجماعه ها اشخاص یاد یانت وصاحب جایداد باشند تاکه قافله باشی اطمینان نداشته باشد سرجماعه را داخل اداره نکند ·

۹ــ چون برد وبراد اره قافله باشی گری تمام تکلیف ماده های فوق وموجود کردن بارگیر وهم مسئولیت مال تجار واجراات ضرورت عسکری وغیره حمل ونقل کارهای دولت گذاشته شده ومعاشرهیا حصه برای شان لازم است در سابق که قافله باشی گری بود از اهل عمل وجوه شریکه حصه داشت حالا هم نظر باین مسئولیت وتکالیف وزارت تجارت طرفدار حصه مذکور است ولی برای حصه گرفتن که باشد عایداتی داشته باشد چون در سابق از اشتر دو روپیه واز قاطر ویابو یکروپیه وهم از مرکب محصولی داشت حال هم باید محصول خودرا از کرایه کش گرفته ۶ یکه حصه خود را وضع نموده وبمامورین خودرا هم از ۶ یکه معاش داده وبد هند که برای دولت باقی را بقرار حساب تحویل خزانه دولت نموده رسید حاصل وبر قطع حساب بملاحظه وزارت تجارت برسانــــد ·

۱۰ــ چون در سابق مرجع عموم قافله باشی گری های دولت مرکز دارالسلطنه کابل وقافله باشی ان ملا وسرالدین خان بود وتمام مامورین قافله باشی وبارچالانی ها وحسابات وعمل ودخل قافله باشی گری ها از محالات وولایات تعلق مرکز داشت حالا این اداره قافله باشی گری هم مثل سابق اختیارات وضبط وربط عمومی قافله باشی گری هارا میتواند ·

۱۱ــ برای معاشات ومطرفات شان علیحده چیزی از دولت داده نمیشود همان ۶ یکه را که از سرجمع بطور حق الزحمه حصه میگیرند تمام معاشات ومصارفات خود راهم از همان مبلــغ کند وتشکیل مامورین خودرا هم خود شان نمایند ·

۱۲ــ در کدام اوقاتیکه جهت ضبط وربط بارگیر برای شان قوه الظهر لازم باشد چون ــ مامورین اداره طرز ملکی می باشند نسبت به اوقات لازمه نظر بعد رخواست شان امداد سوار ــ وپیاده از طرف دولت حق دارند ·

۱۳ــ محصولیکه قافله باشی از برکبهارانه ازکرایه کشها گیرد باید یکقلم سند اخذ محصول که عدد ونوع بار هم دران باشد برای کرایه کش داده ویکی برای صاحب مال هم بدهد وسیوبین را بطور ثبت به اثره حفظ کند ·

۱۴ــ در اوقات خوف راه قافله باشی نظریات داشته باشد که بار تجار را مفرد نفرستاده بطور بدرقه قافله هارا حمل ونقل وحکم عبور بدهد اگر نظر به خوف واخلال کلی یک اندازه قوت الظهر را لازم بداند از وزارت حربیه نظر بدرخواست قافله باشی معاونت کرده شود ·

احکام نمبر ۸ حضور عالی نائب السلطنه صاحب اینکه ۱۴ مواد فوق از حضور عالی ما گذارش یافت منظور است ــ قافله باشی مکلف است باجرای مواد مذکور ۱۳ ذیقعده الحرام سنه ۱۳۴۷)

مسايـــل ديـنـــــــي

(۱)

ازين جهت ناظم عليه الرحمه شكر گذاري اين نعمت را نموده ميگويد :

كه الحمد لله تعالى جل شانه چون مصطفى (ص) پيشوائي داريم كه سردار وبهتر وبرگزيده و انگشتر نگين همه است كه پيغمبري را حلقه نموده ونبوت بروختم شده است وبيان شريعت و اظهار طريقت را براي ما فرموده كه هيچ چيزي از احكام شريعت وراهاي طريقت را پنهان نگذاشته كه هركه در شاه راه ان برود گمراه نمي شود وهركسيكه قدم ازان طريق بيرون نهد بسر منزل مقصود نميرسد وچون بعد از ذكر نام پيغمبر عليه الصلوات والسلام درود گفته ميشود .

ناظم عليه الرحمه گفت : كه رحمت هاي خداوند جل شانه تعالى تا روز قيامت بپايي بروا(ص) باد وبعد از نعت سرور عالم (ص) مدح چهاريار كبار (رض) رانموده ماند بيان نمود كه دوستدار حضرات ايشان مي باشيم وبطريق اعتقاد اهل سنت وجماعت كه در مرتبه وخلافت ايشان دارند ودارايم نام هاي مبارك ايشان رابه همان ترتيب ذكرنمود وختم نعت ايشان را بدعا نموده براي همه دوستداران پيغمبر ص دعاي رحمت نموده باجابت مقرون باد (اغاز كتاب مستطاب واعتذار از جانب مصنف كتاب) .

شرح لغات

مستطاب) پاك ونيكو (اعتذار) بيان كردن عذر (مصنف) تصنيف كننده .

ای مصلی بیا طهارت کن — خانهٔ دین خود عمارت کن

چون بیاری طهارتی ظاهر — باطنت نیز حق کند طاهر

ان طهارت که قسم جسم امد — ظاهرت را همه سه قسم امد

تن بغسل وضو چه پاك كنى — اب گر نيست قصد خاك كنى

(شرح لغات)

مصلی) نماز گذار (عمارت) اباد (طاهر) پاك (قسم) حصه وبهره (جسم) مراد بدن است .

حاصل ابيات

اي انكسيكه اراده خواندن نماز را داري . بيا تن خودرا كن پاك وخانهٔ دين خودرا اباد ساز كه بدون پاكي بدن نماز روا نمي شود وبترك نماز خانهٔ دين ويران ميشود كه نماز ستون دين است .

ودر پاك كردن ظاهر بدن ديگر حكمت نيز موجود است كه عكس نوران بر باطن مي تابد اعتقاد باطني نيز پاك وقلب مستحكم ميگردد بازمي فرمايد كه ان طهارتي كه حصه ظاهر بدن است سه قسم است — اول وضو — دوم غسل — سوم تيمم —

شرح اين سه نوع را گوئيم — زانكه چو كان شرع را گوئيم

در طهارت فريضه و سنت — برتو خوانم روان بي منت

پس بيان نماز وروزه كنم — توشه عمر پنج روزه كنم

شرح لغات

(چوکان) چوبی است که بان گوی رازنند (کوی) چیز قلطانی است که بچوکان انرا زنند — (منت) برکسی احسان نهادت) عمر پنجروزه) مراد عمر بی وفا وبی اعتبار دنیای فانی است.

حاصل ابیات

می فرماید کهچون طهارت ناهرید ن سه قسم است شرح وبیان هرسه قسم ان را — میکم وفرض وسنت انرا بی تکلیفوبی منت بیان میسازم بعد از بیان هرسه قسم طهارت بیان نماز و روزه رامیکم وچون درین عمر پنجروزه بر هر شخص لازم است که توشه سفر اخرت خود را اماده سازد و ان بکارهای نیکو می شود واین تصنیف نیز ازجمله عملهای نیک است انرا توشه عمر خود ساخته برای سفر اصلی خلق خود کهسفراخرت است اماده میکم این بود سبب تصنیف کتاب مذکور که بیان شد . (باقی دارد)

کابل مطبع سرکاری

صفحه اول (جریده هفته‌گی حبیب‌الاسلام – سال اول شماره ۱۰) (نمبر مسلسل ۱۰)

واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا

حبیب الاســـــلام

اداره‌خانه – د افغانان کابل – افغانستان – نمره تلفون
سردبیر – سید محمد حسین
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است
در هر هفته یکمرتبه روز پنجشنبه نشر میشود
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

قیمت سالانه	ششماهه
درداخل ۵ افغانی	۳ افغانی
درخارج ۱۵ شلنگ	۸ شلنگ
(یکشماره ۱۰ پول)	

(تاریخ قمری ۲۱ ذیقعده ۱۳٤۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۹ ثور ۱۳۰۸ هجری)

کیفر و کردار

(۱)

از مکافات عمل غافل مشو – گندم از گندم بروید جو زجو

چون درعالم ظاهری تخم نباتی زیر خاک پوشیده وپوسیده گردیده باوجود تغییر کلی حال بعد از مدتی مثال آن هفتصد تخم دیگر را پیدا میکند وهیچ فرق در شکل وصورت اصل ونتیجه نمیباشد درجهان معنوی همچنان قول وفعل انسان هرچند درتنهائی صادر شده مرخفه رازی بران سپری شود درانجام منجر بهمان قسم خوبی یا خرابی میگردد که سخن وکار اول بود اگر چه جزای اولی مثنوی به تی است اما درین دنیای ناقص نیز یک نمونه آن نشان داده میشود –

(ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون)

کی نکوکردی وکی کردی توشر کفتهٔ یاد نقش دربی اثر
گر مراقب باشی وگیری رسن حاجتت ناید بهقتی امدن

لطف ایزدی درجزا وسزای دنیا اینست که آدم غافل همه ترف اجر وزجر خیر وشر گشتابند همیشه براعمال صالحه ثبات واستقامت ورزد ·

اولا یرون انهم یفتنون فی کل عام مرة اومرتین – ثم لایتوبون ولاهم یذکرون – ایا نمی بینید که در هر سال یکبار یا دو کرت در فتنه انداخته وازموده میشوند بازهم ازافعال بد برنمیگردند وپند ونصیحت نمیگیرند – چون این ابتلاهای ششماهه وسالانه موجب عبرت نشود ظلم وتعدی ومعاملات دروغ ومکر وفریب ودیگر ذمائم باصرار بر قرار بماند تنور غضب خداوندی بجوش می اید وهمه را فرقاب عذاب میگرداند وکاین من قریة اهلکنا وهی ظالمة وهی خاویة علی عروشها – چقدر قریه هارا هلاک کردیم چون اهالی ظالم بودند عمارات شانرا بر سقف ها سرنگون انداختیم وکم قصمنا من قریة کانت ظالمة وانشانا بعدها قوما اخرین – چندین قریه های را زیر وزبر ساختیم که اهالی انها ظالم بودند وبعد ازان دیگر قوم را جاگزین وقلقلقق متصرف نمودیم ·

در قران کریم ذکر بسیار اقوام است که بسبب گناه هاي خود بر باد فنا رفتند وان گناهها چه بود ·

در میزان وترازوي عدل راستی نمیورزیدند حقوق مردم رابهره نمیدادند براي خود قد زیاد می گرفتند وبراي دیگران کم میدادند قطع سبیل خلاف فطرت می نمودند قول وفعل شان مطابق نبود و بزبان محبت وتملق بدل کینه وعناد می پروانیدند خویشتن را مقرب بارگاه الهی دانسته غیر را ذلیل وحقیر می شمردند بعض بندگان خدا راکه در خلقت مثلوي شان بودند غلام واسیر و قتیل می ساختند على هذا القیاس مرتکب جرایم وخطایاتی می شدند که مورد قهر خداوندي گشته حجت عفو شان نمیماند ع رحمت حق بهانه میطلبد — بلده طیبه ورب غفور — اگر شهر پاك باشد پروردگار امرزنده ماست چون طهارت ونظافت ظاهر وباطن مفقود شود البته کردگار جبار و قهار است نبئ عبادي اني انا الغفور الرحیم وان عذابي هو العذاب الالیم — الله سازنده گان مرا کفی الحقیقت من امرزنده و مهربانم وعذاب من هم عذاب دردناك است ·

حالا بنگریم که از گناه هاي امم سابقه کدامیست کدر ما نیست · اگر ما مثل شان بزه کار باشیم چه فضیلت داریم که از عقوبت مان برهاند — قبلا یهود ونصاري میگفتند نحن ابناء الله و احباؤه وقل فلم یعذبکم بذنوبکم — ما فرزندان و دوستان خدائیم بگوپس چرا او تعالی بوجه گناهاي تان شمارا عذاب میکند اگر همچنان ما مسلمانان بگوئیم جواب ما هم عیان است ایا عذا بیکه بر جلال اباد واهالی سمت مشرقی نازل شده است ازروي زمان ومکان بعید ود ور استکه از عبرت گیري انها غفلت کنیم — [illegible] اسباب ان چه بود · ما اصاب من مصیبه فیما کسبت ایدیکم — مصیبتی که بشما میرسد کسب دست خود شماست رضی الله انطنا تیقظ بعد هم — لان معا بالزید مزجره العمرو — شیخ سعدي در باب تباهی بغداد و پادشاه واهالی ان مرثیه خوانده این — انتباه می نماید که بعد ازان مردم بیدار شوند زیرا مصیبت یکی باعث احتیاط دیگري میشود — از واقعه جلال اباد بعبرت امدن ومقایسه ان بکابل نمودن یامسئله محض است که تعلق بحیات وممات ما دارد بلکه نجات جاودانی درهمین مضمر است چه اکثر موجبات فناي دنیا باعث هلاکت ابدي میگردد مثلا نفاق وشقاق چون پریشانی امارت ومحکومیت میارد فی الدرك الاسفل من النارهم میرساند ·

در کابل مثل جلال اباد انقلاب بوقوع امد اما ازان انهدام قصرها وکاشانهها وخرابی خانه ها وخانمانها که بصورت کلی ومدهش رود اد درینجا عشر عشیر ان واقع نشد — ما سکنه کابل در اعمال خود بهیچ وجه ازانها بهتر نبودیم اما توفیق دران اشخاص بود که خداي ملیك ومقتدر قوت وغلبه بایشان بخشید — باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ [illegible] لاله روید ودر شوره بوم خس — همان ابی [illegible] می بینی طراوت مایه گلها — جو بر ائینه باشی کلفت زنگار می بیند افلم یسیروفی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون او اذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار ولاکن تعمی القلوب التی فی الصدور) ایا درزمین نگشتند پس

برای شان دلها باشد که عقل کند یا گوشها که بشنود ــ بتحقیق چشمها کور نمی شود بلکه دلها کور میشود که در سینه هاست احتیاج بتوضیح یا تکرار این امر نیست که کابل مثل جلال اباد تاخت وتاراج نشد یا مال غارتگری وتباه وبالا از بیل وکمال نشد حالانکه درینجا بیشتر احتمال این بود بلکه جهان محو حیرت است که فاتحین ذی اقتدار چسان ضبط وربط نمودند اشنایان بشکران رطب اللسان اند که خدای عنان ورحمان در جملهٔ عساکر قاهره افراد بزرگی را پیدا ــ کرد که بمرد انگی ومروت بلکه بزجر وعقوبت عنان تجاوز و تظلم را بر گرفتند وبیگانگان زبان استحسان می کشایند که ان ذوات قوی ومدبر لشکر مظفر را ازانستم ودست درازی مانع امدند که در دیگر ــ ممالک بفتح وسرشاریان وابسته می باشد فی الواقع این شیوه وشعار مسلمانان گرام است ·

درین احوالیکه فاتحین بصفات مزبوره دار السلطنت را در قبضهٔ خود اورده بنظم ونسق مملکت شب وروز بجد وجهد مشغول اند که بیشتر بان مصیبت قلقله مشاهده نمیشد ودوست اجنبی مقر انست اگر اختلاف وانتشار در اتطرف ملکطول بکشد ایا علاوه بر خونریزی ــ مسلمانان اندیشهٔ اعادهٔ سانحهٔ جلال اباد نیست · بعقیدهٔ ما هدایت مولنا قابل تعمیل این وان است · صوفی ابن الوقت باشد ای رفیق ــ نیست فرد الگفتن شرط طریق ·
درین قدر مدت پادشاه مجاهد واراکین باتمکین دولت حاضر را خوب ملاحظه کرده اید سخنان شاهانه از دربار ومجالس بمسامع عموم رسیده نیت نیک فکر سلیم وکردار مستقیم همایونی را ــ ثابت گردانیده است هکذا اعیانیکه بعد از ذات امیری درجات بلند را مالک اند چنین اوصاف حمیده وشمائل پسندیده را ابراز داده اند که برهمت شجاعت فتوت رافت ومعدلت شان ــ یک عالم گواه وشیفته است یک خصلت عالی وممتاز شان اینست که اهل علم وکمال را موقع اظهار رای داده بایثار تام در ادارهٔ حکومت مشوره می گیرند وازین مقام مواقع بدست می اید که اهالی لایق وفایق متابعت ومعاونت شان نموده در استحکام وتقویت حکومت موجوده حصه بگیرند تا مرکز مستحکم گشته خدشهٔ ادخال دیگری نماند وتمام افغانستان باز متحد شده که خوف خانهجنگی وبد امنی بر طرف گردد وبالاخر امن واطمینان حاصل شده وسائل ترقی وتعالی ملت وملک بعمل اورده شود · (باقی دارد)

واقعات محاربات

واقعات محاربات ازکوتل خیرخانه الی وردک که ازطرف سردار صاحب اعلی اجرا شده و شامل فتح بوده ازطرف میرزا عرب شاه خان بطور واقعه نویس تعیین شده وقرار امر حضور سردار صاحب اعلی بعد از ملاحظه دائره شاقاسیت برای نشر اخبار باداره رسیده است قرار ذیل است ·

فتح کابل ازکوتل خیرخانه در شب ۲۳ جدی بروایت میرزا عرب شاه خان کاتب جنگ در شبیکه دمه های کثیف روی افق را فرا گرفته بود تقریبا ۱۵۰۰۰ نفر نظامی امانی در نقاط حاکمه کوتل خیرخانه وسلسله ازجبل استحکامات داشتند ما مجاهدین شمالی که یک عده

محدود بودند در اطراف قلعه های مراد بیگ وحواشی ومضافات ان سنگرهای متین برای کمین طرف مقابل گرفته بودند .

در همین شب دمدار سردار صاحب اعلی حمید الله خان معین السلطنه با معیت ۲۵ نفر یک حمله دلیرانه بوقت ده بجه شب بر عساکر کوتل خیرخانه وارد کرده نخست با تیر های تفنگ اطراف ایشان را تهدید وقوای انهارا پراگنده ویکعده ازنفری خاص را دستگیر وباقی انهارا شکست داد توپهای ۱۸ پن و ۳٦ پن تفنگها خیمه ها وغیره سامان بسیار از غنایم حربی در [illegible] تصرف امد واز طرف مجاهدین هیچ تلفات نشد عده اسیر بحضور امیر مجاهد حبیب الله خان در قلعه مراد بیگ فرستاده شد . سردار صاحب اعلی بر مقابله دوام کرده تا شب دوم سر راست بکابل امدند وبر شهر قبضه نمودند درهمان شب با عده عسکری مزار شریف که از طرف وزارت حربیه امانی به کمک کوتل خیرخانه سوق داده شده بودند سردار صاحب اعلی تصادف کرده بعد از محاصره مختصر شان خلع اسلحه نمودند .

فتح میدان ووردک

بعد از تصرف کابل چون وزارت حربیه ودوائر حکومتی جدید دایر شد بیعت نامه های میدان وغزنی ومظافات ان بکابل رسید .

وزارت حربیه برای اوردن بیعت ها وامنیت نقاط مختلفه مثل قندهار وغیره سوقیات بطرف قندهار اجراء نمود مردم وردک ومیدان درحین عبور عساکر بحدود دشت توپ از استحکامات سری مقابله شدید با قطعه نمونه وباقی عساکر نموده به قطعه مذکور تلفات جانی ومالی وارد نمودند .

چون قطعه مذکور مقدمة الجیش وازین مقابلات سری بیخبر بوده تلفات داد لهذا باقی قطعات عقب درحدود چوکی ارغنده ومیدان برای مقابله استحکامات گرفتند .

بنابران رویه نالایق مردم وردک ومیدان سردار صاحب اعلی معین السلطنه لزوما باعده از اردلیان حضور شان رهسپار ان صوب شدند وبیشتر جنگی عساکر را به عهده گرفته به محاربه اغاز نمودند وبعد از مقابله مختصر سنگرهای انهارا متصرف شده قلعه های شان که دران موضع بود باتش توپ تخریب گردید درین محاربه هیچ تلفات واقع نشد اهالی بیطرف میدان که بکوهها فرار کرده بودند برای استمداد از بحضور سردار صاحب پوزش ولابه زیاد نمودند وهم ازبیطرفی واطاعت خود اظهار کردند .

سردار صاحب هم باسائر شان مهربانی کرد فرمودند که [illegible] بخاطرجمعی بقلعه های خود سکونت پذیر شوند .

بعد از فتح چوکی ارغنده مردم وردک بتی بادام را اشغال نموده در نقاط حاکمه ان استحکام گرفتند تخمینا چار هزار نفر به تحت قیادت جلاد خان سرکرده جنگ وردکها به

به عملیات مخاصمانه اغاز نمودند .

روز دیگر بوقت پیشین سردار صاحب موصوف با نفری همرکاب شان ومیرزا عرب شاه خان — کاتب جنگ بمحاربه اغاز نمود متعاقبا بلفشد بد بین طرفین واقع شد وتاوقت شام این محاربه — دوام کرده بالاخره مردم ورد لشکست خوردند واستحکامات شان به تحوف عساکر غیور درامد درین جنگ هم هیچ تلفات باین طرف نرسیده است .

سردار صاحب علی شب را در سرده ورد لنگر رانیده علی الصباح قلعه های اشوبیان که دران حدود بود با نش توپ تخریب وچند نفر شانرا هم دستگیر نمودند .

در همین شب خبر رسیده بود که نفری شکشی انها پل انجارا خرابکرد وبر نقاط حاکمه مرتفعه کوهای تکیه استحکامات گرفته اند .

سردار صاحب علی اول پل مخروب را به زیر نظر خود تعمیر وترمیم نموده بعد ازان — عساکر را بطرف استحکامات شان سوق نمود .

در بین شیخ اباد ورد لتوتکیه بین طرفین محاربه شروع شده سردار صاحب پیش جنگ عسکری بودند وباتش توپ وتفنگ تواپ انهارا تهدید میکردند بعد از مقابله کم ایشان تاب مقاومت عساکر را نیاورده سنگرهای خودشانرا تخلیه کرده فرار نمودند متعاقبا سنگرها ازطرف عسکری اشغال شد .

در همین حدود جلالخان سرکرد جنگ انها باچند نفر دیگر ازسرغند های شان — دستگیر شدند . درین محاربه شکست متوالی ازطرف سردار صاحب بایشان داده شده — است . شیخ اباد وردك كاملا درتحوف عساکرامد اشوبیان که ازطرف عساکر غیور پراگنده شده بودند بنقاط حاکمه تکیه استحکام گرفتند .

سردار صاحب برای گذرانیدن شب به سکونت جای خود در شیخ اباد وردك مراجعت — کرده علی الصباح مکررا برانها هجوم بردند بعد ازحملات متواتر استحکامات انجارا هم از نزد شان اشغال نمودند .

عبد الکریم خان سرغند شان کفرارکرده بود درین دره وردك محاصره گردید وعساکر ازچار طرف سنگرها وقلفا استحکامات دره مذکور را محاصره وقائم کردند .

سردار صاحب برای اقامت شب درجای معتاد خود امدند اهالی بطرف وردك که بکوها فرار نموده بودند واز اسارت جلالخان ومحاصره عبد الکریم خان واقف شدند ریش سفیدان وکلان شوند گان شان بحضور سردار صاحب امده عفو خواستند وازبیطرفی واطاعت خود اظهار نمودند .

سردار صاحب با سائر شان ___ تلطفات فرموده ایشان امر دادند که در قلعه های شان بخاطرجمعی سکونت پذیر شوند وهم فرامین باسمای دیگر فراریها ارقام وارسال فرمود مز تا بجاهای خود سکونت پذیر گردند .

دیگر روز عساکر تمام نقاط حاکمه انجارا هم بدست اورده عبد الکریم خان با سه چارصد

نفر دیگر دستگیر شـــد .

سردار صاحب اعلی جلاد خان را با عبد الکریم خان سرغنه هاي شان بودند در موتـر خود بکابل اورده بعد از مختصر تشهیر بحضور امیر صاحب والا تقدیم نمودند وباقـی نفري اسیر را عساکر متعاقبا بکابل اوردند .

این توجهات متوالی سردار صاحب موصوف دلیر بر شجاعت تامه وعزم سخت واستقامت وثبات شان می باشد .

میرزا عربشاه خان نویسنده شان هم درین محاربات قدم بقدم شریك بوده لذا از طرف سردار صاحب لقب کاتب جنگ را احراز کرده اند .

هزیمت امان الله خان
شاه مخلوع

برحسب اطلاعات واصله امان الله خان شاه مخلوع که رجعت اورا بامارت نه شرع – مباح میدارد ونه عقل می پسندد ونه رعایا قبول میتواند چه ارتکاب غیر مشروع او اظهر من الشمس وابین من الامس بوده هنوز تکرانجات کار معنوي او از خاطرها زدوده نشده که باز دوباره خیال فاسد اشغال تاج وتخت را بدماغ خود پرورانیده براي وصول باین مقصود لا طائل خود در بین اهالی پروپاگاند وتحریکات نموده بالاخره یك عده فوجی او باچیزي نفري اقوام هزاره بحدود غزنی وارد شده بودند .

اما بفضل وعنایت حضرت کردگار عسکر غیور ما که قبلا بان طرف اعزام واهالی وردك را طرفها وگرها منقاد ساخته ومرکز اردوگاه خودرا شهر غزنی تعیین نموده بودند [illegible] بعد انهم شان پرداخته تلفاتی جانی ومالی زیادي بانها رسانیده درنتیجه اوشان را – شکست فاحش داده که فرار را بر قرار اختیار نموده وجانب قندهار رجعت قهقري نمودند واز پلان بمقصود غرض اندود شان ناکام ومهجور شدند . سپس عسکر غیور ما از غزنین روانه مقـر گشتند وان نواحی را تحت قیاد خود اورده خبریت طمانیت نامه دران حدود حکمفرما و موجب ثنا وستایش اوتعالی است .

درنتیجه رجعت قهقري اوشان پنجاه وپنج عراده موتر تیز رفتار ولاري بعده چهارصد پیپ تیل موتر وچند دانه اتواب وتفنگهاي زیاد وبارگیر اشتر ویابو به تعداد کثیر افراد – عسکري انهارا عسکر غیور ما متصرف شده واسیر نموده انکه اسارا و موترهاي شان را بحضور جناب اعلیحضرت امیر صاحب بکابل حاضر داشته اند .

براي برادران اسلامی وصاحبان بصیرت تبصره میداریم که هر قدر برادران اسلامی که درین راه حصول مقصد نامشروع امان الله خان مخلوع گشته شده اند عند الله مخود منکور ماخوذ عند الناس ملامت است زیرا او از تغییراتی که بدین مبین سید المرسلین وارد ساخته بود حافظ دین محمدي

از خود او و خانه دانش اسم اولی الامری را برداشته وبدیگر مخلوق عالم اثبات حقانیت و قادریت خودرا ثابت تر ساخته به انظار سلاطین اسلامی یکنمونه تمثالش ساخت تا هرکه خلاف احکام الوهیتش نماید همچنان رسوا ومخذول شدن خود را نائل خواهد شد .

مکتــــوب

از ولایت کابل اطلاع میدهد : فرمان مبارک نمره ۲۱۹٤ـ۷۷ مورخه ۲۱ ذی قعده ـ الحرام ۱۳٤۷ امیر صاحب غازی بولایت شرف صدور بخشیده اینکه :

عالیجاه عزت همراه محمد محسن خان والی ولایت کابل را واضح خاطر باد :

انچه نفری قزلبین چی وتند هاری که حین محاربه ستگیر شده و محبوس هستند همه را بحضور حاضر دارید تاشرف پابوس حضور را حاصل نمود وبعد ملاحظه حضور فی ادم ـ بیست روپیه بقسم سفر خرچ وبخشش بذریعه شما برای شان مرحمت فرمود مرخصت خواهند شد تا بوطن خود ها رفته اسوده باشند . فقط .

بنابران تسوید فرمان مبارک فوقا برای استحضاریت شما تحریر شد که نفری مذکور به ذریعه تدائی دولتشرفیاب حضور مبارک اعتشاهانه گردیده وبعد از نوازش شاهانه و ـ بخششی بیست روپیه گی وایس رخصت شده اند . نقل فرمان مبارک را داخل اخبار مینمائید تا از نوازش و مرحمت پادشاهی همه مسبوق باشند .

نقل ازجریده شریفه بیدار مزار شریف تاریخی ۱۵ شوال المکرم

(۱۳٤۸)

(۳)

ورود سعادت امودعید سعید فطر ومراسمات ان :

چون هلال ماه مبارک شوال المکرم در لیل چهار شنبه در فضای ولایت عزیز ما روشن دیده شد به موجب حکم قاضی شرع شریف برای اهالی مزار فیض اثار به یازده فیر توپ عید ـ بودن فردا اعلان شد بنابران صبح روز مذکور از ساعت ۷ عموم اهالی از وضیع وشریف از هرکوچه وگذر جهت اداینماز بصحنه روضه مطهره حضرت شاه اولیا که یکجای وسیع ومسجد جامع شمرده میشود اجتماع ورزیده وبوقت درینوقت جناب ریاستماب بمعیت هیئت محترم انتظامیه و عالیجاه شجاعت نشان شیر علی خان جرنیل نظامی تشریف اورده موزیقه عسکری بعد از سلامی دربار حضرت شاه ولایت وسلامی پادشاهی بذوات مشارالیهم نیز ادای سلامی نموده برای اینکه هیچ کس ازشرافت نماز محروم نماند جناب موصوف در صف نمازگذاران نشسته علماء و ـ واعظان حقانی بالای منبر برامده ازادانه تبلیغ امر ونهی خداوندی واحکامات دینی را ـ ساعت ۱۰ بجه نماز عید با یکجمع کثیری ادا وخطبه را نیز امام روضه شریف خوانده درحق پادشاه اسلام عموما دعای خیر نمودند . سپس جناب محترم رئیس صاحب بالای منبر برامده

بیانیهٔ ذیل را ایراد فرمودند :

اولا ورود این عید سعید را برای عموم برادران دینی خود تبریك و تهنیت میگویم و — ثانیا تشکر میکنیم حضرت باری تعالی از فضل وکرم خود پادشاه مهربان شریعت پروری برای ما عنایت نموده که ازطفیل آن به مراسمات دینی خود بوره رسیده نمازعید را بجامه ودستار که سنت سنیهٔ حضرت سید مختار است ادا نمودیم واز امید واثق داریم که حضرت الله تعالی ما وشما را باین عید های اسلامی همیشه نائل گرداند که به همچو روزهای فیروز — ابراز خوشی وشادمانی واظهار مسرت وکامرانی نمائیم در خاتمه دست نیاز بدرگاه حضرت بی نیاز بلند نموده مسئلت می نمائیم که سایه این پادشاه دین دار شریعت پرور را هیچ از سر ما وشما کم وکوتاه نسازد ودین ما را ازلطف عمیم خویش روشن داشته ما وشمارا توفیق — کرامت نماید که بامورات دینی خود همیشه پابند بوده بصراط المستقیم شریعت غرای محمدی (ص) مستقیم باشیم . امین .

بعد ازان دعا نموده مردم هر طرف رفتند چون یکروز قبل عید ازدائرهٔ تحریرات دربار معلی برای قضات وعلما ومشایخ ومامورین ملکی ومنصبداران نظامی وخوانین ومعتبرین و جنرال قونسلگری دولت روسیه وصنف تجار وغیره اعزه واشراف شهر تقریبا الی هزار تفرتکتهای خبری چهاپی رسیده بود جمیع مدعوین بساعت معینه به سلام خانهٔ باغ حضوری امده اخذ موقع نمودند . ساعت ۱۱ بجه جناب ریاست ماب بمعیت عالیجاهان عزت وشجاعت نشان عبدالرحیم خان نایب سالار وشیر علی خان جرنیل نظامی وغیره هیئت محترم ومنصبداران تشریف اورده ازطرف مفرزهٔ حاضر باش بوزیفه ادای سلامی وازطرف حاضرین رسم تعظیم واحترامات شان بجا اورده شد وبعد ازان جناب رئیس صاحب عید مبارکی واظهار لطف ومهربانی نموده و در صدر مجلس نشستند بعد ازان برای همه حاضرین باد ستمال های ابریشمی ونخی تاسه درجه قند وشیرینی داده شده ساعت ۱۲ برای عموم بقرار سر رشتهٔ عصر امیر شهید — نان مکلف با حاضری خوانچه بست داده شد بعد ازصرف چای وشیرینی وتناول طعام تا ساعت یك مجلس بگرم جوشی تمام دوام ورزیده عموما دعا وسلامتی پادشاه اعلام پناه را — نموده مرخص شدند .

اطاعت اولی الامر

(۵)

حضرت عبدالله بن عمر فاروق (رض) روایت نموده است که ان حضرت (ص) — فرمودند (من بایع اماما فاعطاه صفقه یده وثمرت فواده فلیطعه ان استطاع فان جاء اخر ینازعه فاضربوا عنق الاخر .)

یعنی : کسیکه بیعت کرد با پادشاهی وپیمان دست وثمرهٔ دل خودرا بوی داد پس لازم است تا وقت وجود قدرت واستطاعت در اطاعت او قصور ننماید واگر دیگری امدعیا پادشاه

موجوده منازعه کند گردن ان دیگر را بزنید •

بازاز حضرت عبد الله بن عمر فاروق (رض) روایت شده استکه ان حضرت (ع) فرمود • (ان السلطان ظل الله فی الارض یاوی الیه کل مظلوم من عباده فاذا عدل کان له الاجر و علی الرعیه الشکرو واذا جاء کان علیها الاصر وعلی الرعیه الصبر •)

یعنی : پادشاه سایه خدای تعالی جل شانه است درزمین که هر ستم دیده و ظلم کشیده از بندگان اوتعالی بوی رجوع میکند وبیداد خواهی نزد وی میرود اگر عدل کند اورا اجر ثبت و بر رعیت شکر لازم است • وچون جبور وستم نماید بروی بارگناه لازم و بر رعیت صبر واجب •

یونس بن اسحاق تابعی از حضرت پدر بزرگوارخود که صحابی حضرت رسول مقبول (ص) است روایت نمود که انحضرت (ص) فرمود :

کمانکونون کذالك یؤمر علیکم •

یعنی : چنانچه بوده باشید هم چنان امیر وحاکم بر شما مسلط میگردد (چه) خوبی و بدی حاکم بر وفق اعمال رعایاست وبه همین مضمون درجای دیگر ثابت شده است که (اعمالکم عملکم یعنی عمل های شما عاملان شما است) وتفصیل این خطاب درحدیث اینده بخوبی مذکور است •

حضرت ابو درداد ی صحابی (رض) روایت نموده است که انحضرت (ع) فرموده که الله تبارك وتعالی میفرماید :

انا الله لا اله الا انا مالك الملوك وملك الملوك قلوب الملوك فی یدی وان العباد اذا طاعونی حولت قلوب ملوکهم علیهم بالرحمت والرافت وان العباد اذا عصونی حولت قلوبهم با السخطه والنقمه [illegible] فساموهم سره العذاب فلاتشغلو نفسکم بارعاء علی الملوك ولکن اشغلوا انفسکم بالذکر والتضرع کی اکفیك ملوککم •

یعنی :

منم خدای برحق کههیچ معبود برحق بجز من ملك پادشاهانم وپادشاه ـ پادشاهان • دلهای پادشاهان در دست تعرف من است چون بندهگان من اللعت ورزند مرا دلهای پادشاهان شانرا برایشان نرم ومهربان میگردانم وچون بندهگان عصیان ورزند مرا ـ دلهای پادشاهان شانرا بقهر وعذاب رسانی متبدل میسازم که ایشانرا بعذاب شدید معذب دارند وچون این همه امور مخصوص اراده وفرمان من استپس هرگز خودرا به بدگفتن پادشاهان خود مشغول مسازید لیکن چون ازایشان جوروستم بینید خودتان هارا بذکر وتضرع و زاری بدرگاه من مشغول سازید تاکفایت شمارا از پادشاهان شما بنمایم •

این حدیث حدیث قدسی است که عبارت ولفظ ان از حضرت رسول مقبول ومضمون ان از حضرت الله تعالی وتقدس است وحضرت رسول مقبول حکایت انرا بزبان هدایت ترجمان خود فرموده مسلمانان کامل العقیده را دستورالعمل کافی وشافی است که اختیار جمیع امور از حضرت حق تعالی است خوبی وبدی بالادستان مربوط حسن عمل وسوء عمل زیردستان است • الله

تعالی اعمال‌مارا خوب و بر شریعت مطهره مطبق داشته باشد تا همواره از مراحم شهریار خود مشغول عواطف خسروانه بوده باشیم . (باقیدارد)

بیعت هاي ولایات وملحقات ان

(٦)

بیعت‌نامه محال بامیان — ۲۱ شعبان .

بسم الله الرحمن الرحیم .

مایان اهالی‌محال بامیان از مامورین‌وکلان‌شوندگان وموسفیدان وعموم رعایاي منکسی پذیر تعلقهٔ حکومتی بحضور باهرالنور مبارك‌اعلیحضرت پادشاه مسلمین اعنی امیرحبیب‌الله خان غازی‌عرضمیداریم که : امروز ان‌جوان جوان‌بخت که محض از براي روشنی دین مبین حضرت سید المرسلین‌خودرا فداکار قرار داده قدم براي‌اعتلاي دین مقدس رسول مقبول (ص) در میدان‌مبارزه گذاشت تاپیروان این‌دین‌مقدس اسوده حال گردیده براه راست مستقیم باشند لهذا ما مردم غربا وفقرا بحکم ایه والی هدایه (اطیعوالله واطیعوالرسول و اولوالامر منکم) اول بلبل اسا زبان‌را بشکریه چنین نعمت‌عظمی وتبریك تخت وسلطنت جاري داشتهیدهاي از دیاد عمر ان‌پادشاه خویش وترقی دین ودولت میگرائیم ثانیا بصداقت و خلوصیت قلبی خودرا جانفشان ومطیع‌پادشاه خود مطبق بامر شرعی‌پنداریم ودوست‌پادشاه را دوست‌ودشمن شانرا دشمن‌خودها میشماریم اگرچه پدر ومادر ما باشد که از راه شرع‌شریف‌وامر پادشاه سر مو تخلف ورزد ما انهارا دشمن بلکه قاتل‌سرخودها دانسته باداش میدهیم . فقط امضاء ها :

محمد اکبر مامور مالیه — محمد حسن — محمد نور — عبد الستار خزانهدار — میرزاجان خوانین — سید محمد محسن خوانین — شیر محمد — باقی امضاء ومهر ۹۰ نفر دیگر .

بیعت‌نامه زرمت جنوبی — ۲۹ شعبان .

الحمد للعالذي جعل القرقان‌لناس موعظته وتعلیما وکلمته بالحق‌تکلما وطوات‌علی من امرنا بحقه یصلوا علیه وسلمو تسلیما) .

اما بعد از منت‌ایزد پاك وستایش صاحب لولاك تحفه هذا ازجانب‌خوانین ذیل بحضور جناب المجاهد فی سبیل الله امیر حبیب‌اللهخان‌خلدالله ملکه دراسعد ساعات‌وبهترین‌اوقات شرفوصول یابد پس‌ازتقدیم تعظیمات معروض‌اینکه چون در زمانه ماضیه اثار کفر وبدعت بسبب اختیارات امان‌اللهخان‌شائع گردید این فدویان جاده اسلام وعلماء سمت‌مایان درچاره دفع ان‌احکام خلاف شرع‌با همدیگر مشوره نمودیم وعریضه ها ازعدم جواز ان امورات مخالف شرع‌تحریر و بواسطه حاکمان اوبحضور فرستادیم ازجواب انها مایوس‌گردیدیم بعده ناچار

عزم مقدمه اختیار کرده چنانچه بخود آن صاحب بحر معلوم است مدت ۹ ماه حتی المقدور محاربه نمودیم چون بعضی ازمردم اقوام مایان ازابتداء طرفدار او بودند وبعضی ازمردم سمت مایان ابوه • کلام ربی وبعضی را به فریب طرفدار خود گردانیدند وعلاوه بران زمستان رسید ازسبب شدت سرما واز مخالفت منافقین اقوام خود و توه • عساکر امان اللهخان ازمقاومت عاجز گردید بعضی در وطن خود خسته دل ماندیم وبعضی به اختیار خود ها فرار هندوستان شدیم غیر از امید بخدا ورسول خدا چاره ووسیله دیگر نماند بعد از مدت پنجماه در موسم بهار درعلاقه انگلیس جمعیت اقوام مغروین خود را نموده اراده • لشکرکشی وامدن دارالسلطنه کابل را نمودیم چون حاکمان انگلیسی از کیفیت باخبر گردیدن خوانین قوم اقوام را بی خبر گرفتار نمودند مدت ششماه محبوس گردند بواسطه دلالت امیر مذکور محبوس بودیم بعد از مدت مذکور ازحبس انگریزها رها شدیم چون درانجا بالای انگریز بی اعتبار شدیم بعد از مدت دو سال سفیر انگریز بواسطه اعتبار حاکمان افغانستان بحضور امیر صاحب موصوف در سنه ۱۳۰۵ مارا فرستادند ومعاف شدیم وعلاوه در لوی جرگه گردیز مایان ۲۵ نفر را محبوس نموده مدت یکنیم سال در ارگ محبوس بودیم درزمانیکه جنگ ان مهربان با برادران شمالی درحد باغ بالا شروع شد مایان را رها نمودند وچند وقت میشود که بخانه های خود ها امدیم عقب مردم علما وخوانین ساعی میباشیم به اهمان مهربان بیعت نامه مرقوم نمودیم باقی زنده باد پادشاه محبوب القلوب ما •

امضاء ات : عبد الغفور — سید حضرت شاه — عبد الکریم — محمد فضل — عبد الکریم — دین محمد — جمعه گل — در محمد — جان محمد — ملا برته خان — محمد سرور خان — فیض محمد خان — ملا محمد علم — عبد الرحمن — جان محمد — ملا خیر محمد — داد محمد •

بیعت نامه میدان و کهمرد — تاریخ ۲۳ شعبان

افتتاح کلام بنام واجب الاعتصام مایان اهالی میدان وکهمرد صدقا وصمیما ازروی مواسات وانقیاد به فحوای عروه الوثقی شریف میثاق نموده چنین اقرار میداریم که فطرت انسانی خود را از مجال الغوایت خلاصی داده ذات عالی صفات المجاهد فی سبیل الله امیر حبیب اللهخان را جانشین امارت سلطنت افغانستان دانسته ذات عالی موصوف را حارس وطن وترقی بخش دین مقدس خویش پنداشته اوامر اورا نافذ واطاعت انرا جائز می شماریم واین بیعت نامه • عاجزانه را بحضور مبارک تقدیم میکنیم از نوازشات شاهانه امید است که قرین اجابت گردد درخاتمه دعای سلطنت وجود شاهی راکرده واعدای دین را سرنگون ومنفعل میخواهیم • امضاء ها :

العبد المذنب محمد یوسف — محمد امان — غلام محمد — غلام حیدر — محمد رفیع — محمد کریم — عطا محمد ملک محمد — شاه محمد ملک محمد — با امضا وبهر ۲۲۰ نفر دیگر •

مسایل دینی

(۱۰)

اب دست نماز باید کرد — دل مقام نیاز باید کرد
روز محشر که جان گداز بود — اولین پرسش از نماز بود
پس مکن در نماز ها تقصیر — تا در آن روز باشدت توقیر
خود سنائی چو پس نیکو گفت است — در ره نی نگر که چون سفت است
غم دین خور که غم غم دین است — همه غم ها فروتر ازین است
غم دنیا مخور که بی هوده است — هیچ کس در جهان نیاسوده است
من بعجز و قصور معترفم — نی چه نادان و احمق و خرفم
پیش ازین گفته اند اهل سلف — عذر من صنف قد التهدف
لیک بر قدر خویش کوشیدن — بهتر ی کاری وخموشیدن
من بقدر مجال کوشیده م — فقه را برد نظم پوشیدم
نکنی عیب گر تو بتوانی — که درو حلهٔ به پوشانی
اسپ تازی اگرچه میتازد — لاشهٔ خر خویشتن نیندازد

شرح لغات

(عجز) ناتوان (قصور) کوتاهی (معترفم) اقرار کنندهام (خرف) بی عقل (اهل سلف) علماء صالحین گذشته گان (من صنف قد التهدف) هرکیکه تصنیف کرد نشا نهٔ تیر ایراد گشت — (خموشیدن) خاموش بودن (مجال) طاقت (برد نظم) چادر نظم مراد خود نظم است ·

حاصل ابیات

بیان عذر تصنیف کتاب رامی فرماید که بعاجز بودن وکوتاهی علم خود اقرار میکنم ونادان و احمق نیستم که بکم علمی خود اقرار نکنم و اگرکسی برکتاب من ایراد کند عذر وجواب انرا پیش ازین علماء پیشینه رحمهم الله تعالی جل جلاله گفته اند که هرکه تصنیف کرد نشانهٔ تیر ایراد گشت با اینکه نشانه ایراد شدم تصنیف این کتابرا کردم وچادر نظم را بر مطلق فقه شریف پوشانیده انرا به نظم بیان کردم تا حفظ ان اسان شود زیراکه بقدر طاقت خود در کار دین کوشیدن ازبی کاری وخاموشی بهتر است ·

بازبطریق عذر می گوید که اگر درکتاب مذکور عیبی به بینی خورده وعیب مگیر واگر بتوانی بخلعت اصلاح انرا بپوش که طاعت بقدر طاقت است انچه وسع بشری من بود صرف کردم اگرچه مانند فقهای معتمد ومعتبر رحمهم الله تعالی نمی باشم واگرچه اسپ عربی نیز میدود خر لاغر نیز خودرا نمی اندازد وبراه میرود پس اگر بدرجهٔ اجتهاد نرسیده باشم بان مسئله های شرعیه را از گفتار فقهاء کرام نظم کرده میتوانم ·

در بیان فهرست کتاب

صد وهفتاد وبیت وده باب است　　لایق روزگار اصحاب است
معجز ودل پذیر افتاده است　　لاجرم بی نظیر افتاده است
این ترا یادگار از شرف است　　نام او درجهان بهر طرف است
از بخارا ست مولد ونسبش　　واز خراسان علوم ومکتسبش

شرح لغات

(اصحاب) یاران (موجز) کوتاه (دلپذیر) پسند بده دلها (لاجرم) ناگزیر (بی نظیر) بی مثل وبی مانند (شرف) اسم مخلف کتاب است که در اصل شرف الدین است وبسبب ضرورت — شعری دران کوتاهی نموده است (مولد) جای تولید شدن (علوم) علم ها (مکتسب) جای کسب علم اوقق ۱

حاصل ابیات

این کتاب مشتمل بر ده باب ویکصد وهفتاد بیت که لایق زمانه یاران که لفظ ان کوتاه ومسئله های نماز وروزه را به تمام فرا گرفته است وبه ان سبب در دل ها پسند بده امده وناظم علیه الرحمه بیان اسم خودرا نموده تاکتاب او چنان نشود که مصنفش معلوم باشد واز درجه قبول بیفتد بنابران بیان نمود که اسم من شیخ شرف الدین است رحمتا اللعته الی که نام من بهر طرف مشهور است برای تو این کتاب ازمن یادگار مانده است که تولد من در بخارای شریف بود وکسب علم را در خراسان نموده ام

یا الهی بده تو توفیقم
راه بنما بسوی تحقیقم

چون تصنیف کار بزرگ است وجای خطر است که در احکام دینیه خطا نشود بنابران — مناجات بدرگاه قاضی الحاجات نموده میگوید که بار خدا یا مرا توفیق ارزانی کن وبسوی — حقیقت مسئله های دین مرا راه نمای ·

که دران خطا نشوم که خطای عالم خطای عالم است حق سبحانه تعالی به برکت حبیب خاص خود صل الله علیه وسلم هیچ مدانان را نیز از خطا نگهدارد ·

(باب اول در بیان وضو واین باب مشتمل است بر چهار فصل)

فصل اول در بیان فرایض وضو

(فرایض) بمعنی فرضها است وفرض نزد اهل شرع ان است که ثابت شده باشد بدلیل قطعی که دران هیچ شک وشبهه نباشد وبنده بگردن ان ثواب می یابد وبه ترك بعذاب الهی گرفتار میشود وبه منکر شدن ان کافر میشود در فرضیکه دران اختلاف نباشد وبه ترك فرض عمل فاسد می شود ·

در صباح ورواح ولیل ونهار — در وضو نیست جز فریضه چهار
شستن روی ودست مسح سراست — شستن پاي نیز مع تیراست
ربع سر مسح فرض باید دید — لازمش همچو فرض باید دید

شرح لغات

(رواح) شام (لیل) شب (نهار) روز .

حاصل ابیات

در شب وروز و هر وقت کسی وضو کند فرض دران چهار چیز است .

١— شستن روي از نرمهٔ گوش تا نرمهٔ گوش دیگر وازجاي رستن موي پیشانی تا زیر زنخ .

٢— مسح چهار حصهٔ سر

٤— شستن پاي تا شتالنگ که شستن شتالنگ نیز فرض است .

پس اگر همه این چهار یا یکی ازانها یا بعضی از یکی ترک شد وضو درست نمیشود .

فصل دوم در بیان سنت هاي وضو

چون وضو واجب نداردناظم علیه الرحمه بعد ازبیان فرض بیان سنتهاي وضو را نموده و مراد قلد درین جاسنت مؤکد است وان نزداهل شرع ان است که پیغمبر ما صل اللهعلیه وسلم همیشه عمل انرا بطریق عبادت نموده ویکبار یا دوبار انرا ترک کرده باشد وبگردن ان بنده ثواب می یابد وبه ترک ان ثواب عمل او ناقص وبعتاب وملامتی گرفتار میشود ١٠ (باتید ارد)

فتوحات اسلام

(فتح بیت المقدس)

(٩)

و اصحاب خودرا امر کرد که شمایان بنگرید که اگر تسبیر ثانیا این گفته خود را تکرار کرد — فورا گردن اورا قطع نمائید تسبیر این فرمودهٔ امیرالمؤمنین رضی الله عنه را بشنید وبدانست فقد و زبان خودرا نگاهداشت چون امیر المومنین رض خطبه خودرا تمام کرد بعد ازان روي بطرف مسلمانان اورد وفرمود که اي مسلمانان من شمارا به ترسیدن ازخداي عز وجل امرمیکنم وچنان خدائیست که هم فنا وهم ابقا می کند وبدون ازذاتخود اوتعالی که باقی است دیگرهمه اشیا فنا میشود واولیاء خودرا از اطاعت خود نافع میگرداند ودشمنان خودرا بمعصیت خود بهلاکتمی اورد اي مسلمانان زکوات اموال خودرا ادا کنید ودلها ونفوس خودرا طیب گردانید ودرین سبب ازطرف مخلوقات ارادهٔ جزا نداشته باشید ونه شکر انهارا اراده کنید وانچه شمارا وعظ نمودم فهم نمائید زیرا که عاقل ان کس است که احکام فقد دین خود را جمع کند وسعید ان کس است که غیر خودرا وعظ نماید وزشت ترین امورات دین نقل کردن — مبتدعات است و فقد بر شمایان لازم اینکه دایم بسنت نبی خود محمد (ص) قایم وارافقاستـه

باشید وهمیشه این اعمال را برخودها لازم گیرید زیرا که عمل سنت ازعمل بدعت بهتر است وتلاوت قران را بخود لازم گیرید که شفاء دلها دراوست ورضاي خداي تعالی راهم درمیابید اي‌مردمان بدانید که روزي رسول‌الله (ص) درمیان ما بپاي شدند چنانکه من امروز درمیان‌شما بپاي شدم وچنین وعظ نمودند ·

که اي مردمان عمل‌اصحابمن را بخود لازم گیرید بعد ازان اعمال کسانی‌راکه ازبعد شان می‌ایند بعد ازان‌دروغ‌گفتن درمیان‌مردمان‌شائع‌میگردد چنانکه ان کسی‌که شاهد گرفته نشده باشد اداي شهادت‌میکند وسوگند میخورند کسانی‌که سوگند داده نمیشوند وهرکه اراده دارد اینکه‌درصدرجنت جاي‌گیر شود باید که حضور جماعت‌رابخود لازم گیرد وازشیطان بخداي‌تعالی‌جل‌شانه پناهبرد وهیچ یکی ازشما بهمراي عیالها — خلوت‌نکنید زیراکه انها ازجمله گروه شیطان اند · ازجمله نیکوئی هاي‌دنیا اعمال — حسنه است — در دنیا وازجمله‌ٔ زشتی هاي‌دنیا گناه کردن‌است‌در دنیا هرکه — حسنات‌را عمل نمود وسیئات‌را ترك‌کرد ان کرمومن است‌الصلواه والصلوات چون از خطبه‌ٔ خود فارغ‌شدند بهنشست وانچه امیر ابا عبیده رضی‌الله عنه را از واقعات اهــل روم ملاقی شده بود بخدمت‌حضور شان‌قصه میکرد چنانکه گاهی می‌گریستند وگاهی ارام بودند · (باقی دارد ·)

کابل‌مطبع سرکاري

صفحه ۱ (جریده هفتگی حبیب الاسلام — سال اول شماره ۱۵ (نمره مسلسل ۱۵)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقـــوا

حبیـــب الاســـلام

اداره خانه — ده افغانان کابل — افغانستان — نمره تلفون

مدیر — سید محمد حسین —

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه — ششماهه
درداخل (۵افغانی) ۳افغانی
درخارج ۱۵شلنگ ۸ شلنگ
یک شماره (۱۰) پول

(تاریخ قمری ۷ ذي الحجة الحرام ۱۳۴۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۲۶ثور ۱۳۰۸هجری)

کیفـــر وکـــردار

از مکافات عمل غافل مشــو گندم از گندم بروید جو زجـــو

(۲)

الان کدام چیز مزاحم امنیت واتفاق وبر امید های اساس وبرتری مملکت حائل وحجاب است مکابرت ومنافرتیکه از تمام ملل ونحل دنیا مرفوع شده در میان ما موجود است — از فرانســـه و روس بضربه های هشتاک طبقات ادنی این امتیازات قدیمه برداشته شد در ترکیه و ایران خطر تبدلاتیکه پیش امده است چشم مارا وانمیکند — اگر بتاریخ عتیق نظر اندازیم عربملکی بود که یکجزو ان بروم ودیگر بفارس باج گذاری داشته اهالی ان البته بعزت وحرمت دیده نمـــی شدند ازهمین جهت بود که چون مکتوب مقدس رسالت پناهی (ص) برای هرقل پادشاه روم گسیل شد اگرچه او بحقانیت اسلام اقرار کرد اما ارکان وسرداران قومش از تکاثر ونخوت سالفه اماده بیکاری شدند که بالاخره منجر بامحای سلطنت عظیم الشان بزنطیان گردید . از همین کبر و رعونت خاندانی کسری رقیمه مطهره انحضرت (ص) را پاره کرد تاحسب پیشگوئی — نبوی (ص) خود شر و مملکتش پاره پاره شده بدست مسلمانان افتاد تلك الدار الاخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض ولا فسادا — این خانه اخرت را مقرر میکنیم برای انهائیکه در زمـــین کبر و کلانکاری نمیکنند وفتنه وفساد نمی پردازند .

این مشیت پروردگار است که عجز وانکسار باوجود یکعرصه اضمحلال بار ارد واز — اثار ان که همه علی السویه مستفید میشوند ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین — ما اراده کرده ایم که احسان نمائیم بر انهائیکه در زمین ضعیف — گردانیده شدند وانهارا امام وپادشاه سازیم وانهارا وارث ومالك بگردانیم . ازین ایه شریفه

استنباط کرده وبرین تشکورزیده باید تمام اهالی افغانستان بحقیقت انقلاب حاضر پی ببرند وباعزاز واکرامیکه براي بعضی خانواده ها مختص بوده دیگران از ان محروم بودند حسرت نخورده احترام وتکریم ان قوس بنمایند کهجانفشانی ومجاهدت برتاج و تخت تصرف نموده اند . بخل وحسد درین معامله سود ندارد وعده خداوندي جل شانه در معرض ایفا امده کمزوران وضعیفان را حق غلبه وتسلط نصیب شده است — لاتتمنوا ما فضل اللّه به بعضکم علی بعض للرجال نصیب مما اکتسبوا وللنساء نصیب مما اکتسبن واسئلوا اللّه من فضله ان اللّه کان بکل شیئ علیما — تمناي ان چیزی منمائید که خداي تعالی بان — بعضی را بر دیگران فضیلت داده است براي مردان همان نصیبا ست که انها اکتساب کنند و براي زنان نیز ان نصیب است که انها اکتساب کنند واز فضل خداوندي جل شانه مسئلت نمائید بتحقیق او تعالی جل شانه داناي هر چیز است .

بسبب خدماتیکه با عاجزي واخلاصمندي وفداکاري بجا اورده میشود اجر مراتب عالیه حاصل میگردد واز کوتاهی وغفلت وظلم . باداش ان لابد است (ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین) پرورد گارا بر نفس ها خود ظلم کردیم واگر برما نبخشائی ورحم نفرمائی البته در خسارمیباشیم درزمان حاضر خصوصا استغفار یگانه وسیله فلاح ورستگاري است وثمره انرا خداوند کریم جل شانه بیان فرموده که بارانهاي فراوان از — اسمان نازل میشود ودر اموال واولاد تان ازدیاد رومیارد باغها ونهر ها در قبضه شما — میاید (یقوم استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین و یجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا — استغفار چیست . بزبان امرزش گناه هاي خود — خواستن وبدل نیت مصمم نمودن که اینده هرگز ارتکاب انها نخواهد شد پس یك ذریعه نجات همین استغفار است ونه کیفر کردار ما خطرناك است (یاایها الذین امنوا علیکم انفسکم لا یضرکم من ضل اذا اهتدیتم) اي ایماندار ان نفس هاي خود را لازم بگیرید ودر اصلاح انها بکوشید کسیکه گمراه شد بشما ضرر رسانیده نمیتواند اگر هدایت یافتید کسانیکه در اتی محرك یا شامل جمعیتی میشوند کمقصد ان کشت وخون در بین مسلمانان باشد بجز غرض ذاتی دیگر مقصد ندارند وارزوي شان خدمت اسلام وبهبودي مسلمانان نیست بلکه فقط مطلب نفسی یا دودمانی دارند واذا قیل له اتق اللّه اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم ولبئس المهاد) چون برایشان گفته شود که از خدا بترس عزتش بوي می انگیزاند که گناه کند پس بس است دوزخ که بد قرارگاه است (واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلك الحرث والنسل واللّه لایحب الفساد) چون برمیگردد در زمین می تازد تا در ان فساد برپا کند وکشتها وجانداران را هلاك نماید حالانکه خدا تعالی جل شانه فساد را دوست ندارد چون درمملکت پادشاهی قائم شد اعیان وارکان بانتظام وانصرام امور مصروف گشتند بعد ازین اقدام بر مخالفت ومقابله حرکت شنیعی است که لاجرم مجازات خواهد اورد که در ایات — کریمه مذکور شــــده .

فتــــح هــــرا ت

مسبوق خواهید بود که اثرات نیه ت پروری ود بند اري ورعیت نوازي امیر صاحب غـازي امیر حبیب اللهخان درجامعه٭ اسلام داخلی وخارجی افغانستان چنانچه باید وشایـــد تاثیر موثري بخشیده شهرت حقیقی خود را کسب کرده میرود چنانچه چندي قبل درهرات از طرف عساکر واهالی انجا بمقابل حکومت نامشروع سابق هیجان وانقلابی واقع گشته محمد ابراهیم خان نائب الحکومه وعبد الرحمن خان فرقه مشر حکومت سابقه کشته شدند ٠ اینـــك خبر [illegible] تلغرافی گرفته ایم که ولایت هرات باقبال اعلیحضرت امیر حبیب اللهخان فتح گشته از صمیم قلب اهالی ان ولا مطیع حکومت اسلامی دینپرور گشته اند باین شرح البته واقفید که عالیجا عزت وشجاعت نشان عبد الرحیم خان نائب سالار بمعیت هیئت تنظیمیه مزارشریف براي تنظیم امورات ولایت هرات ومیمنه از حضور شاهانه با هدایات مکمل عازم ان اطراف شده بود همانا پس ازانجام امورات محوله خود از مزار ومیمنه بایکعده عسکري معیتی خود خودرا بولایت هرا ت رسانیده بنا برینکه قبلا در سالهاي سابق نائب سالار صاحب موصوف در ولایت هرات برتبه فرقه مشري عسکري بسمت سرحد داري کار روائی زیاد نموده بودند واکثرا عساکر واهالی انجا ممنون گذاره وکردار خوبا وبودند درینموقع اکثر افراد عسکري وبعض اهالی انجا کمر همت را بطرف داري قصد نائب سالار صاحب موصوف بسته متفقا بر مرکز هرات هجوم برده بعد از کمی مقابله با محمد غوث خان فرقه مشر انجا بدون هیچگونه تلفات طرفین مرکز را تسلیم شده حکومت عادله٭ امیر صاحب غازي دران جا حکم فرما شد کنون قبضه٭ اختیارات ولایت هرات در دست نائب سالار صاحب موصوف بوده بزیر نفوذ حکومت عادله٭ مرکزي خویش حکمرانی میکند چون اطلاع فوق تلغرافی بود مختصرا باستحضار رسانید شد همینکه بیعت نامه٭ اهالی ان سمت واصل شد با تفصیلات لازمه کیفیت را بلاتفصیل باستحضار می رسانـد ٠

نائب الحکومه قطغــــن

بدیهیست که همواره نظر مرحمت شاهانه نسبت بارامی واسوده حالی رعایاي صادقانه شاهانه مبذول وهمیشه براي رفاهیت وامنیت اهالی کوشیده ارند که امرین دوایر سلطنتی اشخاص لایق و با کفایت مقرر باشد تا براي احدي یکگونه زحمت بوقوع نرسد وازروي نهایت سلامت کارانه اجراات امورات مملکتی کرده شود ازین است که جناب شرافت ماب صاحبزاده عبد الله خان پسر جناب مرحوم صاحبزاده غلام نقشبند خان که یك شخص باشرف ومتدین ویکی ازخاندان نجیب بوده از حضور مبارك امیر صاحب بتاریخ ٢٧ ذیقعده سنه ١٣٤٧ نسبت بارامی ورفاه اهالی سمت قطغن وبدخشان طرف نائب الحکومگی راحاطی ومعظم له بتاریخ [illegible] ذي الحجه ازحضور مبارك امیر صاحب باتی امنای دولت وداع وسبع الخیر عازم انطرف گردیدند لهذا لازم دیده شـد

که از مقرری مظرالیه ذریعه جریده حبیب الاسلام قارئین محترمرا مسبوق گردانیم .
حبیب الاسلام :

ما مقرری این شخص متدین را بسمت نائب الحکومه گی انجا تبریك وتهنیت گفته اتیه درخشانی از کار روائی هایشان از خدای بی نیاز جل شانه مسئلت داریم .

ـــ اطاعت اولی الامر ـــ

(٦)

حضرت عباده بن صامت صحابی (رض) فرموده است (بایعنا رسول الله صلی الله علیه وسلم علی السمع والطاعته فی العسر والیسر والمنشط والمکره وعلی اثره علینا وعلی ان نقول بالحق اینما کنا لا نخاف فی الله لومته لائم وعلی ان لا ننازع الامر اهله الا ان تروکفرا بواحا عندکم من الله فیه برهان)

یعنی :

مایان جماعه اصحاب (رض) با حضرت رسول مقبول (ع) بر امور ذیل بیعت نمودیم .
قبول امر واطاعت در دشواری واسانی وحالت نشاط وعدم نشاط .
قبول برگزیدن دیگری بر ما بحکومت وغیره .
گفتار راست در هرکجا باشیم ودر اطاعت امر خدای تعالی جل شانه از ملامت هیچ ملامت کننده خوف ننمائیم .
نزاع نه نمودن در امارت با اهل ان مگر اینکه کفر ظاهر که نزد خدای تعالی جل شانه حجت وسند عدم اطاعت شده بتواند از وی نمایان واشکارا دیده شود نعوذ بالله منها ـ
این حدیث مبارك که با وجود قلت الفاظ شامل کلیات امور سیاست مدنیه وحاوی اصول حقوق پادشاه ورعیه می باشد کیفیت بیعت رعایای مسلمانان را با پادشاه مسلمان بقرار ذیل ارشاد فرموده است :

۱ ـ قبول امر واطاعت در وقت دشواری واسانی ورضا وعدم رضا یعنی رعایا در امر دشوار و اسان ومطابق خیال ومخالف ان بکلی اطاعت بنماید .
۲ ـ اگر پادشاه بحقی از حقوق بعضی افراد رعیه را مخصوص گرداند وبعضرا محروم بسا بعضی افراد را بر بعض دیگر حاکم وبالا دست مقرر دارد همان افراد زیر دست بقرار امر حضرت پیغمبر علیه الصلواه والسلام حق شکوه را ندارند بلکه قبول امر واطاعت برای رعایا لازم است .
۳ ـ راست کرداری وراست گفتاری در هرجا وهر زمان لازم رعایاست که در امریکه حق خدای تعالی جل شانه باشد از هیچ کس خوف نکرده وبملامت ملامت کنندگان باك نشمرده راستی را پیشه خودگیرند وحقوق پادشاه را به راستی تادیه نمایند واز کذب وفریب وحیله وغدر بسا

ودر بین خود اجتناب تام لازم شمارند •

۴ — در امارت با اهل ان هیچ نزاع وخلاف روا ندارند وتازمانیکه خلیفه مسلمانان مسلمان باشد وکفر صریح ظاهر که هیچ شك وشبهه را دران راه نباشد از خلیفه ظاهر نگردد تا انوقت خلیفه زمان مطاع الامر ولازم الاتباع است ونزاع کننده ومحرك فتنه لازم القتل است و باین نکته توجه مسلمانان لازم است که درین حدیث مبارك که ارشاد حضرت خیرالبشر باد (ص) وموجب اصلاح حالت جمع افراد ورفع فتنه وفساد است در باب عدم نزاع در امارت — تاکیدات زیاد ورود یافته است واعجاز نبوی (صلعم) این امر قبل از وقوع دانسته شده است که بعضی افراد رعیه به تقاضای نفس با امرای زمان خود نزاع خواهند کرد وبهانه — نزاع انان نسبت کفر وظلم وغیره خواهد بود قل نی نی این بهانه موجب تحریك فساد و فتنه است وحضرت هادی صراط المستقیم وبانی شرع قویم علیها لصلوات والتسلیم ازین گونه مقاصد افراد امت را تا قیام قیامت ممنوع فرموده وحفظ قواعد اسلام را باطاعت اولی الامر واتفاق و اتحاد واز وادارای افراد امت مربوط گردانیده وچنین ارشاد فرموده است که تازمانیکه پادشاه مسلمانان مسلمان باشد ومنکر اصول اسلام نگردد واجب الاطاعت ولازم الاتباع است مگر در صورتیکه حکومت مسلمانان بکافری تکیه کند یا حاکم مسلمانان بخذ لان شیطان کفر را اختیار کند (نعوذ بالله تعالی جل شانه) واز اصول اسلام انکار نماید وکفر او ظاهر و— اشکارا باشد که تاویل وبهانه وحیله را دران راه نباشد دران صورت افراد رعیه مسلمان را صبر بر اطاعت وزیر دستی کافر موجب عدم رضای حضرت پیغمبر (صلعم) وباعث تباهی اعمال حسنه وغیرت اسلامیست •

سبحان الله تعالی جل شانه !!!

چگونه پیغمبر صادق وخیرخواه موافق که ارشادات او همگی موجب سعادت دنیا و عقبای ما است از انعامات الهی برای ما عطا واحسان شده است وبشرف امت بودن او — صلعم) افتخار یافته ایم وما مسلمانان بکدام حد واندازه در ادای حقوق دینیه وعمل بمقتضیات اوامر نبویه تفریط و تقصیر نموده ایم که در خدمت دین ودولت خود بهانه جوئی میکنیم • (باقی دارد •

بیعت های ولایات وملحقات ان

اگرچه بوقت مناسب نرسید ولیکن خالی از فائده نشمرده اندراج یافت •

(۷)

بیعت نامه اهالی مرکز مزارشریف — ماه رمضان المبارك

بسم الله الرحمن الرحیم • الحمد لله الذی نور قلوب العارفین بانوار الجمال وحیر عقول — الکاملین عن ادرك عظامته الکبریاء والجلال وعطر مشام ارواح المؤمنین بشمائم الانس و—

الوصال حضیکه صحائف اطباق فلکی منقوش تحریر ان منقش بوده وثنائیکه صفائح وصدائع اوراق ملکی به رقم تحریر ان مقرر بوده احدیکه بر صحیفه اطباق نه فلك توقیع بر کشید ــ که الکبریائی واجب الوجود یکه سیمرغ کبریائیش دراشیانه حق وث نگنجد باســط لووجود یکه معیار علم ومیزان عقل نعوت جلال وطائفش نسنجد حضیکه نقش صنع ربانی در کارگاه فضل ــ سبحانی بردر وبیوار قصر وجود نقش انسانی نقوش اسرار ومعانی درونگاشته بمضمون ایه کریمه که (انی جاعل فی الارض خلیفه) مرقوم ساخته ومسجود ملائك گردانیده انخداوندیکه بساط بسیط ومخبوط زمین با تسحت را فراش قدرتش اراسته وقف سقف اسمان کیوان را ــ بنقوش (انازینا السماء بزینته الکواکب) نقاش قدرت صنعتش مطرا ساخته وصحنه این گلزار عالم انوار یعنی فلك دوار را معنبر مشبتش برانگیخته صد هزار کوکب منور ازگلبن اخضر موسس حکمتش دراویخته وهفت اسمان را بیافریده درهوا مرفوع کرد وهفت زمین را در اب

موضوع کرده اجناس خلائق را درمیان ان بداشته وهریك را بچیزی مشغول ساخت صد هزاران صلوات وسلام و تحفه تحیات نثار روضه منور معطر حضرت سید بشر شفیع روز محشر ان ــ عنوان مقصد نامه وفا ان صاحب معماتخانه صفا ان شمع جمع اصفیا ان چراغ ایلاغ انبیا ان گلبن طریقت شمع شب کرامت صبح روز قیامت خورشید سمای ملاحت شمس فلك رسالت سرور چمن جلالت بدرقیه وفاگوهر درج اجتبا اختر برج اصطفا یعنی حضرت محمد ــ مصطفی (ص) ان خواجه که ایته (لعمرك) تاج ومغفر اوست وایه انا ارسلناك رحمتا للعالمین اعلام نامه منصور اوست انا فتحنا فتحا مبینا لشکر اوست ویسین القران الحکیم گلزار شکفته اوست الم تر الی ربك اشارت به برکت اوست سوره انا اعطینا اشارت بحوض کوثر اوست سوره الم نشرح تعریف قربا وست (ص) علی الخصوص والخصوص یان ثابت مخصوص بایه ثانی اثنین اذ هما فی الغار سر حلقه مهاجر والانصار حضرت امیرالمومنین ابوبکر صدیق (رض) وبران ــ ستایش عرب وعجم واسایش بطی وحرم ومظهر کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله حضرت ــ
امیر المومنین ابوبکر صدیق (رض) وبران ستایش عرب وعجم واسایش بطی وحرم ومظهر کلمه

امیر المومنین عمر رضی الله عنه ان امام معصوم ومحترم وان قبله ارباب حلم وکرم جامــع قران المعظم حضرت امیر المومنین عثمان ابن عفان (رض) وان شیر بیشه شریعت کشتــی گرداب طریقت مبارز میدان خلافت حضرت امیر المومنین علی کرم الله وجهه اما بعد برجمله اهل اسلام وکافه امت خیر الانام ظاهر وهویدا است که نصب امام از ضروریات واهمترین دین و واجبات شرع مبین سید المرسلین است برهمه مسلمانان واجب ولازم است که یك شخص مسلم حر مذکر عاقل وبالغ صاحب تصرف در امورات مسلمانان وقادر بر تنفذ احکام شرع وحفظ حدودات وانصاف ظالم وداد رس مظلومان باشد اورا بامامت نصب نمایند که بسبب وجود اوتنفذ احکام ــ دین وادای حاجات مسلمانان مانند سد ثغور وبناء جسور واقامت حدود الله وتجهیز جیش واخذ عشر وخراج وقهر متغلبه وبغاوت متلصصه واقامت جمع واعیاد وقطع منازعات واقعه بین

العباد تیام وانجام گیرد بناءً علی هذا مایان اهالی مزارشریف بل جمیع ترکستان به جهت اجرات منکوراتقبلا دست بیعت بامیر امان الله داده بودیم چون که امیر امان اللهخان اتوال وافعال خودرا تغییر وتبدیل کرده مقلد برفتار وکرد ار اهل کفره گردید کتاب الله و احادیث نبوی ومسایل دینی ومعتقدات یقینه را ترك داده نظامنامه های جدیدهٔ غیر شرعیه اختراع نموده وبروی کار اورده بدان عمل کرده وحکومت داران خودرا احکامها داده که جبرا وکرها بذمهٔ رعایا اجرا بدارید علاوه بران علما وسادات ومشائخ واکابر وافاضل دارالسلطنه کابل ومشرقی وکوهستان در بیعت نامه های خود ها تحریر داشته اندکه در ۲۲ نقره مسایل که مخالف شرع نبوی ومنافی طریق مصطفوی می باشد ومنجر بسوی کفر بوده به مضمون ایهٔ کریمه (ومن لم یحکم بما انزل الله فاولائك هم الکافرون) وایه دیگر اینکه (ومن لم یحکم بما انزل الله فاولائك هم الفاسقون) وایهٔ دیگر اینکه (ومن لم یحکم بما انزل الله فاولائك هم الظالمون) امان الله مذکور را واجب العزل دانسته فسخ بیعت نموده یم ونیـــز در کتب فقه مذکور است که الامام ینعزل بفسقه‌ـ لهذا مجددا دست بیعت به مجاهـــد فی سبیل الله خادم دین رسول الله امیر حبیب الله داده یم وذات شاهانه ووجود خسروانه اورا پادشاه واولی الامر خودها دانسته اطاعت وانقیاد امر وفرمان اورا بجان ودل قبول دار گردیده یم وچوناورا پادشاه واولی الامر خود ها دانسته ایم نقل بیعت منظور مایان گردید ما مردم مزارشریف وقراءٌ ومضافات ان نیز به موافقت ومرافقت انها وراه نموده به اشارهٔ (وقل جاءالحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا) بیعت امان الله را فسخ ـــ نمودیم اطاعت اورا از ذمهٔ خودها دور کرده بموجب السلطان العادل ظل الله فی الارض من تمسك به نجا ومن اعترض عنه هلك) دست بیعت واطاعت بامیر غیور شجاع ـــ دلیر رافع اعلاءٔ کلمته الله وحامی دین رسول الله امیر حبیب الله داده بمضمون ایه کریمـــه (واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) ذات شاهانه اورا بامارت وامامت خود هـــا قبول دار گردیدیم حکم ونفاذ فرمان اورا پذیر شدیم و بجان ومال ونفس بخدمت او تیام و اقدام بداریم دوست اورا دوست خود ها ودشمن اورا دشمن خود ها می شماریم از ـــ خداوند کریم جل شانه مسئلت داریم واز لطف عمیمش التجا داریم که این پادشاه ترقی خواه دین ودولت را توفیق عدالت وهدایت نصیب گرداناد تا بمیامن عدل وانصاف مراسم جعد واعتساف را محو وناچیز نموده مبانی عدل وامانی رامرفوع ومشید دارد وارکان دیـــــن

قویم وقواعد شرع مستقیم را استوار گردانیده ابواب عدل واحسان را بروی جهانیان کشاده ظل حمایت وعاطفت بر مفارق سرکشتکان وادی نامرادی گسترانند تا کافهٔ رعایا وقاطبهٔ برایا ـــ باسوده حالی زندگانی نموده وجود فائض الجود اورا مغتنم انگارند واز خداوند کریم بقای عمر و ترقی دولت اورا بصدق دل وخلوص نیت مسئلت داریم ۰ امین ۰ امضاءٔ ات :

عبدالوکیل مفتی محکمه ابتدائیه‌ـ سکند رشاه قاضی مزارشریف‌ـ میرمحمود مفتی ـ سید قاسم قزلوچی

محمد اکبر حاکم سابقـ سید قرار رئیس روضه مبارکهـ میر عبد الواسع خطیبـ ملا عبد الواسع نائب امامـ سید محبوب ناظرـ محمد اکبرـ عبد الحسین سرپرستـ سید ابرار خزانه دار ـ نور محمد قراول باشی ـ حاجی غلام جان دربان باشی ـ حاجی محمد اسلم کلید دار ـ خواجه موذن باشی . عبد اللطیف چنداول باشی ـ حبیب الله تحویلدار ـ حاجی عبد الله سرکاتب عبد الغفار کاتبـ محمد رستم کاتبـ مرتضی دربانـ میرزا نعمت اللهـ ایشان طیفور دربان ـ ایشان محمد یوکیلـ ایشان میرزا نعمت الله بن وکیل سابقـ ایشان شمس الدین دربانـ قاری ضیاء الدین موذنـ ایشان عادل دربان سابقـ ایشان اسلمـ ایشان جمال الدینـ ایشان قاری اعلی ـ ایشان میرجانـ ایشان شکر اللهـ ایشان محمد شریفـ عبد الرشیدـ ایشان میرزا عبد العزیزـ ایشان سلطان دربانـ ایشان ملا سید احمدـ عبد الحمید چنداولـ محمد اسلم چنداولـ ایشان محمد خانـ امین اللهـ هدایت اللهـ ذکر اللهـ محمد نعیم مقیم سابقه گمرکات ـ محمد یوسف سید احمد ـ باقی امضا ومهر ونشان شصت ۱۲۲۰ نفر دیگر .

بیعت نامه اهالی عبد الرحیم زائی وغیره علاقه لغمان

فدای حضور پرنور مبارک امیر حبیب اللهخان خادم الملت والدین می شویم عرضداشت فدویان وخادمان دین ودولت خوانین وسفید ریش سفید ان وکلان شوند گان طایفه عبد الرحیم زائی وغیره رعایای تربجات ذیل علاقه لغمان بحضور مبارک والا بتحویست فدایت شویم پادشاهی ـ خادم دین الملت امیر حبیب اللهخان را خداوند نیک ومبارک گرداند واز شفاعت رسول الله (ص) نا امید نشود ودین محمد مصطفی (ص) قایم و برقرار بدارد چونکه ما مردم رعایا وغربا وفقرا از خداوند واز امیر حبیب اللهخان خادم دین محمد رسول الله (ص) راضی ورضامند ـ میباشیم وبیعت نامه های خودرا بمعرفت ها بجاه امیرجان خان ولد مرحوم حسام الدین خان قوم عبد الرحیم زائی بحضور مبارک والا ارسال نموده ایم وخود عالیجاه امیرجان خان شخص مسلمان ودیندار وخدمتگار دین ودولت وخانزاده وبدرکرده می باشد هر امریکه از حضور مبارک امیر حبیب اللهخان بالای ما مردم رعایا فرموده شود بردوچشم قبول داریم زیاد صاحب دولتمختارند تحریر یوم پنجشنبه ٤ ماه رمضان المبارک سنه ۱۳٤۷ . امضاء ومواهیر: جلاد خان ولد شیرگلـ تاج محمد ولد نظام الدینـ شاه اسلام ولد حسام الدینـ محی الدین ولد برات ـ رضا خان ولد شیرگلـ ملا شیر احمد ولد گل محمد ـ نور الدینـ معروف ولد خاکی گل ـ غلام رسول ولد جانگیرـ اسمعیل ولد محبوبـ عبد الخالق ولد برکتـ عبد الحق ولد جمال الدینـ صاحب گل ولد بهرام خان ـ باقی نشان انگشت ۸٥٤ نفر دیگر .

بیعت نامه قوم اللهیارخیل احمدزائی زرمت و اقوام درخیل جدران

ندای حضور فیض گنجور معدلت دستور امیر صاحب شوم .

عرضداشت مایان قوم اللهیارخیل احمدزائی زرمت واقوام درخیل جدران باینقرار است که فرمان عنبر شما مه حضور والا مصحوب میرزا باز خان برای اقوام وخوانین قد زرمت وگرد یز شرف وصول بخشید ، الحمد لله که دین ودولت اسلام روشنی یافت ما به ان ذات عالی خادم دین رسول الله (ص) بیعت کرده وبدرجه انتها مشتاق دیدار ان ذات خسروانه میباشیم که خدمت دین ودولت را بسر وچشم بجا اریم زیاده عمر همایونی در تزاید باد - ۳شعبان - المعظم ۱۳٤۷ . امضاء ها :

صالح محمد خان - محمد هاشم خان - عبد الکریم خان ولد شیرعلی خان - سید جانخان وکیل خیرالله - صالح محمد - ولد ملا جهانداد - دین محمد - کدل - عبد الکریم ولد محمد افضل خان - غلام رسول ملک جهانگیرخان - ملک عبد الوکیل خان - ملک ادم شاه - ملک جانی ملک محمد گل - باقی امضاء ومهر ٦ نفر دیگر .

بیعت نامه قوم سلیمانخیل - ٥ شوال المکرم .

نحمده ونصلی علی رسوله الکریم .

ما قوم سلیمانخیل برای خود ها به امارت امیر حبیب الله خان را انتخاب ونظر بایه شریفه بشرایط ذیل اوامر شرعی امیرالمسلمین را ایجاب واطاعت مینمائیم ،

۱- امیر حبیب الله خان تازمانیکه پابند شرع غرای محمدی (ص) بمسائل جزوی وکلی باشد اوامر شانرا مطیع میباشیم .

۲- هرگاه امیر حبیب الله خان از مسائل شرعی جزء یا کلا تخلف ورزد مطابق امر خداوند تبارک وتعالی جل شانه جوابده بوده اطاعت امری نا مشروع بالای ما واجب نخواهد بود .

۳- جمیع فیصله دعاوی متعلق بمحاکم قضات بلامداخلت دیگری بود محکوم باشند وظیفه - پادشاه اسلام امیر حبیب الله خان محض اجرای اوامر شرعی وخدمت دین مبین اسلام یعنی اعلی کلمه الله باشد .

٤- حفظ وحراست مملکت اسلامی قلمرو افغانستان از مداخلت کفار واجانب نظر به نگهداشت اموال بیت المال نقدا وجنسا ولات حربی یکی از وظایف پادشاه اسلام میباشد .

٥- اسلام ومسلمین حر وازد (داخل دایره شرعی) بوده قلم ولسان برای بیان حق وامر معروف ازاد ود رحقوق ومساوات شرعی باشد .

طایفه قیس خیل (سلیمانخیل) وکیل بیعت عبد الله مهر عبد الله مذکور وامضاء ملا نجیب الله وامضاء ملا امین الله وامضاء برهان الدین ونشان انگشت ۱۳ نفر دیگر

طایفه یحی خیل کوچی قوم سلیمانخیل وکیل بیعت الیاسریه دستخط ومهر الیاس مذکور دستخط ملا گل علم ونشان انگشت ۱۲ نفر دیگر ·

طایفهٔ نیازخیل قوم سلطانخیل وکیل بیعت جمعدارخان نشان انگشت جمعدارخان و ۱۲ نفر دیگر ·

طایفهٔ حسن خیل ساکن اونی وکیل تاجگل خان مهر تاجگل خان ونشان شصت ۱۰ نفر دیگـــر · طایفه علی خیل قوم شورخیل وکیل بیعت محمد یوسف مهر ودستخط محمد یوسف دستخط ملا عبد المنان ودستخط محمدین دستخط درمحمد ودستخط علی محمد ونشان انگشت ۱٦ نفر دیگر — طایفه حربین علی وجرکه علی خیل وکیل بیعت سید نظم مهر سیــد نظیم ودستخط احمدجان ونشان شصت ۱۲ نفر دیگر ·

مسائـــــل دینـــــی

(۱۰)

سنت ابدست ده باشـــد	هرکه دانست مرد ره باشد
شستن دست پیش وسواك است	نام حق گفتن ازقبل پاك است
مضمضه مسح گوش واستنجا	سه کرات شستن اعضــا ·
نیزانگشت پای را تخلیل	سنت امد ز مصطفی بی قیل
باز تخلیل لحی استنشاق	گفتم این جمله را علی الاطلاق

شرح لغـــات

(ابدست) وضو (تخلیل) خلال کردن (بی قیل) بی گفتگو (لحیه) ریش (اعضا) اندامها (مضمضه) اب در دهن کردن (استنشاق) اب در بینی کردن (علی الاطلاق) بتمام کمال

حاصل ابیات

در وضو ده چیز سنت است وچون ناظم علیه الرحمن بسبب ضرورت شعری انهارا به ترتیب ذکر نفرموده بنابران در شرح به ترتیب ذکر شد اول نام حق گفتن یعنی بسم الله گفتن است وصحیح تر این است که دو بار بسم الله گفته شود یکبار پیش از برهنه نمودن عورت ویکبار بعد از پوشیدن عورت باین عبارت که بسم الله العلی العظیم والحمد لله علی دین الاسلام دوم شستن هردو دست تابند ها درصورتیکه بر دست او نجاست نباشد واگر نجاست بران باشد شستن ان فرض است ·

سوم استنجا از بول وغایط درصورتیکه نجاست از جای برامدنش کم از قدر یکدرم بود واجب واگر زیاد از درم بود فرض استواگر هیچ تجاوز نکرده بود مستحب است ·

چهارم مسواك کردن در وقت مضمضه ومیباید که مسواك را بدست راست بگیرد ·

پنجم اب در دهن کردن ·

ششم اب در بینی کردن سه سه بار وبر هر بار اب جدید باشد ·

هفتم خلال انگشتان است باین طریق که انگشتان یك دست را ازطرف کف ان به انگشتان دست دیگر ازطرف پشت ان باهم دراویزد وانگشتان پایرا بانگشت کوچك دست چپ خلال کند باین طریق که ابتدا ازانگشت کوچك پای راست نموده ازطرف کف پا وبانگشت کوچك پای چپ ختم نماید ·

هشتم — خلال ریش است اگر ریش اوانبوه باشد واگر تنك ریش باشد رسانیدن اب بداخل ریش بروی فرض است وخلال ریش بر شخص که در احرام حج باشد مکروه است وطریق خلال ان اینست که پشت دست که بدان خلال می کند بطرف گردن باشد وانگشتان بداخل ریش برده شود ·

نهم — مسح گوش است باب باقی مانده مسح سر ·

دهم — سه بار شستن هر عضو وضــو ·

(فــروع)

از جمله سنت های وضو نیت ومسح همه سر است وپی درپی شستن اعضا است باین طریق که در وقت اعتدال هوا عضو اول هنوز خشك نشده باشد که عضو دیگر بعد ازان شسته شود بر ترتیب شستن اعضا است که چنانچه در ایه وضو ذکر شده است یعنی اول روی وبعد ازان هر دو دست شسته شود وبعد ازان مسح سر کرده شود وبعد ازان پای شسته شود واین چهار را ناظم علیه الرحمه بعد ازین در مستحبات ذکر کرده است در کتاب های معتبره فقه شریف انهارا سنت گفته اند شاید کهبر سنت اطلاق مستحب را کرده باشد والله اعلم ·

بیان مسئله دیگر فقه است

چنین می فرماید که وضو بمجرد تر کردن اندام بدون چکیدن اب ازان روانمیشود وبجز راندن وجاری کردن اب چیزی دو اوعلاج روا شدن وضو نیست ·

فصل سوم در مستحبات وضو

مستحب نزد اهل شرع ان است که پیغمبر ما علیه الصلوات والسلام گاه انرا کرده باشد و گاه انرا ترك کرده باشد ویا امامان پیشینه رحمهم الله تعالی کردن انرا دوست داشتــه باشند وبنده بعمل ان ثواب میابد وبه ترك ان عمل او مکروه می گردد ·

در وضو شش ز مستحبات است　　نیت وزان سپس موالد تست
همه سر مسح وان گهی ترتیب　　بعیا من بدایت از تادیــب
گر تو مسح از سر عمل گیــری　　مسح کردن ازین قبل گیــري

شرح لغــات

(موالات پی درپی کردن کاری (میامن) اندام های جانب راست (بدایت) اغاز کردن — (تادیب) خوی نیك گردانیدن درینجا مراد ازان مستحب است (قبل) طرف مراد

از ان ققققق درین جا نوع و قسم است (گرتو مسح از سری عمل گیری) اگر اراده عمل —
مسح سر را کنی ۰

حاصل ابیات

در وضو شش چیز مستحب است ۰

اول — نیت بدین عبارت ۰ (نویت ان اتوضاء لرفع الحدث واستباحته الصلوات) یعنی
نیت کردم وضو سازم برای اینکه تن من پاک و نماز من روا گردد ۰

دوم — پی در پی شستن اعضا است بقراریکه در سابق ذکر شده است ۰

سوم — مسح همه سر ۰

چهارم — به ترتیب شستن اعضای وضو چنانچه در ایه وضو ذکر شده است و سابق مذکور گشت ۰
واین چهار چیز را ناظم علیه الرحمه مستحب گفته است مگر هر چهار ان قد سنت است چنانچه
در بیان سنت های وضو مذکور گشت ۰

پنجم بعضو راست ابتدا نمودن ۰

٦ — مسح گردن است ۰

(فروع)

اداب وضو که بعضی پیش وبعضی در بین وضو اند زیاده بر ادابی که ناظم کتاب
بیان نمود ودر کتب معتبره فقه شریف مذکور است اینست ۰

اول — روی بقبله نشستن در وقت وضو نه در وقت استنجاء ۰

۲ — مالیدن اعضاء است در دفعه اول شستن ۰

۳ — در اوردن انگشت کوچك است در سوراخ گوش ها که باب تر باشد در وقت مسح گوش ۰

٤ — جنبانیدن انگشتر است اگر فراخ باشد ومانع رسیدن اب در زیران نباشد واگر —
بدون جنبانیدن اب زیر ان نرسد پس جنبانیدن ان فرض است ۰

٥ — یاری نخواستن است در وضو از دیگری بغیر عذر ۰

٦ — سخن ناگفتن است بدون حاجت واگر ضروری باشد که مطلبی فوت میشد درانصورت —
باکی نیست ۰ (باقی دارد)

فتوحات اسلام (فتح بیت المقدس)

(۱۰)

وبدین حال بودند تا اینکه وقت ظهر امد بعد ازان بخدمت شان عارض شدند
که یا امیر المؤمنین بلال (رض) را امر نمائید تا اینکه اذان گوید زیرا که بلال (رض) هم
در بیت المقد س مقیم بودند چون این خبر را شنید که مسلمانان در این جای امدند انجم به
نزد شان امد وبهمرای شان همیشه مقاتله مینمود باز چون بسمع اورسید که امیر المؤمنین عمر
(رض) دراین دیار تشریف فرما شدند به استقبال شان روانه شد تا اینکه شرف دست بوسی

شان را دریافت وامیر المؤمنین عمر (رض) هم قدر اورا بسیار بزرگ شمرد چون وقت نماز –
ظهر امد مسلمانان ازطرف امیر المؤمنین (رض) استدعا کردند اینکه بلال (رض) را امـــر
فرماید که اذان گوید واوقات عصر [illegible] رسول الله(ص) را بیاد شان دهد • بلال (رض)
فرمودهٔ امیر المومنین را بجای اورد چون در اذان شروع نمود وگفت الله اکبر پوست جان های
صحابه کرام رضی الله عنهم بجنبش شد وجسد های همگی شانرا قشعریره (١) گرفت راوی گفت
که چون بلال (رض) گفت : اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمد الرسول الله همگی
مسلمانان بگریه شدیدی امدند چنانکه نزدیک بود اینکه قلب همگی شان درحین یاد کردن نام
خدا جل جلاله ورسول اکرم علیها الصلوات والسلام پاره پاره شود چون بلال (رض) از اذان
فارغ شد در زمین نشست بعد عرض نمود که یا امیر المؤمنین امیرهای مسلمانان ولشکرهای
شام گوشت های مرغ ونان های پاکیزه میخورند وگرسنه ها ومردمان ضعیف که بدست شان –
چیزی نیست همگی از گرسنگی فنا میگردند وجوع همگی شان بخاک میشود وحال مایان هم از
عقب شان انچنان است – یزید بن ابا سفیان (رض) عرض نمود که یا امیر المؤمنین درین
شهر ها نرخ بسیار ارزان است وچنانکه بلال (رض) میفرماید که نرخ گران است ماندیدیم
مگر بنوعی است که مایان مدت عمر خودرا در بلاد حجاز بدان نرخ بسر بردیم – امیر المومنین
عمر [illegible] فرمود که یا ابن ابا سفیان راست واقعه چنان است که تو میگوئی شمایان طعام های
خوش طعم وخوشگواری را تناول کنید وحالا من ازین موضع دور نمی شوم تا اینکه شما [illegible] تمام
فقراء را بنزدمن جمع نیاورید وتاحین که تمام فقراء ازتمام شهرها وقریه ها به نزدمن جمع
[illegible] نشدند وجمع مایحتاجه شانرا از گندم وجو وعسل و زیت کفقراء را ازان چاره نباشد از
بیت المال مقرر نه نمودم ازاینجاه دور نمی شوم بعد ازان تمام فقرا را جمع اوردند وامیــر
المومنین جمیع مایحتاجه شانرا ازبیت المال مقرر کردند واز برای شان فرمودند که این وظیفهٔ
مقرره شما سوای انچه من از برای شما ارسال نمایم باید که ازطرف امیر های شما بشما برسد
واگر امیرهای شما این وظیفهٔ مقرره را از شمایان مانع شدند شمایان مرا اطلاع دهید تا
اینکه انهارا از امیری معزول نمایم • بعد ازان امیر المومنین همگی را رخصت کرد کــه
هر یکی بطرف منزل وجای خود رفتند وبعد چون امیر المومنین عمر (رض) عزم نمود اینکــه
بر بالای اشتر خود سوار شود بجان شان مرقعهٔ پشمینه بود که چاردهٔ پیوند داشت چنانکه –
بعض ان پیوند های ان مرقعه از چرم بود واقدی رحمة الله علیه فرموده که از کسانی کــه
بقول شان اعتماد بود بمن رسیده که ان مرقعه که دران حین لباس امیر المومنین عمر رض
بود ازپشم بود ومسلمانان عرض نمودند که یا امیر المومنین اگرچنانچه بعوض اشتر خود در

---

١) بفارسی فراشا گویند •

وترك خدمت همگی را عمل نمود وشان مهربانی حق را از برای خود وسیله گردانید وپشت ازطرف همگی انها نمود وشان طاعت خودرا به ید عصمت خود محکم گرفت چون دنیا حمله ها وار ایشان خودرا ظاهر گردانید ونديد که عمرا (رض) ذره به شهوات اوشریك شود بعد ازان دنیا معنی خودرا دانست که خلاف قلبان کلتی که از محبت او پر شده ان گروه ازجمله زبان کارانند بعد ازان باز دنیا روی بطرف او اورد که عمر تو چرا از زینت های من روی گردان شدی وبغرابخرمن قیام نمیکنی . زیرا که امیر ولایت بجز از ملابس فاخره و مواکل مشحبه وظلم کردن در رعیت بعد یگر نوعی قیام نمی گیرد عمرا (رض) ازبرای او خطاب نمود که ای دنیا برو که من ازجمله ان نامردانی که توباین نوع حیله ها بدام خود قید کردی وبریسمان خود پای شانرا بسته نمودی وقدم های شانرا در میان لای وگل خود — فرو بردی نیستم ایا نمیدانم که من خودرا ازبرای ستیزه کردن بهمراه تو اماده گردانیده ام وحاجت در مطلعه تو ندارم وازدنیا خودرا مجرد نموده ام وباقامت وعوت دین سید الانام (ص) خودرا مهیا کرده ام تا اینکه بلاد عرب وعجم را باین مقصد فتح نمایم . بعد ازان شمشیر تیز مجاهده خودرا در روی تو بکشم وترا پاره پاره گردانم تا اینکه در معنی قوله تعالی) وجاهدوفی الله حق جهاده) عمل کرده باشم والله یرحمنا للعلیه فرموده که من این کلام های اورا نیکو شمردم ودرین موضوع ملحق گردانیده م وبقول رسول الله (ص) عمل نمودم که (ان من البیان لسحرا) بعد ازان امیر المومنین عمر (رض) روی براه اورد .

(باقی دارد)

(کابل مطبع سرکاری)

صفحه ۱ (جریده هفتهگی حبیب الاسلام — سال اول — شماره ۱۲) (نمره مسلسل ۱۲)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

(حبیب الا ســـــلا م)

ادارهخانه — د بالغانان کابل — افغانستان — نمره تلفون

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .

اداره درانتشار واطلاع مقالات وارد مختار است .

درهر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .

اوراقیکه درج نشود تلف اعاده نمیشود .

قیمت سالانه — قیمت ششماهه

درداخل — ۵ افغانی — ۳ افغانی

درخارج ۱۵ شلنگ — ۸ شلنگ

(یك شماره ۱۰ پول)

(تاریخ قمری ۱٤ ذي الحجة الحرام ۱۳٤۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۲ جوزا ۱۳۰۸ هجری)

افغانستان و شـــــوروي

قرار راپورت صحیح که وارد شده است روسها بعنوان معاونت با امان الله خان شاه مخلوع خواسته اند بخاك پاك مقدس اسلامیه افغانیه تجاوز نموده به مقاصد سوء خود شان که در ضمن آن بربادي اسلام و اهل آن است تجاوز وتعرض نمایند چنانچه از ۱۸ الی ۲۸ ذي قعده — پنج پنج دانه طیاره شان بفضاي ترکستان و ۳ دانه طیاره حربي شان بتاریخ ۹ محجه بـه هواي چهل در و حیات اباد پرواز وبمبارد ي نموده و پنج شش دانه بم انداخته که منجمله دو بم ترقیده و معدودي از اهالي را که دران جمله پسر عبدالرسول خان خیاط شخـص معروفي بوده مقتول نموده اســـت .

مراسم عید سعید اضحـــی

برعموم مسلمین ظاهر وهویدا است که عید سعید اضحی افضل واشرف ترین اعیاد دینی و مذهبي مسلمین است روز دهم ذي الحجه یا روز اول عید اضحی روزي است کهحضرت ابراهیم خلیل الله (ع) اولاد عزیز خود اسمعیل ذبیح الله را برضاي مولاي خود قربان میکرد اما از مرحمت وعنایت خالق ممکنات جل شانه قچی که براي او فرستاده شد درعوض اولاد خود — قربانی نمود واین قربانی برعموم مومنین دراین روز لازم شد .

وهم این عید عیدي است که هزارها مسلمان از امصار بعیده براي اداي یکی از فرائض الله که حج است بطواف بیت الله شریف رفته حاجی میشوند وحاجیت مسلمین را ازبارگاه — ایزدي نیاز میکنند . وعلاوه بر اینها فلسفه همچو اعیاد دینی که ازمقدسات دین حق وبرگزیده درگاه ذوالجلال است برعالم اسلام پوشیده نیست چنانچه هم مایه اتفاق وبراي سعادت مسلمانان است .

مثلاً جمعیت واتفاق مسلمانان یك شهر درجامع عیدگاه برای ادای صلواه عید وبعد ازان با دوستان واقربان وخویشان خود معانقه ومصافحه کردن وبخانهٔ همدیگر رفتن بمناسبت تبریك عید وغیره وغیره از مراسمات عید سعید است . برعموم مسلمین است که این عید بزرگ را توقیر واحترام کنند وبشادی ومبارکی این عید از هرگونه صدقات دریغ ننمایند — مجرمین از حبس آزاد وستوجب بین عقوبت جزا نمی یابند مسلمانان شهر واطراف آن هم بجامع عیدگاه تجمع کرده ادای صلواه مینمایند .

اینك ما مراسم روز اول این عید را قراریکه دیده وشنیده ایم ذیلاً درمعرض انتشار میگذاریم .

پادشاه معظم غازی ما محترم شنوف خدای عز وجل ورعیت پروری خود برای احترام عید — سعید اضحی چند نفر بندیهارا بسبب عید اضحی ازحبس رها فرمودند که ازان جمله یکی غلام جان خان نام سابق خانه‌سامان بود که نسبت بجنایت مذکور محاکم شرعیه حکم بر اعدامش فرموده بودند مگر صورت جنایت مذکور چون متعدی به ذات شاهانه بود اعدامش را به حبس دهسال امر فرموده بودند اینك رها داده شده اسامی ما بقی را به تفصیلات با صورت جنایات اوشان وعده میدهیم .

مراسم عید سعید بصورت خیلی مطنطنانه اجراء شده دو روز قبل از عید سعید تکت های دعوت به تمام مامورین عسکری وکشوری ومعززین اقوام ووبیرداران وکلان شونده گان گذرها برای باریابی بحضور شاهانه بدربار روز عید از طرف وزارت جلیله دربار توزیع شده بود .

روز عید عموم اهالی شهر وقراء نزدیك برای ادای نماز عید درمسجد مقدس عیدگاه یك اجتماع بزرگ بهم رسانیده بودند صحنه مسجد وحوالی آن ازاجتماع اهالی پرومملو بود .

تشون نیور بلباسهای رسمی ملبس واز ارگ مبارك تا الی جامع مقدس عیدگاه برای رسم احترام موکب پادشاهی ترتیبات گرفته منتظر ورود موکب شاهانه بودند ساعت ۹ ونیم موکب خسروانه با صورت خیلی محتشمانه تشریف آورده سلامی موزیك نواخته شد وبعد ازان برای ادای صلوات عید ترتیبات صفی گرفته شده نماز عید با خطبه آن خیلی بایك وضع خشوع وخضوع ادا گردید .

درین وقت توپ ها تبریکات عید سعید را بایك شلك متوالی اجراء میکرد اهالی بایك مسرت فوق الحد با همدیگر تهنیت گفته مصافحه ومعانقه می نمودند امیر صاحب غازی رعیت پرور هم باعموم صاحب منصبان عسکری وکشوری مصافحه ومعانقه نموده وبه باقی جمعیت به صدای — بلند لفظ تبریك عید را فرمودند

واهالی نیز از ته دل تبریکیه عید سعید را بجواب شاهانه عرضداشت نموده دعای

سلامتی ذات خسروانه وترقی حکومت اسلامیه شان‌را ادا نمودند سپس موکب همایونی ساعت ۱۱ مراجعت فرموده در سلام خانه عام که در عصر جناب امیر شهید سعید امیر حبیب‌الله خان برای همچه روز های بزرگ ساخته شده بود ودر اخر دوره امانیه از وکار گرفته نمی شد و بصورت تحویل‌خانه بچند تقسیم دیوارها در بین ان ساخته شده بود وبعد ازعید نیز قد بحکم پادشاهی سر از نو مثل سابق امر ساختمان ان داده شده ومکمل گردیده و بانواع زینت ها برای دربار روز عید مزین گردیده بود همه مدعوین به ترتیب نمره چوکی دران — جاگزین گردید منتظر تشریف اوری حضور شاهانه بودند درینوقت حضور مبارک جناب امیر حبیب‌اللهخان غازی تشریف‌اوردند حاضرین برای رسم احترام قیام نموده مراسم تعظیم را ادا نموده امیر صاحب‌والا هم با سائر حاضرین تلطفات فرمودند وقرار سرشته عصر امیر صاحب شهید بعد ازصرف طعام به سائر مدعوین دستمال های شیرینی داده شد مرخص گردیدند .

در باقی ایام عید همه خیلی مسرت وگرم جوشی وساعت تیری ها درهمه جا حکمفرما بود هر روزه ۱۱ فیر توپ شلک می‌گردید .

مکـــــــوب

اسلام بذاتخود ندارد عیبی .

عقیده ما این است که در راه حق ومطالب مشروع کار میکنم چه معاونت وحمایت حضرت کردگار بذرایع مختلف وراه های غیر مستقیم بما می رسد دین مقدس اسلام به تصدیق تمام فلاسفه شرق وغرب بهترین وکامل ترین تمام ادیان است همچنین ما خدای عزوجل را شکر گذاریم که مارا از اهل نیکان خلق فرموده وحضرت پیغمبر محمد مصطفی (ص) را درود وصلوات میفرستیم که به شاه راه اسلامیت مان دلالت فرموده .

ما اگر در امور دنیوی دقیق شویم وحرکات موافق ومخالف را از خلال اعمال شخص تماشا کنیم انوقت یک زمزمه پیش‌خود خواهیم نمود که :

بار خدایا تو خالق کون ومکانی مارا عفو کن چه چشم وگوش وعقل بما عطا فرموده ئی اما انچه وظیفه‌خود راد رمقابل قدرت تعالی توایفا نموده نمود . این است که ما به ان نکا ت وحقایق پی برده بایک عقیده ثابت ومتین حمایت حضرت پروردگار ورسول اکرم را در بازوی رجال دیندار تماشا میکنیم :

جناب حضرت شور بازار حضرت شیر اقا نورالمعارف صاحب مجددی که سابقه ومجاهدت شان در راه ترقی اسلامی ومسلمانان بهمه کس معلوم است البته واقف استید که جناب شان بعد از واقعه انقلاب‌منگل ۱۳۰۳ نظر بسوی رفتار حکومت سابق ازافغانستان مهاجرت فرموده در هند متوقف بودند چون جناب اعلیحضرت امیر حبیب‌اللهخان سریر ارای تخت کابـــل

گردید به جناب سدوحی فرمانی همشیرزاده جناب معصوم جان آقا برادرزاده موصوف فرستاده که : حالا وقت تشریف آوری جناب شما است که برای دولت الله اسلامی خود خدمت نمائید اینک جناب شان از راه سمت جنوبی تشریف فرما و در موضع ارگون متوقف اند از انجا بحضور امیر صاحب غازی عریضه تقدیم داشته اند که مفاد انرا جهت آگاهی عموم ملت درج اخبار نموده یم :

بعد الالقاب شاهانه .

بواسطه رفع خستگی راه چندی در ارگون اقامت داشته بعد بحضور والا مشرف خواهم شد .

درین موضع که حاضرم خدمت اسلامی را فرض خود دانسته از عدم فرصت قبل از حصول اجازه اقدام ورزیده از اهالی مجاهدین این ولایت یک حصه انرا برای مقابله امان الله خان به طرف قندهار و یک حصه انرا بطرف جنوبی سوق دادم و بذریعه عریضه هذا عرض و اجازه می خواهم و بعد از اجراآت و رفع خستگی بحضور مبارک مشرف خواهم شد از حضور مبارک فرامین مرحمتانه برای شان فرستاده شده که بعد از حصول تسوید فرامین خسروانه درج اخبار خواهیم نمود .

حبیب الاسلام .

این ذات ازان ذوات نامور متدین و معروف ایست که یک عالم اسلام چه در هند وچه در افغانستان وغیره بصفای نیت و درستکاری او عقیده و ارادت دارند البته تاجائیکه آواز اوشان بگوش هرکسی می رسد جرات مخالفت ازوشان سلب و با یک عزم کامل اوامر اورا گردن می نهند ماهم بنوبه خود موافقت شانرا در راه دین مبین حضرت رسول اکرم صلعم خواستاریم .

معذرت

از حیثیکه نظر به اینکه روز سوم عید اضحی مصادف با روز چهارم هفته است و در روز های عید دوائر معطل می باشد نتوانستیم جریده حبیب الاسلام را بصورت مقرره قرار موعود در روز پنجشنبه به همان صورت وکیف مضامین بنظار قارئین جلوه دهیم لهذا معذرت خواسته و باین ورقه اکتفا میورزیم . (اداره ح ا)

(کابل مطبعه سرکاری)

صفحهٔ ۴ (جریدهٔ هفته‌گی حبیب الاسلام — سال اول شماره ۱۳) (نمره مسلسل ۱۳)

واعتصمو ا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

اداره خانه دهاندانان کابل ـ افغانستان ـ نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره درانتشار واصلاح مقالا ت وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه ـ شش ماهه
درداخل ـ افغانی ۳ افغانی
درخارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
یك شماره ۱۰ پول

(تاریخ قمری ۲۱ ذی الحجة الحرام ۱۳٤۷) پنجشنبه) (تاریخ شمسی ۹ جوزا ۱۳۰۸ هجری)

ظهـــور ملـــــــخ

ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم : خدای متعال جل شانــــه حال یك قوم را تغییر نمیدهد تا انها بنفسهای خود تغیر ندهند : یعنی پادشاهان وپیشروان امم ازافراد هر قومیکه تکبر وغرور وخود منشی واختلال درامور دین را اختیارکرده از صراط المستقیم عدل وانصاف کناره رفتند سزای اعمال شانرا بوجه من الوجوه خواهند یافت.

حکومت سابق سوء اعمالیکه بربن محیط اجراء کرده هنوز اثرات ان باقی است ودماغهای بعضی بان عادت گرفته است از مظالم وفجایع بی انصافی وبی اتفاقی وغیره اعمال غیرصالحـــه شان جلوگیری نمیکنند تحط انعیشی وقیمت فروشی وتقلب کاری را یك رمز حیات وبقای ذات خود دانسته ازان رو گردان نیستند لهذا در ازاء اعمال شان فعلا ملخیکه ظهور کرده یکی از مجازات وموجبه های اعمال ناشایسته خود شان دانسته باید برای دفع ان از اعمال سوء خود [illegible] اجتناب وازگناهان گذشته خود استغفار نمایند تا رحمت خداوندی شامل حال شان بشود .

این فرضیکه نمودیم ازجنبه روحی ومعنوی بوده وبان عقیده وپالتوثیقی داریم که اولا باید بان توسل بنمائیم اما ازپهلوی دیگر اطراف مادی این مسئله راکه بحیات اقتصادی مامملکت ضربه سختی وارد کند هم باید ازدست نداده چاره اساسی واقدامات جدی در اطراف تعدیل ان بنمائیم .

مسئله دفاع از ملخ باصول مادی درین محیط خیلی پیچیده ومبهم است واصولی برای مبارزه ان تاکنون اتخاذ نشده کتابی هم درین زمینه تدوین نگردیده که سبب رهنمائی ما گردد لذا لابد اطلاعات مختصریکه ازگوشه وکنار نسبت بورود ملخ ونوعیت و[illegible] طریقه [illegible] .

دفاع ان بدست اورده بطور یک ایدال ذیلا عرض مینمائیم .

درین چند روز خیل های ملخ در فضای کابل ومضافات ان مثل چهار اسیاب و کمری و شیوه کی وغیره نمودار شده است ودر طرفهای چهاردهی بخوردن علوفه جات بهاری از قبیل گلها وسبزی ها اغاز نموده اند .

البته همه کس میفهمد کهظهور ملخ برای زراعت یک افت غیر مترقبا ست که مبارزه و دفاع ازان درین صفحات بواسطه نه بودن وسائل علمی وفنی تا نقطه انتها غیر ممکن است . ولی معذلک چون این حشره موذی یک بلای مبرم برای زراعت وزراعت کاران وبلکه سائر انسانها شمرده میشود لذا بایست تا اندازه مقدور در دفع وقلع طرد ان بنوعیکه مطابق وقت ومحیط باشد قیام نموده میدان مبارزه تشکیل باید داد ملخ ها در نقاط مختلف دنیا با کثرت تنوع وجود خارجی پیدا کرده اند ولی چار قسم ان زیاد منحصر ومضر ثابت گردیده که از سه قسم ان معجلا صرف نظر کرده صرف از یکنوع که ان را ملخ سیار مینامند ووجود ان دریک ملک باعث خسارات مهم میشود بحث میرانیم .

ملخ های که در فضای کابل ونواحی ان مشاهده میشود هم از نوع ملخ مزبور است این ملخ ها همیشه دسته ها تشکیل داده برای خسارت رسانی بمزارع از امکنه اصلی خود شان متفرق شده از اوائل بهار تا انتهای فصول تابستان خیل های ان بخطوط مستقیم حرکت نموده سیر خودرا ادامه میدهند ودر قبال شان انچه از فصول زراعتی وغیره پیش اید بان خسارات جبران ناپذیری میرسانند وعلاوه خیل های انها در اطراف مزرعه ها زمین های ریگ زار یا دشتهای که خاک نرم داشته باشد برای تخم ریزی شان انتخاب کرده ماده های انها به تخم ریختن اغاز مینمایند .

یک ملخ ماده پنج بار تخم میگذارد ودر هر بار از ۹۰ الی ۱۲۰ تخم شبه برنگ گندم در لف یک پرده نازک لفافی که انرا ما سوره تخم میگویند بقسم عمودی در زمین مینهند که ازین حساب تخمینی یک ملخ ۵۰۰ تخم میگذارد _ این تخم ها بعد از مرور چند روز زنده شده یعنی کرم های که باصطلاح وطن عزیز ما (مچک یا مچخ) مینامند ظهور میکند _ مچک ها برای زراعت نهایت مضر هستند همینکه از پرده تخم برامدند بطرف کشت زار ها شروع بحرکت نموده از سبزی جات ظریف تغذیه مینمایند ودر هر چند روز یک بار پوست شانرا تبدیل کرده نمو میکنند یعنی بزرگ میشوند وخوراک شان هم زیاد شده میرود تا اینکه پنج بار تبدیل صورت نموده بعد رشد طبیعی شان سطیر میشوند وازان به بعد هجوم قطعی بر مزارع برده انچه از رطب ویا بس در جلو شان باشد ازخوردن ان مضایقه نداشته طراوت وتازگی چمنستان بهار را به پیوست خزان تبدیل مینمایند .

لهذا وجود اینها برای زراعت بکلی یک افت مبرم شمرده میشود .

اصول مبارزه ان در دیگر ممالك بوسائل شیمی اتخاذ شده و ماشین های متنوعه برای دفع ان ایجاد گردیده ولی در ممالك اسیا وسطی خصوصا افغانستان هند بخارا ایران ترکیه و نواحی شان انقدرها وسائل دفاع ان مهیا نیست زیرا - ملخ ها درین صفحات مثل دیگر قطعات زمین مقام اطمینان شانرا هنوز اتخاذ نکرده و گاه گاهی مانند افت سماوی دفعتا ظهور نموده وتعاقب ان (ساریا ساج) یکنوع مرغ خورد جثه و دشمن ملخ ها است پیدا شده میدان مبارزه را تشکیل میداده است وهم در وقت ظهور مجك از طرف اهالی جرها حفر گردیده یك مقاومه غیر قطعی برای محو وامحای ان اجرا شده ولی معذالك خسارات هنگفت به زراعات از هجوم ملخها عاید شده است .

اصول حفر جرها وسوق دادن ملخ هارا در بین ان وریختن خاك بالای شان اگرچه برای قلع ودفع قطعی مجكها کفایت نمیکند لیکن از فائده هم بکلی عاری نیست و تا اندازه - ممکنه مجك هارا تلف مینماید ولی این اصول در وقتی عملی شده میتواند که از تخم ها کرم ها تولید گردیده و بیشتر از تغذیه وتعقیبه مواضع تخم ریزی شان کشف وتحت مراقبت گرفته شده و در اطراف انها جرها حفر شود وبیشتر از حفر جرها نگذارند متفرق بشوند اگر بیشتر از حفر جرها متفرق شوند این اصول را بکلی برباد میدهد وهیچ تاثیری بعد ازان نمیکند وازین هم بهتر اصول برای دفع ملخها درین صفحات تلف کردن تخم ان است . قراریکه در بالا تذکر نمودیم ماده های این ملخ های سیار در اراضی ریگ زار وباد شت های لم یزرع تخم میدهند لهذا تلف کردن تخم برای دفع شدن ان یك اصول خیلی سهل و - اسانست - دو سال بیشتر هم که دسته های ملخ بر کابل ونواحی ان هجوم اورده در اراضی غیر زرعی تخم ریزی کرده بودند همین اصول اتلاف تخم ان اتخاذ واجرا شده خیلی مؤثر افتاد ومجك ان ظهور نکرد حالا هم بایست اهالی توجه نموده مکرر عمل مذکور را اجرا نمایند واثر این بلا را از بالای خود دفع بدارند اول ازطرف اهالی باید اراضی تخم گذاری ملخ ها کشف گردیده وعملیات مذکور را متفقا اجرا نمایند - اراضیکه ملخها دران تخم میگذارند هجوم واجتماع پرنده ها ودیگر حیوانات مثل مار وخار پشت برای تلف کردن - تخمها بران اجرا میشود اینهم برای کشف شدن تخمها باشخاصیکه مراقبت مینمایند یك یك دلیل رهنمائی است - مقام محترم ولایت کابل نیز مساعدت واقدامات لازمه درین زمینه با اهالی خواهند فرمود - باقی رفع ودفع این بلیه را از درگاه حضرت خداوند - متعال جل شانه التجا میکنیم .

افغانستان و اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروي

از قرار اطلاعات واصله موثقه باین اداره که سفارت کبراي جمهوریه اجتماعیه شوروي در کابل بوزارت جلیله خارجه دولت علیه ما رسما سواد نطق کمیسارت عمومی ملـــی اتحاد شوروي را که در مجمع خود نموده بود فرستاده اند در نطق خود رئیس مجمـــع راجع بافغانستان ایراد فرموده که یعنی مناسبات ما با افغانستان مطابق گذشته درـــ جریان است ودرین انقلاب داخلی افغانستان حکومت شوروي هیچگونه مداخله نخواهد نمود نظر باین اطلاع ملت افغانستان یقین خواهد کرد که حکومت علیه اشتراکیه شوروي مداخله در معاملات داخلی افغانستان نخواهد کرد چه حکومت اتحاد شوروي مناسبات دوستی با ملت فقط و حکومت افغانستان دارد نه با شخص امان الله خان ٠

لهذا اگر حکومت شوروي حقیقتا معاونت مادي ویا معنوي بطرف مقابل حکومت مرکزي نمی کند حقیقتا دوست ملت افغانستان است ٠

بازهم افغانستان و شوروي
(تردید بمباردمان طیارات روسی
در حدود مزار وخان اباد)

قرار اطلاع واصله به اداره سفارت کبراي جماهیر اشتراکیه شوروي در کابل کـه رسما بوزارت خارجه خبر داده امدن طیارات شوروي بمقصد بمباري در حدودات مزار و خان اباد بی حقیقت وبی اساس است طیارات مال حکومت شوروي هرگز پرواز بمقصـــــــد بمباري دران حدودات ننموده ٠ لهذا نسبت باطلاعی که در شماره ۱۲ تاریخ ۲ جوزا جریده حبیب الاسلام شائع شده بود این خبر تردید رسمی سفارت کبراي اتحاد شوروي مارا ــ متیقن می نماید که انشاء الله معاونتی ازطرف ان حکومت براي اشخاص مخالف حکومت مـا نشده ونخواهد شد ویقین داریم که رفع این شبهه در دوستی دولتین افغانستان و ــ شوروي خواهد افزود ٠

خبر هاي واصلـــــه

از کوائف امدن محمد نادر خان بسمت جنوبی وتحریکات او بر علیه حکومت ورجعت تحتراي شان وغیره ــ متحد المالعاي ما بقه ما بشما فهمانده باشد این قدر است کـه درین اواخر عریضه او بحضور مبارك امیر صاحب بکابل رسیده وعرض دا شته که براي خبر جناب امیر صاحب غازي وهمه اهالی افغانستان خدمت مینمایم ودرین روزها بعد از یك جرگه بحضور حاضر می شوم ٠

در اثر وروعریضه فوق علیشاه خان قندهري که محبوس بود رها وفرمان جوابیه

امیر صاحب عنوانی مذکور را حاملا عازم انصوب شده که از نتائج مکاتبت ثانی بشما اطلاع خواهد شد . بلکه اگر نقول فرمان وعریضهٔ مذکوره باداره اخبار حبیب الاسلام واصل گردید بشماره اینده انهم ابلاغ خواهد گردید . غلام نبی خان سفیر کبیر افغانی در مسکو که قبلا به تحریك مغرضین که سفك دماء مسلمین را برای نیلان بمقاصد سوء خود شان مباح میدارند از ماسکو عازم افغانستان شده بابعده نفری هواخواهانش بطور چپاول غدارانه حکومت مزار را تصرف شده بود .

قرار راپورتیکه واصل شده جناب محمد قاسم خان رئیس تنظیمیه انجا با دیگر افسرها وعسکری از اطراف اربعه اورا در مزار حصار نموده عنقریب مغلوب ومنکوب ساخته انجارا فتح خواهد نمود و طوریکه حضرت افخم اجل عالی نائب السلطنه صاحب که قبلا بانطرف باعسکر زیادی حرکت نموده بودند واز بغلان نوشته اند حضرت ممدوح هم عزم مزار را نموده با لوازم بی شمار ونفری بسیار بانطرف عزیمت نموده اند که عنقریب بانجا وارد ومزار را فتح خواهند فرمود .

از فتح هرات ورفتن جناب عبدالرحیم خان نائب سالار بان سمت از متحدالمال سابقه ما مستحضر شده باشید اینست که تازه از جناب موصوف تلگرامی واصل شده وخلاصه حاوی است بر اینکه اهالی انجا تماما از صمیم قلب مایل وراغب بحکومت مرکزیه خود شان هستند وهم بیعت اهالی انجارا تاحدود فراه وچخانسور حصول داشته وعده داده است که عنقریب وسیله اشخاص صاحب نفوذ هرات وفراه بکابل بحضور مبارك امیر صاحب غازی تقدیم مینمایند .

در مرکز نیز کمال رفاه وداد رسی برای سایر انام ورعایا حکمفرما بوده به تحت رایات اسلامیت وعدالت سایر اهالی زیست داشته تمام امور به نظم ونسق عادلانه اسلامیانه درجریان بوده من کل الوجوه باطمئنانیت وصحت است . محض برای اطمینان واگاهی شما از مطلب وارده اخبار نموده باحترام ختم کلام مینماید .

از انجا که فتوحات غیبی وعنایات حضرت اللهی همیشه ممد ومقارن احوال بندهگان صالحهٔ حضرت خداوندیست عسکر غیور امیر صاحب رعیت نواز (امیر حبیب اللهخان) که قبلا با تهور واحساسات عسکرانهٔ خود شان عازم سمت قندهار بوده ومقر را مقر خود قرار داده بودند درین ایام نزدیك رایات عالیات را بسمت قلات در اهتزاز اورده از فضل ومراحم حضرت بی نیاز بمظالم باشباه رعیت نواز خود به مقابله جزوی قلات را فتح وتصرف نموده بقراج امان الله خان شان مخلوع شکست مدهشی داده وغنایم زیادی را که از انجا بیادگار خجالت در قلعه قلات ازقبیل تفنگ وجباخانه ودیگر الات ناریه واذوقه وذخیره امانت مانده بود متصرف شده وانجارا فعلا مقر خود ساخته اند .

انواج طرف مقابل بر جمعت تعقیب عازم قندهار شده اهالی انجا هم با صمیمیت تام برای خدمات حکومت مرکزی خاطر حاضر و مهیا شدند — واهالی قندهار نیز امداد غیبی را شامل حال عسکری جنابامیر حبیب الله خان غازی دانسته ومعامله را منجانب حضرت ایزدی — تصدیق کرده همگان متفق الرای شده میثاقنامه بنام نامی امیر صاحب غازی تحریر داشته و در شرف ارسال است که عنقریب واصل خواهد شد .

همچنین جناب محمد عمر خان فرقه مشر که جهت ادفاع مفاسد اهالی وردك با یك عده عسکر بانجا قیام داشتند دراثر ان اخبرا مردم وردك ازاعمال نا مشروع خود شان نادم و تائب گشته بعد اعتذار های متعدد که توسط موسفیدان شان اجرا شده از ته قلب متعهد شده که دو هزار نفر بطور عسکری جهت خدمات حکومت از اقوام خود بدهند که بمعیت — فرقه مشر موصوف ازانجا بکابل حاضر شوند تا بخدمات لازمه مملکتی مامور گردند .

فرار امان الله خان شاه مخلوع به بمبائی

تشبث نمودن بعروت الوثقی توکل درتحت لوای تدین واسلامیت که شاه راه مستقیم فلاح دنیا واخرت است منتج بسعادت تعال وحسن اقبال استقلال شده منحرفین ازین راه مستند اما بباد یه اغوا وضلال منکوب ومخذول اند چنانچه باسا بر همین قضیه مداما علایم انرا بر روی جریان امور که زمام اقتدار کامله ان بید قدرت ذوالجلال است مشاهده میکنیم ولی چون امورجزوی وضمنی میباشد بان اهمیت نداده بطور عادی وسرسری میگذریم .

اینك یکی ازهمین قضایای موضحه مبرهنه است که مطابق خبر تازه ئی که گرفته ایم امان الله خان شاه مخلوع که از صراط المستقیم اسلامیت انحراف نموده بود وبا انکه بهرجور وسائل معاودت سلطنت بخود ش توسل جسته تقریبا تمام اقوام افغانستان را برعلیه — همدیگر شورانیده وخون های اخوان مسلمین خود را ریختانده وازان چمن زار وطن را گلگون نمود اما بالاخره باسا بر قضیه فوق ناکام ومنکوب شده با تمام فامیلی خود عازم (بمبئی) گشت ودنیای افغانستان فعلا ازوجود اوپاك شده است .

انعقاد مجلس وزرا .

قراریکه وزارت دربار باداره اطلاع میدهد روز دوشنبه باراده ذات شاهانه در قصر دلکشا درتحت ریاستجناب عالی سردار اعلی معین السلطنه صاحب مجلس وزراء — منعقد شد حضرت عالی اساسوظیفه مجلس وزراء را تصویب فرمودند که اینده بقرار اساس تصویب شده که منظور حضور مبارك شده بروز های دوشنبه بقصر دلکشا انعقاد مجلس از ساعت ۸ بجه الی ۱۲ بجه روز شده بامورات مهمه داخلی وخارجی مملکت مذاکره شود.

اطاعت اولی الامـــــر

(٧)

در بعضی کتب سماوی ورود یافته است که الله تعالی بانسان خطاب فرموده میفرماید :

ابن ادم ا تدعو علی من ظلمك ويدعو عليك من ظلمته فان شئت اجبنا واجبنا عليك وان — شئت اخرنا الامر الی يوم القيمة فيسعكم العفو) ·

یعنی :

ای ابن ادم دعای بد مینمائی برانکه بر تو ظلم نموده است و از من داد می خواهـــی ودر همین حالت برخود ت نیز مظلوم دیگری که ستم دیده تست دعای بد میکند وداد خودرا از من میطلبد پس اگر خواهی دعای هردو را قبول فرموده داد اورا از تو وداد ترا از — ظالمت می ستانم واگر خواهی قبول دعای هر دو را بروز قیامت میگذارم تا عفو واسع من همه کانرا در بر گیرد ·

ازین حدیث قدسی واضح میگردد که هر ستم وجودی که انسان از بالا دست خود می بیند در همان حالت خود وی بر زیر دست خود ظلم وستم روا داشته عدالت الهی موجب این میگردد که بالا دست وی نیز بروی ظلم وستم نماید · بنابران عاقل منصف را لازم است که حقوق زیر دستان خودرا ضایع ننموده وازستم بالا دست شکوه نکنند وعلاج اصلی انرا برضای زیر دست خود بنماید ·

حضرت عبیده سلمانی تابعی از حضرت امیرالمومنین علی کرم الله تعالی وجه پرسید که ایا بچه سبب مردمان اطاعت ابوبکر وعمر را قبول کردند ودنیائی که بلوجب بود وسعت یافت وچون نوبت خلافت بخود ت وعثمان رسید از اطاعت شما نفرت نمودند و دنیای وسیع بر شما از یك وجب تنگ ترگشت حضرت امیرالمومنین (رض) درجواب فرمودند که رعیت ابوبکر وعمر چون امثال من وعثمان بودند ازان رو درجه امرای ما نیز بهمان حد رسید و رعیت من امثال واشباه خود تعیباشد چرا بان حد ترقی نمائیم · ازین اثر مبارك باین نتیجه رسیدیم که ترقیات مادی ومعنوی امر خلافت وسلطنت تابع حالت رعیت است اگر رعایا بصفت حسنه وجوش وخروش ایمانی متصف ومتحلی باشند حالت امارت نیز ترقی میکند وخلیفه زمان از رعایای خود خدمات مفیده گرفته میتواند ونتائج عظیمه ترقیات دینیه ودنیویه از — مساعی رعایا حاصل میشود واگر تعصبات قومیه واغراض شخصیه مدنظر افراد رعیه گردد حالت خلافت وسلطنت متغیر شده ودر صورت فساد اخلاق افراد رعیه توجه خلیفه زمان منتج فوائد تامه نمیگردد ازان رو هریك از رعایا را توجه کامل باصلاح حالات شخصیه و اعمال ذاتیه خود فرض عین وعین فرض است ·

بیعت های ولایات و ملحقات ان

(۸)

<u>۲۱ رمضان:</u> بیعت اهالی سرپل مزارشریف

الحمد لله الذي هدانا الى صراط مستقيم والصلوات والسلام على رسوله محمد — صاحب دین القویم — اما بعد مایان عموما علما وسادات ومشایخ وموسفیدان واستالان مردم افغانیه و تاجکیه واوزبکیه وهزاره ومامورین مربوط حکومت سرپل که یکی از شعبات ولایت مزار شریف بوده وبی باشیم قطعه اعلان که در بر طرفی امان اللهخان ازباد شاهی مزین بامضای مامورین بزرگ مرکز دار السلطنه کابل ونیز به قبولی و بیعت نمودن مامورین — موصوفه به یاد شاهی خادم دین رسول الله امیر حبیب الله حاوی بوده برای مایان درین اوان واصل گردیده چون انتظامات امورات دینی ودنیوی موقوف بوجود یک پادشاه که اولی امر گفته میشود بوده وهم چنین خرابی انتظامات دین ودنیا بعدم وجود اولاالامر بوده وبی باشد ازان رو مایان اهالی مامورین مربوط سرپل بحسب وصول اعلان موصوف بنابر ترقی شریعت غرا بیضاء مصطفوی (ص) وبموجب ایه وانی هدا یعوا طیعوا الله واطیعوا الرسول واولی امر منکم وبهبود ی واسوده حالی مایان اهالی وکافه مسلمین به یاد شاهی خادم دین رسول الله امیر حبیب الله موصوف بیعت وانقیاد نموده اورا یاد شاه واولاو الامر خود ها میدانم وتسئل الله ان یوفقنا ویهدینا الى صراط مستقيم ويسعده في الدارين بفضله العميم العظيم.

امضاء ات:

سید احمد — محمد امین — محمد عمر — ایشان قل ارباب — محمود — غلام حیدر — ابراهیم — روزمحمد — عبد الله بیگ — همدم بای — مصطفی قل — ملا طوره — خوشوقت بای سلیمان قل — باقی محر وامظای ۱۱۵ نفر دیگر.

بیعت نامه اهالی بلخ مزارشریف

<u>۲۹ شهر رمضان:</u>

اقرار واعتراف صحیح وشرعی نموییم مایان اهالی محکمه شرعیه دار القضاء شهرام البلاد بلخ ومامورین رقبها لاسلام شهر بلخ وسایر اهالی سکه بلخ وتوابعان بحضور اهالی محکمه مذکور حال جواز اقرار نا واقرار هم شرعا بوینکه قبل برین برای امان الله یاد شاه سابقه بیعت نامه بقرار شرایطی که از امورات شرع شریف تخلف نکند داده بودیم چونکه خلاف ورزی وخلاف رفتاری اودر امر شرع انور سید نا حضرت محمد مصطفی (ص) بظهور رسید چنانچه برادران دینی مایان اهالی دار السلطنه کابل موازی نوزده فقره خلاف رفتاری او که مخالف امر شریعت غراست در بیعت نامه خود ها درج نموده بودند چون همه انرا ملاحظه نمودیم

الحق که تمامی فقرات مذکور مخالف امر شرع شریف بود ما یان اسامی مکتوبین فی الذین بیعت خود ها را از امان الله پادشاه سابق فسخ نموده برای پادشاه ذوی الاقتدار حضرت ظل الله خادم دین حضرت رسول الله امیر حبیب الله خان از صمیم قلب طوعاً ورغبتاً پادشاهی امیر حبیب الله خان را قبول نموده بیعت نمودیم که اطاعت پادشاه حال امیر حبیب الله خان را بقرار شرایط شرع انور بدوش ورقبه خودها گرفته قبولدار شدیم به — مقتضای ایه شریفه اعوذ بالله من الشیطان الرجیم واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم چنگ زده قبول اطاعت امیر صاحب حال را نمودیم که الهی انتا بعمر واقبال واستقلال سلطنتش دراوج ودریای حشمت واجلالش موج درموج باد بالنون وصاد مبارک باد • سلطنت بر خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان باقی مباد هرکه نخواهد بقای شاه •

امضاء ات :

محمد کاظم حاکم — ملا عبد الجبار قاضی — میرزا غلام حید ر مامور مالیه — حاجی محمد خان — محمد عزیز کتوال — بابه علی — میرزا علی — صوفی گل مراد — اسد الله بای — محمد حسین — عبد الحکیم — باقی مهر ونشان شصت ۳۳۶ نفر دیگر •

بیعت نامه اهالی تاشقرغان

۸ رمضان ۱۳۴۷ •

بسم الله الرحمن الرحیم •

حمد وسپاس بیقیاس مر پادشاهی را سزاست که بنای طاق ورواق سبع سموات طباق را بمؤدای والسماء بنیناها باید وانا الموسعون بقدرت کاملهٔ خویش طرح بسته وافتراش بسیط غبرا را بمقتضای والارض فرشناها فنعم الماهدون بحکمت شاملهٔ خود رنگ ریختهٔ وعمارات وجود دار الملک موجودات را بفحوای اذا اراد شیأ ان یقول له کن فیکون از حضیض نیستی باوج هستی رسانیده وابواب احسان را بر وجوه بنی نوع انسان بمضمون عد و محصون ولهم ماید عون مفتوح داشته که منتظمان کارگاه ملک صورتولبا رومخند سان بنیان معمورهٔ جهان حکمت اساس کنگرهٔ عقل ودانش واصحاب خرد وبینش اند در ادای شکر نعم اویلسان عجز گرائیده بقصور خویش اعتراف نموده اند ما عاجزان بیرو وهم وخیال نا قدرا چه یاراکه بارای شکر وثنای او زبان را نیم لا احصی ثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک وتحف صلواة زاکیات نثار روشهٔ منورهٔ فصاحت بیانی که منشور منور رسالتش بطغرای غرای وانک لمن المرسلین منقح وموشح استوینال بمثال لازم الامتثال نبوتش بتوقیع وقیع وما ارسلناک الا رحمة للعالمین موقع وموضح عالیشانیکه در بساط قاب قوسین او ادنی ممتاز وبخلعت والای لولاک لما خلقت الافلاک صاحب طراز علیه من الصلواة اتمها ومن التحیات اکملها وبرال عظام واصحاب —

واجب‌الاکرام واتباع با احترام او که مالکان صدق ویقین وهادیان شرع حضرت سید المرسلین اند
صلوة الله وسلامه علیهم اجمعین — اما بعد بر جمله اهل اسلام وکافه امت سید خیرالانام واضح
ولائح است که نصب امام از ضروریات دین و واجبات شرع متین حضرت سید المرسلین است وبرهمه
مسلمانان واجب ولازم است که شخص مسلم حر مذکر عاقل بالغ مالک التصرف درامور مسلمین وقادر بسر
تنفیذ احکام وحفظ حدود دار اسلام وانتصاف مظلوم ازظالم باشد بامامت قائم ومنصوب دارند
که بواسطه وجود گرامی اوتنفیذ احکام دین ورفع حاجات مسلمین مثل سد ثغور واقامت حدود
وتجهیز جیوش واخذ صدقات وقهر متغلبه ومتلصصه واقامت جمع واعیاد و قطع منازعات واقعه
بین عباد وغیرها قیام وانجام گیرد بناء علی هذا ما یان اهالی تاشقرغان بل جمیع ترکستان
بجهت اجرای شرایط مسبوق قبلا دست بیعت واطاعت بامیر امان الله پادشاه سابق داده
بودیم چون امیر مسبوق الذکر اقوال وافعال خودرا تغییر داده مقلد رفتار وکردار اهل کفره —
گردید کتب شرعیه ومسائل دینیه ومعتقدات یقینیه را ترک داده نظامنامه جدیده وقوانین
غیر مفید میل ازشرع بعیده را اختراع کرده بروی کار اورد خود بدان عمل نموده حکام وعمال —
خودرا حکم داده که جبرا وکرها احکام انرا بالای رعایا اجرا بدارند علاوه بران علما و —
سادات اکابر وافاضل دارالسلطنه کابل وسمت مشرقی وکوهستان در بیعت نامه خود تحریر —
داشته انکه در ۲۲ فقره مسائل که مخالف شرع نبوی ومنافی طریق مصطفوی بسوی کفر بود بمضمون
ایه کریمه و (من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون) امان الله را واجب العزل دانسته
فسخ مبایعت اورا نموده مجددا دست بیعت بمجاهد فی سبیل الله خادم دین رسول الله
امیر حبیب الله دادیم وذات گرامی اورا پادشاه واولوالامر خودها دانسته واطاعت وانقیاد امر وفرمان
اورا قبول دار گردیدیم که نقل بیعت شان ازنظر مایان گذشت وما مردم اهالی تاشقرغان وقراو
مضافات ان نیز موافقت ومرافقت انهارا نموده باشاره (وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل
کان زهوقا) بیعت امان الله را فسخ نموده اطاعت اورا از ذمه خود ها دور کرده بشرایط
فوق الذکر بموجب (السلطان العادل ظل اللهفی الارض من تمسک به نجا من اعترض عنه هلک)
دست بیعت واطاعت بامیر غیور شجاع دلیر رافع اعلاء کلمة الله وحامی دین رسول الله امیر حبیب
الله داد بمضمون ایه کریمه (واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) ذات شاهانه اورا بامامت
وامارت خودها قبول دار گردیدیم وجود مقدس اورا پادشاه واولوالامر خود ها دانسته اطاعت حکم
ونفاذ فرمان اورا بذیرا شدیم وبجان ومال ونفس بخدمت اوقیام واقدام داریم دوست اورا دوست
خود ها ودشمن اورا دشمن خود ها می شماریم واز خداوند کریم مسئلت داریم که ازلطف عمیم این
پادشاه ترقی خواه دین ودولت را توفیق عدالتی عهد ایشان همیشه گرداند تا بمیامین عدل و
انصاف مراسم جور واعتساف را محوونا چیز نموده مبانی عدل وامانی را مرفوع ومشید دارد وارکان
دین قویم وقواعد شرع مستقیم را استوار گرداند ابواب عدل واحسان را بروی جهانیان

کشاده ظل حمایت وعاطفت برمفارق سرگشتگان وادی نامرادی گسترانند تا کافهٔ رعایا وقاطبهٔ برایا مرفه الحال زندگانی نموده وجود فائض الجود اورا مغتنم انگارند واز خداوند کریم بقای عمر وترقی دولت اورا بصدق دل وخلوص نیت مسئلت داریم والدعا ۰ ۸ رمضان ۱۳۴۷

امضاءات:

مهر قاضی محکمهٔ شرعیه تاشقرغان ملا سکندر شاهخان — مهر مفتی محکمه تاشقرغان — داملا عرب مدرس — ملا تردی خطیب — ملا حمید اللهٔ مفتی محکمه — فضل صادق مجددی — ملا شاه محمد محرر محکمه — امام الدین محرر — محمد نبی — محمد نعیم — محمد شریف — ملا عبد العزیز — ملا عبد الرحیم — ملا نعمت الله محرر — سید جان پادشاه — عبد المجید — حاجی سلطان تریعدار — بابجان کلانتر — ایشان میان جان — صوفی محمد کریم اقسقال — ملا بابجان بای — عزیز بای — از نظامی: ملا گل جان — روزی قل — غلام حیدر — محمد قاسم — محمد الیاس سلیمانقل — باقی امضاء ومهر ۲۰۰۰ نفر دیگر علما ومشایخ ونظامی وغیره اهالی تاشقرغان ۰

بسم الله الرحمن الرحیم

بیعت نامه اهالی قریه زرغون شهر تعلقه لغوگرد

اقرار واعتراف شرعی مینمائیم ما یان اهالی قریه زرغون شهر تعلقه لوگرد اینکه:

قبلا امیرامان اللهخانرا بامارت وسلطنت خودها بیعت داده به پادشاهی خودها قبولدار شده بودیم چون بقرار فتوای علما دین حضرت سید المرسلین صلی الله علیه وآله وسلم مواضعات سمت مشرقی وشمالی وغیره وغیره بواسطهٔ افعال واقوال های نامشروع اثر شرعا حکم عزل را برخود امان اللهخان وهواخواهان او کرد نظربآن مردم سمت شمالی بسرکردگی وامارت اعلیحضرت غازی امیر حبیب اللهخان خادم دین رسول الله (صلعم) بالایش غلبه آورده به برکت دین نبی (ص) تسلیم تخت وسلطنت را ازقبضهٔ امیرامان اللهخان گرفتند ما یان اهالی قریه مذکور متوطن لغوگرد بیعت امه هذا خودرا بحضور مبارک تسلیم کردیم بلحاظیکه امیر حبیب اللهخان موصوف به دین حضرت رسول کریم (ص) وشایع گردنیدن دین از روی صدق واخلاص صادقانه بر رضا ورغبت خودها پادشاهی امیر صاحب ممدوح را قبولدار می باشیم شرعا با امیر صاحب موصوف به ریعهٔ مهر ودستخط ونشان شصتهای خود ذیلا امضاء کردیم هرگاه در ثانی از امر امیر صاحب موصوف که مطابق شرع شریف باشد برخلاف اختیار وعدول نمائیم ملامت خدا ورسول اکرم (ص) میباشیم ودر اقرار خودها صادق هستیم فقط تحریر ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۴۷ ۰

امضاءات:

ملا فقیر محمد — ملا احمد الله — میرزا احمد خان — صالح محمد — سید شاه — میرزا فضل احمد — عبد الغفور — غلام محمد — امیر محمد — عزیز الله — باقی نشان ومهر وامضا ۶۰ نفر دیگر ۰

مسایل دینی

(۱۲)

۷ — نگهداشتن جامه اوست از چکیدن اب مستعمل بران .

۸ — جمع کردن نیت زبان وقصد دل است .

۹ — بسم الله گفتن است در شستن هر اندام ومسح کردن هر اندام .

۱۰ — خواندن دعا هائی است که از امامان دین نقل شده در شستن هر اندام .

۱۱ — درود وسلام خواندن است بر پیغمبر (ص) بعد از وضو (اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین)

۱۲ — اشامیدن زیاده اب وضو است ایستاده یا نشسته .

۱۳ — جستجو کردن است گوشه های چشم و شتالك ها وشیکه بالای پاشنه است کجی کف پا را تاکه خشك نماند .

۱٤ — از اندازه وحد فرض شستن را زیاد کردن است در پیشانی بطرف سر ودر دست بطرف بالای ارنج ودر پای بطرف بالای شتالنگ .

۱۵ — بدست چپ شستن پایها است در زمستان تر کردن انها است پیش از شستن .

۱٦ — خواندن سوره (انا انزلنا) است .

۱۷ — خواندن دو رکعت نماز نفل است بعد از وضو اگر وقت مکروهه نباشد .

۱۸ — خواندن کلمه شهادت است نزد شستن هر عضو .

۱۹ — ابتدا کردن است از بالای طرف روی واز طرف سر انگشتان وپیش طرف سر .

۲۰ — روی بقبله نشستن وپشت ان قفا کردن است در خلا وناشستن است بروی افتاب و مهتاب وپشت بانها جائز است .

۲۱ — بدست چپ استنجا کردن است .

۲۲ — ترك کردن چیزی است که مکروه باشد در وضو .

فصل چهارم در مکروهات وضو

مکروه نزد اهل شرع ان است که از جانب صاحب شرع در ان منع اقله ثابت شده باشد بادلیلیکه معارض ان باشد وبنده به ترك ان خالصا لله تعالی جل شانه ثواب بیابد وبگردن ان عمل او ناقص شود وخوف عذاب الهی جل شانه در فعل ان است وحلال دانستن ان کفر نمیشود .

اب اندر دهان ودر بینی	یکه چپ کراهیت بینی
اب بروی سخت تر کردن	عورت خویش را نظر کردن
خوی در اب هشتن از عمدا	سخن اندر مقام استنجاء
ور تو بینی براست افشانی	در بیان کراهیت ما فانی
هرکه این شش کراهیت داند	دایم اندر رفاهیت ماند

(شرح لغات)

(کراهیت) مکروه شدن (سخت تر کردن) سخت زدن اب بر روي (عورت) مراد شرم گاه است (خوي) ابدهن) هشتن) انداختن و گذاشتن (عمدا) بقصد) مقام) جاي (رفاهیت) اسایش ٠

حاشیه ابیات

شش چیز در وضو مکروه است ٠

۱_ بدست چپ اب در بینی و دهن کردن

۲_ سخت زدن اب بر روي

۳_ نظر کردن بشرم گاه خود

٤_ ابدهن در اب انداختن ٠

٥_ سخن گفتن در جاي استنجا

٦_ بدست راست بینی افشاندن ٠

(فروع)

از جمله مکروهات وضو اسراف کردن است در وضو و از جمله اسراف شستن اندامها است زیاده از چهار بشرطیکه اعتقاد او باشد که سنت زیاده از سه بار است و از جهت رفع وسواس زیاده از سه بار است شستن انرا اسراف گفته نمیشود و انطرف شستن اندامها است و سه بار مسح کردن سر است باب های جدید و وضو کردن است در موضع نجس که در موضع نجس وضو نکند قصدا اب وضو را در موضع نجس نیندازد اگر خود بخود اب وضو در موضع نجس برود باکی نیست و وضو کردن است در مسجد مگر در ظرفی یا در جائیکه اماده براي وضو _ باشد وترك هر مستحب مکروه است ٠

باب دوم در بیان شکننده هاي وضو

انچه از پیش و پس عیان گردد	اب دست ترا زیان گردد
مگر ان باد کان ز پیش بود	که وضو هم بجاي خویش بود
ریم و خون گر روان همی باشد	تي کني پر دهان همی باشد
خواب تکیه زده وضو شکند	تکیه بر خواب هیچکس نکند
قهقه در نماز و بی هوشی	باز دیوانگي و مد هوشی
هرکه راشد مباشرت فاحش	نرم در فرم ایر در بالش

(باقیدارد ٠

(۱۱)

وموضوعقبی را قصد کرد تا اینکه دران جای بالا رود وبطرف بیت المقدس نظر اندازد
ودر بین راه قومی از مسلمانان که جامه های دیباجی بتن خود داشتند که از غزوه یرموك
انهارا بدست اورده بودند وبتن خود پوشیده بودند با امیر المومنین عمر (رض) ملاقی
شدند امیر المومنین (رض) حکم کرد اینکه بر سر ایشان خاك ریزد وابهای دهان خود
را در لای شان اندازد واین چنین بود احوالات او تا اینکه در حوالی بیت المقدس
رسیدند چون بطرف شهر نظر انداختند همگی الله اکبر گفتند • ودعا کردند که خداوندا
این شهر را باسانترین وجهی بدست ما فتح گردانی ومارا ازطرف خود یاری ومحکمی فرستی
ونصرت دهی بعد ازان امیرالمومنین (رض) روی براه اورد تا اینکه تمام قبائل وصاحبان لواها
بطرف او روی اوردند واستقبال کردند وامیر المومنین عمر (رض) رفت تا اینکه دران منزلی که
جای امیر ابا عبیده (رض) بود فرود امدند ودرانجا از برایشان خیمه موئین برپای کردند و
امیر المومنین (رض) درمیان ان خیمه در بالای خاکها به نشستند بعد ازان از جای —
برخاستند وچهار رکعت نماز اداء نمودند واقدی (رح) فرموده که درانوقت ازمسلمانان
ناله ها وفریاد های بلندی بالا شد وزبان های همگی شان به تکبیر وتهلیل گویا گردید —
چنانکه همگی اهلی بیت المقدس اواز ناله وفریاد های شانرا شنودند درینوقت تبرك از —
برای شان گفت که وای باد شمارا قوم عرب را چه پیش امده که بدون ازاینکه چیزی واقع
شود خود بخود ناله ها وفریاد ها دارند وشما در بالای سور شهر بالا روید به بینید —
انهارا چه پیش امده واقدی (رح) فرموده که بعد ازان مردی از میان شان که زبان عرب را
میدانستند ربالای سور شهر بالا امده اواز کرد که ای قوم عرب مارا خبر دهید که چه نقل
است که اینقدر فریاد وفغا دارید — مسلمانان فرمودند که امیرالمومنین عمر (رض) که خلیفه
بزرگ ما میباشد از مدینه پیغمبر ما (ص) به نزد ما قدم اوردند واین فریاد ها ازسبب —
خوشوقتی مسلمانان است •

راوی گفت که ان مرد بازگشت وتبرك را خبر داد تبرك درزمین قدم زدن گرفت وهیچ
جواب نگفت چون فرد اصبح شد وامیرالمومنین (رض) به همراه مسلمانان نمازرا ادا —
نمودند بعد ازان روی بطرف ابا عبیده (رض) اوردند وفرمودند که یا عامل بطرف قوم روی
اور وانهارا خبر ده که امیر ما امد بعد ازان ابا عبیده (رض) بطرف شان رفت واواز کرد
که اهل بیت المقدس امیر بزرگ ما عمر (رض) امشاد ر باب وعده خود که بهمراه ما وعده کرده
بودید چه می گوئید •

راوی گفت که انها تبرك خودرا ازین قضیه خبر داد تبرك ازمیان کیسه خود بیرون امد و
جامه های درشت وشوخگین بتن اوبود وتمام رهبانان وقسیسین واساقفه باوهمراه بودند

وصلیب را که بجز ازایام عید بدیگر ایامی بیرون نمی اوردند بیرون اوردند ودر مقدم روی او گرفتند وخود بطالیق هم که والی شان بود بهراه او روی براه اورد وازبرای تبرک گفت که ای پدر ما اگرچهانچه توان صاحبش (ص) شانرا می شناییخوبوالله هرگز در بشهر خودرا ازبرایشان مفتوح نمی کنیم وتو مارا بهراه این گروه بربوالگاز شو که باخوبانهارا می گوییم یا کوشته — میشویم تبرک ازبرای شان گفت که من این امر را خوبتحقیق میکنم بعد ازان تبرک بهمراه بطالیق والی شهر در بالای سوامدند وخود بطالیق هم دریکجانب تبرک ایستاده شده وصلیب را در مقدم روی شان گرفتند وانهارا مقدم روی امیر ابا عبیده (رض) ایستاده شدند واواز کردند :

که ای شیخ سترکننده چه میخواهی · امیر ابا عبیده (رض) عنه جوابداد که این شخص امیرالمؤمنین عمر (رض) خلیفه بزرگ است که بطرف شما امده وبغیر ازوی خلیفه دیگری نداریم حالا شما بطرف او (رض) بیرون شوید وصلح وامان را بهمراه اوعقد کنید وبه تحت ذمه او داخل شوید و — جزیه را برضامندی خود ادا نمائید · تبرک گفت که اگر ان امیر شما امده باشد که شما ازوی — بالاتر امیر دیگری دارید ازبرای اوبگوئید که بطرف ما نزدیک اید که ما اورا به نعت وصفت او — می شناسیم وازبین شمایان همگی اوراجدا میکنیم اورا بگوئید که بیشراید ودر برابر ما ایستاده — شود تا اینکه مایان اورا به بینیم اگر همان امیر شما نباشد کمایان صفات اورا درانجیل دیده ایم بعد درمیان ما وشما بجز مقاتله ومحاربه دیگر چیزی نخواهد بود — راوی گفت که امیر ابا عبیده (رض) بخدمت امیرالمؤمنین عمر (رض) بازگشت وگفته تبرک را باوخبر داد وعمر (رض) قصد کرد اینکه ازجای برخیزد اصحاب او (رض) نمودند که یا امیرالمؤمنین شما تنها بطرف شان میروید وبجز یک مرقعه خود دیگر هیچ ازالات واسباب خود همراه ندارید ومایان خائفیم که مبادا از — برای شما مکر وفریبی داشته باشند وازطرف شان ازبرای شما مشقتی عاید گردد در پنوقت امیر المؤمنین عمر (رض) این ایه کریمه را قرائت نمودند (قل لن یصیبنا الا ماکتب الله هومولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنین) بعد ازان امرکرد که اشتر شانرا حاضر اوردند ودر بالای اشتر خود سوارشدند وهمان مرقعه موصوله بجان شان بوده دگر هیچ لباسی نداشتند وعبا قطوانی رابسر خوبپوشیده بودند وبغیر از ابا عبیده (رض) دیگر باوشان همراه نبود ابا عبیده (رض) هم درمقدم روی شان قدم میزدند ورفتند تا اینکه بسوا شهر نزدیک رسیدند ودران جا ایستاده شدند که فقط تبرک وبطالیق دران برابر در بالای سور ایستاده بودند بعد ازان ابا عبیده (رض) بهمراه شان بسخن گفتن شد وفرمود :

(باقیدارد)

(کابل مطبعهٔ سرکاری)

صفحه (۱) (جریده هفتگی حبیب الاسلام ـ سال اول شماره ۱۴) (نمره مسلسل ۱۴)

واعتصموا بحبل اللهجمیعا وتفرقوا

حبیب الاســـــلام

اداره خانه دارالامان کابل افغانستان ـ نمره تلفون .
همه امور تحریریه و حسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار و اصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه روز پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت سالانه ششماهه
در داخل ۵ ـ افغانی ـ ۳ ـ افغانی
در خارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
یك شماره (۱۰ پول)

(تاریخ قمری ۲۷ ـ محرم الحرام ۱۳۴۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۱۶ جوزا ۱۳۰۸ هجری .)

صواب الکلام فی عقائد الاسلام

نبذه از صفات ستوده رسول اکرم (ص) وقدسیت فرقان معظم

حضرت رسول مکرم و نبی محترم ما محمد (ص) بن عبد الله بن عبد المطلب قبل ازانکه به تبشیر رسالت و تاسیس دیانت جلیله اسلامیه من طرف الله مبعوث میشدند چهل سال حیات خود شانرا درمیان قوم و عشیرت خویش گذشتاندند و درین مدت بعدیده بصفات حمیده همچو صدق و امانت معروف بوده و به همین صورت شناخته شده اند چنانچه از طرف قوم و عشیرت شان معلوم است که بعنوان (محمد الامین) ملقب گردیده و یاد شده اند حضرت فخر کائنات در ظرف این مدت نه خوانده و نوشتن اشتغالی نفرموده و نه کدام برای کسب معلومات از احوال هیئات اجتماعیه و خاصتا جهت اموختن کیف و کم شرائع امم و اقوام قدیمه و معارف قدیمه انها یا اداره قوانین و احوال سیاسیه ممالک ایشان هیچگونه تتبعاتی ننموده و حتی با ارباب فن قرائت و کتابت و نه با انهائیکه از فنون محرره سائره قدیمه وقوفی داشتند ملاقی شده اند در ظرف این چهل سال تا بزمان بعثت از طرف هیچ یك ذاتی هم تعلمات و مشاهده و نه مرویتی شده است که ذات رسالتپناهی شباب قرائت و کتابت و یا معارف قدیمه امم و اقوام سالفه و یا خود معارف دنیویه انها به تعلم و یا متعلق باخصوصیات امور اداره و سیاسیه و هیئت اجتماعیه و امورات

طرز حیات اوشان اشتغالی نمود وچیزی اموخته باشند ومانند اینهم در بین این مدعی اگر
بصنعت فصاحت وبلاغت عربیه نسبت به تعلیم ومدارسه شان قولا وروایتا اشارات —
وجود ندارد که با خطب ورسائل ترقی داشته باشند یا در رسایل با فصحا وبلغای قوم یا در مقام
محاوره با فصحای عرب تصدی فرموده باشند والحاصل برای کسب این (صنعت فصاحت وبلاغت)
عربیه که در هر وقت وزمان بغایت پایه علم شریف گفته شده میشود هم وجود محمود احمدیه را
هیچ کسی ندیده باشد که مستثنا بصاحب ملکه شدن در این مسئله که با یستی کسب قوت نمود و
خود را بین البلغا وفصحا بدرجه قصوی رسانید کوشیده باشند ودیده نشدن ان از
طرف هیچ یک ذاتی محقق ومصدق است در خلال این چهل سال نظر بقول صحیح وصریحیکه
از قوم وعشیرت خود شان مروی است همینکه انحضرت (ص) جمیع علوم ومعارف دینیه امم و
اقوام قدیمه واداره دنیویه ومعاملات اداره وسیاسیه واصول تعلیم وتعلم قرائت وکتابت را
دریکصورت بر کمال که گویا سراسر همه افراد مدارس ومکاتب منتظما تحصیل فرموده باشند دانسته
ومیدانستند دراینطوریکه بکمال وعلم کافیه عموم نوع بشر را که از عرب وعجم با لا یاری —
ساختند در دین مبین احمدیه (ص) خود بدعوت مامور وبهمین صورت در امور تبشیر رسالت
وخلق را بدعوت گرویدن بایات جلیله که بان مامور تبلیغ ان بودند شروع فرمودند دراثنای قیام
ومباشرت باین دعوت بالکل از ثروت وقدرت عالی محروم بوده که ا یکصد ونیکه درین راه —
برایشان معاونت نماید یا ناصریکه دراین دعوت از او نصرت امید شود وجود نداشت —
درهمچو یکوضعیت این حقائق را عموم تابعین وکلیه اقوام وملل موجوده انزمان که باحوال
قدسی شان کسب وقوف کرده توانسته ومیتوانستند تصدیق کرده اند . حال وشان ذاتی نبی —
ذیشان مان (ص) در زمان چهل ساله شان در میان قوم وعشیرت همان بود که معلوم است —
دراین احوال دریکصورت انی وناگهانی با مباشرت فرمودن به دعوی نبوت ورسالت من طرف الله
بکافه عباد — نبی مرسل واین دین که به تشریح ان مامور شده بودند بلا استثنا بکافه عباد یک
دین حقه که تشریح شده است تبلیغ کردن ان از جمله مقتضیات رسالتشان بوده است — چونکه
فوز ونجاح دنیوی واخروی را تکفل کرده ومیکردند همانطوریکه ارسال شریعت احمدیه
(ص) با زمان انوقت متناسب بود همانطور بتمامی ازمنه که تا یوم القیامه امده وخواهد امد نیز متناسب
و موزون بوده ومیباشد ومقدم براین دین مبین هر انقدر شرایعیکه از طرف حضرات انبیا ورسل

کرام ما تقدم نسبت بزمان خود شارعین طرفا للعقل فی التبلیغ معمول گردیده بود اکثر احکام ان ادیان سماویه را نسخ وفسخ میکرد بنا علیه تابع بدین مبین احمدی (ص) شدن کافه عباد را بامر حق خواسته عباد را باخلاق قبیحه که فیما بین اقوام وملت ها از اباواجداد شان موروث مانده واز طرف شیطان تزئین داده شده بمصالح حیاتی ومماتی شان مضر واقع بود تقبیح می فرمودند وزیاده تر شایان تقبیح عبادت بت ها ـ اشتر ـ احجار ـ اشجار و غیره وصرف نظر کردن عموم ملت واقوام را ازاین چیزها لازم ولابد دانسته با کمال رحم وشفقت بامر واعلای شرع شریف خود میکوشیدند تنها حضرت واجب تعالی را با توحید یاد فرمودن واو تعالی را با صفات جلیله کمال متصف دانستن وهکذا ذات واجب الوجود را از کافه صفات نقصان وزوال منزه عقیده داشتن وحدانیت والوهیت ومعبودیت مطلق را تنها شایسته ذات واجب الوجود دانستن ایفای وظایف شکر ومحمدت را در مقابل نعم جلیله ربانیه نمودن ودر حد ذات تعالی ایفای شکر ومحمدت همه راجع بخود ما نبودن را تبلیغ وتعیین میفرمودند با خضوع وخشوع در نماز استادن را موجب تهذیب نفوس ومستلزم وصلت بخالق بخالق واحد وسبب فراغت مهمات اعلا پوار شاد ووعد میدادند زیارت امکنه مبارکه را توصیه فرموده وسائر امور دینیه را که جالب خیر ودافع شر است امر مینمودند ان جماهیر کثیره که دعوت فرمودن حضرت نبی اکرم (ص) را بدین مبین با این حرارت وفعالیت دیده واین دعوی عظیم را بدایه ووهله میشنیدند بالطبع رحوصله خود جا داده نتوانسته متنفر میگردیدند بدون از قبول کردن دعوت حضرت رسول مقبول را واطاعت نمودن باوامر و تبلیغات شان در ریاضیوت شدیدی بیان ذات محمود در دماغهای خود کین وعداوت می ـ پروریدند حتی اهل واقربا واحبای شان وجود ذیجود پیغمبری را ترک داده پیر وبرنا ـ خورد وبزرگ وتماماشان در رتکب یادهای واقعی انحضرت (ص) متفق ومتحد گردیدند احیا و اودایی که بمصحب بود تیکه قبل الدعوت شان میدادند بخصومت وعداوت شدیدی تحویل داده مطلق بخروعد اوعهود را اظهار مینمودند . بعد از انکه عموم قریش وغیره مقابل بادعای نبوت حضرت ختمی مرتبت از راه جهالت با جرای معاصات ومجادلات ازحضور فخر کائنات حجت وبرهان طلبیدند طلب حجت وبرهان هم نه تنها بیک زبان ویکنوع بلکه هر قوم و هر حزب حتی هر فرد یا ز روسای اقوام موجوده برنگ وصورتهای مختلفه که شاید باثبات ـ

مدعا مستلزم عجز افتاده تواند یعنی به فهم واعتقاد خود دلایل وبراهینیکه حصول و حدوث انرا خارج ازامکان می پنداشتند می طلبیدند .

حضرت فخرالمرسلین (ص) متضمن برصدق دعوی خود مقابل با نانیکه دلیل وبرهان می خواستند باقامهٔ دلایل وبراهین مقنعه وساطعه کوشیده بسوال هریکی ازانها با علا تیزرگ وچهرهٔ بشاش جوابهای مقنع اعطا میفرمودند . درضمن تائید وتصدیق دعوی خود وادعای نبوت ورسالت بزرگترین وقاطعترین حجج واضحه ودلایل قاطعه تیکه اظهار فرموده ومیفرمودند وزیادتر شایان استناد وواجب الاعتماد بود عبارت ازقران عظیم وفرقان حمید بود باستکه قرائت فرمود موکلا بالله بود ن ومن طرف الله نازل شدن انرا بیان میفرمودند وهمچنین درمقابل ان متکبران جهال میگفتند که این کلام الله بالذات رسول مرسل وبکافهٔ بنی نوع بشر مبعوث شدن ودرکافه تبلیغات خود صادق بودن مرا مبین وشریعتی که نشروتبلیغ ان هم ازجانب حضرت واجب الوجود امرست تمام اینها را این قران مجید موضح ومتکفل استوعلا وتمود میگفتند ؛ ای معشر قریش وای ذواتیکه با هاشمیت وقریشیت فخر کرده ودر فصاحت ودرجهٔ قصوای بلاغت خود مینازید مقابل به کوتاهترین یک جملهٔ قرانیکه یک ایت ازین قران تسمیه شده موسوم شود اما هیچ یکی از شما مانند ان یک سحر فی هم ایراد وبیان کرد نخواهید توانست . وکسانیکه ازشما صاحب لیاقت واقتدار است انرا وفقط بالعموم شما را دعوت مینمایم که اگر مطابق بران کدام کلمهٔ اظهار توانید دعوی نبوت من هیچ است واگرموافق بران واز گفتن کلام عاجز بودید پس بدرستی بدانید که این قران عظیم من عند الله نازل شده وکلام حق است وبایستی که باو و نبوت من ایمان ارید وبرای شما بجز قبول ایمان راهیکه رستگار شوید غیرموجود است

(ناتمام)

میرمحمد شریف خواجه

فتح قندهـــار

ازتمرکز قوای عسکری امیر صاحبغازی در قلات شایعات سابقه ما بشما حالی نموده باشد اینک درین اثنا بحرزه متعینه قلات بسر افسری جناب محترم یاور صاحب

حضور ملوکانه فقط بمعیت یکعده از نفری اقوام سلیمان خیل و غیره رایات نصرت را بجانب قندهار شگفتا نموده منزلی قندهار را فرودگاه خیمه قرار داده بودند . درعین حال اهالی قندهار که قبلا راپورت حال بحکومت کابل شده بود بنای ارسال بیعت نامهٔ خود شانرا داشتند از قضیه مستحضر شده از خوف تلف جان و مال شان باردوگاه امیر صاحب غازی پیام فرستاده شفاها استرحام عدم ورود عسکر را در شهر بغرض عدم دست برد در جان و اموال شان نموده بودند که امیر صاحب موصوف تیلفوناً مسئله را بحضور شاهانه در کابل معروض و استدعا نمود .

در اثر ان از حضور شاهانه نمایندهٔ هیئتی بریاست جناب عبد القیوم خان نائب سالار و عضویت جناب فضائل انتساب حضرت جی بزرگ جان وغیره بانطرف اعزام شد تا بصورت اصلاح کارانه مسائل را فیصله نمایند اما با وجود اینکه علی احمد خان والی سابقه که با حال فلاکت و ادبار قبلا از مشرقی برآمده بقندهار فرار شده بود هنوز هم افکار فاسد کاخ دماغ اورا متخلل ساخته از شاه راه اسلامیت منحرف نموده بود در اینوقت باز بمقابله و مدافعه عسکر غیور ما پرداخته شهر را بمحاصره انداخته ابواب انرا مسدود و در مقام مبارزه — ایستاده گی نمود .

هرچند بعضی اشخاص متدین و خیرانديش قندهار اورا بافعال نامشروعش ملتفت کرده مانع گردیده مسودی نبخشید بلکه بالعوض چندی از انجمله گلوله قصد ظالمانه اوگشتند با ان از فضل الهی عسکر غیور ما باکمال تهور بمقابله و محاصره شهر صرف همت نموده بعد از انحصار سه شبانه روز شهر را فتح و ان خائن راه اسلامیت را دستگیر کردند و تماما اهالی قندهار را بقرار اوامر خداوندی امان دادند که تماما مثل اهالی کابل بتجارت و زراعت و پیشه خود مصروف و بیطرفی و خیرو ترقی فوق العاده و محبت — اسلامیت کارانه تحت قیادت حکومت عادلانه صرف اوقات نمایند .

بعد تسلیم نمودن اهالی و گرفتاری علی احمد خان والی سرافسر غیور و عسکر — جسور ما از محبت و اطاعتیکه باد شاه مهربان عزیز خود دارند از شهادت برادران عسکری

خود که از سمت علی احمد خان مذکور واقع و خود را موجب قتل شان قرار داده بود صرف نظر نموده خود اورا تحت الحفظ در کابل فرستادند که روز دوشنبه ۲۵ ذی الحجه مطابق ۱۳ جوزا وارد مرکز شد ما زجریان امور در باره او که از حضور پادشاهی شرف صدور مییابد ـ ثانی ذریعه جریده محبوبه الاسلام بشما اطلاع داده خواهد شد . انشاءالله تعالی.

اطاعت اولی الامر

(۷)

راجع باطاعت اولی الامر رفتار مجتهدین بعد بحضرت سید [illegible] المرسلین :

حضرت امام همام اعظم و مقتدای اهل اسلام (ابوحنیفه کوفی (رح) که مجتهد مطلق میباشند و بانی تابعین مجتهد مطلق احکام فقهیه شان میباشد ولادت باسعادت شان در سنه ۸۰ هجری و وفات حضرت ایشان در سنه ۱۵۰ هجری قدسی است . آنحضرت معاصر خلیفه ابوجعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم از خلفای عباسی) بود مانند چون علم و تقوی و زهد و فقاهت حضرت امام اعظم شهرت یافت (خلیفه ابوجعفر منصور) اراده نمود که منصب قضای ممالک اسلامیه را بحضرت امام مفوض دارد ازان رو حضرت امام را بحضور خود طلبیده امر نمود که منصب مذکور را قبول نماید حضرت امام چون از حظوظ نفسانی کاملا در گذشته بود و اشتغال و مناصب را مخل ادای عبادات و طاعات میدانستند بنابران در حضور خلیفه از منصب قضا استعفا نمودند و از مجلس خلیفه برخاسته شدند ـ چون همواره نفری زیادی برای حل مسایل دینیه بحضور امام حاضر میشدند منافقین و حاسدین حضرت امام بسمع خلیفه رسانیدند که امام ابوحنیفه (رح) منصب قضا را قبول نکرد و از منصب و مرحمت پادشاها بانمود مگر در خانه خود مردمان را باحکام و مسایل فتوا میدهد (خلیفه ابوجعفر منصور) ازین امر رنجیده امر نمود که (ابولیلی) که عالم فقیه و معاصر حضرت امام بود بمنصب قضای ممالک مقرر گردد و حضرت امام ابوحنیفه (رح) بالکل از فتوا موقوف باشد حضرت امام اعظم رحمه الله بعد از صدور این امر خلیفه در واقع بر خود بسته و مردمان چون ـ بدر سرای برای حل مسایل حاضر میشدند همه را نزد ابولیلی که به درجه تلمیذ حضرت امام بود و در علم و فضل با حضرت امام مساوات نداشته بامر خلیفه ارسال مینمود و همین مسئله را ـ

جواب نمیفرمود تا اینکه شبی دختر حضرت امام کفتها یتقد رمند وپسندیده حضرت امام بود برای ادای نماز تهجد در نصف شب در خواستهمد ازتکمیل وضو دندانهارکش ـ قدری خونشده چون لعاب دهن را ملاحظه نمود بسبب قلت تغیر رنگ لعاب دهن در نقاز وضوی خود مشتبه گردید درهمان نصف شب این پدر منیر بحضور حضرت پدر بزرگوار خود حاضر شد وکیفیت واقعه را معروض داشت و حل این مسئله را ازحضرت امام درخواست نمود حضرت امام که دراینوقت شریف بادای نماز تهجد مصروف بودند بنظر عطوفت پدرانه دختر عفیفه عابده صالحه خود را منظور فرمود مگریه زیادی نمودند وازدختر خود در ـ حل سوال شان عذر خواستند بیرقت تمام فرمودند که جگر پاره من . خلیفه زمان مرا از فتوا منع فرموده حل سوال ترا بیان نمود نمیتوانم از قاضی ابی لیلی که قاضی مملکت ومنصوب خلیفه وقت است حل مطلب خود را بنمائید ازین جواب باصواب بحسر انتساب دختر صالحه عفیفه اش نیز بگریه زار افتاده درد ل شیلین چراغ وستاره بین با هم گریه زیاد نمودند ـ حضرت امام فرمودند که چون لیاقت منصب قضا را درخود ندیدم درحضور خلیفه از ان استعفا کردم امادر نیم شب رها بحل سوال جگر پاره خود برخلاف امر خلیفه فتوا داده نمیتوانم .

نقل از جریده شریفه الایمان

(منطبعه قلعه باری سمت مشرقی)

که از اثر خامه عالم فاضل محترم مولوی محمد ابراهیم خان کاموی

عرض وجود کرده است .

بسم الله الرحمن الرحیم

نحمده ونستعینه ونستغفره ونؤمن به ونتوکل علیه ونعوذ بالله من شرور انفسنا ومن سیئات اعمالنا من یهدی الله فلا مضل له ومن یضلله فلا هادی له ونصلی علی رسوله صاحب الشفاعه وعلی آله واصحابه خیر البریه .

(تمهید)

امابعد میگوید نگارنده این اوراق که چون درین ایام فتن ازتراکم ابرهای معرضانه سرتاسر هوا تار وتاریک شد متبلیغ امور شرعیه برای تامین خیالات عامه وتحفظ عقائد اسلامیه از حتمیات وواجبات وقتی است بنابران هر فرد اسلامی بموجب آیه شریفه (ولتکن منکم امة ـ

یدعون الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئک هم المفلحون) تبلیغ را —
فریضه ذمه خود شناخته همچنین برادران اصلاحی خود تفهیم وابلاغ نماید مخصوصاً حزب
عالی علمای علا که در صفتشان (علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل) فرموده شده وظیفه
اولین شان شناخته میشود تا برای مسلمانان تبلیغ وامر شرعیه جهت فعل واظهار مناهی
فقط سیئه جهت ترک نمودن آن بمسلمانان درصورت اینکه ان بحسنات نائل ثواب وبسیئات
نائل بعتاب بلکه مرجع عقاب خواهد گردید ازانجاکه این بنده عاجز نیز در زمره علماء بشمار
محسوب میشود اگرچه دارای حصه قلیله ونصیبه متداوله ازعلم هرد ما مبنا بر پیشنهادات
فوق مسئله تبلیغ را مقصد اصلی وغرض قلبی قرارداده مابین امر صارک بمعاونت رفقای مجلسی
سرخرود مشرقی اقدام نموده تا در موصوفین (ولیمنند ز وا قومهم) بشمار رود .

چون برهمه افراد مسلمانان ظاهر است که درین زمانه اخر هرعالم نمیتواند که در میدان
وعظ ونصیحت و در هر مسجد جامع برمنبر بالا شده اظهار حق را بکند درین رسیدگی
بنده ضعیف ناممکن بلکه در بعضی اوقات متعذر ومحال ثابت شد برای پیشرفت این غرض مقدس
وخدمت بزرگ نشر واشاعه یک جریده که هم ماهوهم ازاد باشد لازم دیده مخدمات روحانی و
قلبی اونکه اند رایج مسایل موجبه اتحاد واتفاق وفوائدان که مدار ترقیات عالم دینیا واحتراز از
نفاق وشقاق که مناط تنزلات وانحطاط جامعه ها میباشد فعلا بذمه خود گرفته بهر هفته
دوبار این اخبار که محتوی بر مقاصد شرعی وتفهیم مسایل ایمانی باشد بنام جریده (الایمان)
نشر واشاعه میدارد تا طبقه مسلمانان قریب وبعید یکسان مستفید وبهره ور شوند .

البته برعموم برادران ظاهر وبرهن است که معارف طلبا همتیکه معاونت عمومی را بکار
دارد بمحوای ایه کریمه (وتعاونوا علی البر والتقوی) شائقین خواندن وشنیدن مسایل مذهبی
واحکام ایمانی براعانه خیریه این امر شرف اقدام وشرکت خواهند نمود .

علاوه بران پوشیده نیست که سخنهای مختلف در هرجا وهر مقام صبح وشام شنیده
میشود که اکثریه آن بی اساس وبی حقیقت بوده قابل تصدیق نی بلکه اکثریه شان پروپاگند —
دشمنان دین ووطن بوده که دراختلاف وافتراق جامعه اسلامی تخم افراد نفسانی ومقاصد
شیطانی خود رامیکارند وازین خبرهای دروغ وفضولی که شنیده میشود خیالات عالی اخلال
واضطرابی یابد برای جلوگیری این پروپاگند ها بهر نشر واشاعه شماره جریده خبرهای —

تازه وموثوق ومحقق یك حصه اخبار خود را بشرط عدم وجود مانع تزئین وروشنی بخش انظار و افکار قارئین محترم خواهیم نمود چون هر فرد انسان لازم سهو ونسیان بود ما ازاولیای بصیره معانی خطا وقصور خود را خواستگارم. (باقی دارد) .

نقل از جریده ٔ تحفة الحبیب

که از اثر مجاهدت آقای محمد بشیرخان درخان آباد

تازه عرض وجود نموده . (٦ ذی الحجة الحرام)

الحمد لله الذی جعل تحفة الحبیب مفرحا للقلوب بل وذریعة لاحیاء شریعت المحبوب:

خدا کشتی آنجا که خواهد برد | اگر ناخدا جامه برتن درد
کلید قدر نیست در دست کس | توانای مطلق خدا هست وبس

(انا نحن نزلنا الذکر وانا له الحافظون)

پرده ٔ عبرت:

دیده ٔ عبرت کشا قدرت حق را ببین قارئین گرام . روزهای دید میشد که علما پرغم سادات پر الم ــ مسلمانان حیران ــ مؤمنان پریشان ــ ارباب وطن بتشویش ــ وکلا مشوش به محفل نشسته پر از یأس وحرمان ــ خوانین خوار زار ــ حضرات ابتر وفرار ــ استبداد ما الا بطاق بر روی کار ــ پرده ناموس شرفا واعزه لوچ رو بروی بازار چیست.

دربار زنان . چه شد خریدار .

مه وشان.

چه میکند .

میگوید ترقی ــ ترقی بچه رو ــ کشف عورتان. یعنی چه .

رولچی زنان . از چه بحث است .

از دختران بیرشان سفر قلاسان بدرشان خلص خلاصه نصیحت علماء فضول پند سادات ناقبول معدردان جدا رنجه ود وستان جدا خفه ارباب حل وعقد دراختناق صادقان ملتخناق کارگردگان با تجربه برطرف نوچند کان نوید منا ازمود مصاحب کار ــ قیام شرع

دستخوش – فقها سرپستمدار – ناصحان دل‌آزار – این همه از بهر چه .

از برای تابعیت هوا نفع‌خواهی بیجا تهور بی معنی لاف بیجا و هرزگی .

به که .

بیماریها . بچه تقلید . بفرنگها . خدایا چه کنیم . دعاها درخواستها چه خواهد شد ماجراها تدبیرها تقدیرها زیرا زبان لاقله بسته دل فاقه شکسته .

ربنا حلینا کربنا فقرا .

ما بیچارگان را بجز دست دعا چه مانده . شبها روزها غریبها فریادها ناله‌ها جمعیت بندار ان پراکنده افراد شریعتمدار ان خیلی خنده بهر تقدیر مرا گریه کردن – ضروریست .

واقف: اگر غیر خندید خندید باشد .

درین اثنا که گرداب بلا گرفتاری ماست و عصای شقیقه بپهلوهای کاری ما روز بروز – احکام فراعنه برونکار و تسلی ما جز این نیست چارگان همان قرار بوده های مخبر صادق و – حمایت غیبی پروردگار .

شهر خالی است زعشاق بگر کز طرفی — دستی از غیب برون آید و کاری بکند

درین اثنا جمعیتی که حضرات و علما و سادات و غیره معتبرین خوانین شرعیین پیروان دین نیز خدا دارند که از خود خفیه خفیه حزب ها و فرقه‌ها دسته‌ها جمعیت ها ساخته‌اند بهر سو تکاپو میشوند بعضی ایشان از طرفی حریفان بدخواهان کوته اندیشان را اضطراب برده هرچند حریف بزور پیروز خود خود را مقد می بیند مگر از سرته حافظان راه دین بی خبر و از فتوا دادن شان به تکفیر جلّ جماعه قدیر بی اثر میمانند که درین اثنا قوم خواهشمند جهاد درخواست ازهادیان راه صلاح و سداد و خواهش از پیروان – صاحب ارشاد میگیرند که بما سری میاید و سروری میشاید (خداوندا درین بین قصه ملک طالوت را بیاد ما ن کمقارئین گرا بد رما بمد می اید) که حب یا اللهفا ن وسید حسین بکشف دیده شد و از کرامت ما ملاحظه شد بتعبیرها براه که از دین و سربازان غیور بوی خدمت خلت صدای خدمت شریعت و برهمی ضلال بدعت اید .

کلید گنج سعادت قبول اهل دل است — مباد کس که درین نکته شک و ریب کند

که یک نهضت فوق العاده مشروع گرچه شرقیان وطن در رخ ما برو بودند کفتاگا مشمالیان
بمرکز قریب وقت فرستازد ستند اد ما ولاد همثال طالوتی را طمپرد ارگرفتها ولا بیاری خداوندی
بکابل جنت تقابل احیا شرائع حفظ شمارد ین نمود مها الجطه جناب حبیب الله خان گرچه
سعت مال نداشته برگزید علما وحضرا تکبار وسادات عظام وفضلا وشرفا وخوانین وطنکان بوده
بعلم حربی ماهرتر ازسپهبد عصری وزمان ودرجسم شرعی بسط فضلی دارد بامارت برگزیدند
ودرعطای دست بیعت باو اندکی تامل نکرده شاهی افغانستان اعلان نمودند .

مرا بربندی وحشی ار فضولی عیب کند — که اعتراض بر اسرار علم غیب کند

برادران عزیزم .

والله یوتی ملکه من یشاء والله واسع علیم .

اربابلجانیا ازهرجانبکها ند برای تسلی شان ازما هما بهتر کردن د لائل قدرتی قدر
است بخوانند کتابهائی قرا زیرا که خداوند غیب دان بملائکه درباب خلیفه زمین استشاره نموده
که من خلیفه کرد اند نی میباشم فرشتگان بحث اورد ندکایا کسی را که خون ریزانند وفساد میکنند
وحال انکه تسبیح وتقد یس توکنیم چه جواب یافتند (خداوند کریم فرمودند که من دانا ترم
بانچه شما نمیدانید) چون از بنا خبیر بصیر بالاخره واقفواز خدمتادم (ع) بالحاصل دانسته
میشوند همین میگوئیم که میگویند :

(سبحانک لاعلم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم) .

بیعتهای ولایا ت وملحقات ان

(۹)

بیعتنامه اهالی غنجان علاقه قطمن

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد واله
واصحابه اجمعین .

چون در این اوان دولت والا مان سماد ت قران تاج شاهی سلطنت کابل واطراف ونواحی
ان بحمایه یعتنا بحضرت العلی یعمد د کاری دین متین جناب رسالتپناهی (ص) برای شهر یار

عدالت شعار بهادر شجاع امیر حبیب الله خان ارزانی گردیده بود شد* سلطنت وحکمرانی ازسبب زوال دولتکه اقتضا* عالم همین طور است ازقید قدرت امیرامان الله خان انحراف و انصراف نموده بود ر قبضه* قدرت این پادشاه ظفر پناه امد مواکنون جناب موصوف در سریر — حکمرانی وکامرانی دارالسلطنه کابل متمکن شده مواز قدوم میمنت لزوم این پادشاه عدالت پناه جمله اصناف واکناف حوالی کابل وسمت شمالی در تحت تصرف وانقیاد وفرمان برداری او از دل وجان گرائید . واین شاه کامگار شجاعت نهاد در ازفرط مرحمت والطاف ازقطاع اطراف واکناف وجمله رعایا وبرایای مملکت محروسه* افغانستان خط ارشاد ومیمنت چنانکه داب وقواعد سلاطین — ماضیه ملکم رسوم کل شاهان است صادر نموده واین خبر خیریت اثر بسمع ما رعایای علاقه* — خنجان که یکی ازعلاقه* قطغن است رسید ما اهالی تماما ازعلما وسادات وحکام ومعتبرین و موسفیدان انگشت قبول نهاده* رضا نهاده وسر اطاعت وارادت در تحت امر وفرمان وگردن رضا ومنقاد در رسن انقیاد او از دل وجان بوجه رضا ورغبت بسته گردانیده ایم وبحکم این ایه* کریمه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولوالامر منکم) فرمان برداری واطاعت پادشاه مسلمین که بموجب شریعت حضرت سید المرسلین (ص) باشد بر همه مسلمانان ازجان ودل واجب ولازم.وهمچو فرزین است چنانچه اگر شخصی سر ازاطاعت پادشاه وقت بپیچد متمرد وباغی وواجب القتل است پس ما رعایا فرمان برداری این پادشاه را بدل وجان قبولدار گردیده سجده* شکرانه بدرگاه خالق یگانه اوردیم چون سلطنت وحقیقت حکمرانی باراده* حضرت الهی جل شانه از تصرف امیرامان الله خان دور شده الحمد لله والمنه که در تحت تصرف این پادشاه دیندار و دوستدار شرع انور ومطهر درامده که مملکت مذکور ازفتنه وفساد دور وبراحت واراس — نزدیک خواهد بود برسرخادمان نیکنهاد سایه* دولت مخلد باد — وهمیشه دست دعا بدرگاه قاضی الحاجات برآورده ماست ما مسلمانان که الهی بحق شرع حضرت رسالت پناهی — سایه* دولت وحکمرانی این پادشاه شجاعت نهاد را از سر ما رعایا کم وکوتاه نگرداند

سایه ات کم مباد ازسرما — خلد الله ملکه ابدا — واین عریضه بصیغه* بیعت نامه وقبولداری ومبارکبادی شاهانه مواهیر ودستخط مایان علما وسادات وحکام ومعتبرین وموسفیدان و غیره رعایا وبرایای علاقه* خنجان بطریق ارمغان بحضور مبارک معروض ومفتوح باد — برسلیمان مورچه هارا ارمغان شد مور پا — امضاء :

عبد الله – عبد الروف – خالقداد – جمل السراجی – ساکن خنجان.
محمد یوسف – برهان الدین – دلاور – عبد الواحد – نوراحمد – بابه‌بای – باقی امضا و مهر ۲۰۰ نفر دیگر.

بیعتنامه اهالی تالقان علاقه قطغن

۱۴ دلو.

اقرار واظهار ما علما ومشایخین وسادات وما مورین ووکلا وغیره اهالی حکومت تالقان اینکه:

بقرار قطعه حکمنامه مورخه ۱۸ شعبان فضایل همراه مولوی محمد میرزا خان مدرس – مدرسه ولایت خان اباد درخصوص بیعتنامه محی الدین امیر حبیب الله خان اسمی فضایل همراه مولوی ملا محمد داود خان مدرس مدرسه حکومتها رسید که بحضور ما اهالی قرائت گردید عموما دانسته گردید ما یم علما ومشائخین وغیرهم ما یان دولت عموما همگی پادشاهی محی الدین امیر حبیب الله خان را به پیروی دین مبین حضرت سید المرسلین اراسته است – قبول ار گردید بیعتنامه را رضا وطوعا داده ما یم وازین روشنی دین مبین خود ما ملت اسلام بسیار خورسند گردیده درجهاد شاها سلامه دعا بخیر نمود متابعت اولی الامری را بسم الله الرحمن الرحیم بحکم این ایه کریمه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) دیگر بحکم این حدیث رسول الله (ص) من لم یعرف امام زمانه واذ امات مات جاهلا . قبول داریم واز حضرت خداوند جل علی شانه همواره ترقی دین مبین حضرت سید المرسلین وعزت ان پادشاه جوان بخت خود را توقع داریم. فقط امضاء اتوم واهیر:

مولوی محمد داود مدرس مدرسه تالقان – محمد حسن حاکم تالقان – عبد العزیز خطیب تالقان عبد الحکیم جلال ابادی حاجی ملا زین الدین – ملا صاحب نظر – ملا عبد الغنی – ملا عبد الواحد – میرزا نورالدین – ایشان محمد سلیم – ملا عبد الله – جمال الدین . باقی امضا ومهر ونشان انگشت ۱۲۲ نفر دیگر.

بیعتنامه اهالی چال واشکمش

۲۶ شعبان.

سلا علی من اتبع الهدی

تادلهای شب یعنی کواکب صحن سپهر زمرد ین پیدا شد ونسرین صبح هر روزه از افق

فیض گستری رائحه بخش مشام جهانیان است همواره گلزار بی خس وخار مروج خلافت و نامداری وزهره برج معدلت و کامگاری بطریق داعلی الله واعباد برب العباد .

امابعد اینکه این پیمان نامه من جانب ما یان علما وسادات و وکلا وموسفیدان و جمیع رعایا رجال واشکمش حضور پرنور معدلت ستور شهریار غیور غازی امیر حبیب الله خان تقدیم نموده از درگاه حضرت مجیب بالدعوات استدعا داریم که همواره ان پادشاه اسلام پناه مراد رجاده مسند شرع شریف نبوی (ص) مقیم ومستقیم داشته باشد . بحق نبی واله الامجاد . امضاء ات ومواهیر :

ملا عبد الرحمن - عبد القادر - مولوی عبد الاحد - ملا عبد الخالق - غلام حید روکیل حاجی غلام قادر - ملا محمد کریم - اربا ب قربان علی - اربا ب عید ی - باقی نشان انگشت و مهر وامضاء ۸۵ نفر دیگر .

پیمان نامه اهالی نحرین قطغن .

۱۷ شعبان .

بحضور خادم دین رسول الله امیر صاحب حبیب الله خان پادشاه اسلام پناه عرض نفری علاقه داری حصه اول نحرین قطغن چنان است که شکر فضل ومرحمت خداوند تعالی بود کمپادشاه اسلام پرور ابر ای خود میسر ومرزوق گردانید وخداوند تعالی مبارک شما گرداند وتحت وبخت شمارا خداوند تعالی برقرار ومستقیم گرداند خداوند تعالی شمارا ازسرما مردم رعیت مذکور کم وکوتاه نگرداند وهمواره بر سریر عظمت وکامرانی برقرار داشته باشد چند قلعه بیعت نامه حضورتان مرسول نمود ه اگر قبولی باید عنایات ظاهر خواهد بود وما ن مردم محال مذکور ازنزد شما بسیار رضامند وخورسند میباشیم خداوند تعالی وجنا ب رسول مقبول ازنزد شما رضامند وخرسند بود ه باشد باقی باعزت و نیکنام ارین بود ه باشید .

سید محمد وکیل علاقه داری - خان محمد بای - نور محمد بای - عید ی نظر بای - ملا برد ی بای - شمر الله بی خا ن - باقی نشان انگشت ومهر وامضای ۱۲٤ نفر دیگر .

مسایل دینـــــی

(۱۳)

شرح لغات :

(عیان) ظاهر) (زیان) نقصان (کان) که ان (بجای خویش بود) یعنی نمیشکند (تکیه بر خواب هین کرنکند) اعتماد بران نکند که احتمال دارد که از وی چیزی خارج شده باشد واو ندانسته باشد (قهقهه) خنده ٔ که خود شخص وشخص قریب اوبشنود (مدهوشی) مستی (مباشرت فاحش) انکه زن ومرد برهنه باشد وعضو مخصوص هرد وی ایشان باهم ماس کنند (فرج) راه پیش انسان) (ایر) اندام مخصوص مرد (بالش) افزایش مرد و انتشار الت است .

حاصل ابیات

۹-۹ چیز شکننده ٔ وضو است اول چیزیکه ازراه پس وپیش انسان ظاهر شود مانند بول و غایط وباد وکرم وسنگ ریزه وباد یکه از پیش باشد وضو بان نمی شکند مگر زن مفضات اگر باد از طرف پیش ان براید وضو ٔ او می شکند ومفضات زنی است که هر دو راه پس وپیش او یکی شده باشد . دوم ریم وخونیکه روان وجاری باشد پس بمجرد ظاهر شدن ان - بدون جریان ان وضو نمی شکند - سوم قی که بپری دهان باشد وپری دهان است کـه ضبط انرا نتواند مگر به تکلیف ودرین حکم فرق نیست که ان قی صفرا باشد یا سودا انیکه مانند خون بسته است یا طعام ویا بی که بمعده رسیده باشد اگرچه دران تقرر نگرفته باشد واگر از حد گلو بازامد شکننده ٔ نیست واگر اند اند اند قی کرد که تنها تنها بپری دهن نمیرسد و اگر یکجا میشد بپری دهن میرسید دیده شود اگر سبب این جوش معده واستعکی بود که می شکند واگر سبب ان یکی نبود نمی شکند . چهارم خوابی است که تکیه زده باشد بر چیزیکه اگران چیز ازوی دور شود بر زمین بیفتد واگر برپا یا سرین ویا پهلو ویا برپشت خوابیده باشد نیز - می شکند پنجم خنده ٔ قهقهه ٔ بالغ وبیدار در حال نماز خواندن که ان نماز رکوع وسجده داشته باشد واگریکی ازین چیزها نبود وقهقهه کرد وضو ا ونمی شکند - ششم بیهوشی است . هفتم دیوانگی - هشتم مستی است که در رفتار او حرکت خلل پیدا شود واین سه شکننده ٔ وضو اند بهر هیئتی وبهر حالتی که باشد - نهم مباشرت فاحشه است که در ان بین دو شخص که صاحب اشتها باشند اگرچه بدون ظهور تری باشد اگرچه مابین دو زن ویا دو مرد باشد پس وضو هرد و کسر که باهم مباشرت کرده اند می شکند ولیکن بدون انتشار الت وضو ٔ مرد نمی شکند .

فروع :

از جمله شکننده هاي وضو خون رقیق است که بسته نباشد خواه از شکم بالا — شده باشد خواه از دهن برامده باشد و باب دهن یکجا شده وبراب دهن غالب یا برابر باشد وعلامه غالب شدن خون براب دهن ان است که رنگ اب دهن سرخ گردد واگر خون از اب دهن اندك باشد نمی شکند ومکیدن (زلو یعنی جوك وکنه است واگر بزرگ باشند واز خون پر شوند واگر زلو وکنه کوچك باشند واز خون پر نشده باشند وضو را نمی شکند ۰ (باقیدارد)

فتوحات اسلام فتح بیت المقدس

(١٢)

که یا اهل بیت المقدس این امیرالمومنین عمر (رض) خلیفه بزرگ ماست ۰ تبرك چشم هاي خودرا بمالید وبطرف امیر المومنین عمر نظر ﷺ انداخت بعد ازان باواز بلندي ندا کرد که الله اکبر این همان کس است که ما صفات او را در کتابهاي خود دیده ایم واین شخص همان کس است که لا محاله تمام بلاد ما بدست او فتح میشود بعد روي بطرف اهل بیت المقدس ﷺ اورده گفت واي باد شما را زود فروائید وعهد صلح را بحمراي اوعقد کنید وبه تحت ذمه او داخل شوید بخداي تقدس وتعالي جل شانه قسم که صاحب محمد (صلعم) بن عبدالله ﷺ همین شخص است ۰

واقدي رحمت الله تعالي علیه فرموده که چون اهل بیت المقدس این گفته تبرك راشنیدند وازحصار داري هم بتنگ امده بودند بشتاب از سور هاي شهر فرود امدند ودر ب هاي شهر خودرا مفتوح کردند وبخدمت امیرالمومنین عمر (رض) امدند وطالب عهد ومیثاق و صلح شدند وجزیه را بر ذمه خود گرفتند چون امیر المومنین (رض) دران حالت بطرف شان نظر انداخت خداي متعال جل شانه را عاجزي وتواضع نمود وبر بالاي اشتر خود — خداي تعالي جل شانه را سجده شکر ﷺ بجاي اورده بعد ازان بطرف شان فرود امده و — فرمود که بطرف شهر خود باز گردید که از براي شما صلح وامان وبه تحت ذمه ما داخل شدید که شمارا باداي جزیه مقرر نمودیم ۰

راوي گفت که همه قوم بطرف شهر باز گشتند ووقتا دروازه هاي شهر خودرا هم بسته نکردند وامیر المومنین (رض) هم بطرف لشکر خود بازامد ودران شب ارام گرفتند چون فردا شد امیرالمومنین ازجاي برخواستند وداخل شهر شدند وان روز یوم دوشنبه بود وتا یوم جمعه بشهر قرار گرفتند ومسجدي را درقسمجانب شرقي شهر خط کشیدند ومسجد — دران موضع بوتکه الان موجود است وخود امیر المومنین عمر (رض) مقدم شده ونماز جمعه را درانجاي ادا کردند بعد ازان اهل روم عزم کردند که مسلمانان را مکر وفریب دهند — ابوجعید که مسلمانان رادر یرموك حیله اموخته بود چنانچه اکثر اهل روم از تاثیر حیله

او هلاك شدند درين ايام بهمراه اهل واموال خود در بيت المقد سرامده بود اهـــل بيت المقد س از براي او گفتند كه چه مصلحت ميد اني اينكه درحين كه مسلمانان نماز مشغول اند والات واسباب حرب را بخود همراه ندارند ونه چيزي بخود دارند كه مارا بان چيز ازطرف خود منع شوند تا اينكه بضرب وقتل نرسند تا دران وقت ما در بالاي شان حمله اوريم ابوجميد گفت اي قوم · از براي قوم عرب حيله ومكر را بدلهاي خود راه ندهيد واگر مكر وحيله را اراده كرديد من قوم عرب را واقف ميگردانم ·

اهل بيت المقد س گفتند پس چه عمل كنيم · ابوجميد گفت كه اموالها وزينت هاي خود را بنظر قوم عرب ظاهر گردانيد زيرا كه هر كه متاع واسباب دنيا را ديد صبر وطاقت ندارند چون اموال هارا ديدند از طرف شما طالب ميشوند چون طالب شدند شما ـ ميدانيد وهرچه اراده داريد · (باقي دارد)

اعلان سركاري

براي عموم اهالي اين مسئله روشن وظاهر خواهد بود ·

اول كه ازحكومت گذشته سكه ده پولي ويا پنج پولي وغيره مسكوكات مس نسبتاً به تعداد ـ كثيري موجود است در داد وستد كه مبلغ زياد باشد بخزائن ود واير رسمي كه موضعاليات ومحصولات وباقيات دولت برده تحويل مينمايند ويا از خزانه ها بعوض معاش مامورين و ـ مصارفات حكومت براي نقدي برات داران داده ميشود در هردو صورت بشمار وحساب ـ تعداد بردن واوردن يك تكليف شاقه وتضييع اوقات مامورين واهالي است ·

دوم ـ نوت هائيكه رائج شده نوت هاي مذكور بعوض زياد خزينه بيت المال مسلمانان بجايم رسيده بود كه بخزائن موجود بود نظر بمعرضش اگر رائج نميشد گويا نقصان بيت الما ل ديده ميشد · بنا بران براي رفع تكليف وتسهيلات معاملات داد وستد ونقصان نشدن فقط مصرف نوتها چنين تصويب ومنظور حضور شاهانه گرديده كه نوت يكروپيه گي وپنجروپيه گي وده روپيه گي باندازه مبلغ ده لك روپيه كابلي برواج داده شود بالمقابل نوت روپيه نقد در خزينه گذاشته وهر خزاين حكومت نوتهاي مذكور بعوض ماليه ومحصول گمرك وباقيات وغيره معاملات گرفته شود علاوه بران اگر اشخاص نوت را بخزائن دولت برده وجه نقد بخواهد خزانه داران نوت را گرفته بدون معطلي براي اسامي وجه نقد بدهند نوتهاي مذكور عموما بمهر پادشاهي ومهر مستوفي كابل وخزانه دار عمومي ومعين وزارت ماليه مهمور ميباشد ـ مواهير اشخاص كه درنوتها شده براي شناس ومعرفت شما در تحت اعلان هذا نشان داد بشده در نوتهائيكه مواهير مذكور نباشد تا بل اطمينان ورائج نخواهد بود ·

لهذا از تصویب رواج نوت که صرف برای سهولت کار منظور و مروج گردیده بذریعهٔ اعلان هذا بشما آگاهی داده مرقوم میشود که بعد از نشر اعلان هذا نوتهای مذکور را بقرار نرخ معین وکروپه گی وپنج روپه گی وده روپه گی بدون کم وزیاد رائج دانسته مثل سکهٔ نقره ومس داد وستد گردد وبعوض مالیات ومحصولات وباقیات حق دولت به خزائن حکومت تحویل نمائید واگر احتیاج بروپیه مسکوک داشته باشد نوت را بخزائن برده وجه نقد بخواهید هم از خزانه های دولت بعوض آن بشما وجه نقد داده میشود تنها رواج نوت را برای اسطل ۱۳۰۸ امر داده ام اگر در سال اینده لازم دیده شد امر واعلان علیحده میشود والا نوتهای مذکور را امر میدهم که بخزانه های دولت تحویل داده وجه خودرا نقد بگیرند — این نوت را نوت داخلی دانسته مردمان خارجی حق ندارند که بخارج افغانستان ببرند اگر برده بودند در وقت استرداد حق ندارند که وجه قیمت نوت مذکور را از خزائن دولت افغانستان مطالبه نمایند خلاصه مخصوصیتهٔ مخصوصه داخلیه افغانستان است در خود داخل هم خارجی ها ازاین مطلع تمتع وفائده بیع واشترا کرده نمیتوانند ومعامله این مطلع با خارجی ها داخل این رسمیت نیست ·

مهر مخصوص همایونی ومهر بن مالیه ومستوفی کابل ومهر مخصوص نوت خزانه جات عمومی ·

(مطبعهٔ سرکاری کابل)

صفحه ۱ ـ (جریده هفته گی حبیب الاسلام ـ سال اول ـ شماره ۱۵) (نمره مسلسل ۱۵)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

اداره خانه ـ ده افغانان کابل افغانستان ـ نمره تلفون .
همه امور تحریریه و حسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار و اصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه بروز پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

	قیمت سالانه	قیمت ششماهه
در داخل	۵ افغانی	۳ افغانی
در خارج	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(قیمت تک شماره ۱۰ پول)

(تاریخ قمری ۶ محرم الحرام ۱۳۴۷) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۳ جوزا ۱۳۰۸ هجری)

صواب الکلام فی عقائد الاســـلام

نبذه از صفات ستوده رسول اکرم (ص) و قدسیت قرآن عظیم

(۲)

حضرت رسول اکرم (ص) زمانیکه به نشر و اجرای این تبلیغات دینیه و این وظیفه مقدسه رسالت صرف بودند در آن عصر عربها فصاحت و بلاغت شان درجه فوق العاده و ظهور و رواج و اصحاب این علم و فن خیلی هم خیلی زیاد بودند چنانکه در فصاحت و بلاغت عربها نسبت به سائر ملل ممتاز و از این جهت خطبا و شعرای بسیاری را مالک بودند و اعظم علومیکه امت عربیه دانسته و مهمترین اشیائیکه اسباب فخر و مزایای خود شماریده و می شماریدند شعر و خطبه بود لهذا بناید ارائی فن فصاحت و بلاغت باین اندازه درجه فصاحت و بلاغتی را که در دائره حوصله بشر است و مرتبه فوق آنراکه طاقت بشریه احاطه کرده نخواهد توانست تنها عربها در یا نصورت طرفدار و شعله داری میشدند و دانستن اسرار این فرق و تمیز که چه چیز است هم مخصوص عربها بود .

اینکه حضرت مختصر موجود ادعدرین امتطور بلا تقیم تبلیغ رسالت فرموده و انحراف شاهراه اسلامیت و دیانت جاهلیه خود بمعجزه قرآنیه دعوت مینمودند قرآن عظیم الشان بفصاحت و بلاغت قدسی خود که فصاحت و بلاغت عربیه را بخاک یکسان کرده بدرجه ضعیفی میگذاشت و از این امر او اصحاب علم فصاحت و بلاغت هم انکار نتوانستند و سر گردن هر یک از گردن کشان و متکبران را پایمال عجز مطالعه خود نه تنها باعتراف ـ

بلکه بسجده و پرستش خم میکرد .

حضرت ختمی مآب موجودات در هر محفل و هر مجلس ارشاد میفرمودند که به مختصرترین آیه مبارکه قرآنی احدی معارضه کرده نخواهد توانست حتی اگر همه فصحا و بلغا اجتماع نموده یک بدیگر خود معاونت کنند مانند کوتاه ترین آیه شریفه فرقانی موفق نخواهند شد جمله اظهار کنند [illegible] و باین قدر هم اکتفا ننموده مطابق به تصریح قرآنی هدایت میفرمودند که شما گروه مفسدان سخنوران ضلال و خسرانید معبودان شما احقر و اضعف جمادات است و آنها را جز طعن و لعن نشاید .

وقتا که ارباب فصاحت و بلاغت و امرای عرب و داعیانیکه درمیان آن قوم موجود بودند باین اندازه تبلیغات عالیه رسالتپناهی شنیدند و علی الخصوص که مقابل معبودات و جمادات و معبودات خود طعن و تشنیع ها شنیدند قرآن عظیم الشان را که شاهد رسالت و دلیل نبوت قرار یافته بود به تدقیق کردن شروع نمودند یعنی در آن زمان ادانیکه علمای تحریر فصاحت و بلاغت شناخته میشدند همه در یکجا جمع آمده متفقانه و مصممانه این فرقان مجید را باکمال تعمق و تفکر تدقیق کردند و برای اینکه باین کلام حق معارضه کرده بتوانند یک طریق یا مثل فصاحت قدسیه آن سخن کرده توانند — چاره ها میجستند و میاندیشیدند ولی هیهات هیچ یک طریق و ادنا یک چاره پیدا کرده نتوانستند عاطل و عاجز مانده در پیشگاه اعجاز و عظمت قرآن عظیم الشان سر تعظیم و تسلیم در زمین نهادند همچنان که این قوم ممتاز در فن فصاحت و بلاغت موفق نشدند یک طرز و یک راهی برای رسیدن به منظور خود پیدا کنند بعد از آنها هم منکران و معترضان بسیاری که آمده اند نتوانسته اند بمقصد باطله خود کامیاب شوند چنانچه تا این زمان که متجاوز از هزار و سه صد و چهل سال گذشته است چه از علمای مذاهب باطله و دهریون و چه از علمای ادیان مختلفه نصاری که در مرور همیشه بتدقیق این کلام مقدس مشغول و مصروف اند نمیتوانند یک طریق معارضه بدست آرند هکذا الی یوم القیامة تا ابد الاباد باین افترا باطله خود نائل نخواهند شد لذا ما هم بکور مغزی و کورچشمی معاندین امروزی اسلام حیران بوده علی رؤس الاشهاد اعلام و اعلان مینمائیم همچنانکه تا به امروز فصحائیکه در دنیا آمده و رفته و اکثر بلغائیکه در هر زمان بعد از بعثت احمدیه (ص) خصوصاً متوجه او شده اند چنانکه در صدر اسلام و عصر سعادت فصحا و بلغای عرب نتوانسته اند معارضه کنند و از آن به بعد هم منکران و معترضان موفق نشده اند نمیتوانند بشریعت پاک محمدی (ص) و فرقان مجید که بحق من عند الله نازل شده آویخته اند ازینرو ادنا معارضه کرده توانند چنانچه

بسیاری از آیات فرقانی نیز این مطلب را ایضاح و آشکار میسازد و از قدسیت و اعجاز قرآن عظیم است که در ـ هرجا و در هر مملکت و در هر خانه حتی از طلاب مکاتب ابتدائیه که فی الجمله تحصیلی داشته باشند و قرآن ترجمه شده را خوانده و میخوانند بسیاری از علل نصرانی شرق و فرنگیها از فیض مطالعه آن مستفید شده بشرع پاک محمدی (ص) ایمان و اسلام آورده و میاورند .

عربها امرا و علمای فصحا و بلغا که در پایه های بزرگ عصر خود گفته میشدند قرآن شریف را بدرجه آخرین تدقیق و تحقیق نموده بعد از آنکه با کمال بصیرت مرتبه عالیه فصاحت و بلاغت را خارج از قوه بشریه دیدند به قدسیت و حقیقت آن تیقن یافتند و اعتراف نمودند این تمام اعتراف از آن بود که به حضرت قرآن نظیره تنظیم داده نتوانسته و اگر هم این قدر تشبث کردند را سالها مسخره و استهزا اطفال و ناگواری ـ معروض ماندند حقیقتاً با تصور که معارضه کردن از ادارهٔ امکان خارج بود با کمال وضوح عجز عربها تحقق کرد نه تنها عجز عربها بلکه از تمام نوع بشر با کمال واضح و ثابت گردید لذا بعد از آنکه قلوب خود را از شبهات و هواجس شیطانی پاک نموده رسالت و نبوت حضرت ختمی مرتبت (ص) را تصدیق کردند بالطبیعت ترک عادات ـ قبیحه قدیمه خودها و عبادات باطله مخصوصه بت پرستی کرده به پاک عقیده محمدی (ص) که شریعت با قرآن عظیم الشان از طرف حضرت واجب الوجود امر و احکام شده بود تمسک ورزیدند .

در امت عربیه کسانیکه امرا و ارباب فصاحت و بلاغت گفته میشدند با بصورت تدرستیه تدقیقات و تحقیقات عمیقه کلام بشر نبودن حضرت قرآن و کلام قدسی الهی و یکی از معجزات عظیمه الهیه منسوبه بودن اورا با قناعت کامله تصدیق کردند اشخاص و اقوام سائره تیکه نژاداً از امت عربیه ولی از جمله ارباب فصاحت و ـ بلاغت نبودند ولی فی حد ذاته عرب بوده از مزایای فقط فصاحت و بلاغت عربیه بیخبر بودند تصدیق و اعتراف فرق نخستین را دیده سر تعظیم فرو نموده میگفتند که حضرت قرآن الحق برای تصدیق رسالت و نبوت حضرت فخر کائنات (ص) معجزهٔ باهره و سند شایسته است نهایه قانع شدند و باین دین توسل جست خلاصه موافق بخصوص را کنون باتمام دلائل اعترافیه نپرداخته خود بخود قانع شدند دلیل اینها و استدلال شان به حقیقت قرآن و نبوت محمدی (ص) این بود که میگفتند :

در حالیکه حضرت فخر موجودات (ص) تنهائی بار بی معین و بی یاور اند تمام مخالفینها عادات و عبادات عالیهٔ ادعای رسالت در میدان پایه‌ها مخالفت و مجادلت خود را انداخته اند که هیچ یک ناصر و معاونت ـ کننده‌ئی در معیت شان موجود نیست فصحا و بلغای عرب که در علوم منقول و معقول عرب با کمال فصاحت و بلاغت شهرت شمار اند به تنظیم مختصرترین یک آیه شریفه قرآنی که من عند الله برایشان نازل شده جمله ایراد کرده

نتوانستند وهمه انهارا باعجاز قرآنیه بدیانت جلیله اسلام دعوت نماید _ اینجاکه از قرن ها است مسالك بها دا نارش بوده بعبادات مالوفه ئیکه ابا و اجداد شان مینمودند متعاد اند وازطفولیت بادین و — ائینیکه دارند متدین شده امده اند تعصب ها متعنه های قدیمه قومی وشرعی شان روی کار است — علی الرغم همه ٔ این چیزها حضرت محمد (ص) که درمیان این قوم منفرد یتیم بی یار ومددگار وبانبودن — اموال دنیویکه این قوم را بسوی او تواند بشر را باتباع خویش وادار خواهد توانسته با بطش وسطو تیکه — خلق را مرعوب خواهد ساخت نه اینکه در بدایت دعوی نبوت عوایدهای رسالت اول تر ازهمه اهل واقربای ان با تعلقات خود و بعد ها بالعموم ازطرف خلایق دور و نزدیک معاند او شده بودند اینهمه بلغا وفصحا راعاجز ومعترف ساخت وسوی شاهراه اسلام هدایت نمود زیراکه یکوتاه ترین یک آیه شریفه قران عظیم نظیری اورده نتوانستند وخارج از قوه ٔ بشریه بودن انرا اقرار ومن طرف الله رسول بودن پیغمبر ذیشان — شان را تصدیق فرمودند پس همه ٔ اینها بدون شك وشبهه بشنا هرنور حقیقت حقیقی است که حضرت واحد قدیم جز اسمه مددگار حقیقی ایشان است تنها هرنور حقیقت است که اذهان اینهمه فصحا وبلغا را تنویر کرده ودر حضور حضرت رسالت ماب وحضرت قران بتصدیق واقرار معترف واز این رو ترك عادات عقیده ٔ د قدیمه وعبادات سابقه ٔ مالوفه ٔ شان وادار ساخته است .

برای تولید وایجاد همچه یك انقلاب عظیمیکه انداز اموال دنیویه ٔ ئیکه لازم است در حضرت فخر کائنات (ص) موجود نیست تا باین ذریعه جلب رقبت طبعا اقوام موجوده را کرده — بتواند ویا خود یك سطوت واحتشامیکه ازان در قلوب خلق خوف ورعب اید هم درمیان نیست باز چنانیکه بهمه کس معلوم است ترك عادات مالوفه وعبادات سابقه تااین دم از اسلاف شان بطنا بعد بطن تلقی شده است . اما با عدم وجود این اسباب خیلی از فضلا وعقلا بالطبیعه از رسیدگی به کنه معنی وحقیقت دین وشریعتیکه حضرت محمد (ص) انرا انتشار میدهد خود بخود بــــه بدیها وخرابی ها عادات وعبادات موجوده ٔ شان پی برده انها را با کمال خوشی ترك وشریعت مقدس محمدیه (ص) را قبول کرده اند وقلوب خود را صفا ساخته وپی تمام در این دین وشرع جدیده نجات وفلاح را قائل شده اند پس این کردار فصحا وبلغا باینوجه هستند باین است که بحضرت خیرالبشر وبدین پاك او ایمان اورده اند لهذا ایمان انها وتصدیق اوشان برای ما نیز یك دلیل کافی استدلی کانها ایمان اورده رسالت جلیله ٔ محمدیه (ص) را وقران مقدس را تصدیق کرده وقبول داشته اند بما هم مصدق وقبول است .

اینک بعضی از اقوام که نژاداً عرب یا قسمی از عجم که غیر عرب بوده از علم فصاحت و بلاغت بهره‌مند اشده‌اند طریق قبول واستدلال‌شان اینطور بوده است که ایمان داشتیم ایمان این فرق که حقیقتاً از اهل ایمان گفته‌شده ومیشوند از نوع تقلید بایمان اهل فصاحت وبلاغت یک ایمانی است زیرا ایمان اینها مبنی‌بطریق استدلال است این طریق استدلال واشخاص این براین بوده است که قسمت عظیم آن‌که در لسان عربی موقوفند اشتند مکلف براین بوده‌اند که رسالت جلیله فخر کائنات علیه اکمل التحیات را تصدیق نموده یا نعمت ایشان داخل شوند وبس. ناتمام

میرمحمد شریف خواجه

خبرهای داخلـــــه

بمصداق (کل شی* یرجع الی اصله) اکنون از فضل ومراحم حضرت الهی وطالع همایونی سائر اطراف واکناف ژروتزار اسلامیه از تعامیر صاحب‌غازی حامی اسلام مستحضر شده مایل بحکومت مرکزیه اسلامیه* خود شان گشته‌اند چنانچه درین تازگیها عریضه از عبدالکریم خان کمسابق بحیث نائب‌الحکومه قندهار امتیاز داشته واخرا با سه جمع وری فوج ملکی وارد هزاره شده بود ازهزار به حضور امیرصاحب واصل گشته استرحام عفو کرد از سابقها را نموده وعده بحصول بیعت نامه میران هزار بنا حامی امیرصاحب غازی کرده بود — که از حضور ملوکانه شرف گذارش یافته عریضه او مورد اجابت به اکرد مجوابا فرمان مرحمت آثار نصحیت‌توان را واصد او وطلب مرکز شده است کشانی از ورود او اطلاع حاصل خواهد شد همچنین جهت طمانیت دیگر مواضع اهالی هزار که تاحال بیعت نامه های شان بحضور تقدیم نشده یک هیئتی بریاست جناب نورالله بیگ و عضویت محمد زمان خان پسر مرحوم محمد سرور خان جهل السراجی وفیض محمد خان کاتب وغیره از حضور امیر صاحب مقرر وبیان صوب عزام شد که از اجراآت وکار روائی های هیئت موصوفه اینده اخبار خواهد شد — فعلا صرفا از عزام هیئت مذکور شمارا مستحضر میدارد .

مجدداً عریضه از جناب فضائل مآب نورالمشایخ حضرت صاحب شورباز ار بحضور به (شیر آقا) از گردیز بحضور جناب امیرصاحب غازی ورود نموده متذکر است که ایشان با وامر حضور والا — باتفاق اقوام مسلمان خیل — کتواز — زرمت — خروار — وغیره از گردیز شده واهالی گردیز هم باتها تو اوم متفق گردیده بمشاورلی خان درگردیز ومحمد نادرخان در رسیجنگ منگل پیغام

فرستاده اند که در محل معین حلقه حاضر شده موضوع خیر اسلام واتحاد واتفاق اقوام را بحسن صورت انجام دهند تا بریختاندن خون برادران مسلمین مسئله تمام نمایند وفعلاً حیث گرائیده مجلسی از علما وخوانین انجا منعقد واصلاح نمایند چنانچه نتائج انرا باکوائف اتیه ثانی وعد میدهد .

طوریکه از ورود علی احمد والی سابقه ازشایعه گذشته مطلع شده بودید اینک بعد ورود ایشان بحضور طوکا تقدیم گشته مدا در ارگ قید ومحبوس شد ولی حسبا بطور محترمانه بوده براحت استعفا ازحضور شاهانه بهیئت مستنطقه منتخب مقرر گردیده تا ازو استنطاق واستفسار نموده نتیجه رابحضور معروض دارند بعد استنتاج مسائل فوق وامریکه از حضور در باره او شرف انفاذ یابد مفصلاً دراتی اطلاع خواهد شد .

خبرهای رادیو از مقام بمبئـــی

<u>شب ۱۸ ذی حجه .</u>

امان الله امروز ساعت ده صبح وارد بمبائی گردید ظاهر است که امان الله در اتیه قریب اراده حکومت افغانستان را ندارد .

۱۹ ذی حجه . حینیکه امان الله با برادرش عنایت الله خان وخانواده خودش وارد بمبئی میشد یک جمعیت از مسلمانان براستیشن اجتماع نموده بودند دراثنائیکه از استیشن خارج میشد نفری افاغنه ومغلهای ساکن بمبائی شروع بکفزدن نمودند وامان الله هم جواب انهارا باشاره دست داده بسوی هوتل تاج محل رهسپار گردیدند ازصورتش ملول واثار یاس ونا امیدی ـ ظاهر بود بروز یکشنبه عازم ایتالیه خواهد شد .

۲۸ ذی حجه : ازقندهار خبرمیدهند که عسکر امیر حبیب الله خان شهر قندهار را فتح وعلی احمد خان را دستگیر نموده بکابل فرستادند ازکابل خبرمیدهند که علی احمد خان ازطرف نفری عسکری بحضور امیر حبیب الله خان احضار واز طرف امیر صاحب حکم حبس او صادر گردید .

۲ ـ محرم : ازلندن خبرمیدهند که حالت مزاجی پادشاه روبترقی است چنانچه (مستر بالدوین وزیر اعظم سابقه انگلستان) حینیکه بحضور شاهانه مشرف شده بودند پادشاه بر چوکی نشسته بود .

ازمسکو خبر میدهند عده از افغانان مسلح که در ترکستان روسیه سکنا دارند میخواستند سرحد را عبور نموده بها قشون غلام نبی خان ملحق شوند اما روسها ازقصد مطلع وایشان را متفرق ومانع شد .

فرار غلام نبی خان

فطرت نیک وطینت پاک وجود شاهانه که یگانه عامل تکامل وتنویر دین نبوی (ص) وعدالت گستری است اثرات حسنه خود را کسب کرده از طرفی چون اراکین وزمامداران حکومت عادله افغانستان بهمه اقدامات صادقانه وصالحه به وظایف نفسی وشخصی بی التفات وجداً داخل اجراآت امورات هستند ولله الحمد حکومت واراکین حکومت تماماً طبیعت عزم واراده هستند لهذا تحریکات واغتشاشات محرکین اهل غرض نمیتواند بکامیابی های که برای بدست آوردن آن— هزاران زحمات را برخود ها گوارا نموده ایم خللی وارد نماید . بنابران بسلسله اطلاعات سابق بما استحضار میرسانند از جمله ورود غلام نبی خان سابق سفیر کبیر افغانی در ماسکو باعده از اشرار سرحدی وقصبات تصرف شدن شهر مزار شریف را وترتیباتی که از مرکز برای دفع ایشان گرفته شده بود سابقاً اشاره شده بود . اینک اطلاعات واصله حاکیست که نامبرده دراثر — تحرکات غیورانه عساکر حکومت که زیر قومانده حضرت عالی نائب السلطنه صاحب بودند بعضی حملاتیکه از طرف اکثر اهالی مزار شریف که معتبرین آن خطه جناب خلیفه صاحب قزل ایاق با ۱۲ هزار نفری معیتی شان بمحل اورد مشد بود وازجانب دیگر قوماندانهای منتخب خود واز یکطرف جناب شیر علی خان قوماندان عسکری مزار شریف حمله آور شده بودند غلام نبی خان ومعیتی او تاب مقاومت را نیاورده بعد از آنکه قوه مادی ومعنوی او مضمحل گردید با چند نفر معدود معیتی خود فرار نموده از طرق پته کیسر از خاک افغانستان خارج شدند لله الحمد والمنة ولایت مزار و وابسته بزیر امر اعلیحضرت غیور دین پرور پیوسته که عنقریب صورت واقعات ومعاملات تکمیل شده و اجراآت آتیه را بعد حصول فرامین جناب نائب السلطنه صاحب مفصلاً بقارئین محترم تبلیغ خواهیم نمود .

ورود

میدان جولان قوای مستعد انسانی ومجاز تاخت وتاز قوای مادی ومعنوی بشری را اگر— انسان با ساز عرصه وسیعه شریعت غرای نبوی قرار داده از مناهج مستقیمه اسلامی انحراف واعوجاج نورزد همانا دست کمک خداوندی بهر حال مدد ومعاون او بوده مفهوم (وکم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة) را برویت عالمیان مشهود می فرماید — چنانچه مشاهده تا همین نکته را انقلاب افغانستان معاینه شده وهنوز هم آثار آنرا برویاسا را متصلاً دیده میرویم —

واز همینجا است که الحمد لله سایر نقاط مملکت یکی بعد دیگری میلان خود شانرا به نقطه مرکز اسلامی شان نشانداده دوباره* اطاعت را بامارت اسلامیت برقبهٔ خود میگذارند که از شاخه های سلطنت ما حالی شده باشند .

اینک تازه بعد از میران هزاره که اشخاص صاحب رسوخ اقوام خود اند ونام نویس شان ذیلا مندرج است شاه پهلوان حامی الاسلام امیر صاحب غازی شده بمعیت جناب شجاعت نشان جرنیل صاحب ملکی حاکم کلان غزنی آقای مقتلف محمد کریم خان بتاریخ اول محرم وارد کابل گردیده بحضور مبارک همایونی مشرف نموده نوازشات پادشاهی گردیده از طرف باقی اقوام خود ها ــ بیعت نموده و آرزو بعد متذکر شدند از حضور ملوکانه بشرف مرحمت ومهربانی نائل گشته ودر مهمانخانه پادشاهی رهاپذیر اند وخوانین اندری که با اقوام خویش در غزنی وقر قلات مطابق مسلک اسلامی شان با تقاضای ساکر امیر صاحب غازی صرف مجهود اتوسرباز یهای زیاد نموده در معه مبارزات با ــ عسکری اسلامی شان در زید و زیده مرام اسلامیت کوشش ومجاهدت نموده حکومت را از خود ــ خوشدل ساخته اسامی اوشان ذیلا بعد از حکومت اسلامی موافقتا را معرفی نموده میشود. ــ نیز بتاریخ مذکور برای تجدید شرفیابی حضور به مرام حاکم موصوف بحضور مشرف شده اند که همچنان از حضور شاهانه مراحم خسروانه نائل ومهمانخانه حکومتی رهاپذیر اند .

از دیگر طرف آقای علیشاه خان و عبداللطیف خان که قبلا حامل فرمان حضور مبارک امیر صاحب بوده به سمت جنوبی عزیمت نموده بودند اینها از آن سمت مراجعت کامیابانه فرموده اند که احوال مفصل شانرا بعد انکه از دایره مربوطه واصل گشت با تفصیلات آینده اشعار خواهد شد .

سیاهه نفری اقوام مزتحد اندری که بمعیت جناب احمد شاه خان جرنیل بهمراه جناب ــ محمد کریم خان حاکم غزنی وارد کابل و بحضور همایونی مشرف شده اند :

جناب احمد شاه خان جرنیل ــ محمد دین خان کوتوال ــ تیمور شاه خان ــ ملا احمد جان خان ــ
حمید الله خان ــ خداداد خان ــ عبد الغفار خان ــ محمد دین خان ــ نظر محمد خان ــ
عبد الله خان ــ امیر جان خان ــ غلام محمد یقخان ــ عبد الله خان ــ عبد الحلیم خان ــ طالب دین خان
غلام محمد خان ــ عبد الله خان ــ عبد القدیر خان ــ ملا شیر محمد خان ــ فتح محمد جان ــ
فضل الدین خان ــ بسم الله خان ــ محمد صابر خان ــ عبد الاحد خان ــ الله خان ــ محمد اکبر
خان ــ غلام محی الدین خان ــ خدای داد خان ــ محمد نور خان ــ عبد الرحمن خان ــ مدد جان خان ــ
سرور خان ــ امر الدین خان ــ زرین خان ــ خان محمد خان ــ فتح محمد خان ــ [illegible]

عبدالظاهرخان ـ رمضانخان ـ محمد علمخان ـ خیرالدین خان ـ علمخان ـ میرولی خان ـ لاطو خان ـ ملک ولی محمد خان ـ محمد نبی خان ـ پیرمحمد خان ـ عبدالرحیمخان ـ ملا حیدرخان ـ غلام حیدرخان ـ بهادرخان ـ پاینده خان کرنیل ـ کتبخان کرنیل ـ محمد عظیم خان ـ خان اخندزاده ـ ملا قطب الدین خان قاضی ـ محمد رفیق خان ـ سلطان محمد خان علاقه‌دار غلام نبی خان ـ محمد جانخان ـ ملک مختارخان ـ عبدالعزیزخان ـ محمد دین خان ـ عبدالرحمن خان ـ ملا گلزارخان قاضی مقر ـ ملا خداداد خان ـ لعلخان ـ نصیحت الله خان ـ ادم خان ـ میان خان ـ رحیمخان ـ دُرزر خان ـ ملا صاحبداد وکیل ـ حاجی اقا بابا ن ـ ملا محمد سعید خان ـ ملا ولی محمد چارده ـ صاحبزاده عبدالحکیم خان ـ

ب ـ نفری خوانین ومعتبرین وملک‌های علاقهٔ جغتو وقره باغ طوایف هزاره:

مستوفی سید قاسمخان جرنیل ملکی ولد میرابوشاه خان وکیل سراب جغتو ـ

نیاز محمد خان ولد حاجی محمد خان ساکن ککرک معتبر مردم ککرک وترکمان.

سردار محمد ایوبخان ولد سردار محمد حسن خان قوم محمد زائی ساکن کلیوری.

میرزا محمد حسن خان ولد میرزا محمد اکبرخان خانزاده ومعتبر قوم ککرک وترکمان.

وکیل رویز علیخان ولد سلطان محمد خان ساکن [illegible] کلیوری قوم بیات.

ملک غلام محی الدین خان ولد پیرمحمد خان خانزاده مردم احمدا جغتو.

احمد علی خان ولد برات علیخان ساکن قیاغ قوم بیات معتبر مرده قیاغ.

میرزا محمد سرورخان ولد محمد شریفخان ساکن قیاغ.

غلام حسین خان ولد محمد شاه خان خانزاده ومعتبر مردم بیات.

حیدرعلی خان ولد نوروز علیخان بیات ساکن ومعتبر قیاغ.

عبداللطیفخان ولد ملا حیدر جوکانی ومعتبر مردم انجا.

میرزا غلام نبی خان ولد شیرعلیخان معتبر وساکن ترکان وککرک.

محمد الله خان ولد غلام محمد خان ساکن قره باغ وکیل وخان مردم چهارشنبه و محمد خواجه هزاره قره باغ.

تبریک فتح قندهار

تبریک‌نامه را که کلانتران گذرهای شهر کابل راجع به فتح قندهار بحضور امیر صاحب

تقدیم نموده و ازحضور شاهانه مستجاب شد باستقلال ازطرف ریاست بلدیه کابل برای نشر باداره رسید که ذیلا بدرج ان مبادرت نمودیم:

بحضور پدر تاجدار امیر صاحب بهادر: مرحبا بان ظفری که نصرت ان ازطرف خود اصالتا واز طرف اهالی وکالتا اینکه دیروز بذریعه جارچی ازفتح قلعه تل شنیده ایم مایان طلبا افغانستان خصوصا اهالی شهر کابل یک اندرجه خوشی وخرمی وخورسندی نمودیم ازفرحت وخوشی که برای مایان میسر شده زبان گفتار ندارم الحمد لله تعالی که برای ما نفری چه امروز موارای بخلاف و رفاهیت این بشارت بهتر شد که برادران بهادر وعسکر غیور ما فاتح تل وان اسلامیه فاتح شدند ـ بنابران ما اهالی ازتبریک این فتح و منعدم شدن اشغال صاحب غرور از وطن مقدس ما مبارک گفته دعای مزید عمر واقبال حضور شاهانه را ازخداوند لایزال خود نیاز میکنم . نوازش حضور اینکه : اخلاص کیشان صداقت همراهان.

حسن نیت وخلوص عقیدت شمارا که مظهر یرحب دین مبین ووطن دوستی این خادم ملت سید المرسلین (ص) است انستمتم ومبارکگوئی شمارا ازفتح قلعه تل بخیلی خورسندی فهمیدیم صمیمیت و صافی باطنی یاد شاه دوستی شمارا مطلع گردیدیم بسیار از شما رضامند میباشم ودر نتیجه این صداقت برای تان نیکوی وجهانرا ارزو مندم.

ترانه عسکری

ازاثر طبع شاعر شهیر ملک الشعرا میرزا شیراحمد خان

ای عسکر غیور نه وقت درنگ ماست   هنگام ازمودن تیغ وتفنگ ماست
کافر زد وراند بانهر جنگ ماست   مطلوب ما گرفتن این خاک سنگ ماست
امروز روز غیرت وناموس وننگ ماست

ماراسزد که تکیه بلطف خدا کنیم   در حفظ دین ووطن خود سرفدا کنیم
شرط دلاوری وحمیت بجا کنیم   نام نکو حصول باین مدعا کنیم.
رهبر سید مجاهد شیرو پلنگ ماست
امروز روز غیرت وناموس وننگ ماست

چون بی اجل درا نبود راه تیر مرد مکس   ازوقت خویش مرگ نمی ایدت و نه پس
مضمون پاک ایت قران ماست بس   خود را بزن بفرقه کافر بصد هوس

خوفی مکن ز خصم که او صید لنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

خوش حمله ها کنید دلیرانه بر عدو　　گر ضربت شما نبرد جان و سر عدو
گردد اسیر یا برود در سقر عدو　　جانرا بکف نهیم که یابد خبر عدو
کورا نشانه سینه بهر خدنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

مشهور عالم است و افغان بهر دلی　　آید بسوی جنگ چو شیران بهر دلی
ریزیم خون فرقه دشمان بهر دلی　　گیریم چار جانب میدان بهر دلی
الحق که بهر دلی همه جا زیب و رنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

میدان جنگ باغ گل و بوستان بود　　رایات قد آن مقابل سرو روان بود
چون مرغها فرشته درو نغمه خوان بود — خون شهید لاله و هم ارغوان بود
بزم طرب هر آینه میدان جنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

حوران ستاده بهر تماشا بهر طرف　　جام شراب و دسته گل هر یکی بکف
انکس که از تفنگ کافر شود هدف　　ایراد هند آن گل وطن وه ازین شرف
بانا نهید دامن جنت بچنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

شیر احمد اگر بگریختن از جنگ کافران　　نبود طریق مرد بجز شیوه زنان
بنگر بجا سمت کشور تا سر جهان　　در دولت حبیبیه امروز بیگمان
مردی لباس عسکری شوخ و شنگ ماست
امروز روز غیرت ناموس و ننگ ماست

قریحه محبوسین هزاره

بحضور مبارک خادم بن رسول الله (ص) امیر صاحب عرض میشود :

مرتبا عاجزان ۲۳ نفر نفری هزاره ساکنین کالو ـ شهر شیخ علی که درحین محاربه دستگیر شده وحاضر مرکز گردیده تا حال محبوس بودیم بحضور مبارک این استکه :

ازمضمون فرمان مبارک راجع برهائی ما غریباکه مرحمتا ازحضور شاهانه نظر بر رعیت پروری اصدار وذریعه جناب رئیس صاحب اصلاحیه تنظیمیه هزاره جات برای ما قرائت شده استحضار گردید باین مرحمت عطا بخش مبارک که درباره ما عاجزان فرموده اند برای ـ هرکدام ما حیات تازه بخشیده اند به هیچ زبان اداکرده نمیتوانیم واز تشکر ان عاجز و ـ قاصریم بجز اینکه ما قوم هزاره فردا فردا برضای خاطر شاهانه وخدمات اسلامی واتفاق واتحاد برادران مسلمانان خود یکدل ویکجهت مستوجب زیان بوده در نثار مال وسر وجان مضائقه نکنیم ـ حضور مبارک ازین استمالت وجان بخشی که نموده اند فی الحقیقه تمام هزاره جات را ممنون و مرهون احسان پادشاهی فرموده اند امید قوی بخداوند جل علی شانه داریم که باقبال ـ شاهانه رئیس صاحب تنظیمیه در اصلاحات تنظیماتی که خیر ملت وحکومت باشد موفق شده برا پرده م بیچاره هزاره جات که درین سالها گرفتار زحمات وتکلیفات عالیانه بوده اند درین عصر سلطنت امیر صاحب اسباب سعادت دنیوی واخروی ما حاصل شود .

ساکنین کالو : بازمحمد ـ محمد عظیم ـ سید حسن ـ سید غلام ـ قنبرعلی ـ قدم ـ احمد علی ـ سید محمد ـ غلام رضا ـ غلام حسین ـ جمعه خان ـ بختیاری ـ پاینده محمد ـ داد محمد ـ محمد علی ـ نظر محمد ـ عوض ـ غلام ـ نیاز محمد ـ شیر محمد ـ سید جلال ـ سید حسن کلبی حسین ـ سید قدم .

ساکنین شیخ علی : علی بخش ـ محمد علی ـ غلام نبی ـ علی مراد ـ سید علی ـ سید میر محمد علی ـ سید علی ـ صاحبداد ـ شاه محمد ـ محمد امین ـ محمد علی ـ

ساکنین شهر : دولت بیگ ـ محمد امین ـ جمعه ـ محمد علی ـ علی داد ـ اکبر ـ تاتار ـ بازعلی ـ بازار ـ علی نظر .

مد وجزر اسلام

(مقدمه ما)

قارئین محترم ما امید انند که مقصد حقیقی این اداره در نشر مقالات ومنتخبات وخبرهای واصله محض تنویر افکار وبیداری ملت واعلام انها ازخبرهای حق وحقیقت وتذکر دادن ازحالات تاریخیه مسلمانان برای کسب عبرت ویا بوسایل خدمتی بملت وجامعه خویشتر کردن است وبس .

لهذا کارکنان این جریده همیشه درصدد آن تجسس قدم میزنند تا هرگونه نسخه‌ای حقیقی وکتب تاریخی وعلمی وغیر مطبوعهٔ مفید ومتناسب ومطابق بحال خود وملت خود را پیدا کرده در معرض انتشار میگذارند .

اینک در تأسیس همین نظریه کتابی را که موسوم به «عروج ونزول اسلام» است بدست آورده ایم خیلی بیشتر خود مسرور ومحظوظیم زیرا اولا این کتاب یکی از نتایج اثر خامهٔ فاضل محترم مولوی عبد الله امرتسری است که آثار اسلام موضوع خود بوده در هندوستان بطبع رسیده بود ثانیا مندرجات منظوم و منثور این نسخهٔ قیمتدار اثر تاریخی وحالات پرفلاکت بشر را قبل از ظهور اسلام و وظهور اسلام واحوال سعادت واشتغال فداکاران اسلام وترقیات وفتوحات آن عصر وبعد از آن اسباب تنزل وانحطاط عالم اسلام را تعریف میکند که اینها تماما هم نشاط آور وهم حزن آور وحتی اگر حالت موجودهٔ مسلمانان در نظر مقایسه گرفته شود گریه آور است پس با این نسخهٔ گرانبها را از مطالعهٔ قارئین عزیز دریغ نداشته ایم از این شماره بنشر آن شروع میکنیم . البته قارئین ما از مطالعهٔ آن محظوظ گردیده وبعد از آنکه کتاب مذکور تمام شود گویا کتابی از آن نزد خود موجود دارند لذا اگر آنها از این خدمت ما خوشنود شوند درجهٔ سرور ما مضاعف وفراموش نشدنی وموجب افزونی کوشش ما در پیدا کردن نسخه‌های مفیدهٔ دیگر برای نشر خواهد گردید این است شروع کتاب که بصورت مسدس با تشریح حالات تاریخی نوع بشر وعالم اسلام است :

یاد ایامیکه قلزم تن طوفان زاد بود .
زورق روما (۱) بگرداب بلا افتاد بود .

---

(۱) - باستثنای خوانندهٔ خلاقی از اصلیت آن روم آگهی نداشته همواره از آن قسطنطنیه مراد میگیرند بنا علیه نوشته میشود که روم در اصل مملکت ایتالیا است که بر لب آب (تایبر) واقع شده است و ۷۵۳ سال قبل از میلاد حضرت عیسی (ع) معموری پذیرفته است وزبان مملکت انگلیکه زبان رومی در آن متداول بود این شهر دار السلطنه قرار یافته بود در زمان پیشین سلطنت جمهوریه بر آن حکمرانی میکرد . اما بعد شکست شدن آن مجلس پادشاهان آن مملکت را قیصر الروم وکبیر الروم و عظیم الروم لقب داده اند در آن اوقات همه ساکنان آن سرزمین مذهب اصنام پرستی میداشتند و سلطنت شان بحدی قوت وشوکت پذیرفته بود که بر وفق جغرافیای آن زمانه تقریبا کل دنیا زیر علم شان سر فرو کرده بود وزبان رومی (لاطین) را مثل یونانی مخزن علوم وفنون میدانستند سدر

(بقیه حاشیه ۱)

سنه ۳۳۰ ع قسطنطنین اعظم در جوانب شرقیه این مملکت در حدود یونان شهر بزنطین (بزنطاین) را وسعت و معموری افزود و قسطنطنیه نام نهاد چون توجه خاطر پادشاه بر این شهر زیاد بود این محموله نو نیز بنا و روم شهر نگرفت ساکنان این شهر نیز اصنام پرست بودند مگر از توجه وتلقین قسطنطنین به دیانت عیسویه در آمدند . الپ ارسلان شاه سلجوقی در سنه ۴۶۷ هـ ۱۰۷۱ ع اکثر مقامات آسیای کوچک را مسخر نمود در حدود شرقیه این شهر حکومت اسلامیه قایم نمود . در آخر کار سلطان محمد خان ثانی در سنه ۸۵۷ هـ ۱۴۵۳ ع بعد از ـ محاصره عظیمه و جوزه تصرف خود در آورده دار الخلافه مملکت خویش گردانید چنانچه از آن روز تا قریب این زمان پایه تخت دولت عالیه عثمانی بود و شاهنشاه این سلطنت عظمی را خلیفه الروم و سلطان الروم میگفتند پس درین جزو زمان در روم زبان زد خلایق اند یکی همان روم قدیم که ـ دار السلطنه ایطالیا (اطلی) است و تا هنوز شهنشاهان آن سرزمین پابند دیانت عیسویه هستند وتصویر حضرت عیسی ومریم را عبادت میکنند و پاپ را مرشد دین خود و خلیفه پطرس حواری میدانند در زمانه قدیم جمیع نصاری پاپ را حاکم دین و نایب مسیح دانستند و حکم او را چون احکام انجیل واجب العمل تصور میکردند مگر آخر کارلوتر جرمانوی در سنه ۱۴۸۳ ع پرده از روی کارش برانداخت و مذهب جداگانه بنام (پرو تسطنت) قایم ساخت از آن باز پاپ را آن دستگاه نمانده است البته فرانسه پرتگال واندلس وایطالیا او را پیشوای بزرگ مذهب خود میدانند ـ این روم را رومه کبری و روما ـ و روم مغرب می نامند چراکه از قسطنطنیه بجانب مغرب واقع شده است و قسطنطنیه را اسلامبول و روم شرقی و ترکی میگویند ازین جهت که از طنا یطالیا به سمت شرقی بنا شده است .

هم جهاز اهل جرمن برکنار استاده بود — تا گریک (۲) ازخود خبر گیرد بغرق امد ببود

خفا حسبنا الله گفتیم کشتی برابر انداختیم — حسبنا الله جا لابروان برد اختیم

پرتگال از سمت چپ جزیره بان خوابانده بود — روسرا جنگی سفائن در طلاطم مانده بود

لطمه برد نهای تورا (۳) در خفا بنشانده بود — سیل ایرا این کهن معموره (۴) طوفان زانده بود

سیل ایرا این کهن معمور

اندران موج حوادث آشنائی کرده ایم — تیه اند خدا اما ناخدائی کرده ایم

کشتی اطریش (۵) بود ازعد و چون زیر قرار — بود اسطول (۶) فرانسه در تموج لطمه خوار

بود ازین لنگری فابور (۷) جرمن بیقرار — بود خود شخطوره (۸) لنگر زصد جا مبید ار

همه ازمان ربان (۹) این وابور (۱۰) بود — مرکب (۱۱) انگلیس کرامو با وفق مقصود بود

در تلاطم بد تا ازد رخلق را نزند — در تموج گشته شد رماند در گرد ابند

خواند بسم الله مجریها و مرسیها بلند — غیرت ما در رهان لجه زیر را فگند

بر سر دست شرقان پیمرا انکه خود را رساند — صد غریب بحرا فتا به ساحل بر نشاند

(یاقید ارد)

---

۲) گریک طلته یونان را میگویند . — ۳— مراد از یرا اعظم امریکاست

۴) کهن معموره . اشاره است به نصف کره علیای ارض که در مقابل ان طله امریکا واقع است.

۵) طله استریا — ۶) اسطول . جهاز جنگی یعنی کشتی نظامی این لغت در ابتدای اسلام داخل شمار عرب شده .

۷) فابور یا بور مطلق جهاز را گویند خواه نظامی باشد خواه تجارتی .

۸) کشتی خرد —

۹— ناخدا ـ کپتان جهاز.

۱۰— جهاز

(۱۱) جهاز .

بیعت های ولایات وملحقات ان

(۱۰)

بیعت اهالی اقچه مزارشریف

۲۵ شعبان :

الحمد للعلی دین الاسلام الاسلام حق والکفر باطل قال الله تعالی اطیعوالله واطیعوالرسول واولاالامر منکم .

قطعه حکمنامه ولایت برای خبردادن و تبولیت امارت اعلیحضرت امیرحبیب الله خان خادم وقاوو دین رسول الله یوم سه شنبه رسیده وهزار شکرانه خداوندی را بجا اورده مایان طایفه قندهاری وترکمان ساکنان اقچه همگی به تمامه سر بامارت حبیب الله خان مانده ناموده را بامارت قبول نموده ایم واضافه بران اشیا لاجواز شرعا را که از مامردمان رعایا موقوف ساخته خداوند تبارک وتعالی امارت شانرا مقبول درگاه خود گرداند. امضاء ات :

حاجی ملا امرالدین — ملا شیرعلی قندهار — مویخان — نارالدین — حاجی ولیداد قندهاری محمدرسول قندهاری — عبدالغفور — گل بای — محمد البابر ترکمان — باقی امضاء ونشان — انگشت ۲۹ نفر دیگر .

بیعت نامه اهالی میدان

۱۰ شوال المکرم .

بسم الله الرحمن الرحیم .

بموجب ایه کریم وافی هدایه که اطیعوالله واطیعوالرسول واولاالامر منکم .

الحمدلله الذی هدانا الا الاسلام وانعمنا امرا عادلا ومجاهدا فی سبیل الله خادم دین متین رسول الله الغازی امیر حبیب الله خان خلد الله ملکه وسلطانه اللهم ابد ماداما — شمس طالعا وسماء واقعا وایمانه عبورا که مایان اهالی کل محال میدان همیشه بدعاگوئیان ذات خجسته صفات رعیت پرور مشغول هستیم وازخداوند بی نیاز شاکریم که برای مایان — رعایای بیچاره چنین پادشاه عادل وخیرخواه واحیا کننده دین وملت حضرت رسول اکرم (ص) اعطا کرده بفضل ومرحمت خود دین انحضرت(ص) که تغییر شده بود بواسطه — همین پادشاه عدالت شعار سربازدین حضرت رسول اکرم را روشن ومامور گردانیده — مایان رعایا شکرانه این نعمت بی شمار را به هیچ زبان اداکرده نمیتوانیم ودر — ابتدای ورود وگرفتن تخت سلطنت کابل امیر صاحب غازی مایان اهالی محال میدان — همین ذات همایونی را به پادشاهی خود ها بسر وچشم قبول کرد میبودیم والحال نیز بسر وچشم قبول نمودیم وانچه امر امیر غازی ما مطابق شرع شریف باشد قبولداریم وبزبان — اقرار وبدل تصدیق داریم . امضاء ات :

میر حضرت ـ شیر آغا ـ عبد اللهـ محمد آغا ـ عبد الاحد ـ قطب نصر الدین ـ آغاجان ـ عبد اللهـ عبد الستار ـ ملا نورمحمد ـ زین العابدین ـ حاجی لالا گل ـ حاجی احمدجان ملا فضل الدین ـ عبد اللهخان ـ فیض محمد ـ باقی نشان انگشتواسامی ۱۸۶۰ نفردیگر .

تشکــــــر

خصائص ستوده هرچند درماورای کمال شخصیتواری باشد از خلال پرگ های ـ صداقت باقوت پرتو ذاتی خود خود نمائی میکند .

ما بمجموعه صداقت کاران وراستی پیشه گان تشکرات صمیمانه خودرا تقدیم میکنیم .

خصوصا بجناب مستوفی صاحب میرزا عبد القیوم خان جه ترشحات کمال شان قدر سحم بما هم رسیده ، بجریده ما ۱۳۰ نفر مشترک معرفی کرده انکه هم مشترکین از ـ قرائت مضامین جریده ما بهره ور میشوند وهم یک معاونت مالی بحکومت متبوعه مان نموده انـــد .

(مطبعه سرکاری کابل) ـ

صفحه(۱) (جریده هفتگی حبیب‌الاسلام ـ سال اول شماره۱۶) (نمره مسلسل ۱۶)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

حبیب الاسلام

اداره‌خانه ـ ده افغانان کابل افغانستان ـ نمره تلفون

همه امور تحریریه وحسابیه‌فقط بنام اداره فرستاده شود •
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختار است •
درهر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود •
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود •

قیمت سالانه ششماهه
درداخل ۵ـ افغانی ـ ۳ـ افغانی
درخارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
یك شماره(۱۰) پول •

تاریخ قمری ۱۳محرم الحرام ۱۳۴۷ـ پنجشنبه (تاریخ شمسی ۳۰جوزا ۱۳۰۸هجری)

علــــم النفـــــس

تمهیـــد

دنیا یك‌میدان حرب وحرجی است که خشونت وتعدی بابك‌قوت فوق‌التصور دران کامن است از زمانیکه تاریخ تنازعات اقوام بشری را با مفصل ویامختصر بهر ترتیب ثبت ونگهداشته ـ مطالعات ان در هر عقل بازمنه مختلف قدر استعداد اثری وارد کرده چون استعداد های عقلی در نفوس‌بشری تفاوت وجود است ازینجا است که عقول برجسته دراعماق ان حوادث فرو شده واطوار وخصائص ملل مشترکه انزمان را در مفکورهٔ خود تصویر کرده واز تطبیق باحالات مشروحه وجهره مجسمه یك‌نتیجه بیرون اورده که: اصل ومباد ان همه تنازعات بوده این نتایج اینکه بسلسله توارث باخلاف رسید مزایای تعمق وفلسفی اوشان دامنه ان موضوع‌را وسیعتر ساخت تا اینکه خورده خورده یك‌مقام علمی را احراز کرد • واین زمان بترقی ونشو ونمای خود از روی همان‌مبد اعلی (تاریخ) قدیم ومبادی‌جاریه مشترکه میتواند سرنوشت یك‌قوم را باراده خداوندی پیش بینی کند• چون نشر اینگونه‌مقالات علمی وجولان افکار علما درزمینه(پسیکولوژی) علم‌الروح جوامع ملل بی فائده ومیت نیست این است که فاضل‌محترم هاشم شائق که یکی از متبحرین این علم اند برای‌کمك معنوی‌ازروی‌اخوت ویگانگی مذهبی باینموضوع‌حاضر شده اند که معلومات علمی خودرا راجع بخروشهم دردی برای‌مطالعه فضلا وعلمای‌محترم بسط وشرح بدهند این است که یك‌مقاله اوشان‌درتحت‌عنوان (میلان نفسی) بمارسیده ذیلا درج میکنیم:

میـــلان نفســی

فلاسفه‌سابقه میل‌نفس‌را چنین تفسیر میکنند: میل‌نفسی میلی‌است که از محل خود ممتاز

وجدا نبود ولیکن بشعور مقرون وصادر از اراده میباشد . تفسیر ویا تلقی هذا خیلی مبهم و پیچیده است . این قدر معلوم است که میل شعوری وارادی بوده اما وظیفه ومتعلق آن در این تعریف معلوم نیست . پس تعریف میل را از نقطه نظر معاصرین باید مطالعه کرد .

میلان استعدادی است که فطرتاً در نفس موجود است برای حفاظت ویا تنمیه وجود نفس باینواسطه خواهش بعضی اشیا و احتراز از بعضی اشیا میکند . در اصطلاح امروز مراد از عاطفه نیز همین میل است . نفس درین خواهش میلی ویا نفرت خود قبلاً مجبور نیست که تجربه داشته باشد . تنها تمثل مفید ویا ذوق آور بودن یکشی برای تقوا بیداری هرگونه میل کافی است ویا اینکه نفس مضرت یکچیز را بمحض اینکه تصور کرد میل نفرت حاضر است . حتی بی فائده وبیثمود ن انچیز بس است . درحال نفس در تنفر مساهله نخواهد کرد . بالاتر ازین نفس بالاستعداد ببعضی چیز مایل است و ازبعضی گریزان . معنی قبل التجربه همین است یعنی نفس احتیاج نیز ندارد به حس کردن قبلی درمفید ومضر بودن متعلق آن میل .

این استعداد ذاتی منبع تهیج وحساسیت نفس است . هرگاه میل نفسی بیدار وبطالعه بحال تعدل نباشد نفس منفعل نمیگردد . متالم ویا مسرور نمیشود . میل اگرچه در جلب نفع ورد ضرر بغریزه میماند اما غریزه قطعی است . در تعدل غریزی نه عقل مانع شده میتواند نه اراده حائل . مگر مسئله میل متردد ممکن الوقوع و قابل زوال است عقل واراده در تعدل میل مداخلت کرده میتواند . نفس را از یک میل منحرف وبیک میل دیگر وادار کردن در تحت قدرت عقل واراده است . علاوه برین انعدال غریزی بیکطرز دائمی وخاص ایفا میشود . اما خط مشی میل مختلف است . میل مطالعه های افسانه ها تفقد تماشای تمثیلات وسیاحت بطور گوناگون اجرا میگردد . اما چشمک زدن وتنفس کردن وازدواج غریزهٔ ثابت وخاص است که هر شخص تقریبا بیک اسلوب انجام میدهد . گذشته برین میل آگاه است از هدف وغایهٔ خود . لیکن درنزد غریزه علت ابتدائی وغائی مکتوف ومعین نیست .

چنانچه در بالا دیده شد ؛ ازمیلان دو فکر و مقصد اساسی نشات میکند . یکی حفاظت موجود ، دیگر تنمیهٔ وجود . حیوان در میل غذا بهمین دو هدف متوجه است : تلافی مافات وتنمیهٔ خجیرات . مگر یکی اصلی ودیگر طفیلی است .

خدمت میل درحیات خیلی بزرگ است . خواه تعلق بوجود مادی بگیرد وخواه بماهیت معنوی . علاوه برین میلان بقدر نما وانکشاف مخلوق ترقی وتزاید میکند ودر مقابل هر شکل هستی ودارائی جدید میل حفاظت وتنمیهٔ انها تشکل ویا تقویت می یابد . چنانچه حساسیت نگهبان نفس است نسبت بچیزهای الم خیز ویا سرور بخش . اینچنین میلان محافظ هرگونه لوازم ووظائف مادی ومعنوی انسان است . اگرچه اشکال میلهای انسان بسیار است اما بهمه اشکال عمدهٔ ارجاع کردن از عادات روحیون میباشد . میل شخصی میل اجتماعی میل روحی (میل عالی) لهذا بحث میل را در سه فصل بیان باید کرد .

میل شخصی :

از بسکه میل شخصی تعلق بمعنی وماده هردو دارد بنابران در دو قسمت باید دید :

اولا میل شخصی مادی ۰ مرام این میل حفظ سلامت حجیرات وجهاز عضوی است ۰ فی الحقیقه وجود مادی مقدمات است از برای اکتساب کمال ذات ۰ برنوجه محبت این عضو نیز وسیله است برای عشق روح ۰ راه فعالیت وجودی وشرط ارتباط ناسوتی نفس همین عناصر مرکب میباشد ۰ اگرچه این میل شخصی بالاخره بخود کامی میکشد ۰ لکن این خود کامی معقول ومشروع است اگر بر ضرر غیر نباشد وسوء استعمال نگردد نردبان بقای حیات گردیده حلقه ازسلاسل دوام نوع را دربر میگیرد ۰ فائده ٔ از فوائد این دستور حیاتی ونفسی انقرخود را درتهلکه میندازید) همین است ۰ اثار میل شخصی مادی عبارت است از شهوتها وارزوهای تعمیر و حفاظت وجود ۰ گرسنگی تشنگی عریانی ماندگی وسائره واین احتیاجات اگر رفع نشود انسان خیلی مضطرب میشود ۰ چنانچه یکی از جهاز عضوی هرگاه علیل ومریض شد در تعمیر واصلاح ان مشغله گردید چقدر بی ارام خواهید گردید ۰ چنانچه میرزا سعد الدین راتم مشهدي گوید :

شدم دور از عزیزان دیگر از حالم چه میپرسی ــ ندارد زندگی عضوی که ازاعضاجدا گردد

واگر تعمیر واصلاح یابد چقدر محظوظ و قلقه مستریح خواهید شد ۰ کذا بفعالیت ــ داشتن هرکدام عضو از جمله ٔ میلهای طبیعی انطن است با ید تطمین کرد وبمفید ومعقول وادار ساخت از عطالت باید کشید وگرنه اثار الم وانقباض حاضر است ۰ میرزا نظام دست غیب درین باب سه عصر قبلتر چه خوش گفته :

دل کهافسرده شد ازسینه بدر باید کرد ــ مرده هرچند عزیزاست نگه نتوان کرد

برنوجه دیدن شنیدن حرف زدن بالجمله حس وحرکت بعد از استراحت از ارزوها (میلهای) ذاتی انسان است ۰

ثانیا میل شخصی روحانی : این میل باعتبار قوای عقلیه اقسام متعدده دارد عمده ٔقوای معنویه عبارت از همین سه قوت است که در بحث تقسیم قوا معلوم است :

شعور (ذهن) حساسیت وارادهء ۰ لهذا میل شخصی روحانی نیز بهمین اعتبار بر سه قسم عمده مطالعه میشود ۰

(۱) میل شخصی ذهنی این میل عبارت از اقتضا ات ذهنی است ۰ ذهن دا رای خاصه تجسس بوده این خاصه باسم حس تجسس (حس کنجکاوی) یاد میشود ۰ درحیات معنویه انسان حس تجسس خیلی مفید ولازم است : اگر حس تجسس نمی بود کیفیات اجسام واشیا هیچ معلوم نبود ۰ ذهن بواسطه این حس در مقابل هر شی بحلقه ٔ چون وچرا وکه وچه می اویزد ۰

انطباع اشیا را ازراه حواس تامین مینماید اثر وانطباع انرا ذهن حفظ داشته در وقت ضرورت موافق مذاق ومنطق خود ازان اشکال بدیعه ویا معموله تشکیل میدهد یعنی (تخیل) میکند ۰ ذهن باینقدر ها نیز قانع نیست ۰ این صور جزئیه را از خواص سائره ٔ خود مجرد

نموده (کلی) (متضمن) و (شامل) میسازد یعنی (تجرید) میکند .

علاوه برین صور اشیا را در حضور خود جلب نموده استنطاق کرده وصف مشترك آنرا استخراج نموده (حکم عام) میدهد . یعنی (تعمیم مینماید) .

این وصف مشترك ومشابه را با یکدیگر نزدیك ساخته (مقایسه) میکند در نتیجه این مقایسه (تعمیم) و (تجرید) وحکمها استدلالها و (تعلیل) و (استقرا) ها میرسد . از کلی بجزئی واز جزئی بکلی سیر تدریجی میکند .

خلاصه ذهن بهر چیز وبهر موضوع که متوجه شد این میل خوشنود میشود . خواه نتیجه عبث وبیفایده براید وخواه مفید وبدیع . مطالعه تماشا سیر وسائره ازاثر همین میل است که ذهن بدین طریق احتیاج مشغولیت خودرا رفع کرده است .

(۲) میل شخصی حسی : محرك میل اگر حساسیت باشد احتیاج حساسیت نسبت تهییج در صف اولین نشیند . بلکه همه اثار میل حسی از خود حساسیت وهیجان مقتبس میباشد یعنی حساسیت مقتضی است که همیشه قبول الم وسرور کند . چه حساسیت دو جنبه دارد : جنبه الم جنبهٔ سرور . ذهن از هر حادثهٔ الم ویا سرور اطلاع میخواهد .

اگرچه الم انسانرا مضطرب میدارد . لیکن کشیدن غصه برای حساسیت بعضا بحدی گوارا میاید که خالی از الم بودن بی ارام میدارد . قراری کیلانی در دو رنادر غصه ونشاط را در یك بیت چقدر شیرین بسته است :

مردم ازنومیدی وشادم کنومید از تو ساخت – سختی جان کندنم امیدواران ترا

کذا جنبهٔ سرور . تنوع ودوام انرا چهار دسته میبالد .

ازین رو تقاضای حساسیت هیچ احتیاج بشرح ندارد . جشنها سیاحتها عیدها خواه از طرف قانون عرفی باشد وخواه ازطرف ائین دینی البته احتیاج جنبش حساسیت را نیز تامین میکند . چنانچه قرائت کتابها زیارات مجالس وعظ وذکر ضیافتها علاوه بر اوامر دینی ویا مراسم مذهبی وملکی بودن احتیاج حساسیت را نیز رفع مینماید . اینقدر را نیز باید گفت حساسیت برای خوشی بعضا بطنه ها می بالد ووسائط صنعی ترتیب میدهد . تاریخ های علمی وادبی تماثلهای بدیعی وصنعی برای تطمین حساسیت است که احتیاج سرور انسان بقوهٔ مخیله اینهارا اختراع نموده است نعمی کاشی بهمین احتیاج اشاره میکند :

قانع بخیالی شدم از دیدن رویت – بی مشت پا میکذارم از سر کویت

(۳) میل شخصی ارادی : میل متعلق باراده ازین دو میل فوق رنگین تر است . زیرا در میل ارادی بسا حالهای فوق العاده وکشمکشهای گوناگون دیده میشود . این میل انقدر تعلی وانقدر اقتداری است که مظهر این میل درعالم حیات خیلی باحترام یاد میشود . مثلاً عزت نفس حس شرف عشق استقلال عشق حریت عشق امریت وغیره اگر تطمین نشود وحرارت این میلها به کامیابی نرونه نشیند ازیکطرف شورشها خون ریزیهای بزرگی پیدا خواهد شد و از طرف دیگر عزت نفس حس شرف وحیثیت وغیره بغرور کبر کلان کاری وحسد میکشد .

چونکه عزت نفس عبارت از مبالغه در محاسن وتنزیل در نواقص ومتوقع زیاده بودن از حال موجود ه بوده خلاف ان هتك عزت میباشد .

عزت نفس هرگاه اندکی از موقع خود انحراف نمود بغرور وتفاخر بیجا می انجامد . همچنین ارزوی حس شرف همین احتراز است از افعال واقوالی که در نظر خود وخلق سبب تنزیل قدر شود . این بوده که متین اصفهانی در عصر قبل اشاره بحس شرف واستغنای ذاتی نموده :

دستمن از لقمهٔ چرب کس الوده نیست — میخورم چون شمع مغز استخوان خویشرا .

چنانچه نگاهداشت شرف در نزد بعضی انقدر ضرور است که وظیفه واحتیاج روحی بوده بر خلاف ان عصیان خواهد کرد . کذا غبطه بمعنی صحیح روحی ان است که نفس میخواهد در میان جامعه محافظهٔ موقع بنماید وبجائیکه همقدمان ارتقا کرده اند سعی میکند که در دائره ناموس وصمیمیت برانجا برسد . بشرط انکه ضرر شخص دیگر را نخواهد وگرنه افراط نموده حسد میشود . کذا اگر این حس تطمین نیابد بصورت منفی بماند نه تنها سبب تنزل روح میشود بل در وجود مادی نیز خیلی امراض وانقباض تولید کرده از نما وانکشاف باز میدارد . درینجا ازین بیت شاپور طهرانی که بدور جهانگیر میزیست چقدر استفاده میتوان کرد .

اگر دلداری محرمست من هم غیرتی دارم — گر اورفت از نظر من نیز خواهم رفت از یاد ش .
(باقیدارد)

مابعد از شمارهٔ (۱۴) . نقل از جریدهٔ شریفه الایمان

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقــوا

چون خیال بنده در نشر جریدهٔ موصوف اینست که مضامین مندرجهٔ ان بچهار حصه توزیع یافته باشد : اصول ایمان فروع ایمان حوادث داخله حوادث خارجه لیکن در این اوقات چون شیرازهٔ جمعیت بعضی اقوام وطن عزیز ما گسسته شده ومنازعات ومناقشات نفسانی واختلافات و اضطرابات داخلی در بین شان نهایت زیاد رخداده از همه مسائل اسلامیه ضرورتر ومهمتر مسئلهٔ اتفاق واتحاد را دانسته نشر فواید وعواید اخوت اسلامی ونتائج اتحاد قومی را اولا مندرج نمودم تا قارئین کرام ازاین مطلب استفاده گرفته بیشتر در انطفای نائرهٔ نفاق وشعله شقاق کوشان وساعی وجاهد شوند که اگر فضل خداوند ذوالجلال وشفاعت وراثت رسول باکمال یاری کند جامعهٔ ملیه افغانیه (صانها الله تعالی عن البلیه) در زیر لوای شریعت غرای محمدیه علیه الف صلوت وتحیه متفق ومتحد بوده رخنه های شکستگی ازبین برطرف شود وعلم ترقیات اسلامی شان برتمام صفحات زمین بر افراشته گردد .

معلوم بالبداهه است که خسارهٔ مالی وتلفات جانی که امروزه روز در تمام عالم اسلام به مسلمانان عاید است از بی اتفاقی است واگر متفق باشیم تمام منافع خود را که امروز بدست دشمنان ماست نائل خواهیم شد هر قدر علم داریم یا عمل جان داریم یا مال تقریدداریم

با تحریر — سیادت داریم باشیخوخت قیادت داریم با شوکت باید ولازم بلکه واجب است که تمام اقتدار واستعداد روحانی وبدنی ومالی را در اتفاق واتحاد برادران خود واصلاح و بهبودی وارامی وخیرخواهی مسلمانان صرف کنیم تا داخل خطاب ایه کریمه : (انما المومنین اخوه فاصلحوابین اخویکم) بگردیم . (باتیدارد)

مد وجـزر اســلام

(۲)

چو صبا بر بحر وبر اکثر گذرها کرده ایم   در بلند وپست کوه ودر سفرها کرده ایم
صد طریق ناسپرده پی سپرها کرده ایم   خانه خدا اباد در رهبرو(۱) برماکرده ایم

بود اسیا سر بسر معمور از اثار مـــا
بود یورپ نیز زیر سایه دیوار مــــــا

گهبغربحکمت(۲) یونانیان اموختیم   گهبشرق (۳) ازتجارتسیم وزراندوختیم
هرطرف درکوی وبرزن شمعلم افروختیم   مصریان (٤) رادا غحسرت برجگرمیسوختیم

مصریان (٤) لاتل راتلم زین قصد رقصد درینان
گبن(٦) راباد رقم برخویشتن زین داستان

---

(۱) یعنی دران اوقات هر قدر بر اعظم از اسیا ویورپ وافریقه کهدر معرفت انسان قدر امده بودند همهبی سیر ورهگذار مسلمانان بودند .

(۲) در طیبهات وهند سعربان اندلس ومغرب بو عربان دارالخلافه بغداد بلکه بر سائرافاق فضیلت میداشتند ایشانرا در عهد خلافت عبدالرحمن اموی بطرف علم هند سه رغبت پیدا شده بود چنانچه تصنیفات — د سرکارد نیز هبوکرتیز جالینوس ارسطو ابالونیس وغیـره حکمای یونانرا اززبان رومی (لاطینی) ویونانی دردارالخلافه قرطبه بزبان عربی شرح نمودند و علم نباتات وکیمیا و اسطر لاب رادر ملك یورپ اشاعت دادند (۲۱ستین الاسلام دکتورلتیز .)

(۳) بعد ازتسخیر بلاد ایران وافریقه واندلس اهل عربرا رغبت تجارت پید گردید ودرخیال ایشان این امر جا گرفتکهدر مقامات تجارت اسلام را اشاعت داده ایند تا بوجه اتحاد — مذهب ویگانگی زبان هم تکالیف سفر رفع گردد وهم تجارت را رونق تازه بر روی کار اید — مصارف شان وشوکت خلفای بنی عباس وتمدن اهل بغداد تجار را بر سفر هندوستان تحریك داد . چنانچه اهل عرب قبل ازسنه ۱۹۰ هـ ۸۰۰ عیسوی در اکثر مقامات هندوستان طرح اقامت انداختند وازفیضان صحبت ایشان بعض رایان هندوستان مسلمان هم شدند بعدازان اهل عرب ازبرای ترقی تجارت روبه جزائر هندوستان اورده تا بهسیون وسماطر اوجاوا سلیبس رسیدند بلکه ازانجا هم بیشتر گذشته درنواحی چین قدم نهادند وازجانب دیگر کاروان عربتاتار وسیبریا را محط رحال خود گردانید ودر افریقیه تالب ابنیگر ورسیده ملکگانا وطك ونکره تکرور وکوکورا در

بقیه حاشیه (٣) ٠

حوزه‌ٔ تصرف آوردند وبعد از آن بر سنار ود رنور وبرنو وتمبکتو وملی که بر ساحل بحر افریقیه واقع بودند متصرف شدند ازان پس از ابنای باب المندب گذشته تا زنگبار رسیدند وبلاد شون ملنده و سوبالا وکلو وموزنبیق را لنگرگاه جهازات خود قرار داده و از انجا نیز گذشته قدم د رجزیره مدغاسکر نهادند بلکه همت عالی ان جوانمردان بر این اکتفا نه نموده با روس و اسکندری نیویا ارتباط تاجرانه پیدا کرد ه بود — وکتولا نیز در سنین الا سلام می نگارد که بعض ازمورخان یورپ اقبال این معنی نموده اند که برخی از اهل عرب که در اندلس قیام میداشتند وبرای تجارت در — دریا امد رفت میکردند در سنه ٤٤١هـ ١٠٥٠ ع بیشتر از کولمبس بر دنیای نو اطلاع — حاصل نموده اند مگر قبر از اینکه بلندگاه انرا دیده باشند فائده‌ٔ دیگر ازان نبرداشتند ونه ان مقام را مسکن وماوای خود ساختند ٠

(٤) ٠ مصر بیشتر از سائر ممالك د ر صناعات و حرفت ترقی نموده بود چنانچه یونان نیز از پرتو ان روشنی پذیرفت درسلسله‌ٔ ترویج علوم اگرچه هندوستان بر مصر هم تقدم میدارد مگر چونکه ساکنان این سرزمین نیز چون اهالی چین با دیگر ممالك کمتر تعلق میداشتند بناعلیه د ر نشر علوم ان سبقت بمصر راجع گردید ودر عهد قدیم علوم وفنون دنیا بدینگونه اشاعت — پذیرفته است که از همه پیشتر اشراقات علمیه د رهند یا فارس متجلی شده ومصر غالبا ازهند — اقتباس نموده ومجموعه‌ٔ علوم هند وفارس ومصر د ریونان د رامده واز یونان رومیه الکبرا فراگرفته واز رومیه‌ٔ کبری عرب اخذ فرموده ویورپ برخی از عرب وبرخی از رومیه ویونان حاصل نموده مگرعرب و یورپ اکثر علوم بلاواسطه از هند وفارس نیز فرا گرفته است ٠

(٥) : کارلائل نام مورخی است که در سنه ١٨٨٨ ع درانگلستان وفات یافته تاریخ اهل اسلام را خیلی با انطف نوشته است ٠

(٦) : اورود گبن د ر سنه ١٨٦٤ ع تاریخ زوال سلطنت رومیه الکبری را نوشته است دران کتاب عهد مبارك حضرت خاتم النبیین علیها لصلواه والسلام وخلفای راشدین را خیلی بسا تعریف وتمجید یاد کرده است ٠

[illegible]

در صناعت بود ما راد ستگاه ذو شجون — بود فکر ما حریفان را بحرفت رهنمون

ما بطبع کارکن کرد یم ایجاد فنون — ما بعقل پرهنر بود یم از یاران فزون

خلق را پیش نظر سرمشق کار ما بس است

در نمایشگاه عالم یادگار ما بس است

بزم ما در بلخ بود ورزم ما در خاوران — تاج ما در مصر بود وتخت ما در اصفهان

پیل ما در هند بود ورخش ما در سیستان — تیغ ما در سند بود ونیزه در مازندران

دشت موسی (۷) گاه میلرزید از غوغای ما

کوه ادم (۸) گاه سر میسود زیر پای ما

شد ارسطو (۹) زنده ٔ جاوید از اعجاز ما — شد فلاطون (۱۰) شاد از طبخون پرد از ما

هیچکرد رد هر د رحکمت (۱۱) نبود انباز ما — برجهان روشنتر از روز است اری راز ما ۰

از دم خود صد چراغ مرد ه را بر کرد ه ایم — هومر (۱۲) شیوا بیان را د رسخن ترکرد ه ایم

گزشد صقلیه (۱۳) از ما نامور سراز که شد — گزشد قبرس (۱٤) ز ما زیر وزبر سراز کهد

گزشد کارد مشق (۱۵) از ما جوزر سراز که شد — گزشد غرناطه (۱٦) از ما پرهنر سراز که شد

ازکشد سکندریه (۱۷) درسگاه علم وفضـــل — ازکشد ایوان (۱۸) د هلی شهره با میزان عدل

---

(۷) ۰ عبارت از تیه بنی اسرائیل که بر کنار بحر احمر واقع است ۰

(۸) ۰ درسلسله کوهستان جزیره سراندیب ازسائر قلعه ها رفیعتر کوه ادم است ۰

(۹) ۰ ارسطو ۰ استاد سکندر اعظم شاگرد افلاطون واضع عالم منطق ۳۲۲ سال قبل ازمیلاد حضرت (ع) وفات یافته ۰

(۱۰) ۰ افلاطون حکیم الهی شاگرد سقراط باشند ه اتیه اتیهنز) دارالخلافه یونان ۳٤۸ سال قبل ازمسیح ع از ین جهان رحلت نمود ه مصنفات ارسطو وافلاطون را حنین ابن اسحاق یحیا نحوی ابوالبشر متی احمد بن الطیب اسحق ابن مقیم ثابت ابن قره ابویحی مروزی ـ یحی ابن عدی ـ ابوزید بلخی ابراهیم ابن الصلت ابوالفرج ابن قدامه ـ ابوالقاسم ابطاکی ـ ابو خلف خراسانی ـ علی ابن احمد عمرانی ۰ حجاج ابن یوسف ـ سطرالکونی ابن رشد ـ وغیره بلغت عرب ترجمه وتفسیر نمود ه روح تازه بقالبان علوم مرد ه دمید ه اند ۱۲ ۰

(۱۱) ۰ درعهد خلفای عباسیه اکثری از کتب حکمیه از زبان یونانی وسریانی وروس وعبرانی و فارسی وهندی ترجمه پذیرفت است ۰ خلیفه ٔ ابوجعفر منصور د وانقی پیش قیصر روم قاصد فرستاد ه تراجم ونقول کتب فلسفه بد ست اورد وفقط تحریر اقلید س ومجسطی وکلیله ود منه را بزبان عربی شرح کنانید وهارون رشید نیز حکم داد ه بود ازهرجا کهد ست اند کتب حکمیه را بزبان تازی در ارند ومامون از فقط جزیره ٔ قبرس خیلی کتب فلسفه حاصل نمود ه بترجمه نمود ن انها حکم فرمود ۰ و در ملک یورپ هرجا که ستش میرسید کتب حکمت گرد اورد ه زبان تازی را ذخیره انباشت ۰

بقیه حاشیه(١١) :

(١٢) • هومر شاعری بوده است در یونان که سقراط حکیم دیوان اشعارش را همیشه درمطالعه خود میداشت • غالبا نهصد سال قبل‌ازمسیح دنیارا گذاشته •

(١٣) • صقلیه نام جزیره ایست در بحر روم که تا مدت‌مدید در قبضه اهل‌اسلام بود حالا از دست ایشان بدر رفته‌بود در قبضه ایطالیا ست‌وانرا الحال سسلی میگویند درعهد هارون‌رشید مفتوح شده بود •

(١٤) • قبرس نام‌جزیره ایست در بحر روم خلیفه هارون رشید درسنه١٦٥هـ ٧٨١ ع انرا در تصرف اورده بود •

(١٥) • دمشق شهریست‌مشهور پایتخت‌ملک شام بنا کرده دمشق بن نمرود ازعهد حضرت‌خلیفه اول در قبضه مسلمانان است‌درسنه٤٢ هـ ٦٦٢ ع امیرمعاویه انرا دارالخلافه خویش‌مقرر ساخته بود • بعد ازان‌در ایام خلافت بنی امیه ترقی روزافزون پذیرفت • خلیفه ولید ابـــن عبدالملک در وسط ان مسجدی‌بنا کرده است‌که انرا جامع بنی‌امیه میگویند اورده اند که صدملیون وشش کرور چهار لک روپیه برای‌تعمیر ان بمصرف درامده بود درعهد سلطنت یونانیان هیکـــل عظیمی بود منسوب بسیاره مشتری‌چون نصاری برملک شام استیلا یافتند انرا کنیسه ساختند بنـــی امیه انرا مسجد نمودند •

(١٦) • غرناطه •(گرینه‌دا) شهریست‌در ملک‌اندلس(هسپانیه) که درعهد قدیم دارالسلطنــه خلفای‌بنی امیه مغرب بود الحال در تصرف اهل‌هسپانیه درامده است •

(١٧) • اسکندریه‌نام شهریست بنا کرده سکندر اعظم که‌درزمانه ملوک فاطمیه درملک مصرمرکـز علوم وفنون بود •

(١٨) • درعهد سلاطین تیموری‌اندرون قلعه‌محلی پیش‌روی‌ایوان‌شاهی یک ترازوی کلان — اویزان بودکه با میزان‌عدل شهرت‌میداشت •

(١٩) • اهرام مصرمبنا رهائی چهار گوشه مثلث‌نما که از دریای‌نیل بمسافت‌پنج میل واقع‌شده است •

(٢٠) • درسنه١٠٩٥ ع ترسایان صلیب برداشته قسم خورده از برای‌انتزاع‌بیت المقدس بـا مسلمانان‌جنگ اغاز نهادند چنانچه بعضی‌ازان اماکن طیبه را ازدست‌تصرف اهـــل اسلام بدرهم بردند اما ان جان نثاران(شکرالله سعیهم) شکسته خاطرنشده علی الاتصال از برای استخلاص‌ان‌ارض مقدسه هنگامه کارزار را جاری داشتند تا انکه سلطان صلاح الدین صلاحی رحمه الله علیه ان‌بلده طیبه را ازدست‌نصاری بازپس‌کشید ازین خبر رجرد شیردل‌شاه انگلستان‌سخت متوحش شده باتفاق لوئیس شهنشاه فرانسه وشاه جرمن وپاپای‌روم وعسکری زیاد ازامور وملخ برملک شام بریخت امادرسنه ١٢٩١ع سلطان انجمه را شکست‌داده ملک را از تسلط نصاری به پرداخت •

بر سر اهرام (۱۹) مجوی نوبتها میزدند | قرعهٔ روز بهی بر دولت ما میزدند
درجهان حرف کرم ازهمت ما میزدنـــد | درشجاعت داستان ازصولتها میزدند
گرچه شد ازدست چرخ اینروز بد مارا نصیب | لیك عالم یاد دارد تصه جنگ صلیب (۲۰)
(باتید ارد)

بیعت های ولایات وملحقات ان
(۱۱)

(بیعت اهالی مندرول لغمان)

بحضور شاهانه خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان .

بحکم ایهٔ وانی هدایه . یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم وبحکم مطبل اعتقادیهٔ شرعیه لا بد للمسلمین من امام ونظر به ترویج واحیاء دین متیــن حضرت سید المرسلین (ص) مایان نفری قوم ابراهیم خیل وغیره نفری ساکنین مندرول لغمان ـ حضور امیر حبیب الله خان را بامارت وپادشاهی خود ها قبول کرده و بذات شاهانه بیعت نموده از خداوند تعالی بکمال خلوص نیات بر قرار وبر دوام ماندن همچو پادشاه ترقیخواه دین محمدی (ص) را استدعا داریم و از حضرت خداوند متعال توفیق ذات شاهانه را برای عبودیت واطاعت اوامر ونواهی خداوندی واستقامت به شریعت غرای محمدی وتوفیق اطاعت خود هارا حسب الشرع شریف برای اولی الامری خود بدعا طالبیم چون درین اثنا لغمان متفرق وپارچه پارچه بود مایان نفری مذکور بیعت نامهٔ خودرا بذریعهٔ نوشیرخان که ازطرف خود ها وکیل گردانیده ایم تقدیم حضور نمودیم که بحضور شاهانه مشرف وبیعتنامهٔ مایانرا تقدیم حضور نماید درخاتمه دعاگوئی واحترام ۱۵ شهر رمضان المبارك ۱۳٤۷ .

امضاء اشخ مواهیر :

ملك امیرمحمد ـ عبد الوهاب ـ محمد نبی ـ تاج محمد ـ امیرمحمد ـ عبد الله ـ علی اکبر ـ فقیر محمد ـ باقی امضاء ومهر ۱۵۰ نفر دیگر .

بیعتنامه ملاته محمد اغهٔ لغوکرد

الحمد الله الذی لا اله الا هو ونصلی علی نبیه محمد صلی الله علیه وعلی اله واصحابه وسلم چونکه امان الله خان اقدام باختراع وبدعت نموده بود وحضرت باری تعالی که کفیل دین متین پاك حضرت سید المرسلین الی یوم القیامه است ان شجاع غیور دلیر دین پرور خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان را نصرت داده که بعد ازات باعث خلع بدعیات وحفاظ ننگ وناموس ما ها زمره ـ

---

(۱۹) درصفحه ۲۲۱ تذکر رفته .

(۲۰) . درصفحه ۲۲۱ تذکر رفتــه .

اسلامیه گردیده ما اهالی اسلامی لهوگرد خصوصا اهالی علاقه محمد اغه چکله پایان لهوگرد بیعت صحیحه جدیده بقرار امر خداوند جل جلاله وهدایت حضرت رسول اکرم وصحابه معظم به امیر حبیب الله خان که شخص صادق وخدمتگار ملت وپیرو دین پاك محمدی و اوصاف حمیده واخلاق خجسته وشجاع وغیور ورعیت نواز بود نمودیم اورا برضا ورغبت با امارت سلطنت کابل قبول داریم والحمد لله که به تنفیذ امورات امارت را مطابق احکام الهی وسیاسات اورا بروفق سیاسات شرعی اجرا میدارد وما اهالی اسلامی از حضرت الهی درخواست توفیق سعادت بامورات امارت ورعیت پروری وانصاف وعدالت اورا مسئلت داریم که الهی آفتاب عمر واقبال و استقلال سلطنتش مواج ودریای حشمت واجلالش در موج باد باله نبی واله امجاد مبارك باد سلطنه افغانستان برخادم دین رسول الله امیر حبیب الله انشاء الله تعالی لك المعونت و النصر السلام علیك وعلی من معك من المسلمین باقی مباد هرکه نخواهد بقای شاه —
۹ شعبان المعظم سنه ۱۳٤۷ ·

امضاء — ملا عبد الرحیم — اخترمحمد — دین محمد — عبد الغفور — عبد القهار — عبد الغفار — خیرمحمد — قاضی عبد المجید — عبد الکریم — گل احمد — خوشدل ساکنین محمد اغه لهوگرد · باقی امضاء وشصت ۱٦٦ نفر دیگر ·

بیعت نامه اهالی تکیه وردك

۳ شوال المکرم ·

بسم الله الرحمن الرحیم ·

الحمد لله الذی نجانا من ظلمت الکفر ونور دیننا بواسطه امیرزماننا خادم دین رسول الله صلعم امابعد · مایان عاجزان رعایای قریه سادات قریه شاری خیل تکیه وردك ومایان قریه عثمان خیل مرخود ادی برای رئیس صاحب بعید ارم که مایان عاجزان میائیم شرعیه همرای امیر صاحب نمودیم وبه سلطنت او شاکر میباشیم وداول سلطنت مایان عاجزان میبائیم بطریق خرسندی میکردیم وچونکه ازبیم بعضی تاخیر نمودیم باید معذور داشته قلا شویم وازتو هم بخیه مایان را خلاص بدارد وامنیت داد شود که فردای قیامت برسرکسی ماخوذ نشود ·

امضاء اتومواهیر: ملا سید صاحب الدین — سید غریب — فقیر محمد — سید التاجحمد — سید غوث الدین — ملا دین محمد — باقی امضا ومهروانگشت ۱۰ نفر دیگر ·

بیعت نامه اقوام طوطاخیل سمت جنوبی

۱۰ رمضان المبارك ۱۳٤۷ ·

حضور مبارك شاه شجاع غیور امیر حبیب الله خان غازی را فدا شویم مایان ملکان وکیلان و ریش سفیدان وسائر اقوام طوطاخیل سمت جنوبی از حرکات وغیرت فداکارانه شاه شجاع که بمقاصدات وترقیات وتنویرات دین الله سید المرسلین وخاتم النبیین (ص) اقدام نمود وبکمال مردانگی وبقوه شمشیر ابراز شجاعت نمود ه دین نبوی (ص) را تازه وروشن کرده وامارت سلطنت کابل را تصرف شده است اطلاع یافتیم اکنون مایان اقوام طوطاخیل غیرت وشجاعت شاه غیور

راتحسین کرده و امارت سلطنت کابل را تبریك نموده وبرضاء ورغبت خود ها بکمال ـ سیار افتخار بیعت امارت سلطنت شاه غیرتمند را قبول نمودیم واز حضرحق ـ سبحانه وتعالی جل شانه وبه مدد حضرت سرور کائنات (ص) دوامیت اقبال دولت امارت شاه غیور دین پرست را در تزائیدات ترقیات رجاء داشته از خداوند کریم جل شانه برای خود ها حسن خدمت وتوفیق اطاعت را به سایهٔ این شاه جوان مرد شجاع خواسته و خواهانیم . وهذا بیعت نامه خود هارا خقفا خاصا برای حاصل کردن رضاء مبارك تقدیم نمودیم . زنده باد شاه غیرتمند وفدائی دین ر ـ ولی اکبر (ص) ـ امیر حبیب الله خان .

امضاء ات ،

ملا سراج الدین خلیفه ـ ملك بهرام ـ ملك د رانی ـ ملك گل محمد ـ ملك محمد ـ ملا شاه ولی ـ اکرم وکیل ـ محمد اسلم وکیل ـ شیر علی ـ ادم خان ـ صابوخان وکیل ـ سراج الدین ـ باقـــی امضاء ونشان شصت ۷۴ نفر دیگر .

بیعت نامه اهالی دره سوف مزارشریف

۱۶ رمضان المبارك .

اقرار معتبر صحیح شرعی نمودند بحضور ما بان اهالی محکمه شرعیه دره سوف کلان شونده کان وموسفیدان وخوانین ومعتبرین وعلما وسادات وسایر رعایا ومامورین محال دره سوف اینکه ؛

ازانجا که خدای توانا نیکبختی ما ملت را اراد ه فرموده وزمام اداره مملکت به کف کفایت ودیانت پادشاه اسلام پناه خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان تفویض نموده والحمد لله چنانچه مشاهده میکنم هممتکلیف غیر مشروعی که بروما لت اتکنده شده بود رفیود فع گردیده است لهذا ما اهالی دره سوف شکرانه این نعمت عظما وموهبت کبرا را بجا اورده شرعا اطاعتا به امیر مجاهد غیور امیر حبیب الله خان بیعت نمودیم درهرحال وهر امر ذات والای اورا پادشاه شرعی وقطعی خود قرارداده و در اوامر واحکامات او بشرطیکه ازجاده مستقیم شرع شریف متجاوز نباشد تخلف وتحرف نمی ورزیم واین بیعت نامه راکه ازجانب تمام مـــا اهالی دره سوف بجا بشد بذریعه جناب محترم والاشان میرزا محمد قاسم خان رئیس انتظامـی وهیئت مثروه او که مارا باین بیعت کسیدعوت داده اند بحضور مبارك پادشاهی تقدیـم مینمائیم ودعا میکنیم کهخدای متعال مارا توفیق رفیق سازدتا بزیر سایه همایونی پادشاه دیندار غیور خود راهی راکه خدا فرموده وحضرت رسول اکرم (ص) طی نموده سپری نمائیم .

امضاء ات : محمد حسین خان ـ عبد الصمد منگ باشی ـ محمد مین ـ میرزاقل خان ـ بابه مراد ـ ملا یزدان قل ـ عبد الرحمن ـ غلام علی وکیل ـ ملا عبد العزیز ـ محمد امین خان عبد الحمید تربدار ـ محمقل یوزباشی ـ باقی نشان شصت ۶۰ نفر دیگر .

بیعت نامهٔ کندك قومی فیض اباد بدخشان

حضور محترم مراحم ظهور مبارك خادم دین نبی (ص) اعلیحضرت غازی مد ظله را فدا و تصدیق شویم !

کمترین خدمتگاران اقا محمد تولمشر و الف شاه بلوکمشر ومحمکبیر بلوکمشر کندك قومی مقیم فیض اباد بدخشان بحضرت حضور لامع النور مبارك میرسانیم : اینکه حینیکه فرمان لازم الاذعان از تشریف جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت خادم دین متین حضرت سید المرسلین (ص) بر تخت سعادت بخت دارالسلطنه کابل سر افرازی وچشم روشنی مردم بدخشان سرور ارزانی داشت ما اهالی نبوید چنین اخبار سعادت اثار حضرت باری جل ذکره وشکریهٔ موهبت عطا وعطیهٔ کبرای تقدیم نموده بصورت فوری جمع اوری واتفاق نمود مصاحب تفنگ وابراق گردیده توجه صادقانهٔ مخلصانه در محافظت جباخانه وخزانهٔ دولت متد ـ مان واهالی شهر فیض اباد کمحقیقتا برادران هم دین مان بودند ساعی وجاهد گردیدیم الحمد لله تعالی ازطالیخیز مطالع انجنان ذات تقدیر ایات نیك خواه دین و خیر اندیش ملت اسلام و بتوجه این خدمتگران صادق نقصانی وضرری به سامان دولت واذیت باهالی نرسیده ارام و اسوده حال میباشیم (سالی که نکو است از بهارش پیدا است) همین است که حسن صداقت شعاری وخدمتگذاری که به نسبت خیر خواهی دین ودولت بود نخواستیم که از حضور مبارك اعلیحضرت شهر یار غازی مخفی ومحجوب بود ومستور باشد .

لهذا خدمت صادقانهٔ خود را لازم العرض حضور مبارك دانسته استرجا داریم که منظور حضور الطاف وفور اعلیحضرت ترقیخواه دین ودولت گردیده واسطهٔ ترقی اتیه و ـ سرفرازی این خدمتگاران جان نثار گردد ـ فقط زیاده افتاب عمر واقبال ذات ـ ملوکانه طالع ولامع باد .

حکمـــــت

مهمان پیری بودم در دیار بکر که مال فراوان داشت وفرزند خوب روی . شبی ـ حکایت کرد که . مرا در عمر خویش بجز این فرزند نبوده است درختی درین وادی است که زیارتگاه است مردمان بحاجت خواستن انجا روند شبها بحق نالیده ام وروی در پای ان درخت مالیده تا حق تعالی مرا این پسر بخشیده است .

شنیدم که پسر اهسته با رفیقان میگفت : چو بودی که من ان درخت بدانستمی که کجا است ودعا کردمی تا پدرم بمردی ! حکمت :

خواجه شادی کنان که ـ فرزندم عاقل است وپسر طعنه زنان که ـ پدرم فرتوت

سالها برتو بگذرد که گذر ـ نکنی سوی تربت پدرت

توبجای پدر چه کردی خیر ـ کهٔ تو چشم داری ازپسرت (سعدی شیرازی)

فتوحات اسلام — فتح بیت المقدس

(۱۳)

راوی گفت که بعد ازان اهل روم هر چند قدرت داشتند از امتعه و اسباب دنیائی ظاهر گردند ودرمیان کوچه ها وشوارع بنظر مسلمانان کشیدند ومسلمانان در حین دخول وخروج بطرف امتعه واسباب های شان میدیدند وتعجب مینمودند ولکن میل بطرف متاع های شان نمیکرد ومسامرته نمود ومیفرمودند که الحمد الله که خدای متعال جل شانه دیار همچنین — قومی را بما بخشید وتمام مسلمانان این گفته را میگفتند که اگر دنیا به نزد خدای تعالـــی جل شانه بقدر پشه قدر میداشت کافران شربت ابی نمیدیدند .

عوف بن سالم (رض) نقل کرد که والله قسم اینکه درمیان مسلمانان کسی پیدا نشد که دست خودرا بطرف امتعه های شان دراز کند یا مسامرنماید .

بعد ابو جعبد از برای شان گفت که ای قوم اینها همان گروه اند که خدای تعالی جل شانه اینهارا در تورات و انجیل صفت کرده همیشه بر حق ایستاده اند ولکن از انها بطرف امتعه های شما نزدیك نخواهد شد وتا حینیکه شما بعهد خود ایستاد باشید انها ایستاده اند .

واقدی (رح) نقل کرده که امیر المومنین عمر (رض) مدت ده روز در بیت المقدس اقامت نمود . شهر بن حوشب (رض) فرمود که من از کرب الاحبار شنیدم که اوگفت که چون امیر المومنین عمر (رض) بهمرای اهل بیت المقدس صلح نمود ومدت ده روزدر شهـــر اقامت کرد من در قریه از بلده فلسطین بودم بعد ازان بطرف او امدم که ازبرای شان — سلام کم وبدست شان اسلام اورم . .

این واقعه از سببی بود که پدر من از تمامی مردمان به احکامی که خدای متعال جــل ذکره از برای موسی ابن عمران (ع) نازل کرده بود بیشتر علم داشت وازبرای من هم بسیار— مشفق ومهربان بود وبهر شی کهعلم داشت ان شی را نیز از برای من بیاموخت وهیچ شی راازمن نمی پوشید وهر چیزیکه مردمان می دانستند ان همه را بمن دانا گردانید چون وفات پدرمن نزدیك امد مرا به نزد خود خواند وگفت ای فرزند ایا تو علم داری که ان چیزهای راکه من — میدانستم هیچ چیزرا از تو دریغ نکردم وهمه را بقلب تو ذخیره گردانیدم چرا که میدانستم که این گروه کاذبان بیرون میایند وطغیان وکینه های خودرا ظاهر میکنند وتو انهارا متابعت میکنی وازین جهت دو ورق ازبرای نصیحت تو نوشته کردم ودرمیان این سبو نهادم حالا تــو فرزند ازاین سبو مثو وبطرف اینها نظرمکن تا حینیکه نبی اخر الزمان که نام خوشش محمد ع است به نبوت مبعوث شود بعد ازان درین دو ورق نوشته میان سبو نظر کن . اگرچنانچه خدای تعالی جل شانه ازبرای تو اراده خیر داشته باشد تو جناب رسول (ص) را متابعت خواهد کردی .

وبعد رمن بعد ازین وصیت خود فوت شد کعب الاخبار گفت که من آن سبورا دفن کردم و بعد از ایام تعزیت فوت پدر خود هیچ عملی را ازان بیشتر دوست نداشتم که بطرف آن دو ورق نظر کنم وبدانم که در انها چه نوشته است بخوانم چون ورق هارا مفتوح کردم و [illegible] بخواندم — دیدم که چنین نوشته میباشد لا اله الا الله محمد رسول الله خاتم النبیین است که بعد از وی دیگر پیغمبر نیست مولد او بمکه است ودار هجرت مدینه طیبه که نه درشت حرف — است ونه سخت دل ونه بانگ وفریاد کنند وامتان او همه گی خدای تعالی جل شانه را حمد وثنا میگویند و بهمه حال زبانهای شان بگفتن تحلیل وتکبیر گویا میباشد واز ذکر حق کام های شان تر وتازه میگردد وهرکس که بهمراه شان دشمنی کند انها بد شمنان خود نصرت مییابند وهمیشه روی های خود شان را می شویند وتازه روی اند وکمر خود هارا دایم درراه خدایتعالی جل شانه بسته دارند وانجیل های شان دایم در سینه های شان جمع است ورحم شان در بین شان بنوعی است که رحم انبیاء الله تعالی جل شانه در بین امتان شان میباشد واول کسانی که در قیامت داخل جنت شوند — (باقی دارد)

(مطبعه [illegible] سرکاری کابل)

(صفحه ۱) جرید هفته گی حبیب الاسلام — سال اول — شماره ۱۷) (نمره مسلسل ۱۷)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســــلام

اداره‌خانه — د افغانانو کابل افغانستان — نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود ·
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختار است ·
در هر هفته یکمرتبه بروز پنجشنبه نطفه نشر میشود ·
اوراق تیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

قیمت سالانه — قیمت شش ماهه
درداخل
مرکز — ۵ افغانی — ۳ افغانی
دروالایات داخله باضافه
اجرت پست ۷ — ال — ۵۰ر۳ رو
درخارج ۱۵ شلنگ — ۸ — شلنگ
(یك شماره ۱۰ پول)

تاریخ قمری ۲۰ محرم الحرام ۱۳۴۸ — پنجشنبـــه (تاریخ شمسی ٦ سرطان ۱۳۰۸ هجری)

علم النفـــــس

(۲)

میل اجتماعی ·

در بابمیل شخصی صراحتا دیده شد که غایه میل شخصی خود کامی معقول است و این معنی را اگر تفصیلا شرح نمیدادم نیز ازتعبیر میل شخصی همین چیز را می فهمیدید · حال ازعنوان میل اجتماعی صراحتا باید معلوم شود که غایه میل اجتماعی غیرکامی یعنی الفت وخیرخواهی است این میل نیز مثل میلهای دیگر استعدادی است که انسان ازالفت گرفتن بنوع وازخیرخواهی بغیر خود متلذذ میگردد · هرگاه این میل کامیاب شود الیتصاحب این میل را مسعود می سازد· روح این میل در همین حس الفت خیرخواهی دیده میشود چنانچه همیشه از طرف مادر وپدر بفرزند ازطرف استاد ومعلم بشاگرد وازطرف کریم بفقیر این رویه دیده میشود ·بسا نفوسی که مظهر این میل انسانی اند باوجود اینکه ساعتهای دراز تشنه وگرسنه نشسته اند مستبق وجوی را دیده درحال بگلوی اشتهای خود قفل خود داری میزنند و راه جرعهٔ اب ولب نان خود را با کمال ممنونیت واستراحت نفس بطرف ان تشنه و گرسنه — ناتوان میکشایند · هیجان این میل نمیگذارد که بکام خود صرف کنند ·

سماحت — کرم — حمایت — ایثار — کظم — غیظ ستر عیوب و ··· کلمه هائیست که در لغت هر ملت عین معنی دارد و هیچ یکی بیجا وضع نشده است · چنانچه در عصر سوم — بیدل علیه الرحمه میل اجتماعی کرم را چنین ایضاح میفرماید :

(حقیقت کرمی که ازاینه هر فردی بظهور پیوسته است بذوق اشتغال امداد دیگری — نشسته) مشارالیه میخواهد که کریم درکرم کردن خود را مسعود میدارد بگوید کذا در این یکی از افسانه ها خوانده ام :

پادشاهی از خدمت شخصی خورسند شده خلعتی بخشید . ساعتی بعد گفت . . چقدر ممنون شدی . ان شخص جواب داد که از شما کمتر . پادشاه را این جواب خوش نیامد . از بسکه ان مرد عالم بود برای رفع انقباض خاطر گفت . . شما در مقام کرمید و با حس انتخار می بالید ومن در مقام محتاجم با یک حال نقر بخود می پیچم .

از تفصیلات فوق باید دانست که خلاصه میل اجتماعی استعدادی بوده که صاحب میل بفعالیت ان مسعود می بوده است .

چنانچه شاعر روح شناس اخلاقی بابا افضل کاشی در تقویت میل اجتماعی چنین گفته :

باخلق بخلق زندگانی میکن نیکی همه وقت تا توانی میکن

کارهمه کسرا برار ازدست زیان وانگه بنشین وکامرانی میکن

در باب تظاهرات میل اجتماعی روحیون انقدر اثر منظوم ومنثور بوجود اورده اند که بیرون از حیطه شمار است . مع مانیه مال نظم نثر ایشان را در اشکال اتی جمع میکنیم :

(۱) الف ـ انسان در حال ناکامی این میل اجتماعی همیشه مضطرب است . این است که گاهگاهی بوسیله های صنعی نیز حرارت این میل اجتماعی را تسکین میدهد . مثلاً شخصی منفرداً در شب تاریک بطرفی میرود . تنهائی دهشتی در روح این شخص القا میکند . یا بخواندن دعائی اگر دیندار باشد ـ به پناه ایزد متعال خودرا انداخته بدنع تنهائی میکوشد ویا چند بیتی را بنا میکند بترنم کردن . یعنی ازاواز خود رفیقی میتراشد . (بطریق تعبیر شخصیت که در اینده نزدیک خواهید دید) در سایه این رفیق صنعی ازاله دهشت مینماید کذا همین سبب است که در شبهای تاریک ویا نوائی بزرگان برای استا ویا تولیه کشی تنهائی خود را به غزلخوانی تلافی میکنند . کذا مادرها ویا پدرها وقتیکه تنها مشغول بکاری باشند خواه دوخت باشد وخواه دیگر کار با ترنم حزین ازاله دهشت تنهائی مینمایند . اگرچه این ترنم معنی تنشیط خاطر هم دارد لیکن با رفع دهشت ترکیب یافته است .

بارها بنظر خورده است که شخصی در مجلس بیگانگان افتاده از تنهائی دلگیر شد میجهد دماغی در زبان موضوع بحث ثبات عادت وغیره حضار رشته اشتراکی پیدا کرده از میان ـ حاضرین رفیقی بدست اورده از دلتنگی براMده است چنانچه :

صائب اصفهانی سه عصر سابقتر گفته :

روشن شود چراغ دل ما زیکدیگر چون رشته های شمع بهم زنده ایم ما

اطفال بالعبث های خود چقدر صحبت های صمیمانه و حیوانات باهم نوعان خود چگونه الفت های ابتدائی دارند که هر روز مشهود است .

انسان های قدیم ازدواج را از غریزه و ایتلاف بنوع را ازهمین میل مشهور کرده اند جدائی وحشت است . وحشت موجب هلاکت چه از همین میل است که انسان مدنی بالطبع ویا حیوان اجتماعی است . خلاصه هجران ناکامی همین الفت و وصل کامیابی این میل است این است که بیدل ع بهمین معنی تجاهل عارف کرده است :

نه هجران دانم نی وصل لیکن اینقدر دانم — کمالفت داغ کرده عالمی اتش به بنیاد ش

(۲) — تعطف این‌میل عبارت است که از مربوط داشتن قلب بتاثیرات دیگران . تمایلیت این‌میل بستهٔ سیر تدریجی حالتهای ذیل میباشد ؛ اولا احتساس ثانیا سرایت — ثالثا تخیل را بعا تقلید . چه ربط قلب بر تاثر غیر انوقت میشود که تاثیراتی در حیات خود حس کرده باشد . قاسم جوینی این حالت را سیصد سال قبل در یك فرد خود — قرار ذیل تصریح کرده :

بسکه ازرد دام ازرده نخواهم کس را — درد لم‌میخلد ان‌خار در که پائی بکشست

در نتیجه این درك وحس که بعضا با افاده تملی خود شخص متهیج وبعضا بظهور علامات اشك ان تظلم ورنگ زرد چهره در الم متلهده میشود ویا بعد ظهور شطارت لحن شغف خنده وطراوت سیما در سرور مشهود میگردد .

میرزا اکبیر علائم الم را بنابر صنعت ایهام وتوریه چه لطیف اراسته :

دوش ان نامحرمان‌جون رنگ زردم دید گفت — اینکه میگویند بیمارست صحت داشته است

قلب‌جلیس با تعطف نیز در زیر تاثیر ان الم وسرور خواهد امد . این حکم تابع ادراك و سرایت است . اینقدر دارد که استشعار ازین اشارات موقوف برحدت ذهن است . علاوه برین تخیل نیز درینجا خیلی مداخلت و تاثیر بزرگ دارد . بچه مرده از مرگ بچه هاي دیگران متالم میگردد . چونکه شهد یل عین ان زهر را درحیات خود چشیده است لذت ازادی را — شخصی تلذ برمیکند که بیشتر ازالم اسارت بحره برده است .

ایضاح این نکته انست که چون هر شخص از هیجانات دیگران متاثر گردید مخیله صورت مثالیه ویا شخصیت ان تاثرات را دوباره در ذهن بیدار ویا تصویر نموده است . خواه ایسن هیجانات در شکل الم باشد خواه در شکل سرور . چونکه اهتزازات خیالی وخاطره یکی از مناسبتهاي مشابهت عینیت اتصال مربوط است . اگر یکی ازاین علاقه هاي سه گانه (مشابهت عینیت واتصال) بشعور حسی برنخورد افاده اشارت وعلامتهاي خارجی اهتزازات خیالی بوجود اورده نمیتواند . یعنی قوهٔ مخیله با هیجان مبسوطا متناسب است .

امد یم بمسئلهٔ تقلید : تاثیر تقلید در قبول هیجان دیگران حاجت بشرح واثبات ندارد . تدقیق واقعات هر روزه بتاثیر تقلید شاهد عادل است . بتعبیر دیگر تاثیر تقلید بدهی است تنها یك اخطار وتنبیه در ادراك ان کافی است . مثلا در پیش طفلی مادر ویا محبان گریهٔ جعلی اغاز کنند درحال اشکهاي طفل جاري وطراوت چهره اش متغیر میشود . برعکس اگر چهرهٔ بشوش ارائه نمایند تبسم در اطراف چشم ولبهاي لطیفش نمودار میگردد . اري درین مسئله تاثیر مخیله نیز حصهٔ دارد ولی تاثیر مخیله خیلی ضعیف میباشد . چونکه حس تقلید طفل قوي‌تر است .

بالجمله تعطف بتاثر دیگران اشتراك کردن است . معمولا تجلیات تعطف ازینها

بالاثر می برد ・ بطوریکه ・ رحم ــ خیر ــ احسان ــ وسائره را این میل برای محبوب خود مخصوص میداند عطوفت وشفقت تولید میکند ・ شفقت خیر دائمی گردیده صاحب خود را مظهر حب انسانیت میسازد ・ بالاخره انقدر اشتداد میکند که ببذل نفس میکشد چه رسد ببذل مال ومنال مثال تحرمانان دین و وطن را هرکس خوانده است ・ گمان نرود که در میان این تفصیلات از تعریف میل اجتماعی که در اول وهله کرده ام فراموش نموده ام نه خیر! گفتیم که روح میل اجتماعی در الفتوغیر گاهی بتمییز دیگر در اتحاد و خیر بخیر دیده میشود ・ فی الحقیقه این جنس وفصل در معنی تعطف صریح تر وقوی تر بنظر میخورد چونکه میل اجتماعی ــ اولا از یك رفیق شروع میکند مثلا از ازدواج دیر یا زود این حیات دوگانه مثلث مربع شده به تشکیل عایله میکشد ・ محله وسمت ــ قبیله وقوم ــ شهر ومملکت ــ کشور وقطعه را در بر ــ گرفته بالاخره جهان شمول میشود ・

بر نوجه تعطف بموضوع متعدد تعلق گرفته درجات مختلفه پیدا میکند ・ لهذا مختصری از درجات تعطف را باید مطالعه کرد ・

<u>درجات تعطف ・</u>

دو سه دقیقه پیشتر از یکطرف گفته شد که تعطف اهسته اهسته ترقی کرده غیر را محبوب میسازد و ازطرف دیگر این میل اجتماعی اگرچه ابتدا تعلق بیك رفیق میگیرد اما تا عائلـــه قوم ــ ملت ــ همدینان و بنی نوع ترقی میکند ・

علاوه برین در اتامتگاه املاك و اشیا در ذ هنیت وعرف رفیق عائله قوم وسائره نیز ــ مربوط میباشد ・

تعلق تعطف اگر تنها برفیق ازیكجهت عادی باشد قیمت بزرگی ندارد ・ بل خساست است ・ چه درینصورت نفس حالا از دائره ذوق ومنفعت خود نبرامده است و فرح نفس که درین اثنا از قبیل حزنی است که روح بطرف داخل قوم قوم درینحال میگریزد تا از موذی امین بماند ・

لهذا این فرح وحزن روحی فی الحقیقه بخود کامی میکشد ・ درین مقام نفس بحالی استکه اگر بالم شخصی غیر تعلق بگیرد خوش نخواهد بود واگر بسرور خصوصی کسی شاهد شود ارزو مند است که باوهم باشد ・・・

هرگاه فرح وحزن نفس از قلب یعنی وجدان اخلاقی نشات کند کام وارزوی شخصی خود را فدا خواهد کرد ・ یادغدغه ها وخطرات خصوصی درعالم وجدان مقابله ومبارزه خواهد نمود ・ وجدانها را توحید و روحها را تجنیس خواهد ساخت ・ در زیر رابطه های انسانی وعلاقه های لاهوتی جمع خواهد شد ・ درینجا لذت در نفس تعلق خیر میباشد ・ تلخکامی از عدم اتحاد ذات میخیزد ・ بتمییز (ا ــ رابو ــ مولف درسهای روحیات) درینحال یك تاثر مشکوره وی بوجود میاید ・ بالاخره نفس را یك حس مرحمت انسانی استیلا میکند ・ بحدیکه منافع و ــ اذواق طرف مقابل را بر لذات وفوائد خود ترجیح میدارد ・ صاحب این میل خیرات ومبرات

را با خود جمع کرده است .

هرگاه تعطف با مرحمت یکجا بشد انسانرا شفیق وعطوف میسازد . شفقت وعاطفت حب انسانیت تولید میکند . درینحال نفرعوض منافع شخصی واذواق خصوصی خود همیشه نفع و ذوق غیر را می اندیشد .

اینك بذل نفروفدا یجان بسرای هیئت اجتماعیه ازهمین نفرظهور میکند .

خلاصه میل اجتماعی تعلق بعائله ملت همدین و همنوع گرفته همه ملك اشیا — اخلاق و اذواق ایشان را نیز محبوب میشمارد . لهذا تعطف در نقاط ذیل ظاهر میشود :

ا—حب رفیق (حب شاگرد اوستاد خواجه ویادار وهم مسلك وهم پیشه درین حب داخل است) .

ب . حب عائله (بحب پدر ومادر وفرزندان وخویشان وخدام وزیردستان شمول دارد)

ج . حب وطن (بالعموم وطنداران از هر دین ومذهب از همه قوم و ملت واز اهل کسب وپیشه که باشند درین حب شامل اند .

د . حب ملت (حب هم دینان وهم مذهبان هم تاریخان هم منفعتان وهم زبانان را دربر میگیرد .)

ه . حب نوع (بالجمله درین حب جمعیت بشریه که در هر درجه مدنیت در هر مذهب و — وملت ودر هر قطعه ارض سکونت دارند شامل میباشد .

درینجا فرق لسان مذهب نژاد در نظر نمیاید . اینقدر را فراموش نباید کرد کــه میل اجتماعی هر قدر بکمیت موضوع تعلق گرفت از کیفیت خود میکاهد یعنی هر قدر تعلق این میل بافراد زیاد ویا کثیر — با بارباب ممالك متعدد ومذهبیت متنوع پیدا شد شدت خود را از دست میدهد مگر تلقیات این میل لطیفتر ورابطه ٔ ان وسیع ومستحکم تر — میشود . البته در لطافت وسعت واستحکام این میل تربیه عائله و محیط سرایت وتقلید نیز اثار بزرگی دارد و بضعف وقوت این میل مداخلت میکند .

بیانیه ٔ شاه انگلستان راجع بافغانستان

(ترجمه از جریده ٔ تائمز لندن)

۱ امی ۱۹۲۹ ع — ۲۱ ذیقعده الحرام ۷ ۱۳۴ ه .

اعلیحضرت پادشاه انگلستان در موقع افتتاح پارلمان در ضمن نطق که ایراد نمود چنین متذکرشد : چون وضعیت افغانستان مشتبه وغیر معین بوده یك حکومت منظم دران وجود — نداشت بنابران در اواخر ماه فبروری (مطابق رمضان المبارك) نماینده ٔ خودرا از کابل طلــب نمودیم امید واثق داریم عنقریب امنیت داخله مملکت بر قرار ویك حکومت که عموما از طرف ملت پسندیده باشد وحکومت من بتواند مناسبات دوستانه ٔ سابقه ٔ خودرا با ان جاری نماید قایم خواهد شد .

اعـــــلا ن

د و قطعه اعلان ذیل منتشره در ولایت هرات که د رهمین نزد یکی بد ست امد ه وشمه از حسن کار روائیهاي جناب عبد الرحیم خان رئیس تنظیمیه ونائب سالار نظامی هرات است بنام تقد یر خد مات موی الیه والفت هراتیان نسبت بحکومت اسلامیه هرد لعزیز خویش برا ي مطالعه قارئین محترم نشر واشاعه مینمائیم : (ح ۱۰)

اعلان اول

بخاطر
(تقدیم برادران دینی خود میرسانم)

چون حکومت مستبد ه خلاف شرع مطاع محمدي (ص) که سابق بد وره پاد شاهی امان الله خان جاري بود که کاملا به اقد امات طرفد اران شریعت وخیرخواهان ملت برطرف گرد ید ه — امروزه بکلی اجراي امورات مطابق بامري که خد اوند (جل جلاله) ورسول مقبول (صلعم) مقرر فرمود ه وموافق بمذ هب مذ هب حنفی جریان می یابد لذا حکومت میخواهد اهالی داراي قید نبود بوازاد انه هر فرد ي به منافع عموم وترویج امور شرعی داخل اقد امات شد ه بتوانند و اگر امري مخالف برفاه عامه و منافع مسلمین وخصوصا مخالف شرع مطاع صورت بگیرد اهالـــی بتوانند براي حکومت وهیئت جامعه ملت اظهار راي داد ه ترتیبات وهد ایات عینا بموافقت شرع انور وموازنه برد اشت اهالی بحرجا جاري گرد د .

این است که بهمین ملاحظه چون بیشتر اهالی از خود یك مجلس وطرفد اري ند اشتند که بتوانند مقاصد د ینی ومطالب حقه خود را د رمعرض قبول واجرا بیاورند تا اگر تعد ي بحقوق شان بعمل اید بمرجع صحیحی استغاثه نمایند بلکه حکام مامورین سابقا ازدســـته گان پاد شاه امان الله خان و وزراء او بود که هر ظلمی وتعد ائی که مینمود ند بازخواستی نبود وکسی بعرض رعیت عاجز نمیرسید — ازین حیث حکومت موجود ه شما د ر نظر د ارد که رفع ان ظلمها واستبد اد بعمل اید بلکه یك مجلس اعیان از سادات وعلما ومشایخ وخوانین وصاحب منصبان و معتبرین هرات د ر مرکز شهر تشکیل یابد که این مجلس قرار ذیل وظیفه خود را انجا م میکنند :

(۱) حفظ د یانت اسلام (۲) حفظ استقلال افغانستان (۳) تد وین د ستوراتی که مطابق بشرع مطاع و روحیات ملت است (٤) تد وین د ستورات مالیاتی وقف زکوه وگمرکی نسبت بمنافع د ولت وبرد اشت ملت (٥) تحصیلات فرایع امنیت عمومی (٦) قبول مراجعات وپیشنهاد ات هر فرد ملت که بنسبت وفرض فاید ه مملکتی باشد ودر اطراف ان د قت و رسید گی کرد ن (۷) تصد یق بصلاحیت واهلیت مامورین نمود ن (۸) دفع رشوت وامورات ناجایز شرع شریف را بمتبلیغات ناصحانه کرد ن (۹) مقرر کرد ن اصولی مطابق بشرعی براي مکاتب اطفال اهالی وتعمیم علم وسواد کرد ن (۱۰) ترتیبات صحیح براي کثرت صنایع وحرفه ماند ن وبتعمیم زراعت کوشید ن (۱۱) تصویب معاش و مطرف د ولت .

تبصـــره

۱ــ این مجلس فعلاً عبارت اند از پنجاه نفر اعیان اینولا واینده ، از هر طایفه کلان شوندگان شان از مرکز وحکومتی ها شامل این محفل شده میتوانند ·

۲ــ مجلس اعیان که یگانه وظیفه‌ٔ شان خدمت در دین است بایستی تا ششماه انتخاری بدون معاش کار کنند بعد قرار تصویب خود مجلس معاش هم تعیین میشود ·

۳ــ محل انعقاد مجلس سلامخانه چهار باغ ووقت مقرره روزهای یکشنبه سه شنبـــه پنجشنبه میباشد که در وقت معین وجای تعیین جمعیت کرده باشند ·

٤ــ برای این مجلس یك کاتب منظور شده تا نفری هائی که شامل محفل اند در قید سیاهه داشته وحاضر بودن شانرا تصدیق کند وکسانیکه حاضر نشوند وبخدمت دینی خود صرفه جوئی کنند البته از اعتبارات شان کاسته خواهد شد ·

٥ــ در این مجلس هر تصویبی که میشود اعتبار در کثرت آراست ·

این است که شما اهالی را از تاسیس این مجلس محترم عالی اطلاع داده چون عموم ترتیبات واجراآت اینده بفکر وتصویب نماینده ها و صاحب رسوخهای شما ملت میشود وــ هرچه علما ومشایخ وبزرگان تجویز کنند بشرطیکه موافق بشرعی باشد حکومت اجرا میکند پس حالا هیچ فرد اهالی خود را مقید ندانسته بلکه دولت و ملت را از خود وحکومت را حکومت ملی بشناسند نه استبدادی وازادانه بمنافع اسلام و ترویج شرع مطاع هر پیشنهادی که در خاطر دارند بمجلس پیشنهاد کرده میتوانند و اهالی عموما باتفاق باداره مملکت وحفظ دیانت ورفع نواقص خود اقدامات فرمایند ·

امضاء رئیس تنظیمیه نائب سالار هرات (عبد الرحیم)

اعــــلان دوم

اگرچه نظر بامدن برادران عسکری هراتی از حدود غزنی که درجملهٔ تشون همرکـــاب امان الله خان بوده ودر اثر شکست خوردگی مراجعت بهرات نموده اند ازقضایای غزنـــی وقندهار بکلی اطلاع خواهید داشت که تشون امان الله خان کاملا منهزم وپراگنده شدند وــ خود شرگریخته در قندهار امده بود وبعد فرار هندوستان شد اکنون بتائید این اطلاع ــ خبرهای ذیل انتشار می یابد ·

(۱) تلگراف وزارت خارجه ما ازکابل تصدیق میکند که امان الله خان باعائله خود ومعین السلطنه وعبد العزیز خان وزیر حرب کاملا در هندوستان رفته ودر بمبئی رسیده اند ·

(۲) جرائد ایران نظر بتلگرافات پارس مینویسند امان الله باثر شکستی که از تشـــون امیر حبیب الله خان دید وقندهار را هم تصرف نمودند نامبرده بهندوستان رفت شاید در روم پایتخت ایطالیاــ یا برلن پایتخت المان برود ·

(۳) تلگراف بی سیم برلن اطلاع میدهد امان الله خان بعد از شکست فاحشی که دیده در بمبائی فرار شد وروز چهار شنبه بایك کشتی ایطالیائی از بمبئی حرکت نمود ٠

این است اطلاعات صحیحه ملفّه مذکوره را برای استحضاری خاطر عموم ابلاغ کردم تا اینده مطمئن بوده بکمال خاطرجمعی بفترائی خود مشغول باشید بکفا الحمد للعتمالی مخاطرات انقلاب بکلی خاتمه یافت وبعد ازین ماده کشمکش وخانه خرابی باقی نمانده بسه راحت اهالی می گذرانیده باشند ـ فقط ٠   امضاء عبدالرحیم نائب سالار

مد وجزر اسـلام

(۳)

بود مغرب از بخار سیولزیشن (۱) بی خبر   وزچمن پیرای طبع نیوطن (۲) بیخبر
وزنو اثین طرز استدلال باکن (۳) بیخبر   وزنگارین طور تحریر ادیسن (۴) بیخبر
بود یورپ اندران روزان بنادانی اسیر   بود ششصد ساله ره (۵) زان معدنا فرنگیر
شمع تهذیب از چراغ بزم ما افروختند   مخزن حکمت (۶) زگنج علم ما اندوختند
گرچه اکنون داغ حسرت بر دلها سوختند   خود بده انصاف آخر از کجا اموختند
در اروپا وانطن (۷) طرز رجز از ما ببرد   روژنو (۸) لونارد (۹) از مافن الجبرا ببرد
ان زمان کردیم بنیاد شریعت استوار   بود در لهو ولعب افتاده خلق از هرکنار
داده درحرص وهوا از کف عنان اختیار   بود پست افتاده هر ملت ز اوج اعتبار
طاعت ایزد به وقت روزگاران بار بود   طبع عالم از هجوم معصیت بیمار بود
راهب از تقلید پاپا (۱۰) ره چه نشناخته   پیروان دین عیسی را به چه انداخته
قبله آمال خود نقش تصویر مریم ساختـه   در قمار حب دنیا دین وایمان باخته
ازطریق راستی افتاده مریطریة (۱۱) دور   وزشعاع آفتاب صدق چشمش مانده کور
خوار از کردار بد گردید فصل (۱۲) انبیا   ساخته از سر بدر اندیشه روزجزا
کرده دور از چهره خود پرده شرم حیا   سر نهاده درمعاصی ازره حرص و هوا
شربخود کرده کاهن (۱۳) شیوه شرب (۱۴) الیهود   زانکه ازتورات موسی در دلش حرمت نبود
غیرت نیرون (۱۵) شد هر ایمپراطور (۱۶) زمان   ظلم وطغیان را رسانده سربه اوج اسمان
نی بشرع موسوی مائل کس از پیر و جوان   نی سوی قانون سولن (۱۷) ملتفت خلق جهان
برلک کو بحوادث عالمی پامال بـود   برجهان ظلمو بابرسال نهصدششصد (۱۸) سال بود
هیچکس جویای حکمت درهمه یونان نبود   هیچکس پابند ملت درهمه کنعان نبود
هیچکس زابنای فارس (۱۹) صاحب عرفان نبود   هیچکس ازاهل لندن نمخور انسان نبود
خود عرب جز تلخکامی بهره دیگر نداشت   فاش میگویم جز آب شور در ساغر نداشت

(باقیدارد)

حواشی صفحه ۲۳۵ :

۱) سیوالزیشن لغت انگلیسی است بمعنی تهذیب و تمدن چنانچه اهل عرب این زمان دول یورپ را دول متمدنه میگویند .

۲) میراسحق نیوطن — سرازك نیوطن نام حکیمی است دانای علم ریاضی که در سنه ۱۷۲۷ ع وفات یافته .

۳) باکن (فرانسیس بیکن) این حکیم در سنه ۱۵٦۱ ع تولد شده و در منطق و فلسفه — روح تازه دمیده است .

٤) ادیسن نام انشا پردازیست که فن انشای زبان انگلیسی را پایه نو بخشیده است در سنه ۱۷۱۹ ع این جهان را بدرود گفته .

۵) مایعساویر عشر عیسویه را قرن کبیر میگویند که دران قرن علوم و فنون ملك یورپ در ترقی قدم نهاده بود و منجمله زمانه وسطی که از میلاد جناب عیسی علیه السلام تا اختتام سنه ۱۵۰۰ ع میباشد کم وبیش ششصد سال سائر اقوام بر اعظم یورپ در ظلمت وجهالت گرفتار بودند وحالت اسیا وافریقیه ازین هم بدتر بود دران هنگام اهل عرب محض بدولت اسلام هرگوشه دنیا را بنور تهذیب روشن نمودند .

٦) خیلی کسان از تاریخ نویسان یورپ مثل ادورگبن وهنری لوئیس و دکتورهیلی وسدلیو فرانسوی — سکندر تهلست — وغیر هم اعتراف کرده اند که سرچشمه فضل و کمال یورپ علم عرب بوده است .

۷) وانخلی اول کسی است کهرجز عرب را بزبان انگلیسی شرح داده است .

۸) روزن اول شخص است که علم الجبرا را از زبان عربی بزبان فرانسوی نقل کرده .

۹) لونارد اول کسی است که الجبرا واقلیدس را از تازی بهانگلیسی ترجمه نموده .

۱۰) پاپ اسقف اعظم فرقه کاتولیك که ایشان تصویر حضرت مریم وعیسی (ع) را سجده میکنند .

۱۱) سرداری از سرداران سلطنت رومیه .

۱۲) نسل انبیا عبارت است از بنی اسرائیل که اولاد حضرت ابراهیم واسحق ویعقوب ویوسف ویهودا علیهم السلام وعلی نبینا وغیر هم هستند .

و ۱۳) کاهن ماخوذ است از کوهین که لغت عبرانی است بمعنی عالم ودانندهٔ تورات چون ایشان از برای فریفتن عوام اکثر فال گیریها میکردند ازینجهت عربان ساحر وغیب گورا کاهن میگفتند .

۱٤) شرب الیهود در اصطلاح خوردن یهود است چون در تورات در بارهٔ باده خوری قدغن شدید وارد است اکثر شراب بر سبیل اختفا میخوردند بنابران شعرای زبان فارسی در اصطلاح خود پنهان شراب خوردن را شرب الیهود میگویند .

۱۵ و ۱٦) نیرون — ایمپراطور سلطنت رومیه که در سنه ۳۷ ع از بطن مادر بر امده خیلی جابر وجائر گذشته است اولا مادر خود را کشته است سپس همه شهر را اتش درزده

خود بر قصر درامده تماشا میکرد اخر رعایا از دست بجان امده علم بغاوت برافراشتند وان بد سیرتاب مقاومت نیاورده خودرا هلاک ساخت .

۱۷) سولن ازصنادید حکمای یونان است ومسقط الراس اولده اوسن بود که معرب ان اثینه است و اوجد مادری افلاطون بود از برای ملک یونان قوانین سیاست مدنیه خیلی خوب وضع کرده بود در شهر صور مدفون گردید .

۱۸) مراد از زمان فترت است که مابین جناب عیسی (ع) ومحمد فرخ محمد سرور عالم (ص) بود دران اوقات جمیع ملل ونحل در ظلمت جهالت سرنگون افتاده بودند .

۱۹) اشارت است بحدیث شریف نبویه علی قایلها افضل الصلوات والسلام لوکان العلم فی الثریا لناله الفرس .

بیعت های ولایات و ملحقات ان

(۱۲)

بیعت نامه اهالی مرکز قندهار

بسم الله الرحمن الرحیم

حضور پرنور الطاف ظهور حامی دین مبین خادم حضرت خاتم النبیین امیر حبیب الله خان غازی را تصدق شویم .

عرض مایان خادمان دعاگویان رعایا وبرایا و سادات وعلما ومشایخ وخوانین و مامورین ولایت قندهار بحضور مبارک پادشاه عدالت گستر شریعت پرور بنحویست — قبلا ازبسیاری دروغ وکذب اشخاص خائن ودشمن دین حضرت سید المرسلین (ص) که در ولایت قندهار یوما فیوما نشریات می نمودند ما اهالی قندهار بسیار به بیم وبه تشویش بودیم تا اینکــــه از فضل خداوندی جل شانه سردار عالی جناب معین السلطنه صاحب ولاجاه وبهمرکاب ظفر انتساب شان جناب جلالتماب والی صاحب کابل تشریف فرمای قندهار گردیدند از — مراحمات ونوازشات رعیت پرورانه شاهانه شهریار غازی بیانات وتسکینات زیاد ابراز وانشا • فرمودند ودرنتیجه از اجراات عدالتانه معدوحین مایان زیاده بر زیاده تسکین وتسلـــی وخاطر جمعی ارشاد فرمودند جمیعا متفق اللسان سرهارا برهنه ودست هارا بدرگاه قاضی الحاجات بلند نموده دعای عمر واقبال اجلال پادشاه مسلمین شریعت پرور خود ها را مسئلت نموده شکریه این فیض عظما را بهیچ زبان ادا کرده نمیتوانیم الابد عای نماز خمسه که دعاگوئی مینمائیم — وعلاوه بران از نوازشات واجراات فوق العاده جناب جلالتماب والی صاحب معدوح که بر تمامی ما رعایای صادقه ولایت قندهار نموده است وتمام خوانین وسادات و— علما ومشایخ مارا بخلعت های شاهانه مفتخر وسرافراز فرمودند چنانچه نفری نظامی وغیره قندهار که ازبیم خود هارا از خدمت دین ودولت کناره نموده بودند اینقدر نوازشات و مراحمات بیحدانه جلالتمابی راکه ملاحظه کردند تماما نفری مذکور ایراق واسلحه وکارطوس که

در نزد شان بود بحضور جناب والی صاحب محترم حاضر کرده تحویل نمودند وخود هارا از روی اخلاص وصداقت داخل نوکری دولت نمودند .

پس ما اهالی ازین حسیات اسلامیانه ومراحمات جناب ممدوح اظهار شکریه و رضامندی نموده از خداوند تبارك وتعالی جل علی شانه برای همچنین اشخاص فدائی وخدمتگار وفاکیش دولت اضافه بر اضافه توفیق خدمت وعزت به تحت لوای اسلامی همچنین پادشاه شریعت پرور عدالت گستر التجا واستدعا وبذریعهء عریضهء اخلاص فریضهء خودها اظهار شکریه نموده وتحفهء دعای بقای عمر واقبال اجلال همچنین پادشاه رعیت پرور شریعت گستر را که بحماز پنجگانه مینمائیم تقدیم میداریم الهی که قبول افتد . امین ثم امین فقط ۱۰ (۲شهرمحرم ۱۳۲۸) .

امضاء ات :

عبد الحمید اخند زاد متولی خرقهء مبارکه ــ عبد الرزاق اخند زاده متولی خرقهء مبارکه ــ غوث الدین مستوفی ولایتقندهار ــ محمد هاشم رئیس بلدیه قندهار ــ غلام دستگیر قاضی مرکز ولایتقندهار ــ ملا اخترمحمدمفتی ــ ملا محمدعثمان ــ خواجه محمد وکیل ــ احمدجان خطیب جامع شاه ــ سیدعلی اکبر ــ سید داود شاه ــ سید ولی محمد ــ عبد الغیاث اخند زاده ــ سید محمداکرم علوی ــ محمدعبد الکریم قاضی ــ نورالله ــ عبد اللعجان هوتکی وکیل طایفهء غلجائی ــ سیدعبد الشکور ــ ملا سلطان محمد ــ سید محمدعیسی ــ عبد الرحیم ــ شاه محمد اخند زاده ــ خیرمحمد اخند زاده ــ سید احمد ــ سید محمدعلوی ــ ملا غلام عمر خطیب جامع موی مبارك ــ سید وهاب شاه ــ سید شیرین ــ ملا فضل احمد ــ ملا احمد ــ سیدحسن اقا ــ ملا نورمحمد ــ جمعه خان مفتی ــ ملا نظار محمدمفتی ــ ملا عبد الولی ــ عبد الحکیم تریفسی مجددی ــ سید عبد الروف ــ سید سکندر ــ سید عبد القیوم علوی ــ عبد الرسول ــ سیدعبد القدوس سیدعبد الروف ــ خیرمحمد نوفلزائی ــ سید محمد انور ــ عبد الاحمد مدیر محاسبه ــ میرعبد الجوار سرکاتب ــ حاجی غلام نبی تجار ــ حاجی عطا محمد تجار ــ محمد شعیب بارکزائی ــ محمد اعظم بارکزائی ــ نعمت الله سرکاتب ــ محمد موسی ــ میرزا محمد اسلم ــ حاجی محمد دین خان ترکی ــ محمدعلم توم توخی ــ میرزا غلام نبی ــ علی گوهر توم بلوچ ــ عبد القیوم اخند زاده ــ حاجی محمد هوتکی ــ عبد الوهاب ــ محمد قاسم ــ میرزا غلام حسین . باقی امضاء ومهر ونشان شصت۲۲۲ نفر دیگر در خاتمهء بیعت نامه فوق :

هزاران تحفهء دعاء وشکریه بحضور مبارك معدلتند ستور غاور اهل ایمان خادم دین رسول الله (ص) امیر صاحب غازی تقدیم میداریم که اخلاق پادشاه اسلام را جناب جلالتماب سرداراعلی معین السلطنه صاحب وجناب والی صاحب نشر نموده از خداوند عالم (جل ذکرهوشانه) توفیق دعاگوئی وخدمتگاری چنین شهریار عدالتمدار که کمر دین رابسته کرده ودیدهء اهل اسلام را روشن نموده واعلاء کلمة اللةتعالیٰ را کرده خواهانیم امین ثم امین ثم امین .

بامارت ذات شاهانه اراضی وباو بیعت نموده ایم اطاعت اوراقرض میدانیم .

فقط تحریر یوم دوشنبه شهر محرم الحرام ۱۳۴۸ مکرر امضاء قاضی ومفتی های مرکز قندهار ·

بیعت نامهٔ اهالی گرشک مربوطهٔ قندهار

به ترتیب ستایش وثناطرازی ایزد بی همتا جل مجده ودرود تا محدود بر پیغمبر محمود وال طاهریان اوشان — تشکر بر توفیق الهی مبذول ذات اعلا همت میمنت صفات امیر المسلمین امیر حبیب الله خان غازی ابد الله تعالی سلطنه وایدالله تعالی قوته !

اعلان متبرك تاریخی ۲۴ ذیحجه الحرام ۱۳۴۷ راجع به بشارت ورود اردوی باشکوه ونصرتی خالی (از ابذاء) قندهار وادعای بیعت نامه های ملی بتاریخ ۲۶ ذی الحجه الحرام مذکور ضیاءبخش خواطر قلبی این ملت مبهوج استیلای سلطنت ان قاور الدین وتولای دین مبین گردیده لذا باظهار تشکر مکرر شکر گذار شده از طلوع ان آفتاب فقد سعادت — اسلام بوجود ذات محبوب القلوب موصوف تبریك گفته ما ملت یك بدیگر هم تهنیت نمودیم · از خداوند تعالی بالا بد مسئلت کرده ایم که توفیق سعید را برای قاور الدین به نسبت رفع نا مشروعهای امانی ارزانی به تزئید نماید چنانچه بسعادت اعلان موصوف سعید شده از مقصد دینی که داشتیم کامیاب شدیم · ما تبعهٔ حکومتی گرشك بامارت ذات والا صفات فقد حامی الدین امیر حبیب الله خان غازی راضی ومتشکریم خداوند تعالی ما ملت را در ظل حمایت ان حامی دین مطابق اصول شرعی همیشه مرفه الحال واسوده بدارد چنانچه اسوده یم از جانب این ملت بحضور شان بیعت وتسلیم است صورت بیعت خود هارا بغرض تاکید وتشید واخز مصالحه جناب یاور حضور وسپه سالار صاحب ونائب فقد سالار صاحب وحضرت صاحب مجددی مقرر سمت قندهار ودعای ازدیاد نیکنامی ذوات موصوف وبواقی حضرات مصحوب شان وابراز رضا مندی از اوشان بحضور ذوات موصوفه بذریعه ذوات ذیل محمد عظیم خان کپطان مخصوص نظامی ملا اخترمحمد خان مفتی مخصوص علما — عبد العزیز خان بارکزائی ومحمد کریم خان مخصوص اهالی داود شاه خان مخصوص سادات شمس الدین خان مخصوص مامورین بمقصد اینکه بحضور شاهانه گسیل شود تقدیم کردیم ما ملت به سلطنت امیر المسلمین امیر حبیب اللهخان غازی بیعت کرده خود هارا تسلیم نمودیم ذوات مذکوره تبرکا بدست بوسی حضرات موصوفه شرفیاب گردند تحریر ۲۷ ذیحجه الحرام · امضاء ها :
سید معصوم شاه — سید قوام الدین اولاده سید محمد تاج دار ولی علیه الرحمه ·
سید داود الله اولاده سید داود شاه — سید محمد صاحب موصوف اولادهٔ سید تاجدار ملا اخترمحمد خان مفتی — سردار گل خان مفتی — ملا عبد الحمید — محمد سرور خان — محمد عظیم خان کپطان — حاجی محمد عمرخان بارکزائی — میرعبد الغفارخان بارکزائی — عبد العزیزخان بارکزائی — باقی مهر وامضای ۸۵ نفر دیگر از علما وسادات وخوانین ومامورین نظامی وملکی واهالی گرشک ·

بیعت نامهٔ اهالی زمینداور قندهار

۲۰ شهر ذی الحجة الحرام

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوات والسلام علی خیر خلقه محمد وعلی اله واصحابه اجمعین • قال الله تعالی اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم قال علیه الصلوات و السلام السلطان عادلا رحمة الله علی الخلق •

واما بعد محمد رفیق ولد محمد افضل خان ولد محمود خان برادر اخترجان الغازی قوم علی زائی شامبیک خیل ومحمد قاسم خان ولد عبد الرحمن خان ولد محمود خان مذکور ساکن نهر شرک موسی قلعه زمیند اور معه اشخاص قوم مذکور وریش سفیدان شهرک مذکور وقد نهر الخواجه داد و نهر سلیمانی ونهر حاجی تلی ونهر ریگی ونهر ریگی علیا وهمان اشخاص نهر های مذکورین اور — اطاعت وفرمان برادری بیعت در سلطنت امیر المسلمین امیر حبیب الله خان غاور دین رسول الله راضی وخورسند میباشیم •

در ایام تو می بینم ارام خلق
پس از تو نمی دانیم سرانجام خلق

امضاء ات:

محمد قاسم — حاجی بارگل — گل محمد — نیاز الله — محمد سلیم — محمد سعید — محمد رفیق — محمد یوسف — خواجه نور حاجی ملا محمد حسین — جیلانی — عبد الله و مرباقی نشان شصت ۷۶ نفر دیگر •

بیعت اهالی ترنوورک قندهار

۲۵ ذی الحجه الحرام •

اقرار میداریم مایان ریش سفیدان وکلان شوندگان ورعایای علاقهٔ ترنوورک برینکه خود مایان برضای خود ها امیر المسلمین امیر حبیب الله خان غازی که خادم شرع شریف میباشد قبول داریم واجرای هر امر اورا بالای خود فرض میداریم وامر شان قبولداریم خط هذا بطریق بیعت تحریر شــــد •

امضاء ات: خلیفه عبد القیوم نوفل زائی — ملا عبد الله اخند زاده — ملا فقیر راز محمد — محمد ایوب ملک محمد اسلم — ملک محمد عطا خان — ملک پیر محمد خان — حاجی نیاز محمد خان — ملک محمد عثمان خان — محمد ظریف خان باقی نشان شصت ۲۵ نفر دیگر •

بیعت نامه اهالی بازار شکارپور وغیره قندهار

۲۰ ذی حجه الحرام •

بیعت نامه اهل گذرهای بازار شکارپور وغیره بامارت خادم شرع رسول الله امیر حبیب الله خان مشروط باجرای احکام شرعیه وامن و حفاظت رعیه •

امضاء ات:

حاجی محمد گل — حاجی محمد حسین — میرزا عبد الرزاق — نور محمد اخند زاده — [illegible]

ملا عبد الغفور ـ شمس الحق ـ میرزا علی محمد ـ عبد الغیاث ـ عبد القیوم ـ یار محمد ـ اختر محمد شیرعلی ـ راز محمد ـ ملا محمد عبد الحق ـ ضیاء الحق ـ نصر الدین شیر محمد ـ عبد العزیز ـ محمد ابراهیم ـ عصمت الله ـ نور محمد ـ عبد الرحمان ـ تاج محمد ـ اختر محمد ـ سعد الدین ـ عبد الواحد ـ محمد انور ـ نور محمد ـ خیال ـ میرزا نور محمد ـ لعل محمد ـ حاجی محمد حنیف محمد اکبر ـ باقی نشان شصت ۱۲ نفر دیگر .

بیعت اهالی ذاکر شریف

٢٠ ذی الحجه الحرام .

(یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) مطلب از تحریر ایه کریمه وتسطیر کلمات معظمه فرمان برداری وبیعت انقیاد احکام الهی ورسول مقبول (ص) واولی الامر منکم است چنانچه امر حدیث شریف است که (اطیعه واذا امرکم) لهذا ما یان دوجاگویان برادران دبنی وعزیزان مردم قلجائی صاحبزاده خیل اهالی قریه ذاکر شریف قوم هوتکی را بیعت واعتراف همراه امیر حبیب الله خان خادم دین اسلام ادام الله برکاته علینا وعلی المسلمین همین امر مذکور بواسطه حکام وافسران شاهی موافق امر کتاب الله وحدیث شریف میباشد .

امضاء ات :

دستخط محمد علی دستخط میان محمد عطا صاحبزاده ، دستخط عطاء الله ـ دستخط نظام الدین ـ دستخط عبد الله صاحبزاده ـ دستخط حاجی ملا عبد الحق .

فتوحات اسلام ـ فتح بیت المقدس

(١٤)

همان گروه اند که از تمام امتان سابق تر داخل جنت میشوند کعب الاخبار گفت چون این اوراق را مطالعه کردم بدل خود گفتم که ایا پدر من ازین اضافه تر هم علم داشت و بعد از وفات پدر خود انچه قضاء الله تعالی جل شانه بود مکث کردم تا اینکه بسمع من رسید که همان نبی ـ موصوف در مکه معظمه ظهور کرده و هر مرتبه بعد از مرتبه دیگر قوم جناب رسول اکرم (صلعم) به همراه جناب شان صلواة الله تعالی علیه نزاع دارند من بدل خود گفتم والله قسم که لا محاله این جناب همان نبی موصوف خواهد بود (ص) که پدر من مرا از احوالات او خبر داده وهمیشه در امر فقو نبوت او بحث میکردم تا اینکه خبر امدکه ان نبی (صلعم) از مکه هجرت کرده ودر یثرب منزل گرفته ومن همیشه امر جناب صلعم را انتظار داشتم تا اینکه بهمراي قوم خود غزوه ها نموده و در بالای دشمنان خود نصرت یافت بار اسباب سفر خود را سر رشته نمودم وقائم بودم کـــه بطرف او سفر کنم تا اینکه شنیدم که روح مطهر ان جناب قبض شد (ص) .

و وحی از زمین منقطع گردیده بازبدل خود گفتم که شاید این ان پیغمبری که من امـــر اورا انتظار می بردم این پیغمبر نباشد تا اینکه شبی درخواب دیدم که دربهای اسمان ـ مفتوح شده وملائکه ها گروه گروه در زمین فرود میایند وقائلی میگفت که رسول الله (ص) فوت شده اند

و وحی از اهل زمین منقطع شد باز بطرف ملك وقوم خود بازگشتم تا اینکه خبر امد که امت اورا ابابکر صدیق (رض) خلافت میکند و امامت میدهد باز بدل خود گفتم که بطرف ابابکر خلیفهٔ او میروم اندکی مدت نگذشته تا اینکه لشکرهای او بطرف شام امد بعد ازان خبر وفات او بسمع من رسید باز خبرها پیاپی بسمع من میرسید که مرد گندم گونی که عمرا (رض) نام دارد خلیفهٔ امت او گردیده من بدل خود میگفتم که تا این دین را خوب تحقیق نکنم درو داخل نمی شوم وهمیشه توقف داشتم تا اینکه عمر (رض) در بلدهٔ بیت المقدس امدند بهمراه اول و اهلش صلح کردند . (باقی دارد)

(مطبعهٔ سرکاری کابل)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

ادارهخانه در افغانان کابل افغانستان نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

	قیمت سالانه	قیمت ششماهه
درداخل		
درمرکز	۵ افغانی	۳ افغانی
درولایات اخلیهاطانیهاجرت پست	۶ افغانی	۰ و ۳ افغانی
درخارج	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(یك شماره ۱۰ پول)

تاریخ قمری ۲۷ محرم الحرام ۱۳۴۸ — پنجشنبــــه (تاریخ شمسی ۱۳ سرطان ۱۳۰۸ هجری)

صواب الکلام فی عقاید الاسلام - نبذه از صفات ستوده حضرت رسول اکرم (ص) وقدسیت قرآن معظـــــــــــم

(۳)

حضرت قرآن مقدس که بوجه مذکوره من عند الله نازل شده است بزرگترین معجزات جلیلـــه نبویه است که باعتبار فصاحت وبلاغت فصحای عرب وبلغای این قوم در اتیان مثل یك ایه ان عاجز و قاصر مانده به عجز وقصور خویش اعتراف نموده اند لهذا همچنانیکه بتصدیق رسالت حضرت — محمدی (ص) مؤید بوده است ازین طریق اعجاز وازسائر طریقه ها وخصوص زیاد یکه صدق رسالت مفخر موجودات علیها فضل الصلوات را تائید کرده وبیکد نیز همه انرا این کلام مجید احتـوا فرموده است که بمراتب ذیلا عرض وارائه میشود :

واقعا فصاحت وبلاغت قدسی حضرت قران معجزه باهره بوده وهست که عموم فصحا و — بلغای عرب را تعجیز فرمود وخارق العاده بودن ان به تحقیق ثابت و واضح گردید که — احدی از ان انکار نکرده ونمیتواند بکند بلی نه تنها در بلاغت وفصاحت بلکه از هر حیث واز هر جهت هم یك معجزه خارق العاده بوده وهست که بیان واتیان مثل ان ازطرف نوع بشر قطعیا صورت پذیر نبوده ونیست والا معاندین امروزی اسلام وکسانیکه مائل بامحای دنیوی اسلام هستند وبهمین طینت وسرشت پرورده شده اند چه تقلیات وچه دست بازیها که بحضرت قران نمیکردند . اینك ایضاحات اتیه نیز دلایل وشواهد منطقی خوبی ارائه داده ومیدهد :

اشخاص دقیق وبصیر وذی معلومات که باصول تنقید کلام واقف وبصفات فاضله ان باصول تنقید کلام واقف وبصفات فاضله ان عارفاند یا اصحاب فن بدیع ومعرفت ویا اربابان اداره و سیاست وحکمت اگر با نظر امعان باسلوب بیان حضرت قران وبه محتویات مقدس ان دیده و

به بینند مسلما ظاهر میگردد که بجز از قرآن مجید هرگونه یك کلامیکه موجود شده و یا بشود باین اندازه جامع خوارق‌العاده و صفات کامله شده نمیتواند اگر قائل کدام کلامی که در صنعت تلقین بیان بدرجهٔ انتها محرر وبامور حال وماضی واستقبال آگاه وباحوال شئون کافهٔ امم واقوام عالم مطلع واحاطهٔ فکریه ودماغیه اش بجمیع علوم وفنون اداب واحکام اداره وسیاست واسع بوده ومیبود وبتمام کلام چیزی تا ٔلیف کرده وتا درجهٔ اخرین به تجرید کلام خود از تناقض وتباین شوائب و به تحسین اسلوب بیان خودجهد میکرد بازهم باین درجه بابداع واختراع حسن بیان کلام موفق شده نمیتوانست علی الخصوص در نزد قوم عرب که اسالیب معروف و معهود موجود بود . پس معلوم است که این کلام کلام مقدس حضرت واجب الوجود وحائز جمیع محاسن است لهذا بصورت قطع میتوان گفت بنی نوع بشر را با این ضعف وجود وقصر فکر وعدم توانائی کجا بارا و توانا است که مثل مختصر ترین بدایتی از ایات قرآنی جملهٔ تنظیم داده بتواند حقیقتا حضرت قرآن کریم حقایق را از ازل تا ابد وعواقب مستقبله را خبر داده ومیدهد واین خبرها بر وجهیکه اخبار شده است در وقت موعود مطابق بحقیقت ظهور کرده ومیکند چنانچه حضرت فخر عالم (ص) نظر باشارت قرآنی وعده فرموده که یکجا با اتباع خود امنا بمکه مکرمه داخل خواهم شد وعینا فرمودهٔ رسول مقبول (ص) ظهور نمود هکذا قصص ماضیهٔ را که دائر باحوال امم سالفه و از منهٔ متقدمه بود طوری اخبار میفرمودند که گویا عین احوال را برای العین مشاهد فرموده باشند علمای ادیان چه از یهود وچه از نصاری وقتیکه این قبیل اخبار را می شنیدند عین روایت از تورات وانجیل است گفته انهارا تصدیق نموده بحیرت وتعجب میافتادند بل خالصا ومخلصا ایمان میاوردند .

هواجسی که در قلوب اصحاب انکار مضمر بود درحالیکه تولا وفعلا بهیچ یك فردی اظهار نداشته بودند انرا حضرت قرآن مکشوف واشکار ساخته وبوره از انها خبر داده است زیرا از این گونه مقوله واخبار چه درحق اتباع حضرت مفخر موجودات وچه درحق اعدای حضرت سرور عالم (ص) بروجهیکه در تفاسیر واحادیث مسطور است خیلی زیاد بمطالعه میرسند .

والحاصل حضرت فرقان مجید چه از علوم اولین واخرین وچه از اسالیب متنوعه وطرق متبدعه باشارت یا صراحت کدام نکتهٔ نباشد که بحث نرانده . یعنی از همهٔ ان خبر داده است مثلا در محتویات قرانی که راجع باحکام اخبار مواعظه امثال اخلاق اداب ترغیب ترهیب مدح ازخوبی ها تقبیح بدیها نوع بشر را مامور به تحذیر ازمحابای قبیحه واز موانع و احوال دنیه ازتدابیر سیاسیه هدایت بمراعات احباء وادا مقابله و مدافعه نمودن با اعدا مجادله نمودن با خصما ومعاندین رهنمائی بتوحید حضرت واجب الوجود علم حاصل کردن بحشر ونشر — دفع شبهات رزاله شکوگمان — وعد دار نعیم — احوال اهل جنت وجحیم — احوال جهنم کواکب راکسماوات عالم علوی محتوی است امطاء سحائب رعد وبرق چیستند . عجائب سائره نیکه در ارض وجبال وصحاری وابحار وانهار موجودند اقسام نباتات وحیوانات ومعادن

وازهار ـ اثمار ـ اشجار طیور ظلمات انوار وغیره چیز ها هرانقدر معلوماتیکه شامل است در هیچ یك تناقض واقع نیست واین کلام مجید از کافهٔ معایب منزه ومبراست وبحسن نظم وبیان از مشابهت بتمام اسالیب خارج • وقبل ازاین در اعصار گذشته براي هیچ یك ازانبیاي کرام ما تقدم بمثل این کلام مقدس چه از کتب وچه از صحائف که در فصاحت وبلاغت کثرت احکام ونظیر قران عظیم باشد ازطرف حضرت رب الارباب نازل نشده است یعنی بلاغت وفصاحت قرآن عظیم در فوق بلاغت و فصاحت تورات حضرت موسی وزبور حضرت داود وانجیل حضرت عیسی علیهم الصلوات والسلام است تاچه رسد بقصائد عربیه وخطب بدویه قرائت وتلاوت این قران شریف مقدس ما را درنفوس تاثیر باملاحتی ودر افواه عذوبت بانرحتی بوده در قلوب محبوب ودر اسماع مرغوب است هر قدر که تلاوتش تکرر یابد حلاوتش بهمان درجه زیاد وشیرینی اش جانفزامیگردد خاصتا درزمان سعادت بنیاد :

چه خوشست ~~ملفوظ~~ صوت قران زتو دلربا شنیدن — برخت نظاره کردن سخن خدا شنیدن

که از لسان نور رسان حضرت ختمی مرتبت (ص) سامعین ـ باسعادت می شنیدند قلب شان مانند مرغیم بسمل بخون می طپید مگر روحشان حس شان بیلذذ وق قدسی مالامال ویخود یك حالت روحانی عجیبی حس میکردند که نمیرواي خوردن ونعم اشامیدن برایشان میبود زیرا از هر جهت غذاي ـ روحانی وجسمانی شان میکردید •

پسرنسبت بقران عظیم که دراي اینهمه صفات جلیله وعلیه است این اتفاقی وتصادفی واقع شد گفتن ویا بنظور یك ادعاي ابلهانه قیام کردن غیر موزون ونا سـ وازطرف هیچ یك از ارباب عقل سلیم وفکر صحیح تصدیق شدنی است تصحا وبلغائیکه در باب حضرت قران تامل نموده ونظر باین تامل محاکمات فکری ودماغی واجتماعی اجرا داشته اند بالاخر باکمال نصفت وحقانیت بحقیقت و قدسیتش اعتراف وبه پیش عظمت واعجاز ان سر تسلیم خم کرده اند •

راجع ودائر بقران عظیم که موید حضرت پیغمبر ذیشان ما محمد (ص) بوده بذات سامی شان وحقیقت دین اسلام معجزهٔ باهرهٔ بوده وهست سلسلهٔ استدلال را تا اینجا کشانیدیم از واسطه اعجاز ان در فصاحت وبلاغت که مظهر هدایت ارباب دین وعرفان شده است یك خیل وتودهٔ زیادي از نوع بشر بشاهراه اسلامیت امده اند یعنی یك قسم ازاقوام که تصدیق رسالت احمدیه (ص) نموده اند تنها سرفرو اوردگان به بلاغت وفصاحت حضرت قران معظم اند وقسم دیگر هم که سعادت ایمان یافته اند محتویات ومشتملات فرقانی را اعجاز دانسته وبان اعجاز سرفرو کرده وقبول دین کرده اند اعجاز حضرت قران خواه باعتبار فصاحت وخواه بجهت محتویات عالیهٔ مجموعه ان یعنی دو طریق استدلالیکه بیان گردید درزمان ماضی سبب هدایت شده وبراي اینکه خیلی سهل السلوك افتاده امده است حالا هم ما ان نور هدا (اهتدا) در تنورکردن است وبدیهیست که ازاین دو طریق

استدلال تا هنگام قیامت هم استفاده کرده خواهد شد . یاشوده یا جماعه ویا ذواتیکه فضیلت ومعرفت کافیه در سلوك این دو استدلال نداشته ویا بالذات باستدلال اهلیتی نداشته اند یا انانیکه اقتدار واهلیت باستدلال داشته ازطرف ایشان باکمال خضوع واطاعت اقرار وتسلیم بحضرت قران شده است همانطور نظر بقناعت واطاعت ایشان قناعت وایمان اورده اند یعنی اقرار وایمان نابغه های وقت در فصاحت وبلاغت سبب ایمان واقرار این جماعه هاگردیده است زیرا مقتدرین ارباب استدلال دین واثین پدران واجداد را باتمام عرف وعادات بالکل ترك وتبعیت نمودنشان بحضرت قران وحضرت رسول اکرم (ص) یك دلیل کافی برمعجزه بودن فرقان معظم بود وبس که تابعین وتابعین تابعین الذکر باین دلیل اکتفا نموده بشرع پاك محمدیه (ص) ایمان اورده ودرین شرع حنیف اصول وطرز تعظیم وعبادات و چیزیکه امر وسنت حضرت ختمی مرتبت باشد قبول کردند ازاین تفصیلات ازاین دلائل وبراهین دانسته میشود وتحقق مینماید که معجزه قران یك معجزه ایست که بنا بباقی ماندن بحضرت خیرالبشر (ص) الی نهایت الزمان از طرف حضرت واهب العطیات احسان فرموده شده است .

معجزات سائر انبیا علیهم الصلوات والسلام معجزاتی بوده است که درعصر سعادت انها مشاهده شده وبانقل صحیح عصرا بعد عصر اخبار ان معجزات بسائر پیروان شرعشان واصل شده واگرچه استفاده روحانی ووجدانی ازانها شده است ولی مشاهده واثر وتاثیر ان تا به امروز دوام ننموده است .

معجزه باهره مخصوص حضرت قران است با تکرر زمان ودهور مشاهده شده ودر مشاهده شدن است که این فضیلت جلیله نیز ازطرف حق تعالی بحضرت فخر کائنات (ص) عطاو احسان گردیده است زیرا چنانکه پیشتر ذکر شد جز بحضرت محبوب درگاه رب العلمین بجمیع یك انبیای کرام علیهم السلام اینطور یك معجزه عظیمه نیکه تاثیر موثره مبارکه ان الی ابد الابد باقی مانده بتوانداحسان نشده است .

اما چه چاره که هدایت ربانیه بید قدرت وحکمت ذاتیس نیاز اوست ازبندگان خود کسی راکه خواهد بصراط مستقیم هدایت فرموده انی راکه نخواهد برایش هدایت احسان نمیکند وهمچو ابلیس ازبارگاه رحمت خود میراند ویطعن ولعن ابدی مبتلا میگرداند .

(ناتمام)

(امیرمحمد شریف خواجه)

خبر های رادیو از مقام بمبیی

٣٠ محرم .

شملعه — از قرار اطلاعات واصله چنین مفهوم میشود که فعلا ارامی وسکون در پایتخت کابل حکمفرما است وهم جریانات امور مملکتی تاپانداره بحالت طبیعی خود عودت نموده است .

پشاور — ازپشاورخبرمیدهند که قلام نبی که شهر مزارشریف را برای یکعرصه قلیلی اشغال نموده بود درمقابل تهاجم عسکر امیر حبیب اللهخان تاب مقاومت نیاورده بجانب روسیه فرار وعسکر مذکور شهر مزارشریف را دوباره در تحت تسلط کامله خود دراورده اند .

اعلان سرکاری

بر خاطر صداقت وديانت مظاهر اسلام خواهان حقيقی رعايای صادقه عزيزم اقوام شجاع سليمان خيل كوچی وزرمت و كتواز وطی خيل شرن و زرمت وغيره ودره خيل جدران و خازك كوچی وزاهو دره وميلن پوشيده مباد !

از حسن شناخت حقوق پادشاه ومجاهدات فی سبيل الله كه بنسبت برخلافان حكومت اسلاميه خود به نی لشه انگيزان ونفاق خيزان سمت جنوبی نموده وبر عليه انها به كمال دلاوری وغيرت مندی حمله های غيورانه دلاورانه برده وشكست فاحش بمخالفان اتفاق اسلام داده وـ گريز را ازقبضه قاصبانه شان تصرف شده ايد اطلاع داريم وازين شجاعت وپايمرداری وهمت مردانه تان بسيار خورسند ورضامندقلقه بوده از حضرت بی نياز برای تان نياز مينمايم كه به سرخ رويی ونيكنامی دارين وسرافرازی وسعادت كونين نايل باشيد ذريعه اعلان هذا رضائيت دلی وصميميت قلبی خودرا بشما ابلاغ نمودم كه اگاه بوده همچنان باراده صادقانه اسلاميت ـ خواهانه خود ها سرگرم ومجاهد بوده اميدوار نوازشات پادشاهی باشيد . فقط

۲۳ محرم الحرام ۱۳۴۸ .

تشكيل رياست مستقله ضبط احوالات .

ازانجاكه منظور نظر ذات شوكتسمات همايونی اراهی ورفاه ملت وباخبری ازاحوالات اوشان و هكذا واقفيت ازحسن اجراات ويا قبح كارروائيهای مامورين ام از وزرا وغيره در مقابل ملت فرض منصبی و وجدانی ذاتهمايونی است اينست كه برای اجرای اين نيات يك رياست مستقل بنام رياست ضبط احوالات از حضور همايونی منظور شده ونير قرار است كه اين رياست بتاسيس خيالات وـ اراده ذاتهمايونی شروع بكارنموده اند ما اميدواريم درتاسيس اين رياست وجريان عمليات رئيس وساير كاركنان ان اسباب سعادت ورفاهيت ملت بيشتر ازاين رونما گردد وابنك يك قطعه اعلان حضورملوكانه ونقل فرمان ذاتوالای همايونی راجع بوظائف وتاسيس اين رياست را كه بدست اورده ايم برای اگاهی عموم درج جريده خويش مينمائيم .

فرمان حضور همايونی عنوانی جنابآقای محمد كريم خان

از انجا كه كشف احوالات عموم اهالی ومامورين برای اولی الامر فرض منصبی است تا ازحالات رعيت وكارداران واقفيت حاصل وفراخورحال هريك با اورفتار شود برای اين خدمت ازحضورم يك رياستمستقل كه هيئت ان يكنفر رئيس ويكنفر مدير وديگر سركاتبان وكاتبان وافراد نفری خبر رسان باشد منظور گرديده درحال حاضره شما رئيس رياست مذكور ميباشيد ـ برای تان امر داد ميشود كه به همه محالات وولايات قرار سررشته نفری مقرر داريد ومتوجه باشيد حقيقت هرجا وهر ـ شخص رانفری مخبرين از قرار حقانی چه سوء خلق ورفتار ويا حسن خدمت هر مامور وهر وزير وـ

نائب الحکومه حتی عمله حضورم که ملاحظه کنید علی هذا از اهالی را بدون کم وزیاد بریاست خبر برسانید وریاست تقراتی راکه لازم بعرض حضورم بداند تقدیم نماید و تقراتی راکه لایق به تحقیق وتفحص بداند تحقیق وتفحص نموده نتیجه را عند اللزوم بحضورم تقدیم نماید شما اهمیت ریاست ضبط احوالات را بشناسید که یک ریاست مستقل ومربوط بحضورم میباشد سوای شخص وزیر دربار دیگر احدی بکار ریاست مداخلت نمیتواند — با وزرا ونائب الحکومه ها وحکام که مخابره می نمائید بجواب مکاتیب شما مکلف اند که بوضع انسانیت وشریفانه درجواب مکتوب های — ریاست مذکور بپردازند لساناً وتحریراً احدی نمیتواند که برای مامورین وعمله ریاست ضبط احوالات تحقیر وشدت کند — مامورین ریاست هم لحاظ خداوند تبارک وتعالی را مد نظر داشته طریقه اسلامیت را قایم گرفته پیروی خیالات خادم دین را که خاص رضاء جوئی خداوند وپیروی دین حضرت سید المرسلین است بنمایند حقاً حقاً اجراآت داشته از احدی اندیشه وخوف — نداشته باشند ازین امر نقلا برای وزرا و نائب الحکومه ها ومامورین بذریعه مکاتبه ریاست ابلاغ نمایند اعلان های علیحده هم برای آگاهی عموم اهالی ومامورین نشر میگردد ·

اعـــلان ســرکا ر ی

بر ضمایر همه اهالی ومامورین افغانستان پوشیده مباد ·

بار امارت خیلی گران است — خداوند بی نیاز بلطف عمیم خویش این خادم دین رسول الله (ص) را لایق باین امر دیده بدرگاه حضرت باری شکرگذار بوده بهمه حال برضا جوئی خالق — متعال صرف اوقات نموده میخواهم که از احوال همه برادران خود چه از مامورین وچه از اهالی واقف بوده مطابق بامر شرع شریف در اصلاحات حال شان بپردازم بناءً علیه برای معلومات — احوالات حال [illegible] عموم افغانستان یک ریاست مستقل در پای تخت تشکیل داده یکنفر رئیس ویکنفر مدیر ودیگر سرکاتب ها وکاتب ها مقرر فرموده بذریعه ریاست مذکور در هر محال وهر موضع مخبرها سری مقرر شده تا دایما از احوالات اهالی ومامورین ان نقری خفیتا بریاست مذکور خبر بدهند وریاست مذکور احوالات را تدقیق وتحقیق نموده نتیجه را بحضورم تقدیم نمایند چیزی که قرار هدایات وسیاسیات شرعی باشد امر اجرا داده میشود انشاء الله تعالی لهذا بذریعه این اعلان همه افراد ملت ومامورین را آگاهی داده میشود که در عملیات خود ها حسن اخلاق را که دران رضای حضرت حق سبحانه تعالی باشد بکار برده غرض شخصی ونفسی نکنند تا دچار مشکلات نشوند وچیزی که از ریاست مذکور و از هر دائره وهر اشخاص سوال نمایند درجواب مکلف میشود که جواب باصواب بریاست مذکور بگوید تا حقیقت را بحضورم حالی نمایند انشاء الله تعالی و بدون امر حضورم احدی از وزرا وغیره مامورین کاری نمیتوانند که با مامورین ریاست ضبط احوالات در تحریرات وزبانی اظهار نامناسب نماید باید همه وزرا ومامورین بطریق نزاکت با مامورین مذکور روش نمایند ·

اعلان سرکاری

مکتوب وزارت مالیه بعد القاب :

ذات اشرف ملوکانه نظر بعفو خواری رعایای صادقه شاهانه باقیاتهای زمان سلطنت امیر شهید وامیر امان اللهخان شاه مخلوع را تفریق نموده درکاتیکه قابل تحصیل بوده امر حصولی ودرک هائیکه لازم معافی بوده معافی فرموده ، ودرین موضوع اعلاناتی از حضور شاهانه تفصیلا نشر گردیده ، لهذا یک قطعه ازاعلان مذکوررا بضمیمه این مکتوب فرستاده ، خواهش میکنیم درج اخبار بفرمایند تا عموما اهالی وغیره از مراحمات پادشاهی حالی شوند.

فقط — ۱۹ محرم ۱۳۴۸ .

اینک اعلان مذکور که مبشر ازمراحم ورعیت نوازی ذات ملوکانه است :

ملت نجیب افغان رعایای صادقه شاهانه !

خداوند تبارک وتعالی بقران کریم بحضرت داود علیه السلام میفرماید که گردانیدم تراخلیفه زمین که حکم نمائی در بین مردمان بحق — سنجیدن حق وباطل وترجیح حق عدل است بلکه ثابت شده که بقای حکومت ترقی سلطنت وابسته عدل است چه حکومت وملت بصورت اجتماعی یک وجود هستند زیراکه پادشاه بی ملت وملت بی پادشاه زیست کرده نمیتواند — علامتو شوکت دولت باعث عز وشرف ملت شمرده میشود ازین جهت همواره منظور نظرم به سنجش حقوق عادلانه بوده میخواهم که ملت را به داد وهیئت اداره حکومت را بگرفتن بفهمانم . لهذا باقیاتهای زمان عصر سلطنت امیر شهید وامیر امان الله خان شاه مخلوع بذمه اشخاصیکه باقیدار هستند باقی بوده به تحصیلداران متعدد حواله داده شده بود باقیدارها مرجع حسابش رابه رستی فهمیده نمیتوانست در ابتدای سلطنتم فرامین واعلانات شتاب باقی صادر نموده بودم مضامین ان اختصار بوده برای رفع اینکه اشخاص باقیدار بعداد وهیئت اداره حکومت را بعاگرفت وعموم ملت عزیزم را به معافی بدانم بصورت انواع باقیاتهارا به تفریقیکه وزارت مالیه ساخته بود از ملاحظه ام گذرانیده به تفصیل ذیل حکم نمودم :

باقیات زمان سلطنت گذشته الی اخیر (امیرحبیب اللهخان مرحوم)

باقیات سنوات ماضیه الی اخیر سلطنت امیر حبیب اللهخان مرحوم انچه بذمه رعیتی ازدرک مالیه اراضی وبذمه تجار ازدرک محصول وبذمه کاردار ازدرک کارداری اوباشد کاملا معاف — صرف مه قسم باقی که باشخص وجه نقد از خزانه برده ، ونرسانیده باشد یا کدام شخص بصیغه قرارداد وجه برده باشد ونرسانیده باشد ویاکسی مال وخانه واملاک سرکاری راخریده ، قیمت انرا نرسانده باشد گرفته میشود وباقیاتیکه درحکومت سابقه قسط شده باشد همان اقساط منظوراست .

(باقیات زمان سلطنت امیر امان الله خان شاه مخلوع)

(گرفته می شود)

۱ ـ تقاوی تجاران ودوکانداران وتقاوی دست زمینداران که ازخزانه برده باشند ·

۲ ـ قیمت املاک وخانه ودکان وسرای واموال سرکاری راکه خریده باشند ·

۳ ـ وجه پیشگی وعلی الحسابکه برای خریداری مال برده باشند ·

۴ ـ درذمه گی تیکه داران تعمیر وترمیم وابادیها که وجه برده ونزد شان باقیمانده باشد ·

۶ ـ ذمه گی خزانه داران وکمداران وتحویلداران وکارداران که ازمال دولت باقیدار باشند تا حد امکان باستثنای پلخانه نشیمن بقدر گذاره عایله او گرفته میشود ·

۵ ـ ذمه گی اجاره داران که املاک دولت ومحصول پل ها وغیره را اجاره گرفته ونرسیده باشد ·

۷ ـ محصول برق وتیلفون ·

۸ ـ مالیات نقدی ومحصول مواشی ووجه محصول اصنافی وجوازی ذمه گی رعایا ازسنه ۱۳۴۷ اگرفته شود ·

۹ ـ بازگشتی تنخواه ازسنه ۱۳۴۷ گرفته شود ·

۱۰ ـ کرایه دکان وسرای وخانه سرکاری وکرایه شاهی ومحصول صفائی خانه ها ودکانهای رعیتی ازسنه ۱۳۴۷ گرفته شود ·

۱۱ ـ ذمه گی رعایای زمیندارکه ازدرک مالیه سنه ۱۳۴۷ باقی باشد گرفته شود

(معاف شده گرفته نمی شود)

۱ ـ باقیات ذمه گی خزانه داران وکمداران وتحویلداران وکارداران که ازمال دولت باقیدار باشند وبه بی هستی وجایداد ثابت شود معاف گردد ·

۲ ـ مالیات نقدی ومحصول مواشی ووجه محصول اصنافی وجوازی ذمه گی رعایا تا اخرسنه ۱۳۴۶ معاف ·

۳ ـ قیمت کرتی وبرجه ودریشی وغیره لوازم نظامی که بعد از موقوفی ونوقی ملازمت تسمه بر کرده و بحواله داده شده معاف ·

۴ ـ قیمت تفنگ سرکاری که برای بعضی نفری خوانین ملکی که بنا رمقررشده و برده مانده وازنزد شان مفقود وتلف شده مجلا باشند موقوفی دارند معاف ·

۵ ـ بازگشتی تنخواه تا سنه ۱۳۴۶ معاف وکمبوات غیرحاضری ومریضی وفاضلبرد مکی مامورین ملکی و نظامی وقطع معاش مامورین وسفرخرچ معاف ·

۶ ـ کرایه دکان وسرای وخانه سرکاری وکرایه شاهی ومحصول صفائی خانه ها ودکانهای رعیتی تا اخر ۱۳۴۶ معاف ·

۷ ـ محصول سماوار وجاروب کشی وسقائی بازارکه در بلدیه بمسابقه گرفته شده ونزد دکانداران ـ باقی مانده معاف ·

۸ ـ محصول سائر که قبل ازتقرر محصول نقدی نسبه مقرر بود نزدبعضی نفری مانده وتحت تحصیل است وبرخی مجلای ناداری ومفلسی دارند معاف ·

۹ـ جریمهٔ مالیات جمعی ومواشی وتقاوی وقیمت املاک که به موعد معین نرسانیده وجریمه بسته شده وجریمهٔ معطلی تعمیر وتیکه داران تعمیر که بموعد قرارداد رفتار نکرده جریمهٔ قسط معاف.

۱۰ـ باقی ذمتضامن هاکه اطراسامی باقی ده فوت فرار نادار ظاهر شده وضامن هم فوت گردیده ورثهٔ ضامن حاضر است باقی مذکور بذمهٔ ورثه ضامن در قید تحصیلی است ورثهٔ ضامن معاف.

۱۱ـ باقیات قیمت تقویم واخبار وجنتری وپاسپورت وتذکرهٔ تغویروسکوکات وغیره وثایق معاف.

۱۲ـ جایداد گدامدارها وتحویلدارها وخزانه‌داران که بعد از تصفیهٔ حساب حواله شده وبعضی فوت وفرار ولا جایداد می باشد معاف.

۱۳ـ باقیات هایکه از سنوات ماضیه تعیین نوع باقی وسال وسنهٔ ان نمیباشد واز کتابهای گذشته تا یکدرجه معلوم نمیشود معاف.

۱٤ـ ذمه گی رعایای زمین‌دار که از درک مالیهٔ زمین باقی باشد تا اخر ۱۳٤٦ معاف.

به مشروحات فوق کسانیکه باقیدار بودند وباقی شان به مرحمت حکومت معاف شده به مامورین دوایر حسابیه بذریعه اعلان هذا که تسوید وزارت مالیه است امر واجازه میفرمائیم که در تحت باقیات مذکور لفظ معافی نوشته از جمع تحصیلداران وضع نمایند که سرگردان نشده بمرحمت پادشاهی اسوده حال باشند واشخاصیکه باقیات ذمه گی شان قابل معاف دیده نشد ومعاف نشده اگر حسابی داشته باشند بدوایر حسابیه رفته بمامورین حکومت حساب خودرا فیصله وطلم اوری کرده وجه بیت المال سلطانانرا بخزانه های دولت برسانند وبرای تحصیلدارها سند حاصل کنند.

اکنون به عموم افراد ملت عزیزم خاطر نشان میدارم که از توضیحات مسئله باقیات ها شما را مستحضر نموده بجریان معاملات امور مملکتی امیدوار الطاف نوازش شاهانه باشید فقط فی اول ذیحجه ۱۳٤۷ . مهر شاهانه.

عریضه

که از طرف کلانتران گذرهای شهر کابل بریاست بلدیه تقدیم شده وما سواد انرا بغرض نشر اخبار بدست اورده ایم این است مضمون ان :

بدیهیست که از ابتدای سلطنت پادشاه مجاهد فی سبیل الله امیر صاحب ظل الله ـ هرگونه نوازشاتیکه باعث ارامی واسوده حالی اهالی کابل بوده فراهم اورده سعی دارند که بخر

وسیله وذریعه کهبشود ملت افغانستان ارام واسوده باشند ما خدمتگاران ازخدای توانا جل شانه نیازداریم که تا سال های درازاین پادشاه شریعت پرور را از افغانستان کم نکند بامسئله که اهالی از اجرای ان مسرت میکند وهم مخفی نیست ازحیثیکه جناب امیر صاحب بهادر اهالی شهررا در قصر دلکشا طلب فرموده دلجوئی های زیاد نمود فرمودند که بعد ازین همه معاملات جلب وسئله حقوق شمارا به تمام ها بریاست بلدیه مفوض کردم که شما ارام باشید حقیقتا ازروی صداقت اظهار مینمائیم از زمانیکه این مرحمت مبذول حال اهالی گردیده بچقدر اسوده گی زندگانی میکنیم · نفریهائیکه راجع بمسئله حقوق وغیره به دوایر وزارت جلب شده امور مرجوعه اهالی را با درستی و راستی ایفا نموده اند ما اهالی ازین مراحم پادشاهی ومساعیات اسلامیت کارانه جناب رئیس صاحب بلدیه شکرانه مخلصانه خود هارا ابراز نموده بمقاصد دارین کامیاب شان می خواهیم وترقی این پادشاه معظم را ازخداوند تعالی جل شانه خواستاریم ما خدمت کاران مسرت بی نهایه کرده از اولیای دولت توقع ودرخواست داریم که در حق اهالی کابل نظر مرحمت داشته راجع بجلب نفری همچنین تا کدام امر ضروری واقع نشود بدیگر وسیله جز واسطهٔ ریاست بلدیه نخواهند زیرا تاهنوز تمام دوایر از امر حضور وتوقند اشته مستقیما نفری را برای کاری بدوایر جلب میکنند در خاتمه ازخدای متعال سلامتی وترقی پادشاه متبوع خودرا خواستاریم ·

مد وجزر اســـــلام

(٤)

طبعها تا اشنا از کسب ایجاد هنـــر   ازفلاحت بی نصیب واز تجارت بی خبر

چون بظلم بکبر افتاده میان خواب خور   بی بحکمت نامدار وبی بصنعت شهره ور

جز ستمکاری وخونخواری دگر ائین نبود   هیچکس در انقیاد حکم شرع ودین نبود

اتش کین را به نجد (١) ازقصی افروختند   تابه یثرب (٢) از ثری ان خشک ترمیسوختند

جز سلحشوری دگر حرفی نیاموختنـــــد   حاطونیر از زبانکاری نمی اندوختنـــد

ازجدل بر عرب زیر وزبر می ساختنـــــد   ان کهن ویرانه را ویرانه تر می ساختند

سرگذشت بکروتغلب (٣) هم نسار و (٤) هم جفار (٥)   ماجرای واحس و (٦) غبرا بخطار وحفار

داستان رحرحان وطخفه (٧) یوم الفجار (٨)   از موج یربزتا سازقه بهشت اشکار

تصحرب سلیم النسانه یوم الغبیـــط   فتنهٔ حرب بعاث وشورش یوم الوقیط (٩)

ازخرد بیگانه وبی بحره ازشرم وحیـــا   یکقدم ازبعو هم نسپرده در راه وفا

دلگو ازافسانه ها اخرچها گویم چها   تن همی لرزد چو خوانم شمهٔ زان ماجرا

بسکه ازنجد بب وازطرز تمدن عار داشت — سرکشی مردم کشی دختر فروشی کارداشت
روی خود پیچیده ازفرمان حی لا ینام — جان نثار صورت بیجان نموده خاص وعام
چیده بت بالای بت از فرش صحنش تا بیام — مکهٔ الله المبارک کعبه الله الحرام
خانهٔ ایزد خلیل الله کش معمار بود — قبضهٔ لات(۱۰) مناتش بردرود بواربود ٠

---

۱) نجد بالفتح زمین بلند خلاف غور نام ملکی از عرب که زمین ان به نسبت یمامه وحجاز بلنداست٠
۲) غور بالفتح زمین پستوزمین تهامه مابین نجد وغور حجاز واقع است ٠
۳) این معرکه را اشعار جاهلیت بحرب بسوس موسوم است و سر گذشت ان بد ینمنوال بوده که شتر شخصی در زراعت زنی افتاد زنکه شتر را زده اززراعت بیرون کشید مالك شتر در خشم رفته پستان زنکه را ببرید بر سر این ماجرا درمیان قبیله انمرد وخویشان زنکه چنان جنگ عظیم درپیوست که ازسنه ۴۹۳ ع تا سنه ۵۳۴ ع تخمینا پنجاه سال بازار کارزار گرم بود هفتاد هزار از شجاعان عرب درین کشت وخون عرصهٔ تیغ تلف کشتند در اوائل حال بنی بکر و بنی تغلب درین فتنه باهم دست وگریبان بودند مگر اخر کار جمله قبائل عرب دران شرکت ورزیدند ٠
۴) نسار بر وزن کتاب نام ابیست مر بنی عامر را که دران مقام از یکسو بنی تمیم وبنی عامر و از جانب دیگر بنی اسد وبنی ذباب مصروف جنگ وپیکار بودند ٠
۵) جفا رایضا بر وزن کتاب نام ابیست مر بنی تمیم را به نجد درینجا بعد از گذشتن یك سال بر واقعه نسار ــ باز درمیان بنی عامر و بنی تمیم معرکه کارزار گرم شده بود ٠
۶) قیس ابن زهیر وحذیفه بن بدر در اسپ دوانی باهم گرو بستند قیس واخس وغبرا نام ــ دو اسپ خود را درمیان انداخت حذیفه در برابر انها خطار و قطحقار نام رهوارهای خود را پیش کرد بنی فزاره از گروه حذیفه سر راه کمین کرده نشستند وغبرا را که سبقت نموده بود ترسانیده رم دادند پس درمیان ذبیان وعبس جنگ برخاست واین حربوضرب ازسنه ۵۶۸ تا سنه ۶۳۶ ع (۶۸سال) درمیان عرب جاری بود اکثری ازقبائل عرب درین معرکه شربت موت احمر چشیدند واین جدال وقتال ازمیان ایشان وقتی برطرف شد که انتاب اسلام [illegible] ازشرق اکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا") بر سر ان برخاشجویان بتافت٠
۷) طخفنام جائیست که درانجا بنی یربوع را باقابوس بن منذر بن ماءالسما جدال وقتال روداده بود ٠
۸) یوم الفجار چهار روز ماه حرام که ما بین قریش وقیس قیلان طعن وضرب دست داده بود ودرین معرکه جناب سرور عالم (ص) نیز تشریف میداشتند وحضرت ایشان درانوقت ۲۰ ساله بودند ٠

بقیه حاشیه صفحه ۲۵۳) :

۹) وتیط ابگیر وصاك ویم الوتیط نام روزیست که در آن روز بنی تمیم وبکر ابن وائل با هم جنگ کرده اند .

۱۰ــ قبیله ثقیف که از اعاظم قبائل عرب بود در شهر طایف که از مکه معظمه بفاصله چهل میل واقع است این بت را از زمانه شعیب علیها السلام پرستش میکردند خدا و قاضی الحاجات خویش میدانستند وقتیکه عسکر فیروزی اثر اسلام بسته ثمانیه هجری المقدس بعد از فتح مکه معظمه بطائف متوجه شد قبائل ثقیف تاب مقاومت نیاورده طالب امان ــ شدند وشرائط صلح را تجویز ساخته پیش کردند منجمله ان یکی این بود که مارا اجازت داده اید که تا یکسال دیگر این بت را پرستش کرده باشیم حضرت رسالت ماب این امررا رضا نداده فرمودند که ما برای کسر اصنام ونشر اسلام مبعوث گشته ایم مادامیکه این بت را ریزه ریز نکنید صلح نخواهیم کرد اخر الامر قبیله ثقیف عاجز شده عرض کردند کــه ما بدست خویش خدای خود را نتوانیم شکست اگر شما ها طاقت دارید بسم الله . مغیره بن سعید بفرموده جناب حضرت رسالت ماب داخل قلعه شده لات را خرد بشکست میگویند از پرستش این بت تخمینا یکهزار وپانصد سال بود .

اقتباس از جریدهٔ اطلاعات ایران

افتتاح رادیو

تلفون ۱۱۰۰۰ کیلومتری

البته قارئین محترم بخوبی مستحضرند که در زمان اخیر در نظر گرفته شده بود که باب مخابرات تلفون بیسیم بین پاریس وارژانتین مفتوح ودایر نمایند با اقداماتیکه در عملی نمودن وانجام نیت منظور شده بود بقرار اطلاعات واصله مسیو بریان با تشکیل جلسه مخصوص و مراسمی که جهت این امر تخصیص یافته بود در حضور عدهٔ کثیری از اعیان و رجال بالاخص (مسیو الویر) رئیس جمهور سابق ارژانتین سرویس تلفون بی سیم بین پاریس و ارژانتین را مفتوح و دائر نمود .

امتحانات مخابرات بقدری رضایت بخش بود که چنین انتظاری قبلا نمی رفت بقسمی که مسیو بریان صدای طرف را عینا مثل کسی که در مقابل او نشسته صحبت میکند می شنید وبعبارهٔ اخری (مسیو) (ژرمن مارتن) خود بخوبی تصدیق واعتراف کرد که دستگاه مزبور فوق العاده جالبتر از دستگاهی است که بین پایتخت و (استبار) تاسیس شده قبل از اینکه مذاکرات رسمانه باسیم مزبور بعمل اید تقریبا مزاح وشوخی ازطرف ارژانتین در باب اینکه بیش از ۳۰ درجه ـ فشار هوا در بوئنس ایرس نمیباشد ـ شده سپس دنباله ان مسیو بریان شروع به سخن نموده و برای اینکه ازطرز بیان ومفاد مخابرات مشار الیه مستحضر شوند صحبتیراکه از ۱۱۰۰۰ کیلومتری با تلفون بی سیم باهمار خود مسیو (اهابارت) نموده است ذیلا متذکر میشود :

فوق العاده مخورسند وبشاشیم که از فاصله مسافت واز وسط امواج ۱۱۰۰۰ کیلومتر از پاریس به بوئنس ایرس مخابره نموده وصدای یکدیگر را می شنویم بدین وسیله که امروزه جدیدا تاسیس گشته با شما مشغول صحبتیم .

من ازطرف وزارت امورخارجه جمهوری فرانسه به وزیرامورخارجه مملکت ارژانتین تبریک گفته و ادعیه خالصانه هیئت دولت فرانسه را تقدیم هیئت دولت ارژانتین نموده ومفتخر است بر اینکه ادعیه را که بوسیله این تلفون بعدها فرانسویها بدوستان ارژانتین خود تقدیم خواهند داشت پیشدستی نموده وبنام اولین کسی در افتتاح سیم مزبور تقدیم داشته متذکر میشود که محبتهای قلبی وفوق العاده بین ما ملت ارژانتین موجود واز وجود یک چنین نعمت بزرگ ـ مفتخر وسر افرازیم .

بعد از استقرار سرویس بیسیم هوائی که در اثر فشاری زیاد وزحمات گوناگون فرانسه موفق بتاسیس ان شد وبعبارهٔ اخری در اثر رقابت های محکم دولت شما فرانسه سرویس مزبور را ـ بین اروپا وامریکای جنوبی دائر و مستقر نمود همواره درصدد تکمیل نیات خود بود تا این که متدرجا دوشادوش دست بدست هم داده ودرنتیجه با استقرار یک چنین تلفون بی سیم روابط بین ملتین سریع تر وریشه دار ومحبت اتان محکمتر خواهد شد . زیرا بخوبی مبرهن است که خیالات وافکار ملتین فرانسه وارژانتین

است که جز تسمت صلح وارامش چیز دیگر نمیباشد .

البته تصدیق میفرمائید که خوشی استقرار این سیم فقط برای این نیست که تسهیلی در مذاکرات بین دولتین بطور یومیه بر قرار نموده بلکه امید ورجاء واثق است که در اثر تسمت واقدام فوق روز بروز با وقوع مکالمات فرانسه وارژانتین احساسات یکدیگر در ممالک طرفین هویدا و بالمکس مذاکرات طرفین روح صلح حقیقة طلبانه بین المللی افزونتر ومحکمتر گردد .

پس از مذاکرات وصحبتهائی که با تلفن بی سیم ازطرف مسیو بریان بعمل امد مسیو (ژومن مارتن) که شرف حضور داشت با مسیو (البیه وکنزالز) وزیر داخله و طرق شروع به صحبت نموده .

خلاصه در پایان ختم جلسه ومراسم مزبور مسیو بریان این جمله را اضافه کرد کفتند عالم پر از وحشت واضطراب است زیرا ما خود مان دیدیم کهقضیه (۱۱۰۰۰) کیلومتر راهی که میگفتند بین باریس وارژانتین است غیر از دو دروغ چیز دیگر نبود . ماتن

بیمار وطبیب عارف

حضرت با یزید بسطامی — انکه در اولیاست بی نامی
رفت روزی بجانب بازار — بود انجا بحر طرف سیار
سیر میکرد و وضع حق میدید — گل عبرت ازان چمن می چید
شد گذارش به یک دوکان طبیب — سوی دوکان قدم گذاشت قریب
شیشه ها وخریطه های دوا — امد اورا چه در نظر انجا
گفت اورا که ای طبیب لبیب — باد توفیق ایزدت به نصیب
از برای علاج رنج گناه — است ایا دوا درین درگاه
چونکه بود ان طبیب هم عارف — سیر راه سلوک را واقف
کرد اندیشه باز داد جواب — چه جوابی که به در خوشاب
گفت دارم دوای رنج بزه — لیک بسیار تلخ تر به مزه
گفت چون زان مرض منم رنجور — از برای من ان دواست ضرور
تو بده تا خورم ازان دارو — شاید ازاین مرض شوم نیکو
گفت تلخ است کی توان خوردن — گفت من می خورم بده توبمن
پس بدو گفت ان طبیب فهیم — نسخه دهر تو می کنم ترقیم
پنج جزو است ان دوا گناه — بشنو وکن بحفظ خویش نگاه
برگ صبر است پنج درویشی — کن باین هردوا و لا بیشی
جزو ثالث هلیله حلم است — کمبخاصیتش ترا علم است
پس بلیله هم ازتحمل گیر — املم از تواضعی بپذیر

پسر بگویش بدستهٔ توتیـــۀ — بازانگش بدیک فکر دقیق
آب شوئی میان آن انداز — اتش عشق زیر او بردا ز
چون بجوشد بحالی تتوی — صافکن تاشود قدح بیرا
در قدح پسر بنات توبه بریز — که شود باهمه دوا امیـــز
نوشکن بعد ازان که رنج گناه — برود ازتن تو خاطر خواه
وای شیراحمدا که زین دارو — نرسیده است ذرهٔ برتو

فتوحات اسلام ـ فتح بیت المقدس

(۱۵)

وبطرف وقائیت شان بعهد شان دیده این امر راهم دیدم که خدای تعالی بحمـــرای دشمنان شان چه نوع فعل ومعامله میکند بدل گفتم که بی شك این گروه امتان همان نبی امی میباشد باز بدل خودگفتم که درین دین داخل شوم وقسم بخدای تعالی که شبی در بام خـــود بودم دیدم که مردی از مسلمانان میاید واین ایه را تلاوت میکند که :

(یا ایها الذین اوتوا الکتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردها علی ادبارها او نلعنهم کما لعنا اصحاب السبت وکان امرالله مفعولا) کعب الاحبار گفت :

والله قسم که چون این ایه راشنیدم چنان بخوف امدم که مبادا صبح نشود تا اینکه بطرف امیرالمومنین عمر (رض) روی اورم چون صبح شد وقت از منزل خود بیرون شدم واز ــ احوالات امیرالمومنین عمر (رض) سوال کردم از برای من گفتند که عمر (رض) در بیت المقدس میباشد من طرف اورا قصد کردم چون به نزد او رسیدم دیدم که امیر المومنین بهمراه اصحاب خود نماز صبح را ادا کرده اند ودر نزد صخره نشسته میباشد من بطرف شان پیش رفتـــم وسلام کردم ــ امیر المومنین عمر (رض) مرا جواب دادند واز من پرسیدند که تو کیستـــی . من گفتم کعب الاحبارم امده ام که ارادهٔ دین اسلام را دارم که در اسلام داخل شوم .

(باقی دارد)

(مطبعهٔ سرکاری کابل)

صفحه(۱)　　(جریدهٔ هفته‌گی حبیب‌الاسلام — سال اول — شماره ۱۱)　　(نمره مسلسل ۱۱)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

حبیب الاسلام

ادارخانه — د مالفدانان کابل افغانستان — نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود
اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختاراست ·
در هرهفته یکمرتبه بروز پنجشنبه نشر میشود ·
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

قیمت ششماهه	قیمت سالانه	
	درداخل	
۳ — افغانی	درمرکز ۵ — افغانی	
	درولایات داخله به اضافه اجرت پست	
۳۰ ور۳ افغانی	۶ — افغانی	
۸ شلنگ	۵ ۱ شلنگ	درخارج
	(یک شماره ۱۰ پول)	

(تاریخ قمری ۵ صفرالمظفر ۱۳۴۸) پنجشنبه (تاریخ شمسی ۲۰ سرطان ۱۳۰۸ هجری)

یک تبصرهٔ مختصـــــــــــر
(برحالات موجود افغانستان)

تعمیرمملکت نشود تام ومتین — تا نبود زمصالح وسامان اتفاق

یا لیت قومی یعلمون ·

به تمام اهل قلم وخداوند ذوق افغانستان معلوم است که راقم‌الحروف ازعرصهٔ چند سال است که بواسطهٔ عدم مطابقت تحریراتم بمذاق زمامداران عصر سابق قلم راشکسته زبانم‌را بسته وبکنجی نشسته ام اکنون نیز هیچ میل وخواهشی ندارم که چیزی نگاشته ازان ناله های سردم که ازدل پردردم میبراید باعث دردسر ناظرین محترم بشوم این چه امر از کمال وضاحت حاجت کتابت ندارد که امروز یک دسته ازملت محبوب صمیمی وجمعی از سکنه این مملکت مرغوب ما ازتحریکات دشمنان دیرین وفتنه جوئی معاندین پرکین ما چنان زیر تاثیرات افکار بد هنجار ارباب غرض واشرار نابکار رفته اند که ابدا هیچ فردی ازافراد انها باطراف این حرکات واهیات خود نگاهی نمیکنند وازعواقب وخیم این اعمال سراپا وبال خود برای یک لمحهٔ هم یک اطلاع وصحیحی را کسب نمینمایند ·

غبار هوا چشم عقلت بدوخت — سموم هوس کشت عمرت بسوخت
بکن پنبهٔ غفلت ازچشم وگوش — که اسلام دارد زدستت خروش

درین مورد ازعوام وطبقات عامه ملت خودمان حق شکوه وشکایت کردن را نداریم زیراکه این بیچاره گان درهرکاری که بوقوع میرسد ازخود فکر واراده نداشته وندارند بلکه این طبقه مظلوم وعاجز که جدا قابل رحم وشفقت اند درتمام مواقع شکار افکار پر اضرار عوام فریبان وقتیل القدست خیانت پرست صیادان شقاوت پیوست خود میشوند وبر بلی عوام بد بخت درهمه مواقع پیش میروند درصورتی که هرگز نفع وخیر انرا ندیده اند وازجان کندن خودشان هیچ یک فائده و منفعتی را هم نمیبرند ·

ازین خرمن عوام واین طبقهٔ که از مظلوم ترین مرد مانند در همه اوقات مانند پرندگــان وچرندگان ازدست یك زیرك محیل وبانظر صاحب غرض شیاد زیر وزیر شده اسباب اجلال واعزاز وتنفسات انهارا از روح وروان خود ها تکمیل وتامین میکنند !!!

الحق درین موضوع هرقدر شکوه وشکایتی که بکنم وهرچند فغان ونالهٔ که بنمائیم ازدست همین عوام فریبان واشخاص صاحب رسوخ ومتنفذین وارباب غرض باید بگیم که هر واحدی ازان ها درذوق تکمیل جاه وجلال وپیشبرد مقاصد شخصی وذاتی خود ملت را تباه ومملکت را بخاك سیاه می نشانند وبهر گوشه وکنار اقوام وقبائل شجاع مارا بمیدان فنا برده خوار وزار و زبون وافگار— میکنند .

اینك نظر باین اوضاع پر اسف وخطر بنابر تشویق وتکلیف یکی از قدردانان حق وحقانیت که مکررا امر فرموده اند این نگارشات اصلاح خواهانه ام را تحریر نموده نیاز دارم تا ایزد پاك ببرکت روحانیت صاحب لولاك این یاد داشت های صادقانه مرا موثر گرداند واگر تاثیر وفائده را هم عاید نکند چون مطلوب ومقصود ما از امثال این اقوال واصلاح احوال وتنقید براعمال ان رجال است .

لذا آرام نشستن وبر ذروهٔ تماشابینی قرار گرفتن ودم در بستن خودرا دور از شیوهٔ اسلامیت وجذبهٔ افغانیت خود میپنداریم .

بران گروه حرام است خاموشی صائب   که کار خلق توانند از زبان سازند

از علماء اعلام ومشائخ عظام وخوانین واعزه وخیر خواهان افغانستان این یك سوال را میکنم که آیا ازین بی اتفاقی وخانهجنگی ودربدری که امروز در بعضی نقاط افغانستان ازدست خیانت پرست برخی از معاندین وصاحبان غرض واقع است دشمنان دین ووطن محبوب ما مسرور وخرم وخندان نمیباشند .

آیا شهید وکشته شدن یك یك فردی ازافراد واهالی افغانستان موجب کم قوتی ونکبت ما وسبب قوت ومسرت کفار نیست .

آیا سوختن ومصرف رسیدن یك یکانه کارتوس از ذخائر ومهمات حربیه ما سبب جرئت و — مسروریت دشمنان وموجب ضعف وخجالت مسلمانان نیست .

آیا خرج شدن ومصرف رسیدن یك یك پیسه ازثروت افغانستان باعث توانگری و برومندی — دشمنان وسبب فقر وفاقهٔ افغانستان نیست . آیا درصورتیکه ما این جوانان رشید واین پهلوانان توپ وذخائر ناری ومهمات حربی وپول وتجهیزات لشکری خود مان را درمیان خود مان درخانهجنگی بکشتن این وان و برای پیشبرد مقاصد دیگری فلان وبهمان حیف ومیل بنمائیم وخدای ناخواسته — دران موقعیکه یکی از دشمنان دین وملت حقیقی ما برما دست تعرض را دراز کند وما حسب مقررات دینی وایمانی خود بلی ان عزم جهاد وقتال رابنمائیم باکدام سر وسامان با اوشان مقاتله و بچه ذریعه ووسیله درمحافظه ناموس دین ووطن خود موفق خواهیم شد .

ایا دران فرصت حال ما مطبق باین قصه که یکی از مرشدان کامل برای رهنمائی امثال ما پیروان جاهل تحریر داشته است نخواهد بود ·

یکی قسلهٔ تیره ماه توده کرده　　ز تیمار سرما دل اسوده کرده
شبی مست شد اتشی بر فروخت　　نگون بخت خرمن چه احمق بسوخت
دگر روز در خوشه چیدن نشست　　که یکجو زخرمن نماندش بدست
چه سرگشته دیدند درویش را　　یکی گفت فرزنده‌ٔ خویش را
نخواهی که گردی چنین تیره روز　　به دیوانگی خرمن خود مسوز
گر از دست عمرت شد ان دیدی　　توانی که در خرمن اتش زدی
فضاحت بود خرمن اندوختن　　سپس خرمن خویش تن سوختن
مکن جان من تخم دین ورز داد　　مده خرمن نیکنامی به باد
چه برگشته بختی در افتد به بند　　ازو نیکبختان بگیرند پند
تو پیش از عقوبت در عفو کوب　　که سودی ندارد فغان زیر چوب
برار از گریبان غفلت سرت　　که فردا خجالت نماند برت

ایا این سوقیات وهیجانات واقدامات که بدبختانه امروز از دست مغرضین در بین چند قومی از قبائل افغانستان واقع است سبب ملال خاطر شریف حضرت رسول اکرم (ص) وموجب غیظ وغضب حضرت ذوالجلال والنعم نخواهد شد ·

ایا در روز حشر که خدای برتر قاضی ورسول اکرم شافع شود از مغرضین وجاه پسندان ما ملت افغانستان که باعث قتل وقتال ونفاق وشقاق دیگر برادران عاجز وناتوان خود شده ام ومرتکب حرکات ناصواب ضعف اسلام وقوهٔ کفار می شویم سوال وجوابی نخواهند کرد وازما وشمانخواهد پرسید که درموضوع صلح وصلاح وقیام امنیت وعدم خون ریزی وفراهم اوردن اتحاد واتفاق در بین فقط اسلام وادامهٔ شوکت وقوت ومکنت اسلام چه کوشش ومرفه مسلمین کردید ·

ایا ازین خود غرضی ونفاق خیزی که به تحریک ارباب غرض وجاه پسندان در بین ما واقع شده وباخدا ناخواسته بعدازین واقع شود روح پاک خلفای راشدین وائمهٔ مجتهدین واولیای کرام وپیشوایان عظام ما از ما یان متاذی نخواهد شد ·

خداوند برتر میفرمایند: که مسلمانان همگی با یکدیگر برادر ویک تن ووجود اند تامیتوانید با برادران خود صلح وصلاح واتحاد واتفاق بکنید ·

حال انکه صاحبان غرض وسلطنت خواهان برخلاف این امر خدا به برادران نادان ما تلقین برادرکشی واستخوان بری وشقاق ونفاق افرینی را میکنند ·

خداوند پاک امر شدید پیغمبر اسلام فرموده که ای مسلمانان همه تان بریسمان اتحاد مسلمانی سلسله بند موافقه وموالفت شده از یکدیگر تفرق وجدائی وتشتت نورزید . اما ارباب غرض حکومت طلبان بالعکس بملت جاهی مایی تعمانند که با یکدیگر مخالفت کنید واز راه مجادله پیش ائید وظیفه معانده را رویکار اورید وگاهی برای توحد وتجمع واصلاح پیشنروید لهذا از تمام ملت معظم افغانستان رجا است که انها اضافه برین در عقب اقوال ارباب غرض واشخاص مطلب اشنا نگشته تماما جاده اتحاد واتفاق بپیمان شوند واز شقاق ونفاق وخانه جنگی که سبب تباهی افغانستان وضعف اسلامیان ویگانه اسباب مسرت ووسیله قوت کفار است جدا به پرهیزند وپایه والی هدایه (انما المؤمنون اخوه فاصلحوبین اخویکم) عمل پیرا وباین نصیحت پر قیمت ذات احدیت جل ذکره که واعتصمو بحبل اللّه جمیعا ولاتفرقوا) کاربند گردید تامشکورعند الناس وماجور عند اللّه باشید .

در خاتمه درحق امیر دلیر دیندار غیرتمند شجاع انصاف اگاه تان جناب امیر حبیب اللّه خان دعا کنید که ایزد غنی اورا به تعمیل اوامر خداوندی وتتبع به هدایات نبوی واجرای اوامر شرعی زیاده بر زیاده موفق گرداند . ورجال ومامورین وکارداران زیر دست اورا ایزد پاک معاونت فرماید تا در ارامی رعیت وسرسبزی مملکت ودفع اذیت از ملت وفراهم اوردن موجبات اسایش واضبت صرف مقدرات دارند والسلام علی من اتبع الهدی .

کابل ۲۳ محرم ۱۳٤۸ـ برهان الدین کشککی

جشـــن فتـوحــا ت

نخست اینکه انسان قدم در دایره اجتماع نهاد بغرض دفاع از حقوق طبیعی ومدنی خود از دست تعرض دزنده گان اجانب تشکیل حکومت نمود ـ هیئت حاکمه در معاملات داخلی وخارجی بالطبیعه دخیل شده بوکالت ملت تابعه خود اجرای امور می نمود .

موافقت ها در راه مقصود ملی هیئت حاکمه را مجبور میساخت که سعی برای ملت هم بدهند واز حصول موافقت در راه مطلب مجهوده قوم را نیزاگاه سازند .

چون هنوز تشکیلات درمرحله طفولیت بود وتازه نوعیت در دائره ملی بصورت بسیار کمرنگی مرفراندام کرده بود وسایل طباعت برای نشرموافقت ها موجود نبود که بواسطه ان ازان شربت گوارای توفیق درکام ملت هم می ریختند والبته لازم هم بود چه منافع اجتماعی تقاضا داشت کهقوم از جریان امور واقف میشدند .

مبنی برهمین علت چند روزقبل بوسایل مختلفه (مطابق رسم وعادات خود هرقوم) بملت ابلاغ نمود که بغرض موافقت درفلان امر درفلان جا مجتمع شوید تابرای ابراز مسرت وخشنودی که بما حاصل شده مشترکا جشن بگیریم .

اینکه قوم در موضع معینه تجمع می نمود پادشاه ویا رئیس قوم جشن را بنام ان مسرتی که موجد ان خوشنودی بود ه افتتاح میکرد وبعد هرکدام پس از صرف ماکولات ومشروبات که ازطرف حکومت تهیه شده بود مشغول مسرت وشادمانی میشدند تا اینکه مدت جشن منقضی شده خاتمه دوباره اعلان واشخاص متفرق میگشتند ·

مطابق باهمین فلسفه متداوله روز پنجشنبه ۲۷ محرم بامر واراده سنیهٔ حضور ملوکانه به نسبت فتوحات مزارشریف و هرات قندهار سمت جنوبی وغیره ترتیبات جشن درسلامخانهٔ عام وتزئینات چراغان وغیره در بازارها چند روز قبل دو روزه اعلان ونیز روز پنجشنبه برای مامورین رخصتی عمومی داده شد برای رجال رسمی اجازه نامه های علیحده که در ساعت ۷ ونیم شام در سلام خانهٔ عام حاضر شوند توزیع گردیده بود ·

مطابق امر بازار با بهترین اسلوبی تزئین شده وسلام خانه با ترتیبات سلطنتی مرتب گردیده بود جمله مدعوین که مرکب از مامورین حکومت موجوده و حکومت سابقه که حاضر دار السلطنه بودند بساعت موعود تشریف فرمای سلام خانه عام یکی بعد دیگری جوق جوق می شدند وانتظار تشریف آوری ورود ذات ملوکانه را به نهایت خلوص محبت میکشیدند ساعت بزرگ منار زنگ هشت را نواخت متعاقبان ده دقیقه بعد صدای سلامی موزیک بلند و ورود جناب اعلیحضرت امیر صاحب غازی را بشارت داد احترام ملوکانه بطرز مرغوب از طرف دعوت شده گان اجرا شده وجوابیه احترام حضار ازحضور ملوکانه باحوال پرسی پر بشاشت ادا نموده شد وبعد ها عریضه ازطرف ریاست بلدیه بواسطه خود رئیس بلدیه قرائت وجوابیه از حضور مرحمت گردید وبه تعقیبان یک لایحه دیگر ازطرف جناب خواجه محمد خان وکیل اقوام قندهاری خوانده شد وهمچنان محمد علیخان نام نوجوان لایحه ترتیب وبلهجه مرغوبی بحضور قرائت نموده باعث مسرت شاهانه وحضار گردید لایحه جوابیه ان بامر حضور بواسطه جناب مستطاب افخم وزیر صاحب دربار تقریر گردیده درعقب ان تکت های تبریکیه جشن از جانب اداره اخبار حبیب الاسلام به نفری توزیع گشت که ما هرکدام انرا به مراتب تقدم اینجا نقل میکنیم :

لائحه که ازطرف اهالی شهر کابل بواسطه جناب
رئیس صاحب بلدیه به تخست قرائت گردیـــد :

بسم الله الرحمن الرحیم

اعلیحضرت محی الدین امیر صاحبغازی ایدکم الله بنصره (؟)

ما اهالی شهر کابل فتوحات سپاه اسلام راکه حضرت خالق پاک بنام نامی شما پادشاه متبوع حق پرست ما نصیب وارزانی فرموده است از دل وجان مبارکباد میگوئیم و از خدای قادر توانا خواستگاریم که همیشه شما وسپاه غیور شما را درخدمت دین واعلای کلمت الله مظفر و کامیاب داشته ودارد ·

اعلیحضرتا !

ما رعایای صادقه شما هستیم و اولین کسانی بودیم که بمقابل امان اللهخان شمارا بپادشاهی افغانستان قبول کردیم وبشما بعد وبراستی دست بیعت دادیم وخوشنودی های بسیار کردیم که خدای عز وجل ما ملت مسلمان وامت حضرت خیر الانام (صلعم) را از دست بدعت پرست یك پادشاه سرکش حق ناشناس که تماما مخالف ارزو و توقعات و عام ما رفتار میکرد نجات داد واعلیحضرت شمارا که خادم دین مبین ومجاهد فی سبیل الله وپیرو سنت سنیه رسول الله (ص) میباشید بر سریر جهانبانی این مملکت پادشاه ما ملت بر گماشت .

اعلیحضرتا ! درین مدت هفت ماه که دوران باسعادت حکومت شاهانه شما است با انکه انقلابات و محاربات در همه اطراف واکناف مملکت دوام میکرد ما اهالی شهر کابل از اداره وانضباط اعلیحضرت شما خیلی ممنون ومشکوریم که شهر عزیز کابل براب وگل ما به نگهبانی حضرت خالق نگهبان (جل ذکره) وسعی و کوشش ان اعلیحضرت خسرو زمان تاکنون از افات و بلیات مامون ومصئون است ومثابه امصار دیگر مثل جلال اباد ولغمان تماما خاکدان نگردیده معمور و اباد است والحمد الله تعالی جل شانه اهالی کابل خوار وزبون ودربدر نشده اند بل براحت بسر میبرند اینده هم از خدای توانا (جل شانه) ارزو ومسئلت داریم که ما ملت را بسایه عدل وانصاف ان پادشاه متبوع دیانت گستر ما از دستبرد ظلم وتعدی معاندین دین نبوی (صلعم) حفاظت کند ورعیت را فدائی وجان نثار شما داشته وداراد .

اعلیحضرتا ! بار دیگر این سلطنت اسلامیه را بنام نامی شما تبریك میگوئیم واز خداوند جل شانه میخواهیم که افغانستان بسایه جهد وکوشش اعلیحضرت شما از حیث ترقیات دینی ودنیائی از ممالك مترقی ترین عالم محسوب شود وضیاي عدالت وحق پرستی وترقی پروری شما مانند نور افتاب جهانتاب سرکشی ظلمت وبرادرکشی رابکلی ازین مملکت رفع کند از خداوند متعال جل شانه میخواهیم که اعلیحضرت شما در دیانت گستری وعلم پروری وکشور کشائی مثل سلطان جهانستان اعلیحضرت سلطان محمود واعلیحضرت باشهامت غیاث الدین غوری واعلیحضرت نیك نیت پاك طینت سلطان احمد شاه بابا در سلاطین وپادشاهان نامدار این مملکت مشهور و نیکنام باشید خدای عزو جل که بشما فرد غیور شجاع این مملکت پادشاهی وسلطنت افغانستان را ارزانی فرمود همان خدای قادر وتوانا جل شانه این مملکت و این ملت را بهمه معانی یك ملك ویك ملت واحد ومتفق واز حمایت کفر مستقل وازاد وبسایه عمر واقبال شما خرم واباد و تشکیل فرماید) زنده باد اعلیحضرت امیر غازی) پاینده باد فتوحات سپاه غیور اسلامی .

لایحه که از طرف جناب خواجه محمد خان وکیل
قندهار قرائت شد

—

پادشاه شجاع و بجاه افغانستان ، خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان ، این بنده کمینه پروردگار بحیث نماینده گی رعایای عالیت اندیه قندهار تبریک این جشن سرور وشادمانی را که یادگار تاریخی کامیابی های شایان امیر صاحب پادشاه دلیر افغان است از طرف خود و از طرف همه طبقات اهالی قندهار تبریک میگویم ، افغان خوشبخت است که پیاله این انقلاب خونین راکه در نتیجه سلطنت ظالمانه امان الله خان وطرفداران او ضرور نوشیدنی بود در حالتی نوشید که یک مخالفت خارجی گرفتاری نداشت و ممنون احسان خداوند تعالی باشد که بتواند اینت یکجنان ذات دلیر وشجاع (امیر صاحب) اداره شد که از مساعی شجاعتکارانه ی الایت ایشان هیچ بطول نینجامیده آتشی که حتمی بود افغانستان را بزیر شعله های انسانیت سوز خود سالها بگیرد در موعد بسیار کمی (نه ماه) خاموش گشت .

طبقات دور بین افغانستان که هیچ معتقد نبودند مسلمانان افغانستان معنویات اسلامی خودرا قربان ترقیات ماده بخواهد کرد این انقلاب را از بسیار وقت شدنی میدانست اما حسرت جگر دوز و مسئولیت تاریخ سوز این انقلاب را کلتی باخود برد که درمین تا واقفی بحالت اجتماعی یک جامعه متعصب مسلمانان خودرا زمامداران مسئول اداره قسمت ایشان دانسته بودند .

افغان یک ملت مسلمان حقیقی است وهمه وقت ترقیات ماده را برای ترقی معنویات اسلامیه خود می خواهد ، زیرا هر شخصی که مخالف این مسلک مقدس اسلامی افغان گردیده بود امی نگرده ناکام مانده است .

ما در شکریه اینکه لقب پادشاه بجاه حالیه ما امیر (حبیب الله) خادم دین رسول الله است وملت اسلامی مارا لقب رسمی خود شناخته از خداوند تعالی همیشه توفیقات شانرا در خدمت دین رسول الله موفقانه و آرامی عموم رعایا خواسته دعا میکنیم .

الهی مسلمانان در سلطنت بر قرار باشد — امین ، بواسطه محمد علیخان نوجوان قرائت گردید .

<u>ای پادشاه ملت پرور دیندار</u>

بعد از شکر خدا ودرود خاتم انبیاء بکمال صدق عموما ما رعایای تابع افغانستان خصوصا چاکران قد تی کوهستان بحضور والای شما عرض تبریک میکنیم :

شکر وسپاس خدای بی نیاز وکریم بی همتا را بکدام زبان ادا کرد میتوانیم که دین اسلام را — از لکه بی ناموسی وبدعت بزحمت خود شسته وشریعت غرای محمدی را وابسر با بن مملکت سعید رواج داد دا ئند امتوخجالت را بسینه بدخواهان دین مبین حضرت خاتم النبیین نهاد تخت سلطنت — افغانستان را بوجود ذی جود این پادشاه دیانت پناه عدالتگستر رعیت پرور مزین ساخت و — آوازه شجاعت ومردانگی اورا بچهار سمت وشش جهت روی زمین انداخت از روزی که تاد ر — ذ والجلال تاج پادشاهی وامارت را بسرش نهاده هرسو تحصیکند [illegible]

و هر طرف روی می نهد صاحب دین مبین مدد گار او و دشمنان وحسود ان اوپیوسته زار وزبون خواهد بود ·

دوستان اورا فرحت ها وسعادتها روخواهد نمود · درین جشن اسلامیه که بمناسبت فتح ونصرت ذات شاهانه وعساکر غیور شان بر پا گردیده اگر خیرخواهان عالم اسلام به عوض شمعچراغ سروجان خود را بسوزانند روا واگر پروانه وار وجود خود را فدا یی چراغش نمایند بجا است بحضور انور شاهانه وهمه برادران غازی اسلامی خود شیرین این جشن باشکوه را گفته ابیات اتی را تبرکا قرائت میکنم :

دلا خوش باش عشرت کن که خدمتگار دین امد —
حبیب الله غازی پادشاه مسلمین امد
بمردی وشجاعت نام اومشهور عالم شـــد
زهرسو برسرش تحسین وهوسو افرین امد
به تیغی همت خود تخت کابل را گرفت اخر
کسی که فخورد ین محمشد چنین امد
خدایا مستقیمش دار در شرع حبیب خود
کهاین مرد ازبرای خدمت دین متین امد ·

زنده باد خادم دین رسول الله (ص) امیرحبیب الله ویاینده باد اسلام بحق نبی الله ·
فداکار دولت محمدعلی کوهستانی ·

جوابیهٔ اهالی ازطرف ذات شاهانه

ملت عزیز متدین ورعایای صادق بصلاحیت مزین محبوبم ·

از احساسات اسلام خواهانه وحسیات یکجهتی کارانهٔ تان خیلی متشکر وممنونم — همگان بمن مفتخرم خدماتیکه برای دین مقدس پرورضا جوئی خالق اقدس واعلای کلمه الله فی سبیل الله نموده ام وشمایکان یکان همه را مدققانه فهمیده وبحقیقت انها رسیده اید ازخلوص دل تقدیر وتحسین میکنم ·

واینهارا بشما اظهار عقیده مینمایم که اگرچه بمجاهدات وسربازی اهالی باغیرت سمت شمالی بخلع امان الله وفتح کابل کامیاب شدم لاکن شما مردم کابل هم کمک ومعاونت حتی الوسع بشری خود هارا کرده بدعا وتردید استمداد شاه مخلوع صغیر وکبیر اماده بود اید ودروقتیکه بفتح کابل کامیاب شدم همهٔ شمارا به تسلیم وبیعت بکمال رضا ومسرت میدیدم که

بعت یا نفرد شما هم بصورت مجبور و دل ناخواه بنظر نرسیده ، چنانچه از ناصیهٔ هر کدام اوضاع دلخوشی و از جبههٔ هر فرد طریقهٔ گرم جوشی را بعنوان کل اناء یترشح بمافیه بچشم انصاف ملاحظه مینمودم .

راجع به این حسن نیت و خلوص عقیدت که از شما صاحبان شرف و اهل سعادت بیقین پیوسته شما و اهالی سمت شمالی را در مجاهدات شریک و در مساعیات رفیق دانسته بهمان یکنظر محبانهٔ صادقانه می بینم .

اکنون که حمداً لله تعالی فتوحات دخلی و امنیت فیمابین ما ملت حاصل شده و امشب بتقریب خوشی مذکور که رفع قتل و قتال برادران اسلام را مظهر است جشن مسرت نموده شده اظهار مودت و یکجهتی خود را بشما نمودم و هم یقین دارم که بمضمون (القلب یهدی الی القلب) ازطرف شما نیز یوماً فیوماً تزئید محبت ملاحظه نمایم .

لاکن مطلب یگانهٔ که دارم این است :

که درین شب مسعود رؤسای مشرقی و مغربی و جنوبی و عموم شمالی حضور دارید و بـه ترقیات عالم دنیا و مذلت ما ملت اسلامیه خوب علم دارید . اما وجهیکه انها بمدارج ترقـی و معارج تعالی رسیده اند و ما که بهمه مایحتاج خود حتی چهاپ و کاغذ تران عظیم الشان و صحن کفن خودها احتیاج بغیر داریم چیست .

بلی خوب فهمید میشود که پسماندن ما از نفاق و خانه جنگی هاست که فرصت برای ـ بدست اوردن احتیاجات خود نیافتیم و این چنین محتاج ماندیم که برای همه لوازم و ـ ضروریات خود طلای سرخ و نقرهٔ سفید خود را متاسفانه از دست میدهیم و اغیار از نتیجهٔ اتفاق و اتحاد کامیاب شده اند .

امید میکنم امروز تمام ملت نفع و نقص خود ها را سنجیده اخرین کوشش خود را برای رفع نفاق و حصول اتفاق عمومی معروف نموده ملت و دولت مشرقی و مغربی شمالی و جنوبی یکدست و یکدل شده امورات ملی خود را متفقانه انجام بدهید چنانکه گفته شده :

حسن و عشق اینقدر شهرت گرفت از اتفاق — تا نباشد از دو سر محکم صدا در تار نیست

امشب تبریک این جشن مسرت اندوز را بشما گفته میخواهم از ثمرهٔ اتفاق بچنان ـ فتوحات دلخواهانه کامیاب شویم که مبارکباد های لا تعد و تحصی بشما بگویم و ملت ما در تمام دنیا به نیکنامی و غیرت و شجاعت بحدی بلند اوازه شود که صفحات تاریخ بنام نامی ما ـ زینت یافته افتخار کند و خود ما از نهاد اتفاق و اتحاد و یکجهتی و راستی و صداقت بمراتبی نایل شویم . که حکم بر فلک و ناز بر ستاره کنیم .

انشاءالله تعالی در خاتمه مجدداً مبارکباد این شب را بشما میگویم ـ لیل ۲۷ محرم ۱۳۴۸

زنده باد ملت عزیز افغانستان — پاینده باد استقلال تامهٔ افغانستان

تمام این تبادل احساسات در ۴۰ دقیقه ختم شد وهمه حضار ازادانه در چوکی هائی که قبلا ازطرف وزارت دربار نمبر وار گذشته بود ارام گرفته مشغول تبریك و محبت گشته به صرف میوه اشتغال ورزیدند بعد ازصرف میوه اینکه ساعت ۹ را نواخت در برنده جنوبی سلامخانه غذای شام حاضر بوده نفری مشغول صرف طعام شدند وبعداً ان تکتهای — تیاتریکه ازطرف اقای غلام محی الدین خان مدیر موزیم ازقسم حرب های زمان شمشیروخنجر و سپر ترتیب شده بود مجانی تقسیم و همه برای تماشا در برنده شمالی حرکت نمودند — تیاتر تا ساعت ۱۲ دوام وبعد ان درداخل سلام خانه بجمعیت غفیر همه حضار بحضور امیر صاحب اداء نماز عشاء را نموده از خدای مهربان ترقی واستقلال واتفاق حکومت موجوده را خواستار شده مرخص شدند ۰ بعضی برای تماشای چراغان در بازار وبرخی بمساکن خود عودت نمودند ۰

این بود وضع رسمی جشن ۰ اما ترجمه عمومی ؛ چون تا شب شنبه دوام داشت مردم از مواضعات دور دست دسته دسته در بازار دیده میشد که مصروف تماشا واواز خوانی های ملی بود باکمال جوش و خروش مقدم این جشن باشکوه را تقدیم برائی می نمودند ۰

خبر های واصلــــه

(۱)

مزارشریف

بطور مجمل پیشتر نگاشته بودیم که مزارشریف در اثر تهاجم عسکر غیور که تحت قیادت حضرت افخم جناب نائب السلطنه صاحب بود بتصرف معظم له درامده وغلام نبی خان فرار نمود اینك ازمنبع موثق کیفیا اطلاع رسیده موضوع را خوبتر تشریح میکند :

حضرت افخم جناب نائب السلطنه صاحب پسرازانکه بقوه غیورانه عساکر دلیر معیتی خود قوای مقابل را مضمحل وبعد هم نمود غلام نبی خان باچند نفر همراهانش فرار وما بقیه متلاشی و پراگنده شدند وشهر مزارشریف راوا پس متصرف گشتند وبصوابدید خویش امور ملکی مزار را بــه عالیجاه میرزامحمدقاسم خان رئیس تنظیمیه وامور عسکری را برای شجاعتنشان عبد الغیاث خان سپهسالار تفویض وامر وهدایت لازمه دادند ۰ ودرما بقیه امور خود حضور عالی نائب السلطنه صاحب بکمال فعالیت توجهیت راجع به اصلاحات امورات مزار انولایت وامورات قطغن وبدخشان و تنظیمات سرحدی انولا صرف اوقات دارند وبه اقدامات غیورانه خود تنظیم امور میفرمایند ۰ ما امید واریم دراثر مساعیات جمیله حضرت معظم له صفحه مزار بیك ارامش وسکون قطعی مطلق نائل شده ریشه های فساد ازبیخ وبن برکنده عوض نهال های برومندی فرسبز شود تا ازاثمار ان اولاد وطن شاد کام ومرفه الحال باشند ۰

هـــزاره

(۲)

۲۵ محرم .

ازانجا که حکومت مرکزی از نقطه نظر اسلامیت وعدالت اساس اقدامات خود را راجع برفع بعضی اغتشاشات داخلی بصورت صلح ودلجوئی بدون تهدیدات حربی گذاشته است لهذا در بعضی نقاط که تاکنون هم بعضی مکروبهای داخلی موجود اند اهالی انجا را — تمیلگ ارند که بحکومت مرکزی اطاعت نموده از زیر بیرق بغاوت بیرون جهند چنانچه بعضی اقوام هزاره بهسود و دایزنگی تاحال بیعت صحیحی بحکومت مرکزی نداده بودند ودر — اطلاعات سابق خود اشاره نموده بودیم که ازطرف حکومت از جهت خیراندیشی یک هیئت — تنظیمیه اصلاحیه درانجا روانه شده تا ازروی مواسا با انان پیش امده ازراه اصلاح معامله نمایند — محرکین چون میل عمومی اهالی را بحکومت عادله مرکز دیدند با یکحصه نفری — ناگهانی وبی اثری درحدودات سرچشمه وکوتل اونی هجوم اورده بودند از وزارت جلیلـــه حرب باستیذان حضور شاهانه جناب سردار اعلی معین السلطنه صاحب شخصا بایکصدداد عسکر قلیلی بسواری موتر بعد اقدم انان تشریف برده بیک حمله تمام انهارا پراگنده ومعدوم — نمودند والات حربی وغیره اشیا ازانها که درحین پسرپا شدن شان بدست عسکر غیور معیت سردار صاحب امده بود بایکنفر متعدد از شان وچند بن نفر دیگر را کشته وگرفتار نموده بمرکز اورده اند قوای مقابل تماما مضمحل وپاشان گردیده که اثری ازوشان نمانده واز حضور سردار اعلی برای مابقیه اقوام که مائل بحکومت اسلامی خود هاشدند برای هیئت محترم اصلاحیـــه فرامین موعظه و هدایات لازمه ارقام وارسال گردید یقین است که ان اقوام بعد ازین ازدست مغرضین گول نخورده بصراط المستقیم سر اطاعت را ازدل وجان پیش ارند .

ونیز یکعده عسکری پیراز وقوع واقعه ازحضور ملوکانه بقوت الظهر حضور سردار اعلی سوق داده شده ودر سرچشمه گذاشته ذات شجاعتمابی روز گذشته بحضور ملوکانه شرف حضور بهم رسانیده واقعه مذکور را بعرض حضور رسانیدند اینده را وعده باتیه میدهیم .

سمـــت جنوبـــی

(۳)

ازانجا که فلاح وصلاح هرد وجهانی منوط باسایر تدین واسلامی بوده جنبه اسلامیت و دینداری همیشه فاتح ودست کفاخداوندی ناصر شان بوده دائما بمقابل داهیین مشاهیر — غوایت مرجع ومرام مقصود را بکار وصال مشهود بیمایند .

ازاینجا است که عساکر ظفر ماثر امیرصاحب رعیت پرور اسلامیت وعدالت گستر که قبلا درکوتل تیره رحل اقامت افگند میبودند باتفاق واتحاد اقوام غیور غازی فتوت انجام که نام نویس شان ذیلا بمراتب اسلامیت پروری وشجاعت فطریشان ارقام رفته با سایر برادران

اسلامی که برای احراز واعلای کلمه الله کمرهمت بمیان بسته اند بطرف گردیز عنان هزیمت کشاده بایلجوش اسلامیت کارانه درخروش امده بمبارزه تلیلی افواج ضلالت امواج محمد نادر را شکستهء هشی داده چون انها بمحاذی غیوران راه اسلامیت تاب مقاومت نداشتند با انفعال وخجالت عقب نشسته خود محمد نادرخان هم با برادرانش بکدام سمت مجهول مفرور شده ـ جناب محمد صدیق خان نائب سالار باعسکر غیور وباقی افواج شجاع بهادر ملکور گردیز را با اسلحه وجباخانه زیاد متصرف گشتند .

ولی احساسات ملی وجوش اسلامی این اقوام بهادر وعساکر پادشاهی بدرجه بلند وعالی بوده که قرار معلوم حیثیهء مرهوهجوم باهم تعاهد نموده بودند که هر فرد هرگاه بدون ذائقه شهادت از خط هجوم عقب نشست رد بد انرا لازم است که بضرب گلمه از حیات پر ننگ دنیوی مجروحش سازد ازین بانکته صورت حمله واحساسات رفیعه ملی انهارا ـ درك خواهید فرمود .

نام نویس اقوام بهادر منصور که به ترتیب نام نویس شان احراز شجاعت رابدرجه اعلی نموده اند : اقوام بهادر غیور سلیمان خیل .

سلطان خیل کتواز ـ منزئی علی خیل کتواز ـ صالح خیل زرمت ـ ماموزائی وغیره علی خیل زرمت ـ کوچی خوازك کوچی لنه درای زرمت ـ میلن علایار خیل علاقه سرگردیز ـ ابراهیم خیل ساکن زرمت پایان گردیز ـ طایفه زالو قوم علی خیل ـ اقوام بهادر اندری ـ طایفه سهاك ازقوم اندری ـ طایفه دره وشوزائی قوم سهاك اندری ـ اقوام جدران ـ دری خیل ـ لخری ـ قوم خروتی قریهاذداکه ساکن کتواز ـ قوم تاجك بین علاقه کتواز .

سواد عریضه عالی مستشعالی بحضور مبارك انوروالاپهء دالقاب اینکه :

اولا ازدرگاه حضرت واهب العطایا جل علی ترقی وتعالی دولت قوی شوکت عدالت گستر ـ شهریار غازی خود هارا همواره ارزو وتمنا داشته این نعمت عظما وموهبت کبرا که از مراحم عمیمانه بحال مایان رعایا بذل توجه فرموده نزول اجلال فرموده اند لسان بیان ازشکران امتنان ان قاصر .

بعد این فداکاران بحضور شهنشاه کامران خود ها بیلدل وزبان شکریه مرحمت واحسان خداوند سبحان را بمتصرفات کامله بلدد متعلقه افغانستان که بقوه وجود مسعود خود شان امثال ولایت هرات وقندهار ومزار قیغ اثار ودیگر موضعات که فرموده اند این مسرت وبهجت فوق العاده را بکمال امتنان مبارکباد می گوئیم .

ازروزیکه جلوس میمنت مانوس زیب افزا سریر سلطنت گردیده اند تاحال وتازمانیکه حیات به تن داریم از سر ومال همه را فداء دولت با عظمت خویش وبه تحت امر اولی الامرجان های ـ خود را فدا ساخته خیلی درهجو مثلما افتخار داشته تصدق پادشاه مجاهد خود مینمائیم .

و برای فدا کاری اماده هستیم تا یک قطره خون خویش را برکاب لبغز اکتساب ریختانده کامیاب مقاصد اصلی خود ها شده رضائیه ذات والا صفات شاه امجد مایان را حاصل نمائیم .

حضرت امیر صاحب غازی مجاهد ما چگونه این شکریه مراحم حضرت رحیم را جلته عدالتسه بجا خواهیم اورد بل ارتادیه این الطاف واعطاف خداوندی زبان مقصر ست که این چنین پادشاه عدالتشعار رعیت نواز غمخوار خالق غفار تبارک وتعالی عنایت فرموده بل مقاصد ومطالب کلیه که ما داریم همین است که شاها کامیاب دوجهان و به عزم ثابت تیغ وشمشیرت بالای اعدای دین وخائنان دولت وملت بران باد (باقی مباد انکه نخواهد بقای تو) هرچند الحمد لله والمنه امنیت تامه وتصرفات کامله بحمه نقاط افغانستان حاصل وفضل ایزدی شامل است لیک از قرار مسموعات که اقوام سمت جنوبی باغوا واخلال نادر و برادرانش تا اکنون چنانچه باید و شاید مطیع ومنقاد پادشاه عادل دین نگشته وحیله بازی ها می نمایند چون نادر مطلق وضع جغرافیائی سمت شمالی را با جنوبی بوضع وهیشت مقابل تخلیق فرموده وهمواره نادر بسوسرزنش ان قوم نابکار به عهده ما اقوام شمالی طبعا بوده با اینکه افواج ظفر امواج شاهانه برای سرکوبی انقوم کافی دیده میشود لیک ما فدا کاران هم میخواهیم کبسرکوبی ان مشتجهال مامور وسر فراز گردیم وبعده ادیکه وزارت حربیه ما لزوم دانند بحکام این سمت فدائی هدایت فرمایند تابه تصویب حکام خود تعداد مطوبه را تکمیل وبه سمت جنوبی سوق داده بفضل خداوندی دمار از روزگار شان برآریم ورضامند اولی الامر وپادشاه دیندار خود هارا حاصل نمائیم زیاده اختتام بایسن مرام می نمائیم که ذات خجسته صفات حضرت غازی مجاهد مارا الله تبارک وتعالی از جمیع حادثات مصئون ومحفوظ داراد مورخه ۸ محرم الحرام ۱۳۴۸ اسامی تکه محر وامضاء بعرضیه نوز نمود ماند :

دستخط میرتقاوالله بهاوالدین سررشته دار قلعه دار پنجشیر فقیر محمد پنجشیری — محمد [illegible] اکرم خان — محمد یوسف خان — خوانین پنجشیر — ملاذ والقین خان پنجشیر — خالقداد خان و محمد سرورخان پنجشیری — جانبازخان سید خیلی — دوست محمد خان سید خیل — محمد حسن خان — سید خیلی — ملا حید رسید خیلی — ملا دین محمد سید خیلی — ملا محمد عظیم سید خیلی — سید احمد خان الله بایزید — میرسید محمد خان پایانی — میرنجم الدین خان چهاریکاری — حاجی احمد علی خان تتمدره — ملا صمد خان منجد دره — محمد عبا سرخان گل بهار — ملا احمد جانخان مشاد — ملک رستم خان دولتشاهی — ملک نقیرمحمد خان دولتشاهی — ملا محمد علیخان میان شاخ — میرزا نقیرشاه خان — ملا ذادرخان — ملا عبد الحمید خان ورحیمداد خان جبل السراجی — ملا میرزا خان گلبهاری — ملا نقرانخان گلبهاری — ملا حمید اللهخان ولد سعد اللهخان وعبد الروفخان جبل السراجی — محمد عمرخان تتمدره — محمد عمرخان چهاریکاری — محمد شریف خان تتمدره — عبد الروف خان میرعلم خان خوانین پنجشیری — محمد به توپخان خوانین پنجشیری — ملا محمد عمرخان خوانین جمال الله ریزه کوهستان — عبد الغفارخان اشترگرام — محمد نعیم خان سربند جمال اغه — ملا محمد خان — اشترگرام عبد القادر خان — احمد علی خان جمال اغه — غلام محی الدین جمال

اغه — محمد حسین خان اشترگرام — عبد الکریم خان جبل السراجی — میراکبرخان پابانی — سرفرازخان خوانین گلبهاری — نوابخان د رنامه ملامحمد هاشم خان گلبهاری ملا امیرمحمد خان بولغین — سلطان محمد خان د رنامه — حاجی شاسلطان خان کباوه — زرین خان سنجنی — محمد عمر خان بولغین — د وتفرد یگر امضاء مذکورخوانده نشده .

بیعت های ولایات وملحقات ان

بیعت نامه اهالی د هرکاریز قند هار

۲۲ شهرذی الحجه الحرام .

بسم الله الرحمن الرحیم . لا اله الا الله محمد الرسول الله

یا ایها الذ ین امنوا طیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم .

مفاد ایه شریفه اینکه اطاعت وفرمان برد اری کنید امرخد اوند وامر رسول خد اوند (ج) و پادشاه اسلام شرعی را . برما یان واجب است بحکم ایات شریفه که اطاعت خد اوند جل جلاله و واطاعت رسول اکرم (ص) واطاعت پادشاه شرعی را لزد است کمبنمائیم قال الله تعالی جل ذکره فمن نکث فانما ینکث علی نفسه ومن اوفی بما عاهد الله فلیه اجرا عظیما وهذا ایات شریف — البیعت بینا وبناء لهذا برمایان واجب است اینکه اعلیحضرت انور والاه امیرا حبیب الله خان) را لسانا وقلبا به امارت قبول وبیعت کرد هایم بحکم ایات مافوق فقط .

غلام د ستگیرمحمد زائی — سید احمد محمد زائی — عبد الرحیم محمد زائی — ملا بدالدین اخند زاده نقل صدیق مجد د ی — عبد الله برمجد د ی — ساکن نهرکاریز — ساکن نهر کاریز — فضل احمد مجد د ی و محمد اسحق مجد د ی ساکن نهرکاریز — محمد الدین امداد ی مدرس جامع حضرات نهر کاریز — عزیز الله مجد د ی — غلام محمد مجد د ی — محمد عثمان — عبد الله — غلام د ستگیر بارکزائی — محمد موسی متولی حضرتجی صاحب — محمد ایوبخان نوزائی — [illegible] د ین محمد خان نوزائی — حمد اکبرخان اسحق زائی — محمد نعیم خان ومحمد خان — ونهرخان و اقبال خان اسحق زائی — لعل محمد خان نوزائی — میرمحمد بارکزائی — محی الد ین خان بارکزائی — والی خان ترمکی — نذرمحمد خان اندری — عبد الله خان اندری — ملاحجه مخان اسحق زائی محمد امین خان اسحق زائی — سید توکل اقای علوی — حاجی میران بلوچ — سید تاج احمد — عبدالله — سید محمد — عبد الغفور — باقی نشان شست وامضاء ۶۳ نفر د یگر .

بیعت نامهٔ مردم ارغنداب
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلواة والسلام علی خیر خلقه محمد واله واصحاب اجمعین اما بعد . چون بطذهب مشرفا بوحنیفهٔ کوفی رحمة الله علیه در بیعت جماعه از اعیان واشراف بعضی از علما وسادات وخوانین وتجار کابل است بنا علیه بیعت اعیان شهر قندهار برای تمامی اهالی قندهار کفایت است مگر ما مردم ارغنداب قریه مزرعه وخیشکی بجهت تائید نیز بیعت بامیر حبیب الله خان خادم دین رسول الله کردیم به حیثیتی که تنفیذ احکام شریعت حنیفه امام اعظم رحمة الله علیه کند فقط .
تحریر تاریخ ۲۶ ذی الحجه الحرام ۱۳۴۷ ـ امضاء ات :

عبد الحکیم مجددی ـ ولی محمد اخند زاده ـ نور محمد ساکن خیشکی ـ محمد عثمان ساکن مزرعه ـ محمد هاشم ساکن مزرعه ـ دوست محمد خان قوم الکوزائی ساکن قریه باولی صاحب ـ حاجی شمس الدین ساکن مزرعه اخند حیدر ـ عبد الکریم ـ حاجی نیاز محمد ـ امضاء ومهر ونشان ۸۱ نفر دیگر .

اقتباس از روزنامهٔ اطلاعات ایران

ورود به طهران

اقای سردار عبد العزیز خان وزیر مختار سابق افغانستان مقیم طهران که خبر ورود شانرا بمشهد داده بودیم پریروز وارد طهران شده اند .

شمـــاره (۲۰)

جریدهٔ حبیب الاســــــلام

در کلکسیون مربوطه وجود نداشت

صفحه (۱) جریده هفته‌گی حبیب الاسلام — سال اول — شماره (۲۱) (نمره مسلسل ۲۱)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاسلام

مدیر : برهان الدین کشککی
اداره خانه در باغ نانان کابل افغانستان — نمره تلفون
همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده میشود .
اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .
در هر هفته یکمرتبه روز پنجشنبه نشر میشود .
اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

قیمت اشتراک قیمت شش ماهه
سالانه در مرکز
در مرکز — ۵ — افغانی ۳ — افغانی
در ولایات داخله با اعانه
اجرت پسته ۶ افغانی ۳٫۵۰ افغانی
در خارج ۱۵ شلنگ ۸ شلنگ
(یک شماره ۱۰ پول)

تاریخ قمری (۱۹) صفر المظفر ۱۳۴۸ (الثلثة پنجشنبه) تاریخ شمسی ۲ اسد ۱۳۰۸ (هجری)

صواب الکلام فی عقائد الاسلام (پیوسته بشماره ۱۸)

نبذه از صفات ستوده حضرت رسول اکرم (ص) وقد سیتفرقان معظم

اثر خامه عالی محترم میر محمد شریف خان مد ظلهم .

در مقالات گذشته راجع بابتدای بعثت حضرت رسول مقبول (ص) ودالر به بلاغت و — فصاحت وقد سیکلام قدیم حضرت واجب الوجود جل شانه کمحلی بتفصیل بحث رانده شد اما چرا ومنظور ازان چه بود .

اینک خلاصه مقصد بحث مذکوره را مطابق نصوص قرانی ایضاح مینمائیم :

تفسیر شریف مواکب در ذیل ایه هشتم سوره مبارکه (رعد) چنین بیان میفرماید عین ایه (ویقول الذین کفروا لولا انزل علیه ایه من ربه انما انت منذر ولکل قوم هاد) یعنی کافران ومنکران به محمد (ص) میگویند برای چیست کهبر طبق خواهش ما معجزه نیامد — ای محمد تونهایت با خانوابلاغ ماموری وبرای هر قوم نذیر بوتجداد ورهنما فرستادیم یعنی معجزها تقاضای وقت است تا بمنکران غالب اید مثلا در وقت حضرت موسی سحر واصحاب ان مشهور بود حضرت — موسی بحکمت بالغه ما باعصا وید بیضاء بانها غلبه کرد هکذا در زمان حضرت عیسی علم طب مقبول بود حضرت عیسی باحیای (موتی) بانها غالب امد در عصر سعادت حضرت نبی محمد (ص) برای اینکه فصاحت وبلاغت ازعلوم برگزیده عرب ومقبول انها ست قران عظیم غالب است .

بلی قران عظیم هم دستور وکتاب اسمانی ما مسلمانان وهم معجزه است که برای غالب شدن پیغمبر محبوب ما (ص) نازل شده است . دیگری هم از معجزات جلیله رسالت پناهی حضرت فخر عالم (ص) که در قران عظیم ودر احادیث نبوی مذکور است انشقاق قمر است که از طرف مشرکین طلب شد بوازجانب اثبوت سماء رسالت پناهی بمبارزه مالوهیت باری تعالی عــرض

وبقدرت کامله حضرت الله تعالی جل ذکره با شارت انگشت مبارك پیغمبر ذیشان ماه قمر بدو حصه منشق گردیده است .

انشقاق قمر را از اهل مکه چه متوا وچه مسلم بسیار اشخاص ود واتدیده مشاهده کرده اند .

وهکذا از طرف خیلی اشخاص وقافله ها کهبطریق مسافرت ازدیگر محل ها وملکت هائیکه از مکهٔ مکرمه دورمگر افق انمالك ومحالات با افق مکهٔ معظمه مساوی بود نیز مشاهده شده — وقتیکه بمکهٔ مکرمه رسیده اند دران شبو همان ساعتود قیقه معینه رؤیت مشاهدات خود را در باب انشقاق قمر خبر داده اند . ولی این حادثه خارق العاده را یعنی انشقاق قمر چرا تمام ساکنین کرهٔ ارض دیده نتوانسته اند . اینگونه اعتراض وایراد مخالفین منافی باحتمال وقوع این معجزه شده نمیتواند زیرا نظر بعلم ارباب فن هیئت معلوم وعاری از شبههٔ استکه بناء بر اختلاف افاق خلق کرهٔ ارض سر تاسر از شرق غرب جنوب وشمالی دنیا ان نمیتوانند قمر وانشقاق انرا به بینند و دیده توانند از این رومیشود که در بعضی محل ومملکتها دیده نشده باشد اما کیفیت چه به دور وچه به نزدیك به بسیار زودی منتشر شده هر قوم وهر طائفه خواه براوایات صحیح که کروایان ان از هر جهت درمیان اقوام دور ونزدیك شناخته شده بودند وخواه به مجرد استماع اگر نور هدایت نصیب شان شده بود بابد لایل و فتوای اصحاب فن هیئت بهمه حال قبول دین اسلام نموده ایمان اورده اند ما مسلمانان نیز انشقاق قمر را که بالمعجزهٔ عالیه پیغمبر ذیشان ماست (ص) از یك طرف باخبار ونقل صحیحیکه وارد شد موازطرف دیگر باقناعت وعلم اصحاب عقل و نقل وهیئت کمانحا هم از جائزات عقلیه شمرده وپی شمارند از حیثیکه حرکتوسکونت هر چیز را تحت تصرف قدرت حضرت قادر علی الاطلاق میدانیم بوقوع ان بلاشك و شبهه ایمان اورده تصدیق نموده ایم .

مگر یکقسم از علمای یهود که اساسا صفاتستودهٔ رسول اکرم (ص) را در تورات شریف خوانده بشدت ارزو داشتند که اگر این وجود ذیجود درایام حیات ما مبعوث شود تماما باو ایمان میاوریم اما بد بختانه بعد از انکه حضرت فخر کائنات بتبلیغ رسالت شروع فرموده و روز تا روز گرویدگان شرع پاك شان ازدیاد پذیرفته با سرعت تمام توسع حاصل میکرد از جمله همان علمای یهود بودند که ازقول وارزوی خود باز ایستاده بحاسدانه نسبت بحضرت رسول اکرم (ص) در دماغهای متفسخ خود کین وعداوتی پرورید ند ونعت شریف احمدیه (ص) را که در تورات مسطور بود تحریف میکرد ند چنانچه از این ایهٔ کریمه ٤٤ سوره نساء ظاهر میشود (من الذین هادو ایحرفون الکلم من مواضعه ویقولون سمعنا وعصینا غیر مسمع وراعنالیا بالسنتهم وطعنا فی الدین و لوانهم قالوا سمعنا واطعنا واسمع وانظرنا لکان خیرا لهم واقوم ولکن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا) .

همین یهودند که کلام را از موضع خود تحریف مینمایند یعنی کلام الله یا کلام دربار حضرت رسول کریم (ص) درمحفل مبارك ایشان گذرانده بعد ازتشان دادن صورت قبول درانحراف ازمجلس بدیگر قسم تاویل میکنند ویاخود در تورات شریف نعت مبارك محمد (ص) را تحریف مینمایند . قول ترا شنیدیم وبامرتوعصیان مینمائیم میگویند یا خود ظاهرا اطعنا للباطن عصینا

وتوازما بشنو وما ازترا نخواهیم شنید . میگویند ویا ازراه خیانت لسانا بشنود یواز قلب چیزی دیگرمیگفتند . ومماثل باین کلام‌ها ویا باکلام تفوه بی‌ادبانه‌زبانها وسفسطه ها می سرائیدند اگر میگفتند که کلام ترا شنیدیم واطاعت کردیم وقول‌مارا هم بشنو وبما نظر مبارک خودرا منعطف ساز برایشان خیر اوبر تر واصوب قد بود ولیکن بسبب کفر وطبیعت بد شان حق تعالی اینهارا از رحمت خود طرد نمود وباینحال ازانها خیلی قلیل بسعادت ایمان مشرف شده اند .

حقیقتا هر قدریکه در باب نژاد یهود از کتب واثار تتبع کرد شود نسبت بدیگر اقوام قطعیا قابل تنازنیستند چونکه فطرت ایشان باخیانت وبد سگالی انس والفت حاصل کرده همچنانیکه ازین قوم بانبیای خود شان بیغمبران بنی اسرائیل صداقت وپیروی ظاهر نشده واگر شده هم باهزاران زحمت واشکال همچنین بپیغمبر دیشان مالم) هم مانند سائر اقوام یک دوستی وصداقت درخشانی که قابل تمجید باشد بظهور نرسیده حتی بین الناس هم گاهی در معاملات حیاتی واجتماعی ازین قوم ونژاد صداقت ووفائی بروز نکرده است . (ناتمام)

علم النفس

(۲)

میل عالی یا روحی

پیوسته بشماره ۱۷ .

اثر خامه فاضل محترم هاشم شائق مد فیضهم .

بعد از شناختن میل اجتماعی و تعلق عالی حالا بحث کردن از میل عالی اسان شد . چونکه غالبا این میل راجع است بهیجان واتشی که از عمق قلب نشات کرده است اوامر این میل نیز الت سعادت نمیباشد بلعین سعادت وشبیه حظوظ است . علاوه برین غایه حیات انسانی همین لذات جاوید است در تماشای حقیقت وجمال واتصاف بفضیلت و کمال واقتران ـ بوحدت ونامتناهی .

چه لطافت تعلق خواه بمعنی رقت قوام برای سهولتند رد قبول فعل باشد خواه بمعنی سرعت تاثر از ملاقی از کثافت هیچگاه خوشنود نمیشود . اگر کونیات باقتضای حال روح را چند روز مربوط داشته است تسکین ان موقت میباشد . اضطرابعید ولذتی ان باقی ودائمی القا است . زوال وقصور درجوهر ان نیست . هرگاه باخود مشغول گردید ادراک عقل که شعشعه ذاتی اوست درحال تجلی وانکشاف باید وگرنه مختفی وبی اثر میماند .

اوصاف اساسی (انا) را درانیجا تخطر باید کرد : مثلا یکی ازان وصفها بساطت (انا) بود . درینصورت از ترکیب وتسخیر ابعاد وتجزی) از کثافت (نقصان) وازانفعال (عجز) ـ ذاتی بری است .

میل ناشی از منطوقه‌های الهامی است که از ذات او سرچشمه می‌گیرد. این ادراک و مشاهده لاهوتی است و محور آن غیر متناهی – کمال – خیر مطلق و جوب فضیلت و جمال است. چون (انا) حر و فعال است ازین‌رو میل علوی بحقیقت عدل و اختیار قرابت دارد. چون (انا) بسیط است ازین‌حیث بتماشای جمال و نسبت مطلق مفتون میباشد. هرگاه (انا) ثابت است لهذا بخیر کمال و فضیلت حقیقی سرایت می‌شود. بالاخره مادام که (انا) یکتاست بوی توجه از کثرت وقت عوارض بیزار و بلند سوی وحدت استغراق دارد. این استکشافات میل عالی را در چهار قسمت مطالعه کردن بتقسیم وظایف و عرفان تحلیلی مناسب افتاده (۱) میل بحق (۲) میل بحسن (۳) میل بخیر (۴) میل بدین.

۱ـ میل بحق. میل درین موقع انقدر تشنه است که اگر حقیقت در اشکال غیر متناهی پیش اید نیز تسکین نمی‌یابد. بعد از چندین هزار مرتبه اطلاع بحقیقت باز جویان است. از مقدمات چون و چرا واسطه لاانتهایی تامین نمی‌شود.

تظاهرات میل بحق: در هر دوره حیات و در هر زمره بشر دیده میشود. چنانچه در اطفال حس کنجکاوی نخبه همین میل حقیقت است. اگرچه حس تجسس طفل غیر از جستجوی حق است. لیکن جستجوی کیفیت اشیا مقدمه است برای دریافت ماهیات انها. چنانچه شاعری حس تجسس را درین فرد خود بمناسبت خیلی موزون اقتباس کرده:

انشااگرد انم معنای چکیدن شد بجاست طفل گر جستجو باشد دلیل دانش است

طفل متعدد قابل ازینرو هر چیز بدون توقف نمیگذرد. بسوالهای متعدد و مسلسل و مشاهده‌های متنوع و متناوب با خود مانند میسازد با شمارا. با اینکه وجود ان چیز را از میانه برمیدارد.

انسان چیزی را که ضد انست دشمن میشمارد از همین سبب است. چه جویای حقیقت وقتیکه ناکام ماند انقباض معنوی قلب او را استیلا میکند. این انقباض ناشی از غیر حقیقت در معنویت نفرتی تولید مینماید. چنانچه جنگهای یکدیگر انسانها پیدا شده که برای دریافت دوستی بود بلی الفت از میلهای اجتماعی و انسانی است. هرگاه روح این میل ناکام شد عالم بنظرش سیاه و تنگ گردیده تنهای مرده میگذارد.

حق جوئی اصلی برای خود تحقیقت است دانشرا دانشوران برای فائده و نتیجه کیفیت نیاموخته‌اند. با عشق دانش دانشور شان ساخته است. اگرچه نتیجه بعضی تحقیقات عبث برامده با اینهمه رفع احتیاج عرفانی شده است. یک حقیقت غیر مترقب بعنی عبث را حاصل کرده سکون یافته اند.

چنانچه دیده شد ذهن طفل در ابتدا جویای قیمت که اشیاء نبوده تنها احتیاج لذت‌های ذهنی را بواسطه استفسار کیفیات تامین میخواهد. اما ... متکامل ازین مرحله بیست بلند شده لذت لذت‌های ذهنی را درک قیمت و ماهیت اشیاء میداند. ازین‌رو بلا ارام خواهان است که بلند تحیات سرحدی برسد. کشف قوانین وتسیر و باطنی وجدید اشیا را ازمبداء و غایه بدست ارد.

علوم مکشوفه که قواعد ان از تجربه و استقراء عمومی ودائمی حادثات استخراج شده ویا از اکتشافات عقلی که راجع بماهیت وعلتها است بحصول امده ، همه از اضطرابحق طلبی ذهن نشاءت کرده است . هزارها سال همین نسج عصبی تقلص وانبساط نموده . شئون اشاراتود لالات بی اندازه حاصل نموده است اما حقیقت اشیاء را کماهی تحلیلوتحلیل نتوانسته است بکند . چونکه معرفت قسمت اول یعنی معرفتحاصل از استقرا کمتهلق بمحسوساتست وادراکقسم دوم یعنی معرفتحاصل از تعلیل که راجع بمبداء ونهایت کائنات است هر روز باصول تازه تسلسل ودوام دارد . داهیان همه اعصار در ماهیت موجودات متفق نیستند . مگر در یکعبد ۱۴ (عالم وفدال) متفق اند . تنها وسیله که اضطراب حقیقت را ازدوداین حیوان متفکر بر دارد خلاص ازاتقداءات حیوانی بود بمرجع خود پیوستن وبتماشای خود مشغول شدن است . (باتیدارد)

ورود اغاقاسود قوای قومـــــی

(قندهاری برای ایفای خدمات مرکـزی)

از اطلاعاتتازه که درین روزها بهاداره ما موصول گردیده است معلوم میشود که یکعده از قوای اقوام غیور ماتبت اندیش قندهار برای تشرف بحضور امیر صاحب و ایفای خدماتی که از حضور مامور شوندعازم دار السلطنه کابل شده بودند .

اعلیحضرت امیر صاحب پساز استماع این خبر اسلامیت اثر حرکت ووصول قوای مزبوره درمنطقه ولایت کابل واظهار مسرتوخوشی بوین جذبات اسلامی انها امر اصدارفرموده اند که تفری مزبوره حسبهدایت وتصویبجد اگانه که از وزارت عظمی حربیه پیشنهاد گردیده در بعضی نقاط هزاره معروفخدماتلازمه حکومت متبوعه خود باشند پساز انجام وتکمیل ان هر واحدی ازانها مورد مزید الطاف ونوازشیاد شاهی گردیده بطوریکه رای همایونی تقاضا فرموده درباره اوشان لطف و کرامت خواهند داشت .

رسیدن تفنگ ودیگر مهمات حربی از قندهار

از جمله خبرهای تازه ترینکه بدست امده همانا واصل شدن ورسیدن یکعده مکلی از تفنگ های جاغوری دار یست که به حمل وبارگیر چند عراده موترهای لاری درین روزها از اشرف البلاد قندهار بدارالسلطنه کابل موصوف گردیده است .

حسب راپوری که ازقندهار داده اند این تفنگها از دست عساکر مفتوح و مغرور اغواء امیرامان اللهشاه مخلوع افغانستان جماوری وگرفته شده است که انها پس از عقب نشینی وعد ائمه اخرین خود هرکدام بخانه وجای ومنازل ومحلات خودرهسپار ومتواری شده اسلحه ومهماتحربیه را نیز با خود برده اند ولی درین روز ها از صرفمساعی علما ومشایخ وخوانین واعزه قندهاری وتمالیتوسرگرمی رجال حکومتی هرکدام ازوشان ازقریه ها ومحلات خودامده

اسلحه ومهمات سرکاری را بحکومت محلی خود ها سپرده ورسید میگیرند .

آمدن قافلهٔ تازه از پشـــاور

بعد از وقوع انقلاب معلوم است که اموال تجارتی و دیگر ضروریات سودا گری کابل کـه تهیه وصدور آن بجز از نقاط خارجه از داخل افغانستان ممکن نیست توسط قوافل ازپشاور ودیگر سرحدات موصول میشوند اینك بروز شنبه ۱٤ صفرالمظفر یك قافلهٔ بزرگی که عدهٔ بارگیر آن بیشتر از هزار وپانصد قاطر واسپ بوده است وارد مرکز شده باندازهٔ کافی چای وبوره و گوگرد وشمع وملبوسات ومحروقات وتنویرات ودیگر مواد لازمه را بمرکز رسانیده تاپاندازهٔ بزرگ در رفع احتیاجات اهالی کمك ومساعدت رسانیده است .

رمه های گوسپند در کابـل

در هفتهٔ گذشته وهم اندرین هفته باندازهٔ کافی رمه های گوسپند ازاطراف و نواحی ـ قطغن وترکستان وارد کابل شده است چنانچه تمام قصابان شهر شهیر کابل ما بهمرای تمالی وظیفهٔ چوپانی را نیز بذمهٔ خود گرفته هر واحدی از انها یك یك رمهٔ مختصری راگرفته باطراف قریبهٔ کابل جهت چرا وفربه شدن فرستاده اند اما باوجود تکثر گوسپند وقلت مرغوبات لحوم نرخ گوشت روزبروز سقوط میکند ــ نمیدانیم که قصابان جبرهٔ ست برای این گرانـــی گوشت چه فلسفه خواهند یافت .

مکتوب اهالی مزارشریف (بنام اهالی کابل)

بسم الله الرحمن الرحیم

بحضور برادران عزیز محترم ما اهالی کابل عرض واگاهی میدهیم .

که از احوالات ولایت مزارشریف وانقلابات وحوادثات و اغتشاشاتیکه درین ولا رخداده تا یکدرجه اگاهی وواقفیت داشته از هرچمن سمن واز هر دهن سخن شنونده باشند لاکن ازاصل حقیقت وکیفیت بنابر بعد مسافه راه پوره معلومات نخواهند داشت اینك مفصلا بحضور تان عرض میشود : که چون کاروائی وخلاف رفتاری های شریعت امان اللهخان امیر سابقـــه چشم های مارا خیره ودلهای مارا آزلهٔ وخاطرهای مارا پژمرده کرده بود وهمه مایان بدل و جان ازحیات وزندگانی خود دست شسته بمرگ خود ها راضی شده بودیم وهمیشه التجا بدرگاه خالق خود ها (ج) داشته عرض وتضرع می نمودیم که ازین بلای عظیم که مخرب دین ودشمن ننگ وناموس مایان است نجات بدهد .

همانا که خالق پاك ماوشما (ج) بحرمت دین مبین برادران سمت شمالی را توفیق عنایت وعطا فرموده مکمپسرکرده گی خادم دین رسول الله (ص) امیرحبیب اللهخان واقای سید حسین خان

امده اورا از تخت سلطنت برطرف وچراغ اسلام را روشن نموده وشمایان هم به همین صلح راضی وطرفدار اسلامی بوده خادم دین رسول الله (ص) را بامیری خود ها قبول وباو بیعت کرده شهر را سپرد او نمودید که بفحوای ایه کریمه (وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا) حق امد باطل رفت (۹) فقره خلاف رفتاری های اورا شماها که اعزه واشراف و معتبرین انسمت میباشید تعدیق واعلان واخبار نمودید .

اعلان های مذکور بامضاء شما بذریعهٔ هیئت انتظامیه مزارشریف برای مایان رسیده ازهمت وغیرت وشجاعت اهالی سمت شمالی وشما برادران دانسته شده یك عالم خوشی وبرهم نرحت های ما گردیده چون یك مژده یود که در مقابل این مژده اگرزند گانی خود هارا نثار وفدا میکردیم جا داشت .

لهذا به بسیارخوشی واشد رضاء جوش وخروش بی تکلیف حکومت وامارت امیرحبیب الله خان راقبول دارشده بیعت خط های شرعی داده بحضور انور والا فرستادیم . ثانیا بتاریخ اول ذی تعده نفری هائیکه خود را مسلمان نامیده وسالها درخارج یعنی به دولت روسیه رفته اقامتگزین شده بودند وهمه بد یك سیاه ان وطن خود را سیاه نموده هم مسلك شده بودند شهر مزارشریف را خالی از عسکر وبلهای طرفدار ان امان الله را پر ازکینه دیده بسر کردگی غلام نبی خان سفیرمسکو امده ازسرحد خم ابعبور وبراه مخفی خود را بشهر مزارشریف رسانید چون قوهٔ عسکری به نسبت اینکه نفری جلبی ونفوسی رخشده وقومی هنوزگرفته نشده بود وقوهٔ پسنده وکافی نه بود وچیزیکه بود وانهم در سرحدات بود خود را در شهر رسانده شهر را تحویف شد . چون قوهٔ انها زیاد بود ما اهالی شهر تاب مقاومت ومقابله رانتوانسته ظاهرا تسلیم بودیم ودر باطن (اللهم نجینا) خوانده در صدد این بودیم که این بلای عظیم چگونه دفع شود .

چهل روزدر مزارشریف اقامت (داشته بسیار) تلفات مالی وجانی برای مایان داد وظلمی که از حد واندازهٔ بشر دور بود بالای مایان کرد چون چاره نبود رضاء برضاء حضرت الهی ج داده منتظر بودیم کهازعالم غیب چه بظهور میرسد .

همانا که خدای توانا جل شانه که ضامن دین مبین حضرت سید المرسلین (ص) بود بحرمت دین مبارك خود خود ایه کریمه کل شی * یرجع الی (اصله) رابیشنهاد کرده اطراف مزارشریف مثل برادران ترکمانی و اوزبك وغیره به سرکرد گی جناب میرزامحمدقاسم خان رئیس تنظیمه وجناب شیرعلی خان جرنیل نظامی وسید احمد خان اقای مدیرگمرك وجناب خلیفه صاحب قزل اباق از هرجانب هجوم اورده انهارا شکست داد از راهی که امده بودند بهمان راه همرای نفری طرفدار اوشان یکجا با عائله خود ها فرار کردند .

لله الحمد والمنه جل شانه

کبحکم الخبیثات للخبیثین . خبیث ها ازخاك یا ارفته باز یك خاطرجمعی تمام وامنیت

براي ما حاصل شد که امروزتوابعجزارشریف عموما بلکه ازمیمنه الی هرات که واقفیتداریم همه ارام واسوده حال بخوبی وبیجارگی خود ها مشغول وسرگرم کار میباشیم تلفات مالی وجانی کشده چون در راه ورضاء (حضرت حق سبحانه وتعالی جل شانه) بود انرا عین سرمایه حیات وهستی جاودانی خود ها دانسته وبیدانیم که هیچ کدورتی براي ما حاصل نیست.

لهذا بشما برادران کهازحالما واقفیت نداشتید بذریعهء رقیمهء هذا کاملا اگاهی داده شد کهازاین ولا واز طرفما بان بکلی خاطر خود هارا جمع ارید که عموما یك اتفاق و هر قوم د ستبرادري داد موکینه ونفاق را ازسینه ود لها کشید متفریق قومی هزاره وافغان و اوزبك وتاجیك وترکمان وغیره وغیررا برطرفکرده همه برادر همدیگر (انما المومنون اخوه) برادرانه رفتارگذاره داریم.

عالیجاه عزت وسیادت همراه سید احمد خان اقاي مدیر گمرك که شخص سادات وخاندان نجیب وصادق وخدمتگار دولت استوکالتا بحضور شاهانه روانه شده که احوالات خیریت اینوالا را بحضور شاهانه تادیم وعرض سلام مابان را وکالتا براي شماها با احوال خیریت اینوالا که شخصا سوانح تاریخ جلوس شاهانه میباشند براي شما شفاء رسانیده مکتوب هذا را براي تان قرائت کند درخاتمه از خداوند عالم (ج) میخواهیم که براي ما وشما توفیق عنایت کند که برامشریعت غراء مستقیم بوده بزیر سایه همایایه این پادشاه دین پرور خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب اللهخان ارام واسوده حال باشیم وهمه وقتباتفاق بوده اتفاقا متوجه دشمنان دین خود ها بوده نگذاریم وروا دار نشویم کهد شمنان دین ما کامیاب شوند وناموس ما وشما برباد شود. دشمن امیر حبیب اللهخان را دشمن ودوست اورا دوست دانسته از اطاعت او نکشیم کهخسرالدنیا والاخره نشویم (انشاءالله تعالی ج) فقط تحریر یوم جمعه ۶ محرم الحرام ۱۳۴۸. امضاءات:

بنده اللهحاجی عالیجناب مخدوم — برادرخلیفهقزل اباق دستخط حامد مخدوم پسر خلیفه قزل اباق بنده اللهعیسی متولی ملا پیغمبر قل — بنده الله مراد نیاز حاجی محراب وکیل افغانی حاجی علی احمد وکیل هزارهها — نبذ اللهبای وکیل عربواز بك میرزافخرالدین وکیل تاجکیه — میر ایوب وکیل فارسی بوای وکیل ترکمانیه — نقیر محمد وکیل کوهستانی وکوهد امنی — میرزا قربانشاه رئیس بلدیه — صوفی محمد جان — د ملا عربتاشقرغانی — حاجی اسلم کلید دار روضه مبارك — محمد اکرم ناظر کارخانه روضه مبارك — محمد غوث قوماندان کوتوالی — سید حسین معاون قوماندان — عثمان خوجه تجار باشی — عبد الاحد تجار — سید مقصود تجار — محمد یوسف تجار — محمحسین تجار — عطاء محمد تجار — عبد الرزاق تجار — میا محمد امین — حاجی اسلم باشی تجار — عبد الکریم باشی تجار — میا عبد الکریم تجار.

از طرف هیئت تنظیمیه مزار شریف .

اهالی ولایت کابل !

برادران ما اهالی مزار شریف احوال خیریت اثر اینولا را با عرض سلام خودها فوقا بحضور تان تقدیم داشته اند ما ندویان اولا عرض سلام سنت سید الانام (صلعم) را خدمت شما برادران عزیز ما تقدیم میداریم ثانیا در تحریری فوق تصدیق و بحضور تان عرض میکنیم که الحمد لله تعالی جل جلاله از برکت دین مبین حضرت سید المرسلین و طالع جوان بخت غازی امیر حبیب الله خان بکلی خیریت است عموم رعایای اینولا آرام و آسوده حال و بدعا گوئی پادشاه اسلام و غریبی خودها شاغل بوده میباشند که دشمنان دین گم و نابود و شرمنده و روسیاه گردیده بمقصد یکه داشتند کامیاب نشدند از همه باخاطر عزیز خودها را جمع دارید که خیریت کلی حاصل و فضل الهی جل جلاله شامل حال است والسلام فقط مورخه یوم جمعه ٦ محرم الحرام ۱۳٤۸ . امضا

محمد قاسم رئیس تنظیمیه ترکستان

جرنیل نظامی شیرعلی

آفرین بر جذبات اسلامیهٔ جنـــــاب

عبد الرحیم خان و اهالی هرات

از فضل الهی اتفاقات ملی اقوام افغانستان یوما فیوما زیاده شده بکمال دلچسپی اهالی وکلان شوند ه گان تمام اقوام صمیمت خود را نسبت بحکومت بروز داده میروند .

اهالی هرات که از بد و امر بیااوطع خلل ناپذیری حکومت حاضره را مطیع شده انتظامات ولایتی خود هارا بزیر امر شجاعت نشان عبد الرحیم خان رئیس تنظیمیه هرات به اسلـــوب شایسته انجام داده اند اینک برای بیعت دادن صحیح وضمنا بعضی معلومات دیگری باندازه چهل نفر از اشخاص بصیر ولایتی خودها را وکیل گرفته بحضور اعلیحضرت روانه نمودند وکلای موصوف بکابل واصل و بحضور شاهانه شرفیاب شدند وطرف شفقت همایونی گردیدند بعد از ابراز بیعت و صمیمت از طرف اهالی هرات بیان داشتند که در وقتیکه عبد الرحیم خان رئیـــس تنظیمیه از طرف مرکز به هرات واصل شدند چون شجاع الدوله خان از طرف امان الله خان رئیس تنظیمهٔ هرات مقرر شده بود وتوجه و افکار اهالی هرات را تماما مائل به پادشاه مرکـــز یافت با اتفاق غلام صدیق خان وزیر سابق خارجه که از قندهار به هرات آمده بود هر اندازه پول و دولتیکه در خزانهٔ هرات بود همه را به عاملی بطرف اسکو و مشهد کشیده یکی به طرف مسکو و دیگری بطرف مشهد فرار نمودند . اهالی هرات درین مدت تمام مصارف کشوری

ولشکری هرات را از طرف خود ها به صورت یک کمک فوق العاده علاوه بست امداد نمودند چنانچه اکنون هم پول زیادی در خزانه هرات موجود است . مطلب از انتشار خبر فوق انست تا ملت از کار روائی خدمتگار صادق حکومت اقای عبدالرحیم خان و از عقید تمندی ملت شجاع دیندار بیدار هرات نسبت بحکومت مرکزی وامدن وکلای شان باخبر بوده ضمنا ازین جور وچپاول خائنین که بدون امر واجازه شریعت پول بیت المال را برده در بانکهای خارج مانده بدان وسیله ها هوای نفس پرستی خود هارا تکمیل میکنند بی خبر نباشد .

مساعی حکومت مرکزی نسبت به
رفاه سمت مشرقی

از انجا که نیات رعیت پرورانه امیر صاحب مد اما معطوف برفاه اهالی است قبلا عالی جاهان محمد علم خان شنواری نائب سالار وعبد الرحمن خان شنواری فرقه مشر وملک تیمر خان خوگیانی نائب سالار بکابل وارد شده حسب الامر والاجهه استمالت ورفاه اهالی اقوام مشرقی دوباره مامور شده معاودت نمودند درین اواخر عریضه شان رسیده معروض داشته اند که هر دو ذوات اول الذکر که اقوام شان قبلا مائل ومتحد بحکومت مرکزی بودند از قوم خود یکهزار وهشتصد نفر وعالیجاه محمد تیمر خان نائب سالار ازقوم خود هشت صد نفر جهت خدمات عسکری اتخاذ نموده صورت اسامی وچهره شانرا بوزارت حرب علیحده ارسال و از قضیه بحضور علیحده عرضه داشته عنقریب عساکر مذکور هم برای انجام خدمات مملکتی عازم کابل خواهند شد همچنین بغرض زیادت رفاه احوال رعایا ونظم ونسق امور برایا جناب عبد الرحمن خان ولد عصمت الله خان جبار خیل حصارکی که قبلا بحضور وارد شده بود بحیث رئیس تنظیمیه انجا مقرر واعزام مشرقی گردیده که از عواطف شاهانه باهالی انجا دانانده تنظیم امورات شانرا بنمایند از نتیجه کار روائیهای اوشان اطلاع میشود .

بیعت نامه ولایات وملحقات ان
بیعت نامه مردم چارده قندهار
بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العلمین والعاقبه للمتقین والصلواه والسلام علی خیر خلقه محمد واله واصحابه اجمعین . قال الله تعالی واطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم اقرار واعتراف شرعی نمودیم مایان طایفه اقوام بارکزئی وغیره ساکن چارده بر اینکه جناب امیر حبیب الله خان غازی دین خادم المبارک (ص) که بغور دین مسلمانی استاده شد وبه هر مسلمان حکم مذکور واجب است مایان مردم اقرار میداریم که مایان از امر مذکور راضی میباشیم وخدا ورسول خدا راضی شود انشاء الله تعالی چون مایان مردم در بیعت خود صادق میباشیم

هم دعا گویم هم خدمت پادشاه اسلام امیر حبیب الله خان به صداقت وراستی میکنیم .
مورخه ۲۵ ماه ذی الحجه الحرام ۱۳۲۷ .
امضاء : محب الله — محمد عبد القیوم محمد زائی — حاجی عبد الله جمعه خان — پاینده محمد خان — عبد العزیز — محمد سرور محمد زائی — محمد اعظم فقیر غوث محی الدین بغدادی عبد الغنی — صالح محمد — باقی امضاءات ونشان شصت ۸۱ نفر دیگر .

بسم الله الرحمن الرحیم
بیعت نامه اهالی حکومتی
کلات زمین داور و پشت رود

نحمد المولاء القدیر　　موصوفا باللطف الکثیر
الله الرحمن الکبیر　　وهو النصیر والظهیر
ثم الصلواه علی النبی صم　　الهاشمی الابطحی
شیخیم (رض) عثمان (رض) علی (رض) والال اصحب الشهیر
ثبت لخاقان العظیم　　کاالبدر فی المیل الجهیم
عزه لعظم قوم　　سلطان حبیب الله امیر
گشته امیر بانظام
در دین احمد صم ذ والکرام　　شاهنشهی عالیمقام
سلطان حبیب الله امیر　　او حامی دین نبی (ص)
اوقلع بدعت جلی　　صاحبقران خوانده ولی
سلطان حبیب الله امیر　　او عازم اعلاء دین
او ماحی ظلمات دین　　اوخادم دین مبین
سلطان حبیب الله امیر

بعد الحمد والصلواه چون حاکم حقیقی بلا نظیر وقادر لم یزلی پادشاه بی وزیر تنظیم و تنسیق زمین واهالی انرا مفوض به بشر نموده بموجب آیه کریمه . انی جاعل فی الارض خلیفه .
وسلسله خلافت انبیاء صلوات الله علیهم اجمعین بحضرت سید المرسلین وشفیع المذنبین سید ولد ادم اجمعین سیدنا ومولانا محمد علیه افضل الصلواه واکمل التحیه منقضی گردید و بعد از زمان صاد قانه خلفاء الراشید ین الهادین المهد ین رضوان الله علیهم اجمعین خلافت به امارت مبدل گشته قضیه اجراء اوامر شرعی وقلع بدعت وخصائل نامشروعه با مرها وملوک مفوض گشته کما روی عن ابی هریره (رض) عن النبی (صلعم) قال کانت بنو اسرائیل تسوسهم الانبیاء کلما هلك نبی خلفه نبی وانه لانبی بعدی فسیکون خلفاء فتکثر قال فماذا اتامر ونا قال الخ الحدیث لاخره .

لذا براي کافه مسلمين فرض وحتمی است که بموجب حکم الهی جل جلاله و قول رسول مصطفوی و — سنت خلفاء الراشدين وصحابه الاکرمين يکی ازجمله خود در امارت وخلافت خود که دارای غلبه ونصرت ونفوذ احکام وبيعت باشد بامارت خود منتخب نمايند تا نماينده مذکور امير شان بوده حافظ ثغور اسلام گردد وبه توجه او اعلام شعائر اسلام وخلاصی مظلوم از ظالم شود بنابر حسب مرتومه فوق الذکر مايان مامورين وخوانين واعزه واشراف و وکلا وريش سفيدان وهمه مردم حکومتی کلان زمين داور بشترود قرار اطلاع مخابره اعلانات ولايت قندهار عساکر ظفر ماثر امير حبيب الله خان بهمه مامورين ملکی ونظامی وارد ولايت قندهار گرديده بموجب اعلانات مذکور خواستار بيعت براي شاه مذکور شده مايان اهالی بدون منازعه ومجادله وخون ريزي برادران اسلامی امير مذکور را بامارت خود ها منتخب نموده يم دست بيعت ميدهيم اوامر شاه مذکور را موافق بامر کتاب الهی قبول داريم وازاطاعت مذکور سرکشی — نداريم بموجب ايه کريمه :

اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والی الرسول ان کنتم تؤمنون بالله واليوم الاخر ذلک خيرا واحسن تاويلا .

براي شاه مذکور تقويت وحمايت دين مصطفوی (ص) وقلع مبتدعين دهري وتنفيذ اوامر شرعی را خواستاريم که موافق باصول احکام الهی جل جلاله با جمله عالم سلوک نمايد . فقط

تحرير اول محرم الحرام ۱۳۴۸ .

امضاء اسماء مامورين وخوانين غلزائی — ملا عبد الحکيم خان قاضی محکمه — عزيز احمد خان سرشته دار قايم مقام حاکم کلان — عبد الغفور کوتوال — عبد الخالق خان مامور گمرک — نور محمد خان مفتی — سيد ميرمحمد شاه خان سرکاتب مالیه — نوزاد — غلام جيلانی خان سرکاتب سررشته داری — نیز محمد خان کاتب خزانه حکومتی کلان زمين داور — عبد الرؤف خان سرکاتب پسته — ميرزا عبد الله خان سرکاتب کوتوالی — محمد معصوم خان ساکن مزار — محمد جمعه خان ساکن موسی قلعه — محمد افضل خان ساکن غره تاله — نور محمد خان قوم علی زائی — عبد الظاهر خان ساکن ايلاق — ولی محمد خان — محمد اعظم خان علی زائی — يار محمد خان — عبد الرحيم خان — محمد جمعه خان — محمد اکبر خان — محمد عثمان خان — خدا محمد خان غلزائی — سلطان محمد خان قوم علی زائی — غلام محمد خان سرهند غلام صديق خان ساکن سرهند — محمد ايوب خان ساکن زمين داور — وزير خان ساکن زمين داور — محمد جمعه خان غلزائی — داد محمد خان اخند زاده — احمد جان خان قوم علی زائی — خير محمد خان محمد حليم خان ساکن زمين داور — محمد عمر خان — امير محمد خان — غلام محمد خان ساکن ترغاله — ملا خير محمد خان اخند زاده — دوست محمد خان — غلام دستگير خان علی زائی — محمد احمد خان محمد زائی — محمد صديق خان علی زائی — محمد حليم خان علی زائی — محمد اکبر خان خروتی — محمد معظم خان — باقی امضاء ومهر ونشان شصت ۱۸۹ نفر ديگر

تجویز وزارتخارجیه راجع به محصلین افغانی درخارج

نظر بانقلاب شدیدیکه در افغانستان رخ داده متعلمین افغانی درخارج ازطرف والد ورشتعداران خود کهدرکابل اند خاطرنگران هستند وهمچنان والد ورشتعداران انان در اینجا از طرفانان خاطر پریشان خواهند بود چون تاکنون راه امد ورفت پوستی کابـــل وخارجه چندان اطمینان بخش نبود کنون که ازتفضلات الهی طرة امد وشد پوستـــی جاریست لهذا وزارتخارجه چنین اندیشید ۰

والد ومتعلقین متعلمین افغانی کهاولاد واطفال شان درخارج اند مکاتیب خصوصی خود را عنوان مربوطین خود نوشتهبهد ازنصبتکتمحصولی پوستی خارجه با لفافه سرباز به وزارتخارجه اورد مبد ائره اوراق وزارتخارجه تحویل نماید تا از اینجا با پوست های رسمی وزارتخارجه در خارج گسیل شود ۰ بدیهی استمراسلین دراوقات لازمه بدایره اوراق ــ وزارتخارجه خبر گیراي جوابا تمکاتیب خود باشند اگرجواب رسید براي شان تسلیم میشود وبه اساس این تجویزات انشاءالله تعالی جلذکره رفع خاطر نگرانی طلاب ومتعلقین شان بعمل می اید بعد ازان که امور پستی خارجی بحال طبیعی خود جریان پیدا کرد البته هر شخص مکتوب خود را درپست تحویل خواهد نمود۰

مد وجــزر اســـلام

(٦)

ازسیاستکاخ وکوخ سرکشان بر باد کرد — وزمحبتخانمان بیوگان اباد کرد
هم یتیمان را از لطف طبع خود دلشاد کرد — هم غلامان را زقید بندگی ازاد کرد
یکجهان سرگشته را اورد سوی راه راست — ازبرای رهنمائی ازکسی اجرت نخواست
سرغیب الغیب در ارایش اظهار داد — گوهر توحید راخوش گرمی بازار داد
امیان راد رس حکمت داد وبالتکرار داد — تازیان راجام وحدت داد وبس سرشار داد
پایهٔ پیغمبری را برد بر اوج بلند — تابه حشر اوازهٔ ازلابنی (۱) بعدی فگند
کار وبار معرفت چون یافت حسن انصرام — حجت ایزد تعالی گشت برمردم تمام
چون بحکمت گشت قانون شریعت بانظام — کرد ان جان جهان رحلت سوی دارالسلام
رشتهٔ دین هدی در دست قومی (۲) واگذاشت — کز بزرگی درجهان باخویشتن همتا نداشت
تاجداران سه اد تصوفیان باصفا — خازنان گنج حکمت خالی ازحرص وهوا
سرچشمان قناعت فارغ از کبر وریا — جان نثاران شریعت خاصگان کبریا
ازدرون جان هواخواهان دین احمدی — وزته دل طالبان نیز سرسرمدی
داشت برسر تاج دانش هریک از برنا وپیر — گشته ازپیرایهٔ علم وعمل هریک امیر
درسخن سحبان (۳) وائل هرصغیر وهرکبیر — در فصاحت (۴) بیهدیل ود ربلاغت بینظیر

گرسخن راندند عالم را تحیر دست داد	خطبهٔ خواندند گرغوغا به عالم اوفتاد
روی گیتی بازبان تیغ وباتیغ زبان	ساختند پرنگین ازباختر تاخاوران
داده هنگام جواد بهر حفظ جسم وجان	عالمی رانیزهٔ خطی شان خط امان
گربعد نیا ازجلادت شورشی انگیختند	لیک ازحسن ادا طرح نوائین ریختند
کاروان ما گذشت اما بعد مشعل گذشت	کزفروغ روی ایشان چشم عالم خیره گشت
این زمان تاریکی ست وظلمت بوهن دشت	لیک ما را همچنین این راه می باید نوشت

وزخلا باشد تهیالی ماجو این ره سرکنیم
آنچرا غمرده را باید که دیگر بر کنیم

---

۱) قال صلی الله علیه وسلم الا انه لانبی بعدی تحقیق پس ازمن نبی نخواهد بود .
۲ و مراد ازقوم صحابه کرام وخلفای عظام است رضوان الله علیهم اجمعین .
۳) سحبان نام فصیحی است که بفصاحت وبلاغت درعرب ضرب المثل ازقبیله بنی وائل است .
٤) تحققاً فصاحت وبلاغت جوهر ذاتی عرب بود که درمعرکه های جدال وقتال از رجزخوانی شان مبارزان را خون در بدن جوش میزد وجلادت وتهور در طبیعت می افزود گویا زبانهای آن آتشین بیانان درمیدان کارزار کار سیف سنان : می نمود . چنان دیون یوست مینگارد : کعلم ادبتازیان در قالب علم ادب یونانیان وروميان جان تازه — دمیده بوده .

میتتل طرنلیذ اعتراف کرده است که عرب در فن ادب سرامد همگان بوده است واهل یورپ که درین جزو زمان درمواقع رزم وبزم وسور وماتم تقریر ها مینمایند وانرا بلغت خود اسپیچ نام می نهند غالبا خطبه خوانیهای خطیبان انعلم را تقلید کرده اند .

فتوحات اسلام — فتح بیت المقدس

(۱۶)

چرا که صفات محمد(ص) وامتان اورا درکتاب اهل سلف دیده ام وخدای عزوجل برای موسی ابن عمران وحی کرده که یا موسی من هیچ امتی را از امت محمد (ص) گرامی تــــر خلق نکرده ام و اگر محمد نمی بود نه جنت را خلق می کردم نه نار را ونه اسمان ونه زمین را وامت او بهترین ام است و دین او بهترین ادیان است کهاورا در اخر الزمان مبعوث میکنم وامت او همه گی سزاوار برحمت من میباشند واو نبی٭ تهامی قریشی است که از برای موٴمنان رحیم میباشد وبر کافران شدید است امور خفیه٭ او مثل امور اشکارای اوست وقول او خلاف فعل او نمیباشد و دور ونزدیك به نزد او یکسان است واصحاب او در بین خود بسیار رحیم اند واز برای یکدیگر مهربانی ها میکنند امیر الموٴمنین عمر(رض) فرمود که یــا کعب تو اینهارا از صدق میگوئی کعب الاحبار عرض نمود که یا امیر الموٴمنین والله ثم والله که تو این گفته های مرا صدق دان که هرچه در سینه٭ خود مخفی داشتم برای تو اشکار کردم عمر (رض) فرمود که الحمد لله اینکه خدای تعالی مارا عزیز گردانیده وبزرگی هــا نموده وبدین اسلام تشریف داده ومارا از رحمت خود رحم نموده که رحمت او تمام اشیا را شامل است وازبرکت محمد(ص) مارا هدایت کرد یا کعب ایا تو حالا عزم کرده ئی که بدین ما داخل شوی ٠ کعب الاحبار پرسید یا امیر الموٴمنین (رض) ایا در کتابی که خدای تعالی به پیغمبر شما نازل کرده ذکر ابراهیم هم است ٠ یانه ٠

امیر الموٴمنین عمر (رض) فرمود که اری است واین ایه را تلاوت نمود :

که ووصی بها ابراهیم بنیه ویعقوب یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین فلاتموتن الاوانتم مسلمون ام کنتم شهداء اذحضر یعقوب الموت اذا قال لبنیه ماتعبدون من بعدی قالو نعبد الهك واله ابائك ابراهیم واسمعیل واسحق الهاء واحداء ونحن له مسلمون ٠ باز این ایه راخواند :

که ماکان ابراهیم یهودیا ولانصرانیا ولکن کان حنیفا مسلما باز این ایه راخواندند که افغیر دین الله یبغون وله اسلم باز این ایه را تلاوت نمودند که ومن یتبع غیر الاســلام دینا فلن یقبل منه باز این ایه را تلاوت کردند که : قل اننی هدانی الی صراط مستقیم دینا قیما ملة ابراهیم ٠ (باقیدارد) ٠

(مطبعه٭ سرکاری کابل)

صفحه ۱ (جریده هفته‌گی حبیب الاسلام ــ سال اول شماره ۲۲) (نمره مسلسل ۲۲)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

حبیب الاســـلام

مدیر: برهان الدین کشککی

اداره‌خانه ــ دارالامان کابل افغانستان ــ نمره تلفون ·

همه‌مامورتحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود ·

اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختار است ·

در هر هفته یکمرتبه یوم پنجشنبه نشر میشود ·

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

شرح اشتراک

	سالانه	ششماهه
درداخل		
در مرکز	٦ روپیه	۳ روپیه
درولایات داخله باجرت پست	۷ روپیه	٤روپیه
درخارج	۱۵شلنگ	۸ شلنگ

قیمت یک شماره ٦ پیسه

اطلاعات

(درین اخبار از احکام دینی ومسائل اسلامی وهرگونه علوم وفنون واقتصادیات سیاسی ومفاد دولتی و منافع ملی بحث میشــــود ·)

(تاریخ قمری ٦ ۲صفرالمظفر ۱۳٤۸) پنج شنبه (تاریخ شمسی ٦ اسد ۱۳۰۸ هجری)

در راه دین و عشق وطن سر بکـــف نهـــند

اسلامیان گرانکه ز انصاف خو کنند — باید به سوی باطن (اسلام) رو کنند

اندر طریق (حق) نشناسند غیر حق — رفع (شقاق) کرده وفقه‌ءعدو کنــــد

در راه (دین) و عشق (وطن) سر بکف نهند — خون در ازای باده بجام و سبو کنـــد

درخوابگاه غفلت و راحت نیار شـــد — تکیه بخاک در عوض پر قو کنـــــد

درگوشه های ملک بود ظلم و اعتساف — باسعی و (اتحاد) اورا رفت و رو کنند

بادشمنان دین نه سپارند سر حـــق — اسرار ملک ودین همه سربمگو کنـــد

از فاضلان خویش بگیرند (علم) و فضــل — سلب وجاه ز دشمن دیرینه خو کنـــد

عبرت اگر ز ذلت ــ اشخاص بد عمل (۱) — حاصل شده کنون عمل از (۲) اتقو کنند

اندر طریق دانش وتقوی چو مومنان — کسب (کمال) و معرفت وابرو کنـــد

از غفلت وجهالت و ذلت بری شوند — با (غیرت) وشهامت و (اخلاق) خو کنند

بر ارتقای (شرق) (۳) نمایند افتخار — کمتر زجاه (مغربیان) (٤) گفت وگو کنند

نحصد کرور (مسلم) اگر متحد شوند (٥) — بی شک توان که جمله جهان زیر و رو کنند

پشت فلک بلرزد ازان دم که (مسلمین) — برطرف (کعبه) انجمن از چار سو کنند

گر بر فراز گاو (ترقی) قدم نهنـــد — ستجاق فتح خویش به ماهی فرو کنند

چون (بغض) وکین یگانه بود مخرب جهان — بحر مفاد خود عمل از (٦) فاصلحو کنند

باید که بارگاه دیانت شود به پای — تا رفع ظلم جمله خلائق ازو کنـــد

خونریزی (تیمتار) کاندر طبیعت است — ذلت برای قوم (۷) چو باعث خو کنند

باشد فریضه کسب(علم) ازبرای ما
باشیر(علم) پرورده کودکان شوند
نقل وهنر هماره نمایند اکتساب
اسلام را بذات نه بدعیب مسلمین
ازظلم وجور وکین شده اسلام خوار وزار
قران بود مدد انصاف وعدل وداد

اینجا بباید عبرتی از(۸) اطلبو کنند
اولاد فاتحند بهر سو که رو کنند
کمتر خیال طاوسی ورنگ وبو کنند
باید که رفو نکته هرعیب جو کنند .
کار خبره خبره نظرها بر او کنند
انان که منکرند بگو رو برو کنند

ضررهای بغض وعناد وخرابی
های کینه و فساد

حضرت حق سبحانه وتعالی برای تسویه ودرست فرمودن تمام امور و معاملات دنیوی واخروی ما مسلمانها که بشرف پیروی حضرت محمد مجتبی افتخار داریم در قران پاک خویچنان اوامر وارشادات مکملی را عطا وکرامت فرموده است که اگر ما برای پیشبرد مقاصد دنیوی و اخروی خود تنها وفقط بهمین قران پاک واحادیث صاحب لولاک وفرمایشات دیگر پیشوایان دین خود صرف همت وبذل مقدرت ورزیم همانا که هم از احتیاجات دنیوی خویش مستغنی وهم بخواهشات اخروی خود ها نائل وفائز المرام خواهیم شد .

یکی از جمله ان اوامر عالی وهدایات کافی که در قران شریف برای ما عالم اسلام اعلام شده ــ امر مهم (اصلاح) است که برای دفع مرض مهلک جهان سوز (بغض و فقد عناد) ــ نسخه ایست کافی ــ وجهت رفع بلیه مدهشه عالم دوز (کینه وفساد) دوائی است شافی .

---

۱) مطلب از اشخاص مبتدع بو روی مترب است .
۲) اشاره بقول الله جل جلاله که اتقوالله است میباشد یعنی بترسید از خدای بزرگ .
۳) زیرا که اکثر بلاد اسلامی در مشرق واقع است .
۴) یعنی ازاله الغا مشروع واعمال ممنوع شان .
۵) اشاره است بمفاد ایه مبارکه واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا ــ یعنی چنگ بزنید بریسمان اتحاد خدائی و از هم جدا نشوید .
۶) یعنی انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم ــ یعنی چون مسلمانان با همدیگر برادرند باید باهم ق صلح ورزند .
۷) اشاره ایه ان الله لا یغیر بقوم الایه .
۸) اشاره حدیث اطلبوالعلم من المهد الی اللحد علم را کسب کنید از حین صباوت تا سن کهولت .

بلی ! اگر همین نسخه نیف (اصلاح) وهمین دوای مفید (اتحاد واتفاق) درمیان نمی بود وتدارك واستشفای این مرض منحوس شقاق به همین طور نمیشد همانا که اختلافات جزوی ونزاع وپیچیدگی های سر سری (بغض وعناد وکینه وفساد) به اندازهٔ افزونی وترقی می کرد که تا به صد ها سال تخم نزاع باقی می ماند — وازین تخم بد منافرت ومخالفت ادبار وفلاکت در میان قوم جاری و طاری میگشت وخرابی های بسیاری را پیدا وتولید می نمود ·

چنانچه تاریخ ماضی واحوالات گذشته اقوام غیور عربی شاهد این معنا ومؤید ایـــن مطلب است که دائما اختلافات جزوی وسخنان عادی بواسطهٔ نبودن گوهر گران بهای (اصلاح) وموجود بودن مادهٔ منحوس (بغض وعناد) درمیان انها — پیش خیمهٔ جنگهای صد هــا صد ها ساله واساس وسبب جنگ وجدالهای متمادیهٔ شان گشته بود حتی بواسطه همین خانه جنگی های خود تا چندین سال فرصتی برای درستی خانه ومؤتمن جهت ابادی وطن خود — نداشتند · بل همیشه معروف ومشغول بیخ کنی واستخوان بری خود شان بوده هیچ نمیتوانستند که بیك مرکز متحد ه خود ها را مجموع کرده تیم خود را از تیه بدنامی وگمنامی واز بادیهٔ خود کشی وخون ریزی کشیده در اقوام عالم ممتاز وبین اقران وامثال سر فراز بسازند ·

وتتیکه (ناجی امم) و (مصلح اعظم) یعنی ذات ستوده صفات سرور کائنات حضرت (محمد اکرم) صلی الله وسلم درین بزم هستی رونق افروز شدند ومطلا بق باحکام خداوندی به کمال صبر و شکیبائی به هدایت وراهنمائی این اقوام جاهل معروف شدند دیده وخوانده باشید و الا شنیده باید که دریك فرصت اندك ان شیدائیان راه گمراهی و روندگان جادهٔ جهالت وگمنامی را از اثر کلام معجز نظام رب العلام وبیانات هدایت ایات واخلاق حسنه ورفتار خوب خود طوری از زاویهٔ خمول وبدنامی وگمراهی کشیده براه راست وجادهٔ هدایت راهنمونی فرمودند که — همان جمعیتی که دیروز خیر را از شر ونفع را از ضرر وظلمت را از نور و نزدیك را از دور — نمیدانستند امروز هر فردی از انها مقتدای جمهور انام ومتعدی تاطبهٔ خواص و عوام شده — مصداق (اصحابی کالنجوم بایهم اقتدیتم اهتدیتم) شدند ·

اری ازاثر همان بیان هدایت توامان سید الانس والجان بود که اسلاف کرام وپیشوایان عظام ما همیگر شان را به اواز بلند ندا میفرمودند که ای مسلمانان چون شما با همه یگسر برادر وتن و وجود همیگر میباشید به اتحاد واتفاق واصلاح احوال خود جدا بکوشید واز قتل وقتال وجنگ وجدال وبغض وعناد وکینه وفساد دائما به پرهیزید وهمواره براه صلاحیت و اسلامیت وجادهٔ موالفت وطریقه موافقت همعنان بروید تاحسب مقررات صحیحه اسلامیــه سید و سردار وسرور نامدار جهان وجهانیان بشوید ·

الحق که از اثر عمل نمودن وپابندی بهمین احکام مقدس (اتحاد) و (اتفاق واصلاح) وعمل صحیح نمودن باحکام نازلهٔ قرانی بود که ان قوت وعظمت وجوش وخروش اعراب که قبل از بعثت حضرت ختمی مرتبت برای تخریب وتنزیل وبراه رکشی واستخوان شکنی وخانه جنگی همیگر صرف می شد —

پس از هجرت نبوی وفروغ چراغ مصطفوی برای مقابله اعداء واعلای کلمة الله وعظمت وجبروت اسلام یك انلحوهٔ نهایت موثری ثابت شد .

بلی ، بلی ، از اثر همان اصلاح بروری و اتفاق انرینی واسلامیت ودیانت بود که دین مبین اسلام بیك چنان سرعت خارقه نمائی فروغ یافت که از (اندلس) تا (هند) همه را زیر نگین ساخت ـ مورخین یوروپ وهد برین تمام جهان را ازین ترقی های اسلام یك حیرت واستعجاب دست میدهد که ایا آن کدام یك قوت برقیه بود که باد یه نشینان عرب را در مدت بسیار اندکی اتا و سید وسردار (قیصر) و (کسری) ساخت ، برادران من ، این از اثر همان اصلاح بین المؤمنین واتفاق فی المسلمین وتشدد علی المخالفین وعمل صحیح نمودن بجمیع احکام دین ـ مبین بود که اسلام ومسلمین را از حضیض ذلت وگمنامی کشیده براوج رفعت وعظمت و ـ بلند نیکنامی رسانید ودریك فرصت اندك کوس عدالت و بانك انسانیت و اوازهٔ مدنیت انها را در سرتاسر جهان بگوش تمام جهانیان رسانیده انهارا مصداق این طور اقوال ساخت .

چو صیتش در اتواید نیا فتاد	تزلزل در ایوان کسری فتاد
بعلاقامت لات بشکست خورد	به اعزاز دین اب عزا ببرد
نه ازلات وعزا براورد گرد	که تورایت وانجیل منسوخ کرد

واسفا از وقتیکه (اصلاح) ازبین مسلمانها گم شده رشتهٔ اتحاد واتفاق سست گشته ـ ثمر وبرگ درخت موالفت وموافقت ازدست رفت بالمقابل آن قوت وعظمت ووسعت رقبهٔ اسلامی نیز متدرجا رو بسقوط نهاده ، قوت متحدهٔ شان در تنازعات بیجا محو شده رفت واز هرطرف حالت فلاکت نکبت براوشان ریخت وگرد کم توش وبی سعادتی که ازنتیجهٔ بدبختی است بر سر شان بیخته ـ بالاخر(؟) .

اسلام ضعف دید ومسلمان ضعیف ماند .

جز این نیست که این همه بد بختی ها از سبب عمل ننمودن بایه کریمهٔ (انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم) بود که ان مرکز علوم وفنون وان مظهر شوکت اسلامی وان پایتخت قدیم اسلام ازدست تطاول تاتار بخاکزار برابر گردید وعظمت پارینهٔ شان ازدست رفت ، چنانچه اندلس را که مسلمانها بزحمات شش صد ساله خود منبع کمال ومعدن اجلال ساخته بودند از بی اتفاقی وعمل صحیح ننمودن بتقو باوامر اسلامی ازدست دادند این هم از سبب عمل ننمودن باوامر شرعی بود که امیر تیمور سلطان یلدرم را در قید نفس انداخته قوت اسلامی خود را قلق ضعف رسانده راه ترقی اسلام را از سرزمین یوروپ مسدود ساخت .

در همین چند سال گذشته مسلمانان عراق عرب وشامات وفلسطین وسوریه وحرمین ـ شریفین اگر رشتهٔ اتحاد واتفاق را که با حکومت اسلامیه ترکیهٔ خود داشتند از دست نمیدادند ان قطعات بزرگ مملکت ترکیه از وی منفك نمیشد ویصورت حالیه این مقامات مقدسه اسلامیه ـ علیحده علیحده وتکه تکه وپارچه پارچه بزیر اثر ونفوذ این وان نمی امدند ـ امروز اگر مسلمانان

روی دنیا واقعی پابند اوامر اسلامی می بودند باین مصیبت های که دارند گرفتار نمیشدند وحالت اسلام این قسم زبون وخوار نمی شد .

امیر امان الله خان شاه مخلوع افغانستان اگر قدری بیشتر عاقل می بود وبد بختی و سست عقیدگی اورا بوادی ادبار نمی کشانید ابدا بقدر یك سر موی هم ازاوامر شرعی تخلف نمیکرد وجدا ترتیبات ققومطلوبه را باصول اسلام وقواعد شرع غرای محمدی تعقیب میکرد وبکمال دقت وباریك بینی مرض این ملت اسلامی خود را درك کرده نسخهٔ را برای شان از روی شرع اسلام ترتیب میداد درنتیجه نه خود ش باین روز سیاه مبتلا ونه این اتش نفاق و شقاق که امروز بد بختانه در برخی از قبایل وعشایر افغانی محسوس میشود تولید می یافت . این همه از نتائج عمل ناکردن بر اوامر شرعی است که خمیازه ان را میکشند ومی چشند .

طرهٔ اسلام ققققق همیشه این بود که هر فردیکه درحلقهٔ اسلام داخل میشد تفاوت وامتیاز بر یکدیگر نداشتند همه افراد شکل مساوات را گرفته در حلقهٔ اتحاد دست بدست می بودند ودر هر حالت شریك همدیگر می شدند رفته رفته امروز نوبت باینجا رسید که مسلمانان به تفرقه های گوناگون قومیت ونسل وبلاد وشیعه وسنی وافغان و تاجك وهندی وسندی وعربی وغیره وغیره منقسم شده شیرازهٔ اتفاق خود را از دست نفاق وتنبلی وعیاشی پراگنده کرده خودرا نزد اعدای اسلام خوار وبی اعتبار نمودند .

اثر طبیعت است کباید شود ذلیل — هرملتی کمتنبلی وعیش خوکند

چون تبدیل حالت وابسته بعمل است ونتیجهٔ عمل نیك همیشه عزت و رفعت ونتیجهٔ عمل بد مذلت است وبرای هر قوم اتحاد واتفاق واسباب خوبی باعث ترقی وتعالی وعروج — ونفاق وشقاق و بغض وعناد واسباب خرابی موجب زوال شان میگردد لهذا از تمام اقوام وسکنه وقبائل وعشائر واوامر مذهبی خود بیش از بیش پابند بوده تا بتوانند از بغض وعناد وکینه وفساد به پرهیزند وبجادهٔ اتحاد واتفاق واصلاح پویان شده اضافه برین باقوال اهل غرض واهل فساد گول نخورند و اعمال وافعال خود شان را خوب وپاکیزه کنند تا بحالت خوب وترقی های مرغوب نائل شوند .

اگرخدا ناخواسته درین موقع نازك ودرین فرصت باریك شما علما ومشایخ وخوانین و — اعزه و صاحبان نفوذ واشخاص مسئول افغانستان مرض حاضرهٔ خود هارا تشخیص ننمودید و یك نتیجهٔ درست ودوای مناسبی برای ان حسب شرع شریف ومقررات اسلامیت تان تجویز — نکردید البته که دچار فلاکت ومصیبت خواهید شد و (خاکم بدهن) خود هارا بدست خود درگودال بد بختی ومذلت انداخته بانواع مصیبت وزحمت سردچار خواهید کرد واگر از — عقل وخرد کار گرفتید وهر هر فردی از افراد تان بمقررات صحیحهٔ اسلامیه کار کردید وخود ها را ظاهرا وباطنا وقولا وعملا مسلمان وبا ایمان ویك خادم صادق افغانستان ساختید از فضل وکرم وعطایا ونعم حضرت باری جل اسمه امید قوی است کهدر اندك فرصت افغانستان باز مثل دورهٔ اسلاف کرام واجداد عظام خود گل سر دوستان وخار چشم دشمنان خواهد شد .

در خاتمه مقال از خداوند متعال براي شهريار نيكو خصال خادم قبلهٔ دين رسول الله (ص) امير حبيب الله توفيق مزيد خدمت دين مبين ورفاه وارامي مسلمين را خواستار بوده ، دست بدعائيم كه عامهٔ رعايا و قاطبه برايا سر در حلقهٔ اطاعت شان در اورده ، با حكومت حاضرهٔ خود همدست وهم نواشده ، براي تحفظ دين مبين وصيانت اين خاك پاك خود صرف مساعي ورزنــــد .

طلوع نير هاي درخشان جرائد اسلامي در
سر تا سر ممالك افغانـي

استماع اين خبر موجب كمال بهجت ومسرت است كه باوجود اين انقلاب بزرگ مقدس كه سر تا سر افغانستان را فرا گرفته بود . از مساعي جميلهٔ حكومت مركزيه اسلاميه پس از فتح وتسخير هريك نقطهٔ مهمه اولين امري را كه رجال فعال واشخاص بصير سلطنتي اجراء وپوره نموده اند همانا ادامه مطبوعات محلي وجريان جرائد اسلاميه مقامي انجا بوده است .

حبيب الاسلام با اينكه تاحال از اكثر معاصرين افغاني خود اخبار واطلاعات لازمه را - وقتا فوقتا اخذ واقتباس نموده است ولي نظر بعضي مشكلات اداري كه داشت در همان وقت وزمان لازمه ان موفق شده نتوانست كه در حين موصوليت واجراي هريك ازين جرائد تعريض وخوش امديد برادرانه خود شرا نسبت بهريك ازين معاصرين اسلاميت قرين خود نذر و- تقديم ميكرد . اگرچه في الحال هم ماطوريكه شايان شان هريك ازين اخبارهاي والاشان - است هيچ يك نظريه عقيد تمند انه وتحريرات اخوتانهٔ خود مان را نسبت بخير مقدم و مرحبا گوئي هر واحدي ازانها عرض وتقديم كرده نميتوانيم ولي از معرفي انها بقارئين كرام وتشويق نمودن ابناي وطن را باشتراك هر واحدي ازانها نيز خود داري كرده نميتوانيم .

نهضت الحبيب اولين اخباريست كه درمركز

ولايت قطغن وبدخشان بمقام خان اباد بقلم عاليجاه فضائل اگاه مولوي محمد بشير خان بيك قطغني سپواصول درست درچار صحيفه ۱۲ پوند در هفته يكبار طبع وانتشار مييابد تا هفتم شماره انرا خوانده ايم در اسباب وعلل اين انقلاب خوب پيچيده وباحكومت اسلاميه مركزي خود اظهار عقيدت واخلاص را ابراز داده ضمنا از بعض تنقيدات لازمه نيز جلو- نگرفته بدل اشتراكان از وزرا سالیانه ۱۵ روپيه كابلي - ششماهه ۱۰ روپيه كابلي از روساو اعيان وحكام الى درجه۳ سالانه ۱۰ روپيه و ٦ ماه ۷ روپيه درحوزه خان اباد ٦ روپيه سالانه ٤ روپيه ششماهه درممالك خارج سالانه نيم پوند - ه كلدار . در ٦ ماه .

اتفاق اسلام دویمین جریده ایست که در

شهر شهیر دارالنصرت هرات بقلم مشکین رقم علامه فاضل ونحماء کامل اقای قلام سرورخان درین عصر اسلامیت حصر حبیبیه نشر میشود مطالعه ما بسه یا چار نمره تازه ان بر خورده است اطلاعاتش خیلی بلند ومضامینش بسی ارجمند تقطیعش مثل حبیب الاسلام در هر چار شنبه یکمرتبه به نشر واشاعه میباید لحجه اش قدری تیز ونظر باقتضاء عصر وزمان (بخیال ناچیزانعام) اندکی قابل تعدیل است طرفدار جدی وصاحب حرارت انقلاب بوده با این حکومت خود بیک اصول بسیار مخادنت امیز وشیوه محبت انگیز اظهار عقیدت میکند در حق گوئی وصحافت کاملا بر تعقیب جرائد عصری کار روائی دارد .

وجه اشتراك ان در هرات سالیانه شش روپیه در ولایات داخله وخارجه ۱۵ قران از افراد عسکری ۱۱ قران وبراي طلبه معارف نصف قیمت معین میباشد .

رهبر اسلام نیز یکا اخبار گهر باریست

در مزار شریف تا حال بمطالعه دویمین شماره ان موفق شده ایم مضامین ان لطیف وقلم مدیر وسر محرر عفیف ان صوفیانه وبیاناتش را عالمانه دیده اورا نیز طرف دار این انقلاب مقدس ونگریسته عقیدت واخلاص ووفاداری اورا باحکومت اسلامیه مرکزیه ان بلند مقایسه کردیم اشاعتش در هفته یکبار ومدیر درایت تخمیرش اقاي عبد الصمد خان وقیمت اشتراك ان در مزار شریف سالانه شش روپیه ـ ششماهه هفت قران ودر سائر ولایات افغانستان سالانه هفت روپیه ـ ششماهه ٤ روپیه ودر خارجه سالانه ده کلدار وششماهه ٦ کلدار میباشد .

راجع بجرید طلوع الافغان قندهار

واخبار الایمان چون الی الان یکنقل مقطعیه حاصل کرده نتوانسته ایم لذا فعلا از تقریظ وتذکره ان دو معاصر گرامی خود تا چند روز دیگر صرف نظر میکنیم سپس ازان خبر مقدم اخوتانه خود مان را نذر حضور شان خواهیم کرد از ابنای وطن وشایقین علم وفن رجاونیاز میکنم تا هرکدامی ازانها بحریکه ازین جرائد وطنیه خود شرکت ورزند واز خواندن وکسب فرمودن اطلاعات تازه انها خود هارا مسرور ومحظوظ وبهره ور نموده کمك ومعاونت این موسسه هاي عرفانی وخدام دینی ومبلغین اسلامی خودرا بفرستادن بدل اشتراك شان توسط خزائن حکومتی خویش بفرمایند .

در خاتمه سنتهاي نیاز خودرا بدرگاه حضرت خالق بی نیاز خود (ج) برافراشته میگوئیم که الهی ما وتمام معاصرین افغانی مارا ازبلیات وافات قود هر مطون ومحفوظ داشته توفیق انیق را رفیق ما گردانی تا در راه اسلامیت ودیانت ونشر علم وعرفان وحقانیت واعلاي کلمه الله وخدمت دین رسول الله (ص) واسترضاي حکومت وپادشاه خود و فراهم اوردن اسباب رفاه خلق الله خدمات شاندار را مصدر شویم .

———

شکست فاحش اشرار مشرقی در حملهٔ خورد کابل وچکری

خائنین راه اسلامیت مواظبت دارند ارواح انساد را در کالبد های خبیثهٔ بعض افراد ـ جا داده رخنه در اساس اسلامیت ایجاد ومقاصد سؤ خود شان نائل المرام بشوند •

ولی برحسب قاعدهٔ کلیهٔ این طائفهٔ ضاله خسرالدنیا ٔ والاخره بوده هیچگاه فائق المرام نخواهند شد چنانچه در ماضی قریب یکعدهٔ ازین خلافقلت کاران یعنی یکدستهٔ ازاهالی خوگیانی بمعیت سعادت خان حصارکی قندمشر سابقه ومحمد گل خان فرقه مشر سابق و غلام محی الدین خان خوگیانی ازراه مشرقی وارد خورد کابل شده وخیال حمله برمفرزهٔ حکومت متعینهٔ بتخاك داشتند •

مفرزهٔ مذکوره ازقضیه اگاه ودلاورانه بمدافعه شان مهیا وقائد محترم ان جناب خان محمد خان جرنیل علت را از اوشان جویا شده جوابا اصغا نمودند که گویا تماما مراد مبنی بر حقد وحسد وجاه طلبی بود چه انها اشتکا به نسبت ارتقای عالیجاهان قد محمد علم خان نائب سالار شنواری وملك قیس خان نائب سالار خوگیانی وعبدالرحمن خان جبارخیل حصارکی وباقی عزیزان شان بمناصب حکومتی وحرمان خود شان از نیلان باین مراتب نموده بودند که سرانسر مفرزه بـــه اوشان حالی نمود :

درصورتیکه شما نیز مثل انها التجا بحکومت نموده بحضور پادشاهی حاضر ودرخواست خدمت ومنصب نمائید البته از بذل عواطف شاهانه دربارهٔ شما مضائقه نخواهد شد وهم ضمنا سرانسر موصوف مثله رابحضور معروض وحسب الامر والا یکدسته قوای کافی به قیادت ـ جناب تحورنشان سردار اعلی معین السلطنه صاحب وعالیقدر یاور با هدایات کافی متضی حرکت انصوب شدند •

ان بد بختان درشب همان روز ازراه خدعه افراد نادان را بسرکوه منار چکری ازر صعود داده در قلهٔ کوه اتخاذ سنگر واستحکام نموده وبخیال نافرخود تصور کرده بودند چون ـ جمیع عسکر حکومت مرکزی بجانب جنوبی سوق شده تماما درنقاط درهٔ احمد زائی الی مجلغـــو ودرخوشی وبرکی برك الی دوبندی حاجی قانع شده بودند انها خودرا ازراه کوه منارچکری بحدود بگرامی وشیوکی فرود اورده طوری به شهر کابل تعرض نمایند که مفرزهٔ بتخاك واقف نشـــود •

ولیکن فکر خام انها این تصور بیجا را نموده خبر نداشتند که وزارت حربیهٔ ما قوای مکملی رابرای محافظت اینگونه پیشامدها پیش ازپیش تعبیه داشته بود که کمتر انرا بقیادت ـ حضرت ممدوح اعزام داشت که ان قوا بمعیت خود سردار اعلی انهارا تعاقب نموده تهرا مغلوب وازسنگرها طرد والی خورد کابل انهارا عقب نشانیده مفرزهٔ بتخاك هم از انها ممانعت نموده تلفات سنگینی باوشان وارد نمودند که تخمینا سی نفر شان دستگیر ودر شهر تشهیر ودوصد نفر شان مقتول شدند •

باثر تصادفات نیکه درین بین یکدسته اشخاص مسلح ازطرف عالیجاه ملک قیس خان جهت حفاظت وتأمین راه ازجانب مشرقی حرکت نموده درعین حال این اشرار را ازجانب عقب انها وازطرف مقابل عسکری مرکزی در مهلکه انداخته یاشان ومشت شان ساخته عسکری کابل الی تیزین منصورانه واصل ومتوقف ومحافظین مذکوره هم بمعاونت وحفاظت یک قافلهٔ بزرگ که از پشاور حامل اشیای تجارتی بوده واینوقت بان حدود یا نهاده بودند پرداخته قافله هم با تمام خیریت واسوده گی وارد کابل گشتند وهم نفری متعاقبه ملک قیس خان بحدود جگدلک بانها مصاف نموده که دوصد دانه تفنگ به غنیمت ازاوشان گرفته فعلا انها معدوم الاثرند امید است عنقریب به سکز مذکور امر حرکت بطرف مشرقی صادر شده ومصئونیت راه و رفاه عابرین را فراهم نمایند .

بیعت عمومی اهالی و سکنهٔ
دارالنصرت هـرات

—

در شمارهٔ ۲۱ حبیب الاسلام نوشته بودیم کهباند ازهٔ چهل نفر از اشخاص لایق وبصیر وکار اگاه هرات بصحابت بیعت نامهای عموم ان ولا به بارگاه امیر صاحب رفیع جای گاه بجهت عتبه بوسی وتقدیم مراتب اخلاص واطاعت عموم موکلین خود وارد مرکز شده مقفق معززانه ازطرف دولت پذیرفته شده اند . اینک از حسن معاونت اقای محمد ابراهیم خان سرمنشی حضور تمام بیعت نامهای که توسط وکلای موصوف بحضور تقدیم شده است (بغرض نشر واستحضار عموم) موصول دست ممنونیت ما گردیده که ازانجمله ما فعلا به نشر بیعت نامهٔ مرکزی ان ولا می پردازیم .

بسم الله الرحمن الرحیم

هوالله تعالی شانه العزیز ـ هوالهادی الی طریق الرشاد .

الحمد لله الذی هدینا لهذا وماکنا لنهتدی لولا ان هدینا الله والصلوات والسلام علی حبیبه محمد سید الانبیاء المبعوث بدعوت الخلائق من الضلاله الی الهدی وعلی اله و اصحابه نجوم الاقتدا والاهتدا بعد الحمد والصلوات معروض پیشگاه حضور خورشید ظهور و بارگاه لامع النور پادشاه اسلام پناه المؤید بالطاف الله امیر المؤمنین ظل الله العلی العلمین حامی شریعت سید المرسلین ماحی اثار الکفر وابتداع المبتدعین مروج الشرع والدین پادشاه ممالک افغانستان المتمثل بکریمه ان الله یامر بالعدل والاحسان خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان لا زالت شموس الدوله مشرقته من افق جلاله .

شهی کمازلمعات دل منور اوو   صدافتاب تجلی کند ز منظر او

امید داریم ما زمرهٔ فدویان عقید تشعار فقا قاطبهٔ سکنه ولایت هرات از سادات وعلما و مشایخ وخوانین نظامی وملکی ومامورین وتجار وکلان شونده گان وکافه رعایا و برایای بلده و بلوکات وولایات اینکه چون درین زمان مرحمت عنوان میمنت نشان کمالیجناب شجاعت و ـ

صداقت وخلوصیت شعار فداکار دین ودولت اسلام عبدالرحیم خان نائب سالار رئیس تنظیمه که از سالهای سابقیمایان روبط جهتی وررابطه دوستی داشته وقبل از اوان ورود خود مراسلات ومکاتبات دوستانه متوالیه از ولایت مزارشریف ومیمنه که مشعر بر مواعظ سود مند انه واوضاع شریعت شعاری ملوکانه و رعیت پروری های خسروانه بود برای ما فدویان صمیمانه ارسال نموده که از مضامین آنجمله اهل این ولا بجوب وخروش اشتیاقانه وادعیه عاجزانه پیوسته مترصد ورود میمنت امود شان بودیم تا اینکه از فضل خداوند جل جلاله از حضور باهر النور باللوایح طغراپیرایه حضور انور والا بولایت هرات عزورود ارزانی نمودند چون عبارات هدایت اثار لوایح موصوفه واطوار و اوضاع خلوصیت شعار جناب نائب سالار صاحب ممدوح مشعر بر — شریعت شعاری وعدالت گستری ورعیت پروریهای حضرت شهریار فلك اقتدار خادم دین رسول الله بود بگوش هوش صداقت نیوش خود ها شنوده کلا وطرا حمد وشکر حضرت ایزد تعالی را بجای اورده ممنون احسان ومراحم بیکران حضرت خلیفه الزمان گردیده بمضمون ایه وافی هدایه ان الذین یبایعونك انما یبایعون الله بدون نزاع وجدال وفساد وخون ریزی ومردم ازاری وقتل وغارت بجوش وخروش سمعا وطاعتا برضا ورغبت بیعت صمیمانه وعهد وپیمان صادقانه برای خادم دین رسول الله علی سنه الله وسنه رسوله نمودیم که تا نفس در تن وروح در بدن داشته باشیم در ظاهر وباطن بمضمون ایه کریمه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم اطاعت اوامر وامتثال احکام حضرت ظل اللهی راکه در حقیقت اطاعت شریعت غرا است بر ذمه خود ها فرض عین وعین فرض دانسته دوست ان را دوست خود دشمن انرا دشمن خود ها می شماریم وبحکم کلام معجز نظام اوفوا بالعهود ان العهد کان مسئولا باین عهد ومیثاق خود ها ثابت وراسخ میباشیم که همواره حلقه اطاعت وفرمان برداری پادشاه ذیجاه حقا خود را در گوش وغاشیه ارادت شانرا بر دوش نموده جان نثاری دولت اسلام را خیر دین و دنیای خود ها — میدانیم و الله علی مانقول وکیل واز عهده شکر این نعمت عظما برامده نمیتوانیم که رواج احکام کتاب اللهی وترقی شریعت حضرت رسالت پناهی (ص) وحفاظت سر ومال و ناموس و مملکت اهل اسلام در ظل رافت وسایه حمایت این دولت قوی شوکت شریعت پرور خادم دین رسول الله میباشد ولله الحمد از لطف حضرت کردگار ویمن نیت وطالع شهریار شریعت شعار وغمخواری و صداقت وفداکاری های جناب نائب سالار موصوف کهپیوسته در مجالس و محافل خواص وعوام و حضور جمهور انام بر منابر اهل اسلام برامده بعبارات فصیح وبلیغ ومواعظ دلپسند ونصایح سود مند شریعت گستری ورعیت پروری های حضرت شهریار را ابلاغ فرموده که قاطبه سکنه اینولا در مهد عافیت وکمال رفاهیت بفارغ البالی واسوده حالی بشکر حضرت خداوند جل وعلی شانه ودعای سلامتی وبقای دولت پادشاه اسلام پناه خادم دین رسول الله مشغول میباشیم و — انشاء الله تعالی بیعت نامه های خود هارا مصحوب اشخاص کهبشرفیابی حضور اقدس والا و عتبه بوسی بارگاه کیوان جاه جایگاه مشرف میگردند تقدیم حضور اقدس شهریاری مینمائیم امید که

بشرف حضور اقدس شهرياري ظل ساطعه لامعه مبارك مشرف گرديده بذروه قبول موصول و مراحم والطاف شاهانه در باره ما ندويان خلوصيت وصداقت اثين روزافزون گردد . در خاتمه دعاي دوام دولت وي شوكت خدا داد اسلام پناه وبقاي سلطنت حضرت شهريار شريعت شعار را از درگاه حضرت ايزد متعال جل علی شانه درخواست نموده التجا ميداريم ك‍ ک‍ه :

خداوندا به پيران جوان بخت ‌ ‌ ‌ ‌ که تا است اسمان چتر و زمين تخت
بزيرپاي تخت شاه پيرپا د ‌ ‌ ‌ ‌ تبارك چتر ظل اللهپير پـــا د

اللهم ابد زمان سلطنه امیرالاسلام والمسلمین خادم دین رسول الله لا علاء معالم الدین و كفايه مصالح المسلمين امين .

امضاء ات : ۱ــ افسران نظامی :

ابوالقاسم برگد توپچی ــ فقیراحمد غند اول پیاده ــ حاجی سید احمد برگد غند ۳ پیاده ــ محمد یوسف برگد غند ۵ پیاده ــ عبد الرحمن برگد غند ٦ پیاده ــ برگد غند سواري امیرمحمد كرنيل ــ سید محمد خان كرنيل ــ محمد ايوب كرنيل ــ عبد الحميد كميدان ــ حاجی سید عظیم برگد ــ محمد ابراهيم كميدان ــ سر بلند كميدان ــ عبد الله كرنيل اسپور كوتوالی ــ شایسته خان كميدان ــ غلام نبی كميدان ــ سيد محبوب كميدان ــ عبد الحكيم كميدان ــ خواجه عبد الرحمن كميدان ــ سيد محمد كرنيل ــ محمد سرور كرنيل ــ غلام غوث كميدان كوتوالی محمد ابراهيم كميدان ــ

۲ــ سادات عظام : سید عبدالوهاب ــ میرعثمان ــ سید شمس الدین ــ حاجی میرزا رضی ــ سید محمد صدیق ــ میرعطا محمد ــ سید محمد عمر ــ سید غلام محی الدین ــ سید یحیی ــ سید محمد حیدر صاحب زاده ــ سید عبد الله ــ عبد الاحد ــ سید جان ــ سید محمد صدیق ــ سید ابو بکر ساکن نوین ــ عبد الروف ــ سید عمر ساکن نوین ــ غلام حیدر .

۳ــ علماء کرام واهالی محاکم شرعیه : مفتی فیض الله ــ محمد یوسف ــ محمد حسن ــ محمد صدیق قاضی ــ غلام رسول خطیب ــ عبد الباقی مدرس ــ محمد ضیاء الحق مدرس ــ مدرسه ضیاء العلوم ــ سراج الدین ــ عبد الوهاب ــ محمد سعید ــ حاجی ملا ابوبکر قریه جغرتان درویش احمد ــ صلاح الدین مدرس .

٤ــ مشایخ ذوالاحترام : عبید الله محمد مجددی ــ فضل احمد مجددی ــ عبد القدوس مجددی ــ شرف الدین ــ محمد حیدر القادری ــ صاحبزاده ــ درویش محمد الداعی بالعلوم الدین محمد جان صاحب زاده ــ یارمحمد ــ عبد المجید ــ شیخ محمد امین ــ فلا سید عبد الحکیم ــ محمد اکبر ــ فضل حق مجددی ــ حاجی معین الدین ــ عبد الباقی پسر صاحبزاده صاحب ملا محمد جان ــ شیخ عبد الكريم ــ محمد ايوب پسر صاحبزاده صاحب ــ عبد الرحمن ــ خواجه عبد الله ــ سيد ابوبكر .

٥ــ خوانین ملکی و اهالی دفتر خانه و مامورین :

محمد ابراهیم — عبد العلی — حاجی احمد — حاجی غلام حیدر — احمد علی — عبد الباقی ———
بارکزائی — محمد قو یوسف — خداداد — محمد عمر — خیرمحمد توخی — امیرمحمد حسن — حاجی
محمدعثمان — محمد حسین تیموری — محمد شریف — عبد الحکیم — امیرمحمد نورزائی — شمرالدین
سرکاتب — محمد نادر — محمد ایوب ساکن اوبه — حافظ جی حبیب الله — میرزا عبد الرحمن —
حاجی پیر محمد — شیر محمد حاکم — خان اقا — میر سکندر کاتب گمرک — یارمحمد — عبد المحمد
محمد عمر — اقا شاه — سید محمود — میرزا محمد روزنامچه نویس — غلام محمد تذکره نویس —
دین محمد کاتب هند وقداری گمرک — برات علی — نور محمد علی زائی — حقیر امین الله — غلام محمد
محمد افضل — حبیب الله — لعل محمد — ۰

٦ — تجار وکلان شوند ۳ان واهالی هرات که از خوف تطویل از انتقال ان صرف نظر شد ۰

صندوق عدالت سلطنت حبیبیه در هرات

درین اوقات صندوق های عدالت ما خدمات برجسته که مبنی بر رضائیت حکومت و ملت است انجام میدهد که در اکثر مواقع اسباب رشك ما می شود چه ما بان پایه ازترس سخـــن چینان هیچ موفق نخواهیم شد یك امریرا از امور مربوطه بسمع رجال مهم ومامورین بزرگ دوائر خود رسانیده ویا جناب نائب سالار صاحب را بصورت فوری در صدد اصلاح ان ترغیب کنیم ۰

ولی این صندوق ها هر هفته یك جمله عرایض را دربیشگاه مطالعه نائب سالار صاحب میگذارند ونائب سالار صاحب انکه باوشان برخورد یابه نسبت بعضی کلمات از کســـی دلگیر شوند همان ساعه با یك خوشوقتی وشغفی در اجرای ان پیشنهادات بذل توجه میفرمایند چنانچه ازان جمله شنیدیم یك راپورتی هم بمناسبت خیانت بعضی مامورین دروازه های شهر بوده مظنونین هم بحضور جلب شده وتحت استنطاق اند پس از ثبوت اگر مرتکب شده بوده — البته شرعا مجازات خواهند شد ۰ (اتفاق اسلام)

جشن فتوحات حبیبیه در ولایت هـرات

بر اثر فتوحات وموفقیتهای کامله اعلیحضرت امیر صاحب وبیعت دادن سائر طبقـــات افغانستان وتدویر امورات شرعی بر محور حقیقی ان متوالیا سه شب یك جشن ملی باشکوهی بنام نامی امیر صاحب در شهر هرات گرفته شده بود به تفصیلیکه تمام بازارها وچار باغ و— تومانداری بطرز مرغوب تجلیل وتزئین شده تمام اهالی شهر وحوالی ومضافات ان با یك جوش و خروش ملی شامل جشن شده بودند ۰ (مخلص ازاتفاق اسلام)

شورش در بمبائی

درنتیجه اعتصاب کارگران تا اکنون ۶۳ فقط کارخانه مهم بمبئی بسته شده و تا روز گذشته صد وبیست هزار نفر کارگر بی کار شده اند . اگرچه روٴسای کارگران بدو دسته منقسم شده اند عدهٴ موافق وجمعی مخالف اعتصاب میباشند باوجود این طرفداران اعتصاب بر سائرین غلبه کرده ودیگران را بحدی در فشار داشته اند که مجبور بترك كار شده اند حتی در بعضی — کارخانه ها زن هارا وادار ساخته اند که مانع از دخول سائرین گردند احتمال دارد حکومت بمبئی برای رفع این واقعه بزودی از (مهابلشور) مراجعت نماید .

زد وخورد بین مسلمان و هندو

شب (۱۶ ذیقعده) مابین مسلمان و هندوان بمبئی مجادلهٴ مختصری بوقوع پیوست و در موقعیکه تختروان بت هندوان از مقابل مسجد مسلمانان عبور می نمود چند نفر مسلمانان حمله برده موقبل از رسیدن پولیس در نتیجهٴ زد وخورد یکنفر هندو کشته وقریب دوازده نفر با کارد زخمی شده اند زد وخوردهای سختی این چند روز بین هندو و مسلمان دوام دارد و تاکنون عدهٴ زیادی از طرفین مقتول یا نزدیك مرگ وجمع کثیری مجروح ودر مریضخانه ها — میباشند جلوگیری های افراد پولیس نتوانست باین کشتارهای وحشیانه خاتمهٴ طرفین دهد . باکمال قساوت مشغول سر بریدن وشکم دریدن هم میباشند حتی کار وحشی گری را — بجائی رسانیده اند که از زنان واطفال بی گناه نیز دست بردار نیستند چنان که در دوجا بموتریکه حامل یك خانواده مشغول هندو بود عبور می نمود مسلمانان باکمال بیرحمی حمله برده وانرا باسنگ چوب سخت زخمی کردند .

انحطاط قوای نظامی انگلیس

حکومت مجددا قوای نظامی خودرا بشهر طلبیده ودرنتیجه جدیت افراد نظامی تاکنون پنجصد نفر از اشرار دستگیر وتوقیف شده اند . عدهٴ نظامیان در دستجات منقسم شده در نقاط مختلفهٴ خطرناك شهر مشغول گردش وکشیك میباشند مطابق صورتی کمجرائید بمبئی میدهند روز ۲۲ ذیقعده درنتیجهٴ مصادمات سخت سی نفر مجروح ودر مریضخانه (باتلی والا) — پذیرفته شدند که اغلب آنان نزدیك بمردن میباشند — در قسمت شمالی شهر که محل کارخانه جات است چندین حمله ازطرف هندوها بمسلمانان شده وچند نفر فقط ازطرفین سخت — مجروح ویکنفر مقتول گردید یکی از صاحبمنصبان پولیس نیز درین مصادمه مجروح شده است . در نقطهٴ دیگر عدهٴ از مسلمانان با چوب وکارد بزور بخانهٴ هندوها داخل وبکمال وحشی گری وبی رحمی خانهٴ انان را اتش زدند وقبل ازرسیدن پولیس عدهٴ بسیاری مجروح ومقتول شدند

قواي پولیس دوصد نفر هندو را در حالی که مشغول سنگ زدن با عابرین مسلمانان بودند در یك نقطه توقیف ویه کمیسر جلب نمود وپس از جستجو درخانه' انان مقدار زیاد سنگ و چوب وکارد وخنجر کشف شد • در نقطه' دیگر نیز در همین روز پنجاه نفر از اشرار دستگیر شده اند غروب شنبه ۲۲ ذیقعده اعلان حکومت نظامی از طرف دولت صادر و تا ۱٤ روز برقرار خواهد بـــود •

علل واسباب شورش !

مطابق راپورت واعلانی که روز گذشته از طرف دولت منتشر گردیده سبب اصلی شورش بقرار ذیل بوده است کارگران کارخانه جاتدر ۱۲ ذیقعده تصمیم گرفته که از انروز اعتصاب نمایند بنابران دران روز غالب کارخانه جات بسته شده وهمه کارگران هندو از کار کناره گرفته ولی کارگران مسلمانان که در بعضی کارخانه جات مستخدم بودند با هندوان دراعتصاب موافقت نکردند همان بود که هندوها خواستند تحرا مسلمانان را از کار باز داشته وبانجام مقصود خود نائل گردند ازین جهت چند مرتبه به مسلمانان حمله کردند ولی بزودی از طرف پولیس جلوگیری بعمل امد تا اینکه این چند روز اخیر زد وخورد بین دو طایفه در گرفت و تاکنون نیز کشتار سخت ادامه دارد • اتفاق اسلام ازا تجدد ایران)

(کابل ــ مطبعه' ســرکـــار ي)

نـــــوت :

ورق اول (صفحه ۱ و ۲) شماره ۲۳

جریده حبیب الاسلام

در کلکسیون موجود نیســـت و قصـــدا

جـــدا شده است .

ازسرحد طولانی هند بجانب ایران وهرات میرود تشکیل داده ودروازهٔ جبال شمالی را که راه های عبور ومرور قافله های که بطرف هرات وترکستان میروند ازبین ان تمدید یافته است اداره میکند ·

احمد شاه ابدالی که اولین پادشاه درانی بوده شهر جدید قندهار را تعمیر و اساس حکومت افغانستان را در سنه ۱۷٤۹ میلادی گذاشته است چنانچه مقبرهٔ او هنوز از یادگارهای مهمهٔ قندهار شمرده میشود ·

فتح این شهر که پایتخت قدیم مملکت وحصن حصین خاندان درانی بوده وازطرف قوای عسکری امیر جدید مفتوح شده است حتمی است که در قوت واقتدار امیر موصوف میافزاید بعضی اشخاصیکه حکومت موجوده را مورد تنقید قرار داده و از مخالفت ملت نسبت به او ـ گفتگو میکنند درصورتیکه امیر موصوف طوریکه بر کابل و هرات ومزارشریف تسلط کامله پیدا کرده است چون به حکمرانی قندهار هم همچنان موفق است باید اشخاص مذکور بر عقیده وافکار خود شان نظر ثانی افگنده وانرا اصلاح کنند ·

زیرا این شخص دلیر ماجراجو کهدر عرصهٔ کمتر از شش ماه شهر های مهم افغانستان را تسخیر وتحت تسلط خویش اورده است بطور یقین باید گفت که قابلیت واستعداد مقام ـ ریاست را دارا بوده ویک مهارت وشطارت فوق العاده در فن حرب دارد ·

فتح وکامیابی غیر متوقع او در قندهار نه تنها در اختیار واقتدار او افزوده است بلکه میتوان گفت ······ که باینولایت با ثروت را تحت تصرف خود اورده ویکی از چهار دروازه های مهم را برای جریان تجارت بین مملکت خود ش وهند باز نموده است ·····

قندهار علاوه بر تجارتیکه با خارج دارد دارای دیگر منابع ثروت نیز میباشد باغها و ـ بستانهای قندهار مشهور و وادی هائیکه در نواحی شهر واقع اند خیلی شاداب واصول ـ ابیاری انجا قابل تحسین است اراضی خشکابهٔ قندهار بذریعهٔ کاریزها که یکی از اصول ـ قدیمهٔ اب رسانی ایران است سیراب میگردند ذرایع ومنابع قندهار را که برای رفع هرگونه احتیاجات زندگانی مکفی میباشد ازاین قیاس کرده میتوانیم که در ظرف دو سالیکه عساکر برطانوی متصرف شهر مذکور بودند جز ازمصالح حربیه وچیزی کهدر قندهار پیدا نمیشد بدیگر هیچ چیزی احتیاج نداشتند باوجود یکه شهر مذکور در انموقع تحت فشار عساکر ایوب خان و ـ جنرال انگلیسی (لورد رابورت) فاتح قندهار واقع بود ··· وقتیکه پادشاه امان الله با برادر اندرش دست از امارت کشیدند ما ما زادهٔ انها علی احمد خان که یکی از اعضای خانوادهٔ شاهی بارکزائی است بجانب قندهار شتافت وامارت را بنام خویش اعلان کرد ·

علی احمد خان که هر وقت بطور سزاوار با ناکامی دچار شده است حینیکه پادشاه امان الله مشغول سیر وسیاحت اروپا بود درنتیجهٔ بی اعتدالی وعلیکه به شرب مسکرات داشت ققققق
ملاها وانجام متمرد رانسبت بخود بدگمان
کرده وبرعلیهٔ خود بر انگیخت و همینکه کابل سقوط کرد خودرا بامارت سمت جلال اباد اعلان نمود ولی قبل ازانکه قبایل سمت مشرقی با او موافقت کنند وبرای حمله بر شخص متصرف کابل امادگی ظاهر سازند اورا مجبور بیاد کردن سوگند نمودند که دو باره میل بخوردن شراب نکند اما ـ باوجود این ـ حمله بردن بر کابل عقیم ثابت شد زیرا بعضی از تابعین تقویتش ققق او در حین بازگشت ققق اسباب و اثواب شخصی اورا تحت تفتیش گرفته این عذررا پیش اوردند که مشروبات مسکره در بین اسباب او وجود داشت در اثر این فضیحت امید های علی احمد خان بخاك برابر شده وشهر جلال اباد هم در اثر اتش گرفتن مخزن بارود برباد و ویران گردید علی احمد خان بعد از یك اقامت مختصری در هند قندهار رفته با پسر عمهٔ خود امان الله خان ملحق شد اما درانجا تا عرصهٔ یکماه محبوس ققق بوده ٠

اکنون اوقندهار را نیز ازدست داده وپسر کوچك اودر محاربه مقتول وخوداو از قرار اطلاعات متواتره دستگیر وبکابل فرستاده شده است گمان نمیرود که بعد از ورود بکابل دیری زیست نمایـــد ٠

شاه مخلوع ورفقای او

جریدهٔ تائمز مینویسد که مخبر مخصوص ما در ۲۰ ذیحجة الحرام از بمبئی خبر داده است که ملکهٔ ثریا در شفاخانه(سنیت جورج) بروز جمعه وضع حمل نموده مولود او دختر میباشد ونیز از زوجهٔ عنایت اللهخان بروزشنبه دختری متولد شده است ٠ یقین میرود کــه پادشاه امان الله بهمین نزدیکی ها از بمبئی حرکت خواهد کرد ٠ برای عنایت اللهخان از حالا اوطاق ها در وابور(ملتان) بکرایه گرفته شده که بتاریخ ۱۳ محرم از بمبئی روانه ـ خواهد شد ٠

اغلب گمان میرود که بعضی افراد معیت امان الله خان هم درو ابور مذکور عازم سفر خواهند شد خود امان الله خان در اطالیه رفته بشغل زراعت مشغول خواهد شد سائر اعضای ـ معیت او بعضی بجانب ترکیه وبعضی بطرف ایران خواهند رفت ٠

حبیب الاسلام قبل بزین خبر وصول امان الله خان را به مارسلیز نوشته اکنون به ایطالیا هم رسیده است ولی این خبر را چون مشعر بر افکار اتیه اوبند اشتیم ازین جهت به ترجمه ونشرش پرداختیم ٠

اعلان وکیل التجار پشاور

جریده ٔ تائمز مینگارد که وکیل تجار کابل در پشاور یک اعلانی شایع نموده است که امیر کابل اکنون راه بین قندهار و چمن را اداره و امنیت راه را الی کابل برای ارسال و مرسول پیوسته متکفل شده و سیم های تیلفون و تلگراف را کهپادشاه امان الله در اثنای فرار قطع نموده بود از نو مرمت کرده است .

مناسبات روس و انگلیز

(تلگراف ۱۹ صفر مخبر خصوصی جریده ٔ بمبئی کرانیل از مسکو)

حکومتین برطانیه و سوویت بواسطه ٔ هیئت اعزامیه که از طرف حکومت ناروی فرستاده شده و فعلا در ماسکو اقامت دارند می خواهند داخل مذاکرات شده و تجدید مناسبات نمایند لذا حکومت برطانوی بذریعه ٔ یاد داشت مورخه ۱۷ جولائی اظهار موافقت و قبولیت کرده است که مناسبات سیاسی را باحکومت شوروی از نو جاری نماید و از حکومت شوروی درخواست نموده است که نماینده ٔ معتبر و معتمد خود را بانگلستان برای تسوید مواد مقدماتی راجع به قروض و پروپاکاندو روسیه اعزام نماید قره خان کفیل امور خارجه روسیه در جواب نوط مذکور چنین اظهار نموده است که در شکست مناسبات سیاسی و قطع مراودات سابقه حکومت برطانیه مسئول شمرده میشود با ان حکومت اتحاد جماهیر شوروی حاضر است که نظر بمنافع دولتین مناسبات خود را با دولت برطانیه دوباره بر قرار کند لهذا به (موسیو درکلیوسکی) وزیر مختار دولت شوروی متعینه فرانسه اختیار میدهد که عازم انگلستان شده و مسائل فوق را تحت مباحثه بگیرد از قرار معلوماتی که از ذرایع موثقه و یا خبر گرفته ایم مناسبات سیاسی در بین انگلستان و دولت شوروی عنقریب قایم خواهد شد زیرا زیک طرف توده ٔ بیکاران در انگلستان حکومت برطانوی را تحریک نموده و برای بدست اوردن مارک روسیه تقاضا دارند و از طرف دیگر حکومت شوروی اماده است مطالبات مشروع حکومت برطانیه را تدارک کند . (ترجمه اقای عبد الصمد خان)

پیشرفت سوسیالیست ها

در انتخابات پارلمانی انگلستان اخبارات وارده حاکی است که انتخابات انگلستان خاتمه یافته و بشرح ذیل نمایندگان انتخابات شده اند :

سوسیالیست (۲۸۹) محافظه‌کاران (۲۵۳) لیبرال وازادی طلب (۵۰) و متفرقه (۵) .

در انتخابات فوق سوسیالیست ها اکثریت را برده اند ولی گمان میرود که پنجاه نفر لیبرال بمحافظه‌کاران ضمیمه شده یا ز اکثریت سابق محافظه کاران باقی بماند در هر صورت

این انتخابات دارای تاثیر خاصی در عوالم سوسیالیست میباشد .

مطبوعات انگلیز وکابینه فقط ماک دنالد

دیلی میل نگاشته است که :

(اگر مستر ماک دنالد بطور پاک امنی وجدیت براین مملکت وملت حکومت کند کابینه او خیلی بیش ازانچه بعضی ها پیش بینی میکند دوام خواهد یافت)

جریده دیلی میل را عقیده برین است که روی همرفته ماک دنالد خوبکار کرده ودر انتخابات وزرا مهارت بخرج داده است اکنون نوبت وزرا منتخب او است که معلوم دارند چطور فقط باهم کارمیکنند که موافق انتظارات مردم سیاستمدارانه خودرا بموقع عمل گذارند .

جریده دیلی اکیپرس گوید (مملکت کابینه جدید را با کمال صمیمیت پذیرفته ملت امید واروممتقد است که حکومت جدید بحال تعلق انگلیس وکلیه دنیا مفید خواهد بود) (تجدد ایران)

۸۲ ساعت در هوا

بالون جراف تسپلین المان بقیادت دکتر اکنر المانی وهفتاد نفر مسافر وستخدم هشتاد ودو ساعت ونیم بانصافرت محیر العقول از المان بسوریه وفلسطین واسپانیا صفیر کرده بطرف خود سالما عودت کرد از مخبرین جراید یکی نماینده جریده یومیه الاهرام عربی مصری درین کشتی هوا پیما موجود بود واز زمان قیام تا عودت ازفوق بالون اخبار حرکت وسیر بالون را بجریده الاهرام میفرستاد بقراین این کشتی هوانورد بی نظیر که چندی قبل هم مسافرتی بامریکا کرده باز طریق امریکا را از پیش خواهد گرفت (اتفاق اسلام از تجدد ایران)

مسافرت سلطان مصر به جرمنی

سلطان فواد پادشاه مصر بقصد مسافرت شش ماهه باروپا مسافرت نموده است در موقع ورود به (برلن پایتخت المان) برائی شاپانی از او بعمل امده (هند نبرگ وموار) بوی خیر مقدم گفته سلطان فواد ازمیان کوچه هاي پر جمعیت وزینت شده به قصرا (البرخت) رهسپار گردید - ملاقات رسمی چهار روز طول کشید وفقط در عرض این مدت ضیافت هاي بزرگ حضور یافت - سلطان فواد مناظر بدیع شهر را تماشا نموده بعد از ملاقات رسمی دو هفته هم براي سیر در ایالات و ولایات المان رفت.

اشترزمان وزیر خارجه المان از (مادرید) پایتخت اسپانیه) که بانجا مسافرت نموده بود تلگرافا از وزارت خارجه المان تقاضا نموده است که احترامات ویرا تقدیم پادشاه مصر نماید .

صدراعظم المان یکشب ضیافتی بافتخار پادشاه مصر داده که علاوه بر رئیس دولت المان کلیه اعضای درجه اول دولت نیز در ان حضور داشتند . در موقع بازدید کارخانه چینی سازی برلن پادشاه مصر سرویس میزیرا که سفارت مصر سفارش داده وداراي ۹۰۰ قطعه است معاینه نمود . پادشاه بانروز براي اولین دفعه با ظروف مذکور ضیافتی داد . بانروزهم پادشاه مصر

مهمان بلدیه برلن بوده واسم [illegible] خود را در کتاب طلائی بلدیه ثبت نموده است .

مصائب قدرت بر عراق عرب طغیان فرات ودجله

اب فرات ودجله طغیان نموده خیلی خسارت مالی وجانی بر عراق عرب متوجه ساخته است . بطوریکه معلوم شد عده ٔ قربانی طغیان اب در حدود ۱۶ نفر بود واب بالغ به ده هزار جیب اراضی را فرا گرفته چندین هزار مواشی واغنام را هلاك کرده وکلیه خسارات بالغ به ۷۰۰ هزار لیره گردیده است .

در نقاطی که دچار حادثه طغیان شده اند جمعیتهای متعددی برای جمع اوری اعانه طوفان زدگان ترتیب شده وانها خیلی اعانه جمع اوری کرده اند در وقت طوفان رجال فنی در تغییر مجاری اب فرات بدجله اقدام نموده وبقدر امکان طغیان اب فرات را تخفیف داده اند .

طغیان درحال شدت خود قطار راه اهن بین بغداد وبصره را حائل گردیده و در حدود یك ماه قطار مزبور را از حرکت وسیر مانع شده بود اداره ٔ راه اهن تدابیر لازمه را برای نقل مال التجاره که نقل وانتقال انرا تعهد نموده بود از راه شط اتخاذ واجرا نموده است .

زلزله ٔ مدهش در گیفان

در گیفان که محالات خراسان ایران است باوائل یك شب زلزله ٔ مهیبی حادث شده و سر تا سر قلعه های انجارا خراب و ویران کرده است . ساکنین انجا در حین شروع زلزله راه فراری نیافته بدیدن نصیبه ٔ ازلی تن داده اند دقیقه ٔ نگذشته که ابادیها منهدم وفضا با گرد وغبار وظلمت مخوفی تبدیل گردیده است زیرا منازل ویران وهزار ودویست نفر در زیر هزاران خروار ثقل خاك دیوار وسقف وچوب ودیگر مواد عمرانیه گرفتار امده اند .

رقت اور است که برای معدودی ازبازماندگان تامتجاوز از ۲۴ ساعت ممکن نشده است که اجساد پدر وبرادر وفرزند ومادر وعیالها خودرا از زیر خاك بیرون اورند وضعیت ابادیها دگرگون و هیچکس راهیجائی نبرده واز خانواری هائی که یکیا دونفری که باقیمانده خانه و کلبه خودرا در ان ساعت نمی شناخته اند نه شمعی ونه چراغی نه بیل وکلنگی .

تا صبح انشب بازماندگان داغدیده مانند پروانه اطراف قلعه ها دیوانه وار گردش کرده گمشدگان خودرا جستجو میکرده اند .

والحاصل معدودی از بازماندگان باجمعی از همان مردم که در زیر زمینها بوده و اسیبی باوشان نرسیده بود باتفاق چند نفر ازعناصر صالحه انجا دامان همت بکمر زده وتا سه شبانه روز مشغول کاوش وجمع روزی اجساد وکفن ودفن بوده اند . (تجدد ایران ۷ محرم)

علم النفـــــس
(٤) پیوست بشماره (۱۲)
اثر خامه فاضل محترم هاشم شایق مدظلهم

(۲) میل بحسن : این میل عبارت از یک انجذاب روحی است نسبت به بدائع و مناظر دلچسب چونکه بدیعت ود لچسپی جاذبه ایست که از نسبت معین و انتظام الیق در هر چیز نمودار میشود . اسباب زینتی که در سر و گردن یک وحشی و ترتیب شکل هائیکه در بازیچه یک طفل می بینید از همین میل فطری ظهور کرده است . هنگام سیر در مقابل یک منظره قدرت که الوان گوناگون و اشکال نوآور ترتیب دارد ممکن نیست که در معنویت هر شخص یک اندک تأمل حیرت عمیق وهیجان لطیفی مستولی نشود . این هیجان وحیرت حالت مخصوص است که بعضا چشیده میشود اما از افاده آن اظهار عجز مینماید . این کیفیت به (بهیرا ان) یاد میشود که حالت مخصوص حسن بوده بتقریر نمیگنجد .

میل حسن وتناسب بعضا اثرات فریبی دارد :

انتظامات پریشان و بدیعیت های که هر جائی اشیا ومحیط را خواه در الوان باشد وخواه در اشکال یا مخیله بدیع کار وذوق لذا انسجام پرست جمع وترتیب جدید می بخشد و تماشا میکند حتی دیگران را نیز بمفتونیت خود شریک می سازد . یعنی حسن مغشوش وپیچیده انتظام مهم وناقص را بعضا رونق وانکشاف وکمالی می آراید . چه حسن عبارت از تناسب است که ذوق علوی مخصوصا آنرا در می یابد .

این است که ارباب صنایع نفیسه در قالب الوان اوضاع اواز حرکات وسائره تموج حسنی که در عمق روح شان بحال هیجان ودغدغه است افاده میکنند . یعنی در اظهار او میکوشند . اگر این میل مثل حق طلبی بفعالیت وانکشاف درآید هر حس را در قالب حسن و هر حرکت را بوضع تماشا خواهد آورد و وشکل دلفریبی خواهد داد .

بالجمله از همین میل است که صنائع نفیسه نام تماشاخانه انتظام بوجود آمده بطوری ترقی کرده که از هر پهلوی آن شعبه ظریف دیگری تشکیل یافته است .

این حسن که موضوع بحث ماست عبارت از تناسبی نیست که در چشم میان اعضا محسوس باشد . از قبیل صباحت وجه وضائت بشره جمال بینی حلاوت چشمان ملاحت دهان ظرافت لسان وسائره . اینها حسن هایست که برای نظر مادی منظور است .

جائی جامی همین معنی را در لوائح چنین بسته است :

از لطف قد صباحت خد چکسی در سلسله زلف جعد چکسی
از هر طرفی جمال مطلق تابان ای بیخبر از حسن مقید چکسی

مگر حسن نظر علوی که هم خود منبع آن است وهم جویای آن عبارت از تناسبی است که ذوق سلیم از آن بدینواسطه لذات روحانی اخذ و افاضه میکند . چه ذوق استعدادی است که کمال ادراک را بر همه تجربیات و اشراقات داشته میباشد .

Page Not Available

چنانچه جلال دوانی میگوید : (این نسبت شریفه درهرجا که یافته شود موجب انجذاب واهتزاز نفس است . این انجذاب عبارت است ازعشق و محبت درهرجا این نسبت شریفه باسم مختلف یاد میشود : از قبیل اعتدال مزاج ابعاد لذیذ بلاغت وسائره . . .)

۱۱۱ میل بخیره . این میل نیز احساس شریفی است که دارایان نزد هر شخص محبوب ومحترم است . چه این شخص تنها بحرکات فضیلت کارانه خود مفتخر نیست . بل از دیدن وشنیدن اقوال واوضاع پاک وعلوی نوع خود نیز متلذذ میشود . فی الحقیقه این میل در موجودیتی که اظهار صولت کرده هر طرف را بنور فضیلت وبزرگواری افاضه میخواهد بکند . علاوه بر خیرخواهی عطوفت شفقت وعدالت که درضمیر ان است میخواهد از هر طرف وهر شخص در هر زمان وهرمکان از شعشعه این مهر روحانی درخشان پا شد . کیفیات خواص اجزاء و لوازم بالجمله هرچیز وسیله ویا سرمایه خیر وفضیلت گردد . درحقیقت اگرحیات انسانی دارای فضیلت وشرافت جبلی نمی بود غیر از سیاهی تباهی ملعنت وقصور چه تماشا واثــر میداشت .

عشق حقوق ذوق وظیفه نفرت ازندامت وجدانی وانجذاب باستراحت قلبی که انسان درحیات حس میکند همه از تظاهرات شفی و مثبت همین میل خیر وفضیلت است .

بعضی اشخاصند کهباوجود بی کمالی مکتسب وعدم تربیه معروف شده اند . چونکه دراین طبیعه برای عفت وشرافت برای کرامت ونجابت شخصی واجتماعی سرمایه سعادت شده است وجدان عمومی بحسن سیرت ووقار حرکت وگفتار بعضی اشخاص شهادت میدهد که این شخص عزیز وموقر است . چونکه این میل ازعنفوان درچهره صاحب خود افاضه نزاهت وصداقت کرده است . چنانچه نظیری نیشاپوری در اوائل عصر یازدهم هجری گفته :

تو کاری خود بغمزه معشوق واگذار ـ بیطاقتی مکن که نکویان نکو کنند

بالجمله میل فضیلت استعدادی است که بعضا در مقام مرشد ومربی نیابت میکند وهمیشه شخص را صیلانه وبزرگوارانه اداره مینماید . لیکن در انکشاف وانحطاط این میل عقل واراده ـ تربیه فردی واجتماعی تاثیر بزرگی دارد . اینست که باوجود روحانیت این میل در بعض اشخاص انقدر کور ومنجمد است که گویا ان شخص ازانسانیت مجزا گردیده . کثیف ـ شریر ـ خشین ـ و حیوان مانده تقریبا از همه عواطف انسانی برکنار شده است .

برعکس فضیلتهایی کمستعد این کرامت باشد درهنگام صباوت حتی در اوان طفولیت احساسات از چرک نفس وانکار پاک وخیالات نزیه ولطیف بوده اثار دین واخلاق درهر حرکت وروبه ان مشهود میشود .

۱۷ میل بدین ؛ اگرملاحظه صحیح کرده باشید البته دریافته اید که غایهٔ حس وحرکت نفس اجتماعی وهدف میل عالی راجع بهانچیز است :

توجه بعلویت ؛ خاصتاً درمیل بحق درمیل بحسن ودرمیل بخیر مطالعه کردید . مثلاً در جستجوی حقیقت نظرمیل بادراك عقل اکمل است . کذا درمحبت بحسن . چونکه لمعهٔ تا سیوخوبی کهدرمناظر بدیع قدرت دیده میشود وقلب باکمال تهیج مفتون ان است منتهی بحسن اکمل واعلی میباشد . اینچنین ارشادات قلبوجدان که غایهٔ ان عبارت ازکرامت بوده مربوط بیك ارادهٔ سرمدی وقدسی است . اگر مختصر گفته شود منبع اینهمه علویات اوتعالی سبحانه بوده طریق وصول ان همین دین وهمین قوانین موضوعهٔ الهی است .

مادام که حقیقت حسن وخیر محبوب جبلی وهدف مقتضیات انسانی است البته اشتیاق بمبداء وتسلی بمنبع ان قوی تر وصمیمی تر باید بود . اینك مبداء حسن جمال مرجع فضیلت وکمال را باتمام شوق وتقاضا وبامعنی صحیح محبت باید خواست . علاوه برین او نیز میخواهد دوست مید ارد بعنی بکرامت بشری ارادهٔ ازلی او تعلق گرفته باوجود غفلت ها کسوهٔ کرامت را بدوش افتخار بشر گذارده وبا انکه از هیچ وجه بحیات انسان محتاج نیست خلق نموده بکرامت گزیده باهمهٔ نعم ومزیتها سر افراز ساخته است .

بسا میشود که سلسله کامیابی بسکته انجامیده قوای بشری به عجز میکشد . درحال با یك تفت لبوکام ویك شهیق عمیق وبایك خشوع مستولی عقل ووجدان بحضور تدبیر اومی برد . مثلاً درمرضیکه عارض شود ودر تهلکهٔ که متوجه نفس گردد بظل حمایت او پناه می گزیند واز احسانیکه رو دهد باو استنائه مینماید . . . بالجمله درهر سختی ونابودی ازو استمداد کرده منتظر فلاح میشود . پس چرا همیشه خواهان عبادت واطاعت او نباشد وهرگونه لذائذ ومنافع روحی وعضوی را بقربان امر ورضای او اماده ندارد .

چونکه غیر ازجمال وکمال او عطوف وکفیل دیگری نیست . کذا از مذکورهٔ عالی این تصور محال است که بیرون از شفقت ومرحمت او درحیات وعافیت ارامگاهی موجود خواهد شد . این است نمونهٔ از حقیقت میل بدین . اری محبت علامت میخواهد . علامت این محبت عبادتی طلب میکند که مملو از تعظیم باشد وخشوع عمیق . (باقی دارد)

(کابل — مطبعهٔ سرکاری)

صفحه (۱) (جریده مدنیتی حبیب الاسلام سال اول شماره (۲٤))

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولاتفرقوا

حبیب الاسلام

مدیر . برهان الدین کشککی .

اداره خانه در باغ نانان کابل افغانستان . نمره تلفون .

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .

اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

شرح اشتراک

	سالانه	ششماهه
در داخل		
در مرکز	٦ روپیه	۳ روپیه
در ولایات داخله با اجرت پست	۷ روپیه	٤ روپیه
در خارج	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(یک شماره ٦ پیسه .)

(درین اخبار از احکام دینی ومسائل اسلامیه و هرگونه علوم وفنون واطلاعات سیاسی ومفاد دولتی وملتی بحث میشود .)

(تاریخ قمری ۹ ربیع الاول ۱۳٤۸ — چهارشنبه — (تاریخ شمسی ۲۲ اسد ۱۳۰۸ هجری)

اسلام بذات خود ندارد خللی
هر عیبکه هست در مسلمانی ماست

از جمله خصال حمیده وصفات خجسته که عالم اسلام را سرور وسرد ار جهان وجهانیان وچشم بصیرت وچراغ هدایت تمام بنی نوع انسان ساخته علم فتح واقبال و کوس عزت واجلال مسلمانان را در سرتاسر جهان افراشته ونواخته بود همانا محبت وشفقت وصداقت و ایثار وعنایت دیگر فضایل اخلاق وحسن معاشرت مسلمین بود که درمین خود شان همیشه انرا مرعی ومعمول میداشتند .

دایما خورد ها نسبت بهبزرگان وصاحب سفیدان وکلان های خود کمال عزت وحرمت وتعظیم وتکریم را مرعی وتقد یم میداشتند وبالمقابل ان بزرگان خورد ها ونوجوانها وافراد کم عمر را به نظر رافت وشفقت ومرحمت تلقی میکردند . با مساکین وغربا واشخاص کم بضاعت خود ازراه جود وسخا وهمدردی وعطا پیش می آمدند . احتیاج وضرورت خود شانرا اگرچه نهایت زیاد وبه سختی وپریشانی مبتلا میبودند بدیگران اظهار نمیکردند عموما در ایثار وجوانمردی از

جمیع اقران وامثال خود طاق – ولی در فهمی ونوع پروری شهره" افاق بودند از دروغ و دشنام وفحش وسخن های ناپسند زبان های شان ممنوع وعیب پوشی مراحم گستری ودیگر اخلاق مطبوع شهرت داشتند از گرفتن انتقام وبیاد اتر با وجود قوت وقدرت صرف نظر – خوردن غیظ وغضب شان را با وجود شدت وعظمت وتوانائی عادت مستمر خویش قرار داده بودند از ضرر رساندن بمسلمین مجتنب ودر فراهم آوردن رفاه واسوده حالی ابنا نوع واخوان اسلامی خویش جدا راغب بودند تمام اعمال وافعال شان از روی علم ومعرفت وشرعیت ترتیب ودر همه مواقع صبر وشکیبائی وحلم وبرد باری یگانه خصوصیت شان بود در عصبیت طبیعت وتوصیت یکتا ومهمان نوازی ووفا داری بی همتا بوده شیرهای بیشه" جرات وشجاعت ومجسمه ها ی صداقت وخاکساری ودیانت وپاکیزگی بوده هر واحد انها اگر با کسی دوستی داشتند در راه خدا بود واگر دشمنی میورزیدند هم در راه خدا ومحبت رسول الله بوده انها بر دشمنان خود شدید وخشمگین وغضبناک بوده با دوستان وبرادران واهل ایمان شفیق ومهربان وخرم وشادان می بودند .

الغرض ان همه فضایل عالی وخصایل انسانی که امروز بداشتن یک یک فضل وخصلت ان یک عالم حقانی ویک پیشوای روحانی ویا یک خاندان انسانیت ویا یک داهی عالم مدنیت برخود می بالد و افتخار میکند تماما وقاطبه در وجود هر هر فرد ی از سلطانان سلف وپیشوایان ومقتدایان اسبق ما موجود بوده هر یک انها مصداق (اشداء علی الکفار رحماء بینهم) بودند لهذا با سانی وکمال خوبی توانستند ومقتدر گردیدند که سرتاسر جهانرا بنور اسلامیت معمور وتمام افراد انسانی را از عدل وداد ودیانت شان شادکام ومسرور فرمودند .

امروزه قد روز گذشته" های محبت وصداقت سست ومراعات اصول ایثار وشفقت از بین رفته به نزد برخی از سلطانان جهان جنس فضایل اخلاق وحسن معاشرت متاع کاسد – گردیده ونقد رذائل وسوء اخلاق رائج است بزرگان وپیش سفیدان چنانچه میباید با خوردان وفرزندان خود شیوه" شفقت ومرحمت را مراعات نمیورزند – نو جوانان وخوردها نیز – طوریکه لازم است با عزاز واکرام بزرگان خود تنزل ندارند با برخا طر ودلد هی غربا ومساکین ودستگیری اشخاص بی بضاعت ومند رسانی با شخاص فاقد ثروت موجود نیست ودروازه های جود وسخا وابواب کرامت وعطا روی هم رفته کاملا مسدود واحتیاجات ساختگی وضروریات

تا بحتی منافقانه از هر طرف و هر زبان دیده شنوده میشود از ایثار و جوانمردی و فیاضی و نوع پروری بجز نا چشانی نیست در رفگوئی و دشنام دادن و ریا و سرائی نقل مجلس جدال و تکیه کلام شان است در برخی از افراد عطوفت مفقود و همپوشی وجود ندارد اخلاق اکثر به خرابکاری و رفتارها ناصواب در انتقام گرفتن یاد اذیت رساندن با خوان و هم نوعان خود اگر بتوانیم چدن و از فروخوردن قهر و غضب خود اگر مقتدر شویم برای یک لمحه مجلسی نداریم و در فائده رساندن به برادران اسلامی و معاونت نمودن به هیچ وقت خود کاهل و از کسب علم و عمل وانده و ختن دانش و فضل غافل و از فراهم آوردن اسباب عزت و جلال و رفعت و کمال خود جاهلیم پس چه طور میتواند شد که ما خود ها را با این اعمال سرا پا و بال خویش مسلمان اکمال گفته خود ها را سزاوار لطف و مراحم خداوند عزوجل بدانیم یا شکوه و شکایت ضعف عالم اسلام و گله از وجود مصائب بنمائیم . زیرا که ایزد پاک در قرآن شریف اخبار فرموده که : (لا تهنوا ولا تحزنوا انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین) سست و غمگین نبود مطمئن و متسلی باشید که شما بر تمام جهان و جهانیان سرور و سردارید مشروط بر اینکه صادقانه مسلمان و صمیمانه در راه اسلام خدمت کنید .

برادران اسلامی من . از برای خدا . اوامر خدا و هدایات رسول الله را بشنوید و اعمال صحابه کرام و افعال تابعین و اسلاف عظام تانرا صادقانه تعقیب کنید تا از ین گرداب مذلت و ادبار نجات یافته با عزاز و اکرام تا به مقام سیادت و نیکبختی را نائل شوید و ازین حکایه مجملی که ما از طرز عمل پیشوایان خود برایتان نمودیم درس و نصیحت اکملی را گرفته در امر معروف و نهی عن المنکر بکوشید و در حق پادشاه اسلام دعا کنید که ایزد پاک مساعی جمیله اورا در ترقی و تعالی دین مبین روزافزون گردانید و رجال و مامورین سلطنتش ایشان را نیز موافق گرداند تا زیاده و برزیاده به تشیید مبانی اسلام و مزید تقویت و احیای شریعت سید الانام کوشش ورزند . (والسلام علی من اتبع الهدی) .

مژده جشن استقلال امسال

استقلال چنان یک موهبه مقدس و عطیه بزرگوار و مواهب الهی جل کبریاست که هر یک ملت زنده و قوم با هوش در حصول آن سیلابهای خون را جریان میدهد و بحفظ و نگهداشت آن روح و روان خود شان را نذر و قربان میکنند . ملت غیور افغانستان که قربان ساختن فرزندان رشید و تقدیه روح —

نوجوانان مزید خویش این گوهر گرانبهای استقلال را بکفایت خویش آورده و در آغوش اسلامیت خود کشیده اند و در هر وقت و هر زمان برای بقا و صیانت آن تا ریختاندن آخرین قطرات خون خویش حاضر و برای تجدید مسرت و خوشنودی خویش هر روز و سالی ماشاءالله به آمدن این روز فیروز حصول استقلال جشن های خرمی و حلقه های خوشنودی را ترتیب میدهند .

حکومت مقتدر اسلامیه ما مزایا و محاسن استقلال را بتمامها تقدیر میکند و بعنوان (الاسلام یعلو ولا یعلی) یعنی اسلام و اسلامیت همیشه درخور ترقی و مستحق استقلال بوده درشان اسلام تنزل و تحت حمایه بودن نیست . حریت طلب و استقلال مملکت را نیز از جملهٔ مقدسات مذهبی و دینی خود دانسته اورا از جان و روان خود بیشتر دوست دارد چنانچه برای استقبال با تحصیل استقلال که بریختن خونها با حرارت یکمدهٔ مقدسه از مجاهدین اسلام وجوش وخروش ومساعدت عموما وتحت جمهور القلق انام افغانستان حاصل گردیده قرار عادت همه ساله درین سال فرخنده فال نیز اجرای یک جشن با شکوهی را در شهر شهیر کابل امر واراده فرموده درین مورد حسب بعلم ما تیکه گرفته ایم ترتیبات درست وتزئینا فوق العادهٔ تهیه گرفته شده وتصمیم فرموده اند که یک جشن عالی ومیلهٔ بزرگی را که از هر حیث نسبت بسابق فایق باشد دائر بفرمایند .

جای هزاران شکر و ثنا بدرگاه حضرت احدیت جل علی شانه است که افکار روشن خادم دین رسول الله (صلعم) امیر حبیب الله خان را در سنجید از افعال خوب و زشت چنان یک معیار صحیح اسلامی خلق فرموده که از آن اشعهٔ نافعه وفکر عالی شاهانه خود تمام محسنات و معائب را با یک لحظه دقیق و عمیق تحت مطالعه آورده محاسنی را که مولد عظمت وجبروت اسلام واسلامیت وباعث شرافت ومکنت مملکت وموجب فرحت ومسرت رعیت واسباب وقار واقتدار ملت خود میدانند از جوهر اسلامیت وجذبهٔ ایمانی خود با کمال بشارت ذاتی که دارند ازان استفاده مینمایند .

گویا درین مورد هم به تعمیل این امر نبوی (ص) که (کلمة الحکمة ضالة الحکیم) است می پردازند وآثرات مفاسد ومعاصی را که مغایر از مقررات شرع انور وامر پیغمبر (صلعم) بود و باعث خرابی اخلاق و تباهی طبیعت میگردد با شدت بطش از صفحهٔ وطن پاک وزائل می سازند

کاران جز خاطره دراز های باقی نمیماند .

ازایزد پاک جل ذکره رجا وتمنا داریم که مساعی عالی اعلیحضرت شاه اسلامی مارا بیش از بیش در راه رسعادت ملت وسرسبزی مملکت ما متوجه ساخته چنان توفیق درستی رانصیبشان گرداند که مستحسنات وخوبی هارا برای افغانستان اکتسا بنمایند وملت محبوب شانرا دائما از خرابی وتباهی کشیده بجاده اسلامیت وشرافت وعظمت سوق وراهنمائی فرمایند .

رعیت پروریهای حکومت حبیبیه .

ازبدیهیات ومسلمات است که تشکیل حکومت محض برای فراهم اوردن اسباب آسودگی و رفاهیت ملت وتسهیلات در کافه امور اجتماعی اوشان است وحکومتیکه خط حرکت وفرمان روائی خود را موافق میل وخوشنودی افراد ملت وجامعه خویش قرار میدهد خوشبخت تر وسعادتمند تر ازملت ان حکومت ملتی نخواهد بود .

حکومت حبیبیه اسلامیه ما ازبدو وجود که نصب العین اساسی ومنظور حقیقی اش اعلای کلمة الله وخدمت در راه دین وفراهم اوری موجبات خوشنودی این جامعه است همین مسلک ورفتارش پابند بوده در امور جزوی وکلی میخواهند موافق مقررات اسلامیه دادلانه ومنصفانه عمل کرده مرضایت ورفاهیت ملت خود را اماده نماید .

اینک برای تائید قول خود یک قطعه اعلانی راکه از حضور حضرت تعالی سردار اعلی معین السلطنه صاحب منتشر شده وراجع بحقوق محصلی حد معینی راحائز بود میتواند بخوبی نمونه عدالت ورعیت پروری حکومت حبیبیه شود درج جریده خویش نموده وملاحظیکه هر فرد ملت باید احسان وحقوق شناسی حکومت خود را تقدیر کند بمرتبه خود همچه خدمات و لطف رعیت پروری حکومت اسلامیه خود را تقدیر وتمجید میکنیم ویقین داریم هرتکالیفی که از طرف بعضی مامورین خورد وریزه حکومت برملت تحمیل شده باشد بحضور رجال فعال خیرخواه وصادق حکومت نرسیده خواهد بود تا از توجه وشفقت ایشان رفع تکلیف و برطرف میگردید ازین جهت در وقوع همچه قضایا برملت هم حتمی است چنانکه این اعلان باوشان هدایت میدهد ومرجعشان را یک میزان عدالت وانصاف معرفی میکند درصورت ظهور تخلف از اوامر حکومت عرض خود را بمرجعش رسانیده مراد خود رابخواهند اگرچه ما یقین داریم بعد از نشر این اعلان تکلیفی ازهمین رهگذر بر رعایا نرسد ومقامات مسئول بعنسی

مامورین حکومت هم چنانچه لازم است ازین اعمال جلوگیر بنمایند .

اعــــلان

بخاطر رعایای صداقت مظاهر وکافه مامورین ملکی ونظامی ابلاغ است !

درین نزدیکی باطلاع خاطر عالی ما پیوسته است که بعضاً اشخاصیکه از ادارات تحصیل داری وسائر دوائر وشعبات برای تحصیل پول یا قیات وغیره امورات متعلق محصلی - محصل مقرر میشوند بعضی ازاروا سبباً زحمت اهالی را اماده نموده مراحمت واستراحت جمعی را بایــن واسطه مختل ومسلوب وجبراً مقدار گزافی از پول وغیره اشیاء این بیچاره را بنام محصلی اخذ میدارند ازانجائیکه یک وظیفه عمده حکومت متبوعه , اسباب راحت ملت است همچه قضایا خاطر عالی مارا سخت متاثر ساخته ومیخواهم برای اینده ازاینطور واقعات ناگوار جدا جلوگیری فرمائیم - لهذا باعلان هذا احکام میفرمائیم کاینده برای محصلان صنف سوار یکروپیه وازپیاده شبانروز یکقران مقرر شد که احدی زیاده برین بنام محصلی ازهیچ کس چیزی گرفته نمیتوانند وهرگاه متحقق شود که محصلان وحواله داران سرکاری علاوه بریــن درتعدیه اسباب زحمت اهالی کوشیده واضافه بر مقررات اعلان هذا چیزی گرفته بودند البته انتظار شدید ترین بازخواست را خواهند کشید وهمچنان ازدائره که محصل مقرر شده باشد ودائره مذکور در بازخواست همچو معاملات متهور ازد بازخواست خواهد شد درمرکز خودم شخصاً برای غورسی حاضرم ورعایا درهمه اوقات میتوانند بحضورم عرض خودرا برسانند اگر ازطرف رعایا در عرض مطالب مذکوره سستی به رسید وکیفیت را بحضورم معروض نکنند خود شان وجدانی مسئول بوده وهرگاه در غورسی شان بکمال قطع ازحضورم بازخواست نشود دیانتاً مسئول شمرده میشوم ودر ولایات مرجع همچه عرایض ومطالب نائب الحکومه ها وحکام اعلی است در اجرای مواد احکام این اعلان درمرکز جمیع دوائر رسمی ودر ولایات - قوماندانهای کوتوالی ونائب الحکومه ها وحکام اعلی مسئول اند . محل مهر سردار اعلی

معین السلطنه صاحب جناب محمد الله خان

فقره مراحم پادشاهـــی
نسبت بمستخدمین کارخانه گوگرد ســـازی

چندی قبل برین حضور امیر صاحب [illegible] کارخانه گوگرد سازی شده بر عملیات وکار روائی انجا ملاحظه فرموده در نتیجه [illegible] شاهانه شان چون کار وفعالیت مستخدمین ان

فابریک منظور نظر شاهانه شد با مراحم و الطافی را نسبت بخود متذکر اند انعقاد ایراد و باتمام معقولی علاوتاً اوشانرا دلشاد داشته اند که ما مفاد نطق ایراد بحضور و عریضه مستخدمین که بحضور احساسات اطلاعی کفابداره ما ادیب محترم جناب محمد یوسف خان سرمنشی حضور ارسال داشته ذیلاً مینگاریم:

نطق همایونی

عزیزانم . مامورین فابریکه گوگرد سازی میدانید که خدمت بوطن برای افراد اسلام الزم بل ضروراست که ایفا بوظائف محوله مرجوعه خود را بکمال صدق اختیار داشته در نتیجه رضامندی خدا — رسول الله اینخادم دین را استحصال کنند امروز که خودم برای — ملاحظات کار فابریکه گوگرد سازی آمده ام و کارهای شمارا ملاحظه کردم حقیقتاً که شما — مامورین بوظائف محوله خود ساعیانه وزیده بود و حسن اجرا امور و کار اداره خود مجاهدات نموده اید حضور والایم از شما اظهار رضامندی فرموده نائل مکافات حضور گردیده اید تا — بین الاماثل والاقران ممتاز بوده اضافه بر اضافه بخدمات خود ها بکوشید و رضامندی حضورم را حاصل کنید .

در خاتمه برای خود و شما مامورین و مستخدمین از خدای متعال جلت عظمته توفیقات — خدمات شایان تحسین بحال اسلام را مسئلت دارم .

عریضه مامورین و مستخدمین بحضور

حضور لامع النور جناب اعلیحضرت اکتساب بهر تاجدار اعلیحضرت دیندار را از حضرت فقید نگار بمرام دارین کامکار می خواهیم .

اعلیحضرتا !

بهار این چمن بی مقدمه مارا چه کار آید — تو گرانی چمن آید بخشید بهار آید

ازین تشریف آوری بزرگانه نخستین شاهکار نما فکار سماداد اقتدار خسروانه تان در ترقیات دین و فلاح اسلامیت ازید و سلطنت عالی بوده مذ امروز است این مقام صنعتی بحضور ریاست گوگرد سازی جمله مامورین و کارگرهای این ریاست از شما شکرگذار بوده افتخار مینمائیم که حضور شما اوقات قیمت خود را بلطف بذل ترقیات صنعت و معرفت فرموده سبب دلگرمی و مسروریت عامه ان شده اید .

شهنشاه معدلتگسترا !

این روز فیروز سعادت اندوز رویست که بفضل و مرحمت و الطاف مهربانانه و نوازشات پدرانه خویش این محل بزرگ و موضع خوب را خجسته و مبارک ساخته و چشمهای تیره خدام خویش را بر انعکاسات معظمانه خود روشن و درخشان نموده و سر افتخار مایان را بکهکشان فلک رسانیده باید قدر می نمائیم.

امیر صاحب امروز خدای را شکر گذاریم که مایان پایه همچه پادشاه عادل آگاه پند از کسر نفسانی جمیلانه از همه وار مصروف و مصروف ولا امرا تکشوری استرفتار داریم و از پیشرفت اوامر دینیه کشانی از عقیده اسلامیه و اصولخواهانه شماست مسرور و متشکر هستیم.

ای تاجدار افغان وای غمخوار همگان — اگر چشم بصیرت را باز کرده خود مارا در برطه جانبازی و ریای فداکاری اند اخته بغمخواریطرزیکه در باره ما رعایای صادق و خدام لایق خود دارید نظر اندازند اختیار قطرات خون خویش قطعه افغانستان را لاله گون سازیم جا دارد و باین انعامیکه حضور شاهانه مایان را ممتاز فرموده تشکر مینمائیم.

در خاتمه دعای بقای سلطنت را کرده باماده و مستعد هرگونه خدمات بوده میگوئیم زنده باد تاجدار افغان — بلند و بالا باد لوای دین اسلام — پاینده باد استقلال افغانستان.

دعوت سفرا در وزارت خارجیه

حسب معلوماتیکه باداره رسانیده شد بعد از استقرار عادت همه ساله چند روز قبل یک دعوت پر شکوهی در وزارت خارجیه ترتیب یافته عالیجناب فخامت مآب سردار اعلی آقای حبیب اللهخان معین السلطنه صاحب و هیئت محترمه کوردیپلوماتیک مقیم دربار کابل با بعضی از زمامداران امور از طرف وزارت معظم الیها بمجلس مذکور مدعو بودند حضرات مدعوین بساعت معینه تشریف آورده از طرف وزارت جلیله پذیرائی شایانی بعمل آمد بعد از انکه مراسم دعوت بصورت مرغوب اجرا گردید مجلس بکمال مسرت خاتمه یافت.

شرفیابی وکلا و اعزه و معتبرین احمد زائی بحضور

ناظرین مطلع خواهند بود که از حسن نیات پادشاهی عموم طوائف و قبائل سمت جنوبی به اطاعت خادم دین رسول الله قبلا امتیاز و بیعتنامه‌ای جداگانه و مرایا متعدد شانرا بوما

عموما بهبارگاه پادشاه پناهگاه شان ارسال داشته وبیعت کردند ــ تنها مردم احمدزائی درین مرحله از دیگران بعقب مانده اسیر مکر وفریب مغرضین بودند تا اینکه درین روزها ازحسن مساعی جناب محمد صدیق خان رئیس تنظیمیه وکوشش دیگر منصبداران شجاع ما طائفه احمدزائی نیز بشرف اطاعت همایونی نائل ورضای خدا ورسول وحکومت مرکزی را حاصل نموده اینک جهت شرفیابی حضور وعرض معذرت خواهی اندرز ونصائح حکومت عموم وکلاء واعزه وصاحبان رسوخ آنها بهمرکاب عالیقدر حاکم شان سید محمد خان بابور حضور وارد مرکز گردیده ــ معززانه از طرف حکومت پذیرفته شدند .

تحریرات جرائد جهان نسبت به افغانستان

تشکر از جرائد طرفدار

در اثنای این انقلاب مقدس که محض جهت تحفظ شئونات دین مبین سید المرسلین و ــ توکید وتبجیل کلمة اللهو دفع آنهمه بدعات وخرافاتیکه در حکمرانی شاه مخلوع امان الله در سرتاسر افغانستان برخلاف مقررات کتاب الله وسنت رسول الله حکمفرما بود از قوه بفعل آمده است عده از جرائد معظمه دنیا طرفدار این اعمال وکردار ما بوده وازما ازکار روائیهای ما تمجید وتحسین کرده اند وبرخی از جرائد محترمه دنیا مخصوصا چند اخبار هندی بواسطه اینکه از اصل حقایق اطلاعات درستی اکتساب ننموده اند وعلاوتا بپروپاگند وتبلیغات مخالفین نیز در بیان شان جریان داشته مخالفت حکومت حبیبیه خادم دین رسول الله نموده اند وکلماتی را نسبت به این حکومت اسلامیه شرقی وهمسایه خویش درج صحائف شان نموده اند که بعد از ــ کسب اطلاعات پی بردن باصل حقیقت خود شان ازان گفته ها پشیمان وبران تحریرات خویش اظهار خواهند کرد .

هرچند قلم توانای ما خوب مقتدر است که به اصلاح افکار وتصحیح القا اخبار وتعدیل کلمات و تنقیدات بیانات شان حسب دلخواه بپردازد ولی ما درینمورد ازحزم واحتیاط کار گرفته به مقابله بالمثل با اشخاصی که از بیطرفی بعدا باینکه درهمچه مواقع زشت برایشان کرامت شده از دل آزار رویه گفتار وتحقیر وتنقید بر دیگر برادران مذهبی خود جدا می پرهیزیم .

بدی را بدی سهل باشد جزا ــ اگر مردی احسن الی من اساء

ومعرفی اعلیحضرت شاه جدید وطن کرا زخد ما ت مجاهد ین بچنان شرح وبسط معقولی کند رحضور شان وبچنان تحریر وتقریر مقبولیکه شایان د هان وزبانشان است وقتا فوقتا نشر وتوزیع داشته ومیدارند نیز مخصوصا اظهار تشکر وامتنان خود را تقدیم داشته توفیقات مزید همچه خدمات مقدسه اسلامیت وانسانیت راکه ناشی از جذبه ایمانی ومراعات حقوق همسایگی استیرایشان خواستاریم .

شورش قشقائیها درولایت فارس ایران

درموقعیکه افغانستان مصروفانقلا بیبوده دراصلاحات امور مذ هبی خود سرشار ودر رفع خرافات بیدعات دوره سابقه گرفتار بوداشت در نقاط دنیا پسا وقائعیهمی بروزداده است که ما وشما پس ازین ازتفصیلات آنها یکی بعد ازدیگری مطلع خواهیم شد .

چنانچه ازمطالعه جراید این یکخبر را اکتسابکرده ایم که درموسم بهار امسال یک شورش برعلیه حکومت ایران درولایت فارس وشیراز ایران با ... که ازتحقیقات ابتدائیه حکومت مرکزی درین شورش دست بیاتند شمنان داخلی ومعاندین خارجی ایران باهمدیگر متفق بوده این آتشی که امروز انسهزقانان سرزمین را قد زیر شعله تحدید خود گرفته افروخته شده است.

جریده (مهر منیر) مشهد اقدرسمینگارد که فیروزمیرزا وزیرمالیه واکبرمیرزا مسعود نائب الحکومه سابق فارس که یکهفته قبل معزول وازفارس محققه معزولا توسط طیاره وارد مرکز شده اسوسرتیپ فضل الله خان زاهدی قوماندان نظامی فارس را ازنقطه نظر حکومت مرکزیه درین شورش مظنون ومشبوه زیرنظر آمده فعلا توقیف وتحت استنطاق ونظارت قرار میباشند .

گفتهمیشود که اینها در حوادث اخیره فارس بهاوت قشقائی ها دراینلا محسه شیراز با همدیگر معاون وانبازبود ند درینزمینه یکطرح بسیارخطرناک خیالی پوشیده بود سایرخیرمرئی را برضد مصالح مملکت ریخته یاغی ها را تشویق وتشجیع نموده اند .

جریده (شفق سرخ) رقمطراز است که حسب اطلاعات واصله وضع فارس رو بخوبی نهاده است چنانچه اشرارکه تا (باغهای مسجد بردی) آمده بودند وجرئت وسفید چشمی آنها را تا پشت دروازه شهر کشانیده بود درمقابل اقدامات دولت متفرق گشته وتا اطراف (خان زنیان) پراگنده شده اند . مراسلاتی که تازیده رسیده مستهوائی مرکزایران ... گردیده امیدواری وتسلی زیادی بعملا قنند اران ایران داده مژده متفرق شدن اشرار وپیشرفت قوای دولت را میرسانند . تصور میشود که

این لکه ننگین با حسن تدبیر زعمای مرکزی و قوای مکفی ولی وجدیت اقای سر تیپ شیبانی بصورت فوری در اینده نزدیکی مرفوع وبد نوع گردد ·

شرح مسافرت

اقای ژی هاکن فرانسوی مدیر موزه خانهای ملی معلم مدرسه لوزا فرانسه درخاک افغانی که تازه وارد کابل شده · بقلم خود شر

از کاریز طبیات بتاریخ ۲۵ ذیحجه ساعت ۶ صبح حرکت کردیم وبسرحد افغانیه بساعت هفت ونیم در اسلام قلعه وارد شدیم رئیس سرحد بعد از معاینه پاسپورتهای ما راجع به ورود ما بذریعه تیلفون به اقای نائب سالار عبد الرحیم خان مخابره نمود اقای موصوف اجازه دادند تا مایان حرکت مسافرت خودرا جاری داریم بهر حال برای تائید امنیت ما ۶ نفر سربازان در موتر با ما حرکت کردند اما اسباب سفریه خودرا در اسلام قلعه تحت نگرانی اقای کارل گذاشتیم ·

جناب اقای کاظمی شارژد افر ایران مایان را در هرات دعوت نمودند · اقای نائب سالار عبد الرحیم خان بمعیت مامور خارجه اقای عبد الکریم خان مایان را بطور [illegible] محبانه پذیرائی نمودند بتاریخ ۲۶ ذیحجه درچهار باغ اقای موصوف حکم دادند اقای کارل با اسباب سفریه ما داخل هرات شود اقای کارل بتاریخ ۲۹ ذیحجه وارد هرات گردید ·

بتاریخ ۴ محرم برای شام خوردن اقای نائب سالار مایان را دعوت کرد وبتاریخ ۶ محرم جناب موصوفرا در قونسل خانه ایران دعوت نمودیم بتاریخ ۷ محرم بمعیت اقای نائب سالار به تخت سفر رفتیم و در انجا عکس چندی انداختیم از هرات بتاریخ ۸ محرم بساعت ۸ صبح حرکت نمودیم اقای نائب سالار سه نفر سر باز را با مایان تا فراه مقرر نمودند وعلاوه بران یکنفر رساله دار را بمعیت ما تا قندهار مامور کردند و اقای حضرت صاحب مجددی با ما همسفر شدند وایشان بهترین همسفر مطبوع محبوب القلوب ما از هرات تا کابل بودند ساعت ۶ شام به سبزوار رسیدیم در انجا اقای نور احمد خان جرنیل مایان را دعوت کرد چون موتر ما در انجا خراب شد موتر دیگر از هرات خواهش نمودند به روز ۱۰ محرم بجانب فراه حرکت کردیم اقای نور احمد خان جرنیل موتریکه مایان را از هرات در انجا اورده بود نگهداشت تا با مایان ۱۲ نفر سرباز دیگر را مقرر نماید · شام همان روز وارد فراه شدیم درانجا اقای جرنیل که حاکم حکومتی مذکور است با رفقای هم مسلک خود مایان را خیلی محترمانه پذیرائی نمودند بتاریخ ۱۱ محرم ساعت ۱۱ شب خط حرکت خود را بطرف گرشک بمعیت چهار نفر سرباز گرفتیم به روز ۱۲ محرم بوقت شام وارد قریه کریز شده شب را درانجا بسر بردیم بتاریخ ۱۳ محرم ساعت ۷ از قریه کریز حرکت کرده

ساعت ١٠ صبح وارد گرشك شدیم تصمیم نمودیم که همان روز رود هیرمند را عبور کرده وارد قندهار شویم بد بختانه موتر ما که روی یك کشتی گذاشته شده بود دریك موضعـــی که اب رود خانه سریع الجریان بود افتاده و تماما از نظر در اینقلا غایب شد .

اقای سید احمد خان حاکم قریه مذکور با کارگران پر توت وارد ساحل رود خانه شدند اقای موصوف یك حصه شب را در انجا گذرانیدند ٢٠٠ نفر عمله بزودی جمع شده تا وقت صبح کار نمودند بتاریخ ١٤ محرم بساعت ٥ شام موتر را که یك لاری دوش بود از رود خانه کشیده وارد با حاکم صاحب نمودند بد بختانه لاری مذکور قابل استعمال نبود زیرا عده محبین از سامان مذکور مفقود وخراب شده بود . شوفور ما علی اقا اثبات صداقت کرده دو مراتبه بسواری اسپ بقندهار برای تهیه سامان لازمه ان مسافرت کردند ولی از انطرف یك اتومبیل تیز رفتار را با خود اورده ما یان بتاریخ ٢٥ محرم با اتومبیل تیز رفتار بجانب قندهار حرکت کردیم اقای کارل سامان را بر ١١ یابو بارکرده در حرکت افتاد تا وقتیکه در گرشك اقامت داشتیم باعث جلب توجه صمیمانه اقای حاکم قریه مذکور شدیم وقت زیاد خودرا در قریه مذکور بمعالجه مریض های انجا گذرانیدیم .

ازتاریخ ٢٥ محرم الی ٨ صفر در قندهار مهمان حاکم ملکی انجا بودیم بکرات و مرات اقای سپهسالار ونائب سالار وعبد اللطیف خان ما یان را پذیرائی نمودند.

بتاریخ ٨ صفر بوقت شام از قندهار بطرف کابل بمعیت وکلای شهر هرات وبعضی اشخاص دیگر مواضع همجوار واقای جرنیل محمد شفیع خان که وظیفه مترجمی را ایفا مینمود لطفا و خدمات خیلی خوب بما کرده است بتاریخ ٩ شام صفر ساعت چندی در مقر استراحت کردیم بتاریخ ١٠ وارد غزنی شده مهمان اقای محمد حسن خان جرنیل بشدیم اقای موصوف با کمال محبت ما یان را پذیرائی نمود .الاخره بتاریخ ١١ صفر سفر خودرا انجام داده ساعت یك ونیم وارد منزل مقصود شدیم تنها قدعوارضی که بما رو داده راجع بوسائـــل حمل ونقل است در همه موضع مامورین حکومت با کمال جدیت وشفقت راجع بوسائل حمل ونقل با ما امداد نموده اند.

کابل ١٣ صفر ١٣٤٨ — زی هاکن

بیعت نامه عموم سادات وعلما وخوانین و رعایای
هزاره جاغوری ومالستان ومیر ادینه وبشهی وشیرداغ

بحضور مبارك اعلیحضرت خادم دین رسول الله پادشاه سعادت واقبال پناه عرض داشت صمیمانه عموم سادات وعلما وخوانین ورعایای هزاره جاغوری ومالستان ومیر ادینه وبشهی وشیر داغ اینکه :ما خود اقراریم که از عرصه پنجاه سال متجاوز است که بد بخت ترین کافه اقوام افغانستان مائیم برای هیچکس پوشیده نخواهد بود که در عرصه اینقدر مدت

از تمام حقوق طبیعی و موضوعی محروم بوده بلکه بعقیده عموم مامورین حکومت گذشته مجموع اقوام هزاره مستحق هیچگونه رعایت انسانیت دیده نمیشد عموم اهل خبرت میدانند که از ما مردم درین انقلاب هیچیك عزت و مقام ابرومندانه با شرفانه سقوط ننموده که امروز از فقدان ان متاثر ومحزون باشیم — هیچ شائیست که نظر بانهمه تجاریح فوق الداده هیچیك از ارباب بصیرت درین زمینه اینقدر استقامت را از ما مردم بفقاد حکومت سابقه مترصد نبوده بلکه برعکس این وضعیت موجوده را انتظار داشتند مگر با تمام اینهمه — قضایا چون ما مردم بشخص امیر امان اللهخان دست بیعت داده بودیم تا زمانیکه داخل خاك افغانستان بود از هیچگونه تعاون ومظهرت تصور نورزیدیم اکنون که امیر امان الله خان بخاك دولت خارجه قرار نموده مشیت خدای توانا قبای شاهی را زیبنده وجود با نمود ان خادم دین رسول الله دیده است ما نیز اراده مقدس حضرت الهی را پیروی نموده — چون حقوق بیعت گذشته از عهده ما مردم فسخ و ساقط گردیده و دیگر هیچ یك مسئولیت وجدانی را متوجه مان نمیدانیم لهذا بکمال ذوق وطیب خاطر این مقام عالی را بذات مقدس شاهانه شما تهنیت گفته (نادر علیخان ولد سردار سلطان علیخان مرحوم وجناب شیخ — سلطانعلی خان و ولی محمدخان) را که اشخاص کلان شونده و معتمد ما مردم اند از — جانب خود ها وکیل قطعی انتخاب نموده بدار السلطنه کابل اعزام نمودیم تا بحضور مبارك — همایونی مشرف گردیده وکالتا ازطرف ما مردم دست بیعت بذات سامی حضرت امیر حبیب اللهخان خلد الله ملکه و سلطانه داده اطاعت ملوکانه شان را بدل وجان ومال — متقبل ومتعهد شده انچه نواقص و احتیاجاتیکه ما مردم اصلاحات انرا از حضور مبارك امید وتمنا داریم همرا وکالتا معروض داشته مارا بپذیرفتن وقبولی ان سر افراز فرمایند در خاتمه اطاعت صادقانه صمیمانه مارا بذات مقدس ستکرارا اظهار نموده از خداوند متعال تا مادام حیات نوازش و مرحمت شاهانه شما را شامل حال خودها وتوفیقات جان فشانی وفدا کاریرا برایمان جهت استرضای حضور مبارك شما ارزو میکنیم تا اگر خدا بخواهد حقوق بیعت واطاعت خدایگانی را بیشتر از پیشتر عرضه و محافظه نمائیم فقط تحریر ۲۲ صفر المظفر ۱۳۴۸ نادر علیخان کلان شونده ما مردم که وارد اینولا گردید تمام مهربانیها و رعیتپروریهائیکه اعلیحضرت خادم دین رسول الله برای او هدایت فرمود بود همه را جهت ما مردم حالی ساخته خیلی خیلی ما مردم را ممنون وبالطاف پادشاهی امید وار ساخت حق تعالی مارا توفیق تلافی عنایت کناد · تحریر مذکور امضاء ها ومواهیر ·

شیخ سلطان علیخان — صمد علیخان — سلطانعلیخان — عبد الله خان — سید علی بابا — یعقوبعلیخان — محمد علیخان کیل — عبد الرحیم خان میرزا محمد اسلم خان — خدابخش خان مقدر خان نجف علی خان — محمد خوجه — محمد هاشم — یوسف علیخان — محمد نبی خان —

حاجی محمد محسن‌خان ــ کاظم‌علیخان ــ محمد حسن خان ــ ملامحمدعلیخان ــ عبد الواحد خان ــ محمد جمعه ارباب میر اد ینه ــ محمد نبی ــ علی خواجه ــ سید میراحمد اغا ــ محمد یعقوب ــ محمد حیدر ــ محمدجمعه ــ عسکر علی ــ غلام علی ــ غلام حسین ــ فتح علی خان ــ علی رازخان ــ صفدر علی خان ــ محمد جمعه ــ احمدعلی خان ــ قربان علی ــ خدا بخش ــ مهرعلی ــ جان محمد ــ محبعلی ــ عبد الشفی ــ نوروز علی ــ محمد نبی ــ محمد ابراهیم سلطانعلی و امضای چند نفر دیگری که خوانده نشد ·

(در شمارهٔ ۲۳ از ورود اورندگان این بیعت اطلاعی مرتم واز احساسات اسلامیانهٔ شان که نسبت به اصلاح هزارهٔ بمسود بحضور شهریاری معروض داشته‌اند صوب مقصود شده اند قبلا مسبوقند ــ امید است که عنقریب از نتیجهٔ اقدامات انها مژدهٔ خوشتری بـــه ناظرین محترم رسانیده بتوانیم ·)

هر باد که بر خیزد گل بر سر گل ریزد

قبلا بعضی وقایع‌فتوحات درخشان که خوش بختانه به تحت لوای عساکر ظفر ماثر مرکزیه به نقاط متعدده حکومت مرکزیه حاصل شده بود تبشیرا بطور متحد المال بسایر حکومات اطراف‌واکناف‌ابلاغ شده عالیجاه حاکم تراه برای اطلاع واستحضار اهالی وسادات وعلما و مامورین عسکری وکشوری انهارا دریك مجمع‌عام قرائت نموده جوابا علمای‌عظام وباقی افرا د لقدحسامی از اظهار احساسات اسلامیانه خود شان‌دریغ ننموده معروضهٔ ذیل را تقدیم داشته اند· (اذاجاء نقلا نصر الله والفتح ورائیت الناس یدخلون فی دین الله‌افواجا) امروز از روز های فرحت اندوزی‌است که ما سادات وعلما ومامورین عسکری وکشوری و ــ اعیان واهالی‌مضافات‌مرکز تراه بحضور دیانت‌ظهور تان جمع و مضامین بشارت‌تضمین وزارت باشرافت امور خارجیه را بگوش پراز ذوق وشوق خودها سمع نمودیم منشخدای را عزوجل که (بر منتهای‌مقصد خود کامران شدیم) یعنی از بقایای‌متمردین ومخالفین کلدنیکه از وعده (ان‌اللهمع‌الذین اتقوا والذین هم محسنون) غافل‌وبداعیهٔ انانیت‌دانیه هوا و هوس‌غافل از (من یهن الله فماله من مکرم) ساعی وشاغل بودند بعضی (کانهم جراد منتشر) وبرخی را هادی (الله یهدی‌من‌یشاء الی صراط مستقیم) رهبر گردیده کلیه طبقات افغانستان همچون جان‌عزیز ما ربقهٔ سعادت بیعت واطاعت اولی الامر شریعت پرور حامی دین مبین ــ اعلیحضرت امیر حبیب الله خان را زیب وزینت رقبه اسلامیت خود ها نموده ــ غایله هایله انتشار درهمه اطراف‌و اکناف مملکت‌عزیز ما صورت‌اختتام وعالم اسلامیت‌واحکام شرع مطهر بحسب‌ارزو وامال ما حسن اختتام پذیرفت ·

در خاتمه بشکرانهٔ این‌وقت و روز فیروز عالم اسلام علاوه بر علاوه رواج دین مبین حضرت سید المرسلین را بترقی عمر وقبال وتعالی جاه وجلال پادشاه دین پرور وزمام داران

عدالت گستر خود ها از درگاه حضرت احدیت بدعا مسئلت نموده مکرر زبان قلوارزوی ما مترنم این دعا است :

الهی تو این خسروی دین دوست ـ که اسایش خلق در ظل اواست
بتقوا وعدلش بهی زنده دار ـ مراد ش بدنیا وعقبی برار

امضاء ات : صاحب منصبان عسکری :
قائد مفرزه چخانسور طوطی شاه خان ـ عبد الرشید برگر چخانسور ـ محمد نادر برگد ـ دولت محمد کندکمشر ـ محمد کریم کرنیل ـ محمدعلی امین نظام ـ سراج الدین باور ـ محمد امین کرنیل ـ غلام حسن تومانداان کوتوالی ـ باقی محر وامظی ۳۵ نفردیگر صاحب منصبان عسکری ·

سادات ومامورین واعیان ملکی :

حاجی احمدخان قاضی ـ شمرالدین خان مفتی ـ نظام الدین خان مفتی ـ محمداعظم خان قاضی سابقه فراه ـ غلام محمد خان مامور خارجیه ـ عبد الاحد خان مامور گمرکات ـ عبد الرحمن خان نورزائی · باقی محر وامظی ۳۸ نفر دیگر از اعیان واشراف ·

مکتوب مفتوح

بنام اخبارات ومجله های علمی ـ ادبی ـ تربیوی و سیاسی هند از طرف حکومت مقتدره ومرکزیه افغانستان بتوسل وزارتجلیله امورخارجیه افغانستان :

روح علم وعرفان وخداوندان دنیای ادبوسیاست مدیران جراید وسردبیران اخبارات ومجلههای مجزیه جنتقلا نشان هند !

در اوقات شدید هرج ومرج وجنگ خانگی افغانستان کهصرف از سوء تدبیرات امیر سابق امان اللهخان در طول وعرض افغانستان بجذبه مذهب پسندی وروایات پروری ما ـ افغانان صدمه سختی وارد نموده (که تفصیلاتش تعریجا بدنیا اشکارخواهند گردید) اجانب دمافعهای دوستان افغانستان را از طرز عمل مجاهدین اسلامی بدگمان وبعض اشخاص غیر ذمه وار درمبادین ترطاس خیالات سوء خود را درملت واحد المقاصد افغانستان و هندوستان انداخته موجب نقض تعلقات شرقی همجواری اسلامی و نفی تمام گونه عزائم مشترکه رانموده رفتند اگرحکومت مقتدر امیر غازی درود عمل بکوشد چقدر صدمه بزرگ ـ بمقاصد هند پسندان وارد خواهد شد مسلمان بودن افغانستان وازاد بودن این منبع شجاع وفاتحین برای همسایگان ذیشان ان تا چه درجه منفعت بخش بوده وخواهد بود · باتیمانعمیار مناصبا اولی الامری) (ان اکرمکم عند الله اتقا کم) است وسر که درین راه فلان ابن فلان چیزی نیست ·

لطفاً برای **لطفا** ارتفاع سوء تفاهم اخبارات و مجله های شریفه را در تبادلهٔ (حبیب الاسلام) با توجه اشتراک بوزارت جلیلهٔ دربار بنام شیرجانخان وزیر دربار جاری نمائید شاید باین وسیله ما ملت بزرگ دامن نشین همالیه و هند وقاف را ذهناً ومقاصداً درجادهٔ صدق واتحاد درآوریم وبه التوفیق .

در اعلان این ارادهٔ سنیهٔ وزارت خارجهٔ افغانستان را مجاز نمودم .

مقام محــــر

ع — هـ

اعلان تعطیل : بمقرب ورود جشن استقلال .

بواسطهٔ معروفیت مطبعه و ادارهٔ ما به نشر اخبار جشن بروز چارشنبه آتیه حبیب الاسلام شائع نمیشود — ناظرین انتظارش را نکشند !

(کابل — مطبعهٔ سرکاری)

شعائر دیانت و نگهبانی مملکت وسیادت ملت خود بخرج دادن ومقاصد خودشرا بدون امر و استیذان دیگری اجراء کردن ومطالب خویش را بغیر از مشوره واطلاعدادن همسایگان پیش بردن ومآرب کارهای خود را خوب خود بخود بکار انداختن ومحتاج و مساعدت اقایانه بیگانگان نشدن را (استقلال گویند) ۰ ۰

بلی زنده بودن یک ملت ودولت محدود است بحصول (استقلال) ونامیده شدنش در تمام عالم وعالمیان محصور است بداشتن (استقلال) ادای وظائف کامله مسلمانی وبجا اوردن محمات انسانی مربوط است بدارا بودن (استقلال) یعنی تا مملکتی ویا ملتی که اقتدار وخود مختاری خودرا در داخل وخارج نداشته باشد اگرچه مدارج عالیه دنیوی را کاملا مالك باشد بازهم از اقطار دول عالیه وملل متمدنه دنیا خارج بوده و دولتش نمیدانند و ملت زنده اش نمی خوانند ۰

الحق کسیکه در معاملات واجرات دنیوی فقط بخانه و وطن خویش محدود بوده خارج از مسکن و موطن خود ازادانه ومستقلانه رفته ود بده نتواند گویا فلسفه ایه کریمه افلا اولم یسیروا فی الارض) را درحالیکه مصداق (انتم الاعلون) هم است ندانسته درصورتیکه تحت اسارت بوده و طوق عبودیت دیگران بر گردن داشته باشد برخلاف فحوای ایه وافی هدایه (انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا) مجبور است که بادل نا خواسته به میل واشاره این وان اجراات بنماید ۰

درصورتیکه نبودن استقلال انسان از تحایف قدرت ولطائف مدنیت بی بهره می ماند و نزد امثال واقران خویش نمیتواند که سر افتخار وزبان گفتارش را بجنباند یعنی از مقتضیات زمان وخواهشات اوان که دم زدن از ترقی عالم وعالمیان وعمل نمودن بر امریکه (واعدوالهم ما استطعتم من قوه) در قران است بی خبر مانده دائره دفع احتیاجات خودش را تنگ و تاریك می سازد ونمی فهمد که در عالم چه قسم اجراات وچه عملیات مرعی ومعمول است ۰

لفظ استقلال : شرافت اسلامی وعزت قومی وعظمت ملی را تأمین وافتخار واعتبار دولتی را توکید و ترصین میکند ۰

استقلال : علاوه براینکه ما اهل اسلام را در بجا اوری تمام امور مذهبی ما ممد و معاون است مارا همسر وبرابر تمام ملل جهان نموده با شرفانه معرفی بسائر جهان وجهانیان همی نماید ۰

استقلال : روح دولت جان ملت است ۰

استقلال ۰ ماحی اقدامات اغیار ومحی تمنیات و ارزو های اصحاب وانصار است ۰

استقلال : محبوب سراپا مرغوب اسلامیان ومطلوب دیانت اسلوب افغانیان است ۰

بالحاصل از روی احوال اجتماعی وانفرادی (استقلال) مایه شرف وافتخار است و باعث حاکمیت واعتبار مالك ان همراه عالم وعالمیان در سلسله جنبانی معاملات شریك ودر مراودات ومناسبات همسر و هم رفتارمیگردد ۰

گرچه دولت متبوع وملت محبوب ما سال یازده همین استقلال پرعظمت واجلالش را استقبال

کرده اند اگر ما در مقابل ان شکرانهٔ لازمه انرا همه تن زبان شکران گردیم به پیشگاه قادر حقیقی چنانچه شاید و باید تقدیم کرده نمیتوانیم پس باید که ما قدر ومنزلت انرا بیش ازپیش دانسته در مقام تحفظ وصیانتش همهٔ ما یکدست ویک جان شده تیر چشم معاندین و سپر خنجر مغرضین تادم اخرین گردیده در تحفظ احترام ان از مال واسباب وروح وروان خود صرف نظر نموده باظهار غیرت وهمت و ابراز مساعیات ومجاهدت خویش درین مقصد خیر مرصد مرگ با شرف خودرا ارزو کنیم تازندگی جاوید را حاصل داشته نام نامی خود را بواسطهٔ شقاق ونفاق وخانه جنگی وجهالت بروری مبدل به ذلت وگم نامی نسازیم ونتیجهٔ ان مجاهداتی را کهقد غزات وشهدای راه استقلال بهزار زحمت وخون جگر بکف با کفایت خود حاصل و بما امانتا ودیعه فرموده اند رایگان ازدست نداده تا اخرین لمحات نفس و اخرین افراد خود — باید انرا حمایه کنیم و درحق خادم دین رسول الله وحامی بلاد الله امیر حبیب الله خان و سائر وزرای صادق ومامورین لائق او دعا کنیم که خداوند اونهارا در ایفای خدمت واظهار مجاهدت درین راه مزید بر مزید موفق کند.

ورود وکلاء وبیعت نامهای عمومی اهالی هزاره

روز شنبه ۱۹ ربیع الاول زیاده بر دوصد نفر از وکلاء واعزه وصاحبان رسوخ هزاره بهمراه بیعت نامهای عمومی اهالی هزاره بغرض دستبوسی حضور وتقدیم عرائض اخلاص عقیدت عمومی ان ولا — وارد مرکز شده معززانه بشرفیابی حضور خادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان بذیرفته شده اند.

این وکلا واعزه ومتنفذ ین هزاره اولا استدعای عفو ان حرکات سابقهٔ شانرا که بنابر سوء— تفاهم وفریب مغرضین چندی قبلیرین ازوشان نسبت بحکومت مرکزیهٔ اسلامیهٔ شان سرزده بود — بکمال عجز وفروتنی به پیشگاه بارگاه خادم دین رسول الله تقدیم نمودند — ذات ملوکانه درین مورد هم از برده باری و تحمل وخطا پوشی کار گرفته رقم عفو را برناصیهٔ اعمال پیشتر شان کشید وهمهٔ اهالی هزاره را در تحت ظل رافت وعنایت خویش در اورده همه انهارا در سلک دیگر رعایای محبوب شان منسلک نمودند.

عرض راکهاین وکلا بحضور شاهانه نسبت بعفو محمد امین خان برادر کهتر امان اللهخان شاه مخلوع وخواجه هدایت الله خان طرفدار معروف شاه موصوف نمودند نیز از شیوهٔ خطاپوشی وروبهٔ عطا پاشی که خدای پاک برای ذات خسروانهٔ شان عطا وکرامت کرده است قبول و— منظور گردید.

این وکلا بعرض رسانیدند که فعلا برای انجام خدمات مرکزی اقوام وتفری موکلین ما بکمال خوشی وطیب رضای خویش چون در عصر سراج الملة والدین در نفری میر امیور شاهی اقوام ـ هزاره نیز مشمول می بود ـ اکنون ما هم همان نفری میر امیور را بحکومت مرکزی خود میدهیم وعلاوه بران الی سه هزار عسکری را حققرق بحضور تقدیم میداریم وبعدا ها هم بهر اندازه که عسکر ونفر امر شود بهر نقطه‌ٔ که مطلوب باشد اعزام میداریم .

این وکلا فعلا در مرکز بصورت مهمانی رسما پذیرفته شده در مهمانخانه‌ٔ عالیه سرکاری خیلی احترامکارانه مسکن داشته هر روز یکمده از انها جهت شرفیابی حضور وصرف طعام بر خوان حضوری پادشاهی مشرف شده‌میشوند ـ اغلبا پس از اقامت چند روزه و اخذ هدایت واتخاذ جواب امور فیصله طلب خویش و ایـن جهت تسلیت اقوام و طمانیت دیگر انام هزاره وایـن ـــ مرخص خواهند شد .

نفاق افگنی نادرخان درحواشی افغانستان

(مکتوب)

جناب محترم مدیر صاحب اداره‌ٔ جریده حبیب الاسلام .

اینجانب که محرر سطور هذا است درنتیجه‌ٔ تحقیقات عملی خود موفق شده کهتمام اهالی افغانستان این انقلاب حاضره‌ٔ افغانستان را با همین طرز حکومت که اساس وبنیاد ان بر روی دین رسول خدا نهاده شده وپادشاه درعنوان رسمی خودرا خادم دین رسول الله‌( ) معرفی نموده انتظار داشتند.

وحمد الله باین مرام خود کامیاب‌امده تمام خورسندند که بدعات حکومت گذشته به همت جوانمردانه این شخص غیور که بر سریر سلطنت تکیه زده رفع ودفع گردید ودر استقلال مملکت که بعضها قبلا تصورات پوچی داشتند دیدند که باچه کمال جوش وخروش تائید بعمل اورده شد فرمود ازافکار بعضی این اشتباه هم رفع وزایل شد ـ البته مسلم استکه بهترین حکومت در نظر افراد همان حکومتی است که با تمام خیالات ملت همراه بوده تباین وتنافر فکر وخیال در بین موجود نباشد اما بر خلاف این اگر بعضی مغرضین تصور‌کنند ـ برای عدم رضای ـ خود ازین‌طرز چه دلایلی اقامه خواهند نمود .

معلوم است چیزی نیست ومن باقوت قلـب وجوش ملی این مطلب رابشما میگویم ودریابان چنین مینگارم :

(محمد نادرخان) هم چنان کهقبلا شما نشر اخبار فرموده بودید تا این زمان بکلی مفقود الاثر بود و معلوم است همسایه مهمان‌نواز شرق وجنوبی ما این خیانتکار را پرورده ـ گرفته در مقابل مملکتعزیز مارا از وی قباله کرده دو باره نادرخان را برای استرداد سلطنت افغانستان به سمت جنوبی فرستاده زیرا محمد نادرخان نه پولی از خود داشت ونه اسلحه و

نه سامانی پیروت در باره او چه معنی دارد . در صورتیکه از سمت جنوبی یا یك عالم — خجلت و شرمساری بی اثر شد وبرادران جنوبی ما وی را بمقاصد سوئش عموما مشایعت نفرمودند بلکه اکثری از اقوام جنوبی که طرفداران حکومت حبیبیه بودند بمخالفت وجدالش باوی بمقابله — کمر بستند اما همطیه ما صریح تر بگویم انگلیس هنوز رو حیات این ملت یند از افغان راخالی نشده ونفهمیده که ملت شجاع افغانستان درین جشن پنج روزه فریاد های استقلال را باسمان رسانید هویا بلند زبان میگفتند !!! تا اخرین لحظه خون هاي خودرا در راه حفظ وصیانت استقلال فدا میکنیم .

جناب مدیر . از طرف من مجازید که این مکتوبمرا در اولین شماره اخبار خود نشر فرموده از سوء نیت وقصد نادرخان (بایع افغانستان) به تمام ملت بگوئید که اگر احیانا خدنخواسته بخطا نرفته باشد وبي خواست این وضع تنگ اور را عملی کند اماده قلع وقمع اوشده اثار این چنین — رجال خیانت کار را در صفحه پاك ومقدس افغانستان نگذارند وبا حریف دریشه هم شما — بوسایل موجوده یك طرز مفاهمه ریخته بدانید که چرا یك مرتبه دیگر نقشه وصورت حقیقت معاهده ۱۲۹۸ را تجدید میکند . ایا همجوانان شجاع این خاك مقدس را که براي نام وناموس وطن — خود حیات را یك بار گران می شمارند فراموش کرده . وقدر وقیمت استقلال را که در نفوس این توده احرازشده نمی داند . و باز نمی فهمد که دین ومذهب در افغانستان چه مفهوم دارد .

بشما قسم میدهم این مکتوبمرا نشر اخبار خود نموده ملت را اگاه سازید تا اگر واقعه همچنین بود که من میگویم تکلیف خودرا بدانند . (امضاء : یك جوان مسلمان)

حبیب الاسلام :— اقلبا این جوان مسلمان وطن دوست این خبر را از افواهات منتشره — کسب کرده انوجد به وطنخواهی واستقلال دوستی شان محیج این احساسات جگرخراش — گردیده است — لهذا ما از یکطرف امثال این احساسات اسلامیه وطن پرستانه را تقدیر واز جانب دیگر صحت امثال این اخبار سر بازار را تصدیق کرده نمیتوانیم زیرا انسان سلیم الراي را نباید باستماع هر خبریکه میشنود گوش بدهد واز مال اندیشی وعاقبت بینی کار نگرفته اطراف قضیه را نسنجد .

(محمد نادرخان) راکه قبل از بروز انقلاب یك شخص صادق وطنخواه ومملکت پرور ملت دوست می شنیدیم (چنانچه ذات شاهانه هم در اول جلوس شان اورا از همین نقطه نظر دعوت مراجعت بوطن را داده علاوتا مبلغ گزافی راهم جهت مخارج سفریه او همست احمد شاه خان پسر کاکایش بافرمان شفقت توامانی فرستاد اما هواجس شیطانی ووساوس نفسانی این مرد را از راه برده معروف بحرکات ناملائمه نموده چندی از اقوام غیور جنوبی را برعلیه حکومت مرکزی شورانید وچند بن صحنه خونین کشت وخون فی البین مسلمین را تشکیل داد . اینکه نتیجه را برخلاف انچه تصور کرده بود دید وزحمات وتکالیفی ازحد زیادیرا ازدست عساکر شجاع ما کشید وبشید کهخود نمیداند وجان خسته وناتوانش . بالاخر بیك حالت سرا سیمگی منهزم و

بحکومت انگریز منضم گردید چون قوت عسکری وتهورومحملات شیر مردان شجاع مارا نامبرده بوره میداند وبی فهمد که هر فردی ازین عسکر تا اخرین رمق واخرین دانه کار طوسش جنگیده مفت میدان را بحریف نمیگذارند) ازین جهت یقین نمیکنم که وی ایشطوریك شخص جاهل و لایعقلی خواهد بود که باوجود تجربهای بیشتر و شکست های متواتری که از عسکر ما نصیبش گردید مباز عزم مقابله مارا بکند • ویا محض غرض نفسی وتلذذ ازچند روزه زمامداری خود وادار شود که ملت اسلامی و مملکت افغانی مارا به تحت الحمایگی اغیار سپرده نام خودش را از دائرهٔ اسلامیت وافغانیت ووطن خواهی محو وزائل نموده خود را مطعون خواص وعوام و منفور نظر سائر انام بنماید • و بمصداق این قول که :

بسا نام نیکوی پنجاه سال — که یك کار زشتش کند پایمال

شخصیتش را بدنام جهان افغانی ورسوای عالم اسلامی کرده خسرالدنیا والاخره شده طوق حمایت وبندگی اغیار را بگردن خود افگنده باشد • واحیانا اگر پردهٔ خیانت چشمانش را دوخته وخود پسندی وجاه طلبی عقلش را ازسر ربوده یا بطوریك حرکت سرایا مذلت اورا وادار کرده باشد — پس تنها بقول (نادرخان) وچند نفر لچك وبی پدر جنوبی مهر ملت زنده وتمام تبعهٔ اسلامیه افغانیه ابدا بقبولیت این مذلت وعبودیت تن نمیدهند وگاهی تحت این بار بدنامی وبندگی نمیروند•

بلکه دائما بزیر علم اسلامی تحت رکاب امیر حبیب الله خان غازی برای دور کردن این لکهٔ تاریخی وتحفظ عزت و شرافت اسلامی و حفاظت استقلال و حریت ممالك افغانی خود تا ریزاندن اخرین قطرات خون وقربان نمودن اخرین افراد خود حاضریم وابدا از امثال این چال بازیها وگربه رقصانیها وخرد وانی های مغرضین ودشمنان دیرین خود ابرو خم نمی کنیم بعون الله تعالی •

امدیم بر این مسئله که (نادرخان مملکت مارا بر انگلیز فروخته باشد) بلی (نادرخان) و دیگر مغرضین وخائنها همه وقت حاضرند که بر طبق مثل مشهور (گنجشك ناگرفته بیسه را ده تا) مملکت را سودا کنند ولی بالمقابل هیچه فروشنده گان بی عقل احمق — باید خریدار هم یك مرد کهٔ بیعقل نادان دبنگی باشد •

حالانکه حکومت انگلیز امروزه روز در عقل ودانشمندی شهرهٔ آفاق و در حزم واحتیاط ودور اندیشی خوبتر طاق است — وسیاست انگلیز فعلا چنان تقاضا دارد که ملت افغان مرفه الحال واز تجاوزات خارجی فارغ البال بوده یك سد طبیعی بین انگریز وروس باشد • علاوتا برطبق مقررات بین المللی) درهیچه مناقشات داخلی که صورت نزاع خانگی را دارد به انگریز ونه روس ونه دیگری حق مداخله را در امور اندرونی مملکت ما دارند •

انگریز گاهی مخالف از احساسات عمومی وبرضد جذبات وميل وارزوی حقیقی مملکت افغانی کاری را نمیکند — وابدا دوستی ومحبت افغانستان را بگفتهٔ این وان ازدست نمیدهد •

از حقایق (نادرخان) طوریکه شما واقفید که برادران جنوبی ما اورا مشابعتی ننمودند بلکه اکثری از اقوام جنوبی که طرفدار حکومت حبیبی بودند بمقابله ومقاتله با او کمر بستند ـ رجال حکومت انگریزی بلند تر وخوبتر و افزون تر از عدم موفقیت و ناکامی او اطلاعات دارند وبیدانند که (نادرخان) دریك خطه از حواشی افغانستان بدون میل وخواهش و ملعدت افغانان ـ فریق تشبثات مایوسانه‌اد ارد وابدا بمقابل مانند عساکر شجاع حبیبیه و جذبات عموم افاغنه کاریرا ازپیش برده نمیتواند ـ پس چه طور میتواند شد که با وی مناهمه ویا امدادی بر خلاف توقع عمومی کرده خواهند بود •

عرض تشکر به قدردانان علام حبیب الاسلام

بمناسبت اشتراك ومعرفی یکعده از مشترکین منسوبین وزارت جلیله حربیه که از توجه و عرفان پروری ذات میمنت صفات حضرتعالی سردار اعلی معین السلطنه صاحب و اقای محترم محمد محفوظ خان معین ـ بجریده حبیب الاسلام تازه صورت گرفته ودر اینده نزدیکی بماوعده فرستادن نامنویس یکعده زیادی از دیگر ارباب مناصب عسکری را داده اند تشکرات وامتنان خویش را بحضور ایشان تقدیم میکنیم زیرا جای شکر ومسرت است همچنانکه حضرتعالی معین السلطنه صاحب و سائر صاحب منصبان صنف جلیله عسکری حکومت اسلامیه ما علاقه مفرط در ـ امور عسکری واتکا به قبضه شمشیر دارند همچنان قلم را هم از سیف کم ندانسته در جهان ـ مملکت داری هردو را ترقی وپرورش میدهند وبالتدریج این دوفن جلیله را بوادی تعالی و ـ ارتقا میکشانند •

هکذا به نسبت معرفی یکعده از مشترکین دیگری که باین اداره از لطف و معارف دوستی جناب عالی محترم اقای عبدالقدیر خان رئیس تنظیمیه قندهار که یك شخص مسلمان وخادم صادق افغانستان میباشند بعمل امده و نمونه از علاقه مندی شان بجراید وطن وعرفان مملکت شان ـ میباشد عرض شکریه وشت داری خودرا بحضور ایشان هم تبلیغ نموده مزید دوستی وعلاقه مندی شانرا راجع بجراید وطن شان وسائر اسباب ترقی مملکت از خداوند متعال تمنا ونیاز میکنیم •

و همدرین زمینه از عموم وزرا و اراکین مملکت و نائب الحکومه ها وحکام اعلی که هر یك ـ خدمتگار صادق وعلاقه مند بخوبیهای مملکت هستند چشم براه هستیم تا باین رویه ذوات موصوف پیروی نموده بازیاد خریداران ومشترکین حبیب الاسلام توجه و کمك تمام خودرا باین جریده وطنیه شان معطوف و مبذول نمایند •

(ورود جناب سرمنشی غلام نادرخان)

در ایام جشن جناب سرمنشی صاحب حضور عالی نائب السلطنه صاحب اقای غلام نادرخان که یك شخص فعال وطن دوست واجراات ان دائما جهت خیر حکومت وبهبود ملت مشاهده میشود ذریعه طیاره جهت شرفیابی حضور واخذ بعض هدایات لازمه وارد مرکز گردیده اند اغلبـا معزی الیه پس از اتمام امور سررشته طلب شان وایسرعائم قندهار خواهند شد •

این جشن استقلال یازدهمین را بعموم ملت افغانستان [illegible]
مبارکباد میگوئیم

اگرچه واقعات این جشن استقلال به تفصیلیکه لازم بود در روزنامه جشن هر روزه ــ نشر وبه ملاحظه عموم شائقین اهالی مرکزی موصول گردیده است ولی ما محض جهت تفریح ناظرین محترم خویش خواسته ایم تا خلاصهٔ جریانات وحصص مهمهٔ انرا محض ایراد معلومات و تفریح قارئین دور ونزدیک خود مجملا قلمبند نمائیم مع۱۰)

به تقریب ورود مسعود این ایام فرخنده فرجام جشن سال فرخنده فال یازدهمین (استقلال) که یاد از عظمت و وقار افاغنه وتذکار از شجاعت وحماست و وطنخواهی عموم تبعه وسکنهٔ افغانستان میدهد عرض (مبارکبادی) این جشن را بحضور تمام اهالی افغانستان نموده متعاقبا نقل ان اعلان عالیشان خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب الله را که از فرط وطنخواهی وتبعیت پروری شان در موضوع اعلام تهنیت این روز فیروز وانعقاد این جشن مسرت اندوز از حضور شاهانهٔ شان انتشار داده اند با یک عالم ابتهاج و افتخار ــ اندراج میدهیم و هو هذا :

اعلان تهنیت جشن استقلال

ملت عزیزم . لذات روحانی استقلال مبرهن خدمات وجانفشانی واین مقدار قبول زحمت که در شباروزی برخود وبانی برادران عسکری شما وادار شده ام روشن خواهد بود که یگانه مقصدم بمحافظهٔ ناموس وشرف و عزت وطن وملت افغانستان است و خصوصی افکارم بمراقبت و مراعات اوامر خداوندی وپا س دین حضرت سید المرسلین حیات مادی و معنوی یک مملکت استقلال است وبرای محافظات وترقیات و امتیازات داخله وخارجهٔ وطن (استقلال) ــ حتمی است واکنونکه الحمد لله تعالی ملت نجیبهٔ افغانستان دارای استقلال تامه است در راه خدمات وجوب محافظت استقلال سر را پا ساخته ساعی ومجاهدیم همانطور که جسم ــ روح را متلقی وارزو[illegible] مند و دوستدار است میدانید ومیدانم کهخودم با تماما ملت افغانستان هکذا تا روح در بدن است این متاع قیمتدار ونایاب را ازجان ودل خریدار وجان نثاریم اگرچه موقع در افتشاش و هنوز گرد این انقلاب در رخسار ها هویدا وتلفات این همه ذخایر ونفوس ــ مملکت ما جگر خراش است باری که ورود مسعود تاریخ (استقلال) بخاطرم رسید با یک عالم مسرت وبلبه هان فرحت شادان گردیده سر افتخار به گنبد دوار میسایم که دارای چنین نعمت مجلل وباشکوه داشتیم : بیائید که زمان استقبال و تعظیم استقلال است بشتابید کهمنا ئید این روز سعید مسرات وجبیهٔ طبعی خود را بتقدیم رسانیم چه امروز دو شنبه ۲۷ اسد مطابق ۲٤ ربیع الاول دورهٔ سال یازدهم استقلال جلوهٔ ظهور میفرماید .

افتتاح واختتام وتعیین اوقات ومواضع نمایشگاه را بملاحظهٔ پروگرام واعلان های جداگانه که از طرف وزارت دربار شاهی شود مسبوق میشوید .

افتخارا بر عدم وقت اوقات مسرت و ایام فرحت ان امسال کمتر گرفته شده زیرا بر علاوه در تزئید ایام بمناسبت گرفتاری امورات سلطنت که فعلا ابتدائی گفته میشود و مصروفیت در امورات امنیت و تشکیلات مملکت بیشتر لازم است صرف اوقات نمیتوانیم ·

برای رفاهیت وبهمرسیدن اهالی نسبت به رفع تکالیف امد ورفت و دوری راه مواضع ترتیب وتزئین ونمایشات جشن موصوف بلب دریا متصل منار یادگار که واقع است در مقابل قریه ده مزنگ مرتب گردیده که اوقات توقف وتردد دراین موضع به بسیار خوبی گذشتانده میشود در خاتمه ابذال خداوندی را بخوبی بخشی و اقبال بلند وترقیات فوق العاده اتیه این وطن مقدس وشما ملت نجیبه افغانستان نیاز داشته اعلان هذا را به استحضارت عمومی شایع نمودیم · ۲۵ صفر المظفر ۱۳۴۸ · (محل مهر پادشاهی)

تقدیر صنعت و حرفت مملکت

چیزیکه استقلال حقیقی یك مملکت را تأمین و تحفظ میکند ترقی صناعت وحرفت است یك مملکت وملتیکه در فن صناعت و حرفت ترقیات شائسته را نائل میباشند البته ان ملت ومملکت خیلی خوشبختبوده در دامن ثروت ومکنت فراوانی که از دنیای صنعت وحرفت حاصل میکند بخوبی میتواند استقلال خودرا محافظه نمایند ·

جای افتخار است که الحمد لله تا اینقدم ترقی صنعت وحرفت افغانستان عزیز ما بپا استقلال حقیقی ان همعنان و گوش بگوش بوده رو بوادی ارتقا گذاشته است و از لحاظیکه یکی از اسباب حفظ استقلال وباعث ابرومندی مملکت و ملت شمرده میشود همیشه طرف توجه ودقت اولیای حکومت افغانستان بوده الان هم جای خیلی شکر ومسرت است که نسبت بسابق حکومت موجوده اسلامیه ما خوبتر وبهتر تر مزایا و فوائد صنعت وحرفت را متحسس بوده انرا بطرف تعالی وارتقا کشانیده امر واراده فرموده است که در این جشن استقلال بترقی صنعت وحرفت مملکتی رسیدگی گرده ودر جمله نمایشات بکسانیکه در فن و کسب و کمال مخصوصه خود یکقدم پیشتر رفته اند انعام بدهد تا سبب تشویق و ترغیب اوشان شده صنایع و حرفت مملکت باین وسیله مراحل تکامل خود را تدریجا طی کند ·

اینك ما خلاصه ان اعلان انعامیه را که از طرف وزارت تجارت حکومت عالی اسلامیه ما درباب صنایع و حرفت قبل از جشن نشر و بمقامات لازمه ان تقسیم شده است برای مزید استحضار مخصوصا برای اگاهی کسانیکه در این جشن حضور نداشته ودر ولایات مسکن دارند باخبار خود نشر میکنیم تا علاقه مندان افغانستان مستحضر شده در سنوات اتیه باعث تشویق اوشان در تکمیل صنعت مخصوصه شان گردد :

تکه باب پشمی وابریشمی وقالین ساخت کابل درجه اول ۱۰۰ درجه دوم ۶۰ سوم ۴۰ روپیه · تکه نخی وسنگ تراشی وعطریات ورنگ سازی وکاشی وشیشه سازی و چرم گری درجه اول ۶۰ – درجه دوم ۴۰ سوم ۲۰ روپیه · طنبور ساخته وسطرنجی وطنی درجه اول ۷۰ – دوم ۴۰

سوم ۲۰ — روپیه · شالکی درجه اول ۴۰— دوم ۳۰— سوم فقط ۱۵ روپیه ·
ابریشم دوزی وگل وخامك وچکن درجه اول ۶۰— دوم ۴۰— سوم ۲۰ روپیه ·
کلاباتون وسیم دوزی وحکاکی ونجاری واهنگری وماشین سازی و زرگری وسراجی وصابون
کاکل وخیاطی وگلیم بافی درجه اول ۴۰— دوم ۳۰ — سوم ۱۵ روپیه ·
مسگری وچاقو ومقراض وعلاقه بندی وشیرینی ونخ وگل طبیعی درجه اول ۳۰—
دوم ۲۰— سوم ۱۵ روپیه ·
رنگ تحریر درجه اول ۱۰۰— دوم ۵۰— سوم ۲۰ روپیه ·
بیت و بوریا وچیغ درجه اول ۵۰— دوم ۴۰— سوم ۳۰ روپیه ·
تالیف کتاب اخلاقی وفنی درجه اول ۱۶۰— دوم ۱۰۰— سوم ۶۰ روپیه ·
متفرقه عند اللزوم قرار تقسیم ۵۰۰ روپیه ·

مراسم افتتاح جشن یازدهمین استقـلال

چون تزئینات مکمل روزانه وشبانه منطقهٔ جشن که از حد پل سنگی ماشینخانه الی اولین پل بزرگ سنگی جادهٔ مستقیم دار الحبیب قبلاً مهیا وآماده ودکاکین کافی وارد وبازار عالی آن از پیش مرتب گردیده بود وپروگرام منتشرهٔ مدیریت جشن افتتاح این جشن یازدهمین— استقلال را به تعلق خادم دین رسول الله بساعت ده بجه صبح روز دوشنبه نشان داده بود لهذا جمعیت های بزرگ وازدحام زیاد انام جهت شمولیت بجشن واستماع نطق حضور از صبح این روز آغاز ودر اطراف ساعت ۸ و ۹ کسب ابزاد وافزونی گرفت واطراف منبر بلنـد نطق شاهانه را که در یك میدان وسیع باغچهٔ فرحت واقع است دریا ازدحام بسیار انبوه— گرفتند پسران شهدای استقلال نیز با لباسهای مخصوصهٔ شان حاضر وافراد عسکری و قوهٔ انضباطیه نیز ناظر تشریف آوری موکب خسروی بودند تا اینکه بوقت مقرره موکب شاهی رسید و مراسم تعظیم شان باستیلام عمومی وموزیك عسکری بجا آورده شده طیاره ها نیز از فضا ورقه های تبریکیه را نثار کردند — پس از آن جناب مستطاب آقای خواجه تاج الدین خان رئیس بلدیه عریضهٔ تبریکیهٔ را که از طرف عموم ملت جهت این موقع قبلاً تسوید وترتیب ودر یك ورقهٔ— طلائی مطول مرقوم گردیده متعلق بود بحضور شاهانه قرائت فرمودند ·

پس از ختم معروضهٔ مذکور ذات شاهانه یك خطابهٔ عسکرانه بی ساختهٔ پرجوش را ایراد ودر جوش وخروش حضار ابزاد فرمودند در ختام بیانیهٔ اسلامیانهٔ شاهانه حضرت عالی انجب عرفانی مدار آقای شیر جانخان وزیر دربار نیز عرض شکریهٔ بموقع مناسبی بعرض رسانیدند که ما در ذیل نقل تبریکنامهٔ اولیه را از روی تسوید رئیس صاحب بلدیه وتعلق شاهانه وعرض شکریه وزیر صاحب دربار را حسب اطلاعی که بما فاضل محترم آقای محمد یوسف خان سرمنشی کرامت کرده اند ذیلاً یکی بعد دیگری عیناً مینگاریم — درختام این گذارشات موزیقه های متعدد بسرائیدن —

اغازید و مجلس نطق درکمال فرحت وبشاشت و (با چهاریار هاي) برجوش منحل وامیر صاحب با هیئت کور دیپلوماتك بخیمه مخصوص شاهانه رونق افزا گردیده شرکای جشن بملاحظه اتن ملي در تفریح وساعت تیري شان افزودند .

نطق تهنیت از طـــرف ملـــت

خواجه تاج الدین رئیس بلدیه (قلمی)

اعلیحضرت شجاعت تخمیر افغان امیر حبیب اللهخان ما رعایاي صادق و خیرخواه شما این جشن سال یازدهم استقلال افغانستان را بشما پادشاه استقلال خواه خود ـ مبارکباد میگوئیم .

اعلیحضرتا ! با انکه امروز اتش انقلاب در خرمن هستی ما ملت شعله افشانی میکند اما حمد الله همتبلند شما فرزند غیرتمند افغانستان در همین احوال اسف اشتمال هم شرف وعزت وطن مقدس ملا که استقلال تامه افغانستان است فراموش نمی فرماید وخون پاك وکارنامهاي مقدس شهداي راه استقلال افغانستان را هدر نمی ماند و پایك طنطنه باشکوه اجلال جشن سال یازدهمین استقلال را اجرا میکند ـ ما ملت بوین عزم محکم شما که براي استحکام استقلال افغانستان ظاهر فرموده اید و اعلام و اعلان کرده اید افتخار میکنیم .

اعلیحضرتا ! چون در دین ودنیایما اعتبار شخصی بسته باعمال صالحه و ارادت تامه میباشد ـ یعنی (ان اکرمکم عند الله اتقاکم) نزد ملت ما هیچ شخصیت وسلسله خانداني وقع واعتبار ندارد هر پادشاهیکه بذات خود عادل باشد مسلمان باشد از شریعت حضرت خیر البشر تجاوز نکند مخالف بعرف وعادات ما قوم واقع نشود ترقیات جائز ومشروع براىما حاصل کند ظلم وبیداد را از مملکت ما رفع کند . دست حاکمهاي ظالم رشوت ستانرا از گریبان ما ملت قطع فرماید . مردم نیك وپاك را قدر کند . اشخاص متمرد وبیباك را زجر دهد ـ علـــم وعربیت را در اولاد ما رواج بخشد . و ابواب زراعت وتجارت را برروي ما بکشاید . گویا براي افغانستان همان پادشاه بهترین راهنما وخوبترین فرمانفرما گفته میشود .

مائه رعایاي صادق شما از خداي خواهیم که شما بهترین پادشاهان وحاکمهاي شما بهترین حاکمهاي افغانستان ثابت شوند .

اعلیحضرتا . تاریخ ایران تا امروز بر نادر شاه افشار افتخار میکند ـ ملت ایران امروز بر نام رضا شاه پهلوي فخر ومباهات میکند . انشاء الله تاریخ افغانستان هم بر دیانت و ـ شجاعت وعد الشوطلم گستري وعسکر پروریهاي شما افتخار خواهد کرد وافغانستان شمارا انقدر عزیز ومحبوب خواهد داشت که نادر شاه درایران آن محبت وعزت را هیچگاه احراز نکرده ـ خواهد بود .

اعلیحضرتا . ما ملت از نتائج خود رائي امان الله خان بسیار خسته وپریشان شده ایم ـ امان الله خان تلقه مشورت گفت واز هیچکس نشنید . امان الله خان ازادي مشروعه ملت را اعلان کرد

و تماما مخالف باصول دین وعرف وعادت ما قوم رفتار نمود . وکلای ملت را در شورای ملت جمع کرد اما از مسائل اداری گذشته حتی امور اجتماعی مارا بسر تنهائی خود حل وفصل می نمود . رشوت ستانی را بد میگفت اما خدمتگاران رشوت ستان خویش را جزا نمیداد وعزل نمیکرد . امان الله خان برعیش پرستیهای گذشته استهزا وتمسخر می نمود بذات خود ابواب عیش و وسائل عیاشی را بر روی خوب وخراب مملکت مفتوح میساخت .

اما از شما متوقع وامید واریم که ان همه اسباب نفاق ونقاضت دولت وملت را که در عصر امان اللهخان فراهم شده بود از میان رفع خواهید فرمود ونفاق بار دیگر موقع وفرصت خانمان سوزی دولت ورعیت افغانستان را نخواهد یافت هرکس به تحت امر دین و شریعت حضرت سید المرسلین بمال وجان خود مامون ومصون خواهد بود حکومت اعلیحضرت شما که یك حکومت مرغوب ومطلوب ملی ماست وخادم دین مقدس اسلام وپاسبان مال وجان ما گفته میشود باتفاق ملت این مملکت را اداره خواهد کرد ومقصد ومدعای این انقلاب راکه اصلاحات امور اداری ورفع اسباب بدعت است فراموش نخواهد فرمود .

اعلیحضرتا . چون این انقلاب برای رفع اسباب بیگانگی دولت وملت افغانستان بوقوع پیوست ما از درگاه خالق توانای خود همین استدعا می نمائیم که حکومت شاهانه شما همیشه با ملت خویش همفکر ومتفق باشد – ما بشما پادشاه ملت دوست سخن شنو خویش مژده اتفاق و وعده انقیاد رامیدهیم ویقین داریم که انشاء الله اتفاق شما وملت اسباب و وسائل ترقی و تعالی مشروع ومعقول را نسبت بهر زمان خوبتر و زودتر در افغانستان فراهم خواهد کرد ومثل سایر اقوام ترقی یافته دنیا فرصت جهد وکوشش را ارزانی خواهد نمود ومارا سریعتر بمنزل مقصود خواهد رسانید – باقی از صمیم دل میگوئیم زنده باد اعلیحضرت امیر شجاعت تخمیر افغانستان و پاینده باد استقلال تامهٔ افغانستان .

نطق جوابیهٔ حضور در افتتاح جشن استقلال

برادران مسلمان ورعایات صداقت مند افغانستان .

اولا بهمه شما این جشن دورهٔ یازدهم استقلال تان را مبارك باد میگویم .

ثانیا بشما میدانانم که من از پادشاهی افغانستان جز از خدمت دین و ارامی مسلمین دیگر هیچیك طمع و توقع ندارم و ازین مسئله که من یگانه خادم دین هستم همهٔ شما واقفید – بشما یقین میدهم که تایك قطره خون ویك نفس در جان وتن من باشد برای حفاظت استقلال افغانستان ونگهداشت دین پاك وعزت وناموس شما کوشش میکنم و تازنده باشم درین راه سعی خواهم نمود و انشاالله که درین مقصد خود کامیاب خواهم امد .

استقلال افغانستان تعلق بشخص امان الله وحبیب الله ندارد بلکه استقلال مال تمام افراد ملت یعنی حق شما رعایای وطن ودین هست چون مسئله از ین قرار است هر فرد ملت باید استقلال خود را بجان ومال خریداری کرده در نگهداشت ان هیچ سستی وبی خبری نکند — این فایده را که از خون مقدس شهدای راه استقلال بافغانستان حاصل شده است بمفت از دست ندهید — چون خون هزارها نفر در بدست اوردن این استقلال فدا شده است — این چنین در حفاظت ان از ریختن هزار وصد ها هزار فرد خود باید مضائقه ننمائید ·

نسبت باین توجهاتیکه شما از من خادم دین رسول الله کرده اید از خداوند خود امیدوارم که مرا توفیق بدهد که موافق همین ارزوی درست ومفید شما کار بکنم وگرنه دعا میکنم که ازین همه عزت ونامیکه خداوند بمن تا امروز عطا کرده است محروم باشم · درخاتمه از خداوند خود رجا وامید میکنم کهسالهای دراز افغانستان با سلامت وترقی دارای استقلال دائمی باشد ·

حال اذن برای شما داده شد که باکمال خوشی وازادی مشغول جشن وبیله خود باشید ·

معروضه وزیر صاحب دربـــار

اعلیحضرتا ·

وکالتا ازطرف مامورین ورعایای صادق شما واصالتا ازطرف خود نسبت باین مهربانیهای که بما خادمان فداکار خود فرموده اید عرض تشکر وصداقت میکنیم !

ما خوش بختیم کهدر زیر علم این پادشاه خیر خواه دیانت پرور غیور در چنین یوم مسعود که سالهای دراز خداوند بما روزی خواهد کرد جشن های مسعود میگذارنیم وخواهیم گذرانید ·

اعلیحضرتا · ما افراد ملکی ونظامی ورعایای صادق ومطیع شما متیقنیم که پادشاه دین پرور ما باین عزم وایمان کاملکه در راه استقلال وطن و ترقی ملك وملت دارند در بسیار روزهای نزدیك اثر اختلاف ازمیان یکمشت ملت پس مانده ما برداشته شود وفردای ان درحال باداره وانتظام همه شعبات کار ومصالح ملك وملت به عنایت خداوندی کامیاب قد باشیم روز بروز به پیروی دین احمدی وهمت جوانمردانه شما عمران وترقی واسایش مملکت قوت یافته اسباب رفاه مسلمین فراهم شده نسبت بحکومت سابق ترقیات روز افزون رخداده در تعداد سرکهای جدیده وتاسیس تجارت خانهای تازه ومکتبها از دور سابق کرده بارونق تر وباصول دین وعقل قریبتر درمنصه شهود اید چون ملت افغانستان ازادی حقیقی واستقلال خودرا ازجان دوست تر دارند لهذا نباید مثل سابق ثروت ملی این مملکت بخارج رود وخود محتاج به ثروت وفنون اجنبی باشد ·

درخاتمه از خداوند مهربان خود امید واریم که چون بلطف خود مثل شما یك پادشاه عادل دیندار نصیب مان کرده ترقی واستقلال مشروع وبهقبول ماترا نیز پایدار و روزافزون گرداند ·

وقایع ظهر دوشنبه روز اول جشن استقلال

پس از ادای صلوة ظهر وتفریح بساعت چهار هدف زدن ملکی وعسکری بطرف جنوبی دریای کابل مقابل بارگاه باد شاهی بکمال بشاشت قلب و خرمی اجراء گردیده گلوله اشخاصیکه بهدف اصابت کرد مورد انعام گردیده بین الاقران ممتاز شدند اسمای انعام گیرندگان پس از وصول نامنویس شان مرقوم خواهد گردید .

انعام وقدر دانی ارباب صنائع مملکتی بروز دوم جشن استقـــلال

مد هشترین اسلحه وسنگین ترین توتخانیکه در برابران خود داری و مقاومت امکان پذیر نیست محتاج بودن یك ملت است به پیداوار و ادخالات یك ملت بیگانه ملت هائیکه در لوازم معیشت وزندگانی وصنائع وحرفت واشیای کار امدنی خویش دست احتیاج شانرا به بیگانگان وامثال واقران خود دراز میکنند نظر بمراتب احتیاج شان درجامعه ملل ذلیل وحقیر شناخته میشوند — بلی مهمترین احتیاجات یك ملت را مفقودیت وعدم موجودیت صنایع وكاریگری انها تشکیل میدهد — ملتی كه از صنایع داخلیه خود محروم و فقط بصنعت بیگانه حاجتمند باشد هرگاه از عاجز ترین اقوام جهان محسوب گردد جا دارد .

از انجا كه ترقی وعد اعتبار یك مملکت فقط وابسته بدرجه ترقی صنعت وحرفت وتقدیر وتوقیر صنعتگران ان مملکت است حکومت وزمامداران وطنخواه افغانستان دائما نقطه نظر شانرا بسوی ترویج مصنوعات ومنسوجات وپیداوار این مملکت اسلامیه شان معطوف داشته و دارند و همواره در تشویق وترغیب كاریگران واستادان ارباب صنایع وطن خویش بهر ذریعه ممکنه صرف مساعی میورزند — چنانچه درین جشن یازدهمین استقلال خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان مخصوصا درین مورد عطف توجه وطنخواهانه شانرا مبذول داشته قبلاً وزارت تجارت شاهانه اعلانی را نسبت باعطای انعام واكرام اهل صنعت وحرفت شائع نموده اند كه قبلا حاصل وخلاصه مرقوم گردیده متعاقبا حسب پروگرام بروز سه شنبه فقط از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ خود ذات شاهانه وهیئت کابینه و کور دیپلوماتیك وعموم مامورین وشرکای جشن در موقعیکه جهت وضع مصنوعات ومنسوجات وپیداوار مملکت عزیز ما تخصیص وتعیین یافته وبه ترتیب درست واصول مقبول نهاده شده بود رونق افزا گردیده بملاحظه انواع صنایع واقسام منسوجات صرف اوقات كنان بالمقابل هریك از محصولات وطنیه ذات شاهانه شکرانه های بی نهایتی را بدرگاه الهی بجا اورده در دلدهی وتسلیت وتشویق وترغیب كاریگران وصنعتگران مملکت محبوب شان فوق العاده اظهار شفقت وكرامت فرمودند . واشخاصی كه مصنوعات ومنسوجات وعملیات شان نسبت بدیگر امثال واقران شان فائق وبلند بود مورد انعام واكرام مقرره شان گردیدند كه نامنویس این استادان نامور را پس ازینکه بما از مرجع تلطیف شود خواهیم نگاشت — بالاخر این نمائش عالی در اطراف ساعت ۱۲ بکمال مسرت وفرحت ختام یافتـــه

ذات شاهانه رونق افزاي خيمه خصوصي شاهانه شان گرديدند درينجا يك سته از طلباي مكتب تلگراف با ترانه غراي را با موزيك بحضور شاهانه شنوانيده مورد الطاف همايوني — واقع شده در اثر ان با عموم وزراء وصاحب منصبان واعزه وخوانين وشاطين در بار شاهي شان بصرف طعام چاشت پرداخته در عقب ان اداي نماز ظهر را نموده تا ساعت ۲ مردم بـــه شنيدن سازهاي متنوعه وكلمات دوستانه وساعت تيريهاي مختلفه مصروف بودند ·

اب بازي در كول طبيعي باغچه فرحـــت

ساعت ۲ پلمضاوزه شناوري بسيار عالي در دريا كابل كه از پهلوي باغچه فرحت عبور ميكند تشكيل گرديده تماشاچيان بكمال كثرت وگرمجوشي براي ديدن اين مضاوزه دلنشين حاضر گرديده اطراف ودور را دور محل شناوري را در احاطه گرفته مصروف تماشا بودند — اب بازان مصدر عمليات رنگارنگ وكار روائي هاي قشنگ شده در مسرت وخوشنودي ناظرين افزوده بالاخر اشخاصيكه نسبت بسايرين بلند برامدند وناشوپرشان اتيامرقوم خواهد گرديد انعام — مقرره را نائل شدند :

دعوت عصريه بحضور ملوكانـــــه

به عصر سه شنبه يك دعوت مجلل پر شكوه عصريه از طرف وزارت دربار شهر ياري در باغچه فرحت ترتيب شده عموم وزراء وصاحب منصبان واعزه وممثلين داخليه و هيئت كورد يپلوماتيك خارجيه دران شموليت داشته بصرف ميوهاي رنگارنگ و شيريني ها وچاي وشنيدن سازها وديدن انواع ساعت تيريها وتشرف بملاقات واستماع كلمات خادم دين رسول الله — محظوظ ومشعوف شده ضمنا از شطارتهاي عسكري كه ارجمند شهادتمند جناب عبد الوكيلخان سپه سالار — وشعبده بازي هاي رنگارنگ وعمليات مسمريزم قشنگي كه شعبده بازان اجراء نمودند مسرت زيادي دست داد در اطراف ساعت ۶ شام اين دعوت عصريه عاليه با فرحت غير متناهيه خاتمه يافت ·

شموليت وكلا وكلان شوندگان هزاره درجشن استقلال

از لطف خدا وبركت روحانيت رسول الله وحسن نيت ياد شاهد يافت ۱۳۱۰ امير حبيب الله خان بروز دوم جشن استقلال بچه شاتور مشهور با ديگر اعزه وكلان شوندگان هزاره بهبود بكمال خشوع ومعذرت شرفياب حضور شده بشرف اين روزهاي فيروز عفو حركات سابقه شانرا خواستار ومرحمت وخطا بخشي شهرياري را طلبگار شدند — ذات شاهانه نيز از حلم وعفو وبرده بارئيكه دارند رقم عفورا بر رفتار سابقه شان كشيده با اوشان اظهار ملاطفت كرده اوشانرا ماذون نمودند تا — مسرورانه باديگر برادران خود مصروف سير وتماشاي جشن استقلال باشند ·

اشتراك وكلاي تراهى در جشن استقـــلال

همچنين بروز دوم جشن يكدسته قوقله موتري از وكلاي تراه كه قبلا بيعت نامه هاي عمومى خود ها را بطور مجموعى فرستاده بودند جهت دستبوسى حضور ومحظوظ گرديدن از نمايشات جشن استقلال وارد مركز گرديده مورد الطاف شاهى گرديده معززانه ازطرف — حكومت پذيرفته شدند ٠

ورود طلباي افغانى از خارج

يكدسته ازطلباي فارغ التحصيل افغانى طياره ران ازخارج حسب تصويب حكومت — جيبيه معززانه وارد مركز شده بروز دوم جشن شرفيابى حضور را حاصل داشته بعد از استماع هدايات پدرانه٬ خسروانه واعطاي بخشش هاي لازمبحر واحد انها — در نمائيات عمومى جشن استقلال شركت ورزيدند (درين مورد مزيد تفصيلات را اتيا خواهيم نوشت) ٠

نمايشهاي شبانه جشـــن استقـــلا ل

چون ازشروع جشن تابه شب چهار شنبه ازروى شب هيچيك نمايش عموميه شبانه تشكيـل نشده ازين جهت قلم ما هم بطرف ديگر نمايشهاي متفرقه شبانه وساعت تيريها وبزم ارائى هاي متنوعه ليليه تاهنوز اطلاعى را براي ناظرين محترم تقديم نكرده است — زيرا كه اين يك مسئله را درضمن تحريرات ما درك كرده خواهند بود كه ازروي شب نيز مامورين هر وزارت و منسوبين هر اداره درخيمه هاي شان وديگران با رفقاي همطبع واشخاص همفكر وساير تماشا چيان و شاملين جشن دسته دسته وجمعيت جمعيت شده درمناظر متعدده شاهراه٬ منطقه جشن باطراف وجوانب چراغهاي درخشان بوقلمون مرتبه و بركنارهاي دريا وباطراف منار وبجوانب معبر هاي عموميه وبمحوطلهاي مزينه ودكاكين غير واحده وارد وبازار عاليه بانواع سازهاي — وطنى واقسام ساعت تيريهاي عالى بزم ارائى وساعت تيري داشته الى ساعت ١٢ ويك شـــب عالم عالم مسرت وجهان جهان فرحت در هر ناحيه وهرگوشه وهرجا وهر مقام حكمفرما بوده باسلسله پر از ازدحام غير منقطعه٬ عابرين وشاملين ومتصرفين منطقه جشن بصورت پياده مروي وكادي وموتر وبايسكل سواري درراه هاي متعدده شهر الى تمام مناطق جشن جريان ميداشته باشـــد ٠

تمثال فتح اندلس در شب چهار شنبه

ولى بشب سويمين جشن استقلال در قصر سلامخانه استور تمثال عبرت مثال فتح اندلس در چار پرده٬ خيلى تماشاي دلچسب عالى (بعلاوه٬ دو پرده مضحك كه مناظره٬ كريهه٬ خيانت وجهالت را نشانداد) بعموم تماشاچيان كه سر تاسر عمارت ازوشان مملو بوده نشان داده شده بر مسرت وفرحت انها افزوده يك درس بسيار مهم اخلاقى ونمايش گران بهاي تاريخ اسلامى كه ناشى از جذبات ايمانى و تعميل براوامر مقدس شرعى بود بعموم ارائه داده شد ٠

قبل از افتتاح یکی از اعضای دانشور تیاتر در عقب پرده به پیشگاه عموم حاضر امده یک نطق خیلی موثر عالی را در مفاد تاریخ و اتخذ ما عقد سر اسلاف کرام اسلامیه که در فتوحات اخلاقی وعسکری خویش ابراز نموده اند ایراد کنان در مزایای تیاتر و منافع ان که بالتمثال عبرت ومکتب نصیحت میباشد وهر واحدی را از ناظرین برای العین محاسن ومفاسد رادیده بچیزهای خوبیه تقیبواز امور خراب صرف نظر میکند تفصیلات زیادی داده خاتمه بیانش را به سلامتی وجود خادم دین رسول الله ﷺ و معین السلطنه صاحب وبانی زمامداران مملکتی ایراد کنان عطف مزید توجه شانرا بسوی تعمیم علم وعرفان والزوش تنویر وتوکید دین ودنیای اسلامیان نموده تمثال فتح اندلسرا بیک صورت بسیار مقبول نشان دادند . اگرما خواسته باشیم که صورت این پیشرفت عساکر اسلامی وشکست مد هش انواع نصرانی وفتح اندلس را که دیشب مفصلا نشان داده شد طوری بنویسیم کتمامه اهالی واشخاصی راکه از اصل قضیه اطلاعی ندارند بدانانیم این نومره اخبارما به نشرش کفایت نمیکند بلکه ترجمه وطبع کتاب فتح اندلس را بکار دارد واگر مجملا جهت افاده اشخاص دانسته بنویسیم انهم تحصیل حاصل است لهذا از اجمال وتفصیل ان فعلا نظر باین ملاحظات صرف نظر کرده فقط بسوی اصل مقصود که غرض اصلی از نشاندادن این تمثال بود فوقا اشاره شد .

اوراق تبریکیه ونمائش طیاره

در مراسم افتتاحیه جشن اشاره بطرف افگندن اوراق تبریکیه طیاره بر مفارق شاملین جشن نمود بودیم اینک چند مضامین اوراق مزبوره را شجاعت مآب محترم (ابومحمد خان) قوماندان طیارهها مرحمت کنان توضیحات دادند که طیاره های ما موکب شهریاری را ازارگ شاهی الی محل مخصوص نطق افتتاحیه جشن مشایعت کنان از فضا بر مفارق تاماشه شان گلها را نثار وبه تعداد زیاد از ورقه های تبریکیه اتی را بالای عموم شاملین جشن ایثار نموده است .

الا ای شهریار نامدار . ملت افغان خوشبخت است که این یازدهمین دوره مبداء زندگانی حقیقی خودرا بعزیر بیرق شجاعت شما تجدید میکند . قربان قدمت استقلال .

بشام سعادت تومرا اینجا می پذیرند . اما کسی راکه توازدرگهت برانی حیات ننگین خودرا کجا حل خواهد کرد ؟ !

مقدم اینروز فیروز را برخود سعد ومیمون شمارید کعلم عزت وشرافت استقلال برفرق ما سایه افگنده وزنجیرهای اسارت کهقلاده گردن این ملت شجیع شیر طبیعت بود ازهم گسسته و پراگنده گردیده است .

بر لب دعاء حضرت سلطان رسیده است تادست او به خنجر بران رسیده است

خصمش بپای بوس شاهان رسیده است انگشتهای خلق بدندان رسیده است

ملت شجاع !

عالم تفاهم یا سروری دارد — پرسیدیم . شرکت خود را در عالم سعادت شما بیاد جشن (١١) استقلال بواسطهٔ من التماس میکند ایا قبول میکنید .

شاها تفارکن کهچسان از پرتو شجاعت فدای افغانستان بمیمون این جشن یازدهمین استقلال اوراق تبریکیه نثار قدمت میکند .

خوش و خرم باشید ای شاملین محترمهٔ استقلال . نوش تان باد این شربت گوارای توتیو — من بهمت مردانهٔ شما از رتبهٔ طبیعی عروج کرده ام . ای ملت شجاع افغان .

وظیفهٔ نمایندهگی شمارا که برمن تفویض کرده اید اینست که در فضا بجا می اورم واوامر شما را ازین سویه انسو میفرستم ازینکه شوقم مفرط است میخواهم دیری بیاد این عظمت جشن (١١) درین عالم بمانم ایا اجازه میدهید .

یادداشت : از اندراج چند مضمون دیگران که تا حال بدست راقم نیامده طالب عفوم .

نمایش و ساعت تیریهای متنوعهٔ یومیه یازدهمین جشن استقلال

علاوه بر نمایشها و ساعت تیریهائیکه رسما حسب پروگرام باوقات مقررهٔ ان در معرض ارائه جهت ایزاد فرحت و مسرت شاملین جشن نهاده میشود این نمایشهای اتی هر روزه بلا تعیین وقت در خرمی وخوشنودی دائمی ووقت گذرانی عمومی خدمت میکردند .

اتن ملی برتم های مختلفه در مقامات متعدده زدن اهو و خرگوش بهتفنگ مخصوصان بجانب میمنه بارگاه شاهی .

کارنیوال بعنی نمایشات متفرقه مطبوع مرغوب طبع عوام جانب غربی باغچه فرحت . هدف زدن کبوتر مخفوی در میمنه بارگاه شاهی . هدف زدن نشانهای نقرئین بهتفنگ و تفنگچه ریزه تیر . نمایش شعبده بازان و مسمریزم در رواقهای متعدده . سازهای ملی هر رقم در مقامات مختلفه . کشتی سواری در کول طبیعه باغچه فرحت .

نمایشهای روز چارشنبه سومین روز جشن استقلال

امروز حسب پروگرام از طرف صبح بساعت معینه در باغچهٔ فرحت نمایش چوب بازان نامی در معرض نمایش گذاشته شده چند جوره چوب بازهای قابل باهم دیگر متقابل و حرکات و شطارتهای مبوت ایلاتی را در تعرض و مدافعهٔ شان باصول مقررهٔ که دارند مصدر شده بالاخر نفری غالب انعام معینه را گرفته مورد تحسین و افرین جمهور حضار و حضرت شهریار واقع شده مجلس ختام یافت درا ثر ان بلناتی ملی نهایت پرجوشی از طرف جوانان انغری و جنوبی که مخصوصا درین جشن دعوت و مسرورانهبا دیگر اخوان خود شمولیت دارند اول باد هل و سرنای ملیه و ثانی باموزیک عسکریه درصحنهٔ نمایش امده با شاباشی ها و افرین گوئی های حضار ختام یافت .

حضور امیر صاحب و جمعیتیکه بهتشرف بارگاه شاهی امتیاز داشتند درین مصاحبه های — دوستانه صرف طعام و فواکه و چای چاشت را نموده بادای نماز ظهر باجم غفیری پرداختند .

شطارتهاي عسكري درميناسب دواني

ظهر چارشنبه طوريكه در پروگرام اعلان شده بود شطارتهاي عسكريه اسباب تفريح ناظرين را فراهم اورده سواران چابك دست بنهايت سرعت تاخت وتاز از بالاي موانع اسپان خودرا ـ بجهت وخيزي تعجب خيزي پرانيده در اثناي تاخت شديد بسرعت مزيد بر اسپان سوارميشدند پايان ميشدند چپ و راست دستها وپايهاي شان را دور ميدادند بدون تيزه وركاب در ـ شدت رفتار وقطع موانع حركات اسپانرا اداره مي نمودند وبسا حركات شطارت اميز وعمليات ـ فرحت انگيزي ديگري نموده بالاخر اين منظره در اطراف ساعت ٦ شام خاتمه يافت .

دعوت عصريه از حضور معين السلطنه صاحب

بمناسبت دوره بازدهمين جشن استقلال يك دعوت عصريه پرشكوهي از حضور سردار اعلى ـ (حميد الله خان معين السلطنه) بحضور وزراء واعيان وهيئت سياسيه ومامورين بزرگ به باركاهشان در قلب گاه منطقه جشن داده شده بعد از صرف شيريني هاي مختلفه و نواكه متنوعه و چاي و ـ سيگار ومصاحبه هاي پرمسرت مجلس موصوف خاتمه يافت .

تمثال سقوط اندلس

شب پنجشنبه در قصر استور باز تمثال تحسر مثال سقوط اندلس در سه پرده عبرت اوري نشان داده شده يك درس بسيار مهم اخلاقي وانفرز هاي نهايت عالي را بناظرين خويش تقديم ـ نمود ما طوريكه از اعطاي تفصيل فتح اندلس صرف نظر كرده ايم همچنان تحريرات سقوطش را نيز قلم انداز نموده تفصيلش را در صورت وصول اصل مضمون ان ازطرف رئيس اين تمثال عبرت مثال بشماره هاي اتيه (حبيب الاسلام) وعده مي دهيم .

في الحال فقط اين قدر مجملا مي نگاريم باندازه كه فتح اندلس يك منظره بديع مسرت افزا را نشان داد صد چند ان پرده هاي سقوط ان تهيج وحزن اميز والم انگيز بوده مخصوصا ندامت كتبي ها وگريه زاري هاي (عبد الله شقي يا صغير) شاه مفتوح اندلس كه بر رشوت ستاني ها وعياشي ها وسفاكي ها وبيباكي هاي خود و وزراء و مامورين ومنسوبين حكومتش خود پس از تسليم شدن به (فرد ينان) كه فاتح اندلس است ومحكوم شدنش بحبس ونفي بلد مي نمود ـ شرم اور ورقت افزا بوده اند به وقلق توجه وبي تابي والده عجوزه وفرزندك صغيره اش جگرخراش ميشود .

نطقي راكه (فرد ينان) فاتح اندلس درحين سقوط توده اخرين اعراب و شهادت (موسى) مشهور (كه در تسليم شدن شهر با شاه و وزراء خائن ان مخالف شده دست بقبضه شمشير برده با عده از مجاهدين ومتعلقين خود عزم مدافعه يا نيل بشهادت راكرده بود) ايراد داشته خيلي مهم وعالي است كه مفادش را بايندر الفاظ عرض كرده ميتوانيم :

شما اعراب تا سر سوخته وپای آبله* برهنه که از وسط ریگستان های خشك وتفسیده اینها حرکت وافریقارا تحت حکومت خود آورده اروپا را نیز ضمیمه* سلطنت خود ساخته وتمام قوای ـ ما و طنخواهان وطرفداران عیسویت را درتمام حملات وتعرضات پسپا میگردید این کامیابی های شما فقط در اثر عدالت واسلامیت وپابندی باوامر شریعت تان بوده که رعایا در ظل رافت شما آسوده وتوجه علم وعرفان در شما زیاد بوده در رفاه وآرامی خلق الله زیاده کوشان بودید ـ اما اکنون که شما بعیش وعشرت وتنبلی وجهالت گرفتار شده از ملك وملت غافلید وداد مظلوم را از ظالم نمیگیرید اینك ما از اثر همان تعلیم علمی وعملی واخلاقی که از اسلاف ونیاکان شما آموخته ایم مجددا سلکتموء رثه خود را متصرفو شمارا منهزم ساختیم !!!

(درین تیاتر نیز بابرده* مضحك تقلب و خیانت وبی تهذیبی جهت عبرت ومسرت حضار نشانداده شد) .

وقایع یوم پنجشنبه چهارمین روزجشن استقلال

درین روز ازطرف صبح اجرای انداخت یعنی نشان زدن با تفنگ در محل مخصوص آن در معرض نمایش گذاشته شده تماشاچیان نسبت بدیگر نمایشها درین منظره* عسکرانه بیشتر تحرکت ورزیده نسبت بهدف رسیدن گلوله های اشخاصی که حسب نوبه فیر میکردند اظهار ـ مسرت مزید وشاباش وآفرین میکردند .

کار انداخت ازساعت ۸ شروودر اطراف ۱۱ ختام یافته اشخاصیکه نسبت بسائرین نمبرهای زیادی را حائز شده بودند مورد انعام مقرره شدند درین ضمن هر تیر وانداختی راکه حضور امیر غازی میفرمودند بلا ناغه طابق النعل بالنعل بهدف اصابت کرده در هر نوبه نمره تامه را اشغال مینمودند .

الحق که امیر صاحب یکذات بزرگ عسکری ویك سپاهی کامل اصفات حربی بوده علاوه بر فنون حرب وضرب تمام مزایا وخصال عالم عسکریت را نیز از حیث شجاعت تهور ثبات قلب وغیره دانائند علاوتا جناب سردار اعلی حمید اللهخان معین السلطنه نیزکاملا نومره* هدف را در انداخت خویش حاصل فرموده وزیر صاحب دربار و اکثر ذوات دیگری نیز از علاقمندان حضور درعملیات انداخت نسبت بدیگران مراتب بلندی را احراز نمودند .

در اختتام این نمایش باز بیاداتی ملی خیلی عالی در مسرت وخوشنودی ناظرین افزوده در عقب آن یك قصیده* افغانی که مشعر بر صفات حکومت حبیبیه وخرابی های حکومت سابقه بوده از طرف یك دسته* از نوجوانان اندری ـ باد هل وطنی شان قرائت گردید وبعد اجمهور حضار مجلس شاهی برخوان همایونی بصرف طعام پرداختند .

پس ازختم نماز وگذشتن وقت تفریح نظر با علان فوق العاده اداره* جشن یك تماشای عجیب وغریب مسمریزمی ونمایشهای شعبده بازی در طرف جنوبی دریا در برابر بارگاه شاهی درمنصه* شهود گذاشته شده فوق العاده در فرحت وخرمی تماشاکنان وحضار ازحد بسیار خود افزود .

بعد از اتمام این منظرهٔ مسرتبخش یک تماشای قابل دید عالی المال جمناستکی آغاز شده این نمایش چیان مهیج ــ بسا اعمال شگفت آور ــ حرکات خوب ــ جست وخیز مرغوب ــ پیچ وتاب درست ــ غیر مکرر روانی های سریع وچست را مصدر شده بلا تحاشی در تفریح طبایع و خوشنودی عمومی افزوده از حضور امیر صاحب برای این جمعیت جمناستکی مبلغ چهار هزار روپیه بخشش شده علاوتاً بسیار الفاظ شفقت آمیز نسبت بافراد عسکری ایراد ودر موضوع شرف خدمت ــ عسکری وآن محبت خصوصی ذات شاهانه کبها عالم عسکری دارند بیانات مفیدی را ایراد و از عموم ملت افغانستان که تماشا میکردند نیز مسرت فرموده این مجلس در قلقله های (با چهار بارتی) خاتمه یافت .

اتش بازی شب اخرین جشن استقـــلال

شب جمعه که پنجمین لیل جشن استقلال بود برحسب پروگرام بجنوب کول طبیعـــی بمقابل بارگاه شاهی از ساعت ۸ الی ساعت ۱۰ شب یک اتش بازی مجلل وبا شکوهی ترتیب شده مردم بسیاری برای تماشای این منظرهٔ بدیعه حاضر بوده صدای سامعه نواز واواز ازهم متلاشی شدن ان بفضا وتزوید امدن شعلهای گوناگون اتش ان هم بالوان مختلف واوازهای خفیف ــ خفیف ان که از تصادم ابکول حاصل میشد یک منظرهٔ خارقه نمای عجیبی را متشکل بود اولا منظره این اتش بازی خوش نما روی میدان ود رفضا وثانیا انعکاسات ان در دریا در روحیات ناظرین اثر بزرگی تولید نموده هرکدام مسرورانه ازان منظرهٔ تشنگی ودلربا محظوظ می شدند درین موقع نسیم خوبی شروع بوزیدن نموده بوی ریاحین وطراوت گل واشجار را بدماغ ناظرین رسانده ان دود وبوئی راکه ازاثر باروت تولید می شد باطراف وجوانب میبرده ازین حیث هم به تماشاچیان هیچ تکلیفی عاید نشده این تماشای اشکال متنوعه وانواع متفرقه وصور متعدده ونمایش غیر واحدهٔ اتش بازی قابل دید بمسرت تمام خاتمه یافت .

تفصیل درجات اجمالی انعاماتی که درین جشن یازدهمین

استقلال برای انواع نمایشها مقرر واعطا شده است

۱ــ برای دو جورهٔ غالب پهلوانان درجه اول ۶۰ روپیه درجهٔ دوم ۴۰ روپیه درجه سوم ۳۰ روپیه .

۲ــ جهت اسپ بازیکه در مسابقه اسپ بازی مرتبهٔ عالی المال را نائل گشته ۵ــ درجه اول ۶۰ــ دوم ۴۰ــ سوم ۲۰ روپیه .

۳ــ مخصوص هدف زننده گان کامیاب عسکری وملکی بتعداد سی نفر نقد وجنس درجهٔ اول علاوه بر نشان ۱۰۰ روپیه درجه دوم ۸۰ سوم ۵۰ روپیه .

۴ــ برای شخصیکه در مسابقهٔ اسپ دوانی رتبهٔ عالی المال را اشغال کرده علاوه برنشان صد روپیه ــ درجه اول ۸۰ ــ دوم ۶۰ ــ سوم ۴۰ روپیه .

۵ــ برای دو دو جورهٔ از چوب بازان غالب فی جورهٔ درجه اول ۶۰ــ دوم ۴۰ــ سوم ۳۰ روپیه .

۶ــ سبقتکننده عالی المال بایسکل دوانی علاوه برنشان یکصد روپیه ــ درجه اول ۸۰ روپیه ــ

دوم ۶۰ ــ سوم ۴۰ روپیه .

۷ ــ انعام زدن قبه برای ۲۰ نفر ده روپیه انعام جنسی .

۸ــ زدن آهو وخرگوش مصنوعی درعین حرکت به تفنگ هاریزه تیر انعام جنسی ــ قیمت درجه اول ۵۰ــ دوم ۲۰ــ سوم ۱۰ روپیه .

اشخاصیکه نمبر اول تو و دوم را پی هم حاصل کرده بودند انعام درجهٔ اول را نائل شده اند . واگر بدوم و سوم متواتر کامیابی یافته اند انعام درجهٔ دوم را حاصل داشته اند واگر یك یا کامیاب شده اند انعام درجهٔ سوم را گرفته اند .

جریانات جمعه روز پنجم جشن استقلال

درین روز ازطرف صبح از ساعت ۸ الی ۱۱ نمایش اسپدوانی درجای مخصوص ان درمحل اجراء امد باولا یکعده از اسپان مجموعا از نقطهٔ معلوم داری رو بناخت گذاشته دورهٔ معینه را بامراعات شرائط مقررهٔ ان طی کردند اسپیکه ازدیگران مقدم شده بود علیحده شد پس ازان دوعدهٔ دیگری ازسواران بهمین صورت اسپ دوانی کرده متعاقبا هر سه اسپ تیزرفتار ــ همین هرسه عدهٔ اسپان که ازدیگران قبلا میدان را ربوده بودند رابعا دوانیده شده بحسب سرعت ورفتار وتقدم انها بر همدیگر صاحبان شان تحسین وشاباش وافرین عموی را نائل وعلاوتا انعام مقرره را حاصل و سوارکار عالی الدال شان بگرفتن یك نشان نیز ممتاز گشت .

بهمین اصولیکه مذکور شد درعقبان بایسکل دوانی اغازشده سبقت کنندگان درین نمایش نیز انعام مقررهٔ را علاوه بر تحسین وافرین حضار نائل گردیده این هرد ونمایش سرت افزا قبل از نماز ختام یافته پس از اتمام ان جمهور انام با پادشاه اسلام بمحل مخصوصیکه جهت ادای نماز مقرر است رفته به استماع خطبه وادای نماز جمعه پرداخته پس ازان به صرف طعام وفواکه وچای وتفریح پرداختند .

چون ظهر این روز نیروز جهت نمایش پهلوانی وختام این جشن عالی باستماع نطق یکی از وزراء سلطنتی مشخص شده بود لهذا پس از ساعت دو امد امد جمعیت های متوالی انام واجتماع تکثر ازدحام خواص وعوام بیشتر وزیاد تر ازهمه ایام شروع شد تا اینکه قبل از تشریف اوری همایونی سرتاسر میدان پهلوانی با این وسعت وفسحت وطول وعرضیکه دارد طوری از ناظرین وتماشاچیان امتلای بی پایانی یافت که جای پای ماندن بمشکل میسر نمیشد بالاخر حضور امیر صاحب بوره بساعت ۳ رونق افزای این میدان شده پهلوانان مشهور ومعروف کابل جوره جوره شده به پهلوانی اغاز کردند ازکشش گیری وبخرج دادن چالهای متنوعه وبه گول دادن وموقع یافتن ازحریف خود هریك ازان ــ چند بن جورهٔ که با همدیگر بند وبغل گرفتند ازحد زیاد درمسرت وفرحت حضار می افزودند و بهر حرکت متغلبانه ووضعیت چالاکانهٔ یکی ازان دونفریکه در پهلوانی دست بدست می بودند صداهای خرمی بسیار وغلغله های باجارپار ازهر گوشه وکنار بالامی شد خلاصتا اینکه پس از ــ

معلوم شدن غالب ومغلوب چند پهلوان وافتادن طرح مطلحت در بین چندی ازوشان — جمهور پهلوانان بهمراه موزیکه بکشیدن ضرب (میل) بانواع خوب وطریقه های مرغوبی در — فرحت حضار افزودند درعقبان به تعاقب بیک اظهار شطارت و فعالیت کاندرمسرت عمومی خدمت کردند پس از ان اشخاص غالب در یک جهان تحسین وافرین انعامات مقرره خود شان را دربودن بین الامثال والاقران ممتاز شدند — بعد ازپهلوانی انواع سازهای ملی واقسام دهلوسرنا های وطنی بسرائیدن اغاز و به اوازهای زیر وبم خود سامعه نوازی کرده ازحد زیاد درگرم جوشی مجلس افزاد ویک عالم بهجت وخرمی خوشی را ایجاد کردند — بعد ازان اتن ملی خیلی عالی در معرض نمایش امد ·

متعاقب از پوره شدن وقت نمایش حسب اراده سنیه شهریاری حضرت عالی جناب بها الحق خان وزیر صاحب امور خارجیه مملکت افغانی فراز منبر بلند خطابه (که قبلا بصورت مرغوبی تزئین والحاق به نطق بران موضوع وگوشکهای دانه نطق ازان باطراف وجوانب ممدود شده بود) برامده نطق اتیه اختتامیه جشن استقلال امساله را بکمال فصاحت و— طلاقت ایراد فرمودند — درحصص تمنائیه ودعائیه ان جمهور انام با ان وزیر علام همنوا — شده غلغله های امین امین را بلند میکردند — پس از ختام نطق ذیل غریوهای فلک کشای باچهار بار محمد بلند شده درعقب ان ذات شاهانه تکرارا درنگهداشت استقلالی که بخونهای پاک هزاران شهید بدست امده تاکید زیادی کرده ملت را توصیه کردند که (در همه وقت عام ازینکه من باشم ویا نباشم بایستی که شما این فائده بدست اورده خود تانرا که استقلال است مفت ازدست ندهید — (غلغله دعاگوئی) پس ازان سفیر صاحب کبیر ترکیه ازطرف هیئت سیاسیه مقیمه کابل اظهار مسرت وتبریک وتقدیر از حسن انتظام این جشن عالی را نمودند — جمهور حضار پس از عرض مبارکباد واداء تعظیم حضور مرخص میشدند درعین حال موزیکها متعدد وسازهای وطنی غیر واحد در سرتاسر منطقه جشن سامعه نوازی داشت ذات شاهانه پس از ادای نماز عصر با مصاحبین وحواشی ونوکری والای حضور شان با پیاده از منطقه جشن طرف ارگ درمیان ازدحام انام وصفوف متوالی خواص وعوام که برمعبر شان دست بسته احترام بودند حرکت فرموده باینصورت مراسم جشن امسال اختتام یافت ·

(نطق اختتامیه جشن یازدهمین استقـــلال)

بسم الله الرحمن الرحیم

نحمده ونصلی علی رسوله الکریـــــم

بحضور دیانت ظهور اعلیحضرت خادم دین رسول الله امیر صاحب حبیب الله خان غازی بعرض می رسانیم که از لطف الهی وبرکت روحانیت حضرت رسالت پناهی وپیشوایان مذهبی واز اثر دیانت وشجاعت ومردانگی وثبات عزم واراده اعلیحضرت شما دین مبین سید المرسلین درخشان واستقلال

افغانستان حیات وبارهٔ حصول کرده اینک از همت بلند شما وبه امر وارادهٔ سنیهٔ والای تان بترسیو رود مسعود این دورهٔ بازدهمین استقلال افغانستان این جشن پر شکوه عالیشان استقلال را ملت شجاع ان به نهایت مسرت وخوشنودی انعقاد داده برای مملکت افغانستان خصوصاً وجهت فرحت ومسرت تمام عالم اسلام عموماً اسباب فخر ومباهات را فراهم ساخته اند ·

ما از خدای مهربان خویش می خواهیم که همیشه فتح وظفر را برای اعلیحضرت شما خادم دین رسول الله وتمامی عساکر شجاع نیرومند تان ارزانی فرمایند واز الطاف خدای بی همتا وامداد روحانیت رسول الله وسعی وکوشش شما افغانستان یک دولت ومملکت مترقیهٔ اسلامی محسوب شود — واعلیحضرت شما با والاحضرت نائب السلطنه ومعین السلطنه صاحبان وباقی وزراء ومامورین صادق تان در مقاصد وارادات دینی ودنیوی تان کامیاب وسرافراز باشید ·

ای برادران محترم اسلامی وتبعهٔ حکومت افغانی — ما وشما را لازم است که دائماً برای نگهداشت استقلال افغانستان به فدا کردن مال وجان خود ها حاضر وآماده هرگونه زحمت کشیدن باشیم ونگذاریم که استقلال ما از دست برد دشمنان وبدخواهان ما پامال شود — الحمد لله پادشاه بسیار با غیرت وباهمت ودلاوری داریم که برای حفاظت دین رسول الله وصیانت استقلال مملکت ما دست از قبضهٔ شمشیر برنمی دارند وشب وروز میکوشند که افغانستان شیرین ما را عظمت اسلامی وحشمت تاریخی اش را ارزانی فرمایند — شما هم با این پادشاه ترقی خواه خود کمر همت اسلامیت تان را محکم تر وخوبتر بسته کرده برای پیشبردن عزم وارادهٔ این سلطان کشورستان همیشه بیش از پیش حاضر وآماده باشید ·

ما وشما الحمد لله مسلمانیم ودر تمام اعمال وافعال خود پیرو همان خلفای راشدین واصحاب کرام وپیشوایان صداقت شعار اسلام میباشیم که در مدت بسیار کمی سه قطعهٔ بسیار بزرگ دنیا را که اسیا — افریقا — اروپا است — بنور اسلامیت وشجاعت وعلم ومدنیت اسلامی خویش منور ساخته بودند — آن نامیوران جهان اسلام ذواتی بودند که از دیندار خویش عالم واهل عالم را اخلاق حمیده وسعادت کونین بخشیده بودند درعزم وارادهٔ آنها کمی خزینه واسلحه وقلت نفر هیچ عذر نمیکردند — از بسیاری دشمن نمی ترسیدند — در جنگها یا همیشه فاتح می برامدند ویا جام شهادت رانوشیده لقای رب العزت وانعام جنت را نائل میگردیدند هیچ گاهی از دشمنان خود روی نمی گشتاندند — با دشمنان دین خود همیشه دشمن بی بودند باپرادران همدین وهموطن خود دائم نیکوئی وبرادری میکردند هیچوقت ازانها خیانت دیده وبدروغ شنیده نمی شد در داخل وخارج راست وصادق بوده هرچیز را به نظر حقیقت می دیدند بوعدهٔ خویش وفا میکردند عهد شکنی نمی نمودند عدل وانصاف در سرتاسر مملکت شان حکمفرما بود در احوال صلح به ابادی مملکت وارامی ملت سعی وکوشش میکردند ·

این است که ما وشما هم زیاده بر زیاده باید پیرو همان راهنمایان اسلام خود بوده به این پادشاه خود صداقت بسیار وبحکومت خویش اطاعت مرغوب نمائیم — از تفرقه ودورنگی جدا پرهیزیم و با همتپگر خویش اعتماد کنیم اولاد هاي خودرا به تعلیم وتربیت اسلامیت و — انسانیت مکلف سازیم ·

واز خداي عزوجل مسئلتکیم تاحکومت افغانستان واستقلال ملت افغان را بسایه شاد کامی امیر صاحب غازي از جمیع عوارض محفوظ ومسلم داشته انچه شایان سعادت دینی و دنیوي ما ملت است ارزانی فرماید — وهر انچه که سبب زوال واضمحلال ما باشد از ما دور فرماید ·

اعلیحضرتا ! شطارتها واندا ختها وجمناستیق هاي عسکري واهتمامات نوعي که امسال حاضاً درین ایام جشن استقلال از ارادو منظر شما مشهود گردیده است به موم ملت یقین و اطمینان میدهد که از لطف خدا وحسن مساعی شما در اینده تربیي بالقوه وعظمت و شوکت بزرگی را عالم عسکري افغانستان احراز خواهند نمود · همچنین از ترانها ودیگــر بیانات طلاب مکاتب که درین جشن استقلال بعرض رسانیده اند همه ملت شجاع مان را امید وار ساخته که درجشن هاي اتیه ازین شطارت هاي عسکر هزار بار بهتر تر به تماشگاه حضور هاي — [illegible] والامشاهده خواهیم نمود وخیلی ترانه هاي علمی وادبی از لسان اهل علم وعرفان مکاتب اسلامی ازحسن معارف پرور شما خواهیم شنید علاوتاً عموم وزارات ودوائر سلطانتی وتمام شعبات متنوعه مملکتی تحت مراقبت حضور همایونی ترقیات زیاده را نائل خواهند شد · از حضار محترم کورد بپلوماتیك که ازاول انقلاب الی حال حکومت معظم پادشاه غیور غازي مان را — تقدیر کرده واستقلال مان را کمافی السابق بنظر تحسین نگریسته اند اظهار تشکران داریم ·

در خاتمه ملت افغانستان عموماً وما شرکاي این جشن مقدس استقلال خصوصاً ازین — جذبات ملت خواهی واحساسات استقلال پروري امیر غازي خود که در انعقاد این جشن استقلال بازدهمین ما ابراز فرموده اند ودر مسرت وسعادت دوستان ورنج واندوه دشمنان این — مملکت اسلامی افغانستان افزوده اند اظهار مزید شکران وامتنان خود هارا بحضور دیانت ظهور تان بعرض میرسانیم — واز حضور وزیر صاحب دربار جناب شیرجانخان واز مدیر صاحب جشن استقلال اقاي غلام محی الدین خان وعموم اراکین جشن استقلال ودیگر ذوات محترمیکه بر گرمجوشی وابزاد فرحت ومسرت عمومی این جشن اظهار فعالیت وجدیت کرده اند اظهار تشکر مینمایم ومسرتکان از خداوند متعال سالهاي دراز ارزو وتمناي دیدن وشرکت ورزیدن امثال این جشن هاي استقلال را بزیر سایه همایه شاهانه شما امید وار بوده عرض میکنم :

روز وشب ما عید وبرات است ز لطفت — اي صبح تو فرخنده و اي شام مبارک
اي خادم دین دین زتو گردید منور — تاروز قیامت بتو این نام مبارک
صد سال کی جشن که گویم به دعایت — جشن خوشت اي خسرو اسلام مبارک

زنده باد امیر صاحب غازی — پاینده باد استقلال افغانستان .

تهنیت جشن استقلال در هندوستان حبیب الاسلام

ما هم به نوبت خود نظر باعتقاد این جشن یازدهمین استقلال عالی الدال که از آثار وطن دوستی وملت خواهی وشرافت پسندی وجذبه اسلامی خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان بکمال تزئین وترتیب خجسته آئین پنج شبانروز در بهترین مواقع کابل بصورتی که درین شماره مفصلا تقدیم حضور ناظرین گردید شرف انعقاد یافته تحفه شکر گذاری وخوشنودی خودرا بحضور پادشاهی ودیگر رجال حکومتی شان تقدیم نموده عرض میکنیم .

می فزاید بشما مهر و وفا استقلال — میکشاید بشما باب صفا استقلال

یاد گاریست زسر بازی ما استقلال — می دهد یاد زشمشیر جلا استقلال

(هست در ملت ما آب بقاء استقلال)

باتو دارد وطن از فطرت وجبلت الفت — دری حفظ تو داریم هزاران جدت

می نمائیم بقربان تو سرا زهمت — نیست در روی جهان غیر تو عالی نعمت

(باتوداریم سر مهر و وفا استقلال)

اینچه جشنی است که گردید فلک حیرانش — نمیزند طعن بصبح شام دیباه افشانش

کرد مسبقه زخط لاله رخان ریحانش — برده نقد دل ما جنبش وسر وسامانش

(حافظت باد خدا فقط در همه جا استقلال)

ملت این مستقلیت بجه تامین آمد — گزید بینی او کور دغا بین آمد

(اتفاق) انکه واید لقمگین آمد — ثمرش در همه جا خوشتر وشیرین آمد

(بشما دارد همین عطر روحا استقلال)

تا به الم اثر نام زشاهی باشد — شاه ما در کنف فضل الهی باشد

دشمنش هرکه بود خوار وتباهی باشد — یسرا سرور وی جترهمائی باشد

(تاکه چند بن بکند جشن بنا استقلال)

خسارات زلزله کیفـــــان

در شماره (۲۳) ما خبر وقوع زلزله در کیفان ایران را فقط مجملا انتباه وبقارئین عزیز خاطر نشان کردیم اگرچه نشر ان خبر بصورت اجمال بوده ولی ما یقین داریم که قارئین محترم ما خرابی ها وزیان ان زلزله مدهشرا حدث زده وتا اندازه از خسارتش مطلع شده اند .

اکنون تفصیلات خسارات ان زلزله مشومه را قراریکه از جرائد مابعد بدست اورده ایم اینک بمعرض انتشار از اخبار (بهار) میگذاریم :

عدهٔ تلفات باین زلزله منحصر به ۱۲۷۸ مرد و ۱۳۱۸ زن و ٦٥٤ بچه و ۱۱۰۲ نفر مجروح بالغ شده و ۱۷۹۹ خانواره ازقراء وقصبات ویران وخراب گردیده و ٦٢٠٥ مواشی تلف

شده است .

از قراریکه جراید ایران مینویسند حکومت وملت ایران در کار جمع اوری اعانه برای حیثیت رسیده گان ازاین زلزله میباشند ونیز عده٭ از محترمین را با مقدار وجوه خیریه بنقاط مخروبه فرستاده تا بانجا رسیده گی و سر رشته تعمیر وابادی وحفریات انجا هارا بفرمایند .

حبیب الاسلام ازاین واقعه٭ مولمه سخت ملول ومغموم بوده با این برادران همدین وهم نژاد خویش اظهار همدردی وافسوس مینماید وبرای کسانیکه درین واقعه بدار السلام رحلت کرده اند با اینکه انها مغفور ومرحوم هستند مزید مغفرت وبرای بازمانده گان شان صبر ومزید اجر را از خدای متعال نیاز کرده دعا میکند که خالق بی نیاز تمام اسباب و وسایلی راکه به بد بختی وزبونی ما عالم اسلام تمام می شود رفع وبرطرف گرداند .

روابط روس وانگلیس

از لندن خبر رسیده که قرار شایعه دیلی تلگراف احتمال تعیین گردیدن لورد ولیور بسمت سفیر کبرای انگلیس در اتحاد شوروی میرود وهم اطلاع میدهد که بنابر بعضی اخبار واصله ما کدونالد تصمیم نموده است که بدون تاخیر وتعویق روابط انگلیسرا با دولت شوروی تجدید کند .

روابط انگلیس وحجاز

از لندن خبر تلگراف داده اند که تعلق باعلام جدید دائر باینکه دولتین انگلیس و حجاز ترتیب متقابلی برای نماینده گان دیپلوماتی بممالک یکدیگر داده اند پیشبینی میشود که روابط نزدیکتری بین انگلیس وممالک عربستان بر قرار گردد احتمال میرود جده را مقر اقامت نماینده انگلیس قرار دهند زیرا تعلق سیاسی که خارج از دین اسلام باشند حق سکونت واقامت را در مکه ندارند .

(کابل — مطبعه٭ سرکاری)

صفحه (۱)   الجریدهٔ هفتگی حبیب الاسلام ـ سال اول ـ شماره ۲۷   (نمره مسلسل ۲۷)

مدیر · برهان الدین کشککی   واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا

حبیب الاســــلام

اداره‌خانه ـ د باغبانان کابل افغانستان

همه امور تحریریه و حسابیه بنام اداره فرستاده شود ·

اداره در انتشار و اصلاح مقالات وارده مختار است ·

در هر هفته یکمرتبه یوم چارشنبه نشر میشود ·

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

شرح اشتراک

	سالانه	ششماهه
در داخل مرکز	۶ روپیه	۳ روپیه
در ولایات داخله با اجرت پست	۷ روپیه	۴ روپیه
در خارج	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(قیمت یک شماره ۶ پیسه)

(درین اخبار از احکام دینی و مسائل اسلامی و هرگونه علوم وفنون واطلاعات سیاسی ومفاد دولتی ومنافع ملی بحث میشود ـ) ·

(تاریخ قمری سلخ ـ ربیع الاول ۱۳۴۸)   ۴ شنبه   (تاریخ شمسی ۱۲ سنبله ۱۳۰۸ هجری)

عروس ملک کسی تنگ در کنار گرفت
که بوسه از لب شمشیر آبدار گرفت

هر انسان زندگانی وحیات خود را دنیا وطبعاً وفطرتاً باندازه دوست دارد که درمقابل حیات ونگهداشت زندگانی خویش از همه منافع ومفاد ومال ومنال و اولاد واحفاد وازصحت و غنا وتنقیح اعضا بالاخره ازهمه اشیا میگذرد وسایر دنیا ومافیها را قربان ان میکند ·

ازهمین جا است درهنگامی که کارد را برگلوی یک شخص واجب القصاص ویاشمشیر را بر روی تدام مجرمی مسارعید هندعلی الفور دستهای او بایک حرکت غیر شعوریه ویاجنبش غیرارادیه قدم اندم از روی وگلوی خود میکند ·

همچنین اگر یک انسانی پس از اینکه محکوم بالقتل شده باشد وبخریدن خون خویش مجاز ومأذون گردد ـ علی الیقین این محکوم در بدل زندگانی شیرینش بفدا کردن تمام هستی وجمیع دارائی وثروت خود حاضر میگردد ·

مثل مشهوریست که (اب تاگلو ـ بچه زیرپای) هنگامیکه برای یک پدر ویافرزند قتل وموت عاید گردد وفرزند را در بدل پدر ویا پدر را درعوض فرزند بکشند البته که هرکدام ازین پدر وپسر برای نگهداشت زندگانی خود به تفدیه وقتل همدیگر شان فی الجمله راضی میشود ·

یکی از ضرب الامثال اعرابست که (اذا ابتلیت ببلائین فاختر ایسرهما) (یعنی اگر دو بلا متوجه خویش یابی ـ پس اختیارکن اسانترین ان بلاها را برای خود) ازهمین جا است اگر یک مجرم ومحکومی را در میان قتل وبریدن دست مأذون ومختار سازند البته که این مجرم به بریدن دست خود رضا میدهد · همین حیات انسانی وزندگانی بشری طوریکه درنزد خود عزیز ومحترم است همچنان به نزد شرع انور نیز وقر واحترام فوق العاده را نائل است ·

زیرا که ازروی آیات قرآنی و احادیث نبوی هم خود کشی و بعبارت دیگر نفس خودرا به تهلکه انداختن درگناهان کبیره محسوب ومرتکبان بزه کار ومستوجب بازپرس پروردگار است .
بالاخره در روی زمین هیچ کسی نیست که برای ادامه حیات وبقای زندگانی خویش اهم ترین مساعیش را صرف واخرترین کوشش های ممکنهٔ خودش را بذل نمیکند و تدابیر وچاره هائی را که بفکرش میرسد دراین راه بکار نمی اندازد !

ازین تمهید طولانی که تاحال مرقوم شد البته که ناظرین این امر را بخوبی درک وفهمیده اند که انسان حیات وزندگانی خودرا بسیار دوست دارد . و هر چیز را بمقابل آن فدا میکند . الا در برابر یک چیز . که در مقابل آن انسان حیات خویش را هم بخوشی خود قربان میکند . وآن هم (حیات) است امانه (حیات فانی) بل زندگانی جاودانی است .

بلی ! همین انسان حیات دوست و همین بشر زندگانی طلب را علی الاکثر می بینیم که درمیان باران گلوله های دشمن در نیستان مرمی ها ومعلق وهم هشر توپ وتفنگ در وسط تیرهای متوالی — بومبه ها وشراپنلها درعین شعلات اتش جانسوز در برابر تصادم وبرق ولمعان کاردها وشمشیرها و برچه های جگر دوز بی انکه قدر یک ذره پروا کند ویا اندکی ابروخم نماید ویا ازمانده ن مال و منال وثروت ومکنت خویش اندیشهٔ را بخاطر راه دهد — ویا فرزند وبه زن وپدر ومادرش را بخیال خود بیاورد ویا دیگر خاطرهای مرغوبه دست بدامنش بیندازد (الله اکبر) گفته توماندهٔ زوزوا را تعمیا بالله خوانده . امر (وراند ی مارش) را تقبیل کرده در خل خط اتش میشود باخصم خود میجنگد دیگر رفقای خودش راهم به محاربه تشویق وتحریک میکند دشمنش را مردانه وار زخمی مینماید . خودش هم اخیرا زخم می بردارد . خصمش را بیدریغ می کشد — بالاخره خودش هم کشته نی استغفرالله شهید یعنی زندهٔ جاوید میگردد .

همان حیات عزیز خودرا قربان همان زندگانی شیرین خودرا فدا مینماید . همان وجود — نازکدانه وهمان جسم بالزیده نازدانهٔ خودراکه همیشه از گرمی بسرد ی پناه اشت ودر سرد ی در بستر های گرمش می پیچانید در لحاف وتوشک ومتکای نرمش می پروراند وحسب طاقت وقوت خودش به غذا وخوراکهای مناسبش تغذ یوتقویه میفرمود در سنگها درکوها در بیابانها در سرد یها ودر گرمی ها روزوشب گاه وبیگاه گرسنه وتشنه بمحاذمه پرخچه های بمب بمقا بلهٔ تکه های شراپنل وگلوله های توپ ومرمی های تفنگ وبرچهای کریج وبرچه درخاک وخون بحالت زار وزبون می اندازد !!!

برای چه .

برای (حیات ملی) ! برای استقلال مملکتی) برای اجرای (اعلای کلمه الله) وبرای صیانت دین رسول الله !

زیرا که دراین راه مردن وجان دادن عین حیات بود مصداق (بل احیاء) شد بمقام (عند ربهم) نائز وبانعام (فرحین) نائل است . پدر بشهادت همچه پسری که دراین راه مقدس شهید شود تفخر میکند .

مادر شیر خودرا برایشمی بخشد (۱) درمیان قوم وقبیله بنام نیك وجوان مردی یاد میشود . شهادت پدر وسیله اعزاز واعتبار فرزند میگردد . به نزد خدا ماجور . رسول الله از وی مسرور — در نزدعامه مردم مشکور است !!!

دین پاك مقابله ومقاتلهرا در همچه مواقع جهت اعلای کلمه الله وصیانت دین مبین فرض عین گردانیده ، در بسیار مواضعی ازقران پاك بما وشما ترغیب واوامر اکیدی فرموده ، که حتما باید ما درین راه جانبازی نموده ، سر فروشی ها کنیم . در بدل ان جنات عالی ولقای حضرت الهی ورضای حضرت رسالت پناهی را کمائی کنیم !!! همچنین بازمانده گان شهدا هم چون بضرب شمشیر خود اعلای کلمه دین واحیای سنت سید المرسلین را نموده ، مملکت را استقلال وحریت بخشیده اند گویا ازین جهت هم یك حیات جاودانی را ازجهت دور وتسلسل اولاد واحفاد وذریات شان — برای ملت ومملکت خویش بدست اورده اند .

برادرانم ! الحمد لله همه ما وشما عاقل — تمام تان فهمیده ، ومسلمان پوره میباشید و میدانید که درهمچه حالت دشمنان وبدخواهان افغانستان میخواهند که ازین فرصت استفاده کرده ، ملك وملت مارا خوار وزبون کنند (لا قدر الله)) ازنفاق وشقاق ما استفاده ورزند — مارا در میان خود ما بجنگانند وخود انها بسیر وتماشای ما خنده کنان وگلمه کنان خرامان باشند .

ازبرای خدا از از بغض (و شقاق) وکینه ونفاق و ازاین الوقتی ودو روئی ازتملق وچاپلوسی از حقائق پوشانی از خود غرضی ومطلب اشنائی وجاه طلبی پسندی وتن پروری جدا کناره کنید ودست ازقبضه ان شمشیریکه بر روی دشمنان دین وملت خود مقابلتاً میکشید نبرداریه ودر راه حفاظت وطن وناموس اسلام خونهای پاك وگرم تانرا فدا سازید . ویك بار دیگر از یك جنبش ملی وجوش افغانی خود باز بعالم شجاعت تاریخی وحماست افغانی خود دارا اشکار وهویدا بسازید .

اگردرین راه استاد ورهنمائی میخواهید پسرلن جنگ وسپه دلاوری را ازیاد شاه دیانت الاعلحضرت (امیر حبیب الله خان) بیاموزید که بچه شجاعت فوق العاده و تهور وبرد نگی بی اندازه بچقدر یك فرصت کم مجدد چقدر خدمات بزرگ وکارهای معظم شده اند . بیك وجود مسعود شان متحمل چقدر سختی ومصاعب ودرشتی ونوائب شده ، وبالاخره از مساعی جمیله اش دین مبین را درخشان وسرتاسر افغانستان را از عدل وداد خویش گلستان ساخت ونام نیك تاریخی خود شانرا درتمام جهان اعلان کرده ، علی روس الاشهاد بمردم دانانده که :

عروس ملك کسی تنگ در بغل گیرد
که بوسه برلب شمشیر ابدار زند

---

(۱) ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما اتاهم الله من فضله . الایه .
یعنی گمان مردم را نکنید درباره ذواتیکه شهید شده اند در راه خدا بلکه انها زنده جاوید و بنزد پرورد گار شان رزق داده میشوند ومسرورند بانچه کعطا کرده است خداوند بانها از — فضل خود .

افتتاح مکتب السنه در وزارت خارجیه

از حسن توجه خادم دین رسول الله (ص) امیر حبیب الله خان وسماعی جمیله حضرت عالی عطاء الحق خان وزیر خارجیه بروز چار شنبه گذشته مکتب السنه برای یاد گرفتن لسان ومحاوره زبان دول خارجیه که افغانستان با انها علاقه مند و برای تکمیل مقاصد وتمنیات خویش بمکالمه ومراوده با انها مجبور است افتتاح گردیده اولا عالیجاه محترم تاج الدین خان مدیر شعبه شرق وغرب وزارت خارجیه نطق اتی را برای استحضار حضار ایراد فرمود ودر اثر ان این مراسله وزارت خارجه که در ~~عقب~~ نطق مسطور استخوانده شده مکتب مذکور در کمال خوشحالی و سرور ودعاگوئی حضور ودیگر رجال معظم وزمامداران حکومت حبیبیه به تعلیم و تعلم تلامید خویش دائر گشت .

(نطق افتتاحیه مکتب السنه)

حضار محترم . همه شما میدانید که حیات از نقطه نظر فلسفی عبارت از تعاون واشتراک وهمدردی است وطبعا بحکم (ضرورت اجتماع بشر) از دور خلقت ادم تا اینندم فرد بفرد قوم بقوم قبیله به قبیله وعلی هذا القیاس ملت بملت وحکومت بحکومت احتیاج خودرا حس کرده وباهم مربوط —
گردیده اند — امروز در هیچ گوشه عالم هیچ قوم وملت وحکومتی دیده نمیشود که علائق سیاسی واقتصادی با دیگران نداشته ووسائل معیشت وزنده گانی خودرا خود بخود تدارک کند .

این احتیاجات متوالیه ودر عین حال لزوم ارتباط واختلاط ما با ملل مختلفه گیتی مارا مجبور میسازد که برای ابراز مطالب خویش وفهم ~~مقاصد~~ مطالب دیگران مبنی بر فلسفه (جلب منفعت ودفع مضرت) از اصول السنه خارجیه تا یک اندازه مستحضر باشیم تا بتوانیم باقتضای وقت وزمان به امالت و مناسبات جاریه را بسهولت اداره کنیم .

این خیال وتصور ما شاید بخودی خود منظورمارا تامین نتوانسته وازحد قول بمیدان عمل درنیاید لهذا ما لازم دیدیم که یک مدرسه به اسم (مدرسه السنه) در خود وزارت ~~جلیله~~ خارجیه — برای تحصیل زبانهای خارجیه مفتوح و از مامورین خود وزارت خارجیه وباقی ذوات صاحب ذوق و سلیقه که علاقه مندی خودرا بوطن محبوب خویش درحکومت مقدسه اسلامی خود ابراز نمایند مطابق ~~مقرره~~ بمرام نامه جداگانه وزارت خارجیه بپذیریم .

این است به امر واجازه حضور همایونی که سمع مبارکشان همیشه برای اصغاء سخنهای حسابی که فائده ملک وملت را متضمن باشد حاضر است وحسب الایماء حضرت مستطاب اجل وزیر صاحب خارجیه افتتاح مدرسه را اعلان میکنم واز خدای متعال جل شانه نیاز داریم که در سایه توجهات اعلیحضرت امیر صاحب غازی همه ما وشما کامیاب شویم .

مرامنامه وزارت خارجیه نسبت به تاسیس مکتب السنه

مقدمه :

قوت وتوانائی یک مملکت در صحنهٔ مبارزهٔ پولتیکی به قدر دسترس واسته داد رجال سیاسی ان مملکت است . موفقیت وپیشرفتهای رجال سیاسی بدون علم ومعرفت متصور نیست تحصیل علم و معرفت ومخصوصا آشنا گردیدن به احوالات خصوصی وعمومی عالم هم وابسته به زبان دانی — است . وزارت خارجیه در روی این اصل وبه اساس همین منظور تاسیس یک مدرسهٔ السنه شاهانه به ترتیب ومقررات ذیل تصمیم گرفت :

(۱) در مدرسهٔ السنه عموما هر روز از طرف عصر نیمساعت قبل از حاضری افتتاح و تا نیمساعت بعد از حاضری به متعلمین داخلی وزارت افاده میکند .

(۲) درین مدرسه شمولیت مامورین وزارت خارجیه الی درجهٔ سرکاتب و کاتب بصورت حتمی است کاتبان هم بمیل خود شان داخل شده میتوانند .

(۳) مامورین داخلی وزارت خارجیه ازدادن فیس (حق التعلیم) معاف میباشند .

(۴) عجالتا در پروگرام تعلیمی این مدرسه تنها سه زبان اروپائی (انگلیسی و فرانسوی و روسی) از لحاظ عمومیت واهمیت وهمجواریت داخل است وبنابران متعلمین به سه صنف ابتدائی (صنف ابتدائی فرانسوی — صنف ابتدائی انگلیسی و روسی) تقسیم میشوند .

(۵) تهیه وتدارک سامان تعلیمی ازقبیل (کتاب — قلم — کاغذ) به عهدهٔ خود متعلمین است .

(۶) شایقین وهوسکارانیکه بداخل وزارت خارجیه ماموریت نداشته وارزوی تعلیم را داشته باشند مشروط به اینکه ماهانه (۱۱) کابلی فیس بمعلم بپردازند درمدرسه قبول میشوند .

(۸) اشخاصیکه سابقا درروزارت خارجیه ماموریت داشتند وفعلا بسبب محدودیت کار برطرف شده باشند اینها هم اگر بمدرسه داخل شدن را ارزو داشته باشند ازدادن حق التعلیم معاف میباشند .

فعالیت ضرابخانه مرکزی در ضرب مسکوکات جدید

مکتوبیکه راجع به ضرب مسکوکات وفعالیت ریاست ضرابخانه باین اداره رسیده عینا — مضمون انرا قرار ذیل برای اطلاع قارئین محترم درج اخبار خویش مینمائیم .

کمترین خدمتکاران دولت وملت سید احمد رئیس مستقل ریاست مستقلهٔ ضرابخانه چنین عرض مینماید که بروز نمایشات صنایع درین جشن استقلال سال یازدهم از طرف ریاست مستقله — ضرابخانه خدمات فوق العاده که بطور نمایش تقدیم حضور مبارک شاهانه گردید منظور وباعث زیاده برزیاده رضامندی وسرور حضور انور وحضار محفل گردیده این بود که درزمان سلطنت گذشته مامورین ضرابخانه در روز وشب (یکصد دهٔ زیادی) از مسکوکات قرار داده داشتند درماه نه که محلی مخصوص بجای والی صاحب برای ضرب مسکوکات انه تاد باشه بود بعد ازمذاکرات

ومباحثات زیاد چیزی افزونتر بر قرارداد پیشتر با ضرابیها قرارداد کردند بعد ازان این خادم دولت وملت چوکی ریاست را گذاشته وتمام روز خود را بداخل ضرابخانه با کاریگران — صرف نموده حتی الامکان سعی نموده باینجا رسانیده ام که (باندازه دوچند مسکوکات سابق) از فضل و مرحمت الهی جل جلاله بسکه میرسد وظاهر است که ازابتدای سلطنت امیر — عبدالرحمن خان مرحوم تا ختم سلطنت امان الله خان اینطور کار واجرات فوق العاده نشده وعلاوتا موبرها جمله مسکوکات هرکدام دو مرتبه جدید ساخته شده که هر موبر کم از چهل روز تیار نمیشود . چنانکه ازسکه های طلا وروپیه وقران وعباسی گی هم بحضور مبارك باكوائف فوق در محفل نمایش تقدیم گردید حضورانور والا بحضور وزرا واهالی محفل وسفرای خارجــــه خیلی مسرور گردیده اظهار رضامندی وخوشی ودعای زیادی برای مستخدمین ضرابخانه عمومـــا وبرای شخص فقیرکمینه خصوصا فرموده وحضار محفل هم در اثر الطاف شاهانه تحسین وآفرین نمودند . بنابران لزوما چون حقوق شناسی محترم وملت پرستی وتوجه الطاف شان درحق خدمت کاران ظاهر است اطلاعا تحریر خدمت فدوی مکرمت گردید زیاده بران بحضور انور عرض شد که مقصود از اظهار این خدمات برای افزودی منصب یا زیادی تنخواه یا اخذ نشان وغیره مدعا نیست نیست بلکه محض خورسندی ورضای حضرت والای همایونت که رضای حضرت سبحانه تعالـــی درانست . میباشد . (امضاء سید احمد)

مقرری جناب عبدالقیوم خان نائب سالار
بقوماندانی افواج مزارشریف

جناب شجاعت وبسالتماب آقای عبدالقیوم خان نائب سالار که دائما در ایام حیات شان مصدر عملیات وطنخواهانه ودارای خصال حمیده وصفات اسلامیه می باشند ودرجهاد استقلال خدمات نمایانی ازوشان نمایان شده وبعدتر زمامداری ملکی ونظامی بالخصوص سمت مشرقی را در اطراف — اسمار وکنرها ونورستان بوجه دلخواه اداره وزمانی قوماندانی نظامی افواج اشرف الامصار قندهار را میفرمودند ومتعاقبا در اثر عدم خادم نوازی وشخص پرستی های حکومت سابقه موقوف شده متحمل زحمات زیادی شده مانند دیگر مسلمانهای صادق متاثر بودند .

ودرین عصر اسلامیت حضر حبیبیه نیز خدمات عالی وکارروائی عمده را برای شخص اعلیحضرت و بهبود ملت ونیکنامی مملکت خویش ابراز فرموده اند درین ایام حسب انتخاب حضرت عالی مفخم جناب سید حسین خان نائب السلطنه و منظوری حضور شاهانه بقوماندانی عمومی افواج ظفر امواج مزار نیز اثار مقرر وسرافراز گردیده اند . وبروز چهار شنبه گذشته برفاقت جناب مستطاب غلام قادرخان سرمنشی به پرواز طیاره بونگر عازم صوب مطلوب شدند .

حبیب الاسلام ازین حسن‌مقرری خادم دین رسول الله ممنون وبرای نائب‌سالار موصوف که از روی اهلیت ولیاقت این موقع مهم را نائل شده اند استدعای حسن خدمات را نموده توفیق را رفیق شان خواستار است.

دستگیری جنگجویان جنوبی

از حسن نیت اسلامیت طویت خادم دین رسول الله وفداکاری وفعالیت متصدیان شجاع وکارآگاه شان در اثر آن سوقیات عسکری وپیشرفت نظامی که در شماره (۲۳) حبیب الاسلام تفصیلات آن تشریح شده یکعده از نفری شرارت پیشه احمدزائی ومنگل وجدران درعین محاربه که خوش بختانه تازه فتح وظفر آن بینام نامی عساکر کامگار حبیب اللهی کشیده شده در موضع خندخیل جنوبی دستگیر وبصورت اسیران حربی دو سه روز قبلیرین محفوظاً وارد مرکز وجهت تسلیت عمومی وعبرت سائرین در شهر شهر کابل تشهیر شدند وفعلا تحت الحفظ وزارت حرب میباشند .

عساکر فاتح ما در اثر این فتح عالیشانی که برایشان از فضل ایزدمنان در (خندخیل) نصیب گردیده فعالانه وشهمکانه در سوقیات توجی وپیشرفت لشکری شان اجراآت دارند .

محمد نادرخان واتباع نادان آن تاهنوز بر هیچجا اقدامی موفق نشده طوریکه ما قبلا در شماره (۲۵) مرقوم داشتیم درحواشی سرحد بودن نامبرده وتشبثات مایوسانه وبیانات نفاق افگنانه اورا راپور های نظامی ما حکایت میکنوییر. مزید اطلاعات پیشرفت عسکر شیرپیکر حبیبیه را در سمت جنوبی در آتیه‌خواهیم نگاشت .

(تلگرام بی سیم مزار شریف)

چندی قبلیرین تلگرام بی سیم مزارشریف بنابر خرابی که برایش عائد بود در سلسله مخابرات طرفین یک سکته وتعطلی را فراهم آورده بود اینک از دو سه‌هفته باینطرف رفع علت ورفع خرابی آن شده مجدداً برای قبول واعطای جواب هرگونه مخابرات ولتی وملکی حاضر ومنتظر است . تجار وشایقین عند اللزوم باداره مزبور مراجعت کرده میتوانند .

مراد رخواب گردید این هدایت

(مکتوب)

جناب مدیر صاحب جریده حبیب الاسلام .

دیروز (کتاب آئینه انقلاب) را که حاوی فتوحات ومردانگی های درخشان جناب امیر صاحب است بحضور ذات همایونی شان می‌خواندم وقتیکه خواب های بعضی علما را که منظوم ساخته ام قرائت نمودم ذات اعلیحضرت فرمودند که (صورت این منظومه ها باخبار نشر شود) لهذا خواهش دارم که حسب الامر حضور منظومه های ذیل را درج جریده خود بفرمایند (شیراحمدشاعر)

(خواب شیخ شنوار)

برای بیعت از اقوام شنوار   بکابل چون رسیدند اهل کار
من اندر صحبت ایشان رسیدم   از آنها این روایت را شنیدم
که اندر ملک ما شخصی است عابد   همیشه معتکف بوده بمسجد
زعلم وزهد وتقوی کامیاب است   که شغلش درعبادت باکتاب است
شبی خوابی بدید وکرد فردا   بما آن خواب خود را هویدا
که دیدم آن امیر هردو عالم   مکرم تر ز نوع جن و آدم
بیک محفل نشسته همچو سلطان   بدورش جمع چندین خلق و یاران
امان الله خان را یک جماعت   بیاوردند حاضر پیش حضرت
کاین کسر رخنه در دین کرده پیدا   شده پیرو بآئین نصاری
مسلمانان دیگر را بآن راه   دلالت میکند جبری همین شاه
رسول الله بچشم خشم سویش   نظر افگند وزد سلی برویش
بقدر ساعتی مدهوش افتاد   وزان پس راند کی جنبید وایستاد
دگر سلی بزد بر روی آن شوم   کشد در عرصه گاه خاک معدوم
درین فرصت شدم از خواب بیدار   بتعبیرش چنین دل کرد اظهار
که نخل دولت این شاه گمراه   همی افتد زبیخ از قهر الله
قضارا بعد یکمه یا چهل روز   شد این اثر برویش شعله افروز
که بهر غیرت دین قوم شنوار   علم برداشتند بهر پیکار
سرایت کرد آن اثر بهر سو   فتاد آخر بدولتخانهٔ او
که از کابل بصد خواری وخذلان   بسوی قندهار او شد گریزان
درانجا خواست تا قد راست سازد   لوای سلطنت را برفرازد
دگر سلی ز غیب آمد برویش   بخاک افتاد جام آرزویش

(گفتگو خواب مولوی مشرقی)

دگر یک عالم پرهیزگاری   بجمع مولوی ها نام داری
رقم فرموده چندین اشتهارات   فرستاده بهر ملک و ولایات
که درکابل بعین یک قطعه آن   رسید وخوانده شد پیش عزیزان
نخست این نکته درروی بود مرقوم   که هست این مطلب بر خلق معلوم
کسی درخواب اگر گوید دروغی   مسلمانیش رانبود فروغی
حدیثی رابعد ز قول خود باز   دران بنوشته وخود داده ابراز
وزان پس خورده سوگند های بسیار   که درخوابم نه از کذب است آثار
که دیده آن شاه اورنگ رسالت   مرا درخواب کرده این هدایت
بگو از من گروه امتان را   تمامی مردم افغانستان را

حبیب‌الله را سر در اطاعت — نوازید با طرز صداقت
که او این خلعت شاهی زمن یافت — نباید سر ز فرمانش کسی تافت
رضاجوئی من را هر که دارد — اطاعت در حضور او بیارد
ز امر او خبر کردم شما را — بگیرید این راه هدا را

اظهار تشکـــــــر

سواد مکتوب مورخه ۲٤ اوت ۱۹۲۹ مسیوهاکن مامور سیاسی حکومت فرانسه عنوانی وزیر صاحب دربار ·

بنده ازیک برائی دوستانه که بتوجه جناب آقای وزیر ازطرف وزارت دربار برای ما درموقع جشن استقلال ترتیب شده بود خیلی اظهار تشکر وامتنان را میکند ایامی را که در جشن مذکور گذرانیده خیلی باعث مسرت ودلچسپی ما گردید ترتیباتیراکه وزارت دربار برای اعضای سیاسی مرتب ساخته بود قابل تقدیر است امید میرود اگر وقت برای ما مساعد گردد چندین جشن های دیگر را مشاهده کرده باعث خرمی ودلشادی ما خواهد گردید در خاتمه احترامات فائقه تقدیم میداریم · (امضاء هاکن)

خزینهٔ هراة در ایران ·

تشکر ازمددرد[?] حکومت پهلوی باحکومت حبیبی

در هنگامیکه غلام صدیق خان وزیر خارجهٔ سابق ازطرف شاه مخلوع جانب هرات مامور شده بود بامر او مبلغ هشتاد ودو هزار روپیه از خزانه هراة خارج ودر ایران فرستاده شده بود تا انرا بمصارف شخصیات خویش بپردازند · دولت علیه ایران نظر بدوستی وصمیمیتی که باما داشتند اینپول را مال ملت دانسته وبطور عاریت حفاظت کرده اند · قرار اطلاعاتیکه تازه از ناحیهٔ جنرال قونسلگری ایرانی گرفتیم گویا بر اثر پیشنهادات حکومت حبیبیه رسما جواب داده اند که حکومت مبلغ مذکور را محافظه کرده است تا اینکه به ملت افغانستان بسپارد وبخزانه حقهٔ افغانی تقدیم کند با اینکه سلطان احمد خان سابق وزیر مختار به نهایت کوشش کرده است تا پولرا بگیرد ولی داده نشده است · حالا باید ملتفت شد که همسایهٔ نجیب ما ایران — افغانستان که بجز همدردی وهم علاقگی اندیشه ندارد هیچگاه بخرج شخصیات به تلفات — اموال جمعیتی رضا نداده وحقوق همسایگی ودوستی همجواری خود شانرا نمیخواهند پامال کنند ·

تشبثات عقیم مخالفین افغان در ایران

همچنان اطلاعات دیگری که از خراسان رسیده ثابت میسازد که عبدالعزیز خان وزیر حرب سابق که در مشهد آمده میخواست با همدستان خود بعضی اقدامات برعلیه حکومت موجوده — بنمایند — ولی عمال حکومت علیه در جلوگیری انها سدی شده زحمات ایشان را عقیم ساختند که نتوانستند به مرام خود موفق ایند . لهذا حسن سلوک علیه محترم ما ایران شایان تقدیر و همدردی ایرانیان مستلزم عرفانستان است . (اقتباس از اتفاق اسلام)

نزاع چیـــن و روسیـــه

اوضاع مملکت چین ازمدتی خراب وخیلی برهم ومحل هرج ومرج اهالی گشته مردم انجا گروه گروه باهم میجنگیدند بعد از خرابی ها وپریشانی های زیاد بر قیام یک حکومت ملیه که نماینده اهالی چین و برضای جمهور بطریق انتخاب عمومی تشکیل می یابد موافق شدند از مساعی همین حکومت ملیه است که چینیها حق امتیاز خارجی هارا بداخل مملکت شان که از سالهای دراز دول اروپائی انرا برای خود درچین ثابت وحاصل کرده بودند لغو نموده بر حفظ — حقوق مملکتی خود موفق شدند چون راه های اهنی که درمنچوریا از سالهای سابق ازپول دولت چین وروسیه ساخته شده بود واز روی معاهدات ماضیه ساختمان وانجام ان بدست عمله وعمله و مامورین چینی وروسی بالاشتراک بعمل امده بود حکومت حاضره چین این مداخله وتصرف روسیه را در خط اهن مذکور ازقبیل (تداخل دست خارجی درامور داخلی مملکت) دانسته جهت استخلاص راه اهن منچوریا از دست روسیه تشبثات متوجه نموده در هر شهری از — مملکت چین که قونسلخانه روس بود برانها هجوم اورده عمله و قنسولین سفارت روس را به اتهام پروپاگند وتبلیغات اشتراکیت متهم ساخته برخی را محبوس و بعضی را خارج البلد — نمودند این قضیه باندازه امتداد یافت که بقطع مناسبات سیاسیه حکومت چین وروسیه منجر شد و قریب بود که فوق روسی ها وچینی ها باهم بجنگند — ولی امریکا وفرانسه مانع امده — سلسله مذاکرات دول تصفیه امور مذکور را بانعقاد یک مجلس تصویب وبطرفین تکلیف کردند .

لهذا صحنه عالم ازیک محاربه مدهشه که قریب الوقوع وشدید البطش بود نجات یافت واین خیر خواهی وسلسله جنبانی را امریکا وفرانسه ودیگر هم قطارانش درین مورد ازین جهت بذل ومرحمت فرموده اند که در منچوریا دول معظم دنیا مانند انگریز امریک فرانسه وژاپون مفاد ملیه ومطامع سیاسی ستمارانه داشته هرکدامی ازانها در نقطه نظر خویش موضع مذکور را ازنقاط مهمه عالم می شمارند .

روزنامه هوائـــی

چند وقت پیش (فورد) صاحب کارخانه های موتر سازی — طیاره دو نفری که برای — مسافرت درکارخانه های خود ساخته بود تجربه میکرد این طیاره ها طرز دیگری است و برای مسافرت راهدور ساخته شده است . درین طیاره اسباب راحت ازقبیل مطبخ دستگاه های رادیو — خانه طعام خوری — تراشت خانه وغیره نیز میباشد در وقت تجربه کردن طیاره

کارکردن روزنامه هم که اولین دفعه در تاریخ هوا پیمائی است تجربه شده مضمون وعبارت روزنامه را خود مسافرین درهوا ترتیب داده با ماشین نوشته وفقط در بالای (میمه اوگراف) دستگاه کار چاپ کرده اند اخرین خبر های نو که با رادیو گرفته می شدند در روزنامه هوائی مذکور چاپ میگردید .

نگهداشت شیر ذریعهٔ رادیو

عالم الهانی (کارل زیدل) نام ازموجهای رادیو ترتیب نو اختراع کرده که بواسطهٔ ان شیر ازگنده شدن محافظه میشود یعنی شیر را قدری گرم کرده بعد بظرف سلندر مخصوص میریزند ودر مدت کم موجهای خورد (رادیو) را دروی میگذرانند پسازان تمام میکروبهائی کـــه سبب خراب شدن شیر میشوند بذریعۀ مذکور میمیرند شیریکه بطریق مذکور پاك میشود میتواند چهار روز درجای گرم وچهار هفته در زیر زمین یا درجای خنك دوام کند شیریکه باین طریق پاك میشود هیچوقت طعم طبیعی خودرا گم نمیکند .

ماشین سرکسازی

در امریکا برای درست کردن راها ماشین های ایجاد شده است که کار روزانه پنجاه نفر را در یکلحظه بانجام میرساند این ماشینها را فقط یکنفر اداره وسر رشته میکند . این ماشین جویهای کوچه را بعرض ٤٠ سانتی میتر و به عمق یکمتر به اسانی کنده بر میدارد ودر وقت کار قطعا نمی ایستد این ماشین برای هموارکردن زمین ودرست کردن راه های شوسه بسیار فائده ناك است .

ماهی گیری با برق

علمی وفنون باتدمهای بزرگ پیش میرود درینوقت به اب سیمهای برقی تعبیه شده با قوه برق طریق ماهی گرفتن را پیدا نمودند . ماهی ها بطرف سیمها نگاه کرده می ایند ووقتیکه بسیــم رسیدند مرده بروی اب برمی ایند لیکن ماهیان ازسیم برقیکه دارای ۲۰۰ ولت قوه هستند هیچ ضرر نمی بینند بلکه ازپهلوی ان سیم که دارای اینقدر قوه برقی میباشند بی ملال میگذرند . اما سیمیکه جریان قوه برقی از ۵۰۰ تا ٦۰۰ ولت دران موجود باشد ماهی هارا میکشد . وبعد ماهیان مرده را با کشتیها جمع مینمایند . (اتفاق اسلام ازرهبر دانش)

یکصد وپنجاه ساعت در هوا

ناظرین قبلا مسافرت یك طیارهٔ المانی را که هشتاد ودو ساعت بروی هوا با هشتاد نفر مسافر بود خوانده اند اینك دران زمینه یك اطلاعی دیگری نیز گرفته ایم که نوکرنام یك طیارهٔ جنگی سموتره را در امریکا ازارکان حربیهٔ لوشان ژلوس) پروازداده ٦ روز و٦ ساعت و٤٦ دقیقه در فضا پرواز کرده است طعام وغیره لوازم ضروریه این طیارهٔ جنگی را دیگر طیارات وقتا فوقتا بروی هوامی رسانیدند درین طیاره یك صاحب منصب وسه پیلوت ویك میخانیك موجود بوده علت فرود امدنش خرابی یکی از موترهای مزبور بوده است .

نماینده ٔ ابن السعود در لندن

بقرار اخباریکه واصل شده است ابن سعود سلطان حجاز در صدد این امر برامده است که روابط خودرا با دول معظم بسط وتوسعه دهد ودر تعقیب این فکر نماینده ٔ باسم وکیل سیاسی در لندن بر قرارخواهد کرد وبرای نمایندگی مزبور (شیخ حافظ) درنظر گرفته شده است . (اطلاعات ایران)

مانوره های انگلیس

مانوره های سالیانه قوای بحری وجهازات اسمان (پیمائی) انگلیس با حضور ماک دنالد وسائر اعضای دولت در گلون داده شد حزب کمونیست انگلیس درمیدان طیاره نمایشی برای اظهار پروتست وتحت عنوان (دور باد امپریالیزم) تشکیل داد .

حریق در قطعهٔ محله ٔ بندر تیلادلفی

یک حریق بزرگ کمته اتبان مواد شیمائی زیادی منفجر گردید در محله که بندر تیلادلفی دران واقع است بوقوع پیوست کلیه عملجات اطفائیه مشغول اطفای ان شدند وسزارده ساعت موفق بانجام ماموریت خود گردیدند تاکنون خسارات جانی اطلاع داده نشده ولی میزان خسارات مادی زیاد است .

مناسبات برطانیه وچین

معاهده نانکینگ

مخبر تایمز بتاریخ ۲۲ محرم از مقام شنگهای اطلاع میدهد در (نانکینگ) اعلان شده است که (سرمایلز لیمسن) وزیرمختار برطانوی درچین یک معاهده ٔ بحری راکه فیمابین چین و برطانیه منعقد شده قبل ازحرکت خود ازچین امضا نموده است ازین خبر اطمینان بخش ظاهر میشود که برای تجدید روابط دوستانه ٔ که سابقا در بین ساکنین مزبور وجود داشت یک قدم دیگر برداشته شده است . یک هیئت بحری برطانوی به چین خواهند امد تا کهدر امور بحریه تعلیمات نموده وچینی هارا برای ترقی در قوای بحریه شان کمک کند . یکدسته از منصبداران بحری چین عازم انگلستان خواهند شد تا برای حاصل نمودن تجارب جدید یک عرصه ٔ در کشتی های جنگی برطانیه خدمت نمایند . چینی ها ارزو دارند درعده ٔ کشتی های جنگی خود بیفزایند وازقرینه چنین معلوم میشود که برای خریداری کشتی های مذکور بانگلستان فرمایش بدهند . تقریبا عرصه چهل سال منقضی شده یک هیئت بحری برطانوی عینا برای همین مقصد وارد چین گردیده بودند وازان وقت یکعده ٔ زیادی ازچینی های جوان در قوه ٔ بحریه برطانوی خدمت نموده اند چنانچه در معرکه ٔ وهان بعض ازانها در عملیات بحریه امتیازات یافته اند .

نوت ·

شب گذشته وزارت خارجه دریای اپلاغیه خود خبرهای فوق را تعدیق نموده و مینویسد که حکومت چین پانپروگرام معقولی را برای تاسیس یک قوه مکمل بحریه ترتیب داده است و — چنین تصمیم گرفته است که بعض از کشتیهای جنگی شان در برطانیه اعظم ساخته شوند ·

(تائمز لندن ۲ جولائی)

بحران کابینه جاپان

بتاریخ ۲۲ محرم از مقام توکیو اطلاع میدهند که امروز صبح اعضای کابینه بصورت معجلانه مجلسی ترتیب داده و چنین تصویب نمودند که فردا استعفای حکومت یعنی (کابینه) موجوده را از حضور پادشاه خواستگار شوند وگمان میرود که دیگر مامورین عالی مانند گورنر جنرال کوریا رئیس موسسه ریلوای مانچوریای جنوبی نیز مستعفی خواهند شد ·

سقوط طیاره اوقیانوس پیما

مخبر خصوصی تائمز بتاریخ ۲۲ محرم از مقام نیویورک اطلاع میدهد که مستر ویلیم ستلتز) هواباز معروف که در ماه جون سنه ۱۹۲۷ با یکنفرخانم (ژلژلق رسر میلیا ایرهارت) بحر اوقیانوس اطلس را بذریعه طیاره عبور نموده بود امروز بواسطه زمین خوردن طیاره در جزیره لونگ — مهلکانه مجروح شده است · دو نفر مسافرین که در طیاره مذکور مسافرت میکردند فوری هلاک وخود مستر ستلتز در شفاخانه مرده است · (ترجمه آقای عبد الصمد خان)

بیعت اهالی قلعه نو
وقادس هرات

بسم الله خیرا للسما نحمده ونصلی علی رسوله الکریم واله واصحابه العظام امابعد · اقرار واعتراف معتبر صحیح شرعی نمودند برضا ورغبت خود اهالی قلعه نو وقادس اصحاب مواهیر ذیل ونظامی مقیم قلعه نو بر اینکه چون قبل برین زمام سلطنت مان بکف اقتدار امان الله خان بود وشامبرده — موصوف بیباعث اعمال ممنوعه شرعی واختراعات مبتدعانه جدید خیالی که مخالف شرع شریف بود از قبیل مناکحه ازواج اضافه از یک مخالف هدایت · مثنی وثلاث ورباع ·

وابد · زینت نسوان مخالف قول ارشادیه · و لا یبدین زینتهن الاماظهر منها ·

ومخالفت کور وانات در اوراق وطرق بی باکانه وسمامت علما متبحر زمان از تدریس و مواعظم ترانی بدون استشهاد وفرستادن بنات مسلمین جبرا وکرها بدول خارجه وغیره اعمال وکردار نا پسندانه شریعت غرای محمدی (ص) که پیشرو داشت واجرا آت می نمود ·

و برادران مرکز کابل واطراف ان از سلطنت ان ناراض گردیده علاوه خود مذکور از گذشتن کابل وامدن قندهار واستعفای ضمنی خود از سلطنت بماعلان جداگانه مستخلی خود اشعار فرموده بود واهالی کابل وغیره محالات زمام اختیار سلطنت خود هارا از قبضه اقتدار مشارالیه بیرون کرده وحفاظت مملکت وتخت سلطنت وقبضه اقتدار خود هارا بذات همایونی بیضاء الملت والدین المجاهد فی سبیل الله خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان سپرده ودست بیعت واطاعت

وانقیاد داده اند — وازین مژده مسرت بخش ومستشرق قلوب کافه اهل اسلام که اطفای بدعات هوا پرستان واجرای احکام مطهر را بر اساس قوی بنیاد دین مقدس بر طبق آیات قرانی وحدیث نبوی ومذهب مهذب حنیفی داراست بذریعه عالیجاه عزت وشجاعت وتهور نشان عبد الرحیم خان نائب سالار بهادر براهالی قلعه نو وقادس جلوه ظهور بخشید بر مسند نشینی وامارت امیر حبیب الله خان بهزار زبان شکریه بجا اورده اطاعتاً الامر الله بفرموده و اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم زمام اختیار خود هارا موافق برادران کابل وباقی محالات خود یکقا اقتدار امیر حبیب الله خان نهاده رشته اطاعت وفرمان برداری وانقیاد را برگردن خود خط خود ها بل محکم قرار داده بدل وجان بیعت دادیم وبزمان حیات خود ها از خداوند کریم توفیق حسن خدمت برای خود ها خواسته جان ومال وهست وبود خود هارا به سلطنت عزیز خود فدا میسازیم ونیز توفیق عدالت گستری را مطابق شرع مبین بحضور خادم دین رسول الله خواسته وبموجب اونو بعهد کم بوعده خود ها وفا میکنم درخاتمه وما توفیقی الا بالله.

امضاءات :

خواجه محمد امین ملا امام کندک — غلام حیدر خان کپتان — شیرمحمد کوت حواله دار محمد عمر خان کپتان — محمد شریف خان صوبه دار — نور احمد خان کوت حواله دار و باقی امضاء ومهر ٥٤ نفر دیگر از اعزه واشراف .

(کابل مطبعه سرکاری)

صفحه (١) جریده هفتگی حبیب الاسلام ــ سال اول شماره (٢٨) (نمبر مسلسل ٢٨)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

مدیر: برهان الدین ککه کشککی .

اداره‌ما نمبر ــ د ما افغانان کابل ــ افغانستان .

همه امور تحریریه و حسابیه با اداره فرستاده شود.

اداره در انتشار و اصلاح مقالات وارده مختار است.

در هر هفته یکمرتبه یوم چارشنبه نشر میشود .

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

شرح اشتراک

مقامات.	سالانه	ششماهه
شهر کابل	٦ روپیه	٣ نیم روپیه
داخل افغانستان	٧ روپیه	٤ روپیه
ممالک خارجه	١٥ شلنگ	٨ شلنگ

(قیمت یک شماره ٦ پیسه)

(درین اخبار از احکام دینی و مسائل اسلامی و هرگونه علوم و فنون و اطلاعات سیاسی و مفاد دولتی و منافع ملی بحث میشود .)

(تاریخ قمری ٨ ربیع الثانی ١٣٤٨) ٤ شنبه (تاریخ شمسی ١٦ سنبله ١٣٠٨ هجری)

مارا ازین معاصر ما این گمان نبود

(تنفر از افکار غرض آلود جریده « حبل المتین » کلکته)

با صافی دل مباد لقا خوبتر دشمنی است ــ هر کو کشد برآئینه خنجر بخود کشد

هرات جزء لا یتجزای افغانستان اســـت

درینوقت که حکومت اسلامیه ما مشغول اصلاحات داخلی مملکت و مصروف بحزیه تنویـــر دین مبین حضرت ختمی مرتبت است برخی ازین مغرضان حریه برگهبرد مدعای خواهشهای نفسانی ـ چشمهای شانرا دوخته و ختام دنیوی و اغراض شخصی انها را ازجاده حقانیت کشیده تصورات لایعنی و نظریات بی معنی راجع به بحران افغانستان و استفاده نمودن از موقع بد مقاصد ناپاک خود میپرورانند . ورود این افکار غرض آلود شان میخواهند برخی از همسایهای علاقمند مارا از راه منافقت برعلیه ما برانگیزند .)(لاقدر الله) ولی اینرا نمیدانند یا اینکه تجاهل ــ ففففف عارفانه را بکار میبرند که این ملت غیور متدین بارها در چار همه انقلابات مقدســ گردیده و پس دشمنان ملت و دین اینطور خیالهای خفۀ خام را در دیگر مواز خود شان پخته و خواسته اند تا از راه سوء قصد عملا افکار بد هنجار خود مارا درین محیط مقدس بانات اسلامیه انجام بدهند ولی همین ملت متدین بوده که در هر مراتبه کهانده یک تجاوز را از کدام جهت برعلیه مفاد خود ملاحظه کرده اند باشتدا دامهین و قبا نحوئین خود ــ

بار بار دندان طمع حرص واز حریفان وشکاران را بحلق شان فروبرده است اما شرف و نوامیس اسلامی را بایک یکوجب از خاک افغانی خویش به سر فروشی ها ریختاندن خون های پر حرارت خود یکسال چه بسوقعهای بیحساب حفاظت کرده اند این زمزمه های بی منطق — پر اشتعال را که بعضی اشخاص را ما فهمانده پر از راه غرور وبغض پرستی از بهر خود میسرایند ودیگران را کنایتاً یا صریحاً بیان امال ناپاک خود تحریک وتشجیع میدهند وخامشانرا هم باید بسنجند کجا افغانستان پایه شیری ازارا فی الواقع چرب وشیرین نیست که هرکس انرا بچنگال — اشتها دستاندازی به هرجود دارد واطفال اتجر مروازخود را بان بینماید . واین ملت دست بسته وبانظرهای یاران منظره قبیح را مشاهده وکرد وتحمل نمایند .

بلکه باید فهمید که درحراست یکوجب از اراضی خاک وطن ویا یک جزئی حق از حقوق حقه خویش ما وقاطبه ملت افغان تا اخرین فرد جوان حتی پیران وکودکان خود را قربان — خواهیم کرد .

مغرضین اینطور خیال نکنند که ملت افغان در اثنای این کشمکش های داخلی شان اینطور یک ضعف یا ناتوانی پاید شده خواهد بود که از ان دشمنان ما دفع جوع لارضی شانرا بکنند . نی بلکه ؛ چو سرکش بر سر افتادگی افتد مشو ایمن — که کار خویش خواهد کرد اتش هرکجا افتد .

اشخاصیکه شاهد انقلاب ها بوده وافغانستان را از راه منافقت ضعیف جلوه میدهند — بخبط وخطا رفته اند . چه اینطور انقلابات متعدد در افغانستان از ایام باستان الی الان عادی مابوده است اینها این ملت پرشور وشجاع ما برای دفاع از جزئی حقوق مشروع خود بس انقلابات را تولید واثرها ی بزرگ محاربات را بر افروخته اند بفضل خدای توانا وروحانیت حضرت — رسول الله کسی نتوانسته است که دست تجاوز خود را بشرف وناموس وطنیت افغان دراز کند .

این مسئله بتمام جهان وجهانیان معلوم شده است که ملت افغان مثل شوربا برنج ویا — حلوائی که موافق دندان مصنوعی (حبل المتین) باشد نیست (چه پیران فرتوت غذای نرم خواهش میکنند تا بدون زحمت جویدن در حلقوم فرو کنند) بلکه یک پارچه فلزی است که در زمان قریب قوی ترین معده را بشور اورده ازحلق قوم شان برامد بلکه محل غذای دیگری هم — میتواند شد .

شاید درین روزها تازه پیر لنیگر طبیبی شده باشد که معده ای مثال معروف سرخود را

علاج نکرده به دیگری می پردازد .

اما این همان هاتف شده وطن نیست که ایرانیت از آن ننگ دارد اما برای ... کردن خود را میخواهد ایرانی وایرانی دوست معرفی کرده در ضمن حال برای تکفین خویش پول حلال ـ کاهی کند (!) واینجا ما باید اصل قصه را بگوئیم که (حبل المتین) در یک سلسله از ـ مقالات واهیات تذویر که در شماره ۲ وه ٤ امساله اش مسطور داشته بایران پیشنهاد ـ میدهد :

(افغانستان جزء لاینجزای ایران است و ایران که هرات را رها نموده از لاابالی گریهای میرزا آقاخان های نوری در بار تجری بوده آن لا ابالیگرها حق ثابت تاریخی و ـ جغرافیائی وطبیعی ایران را از هرات مرتفع نمیدارد اینکه انگلستان هم طرف نیست و افغانستان مستقل است وحکومت (شاه امان) هم کیفما طرف معاهده بود از میان رفته ـ لهذا هر حکومتی راکه مادر اینده برای افغان بشناسیم آن نیز حقوق حقه ما را تسلیم نمایند)

وبالاخره در ضمن مطالب بیجا این ضعف افغانستان را کاملا بگوش ایران میرساند واشاره میدهد که موقع استفاده است .

حالا باید ما قضاوت کنیم که اشخاص مغرض غیر از ین که صفای اخوت ذات البین این دو ملت اسلام را خدا نا خواسته به نیات غیر حسنه خود تیره وتار کنند مقصد دیگری ندارند .

این جریده بی مسلک که تا دیروز ما وایران سرمشق اتحاد واخوت داده میخواست وصفحات آن از درس اتحاد ملت افغان وایران وتزاید قبل از انعقاد ... مملو بود ودر مقالات متوالی خود بسیار زیاد اظهار حرارت میکرد امروز دفعتا در عقیده ما از چنین تزلزل واقع گردیده ... تمام ملل اسلامی وشرق صفحات جریده خود را سیاه ولکه دار میسازد . اما غیر از افکار غرض آلود چیزی دیگری است .

ما از لحاظ (ایران عزیز) شد نمیکنیم وشاید معقولانه ... خاطر دوست عزیز خود ایران را بجوابهای شدید یکه برای (حبل المتین) بدهیم ازرده نکنیم لذا موقتا درجواب آن جریده شرانگیز مینگاریم: این راه که تو میروی بترکستان است

این نامه (بیرت) امروز برای معاندت نه بلکه برای هجاز اسلامیان وملل شرق کارمیکند .

تو میخواهی دو ملت همجوار وهمدین هم آئین را باهم مخالف ساخته نه تنها امال ـ

اوشان بلکه امال کلیهٔ شرق را بمداخلات برادرانه وانحصار ازجادهٔ ترقی وتعالی شان براندازی .
فقط کمی بحوصله !

دوستی واتحاد ملت افغان با ایران نه از لحاظ حکومت سابقه بوده (وقتیکه آن حکومت از میان رفت صلت وفکر ملت هم تغییری پیدا کرد) بل . این ملت جوان با همان عواطف واحساسات رفیق برادری وهمکیشی بملت عزیز ایران مینگرد ودر غم وشادی آن خود را شریک میداند که شمهٔ ازین جذبات صادر دانه مارا این بدبختی که در موقع افشای معاهدهٔ افغان وایران از طرف ملت افغان بجوش وخروش اظهار شده خوبتر خاطر نشان میکند :

حیفاست حسود شادمانت گویم — درد تو بجان دوستانت بادا

یقین است که این انقلاب افغانستان وتاسیس حکومت جدید آن موجب این نشده که مثقال بقدر ذرهٔ در روابط حسنهٔ ما وایران اختلاف ونقاری یا تشتت وغباری را پیدا کرده باشد . اگر (حبل المتین) کمی فکر کند وعاقبت را بسنجد میفهمد که درین مقالهٔ خود چه سهو وخطای بزرگی کرده است .

ما باین عقیده هستیم معنی اینقدر ها وقع واعتبار نمیدهیم ومیفهمیم که ایران عزیز — درین سخن هیچ حصهٔ ندارد ! واین آواز ازکدام ضمیر مسموم یا جرائد نیم رسمی مملکت ایران شنید نشده است . ودولت همدین وهمکیش وبرادر ما با همان حسن نیات وهمچنان رویهٔ دوستی واتحادی که با حکومت (امانیه) معمول میداشت تا امروز با حکومت (حبیبیه) ما نیز مرعی داشته است .

سفارت شهنشاهی ایران از اول تاسیس حکومت حالیه الی الان به دربار شاهی افغانستان — سمت رسمیت حکومت متبوعهٔ خویش را داشته در همه مواقع که بوزارت عظمی خارجه و — حضور شاهانه مشرف گردیده اند احساسات پاکدوستی ایران را خاطرنشان وملت ایران را نسبت بافغانستان بسیار خوب ارائه وهمان شالوده واساس سابقه اترا تعقیب وتائید میفرمایند .

لذا باساس این رویهٔ متقابلهٔ نماینده های سیاسیه ایران مقیم نقاط متعددهٔ افغانستان وحسن نظریه ورفتار عموم ملت عزیز ایران که در اثنای این انقلاب بعد ازوشان مشاهده کرده ایم قطعاً در احساسات ما نسبت با ایران عزیز خللی پیدا نشده واحساسات آن ملت همدین و همجوار خود را هم نسبت بخود منزه وبالا از همه الاثر میدانیم وانتظار داریم که جرائد —

داخله ایران (حبل المتین) را ازین باره گوشهای جلوگیری کرده از تحریرات اتفاق امیز
وبیانات اسلامی شان اورا ازین رویه منافقت انگیزی که در پیش گرفته ساکت بدارند .

عدالت گستری ورعیت پروری همایونی

بهر حریر گل گذارد پای در صحرای حشر ـ انکو کاری که بر دارد ز راه خلق خار

همین ملتی از ملتها وهیچ قومی از قومها در دنیا نه خواهد بود که از محاسن شریفه واثرات نافعه جمیله عدل انصاف انکار واستغنا فکرد میتواند چه همین کلمه مبارکه عدل استکه ـ شیرازه بشریت را تحکیم ومعاملات معاشرتی بنی نوع را قانون وتنظیم نموده سدی در قوتا افراط وتفریط گردیده است کسانی را که سعادت دو جهان وخوشبختی رفیق کرم گستر است از همه اولتر وپیشتر برین شیوه مرضیه مائل ودلداده گردیده رفته رفته تمام شرف وعزت واعتبار اورا استقبال میکند خدا را شکر میکنیم از زمانیکه سلطنت افغانیه بوجود خادم دین رسول الله زیب وزینت یافته شعائر اسلامیه روز بروز تازه شده میرود و وجود معظم شان بعدالتگستری ورعیت پروری ممتاز وسر افرازترین اشخاص هستند وبنوعی درجریان عدالت امورات توجه خاطر رعیت شاهانه خویش ـ بذل مقدرت میورزند که روا دارا نیستند یکتفوق وامتیازی بهمدیگر شان از غریب خویش وفردی از افراد رعیت خود نمیباشند وتاکید مزید شان بهمتامور مامورین مملکت نیز همین است که باید تمام امور ـ سلطنتی ومسائل مملکتی بهمان محور اساسی وطبیعی ان که منتج بر مسرت وخوشنودی تمامی رعیت باشد گردش ورفتار نماید ـ تا برای اثبات این مطلب بطور نمونه بذکر چندی از ان مراحم والطاف همایونی که برای رهنمائی مامورین ودلدهی رعایا بعدالت پروری خویش انرا از قوه بفعل اوردند از منابع موثوق اقتباس نموده ذیلا میپردازیم :

جلب نفری توسط بلدیه و کوتوالی

(اعلان)

نظر به پیشنهاد ریاست بلدیه ورای مجلس تنظیمیه اسلامیه مواد ذیل را بنابر رفع هیئت ملت و سهولت کارات دولت حکم میفرمائیم که در معرض اجرا اورده شود .

(۱) در موضوع جلب نفری که برای حساب یا دیگر معاملات سرکاری در وزارتخانه ها و ولایت وغیره . دوائر دولت حاضر شدن شان لازم وضرور شود وزراء ورؤساء تشکیلات شخص را بسه توماندانی کوتوالی روانه کنند واز کوتوالی بریاست بلدیه خبر داده شود که شخص مجلوب راباید الخ

کاروا قافله جلب کرده فرستاد مقصد بود حاضر شدن انرا حاصل کند اگر از طرف مدعی دائره‌ چپراسی مقرر وشخص مجلوب طلب شود اولا بواسطه نایب دره یا قشن ان سرگردانی به — چپراسی مذکور پیش میشود و دوم از پنجو سرگردانی بوپشانی به شخص مجلوب واقع میگردد .

(۲) در موضوع عرض اشخاصی که راجع به استحقاق حقوق خود بدوائر عرض میدارند واز طرف دوایر محصل مقرر ومدعی علیه جلب میشود اولا این چنین عرض روداد فقط متعلق به والی — ولایت وقوماندانی کوتوالی است دیگر دوائر شنید نشود والی ولایت هم شخصا بر شخص مدعی علیه محصول مقرر نکند اگر عرض عارض بموجب سند باشد از ولایت بقوماندانی واز انجا بریاست بلدیه خبر داده شود که مدعی علیه عارض را طلب کرده در صورت قبول حق رسی ودر صورت — لا قبولی محول محکمه شود واگر سند در بین نباشد بعارض دانانده شود که بمحکمه شرعیه — مراجعت کند .

دو مواد متذکره فوقرا حضور منظور وبه اعلان هذا توزیع شد تا بموجبش معمول شود .

(محل مهر همایونی)

گوشمالی همایونی بچند نفر خطاکاران عسکری

درین هفته که اسپاهی قطعه ارگ در اثنای خریداری که ادچیزیکه از بازار بکار داشت بر صاحب مال اظهار تشدد وصرف نفوذ نمود میخواست تا چیز مطلوبرا بدون استرضای — فروشنده آن ببرد — درین اثنا پولیس صاحب موقع ورا ازین حرکت بیجای او مانع شد سپاهی ارگ باتفاق یک اهرفیق دیگر رینای منافشه راهم باد کاندار وهم با پولیس نهاده و طلب امداد را از دیگر رفقای نادان همو طن خود کرده اند — پولیس نیز ازین ماجرا اطلاع یافته بموقع — رسیده اند تا اداره امنیترا بنمایند اما غیظ وغضب جاهلانه این افراد نادان هیچ وقع واهمیتی با خطار پولیس ونصائح حضار نداده بلکه پولیس هارا نیز به بختانه از ایفای وظیفه انها مانع شده معطنانه با تفاوت دیگر رفقای خود فائزالمرام بارگرفته اند زیرا که پولیس ها از جهت اینکه مرتکبین از صنف عسکری بودند بمحض اخطار اکتفا بمقابله بالمثل اعتنائی نکرده فقط مسئلهرا بمنصبداران بالادستشان راپورت داده اند هنگامیکه این هنگامه کدام ذریعه بسمع ملوکانه رسید دست علی الفور همان خطاکاران قطعه ارگرا بامنصبداران شان بحضور احضار وگوشمالی عبرت افزا وباز پورد رستهاسزائی هر واحد ازانها داده از قوماندان

کوتوالی وحاکم ملکی وپولیسها اظهار مسرت کرده اند که این معامله را بچه صورت با ـ نزاکت که امکان وخامت وطوالت راهم داشت حل وفصل نموده اند ـ وان صاحبمنصبان ـ عسکری راکه ازافراد زیر دست شان این خطا سرزده بود هم اخطارشدید وتوبیخ مزید و ـ تحریرزیاد نموده اند درخاتمه عموم حضارمجلس شانرا مخاطبه کنان فرموده اند که درنظـر شفقت من تمام افراد رعیت واحاد ملت یکسانند ومن احدی رانسبت بدیگری خارج ازامور شرعی ووظیفه رسمی اجازه تعدی واستیلا نداده نمیدهم پس همان منصبدار عسکر وما مورین که محبوب ومقرب استند اذیت وتکلیف وزحمت بیموجب بدیگر برادر ان اسلام میرسانند ویا در رفاه واسوده حالی بهاد الله کوتاهی کنند ویا نعیما ازان افراد شخصیه حکومت ازرد مود لگیر میشوم وبازخواست سخت مینمایم کلیه موجبات زحمت رعیت را فراهم و بمردم اذیت میرسانند ـ بهمه شما اخطار میکنم تاشما هم بدانید که واگاه باشید بدیگران هم اطلاع واگاهی بدهید که من ازعدل وانصاف وسعا واستعمال رمی گذرم وبگرفتن داد مظلوم ازظالم جدا کوشیده ارم ودرین مورد از جرم وتجاوز وخطای هیچکس صرف نظر نمیکنم حتی اگر پدر و برادر وفرزند وخویشاوندم هم باشد ازو بازخواست میکنم .

حبیب الاسلام : مزید توفیق شفقت وعدالت ورعیت پروری وانصاف گستریرا برای ذات خسروی خواستار است تا عموم رعایا وقاطبه برایا بزیر سایه پدرانه شان ارام واسوده باشند وبان برادران نادان نا عاقبت اندیش واناییکه برخلاف غرضهای همایونی بخود ها نسبت بدیگر رعایا و فرزندان معنوی امیر حبیب الله خان غازی ترجیح ومزیتی می تراشند ـ یاداوری میکنیم تا این نصائح واخطار فوق شاهانه را بگوش هوش خود گرفته اسلامیانه وبرادرانه باعموم رفتار کنند .

عدل وحقوق شناسی حکام حبیبی

پسر نیاز محمد خان حاکم قلات درموضع شاجوی یک قبضه میله قبضه را ازیک ملا جبرا گرفته بود چون حاکم ازین قضیه خبر شد پسرخود را بحضور مجلس طلبید موافق قانون العدالت در ـ اصفای گفتگوی مدعی ومدعی علیه گوش داده چون ملا حق بر پسر ثابت شد بعد ازلت وکوب ـ بسیاری حتی که از دماغ وی دمی ان مضروب جریان خون بعمل امد میله قبضه را واپس بملا داد ـ ملا از گرفتن ان ابا ورزید اخیرا مبلغ صد روپیه عوض میله قبضه برای ملا داده واورا راضی

ساخت پس ازین مو شکری را عموما و پسر خود را خصوصا از امثال این اعمال قاطلا ثم تحریفات نمود .

حبیب الاسلام بزیر سایهٔ مبارک خادم دین رسول الله امثال این رجال فعال نیکو کار را در عموم حکا پوده ام و ماموریـن حکومت حسب پیمه برای رفاه و اسود حالی و ارامی رعایا و ساد قله افغانستان بیزار و بیش خواستار است .

باز پرس هزاره از مردم کوچـــــی
(اعلان)

برادران عزیزم طوایف افغانیه کوچی !

از انجا که وکلا ن شوند های هزاره جات بشرفیابی حضور انور والا بمرکز حاضر و به مراحمات پادشاهی نائل شده اند یکفقره عرض نموده بودند که طوایف متعدد و زیاد مردم کوچی در هزاره جات رفته اند دارند هذا بالسنه در حین بازگشت خود ها در اکثر جاها تشبث و دست اندازی بمردم هزاره نموده بسیار ابادی هزاره ها را اتش زده و اموال شانرا تاراج نموده و بعضی نفر شانرا بقتل رسانیده اند بازخواست و غور رسی خود را از دولت ولتجا داریم .

احکام نمبر (۱۰۰۷–٦٤٤۹) تاریخی ۲٤ ماه حال پادشاهی بولایت شرف اصدار یافته اینکه برایشما امر و ارشاد میرود که از گذشته انچه شد صرف نظر و اینده هرگاه مردم کوچی بغیر حق دست اندازی کرده بودند و ظاهر شد البته حکومت باز خواست لازمه میکند شمارا امر است که بحکومات انجا هم مخابره داشته و هم بذریعهٔ این اعلان طوایف کوچی را خبر میدهید که اینده برای طوایف هزاره جات ضرر پامالی و جانی و مالی وغیره غیره نرسانند و اگر بظهور رسید حسب سررشته و حکم شرف شریف مجازات برایشان داده میشود . فقط

تحریر ۲٤ ربیع الاول سنه ۱۳٤۸ .

بنابران بذریعهٔ اعلان هذا از ولایت کابل بشما خبر داده میشد که دائما منظور نظر عاطفت گستر ذات شاهانه اسوده حالی و ارامی تمام ملت است بناً بی موجب شرعی به برادران خود طائفه هزاره ضرر و تعلق نگرفته از راه ها یی ضرر کار گذشته ی هزاره ها دور باشند بسه میلجا و مال چر و جاهای توقف خود عبور و مرور کرده بهاحدی ضرر نرسانید اگر ثابت شد حکومت بدرگونه باز خواست قرار حکم شرع انور حاضر است حالی باشید . ((محل مهر والی صاحب

تمام نوتها مطابق بقیمت مندرجهٔ ان بچلد !

(اعلان از قوماندانی کوتوالی مرکزی)

برادران عزیزم اهالی ولایت کابل !

قراریکه شنیده شده بعضی از اهل کسبه وصرافان نوتهای رائجه حکومت را بان قیمتیکه معین شد منگرفتها از قیمت معینهٔ آن کمتر نوتها را خریده ویا خود فروترا اجناس [illegible] میگیرند چون این گونه وضعیت تخلف از حکم حکومت گفته میشود لذا قوماندانی کوتوالی مرکزی اعلان مینماید تا عموم اهالی نوتهای حکومت را بان قیمتیکه از طرف حکومت درخود نوتها تعیین شده است گرفته معاملات نمایند . البته اشخاصیکه ازین امر تخلف کنند ایشان را حکومت گرفتار کرده مجازات لازمه خواهد نمود بگرفتاری مرتکبین این امر در خود مرکز پولیسها رفتند قوماندانیت و در اطراف حکام وعلاقه داران انجا مکلف گفته میشوند تا همچه اشخاص را که حکومات دولت را بقیمت معینهٔ آن نمیگیرند گرفتار نمایند (۱۱ ربیع الاول ۱۳۴۸) (محل مهر قوماندان [illegible])

شرفیابی آقا عبد الکریمخان بحضور شاهانه

آقا عبد الکریمخان کهبر سعد الدینخان قاضی القضات مغفور واصلا قندهاری ونسلا بارکزائی واولا حکمران چاقوری وبعد از آن حاکم کلان غزنی بوده از آن ترفیعا بحکومت اعلای مشرقی وپس از آن نائب الحکومه مزار وزمانی نائب الحکومه قندهار ودرین اواخر رئیس تنظیمیهٔ هزاره جات از طرف شاه مخلوع امیر امان الله خان بوده اند روز جمعه ۳ ربیع الاول حسب الامر واستیذان خادم دین رسول الله وارد مرکز وبه شنبه بشرف دستبوسی شهریاری افتخار یافتند .

ناظرین از مطالعهٔ نمره های گذشته حبیب الاسلام از اظهار اطاعت وتوسل بهیئت مشار الیه تبلیغ بی سبوقند در اثر آن بامر تیلیفونی اعلیحضرت درموضوع اینکه اسلحه خود ونفری معیت خود را آنجا تسلیم وخود [illegible] صورتیکه اوقت [illegible] حضور را استحصال کند ازطام (مقر) تقدیم بارگاه همایون شاهی شد در اثر اخذ هدایت اینها بحضور اعلیحضرت کسب مفخرت کرده است .

(حصن مجمهٔ مرا اقای عبد الکریمخان)

آقای عبد الکریمخان موصوف در ان عریضهٔ طولانی خویش که وطن پارسی کمال سلاست وبلاغت به عرض حضور رسانید وپیش از نامنگاران موقرما انرا بما حکایت کرده اند اظهار نمود مکمن ازطرف امان الله خان چون بخدمات هزاره مقرر شدم تا زمانیکه این امیر مغرور درخانهٔ [illegible] بود ـ

صادقانه وفعالانه بدون ارتکاب غدر وخیانت چون با وجود سه بهمت داده بودم و از پدر بپدر
نمک خوار بوده م با وجودیکه بر علیه من تکفیر قرار اورا از افغانستان وفرار گرفتن اورا بسه
سالگی دیگران ازجریده "حبیب الاسلام" خوانده بودم استم که باشما خادم دین رسول الله ماند اد ـ
فیض وبرکات روحانی شامل است ازین جهت خود چیز بهمین داد خدا که شما شده رضا داده
حسب اوامر شریعت غرا که در همه مواقع بما عباد الله ارشاد شد علی الفور اظهار اطاعت و
تقدیم بیعت خود م را بحضور شما مغتنم دانسته در صدد شرفیابی بارگاه همایونی شدم ـ
اگرچه برخی از مغرضین مرا ازین مفکوره ام بازمیداشتند ودران خیانت وغدر رو که به مخیله"
خود ها داشتند وکامیاب نشده اند دراول امر مرا با خود همراز وانباز نمودن می خواستند
اما با خود همراز وانباز نمودن می خواستند اما من خود را بلطائف الحیل ازانها علیحده و
اینک بقد بوسی شاهانه مشرف شدم.

(خلاص بیانیه" مراحم ختامه" شاهانه)

ذات شاهانه ازین احساسات اسلامی وصداقتکاری ووفاشعاری انها مسرور وازینکه وی
بر قول ووعده" همایونی اعتماد کرده شرفیابی حضور را نائل شده اورا تحسین کرده ازان زحمات و
خدماتیکه بحضور شاهانه در راه تنویر دین مبین بنابر امر وتکلیف علما دین از ابتدا تا حال
متحمل شده اند نیز حکایت راندند باین مسئله را بشد خاطرنشان عموم جلسیان بدلائل و
شواهد نمودند که من از ابتدا الی الان خیال سلطنت وپادشاهی را نداشتم ونه ارم محض بنابر
تکلیف وپیشنهاد مصرانه علما وفضلا" وخوانین که بحضورم از روی اوامر شرعی تقدیم وعرض نمودند
صرف جهت خدمت دین واعلا" کلمت الله وخدمت ورفاهیت وارامی عباد الله این بار گران را ـ
متحمل شدم (تصدیق عموم)

ازخدا خواستارم وپیهم را تا حال درین عزم مقدس معد ومعاون است تا اخر کار به تمام
مقاصد اسلامیه ومطالب حسنه ام موفق وکامیاب بدارد ـ (دعاگوئی عموم)

بجناب شما واشالتان که یکمرحله" درازی خدمات صادقانه" را باین محیط واین ابو
خاک افغانی تان صدر شده اید بحکومت ما افغانی تان اظهار صداقت وفعالیت کرده ـ
حکومت نیز در راه تنویر فکر وابراز تجربه شما واشال شما زحمت وترویج مادی را صرف کرده است

خاطر نشان کرده اطمینان میدهم که حکومت صبیبه در آتیه قریبی از فکر وفعالیت وتجربه و صداقتکاریهای شما کار خواهد گرفت بلکه شما خادمان صادق ومسلمان وفداکار مامورین دوره سابق بار دیگر نیز موقعی خواهد داد تا در راه ترقی وتعالی این مملکت اسلامی ورفاه وارامی سکنه این خطه افغانی مصدر خدمات شایانی شوند .

حبیب الاسلام : با این حسن نیت ذات ملوکانه که مواقع کار مملکت را بهم یعنی میفرمایند امید وار است به همچنین ستمگرهای زیاد لاتعداد ازاظهار تقریرها وانواع زورها بین توبیخ نمایند تا رشته امور بکف کفایت صادقان ملت ووطن سپرده شده میدیک خائنین که همیشه تیشه بر ریشه بنیان ان حواله میکنند نیفتد . با این وضعیکه ما می بینیم وضع جاریه اعدال اوضاعی که در خور یک نفر — پادشاه عالیقدر راست بود دوما بشد مستحقیم که مملکت عزیز ما (افغانستان) با این رویه نامورکلاو کارانه حضور امیر صاحب بخیل سعادت نهایی بلند در اقرب زمان منتظر است .

(خبرهای مشهد)

(سول اینډ ملتری گزت) که یکی از جراید معتبر انگلیسی در هندوستان است ودر لاهور طبع میشود در نسخه مورخه ۲۱ جولائی (مطابق ۱۳ صفر) خود مینویسد :

سید حسن تقی زاده نائب الحکومه مشهد بسفارت کبرای ایران در لندن مقرر گردیده است مشار الیه روز یکشنبه از مشهد بطرف طهران روان شده است . تا بمنزل مقصود خود (لندن) روانه شود قبل از رفتن چند کبرا امیر لشکر شرق (سرافسر نظام مشهد) دعوتی ترتیب کرد که نائب الحکومه وجنرال قونسل برطانوی در مشهد واتاشه ملیتر برطانوی در ان مدعو بودند امیر لشکر یک نطق مختصر ولی با معنی ایراد کرد ونائب الحکومه جواب داد جنرال قونسل برطانوی نیز دعوتی بشرف نائب الحکومه مشهد در ۸ جولائی داد .

......

حکومت ایران حکم کرده است که مشهد برای همه مسافرین افغانی جای داده نمیتواند — باید بدیگر نقطه های ایران بروند معین السلطنه سابق عنایت اللهخان عنقریب بمشهد خواهد رسید ودر انجا اقامت خواهد کرد .

حبیب الاسلام : از اطلاعات موثوقیکه برای ما رسیده خواهش (عنایت اللهخان) همین بود که در مشهد اقامت کند ولی حکومت ایران بخواهش او مسکن وتوقف اورا در خود طهران پایتخت ایران تصویب کرده است .

رفتار و اوضاع انگریز با مصــــر
(اسارت آزادی نما !)

نظارت خارجه‌ٔ انگلیس مواد ذیل را که قطعنامه‌ٔ مابین دولتین مصر و انگلیس است اشاعه نموده است .

۱- تسلط عسکریه‌ٔ انگلیس بر سرزمین مصر ختم خواهد شد .

۲- صورت حاضره مصر و انگلیس را طرفین مرتبه‌ٔ معاهده درجه‌ٔ (اتحاد) رسانیده خواهد شد .

۳- دولت بریطانیه اقرار مینماید که برای داخله‌ٔ مصر در حلقه‌ٔ مجمع ملل معروضه‌ٔ مصر را تائید خواهد کرد .

۴- درحینیکه با یکدولت دیگر مناقشه رو نماید و خطره‌ٔ انقطاع تعلقات با آن پیدا شود — دولتین معاهدتین با یکجهتی سعی خواهند کرد که قضیه را حسب قرار میثاق مجمع ملل یا حسب قرار مقتضیات بین‌المللی دیگر به امنیت تصفیه نمایند .

۵- یکی از فریقین اقرار مینمایند که در مسائل خارجه مسلکی اختیار نخواهند کرد که با (اتحاد) — منافیت نداشته باشد .

۶- مسئولیت حفظ اتباع و اموال . . . در مصر بر عهده‌ٔ دولت مصر است .

۷- درحین حرب (تحت مقتضیات ماده‌ٔ ۱) دولتین معاهدتین (اتحادی) میشوند و مصر مکلف است که برای دولت بریطانیا علی‌الحسب تسهیلات تام از قبیل در استعمال آوردن بنادر و میدان‌ها طیاره و انواع وسائل رسل و رسایل مصر مهیا بسازد .

۸- چون مصر بخواهد که برای تعلیمات عسکری اساتذه‌ٔ خارجی در عساکر خود تعیین کند مکلف است که کسانیرا که از تبعه‌ٔ دولت بریطانیا باشند معین کند .

۹- عساکر بریطانی که برای حفظ نمودن نهر قنال سویز لازم باشند نقاط متعدده در شرق خط طول البلد ۳۲ داشته خواهد بود چنانچه سیادت و حکمرانی مصر را در آن نقاط ضرر نرساند .

۱۰- دولت مصر برای خدمات مختلفه میتواند که غیر بریطانی‌ها خارجی دیگر را معین کند .

۱۱- دولت بریطانیه اقرار مینماید که آن دول با امتیازات (کپیچولیشن) را راغب خواهد کرد که انتقال العدالت مشترکه‌ٔ قناسل را قبول کنند و بر خارجیان نفاذ و اطلاق قوانین مصر را تسلیم نمایند .

۱۲– فریقین متعاهدین تعهد مینمایند با همدیگر نمایندهٔ خود را که سفیر مختار باشد در قاهره و در لندن معین خواهند کرد در قاهره سفیر مختار بریطانیه دارای درجهٔ اول شمرده خواهد شد .

۱۳– وضعیت سودان مبنی بر معاهدهٔ سنه ۱۸۹۹ ع برجا بخود بماند البته حق آزادی ترمیم و تغییر آن محفوظ است .

۱۴– ایجاد مواد بر حقوق و مسئولیت های فریقین متعاهدین که از روی قرارنامهٔ مجمع ملل و میثاق کیلوگ میدارند اثر نقیضانه نخواهد انداخت .

۱۵– اختلافیکه در تصریح مواد معاهدهٔ محوله و اطلاق زومانی (?) آن پدید آمد خواهند آمد و از مذاکرات با همدیگر فیصل نخواهد شد تصفیهٔ آن بر طبق قرارنامهٔ مجمع ملل کرده خواهد شد .

۱۶– این معاهده برای ۲۰ سال زنده و عامل شمرده خواهد شد .

تشکرنامهٔ وزیر صاحب دربار بحضور اراکین و سائر متصدیان امور جشن
(دورهٔ یازدهم استقلال)

احساسات وطنخواهانه و استقلال پرستانه را که از طرف ملت افغان نسبت بجشن دورهٔ یازدهم استقلال مشهود گردید قابل تقدیر و تحسین کرده بحضور تمام ملت افغان عموماً بحضور ذواتیکه در این جشن صرف همت و بذل مقدرت در اجرای امورات جشن نظر بعلاقمندی مفرط شان به استقلال نموده اند خصوصاً عرض تشکر و ممنونیت خود را تقدیم کرده و بالخاصه بحضور ذات اعلیحضرت شهریاری که محبت مخصوصی با استقلال و تحفظ استقلال افغانستان دارند عرض شکران و عهد فداکاری در راه حفظ استقلال مینمائیم .

حضراتی را که در این جشن استقلال ایفای خدمات اداری جشن را فخریه متصدی شده و وحدت ملی و حس وطن پرستی خود را بمنصهٔ ظهور گذاشته اند اینک یکایک اسم برده بحضور هریک از ایشان اظهار منتداری میکنیم .

بحضور جناب اقدم عالی معین السلطنه صاحب جناب شاغاسی حضور شان و جناب معین صاحب وزارت حربیه آقای محمد محفوظ خان و تمام مامورین منسوبهٔ حضور ممدوح که فرداً فرداً در انضباط و امنیت ادارهٔ منطقهٔ جشن صرف مساعی نموده اند عرض امتنان کرده مخصوصاً جوش و خروش و

محبتی را که حضرت عالی موصوف نسبت باستقلال نشان داده اند تقدیر وتمجید میکنیم.

حضور جناب عالی والی صاحب ولایت کابل که در تکمیل وتهیه اشیای ضروریه ومحتاج بـه جشن صرف اوقات نموده اند و لا برقیبی خود را نسبت باستقلال در اجرا از امورات عالیه ابراز ـ داشته اند وهکذا بجناب محترم میرزا غلام مجتبی خان معین وزارت مالیه وجناب میرزا عبد القیوم خان مستوفی ولایت کابل که هریک عضو معظم مجلس تنظیمیه جشن بوده در اجرای امورات اداری جشن خود داری نکرده اند اظهار تشکر وممنونیت مینمائیم وهمچنین ازجناب عبد الله جان خان وکیل وزارت تجارت که به روز نمایش صنعت وحرفت در تهیه انتظام اشیای گرانبهای وطنی ابراز فعالیت کرده اند تشکر میکنیم.

بحضور عالی رئیس صاحب بلدیه کابل که در تشکیل ارزاق وترتیب بازار و بازار وصفائی وآب رسانی در منطقه جشن وتهیه بعضی اشیاء لازمه داخل جشن بمشخص خود وبعضی از مامورین ریاست بلدیه توجه واهتمام نموده اند اظهار ممنونیت مینمائیم.

بجناب محترم عبد الوکیل خان سپهسالار وجناب سلطان محمد خان افسر قوه انضباطیه که تحت توجه حضرت عالی معین السلطنه صاحب ابراز فعالیت داشته واز فعالیتشان در هیچ منطقه نظمی وبی ترتیبی واقع نشد با اظهار امتنان میکنیم. هکذا ازجناب محترم قوماندان انضباط کوتوالی وجناب غلام جان خان افسر پولیس که اداره مواضع ترتیبات ونمایشات را با نظری معیت خود بوجه مرغوبی انجام نموده اند تشکر میکنیم. ونیز بجناب محمود سامی پاشا نائب سالار که کمال در نمایشات عسکری جدیت فوق العاده نشان داده وطرف نوازش شاهانه واقع گردیده اند اظهار امتنان ـ وهمچنین بجناب عبد القادر خان نایب سالار وسر سروس صاحب وسرور های حضور که در تنظیمات کمپ شاهی وخیمه های حضور فرمائی ذات شاهانه چه در مواضع جشن وچه در باغچه فرحت حسن عمل نشان داده اند اظهار منت داری مینمائیم.

وهم بحضور حضرات نمایندگان دول خارجه که در تمام تماشات جشن با گرم جوشی ـ شایانی شمولیت ورزیده اند مزید تشکر میکنیم.

هکذا از حسن اجراآت وابراز فعالیت عموم ذوات محترمه ذیل کمال امتنان داشته اظهار تشکر مینمائیم:

تشکر

جناب قطعه مشر صاحب آقای عبدالغنی خان که هر روزه یک قطعه عسکر منتظم را ملبس به لباس های گلنار بسرکرد گی سعادت خان قند مشر در منطقه حضور شاهانه جهت اخذ موقع میفرستادند . جناب خواند ان صاحب طیاره کهبا یک سته طیاره های خود بر مشمولین جشن گل افشانی نموده اند . جناب فیض محمد خان وزیر معارف سابقه وجناب هاشم شائق افندی وجناب محمد سرور خان وجناب حسن خان سلیمی وآقای محمد سعید خان کهبا یک سته متعلمین مکاتب عالیه سابقها جرا تیاتر وتمثال ها ی فتح وسقوط اندلس در شبهای جشن صمیمیت نشان داده اند . جناب محمد امیرخان حاکم چهارد هی لحاظیکه منطقه جشن در حد ود حکومت او واقع بود با اهالی متعلقه حکومت خود شبا روز در ترتیب اراضی ومواضع جشن صرف صرف اوقات نموده است وهکذا جناب طلا اصغرخان رئیس شش کروهی .

جناب غلام حضرت خان سر برد ار حضور جانکهباد اره محصولات وترتیب تکت های — اجازه نامه وجناب میرحسام الدین خان فراش باشی حضور که در بهم رسانیدن مفروشات و — ترتیب خیمه های اراکین حکومت ورجال اجنبی وغیره وجناب محمد عیسی خان پیشخدمت باشی حضور که در انتظام وترتیبات داخلی کمپ شاهی ودعوت عصریه حضور همایونی وجناب جلال الدین خان باغبان باشی که در اصلاح نواقص باغچه ها وچمن زارها وابشارها سرفعالی فرموده اند .

جناب عبد الله خان مدیر عمومی پوسته وتلگراف کهبا سه نفر اعضا رئیس تفتیش خلع سلاح فخریه مقرر بودند ووظایف خود را باکمال جدیت ایفا نمودند .

آقای عبد المجید خان تحویلدار موزه خانه که در تزئین کمپ شاهی ومنطقه جشن حسن عمل نشان داده است . جناب عبد الله خان پیشخدمت حضور که وظائف محوله خود را بصد اقت اجرا کرده اند . جناب مستری جان محمد خان انجنیر برقی با آقایان عبد الله خان وعبد العزیز خان معاونان که بمتوجه جناب جلالتمآب وزیر صاحب اعلی خواجه بابوخان زیر اثر جناب عزیز الله خان جرنیل تا خانجات در تنویر عمومی مواضع منطقه جشن بدرجه عالی ابراز فعالیت نموده اند .

جناب میرزا محمد ابراهیم خان معاون سرمنشی حضور که بترتیب اجرا ات تحریریه جشن اظهار فعالیت نموده اند . جناب شیخ محمد رضا خان ومیرزا رستم علیخان مدیر محاسبه وجناب محترم میرعبد الله خان وکیل الله دائره تحریرات که در اجرای تمام امورات جشن معاونت —

فکری وقلمی نموده وهکذا تمام مامورین وزارت دربار که بحد امکان در جشن مصروف بوده اند .
جناب مولوی برهان الدین خان مدیر وشلیر احمد خان ومحمد قدیر خان محررین اداره حبیب الاسلام که بتحریر ونشر روزنامه جشن فخریه مصروف بوده حسن عمل ابراز داشته اند .

جناب عطا محمد خان رئیس سابقه چرمگری که بمرتبه امتیاز رئیس تفتیش عمومی امورات جشن با جناب عبدالرشید خان حاکم سابقه معاون اول وتاج محمد خان دعاشی پیشخدمت سابقه و عوض الدین خان وعبدالعزیز خان ومحمد عمر خان اعضایشان مقرر بوده وظایف خویش را بخوبی انجام داده اند واقای قهار محمد خان که مامور آلات ناریه بوده در شبها در جشن آتش بازیهای گوناگون افروخته اند . جناب غلام سخی خان خانسامان باشی سابقه تنظیم گران وجناب عبدالشکور خان مامور اداره واخذ محصول صحنه تمثیل با عبدالرشید خان وسید امین اللّه خان ومیرزا محمد اصغر خان اعضایشان مقرر بود وظیفه خود را بصداقت اجرا نموده اند جناب عبدالوهاب خان ـ مدیر فابریکه سابقه هوتل ها که مامور نمایشهای فیر دن باتفنگ وتفنگچه ریزه تیر با میرزا عبدالعزیز خان معاونشان مقرر بوده اند . جناب عبدالرزاق خان مدیر فابریکه سابقه محاسبه وزارت دربار با میرزا محمد یوسف خان کاتب وزارت دربار معاونشان که مامور انعامات مقرر بوده اند جناب میرزا جان محمد خان سرکاتب سابقه وزارت خارجه مامور اداره منطقه نمایش عسکری ومیرزا فقیر محمد خان و محمد سرور خان معاونینشان جناب بشیر احمد خان مامور سابقه تنویرات با عبدالرحیم خان پیشخدمت سابقه که معاند از خارجه ها بوده اند :

جناب میرزا عبدالرؤف خان کاتب اداره شرق وزارت خارجه که مامور ونگران پذیرائی نمایندگان خارجه وجناب میرزا غلام جان خان کاتب قوماندانی طیاره که مامور موسیقی نوازها با میرزا ـ عبدالحمید خان کاتب وزارت داخله معاونشان مقرر بوده اند .

جناب محمد عظیم خان پیشخدمت حضور نگران ومیرزا محمد شفیع خان مامور مستوفیت ولایت کابل مامور اخذ محصولات تکت ومولیت اشخاص وموتر وموتر سکل وگادی وغیره در منطقه جشن ـ مقرر بوده بمعیت شان میرزا غلام احمد خان ومیرزا محمد نعیم خان ومیرزا احمد جان خان و میرزا عبدالکریم خان ومیرزا عبدالغیاث خان ومیرزا سید طه خان ومیرزا امیر محمد رالدین خان و میرزا محمد عمر خان ومیرزا احمد میر خان ومیرزا محمد نبی خان ومیرزا محمد حسن خان ومیرزا محمد هاشم خان ومیرزا سلطان محمد خان ومیرزا پایند محمد خان ومیرزا علا پروف خان ومیرزا

میرزا احمد خان و میرزا محمد محسن خان و میرزا علی محمد خان و میرزا نصرالله خان و میرزا محمد ابراهیم خان — نویسنده های مستوفیت کابل و میرزا محمد جان خان و میرزا عبد الرؤف خان و میرزا عنایت الله خان کاتبان وزارت داخله ایفای خدمت نموده اند ونیز میرزا عبد الکریم خان مدیر محاسبه سابقه ادارالحبیب فقره مشاغل خدمگزاری نموده بود .

جناب میرزا محمد حسن خان سرکاتب شعبه محاسبه ٔ دوائر مستقل وزارت مالیه مامور اخذ محصولات نمایشات جشن و میرزا عزیز احمد خان معاون اول و میرزا محمد اکبر خان معاون دوم مقرر بود مهمیت شان میرزا امیر محمد خان مامور مالیه سابقه مهمان و میرزا محمد محسن خان و میرزا محمد حسین خان و میرزا محمد موسی کاظم خان و میرزا غوث الدین خان و میرزا عبد الغفور خان و میرزا عبد الواحد خان نویسنده های وزارت متعلقه مالیه و ملا حیدر خان و گل محمد خان خانه سامان های وزارت مالیه و میرزا فضل احمد خان سرکاتب مستوفیت کابل ایفای خدمت کرده اند .

جناب محمد اصف خان مدیر حقوقیات مامور اخذ محصل دکاکین و میرزا عبد الرحیم خان سرکاتب سابقه جشن معاونی و میرزا عبد القادر خان کاتب حوزه بنویسنده گی شان ایفای خدمت کرده اند . جناب محمد محسن خان مرتبه امرازی مامور اداره موضع سید واتی و یا پسکل دواتی و نمایش پهلوانی و چوب بازی مقرر بود مهمیتا و میرزا محمد انور خان کاتب وزارت داخله و میرزا عبد الجلیل خان ایفای خدمت کرده اند . جناب محمود خان مرتبه امرازی مامور گول بازی و کشتی رانی مقرر بود ماده بهمدست خان معاونیت و میرزا عبد الستار خان بنویسنده گی او کار کرده اند .

جناب محمد یوسف خان کاتب تاریخ حوزه مامور اداره ٔ موضع کارنیوال مقرر بود مهمیت او میرزا محمد طاهر خان و میرزا عبد الکریم خان و میرزا محمد صدیق خان بهاخذ محصول موضع مذکور اجرای خدمت نموده اند .

خاتمتا برای عموم ذوات موصوف توفیق خدمت با صداقت را بعد ازین برای حکومت وطن اسلامی شان تمنا داشته مجدداً از خدمتگاری اینها نسبت به استقلال وطن مقدس شان راجع بوطن ق اظهار خوشنودی و رضامندی مینمائیم .

(کابل مطبعه ٔ سرکاری)

صفحه ۱ (جریده هفته گی حبیب الاسلام سال اول — شماره ۲۹) (نمره مسلسل ۲۹)

واعتصموا بحبل الله ولا تفرقوا

حبیب الاســـلام

مدیر: برهان الدین کشککی ·

اداره خانه — ده افغانان کابل — افغانستان

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود ·

اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است ·

در هر هفته یکمرتبه روز چار شنبه نشر میشود ·

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود ·

شرح اشتراک

مقامات ·	سالانه	ششماهه
شهر کابل ·	۱۰ روپیه	۶ روپیه
داخل افغانستان	۷ روپیه	٤ روپیه
ممالک خارجه	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(قیمت یک شماره (٦) پیسه)

(درین اخبار از احکام دینی ومسائل اسلامی وهرگونه علوم وفنون واطلاعات سیاسی ومفاد دولتی ومنافع ملی بحث میشود) —

(تاریخ قمری ۱٤ ربیع الثانی ۱۳٤۸) ٤ شنبه (تاریخ شمسی ۲٦ سنبله ۱۳۰۸ هجری)

وشاورهم فی الامر واذا عزمت فتوکل علی الله

اتمای مشوره در کارتا شوی شادان — (سخن شنو) که سداد نبود درو پنهان)

<u>مجلس تنظیمیه ملکی ونظامی</u> <u>حکومت حبیبیه</u> ·

<u>(جامعیت واکملیت (دین اسلام) ·</u>

طوریکه ما وشما معتقدیم واین امر را بشدت خاطر نشان تمام جهان میکنیم تمام — سالکین دین مبین حضرت سید المرسلین وحلقه بگوشان اشرع متین ومطیعان اوامر رب العالمین بهمین عقیده ونظریه ثبات وقیام دارند که (دین اسلام) دینی است اکمل وطریقه ایست جامع وافضل که نه تنها سعادت وبهبود (اخروی) مارا بعا تلقین بل سعادت وسیادت (دنیوی) مارا هم تامین میکند ·

شاهد این مطلب ومؤید این مدعا را برای منکرین وانانیکه در قبولیت این مقصد مترددد ویا مشتبه باشند ابتداء از نص صریح قرآنی می نگاریم که (الیوم اکملت لکم دینکم واتممت — علیکم نعمتی) هنگامیکه ما این قضیه برتری وبلندی وجامعیت وافضلیت (دین اسلام) را بر سائر ادیان قائلیم پس طبعا وحکما این امر نیز ثابت ومسلم است که تمام احکام ومسائل و اوامر افرادی اسلام هم بر سائر قوانین منفرده ودستورالعمل های واحده جهان وجهانیان افضل است وهم اعلی ·

ممکن است برخی از مخالفین اسلام وانهائیکه مدنیت شوم وشئت نظریات اروپائی چشم هام شان را تیره وتار وتلویح انکار انحار از کردار وگفتار خود مانده ولت نموده است

معترضانه بما بگویند ۰(در صورت صدق این ادعا می بایست عالم اسلام باین ذلت وپریشانی امروزه گرفتار نمی بودند) ۰

ما بجواب امثال این رجال مینویسیم که علت ضعف وسرگردانی عالم اسلام نه ازین است که نقص ویا قصوری در مقررات دینی وامور مذهبی شان است (حاشا وکلا) بلکه اینهمه مذلت و ادبار وتلاکت بیشماریکه برانها عائد وشامل است فقط وفقط در اثر تروکذاشت ومطلقه وعدم پابندی درستوعمل در امد جست مسلمین است بمقررات مذهبی وامور دین وائین شان ۰

رو بدرگاهش کی اوردی که گشتی نا امید — گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست

اینک بطور مثال موضوع همین مقالهٔ امروزه را قدری تشریح داده حقانه ومنصفانه این امر را ثابت میکنیم که:

اسلام بذات خود ندارد خللی
هر عیب که هست در مسلمانی ماست

<u>مجالس مشوره در عصر نبویه ۰</u>

نسبت بمشوره واستفاده از نظریات وافکار جامعه ایات قرانیا: واوامر صاحب لولاک بیشتر است که ازان جمله فعلا بخاطر ما این دو ایه شریفه حاضر است ۰

(۱) وامرهم شوری بینهم ۰ یعنی از جملهٔ صفات عالیهٔ عالم اسلام یکی اینست که امور اوشان بر حسب افکار عمومی بصورت مشوره در منصهٔ شهود میاید ۰

(۲) وشاورهم فی الامر واذا عزمت فتوکل علی الله) یعنی ای حضرت پیغمبر درهمه امور اولا با مسلمین مشوره نما ونظریه وافکار عمومیه را برای خویش استحصال فرما ۰ و سپس ازان که در اقدام امورعزم بالجزم فرمودید متوکلا علی الله دران ثابت قدم باشید ۰

ذات نبوی به چنان شد ت وانضباط در بجا اوردن این امر الهی منهمک وساعی بودند که هیچیک امری از امور را بدون اتخاذ افکار عمومی ومشوره وغور و خوض فرمودن با اصحاب و انصار ومهاجرین اسلامی ودر مورد اجرا نمی اوردند ۰

درینجا ما از جملهٔ مجالس مشورهٔ کثیرهٔ عهد نبویه فقط باشاره نمودن بسوی ان مجلس مشورهٔ که در باب اسیران حربی غزوهٔ بدر انعقاد یافته بود اکتفا میکنیم که دران اکثری از اصحاب کرام بطرفداری فکر نبوی بگرفتن (فدیه) ورهائی دادن بندیهای کفار اظهار فکر نمودند وحضرت عمر (رض) باچند نفری که نسبت بافکار عمومی حد اقلیت یا مرتبهٔ صفر را داشتند جانبدار این مفکوره بودند که باید اسیران مزبور جهت عبرت کفار واعلای دین سید الابرار ازین حیث که تمام انها اکابر واعزه وصنادید کفار میباشند مقتول گردند باینصورت که هر نفر کافر را همان قریب وخویشش بشاوند مسلمانش بکشد که قرابت افزون وعلاقه مندی قریبی بوی داشته باشد ولی ذات نبوی ومجلس مشورهٔ عمومی برخلاف فکر فاروقی محض صلهٔ رحم وتالیف قلوب کفار واثبات عفو وحلم ودریادلی ابرار باعطای فدیه باکثریت اظهار رای نموده وبر طبق ان اجراات هم کردند تا اینکه زبان وحی بطرفداری حضرت فاروقیه ومخالفت طرفداران فدیه نازل گردید ۰

مجلس مشوره عصر صدیقی .

پس از عهد نبوی در خلافت (صدیق) (رض) نیز هیچ امری بدون رای و استصواب عمومی در معرض اجرا نمی آمد وبرعلاوه امور سیاسی فیصله حقوق ودعاوی عمومی نیز بدون از رای مجلس مشوره قابل نفاذ نمی بود — اراکین موثر مجلس مشوره صدیقی حضرت عمر و حضرت عثمان وحضرت علی و حضرت عبدالرحمن بن عوف و حضرت معاذ بن جبل وحضرت ابی بن کعب وحضرت ثابت ودیگران نامور ان مهاجرین وانصار (رضوان الله تعالی علیهم) بودند .

مجلس مشوره عصر فاروقی .

بعصر خلافت فاروقی در اثر فتوحات متوالی و وسعت وفراخی روز افزون رقبه اسلامی به اندازه مسایل غور طلب وامور مبحوث فیه کثرت و وفرت پیدا کرد که یك مجلس نمیتوانست که به سرعت لازمه حسب خاطر خواه بتمام امور وارسی نماید . لهذا حضرت فاروق اکبر یك مجلس مشوره دیگری راهم افزود کرد که باصطلاحات عصر حاضره باید مجلسی راکه از عهد نبوی وصدیقی تاسیس شده وبعهد فاروقی رسید (مجلس اعیان) یا مجلس وزراء بنامیم ومجلس دومین راکه مخصوصا درعهد فاروقی تاسیس گردیده مجلس مبعوثان ویا مجلس مشوره — بگوئیم .

مجلس مشوره عصر خلیفه ۳ و ۴ ودیگر سلاطین اسلامی .

در عصر ذوالنورین ومدینهٔ العلم نیز این هردو مجلس عالیه بهمان اختیارات تامه و اجراات نافذه وازادی وحقایق گوئی اثبات وجود داشت وخدمات بسیار بزرگ وکار روائی های از حد سترگی رابرای اسلامیت وملك ومملکت مصدر شده که از نظریات عالی وپیشبینی های بلند وتعقیب صحیح شان بمقررات دینی وپابندی بامور مذهبی باندازه اسلام را ترقی — دادند که تا امروزه روز ان وسعت ومدنیت وعظمت اسلام موجب افتخار واعتبار ماست — درعقب ان ازخودغرضی واستبداد پسندی سلاطین اسلامی وپادشاهان عصر ماضی رفته رفته این شمع تابان مشوره این ستاره درخشان نور وخود درامور مهمه رو بانحطاط وانحلال گذارده درنتیجه (اسلام ضعف دید ومسلمان غریب ماند) .

مجالس مشوره دوره امانیه .

معلوم است که در افغانستان بعد از هجران سیزده صد ساله مجلس مشوره — اولین بار درعهد (امانیه) مجلسهای متعدده مشورت درعلاقه داری ها وحکومتی های اعلی وکلان و اول ودوم وسوم و ولایات ویك مجلس شورا در مرکز سلطنت قایم شد وبرعلاوه ان مجلسهای فوق العاده بزرگ دیگری هم عندالللزوم بنام (لویه جرگه) دائر می شد .

اما بکمال انسوس مرتوم میگردد که برای این مجلسها بجز از نام دیگر شغل و وظیفه و کاری نبود هرچند در تشکیلات اساسیه ونظام نامه اساسی ودیگر قوانین امانی وکلای مجلس مصدر خدمات مهمه و مرجع کارهای عالیه نشان داده شده بود ولی در واقع صرف نظر از امور سیاسی واداری حتی امور اجتماعیه راهم کسی ازان ها نمی پرسید وحکام وزمامداران حتی شخص

شاه امان‌الله مخلوع هرچه میخواست تنها بفکر وکله‌ٔ خود انرا اجرا میکرد وپس از اجرا و — تصویب خود ش تنها یا ورق را جهت امضا بوکلا میفرستاد وازانجاد سخط میگرفت گویا حکام ومامورین دوره‌ٔ سابقه وکلای ملی را در وانمثل دستمال دست یا انویا عصای پیری خود قرار داده بودند ·

اینك جهت اثبات این مطلب چند اجراات اخیره‌ٔ دوره امانیه را یاد اوری میکنیم که ایا دران مورد از کدام مجلس مشوره واز کدام حلقه‌ٔ وزراء واز کدام دسته‌ٔ مامورین خود رای و فکر گرفته متعاقبا با کثرت مجلس انرا اجرا نموده است ·

قلع حیا وحجاب مستورات توسیل متعلمات را بدون محارم بخارج اختلاط صبیان و — صبیات را در مکاتب تاسیس انجمن نسوان شمولیت زنها درکارخانه ها تحدید پیری وسربدی را باجازه‌ٔ پادشاهی تاسیس کلوپ تجدد و · · · و · · · · احکام جبری دریشی برعموم اهالی شمول پوشیدن چادری والی امتناع پرده کابی اجرای رستهبندی بازار شهادتنامه خواستن از علمای دیندار نگرفتن چهارزن برای مامورها لغو صدارت عظمی وامثال انرا که سه روز متوالی در قصر استور شخصا بیانات میداد از کدام وزیر و وکیل وید بر استشار گرفته در محل اجراء اورد — اگر این امور را ریاست شورای ملی ویا مجلس وزراء دیده اند البته اثر تحریری انجا موجود خواهد بود حال انکه از معلومات موثوق کفیست است ابدا درین امور و دیگر موضوع هائیکه موجب انقلاب شده است از کسی نپرسیده واز احدی نشنیده خود سرانه برخلاف مقررات اسلامیت وانغانیت وعرف وعادات ملت اجراات کرد تا اینکه بد ثمره‌ٔ چیزی را که خود ش غرس کرده بود وچشید خمیازه‌ٔ اموری راکه تهیه نموده بود (فتفکروا یا اولی الالباب)

مجلس مشوره‌ٔ عصر اسلامیت حصر حبیبیه ·

جای شکران وامتنان است که درین عصر اسلامیت حصر حبیبیه از اسلام پروری وشریعت گستری خادم دین رسول الله اولین تشکیلی راکه بعد از اختتام مانوره های عسکری خویش امر و اراده فرموده اند تاسیس مجلس تنظیمه‌ٔ ملکی ونظامی بوده در حلقه خود مرکز کابل تا باموارت مهمه‌ٔ مملکت ومنافع ولتوهاد ملت وارسی فرمایند ·

چنانچه این مجلس عالی تاجائیکه اجمالا بما گفته اند واز دور ونزدیك معلومات گرفته ایم برای رفاه ملت واسوده حالی رعیت وعظمت مملکت وشوکت دولت اجراات عالی را محمد رشده — ممکن است که از تفصیلات خدمات ان اجراات شان که درین عرصه‌ٔ هشت ماه کار کرده اند ازحسن توجه ملت خواهانه رئیس صاحب مجلس راتیه ترسی به تزئین صفحات اخبار خویش — بپردازیم وبرای همیشه ازکارروائی های این مجلس عالیشان این اخبار وطن شانرا افتخار بخشند ·

اینك بتاریخ ۳ ربیع الثانی یا اعلان جد الانه راکه از حضور شاهانه راجع بانتخاب عموم وکلای افغانستان وشرکت وشمولیت شان رادرین مجلس عالیشان نشر شده مشاهد مکرده برخوشنودی ما افزود وبر شکر گذاری عموی از ذات خسروانه بیشتر ازپیش خدمت کرده ماذیلا تسوید انرا جهت استحضار ملت ودعاگوئی وشکوری رعیت لا ازین حقوق شناسی وشورپسندی

ذات پادشاهی باالافتخار می نگاریم ·

اعلان انتخاب وکلای افغانستان

اعلان بعموم ملت عزیزم اهالی افغانستان !

ازانجا که یگانه مقصد ومرام این خادم دین رسول الله (ص) ارامی وآسایش ورفاه شما ملت عزیزم بوده وهست لهذا ازابتدای جلوسم به سلطنت افغانستان نیز بوظیفه امارت واسلامیت برخود فرض ومتحتم قرارداده ام کهبعون وباری خداوندی وبمعاونت روح مقدس نبوی (ص) حتی الامکان اسباب رستگاری دنیوی واخروی شمارا درتحت لوای سعادت انتمای دین مبین اسلام فراهم اورم — ازان جمله تشکیل پاریاست تنظیمیه ملیه اسلامیه است که از بعد جلوس شاهانه ام در مرکز افتتاح وجریان داشته عموم مسایل مهمه ومواد یکه بطور — عموم به ملت ومملکت وامورات سلطنتی تعلق دارد درین مجلس مذاکره وتصویب میشود — این مجلس مرکب است از وکلای منتخبه ملت واعیان که از حضورم منظور ومقرر میشوند — لهذا لازم دانستم قبل از خواستن وکلاء صورت انتخاب وکلاء وتشکیل اعضاء مجلس ملیه انتظامیه اسلامیه مرکزی را برای اگاهی شما ملت عزیزم قرار ذیل اعلان نمایم ومتصل ان قرار امر ملوکانه ام — که برای نائب الحکومه ها وحکام اعلی میرسد شروع بانتخاب وکلاء بنمایند تا شامل مجلس — گردیده برای غور وملاحظه نمودن نظامات سابقه که کدام انها منافی مسایل شرعیه است و لغو میشود وچه ازانها راجع بامور اداریه حکومت است وبصورت دستورالعمل ترتیب میگردد وغیره تجاویز مفیده برای رفاه و انتظام سوده حالی شما عزیزانم وسایل اساسی را فکر وتصویب — نمایند تا بمعاونت خداوندی در معرض اجرا اورده شود ·

صورت انتخاب وتعداد وکلاء

۱— وکلاء برای شمولیت مجلس تنظیمیه از هر ولایت وحکومت اعلا بتعداد ذیل انتخاب میشوند · ولایت کابل ٤ نفر — قندهار ٤ نفر — مزار ٤ نفر — قطغن وبدخشان ٤ نفر — هرات ٤ نفر — حکومت اعلی مشرقی ۲ نفر — جنوبی ۲ نفر — فراه ۲ نفر — میمنه ۲ نفر —

۲— درهر حکومتی اهالی همان حکومتی در مرکز ان اجتماع نموده ازطرف خود ها یکنفر را به صفت وکالت که دارای صفات فقره الف وب اعلان هذا باشد انتخاب و باورقه انتخابیه ان بمرکز ولایت یاحکومتی اعلای منسوبه خود بفرستند — از مرکز حکومتی های کلان نیز مثل سایر حکومتیها یکنفر وکیل انتخاب نموده میفرستند ·

۳— یک یک نفر وکیل که از هر حکومتی قرار تفصیلات فوق بمرکز ولایت یاحکومتی اعلی می اید در ولایت ازبین خود ها چهار نفر ودر حکومتی های اعلی دو نفر انتخاب نموده بمرکز روانه میدارند باقی وکلاء بجا های خود مراجعت مینمایند — وباین تفصیل از عموم منطقه یا ولایت چهار نفر وازحکومتی اعلی دو نفر بمرکز اعزام میشوند ·

شرایط و صفات وکلا

الف · وکلاء باید خواننده و نویسنده وحتی الامکان صاحب رسوخ واشخاص فهمیده وبالیده بوده بدولت باغی ده نباشند ·

ب · عمر وکلاء از سی سال کمتر نبوده وهم در مدت العمر خود مرتکب فعل جنایت نشده باشند ·

بعد از رسیدن بمرکز از جملهٔ وکلای هر ولایت وحکومتی اعلی در ولایت دو دو نفر وحکومتی اعلی یک یک نفر برای مجلس تنظیمیه انتخاب شده وازطرف مجلس تنظیمیه برای مرکز هر ولایت دو دو نفر وحکومتی اعلی منسوبه شان یک یک نفر بقسم نماینده مجلس تنظیمیه انتخاب ودرانجا اعزام میشوند ·

وکلای منتخبه مجلس تنظیمیهٔ مرکز ولایت وحکومتی اعلی تا یکزمان مهمان حکومت میباشند ومخارج سفریه رفت وامد انها از طرف حکومت پرداخته میشود ـ دو دو نفرکه برای اعضای ـ دایمی می مانند معاش شان بقدر کفایت ازطرف دولت تعیین خواهد شد ·

وقتیکه وکلای منتخبه تبدیل میشوند اعلان انتخاب جدید وکلاء میشود وتا رسیدن وکلای جدید وکلای موجوده دارای حیث عضویت خود ها میباشند · (محل مهر همایونی)

چه خوش بود که به هم یار و مهربان باشیم

از طبع شیرین اقای (محمد سرورخان) یکی از اعضای ادارهٔ حبیب الاسلام

ز اختلاف رسد زخم غم بجان (وطن)
درانتفاق زکف میرود توان (وطن)

نباید این همه (تفریق) درمیان (وطن)
چه لازم است جدل ای برادران وطن

دگر ستم منمائید خود بجان (وطن)
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)

هزار شکر خدارا همه مسلمانیم
مطیع بامر هدایت سمات قرانیم

تمام رعد غیوریم وجمله افغانیم
یکی زدیگر خود هیچ پس نمی مانیم

کنید علاج دل زار ناتوان (وطن) ـ
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)

همه برادر هم نور چشم یکدیگریم
تمام بازوی هم یار و یزیک شجریم

برادران مسلمان واهل یکدگریم
خلاصتا همه اولاد حضرت بشریم

چو ثابت است کمائیم جسم وجان (وطن)
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)

نفاق باد و برادر کمال بد بختیست
هزار پاره اگر اب گشته باز یکیست

شوید متفق همدگر که خوش وقتیست
وگرنه در دم اخر ندامت وسختیست

حذر کنید ز احوال بیکسان (وطن)
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)

زهم جدا شدن ما بلای اد باریست
نفاق وتفرقهٔ ما همه نگونساریست

شوید (متفق) هم که کار هشیاریست
وفا ومهر بهمدیگر عین بیداریست

مرو بخواب خوش ایمرد کاردان (وطن)
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)

چه خوش تو بود که بهم یار و مهربان باشیم
برادر وپدر وجان دوستان باشیم

زیاد وجود شدن داغ دشمنان باشیم
بحار نیست (عداوت) بود خزان (وطن)
برای خدمت (اسلام) جمله میکوشیم
هزار حیف که از دست خویش دلریشیم
شد بمحرم ثم قامت جوان (وطن)
بخویش همدم وهمراز وبا وفا باشید
باهل ظلم وجفا در پی جفا باشید !
بود (نفاق) عزیزم همعزیان (وطن)
به حب این وطن ودین اگر شوی ترسان
زشخصیت بگذرا (سرورا) ترانه مخوان
وگرنه کی شوی محرم به زوشان (وطن)

چو لاله سر یک پای گلستان باشیم
به اتفاق شتابید دوستان (وطن)
لباس خلت اسلامیت همی پوشیم
اگر زعاقبت کار خود نبند پشیم
به (اتفاق) شتابید دوستان (وطن)
بدشمن وطن ودین بما جرا باشید
بدشمن وطن ودین بما جرا باشید
به (اتفاق) شتابید دوستان (وطن)
بهشت می شود اخر ترا وطن ایجان
بکوش در پی اصلاح ملت افغان
به اتفاق شتابید دوستان (وطن) —

اعزام قوای عسکری برای اداره امنیت مشرقی

عدالت مقتضی این است که محاسن اعمال در پیشگاه محکمه عدل باجبهره [illegible] گشاده و مراعات مقتضیه ومعایب باصورت گرفته ومواخذه معموله پذیرفته شود .

بدعات حکومت گذشته طوری مردم را بستوه اورده بود که تیام مردانه مشرقی برعلیه بدعات جاریه عیان وشاید هم حاجت به بیان نباشد لذا در اثر مجاهدات مردانه سمت شمالی به تحت اراده سربازانه ذات اعلیحضرت همایونی که این بیشتر در قلع وقمع بدعات حصه داشته ریشه ظلم واجحاف را قطع فرمود واین رئیس نامور که شجاعت اورا روزگار بضرب المثل خود یاد خواهد کرد متمکن تخت امارت گردید .

البته عدالت اجازه میداد که بنام شجاعت ومردانه گی مشرقی را که خود در برآوردن تار وپود فساد دست داشتند وفداکاری وجانبازی شایانی نموده بودند موقعی داده شود که بزیر اداره چند نفر از مامورین بزرگ مرکز حسب وصایا وهدایات همایونی حکومت حبیبیه را در انجا تشکیل واقامه حدود الله وقیام امنیت ورفاه رعیت را فراهم اورند چنانچه جهت اجرای همین مقصد عالیجاهان ملک محمدعلم خان شنواری و ملک قیس خان خوگیانی وعبدالرحمن خان جبارخیل را یکی بعد ازدیگری بمناصب لازمه مفتخر وبرای استمالت اقوام وراهنمائی انام وتدویر امور ان جهات فرستادند این ها حسب دستور همایونی هرچند مصروف خدمت ونصیحت وتسلیت ودلجوئی اهالی شدند شاید درینقدر مدت کاری را حسب خاطر خواه از پیش برده — نتوانسته اند که همچنان کشت وخون وخانه جنگی وعدم امنیت وسرگردانی اهالی در سرتاسر مشرقی موجود است .

ذات شاهانه از فرط شفقت ومرحمت وغریب نوازی خود نخواستند که ذاتها رعیت مظلوم و

اشخاص ناتوان و افراد معصوم ان سمت به بلای عدم امنیت وکشت وخون گرفتار باشند لهذا یك عده عسکری برای سر کوبی قلع وقمع یاغیان ومفسدین بتاریخ ۳ ربیع الثانی اعزام شــد راجع بمراسم عزیمت ترماتی این عسکری دلاور ونطقی که از حضور شاهانه برای تشجیع و ـــ حوصله افزائی انها ایراد وجواب ان ازطرف جناب شجاعت نشان محترم محمد محفوظ خان ـ معین عرض شده و توسط یك ذات جریده نواز وزارت حربیه لایحه ان باداره ما رسیده ذیلا نقل میشود ·

مراسم وداعیه عسکری

یوم شنبه ۳ ماه جاری بمناسبت وداعیه که از طرف ذات شاهانه با عساکر ظفر ماثر اعزامیه سمت مشرقی انجام می پذیرفت تشون ظفر نمون با برخی از مامورین ملکی در موضع بتخاك حضور بهمرسانیده یك منظره باشکوهی تشکیل یافته که نظاره اش خون را در عروق هر بیننده بحرکت می اورد در وقتیکه هر قطعه جوقه جوقه از پیش روی معین صاحب وزارت حربیه بطور رسم (گچیت) گذشته وبمواضع مخصوصه خود شان موقع گرفته تشریف اوری ذات شاهانه را بکمال حرارت قلبی انتظار می بردند هارن موتر سواری ذات شاهانه بسمع حاضرین رسیده وحضار بکمال جدیت وامادهٔ ایفای رسم تعظیم شدند همینکه موکب همایونی بصحنه مخصوص قشله نظامی ورود فرمود امر عسکری بولی رسمی ایراد وموزیقه باداء سلامی مخصوص پادشاهی پرداخته اوازهای (عمر دراز شه پادشاه) فضا را فرا گرفته یکجهان جوش و خروش بر پا شد بعد از ختم سلسله رسم تعظیم در اثر ان ذات شاهانه این نطق تسلی امیز را ایراد فرمودند ·

— (نطق اعلیحضرت همایونی) —

عسکر غیور من البته خود شما بخوبی فهمیده اید که من چه اراده دارم و شما را بکدام طرف روانه میکنم · بلی ! کسیکه بطرف سربازی می رود دفعتا یك احوال مغشوش را بخود می یابد ولی کسیکه می خواهد برای خود زندگی جاوید حاصل کرده شاهد تاریخی را از خود بصفحه روزگار گذارد ویا میخواهد براه بندگی خدا وفرموده های رسول مقبولش جهد کند مجبور است این همه دشواری هارا با پشت پای همت خود زده از غیرت وشجاعت فطری خود کار بگیرد البته واقعات تاریخی ملتهای دنیا شاهد این مقال است چنانچه ملت هائیکه از همت خود کار گرفته زنده مانده اند و تمام حقوق بشری را مالك اند وکسانیکه طرف بی همتی واقع شده اند ـ وکسانیکه طرف بی همتی واقع شده اند امروز اثری از و شان باقی نه ـــ و اگر است بدنیای متمدن هیچ حقوقی را صاحب نیستند من برای شما نصیحت میکنم که وظایف با شرف عسکری که امروز بشما عاید و شما مخصوصا باحقاق حقوق تمام ملت وحفاظه ننگ و ناموس افغانستان ووقایه دین مقدس موظف هستید این وظیفه را طوری بجا ارید که خاطر ازیك نفر مجاهد فی سبیل الله متصور بوده واو جز رضای خدای خود دیگر اراده ندارد من هم از نهایت محبتیکه بوظایف عسکری دارم در هر وقت بمثل یکنفر سرباز با شما دوش بدوش در میدان های

مبارزه یکجا بوده ام چه اراده خودم جز بهبود ملت و (اعلای کلمت الله) نیست و از مرگ نترسیده اجل را بوقتش موقوف میدانم لهذا بشما این خاطره را میدهم که در عزیمت شما بسمت مشرقی فقط این مطلب مد نظر است که در مفاوضه با برادران مشرقی شما شده و اوشان برای حق سر تسلیم خم کرده و از خسران ابدی دست کشند البته اوشان را مثل برادر عینی خود — دانسته برای هرگونه تسلیات خاطر شان اماده خواهید بود والا به هیچ گونه تسامح ومراعات — به راه حق پیش نیایند البته دران صورت مجبور خواهید بود که مقاصد پاك خویش را بقوه سر نیزه های خود از پیش ببرید خداوند معاون راست کاران است .

اگرچه وداع شما مرا مثل جدائی یك فرزند عزیزم متاثر میسازد ولی میدانم بطرفی روان — میشوید که خیر ابدی شما است لهذا بخداوند سپرده کلام خود را خاتمه می دهم .

— (اثر نطق همایونی پر حضار) —

از انجا که کلمات شجاعت سمات شاهانه به یك لهجه خیلی دلگیرانه ومتاثرانه ایراد گردید کافه تماشایان بالخصوص وافراد ملکی ومامورین را بالعموم تحت دائره رقت واثر غریبی اورده چنانچه هر بیننده حسا محسوس می نمود که تهور و شجاعت این شیر بچه گان مضاعف گردیده وخون در عروق شان بغلیان امده وبرای بدست اوردن گوهر مقصود حسوصایای ملوکانه به اهتزاز امدند در همین حال عالیقدر صداقت ماب معین صاحب حربیه پنج قدم پیش از موقع خود امد بعد از لحظه توقف اینمعروضه را که مملو از جذبات عسکریت واحساسات اسلامیت بود باواز بلند عرض نمود :

(معروضه معین صاحب حربیه)

اعلیحضرتا ! در مقابل مهربانی های تان بزبان نیاز اصالتا از طرف خود ووکالتا از جانب برادران عسکری عرض میکنم :

ما عساکر ها بوره خبر داریم وعلاوتا زحمات شبا روزی پادشاه غیور ما مارا به ارزوهای چند ین ساله عالم اسلامیت رهبری فرموده و دانسته ایم که اسلام چیست . وناموس اسلام — چطور محفوظ وباشرف می ماند وبکدام وسایل عالم اسلامیت را ترقی و توسیع دادن ممکن است اخرین این نقطه را درین راه یافته ایم . عشق — دین — عزم متین توجه پادشاه مسلمین است وبس . خوشبختانه امروز باین اسلحه سه گانه مجهزیم بدل عشق دین و بدماغ عزم متین مثل شما یك پادشاه غیور مجاهد دین پرور معاون ومدد گار در بر داریم میتوان گفت که درین عصر — بارزوهای مقدس تان رسیده ایم وبان فکر یگانه تان هرذی شعوری میداند پسران برادران هم دین وهم ملت وهم مسلك مشرقی مان بوره خبر نموده امروز را نیروز شمرده سر اطاعت بفرمان شما — پادشاه غیور مجاهد خواهند گذاشت والا خدا نخواسته عدول بنمایند بدلهای پر از غیرت وسینه های مملو از شجاعت بمیدان جان نثاری با تیغ های ابدار وتفنگ های جان نثار وتوپهای اتش بار استاده هرگونه موانعات داخلی وخارجی را برداشته جان سپاریها خواهیم نمود .

یا مطلوب عالم اسلامیت را بدست می آوریم یا میدان های حرب را از خون لاله گون خواهیم نمود درین مقصد مقدس تا جان در بدن داریم خواهیم کوشید و یا حیات ابدی را حاصل خواهیم کرد .

شاهنشه غیور نه وقت درنگ ماست — امروز روز غیرت ناموس وننگ ماست
زنده باد پادشاه غیور دین پرور ما تابنده باد اختر فیروزی وظفر ما .

در خاتمه عساکر غیور بجوش وخروش قلبی بنواخت باجه ایفای تعظیم نموده با چهار بار گویان بسوی ایفای ماموریت خود متوجه شدند .

ورود افواج حبیبیه در مشرقی

از اطلاعات تازه که مجدداً توسط یکی از نامه نگاران موقراً باداره موصول گردیده است این افواج ظفر امواج سه روز قبل ازین کامیابانه ومظفرانه بمقام گندمک خگیانی که از انجا الی مرکز جلال اباد چهارده کروه راه است مواصلت نموده اند در عرض راه عموم سکنه محلی وقری ودیهات اطراف ونواحی که از اعزام توجه مطلع می شدند جهت اظهار اطاعت وبجا اوری خدمت احضار شده پذیرائی های شایانی نموده اند .

در حدود جگدلک اقوام جبار خیل و طرفداران اقای عبدالرحمن خان خانخانان باتفری زیادی جهت پذیرائی وخیر مقدم عسکری حاضر شده عزت داری واحترامات لازمه را بجااورده مشایعت کنان با قوه عسکری بلوطک وکلالی وسرخ پل وخته و بلولی وگندمک را عبور کنان درحال گزمه نظامی بقرب مقام عالیجاه ملک تیمر خان در هاشم خیل مواصلت کرده است که مخالفین ومعاندین ملک محمد تیمر خان مصروف حمله وپیکار باوی بودند لهذا از یکطرف افراد عسکری باتخاذ موضع واشغال نقاط حاکمه مصروف شده اند و ازجانب دیگر قضیه را بقوای متعاقبه خویش ذریعه اینه برقی اخبار نموده خود شان بسر کوبی انها بشدت پرداختند تا اینکه مخالفین قرار ومساکن وقلعه جات قریبه را پناه گاه خود قرارداده اند در اثر ان همینکه چند فیر توپهای جبل بر قلعه های مزبوره اتش باری نمود اشرار فرار را بر قرار اختیار واخیار جوق جوق بنزد منصبداران عسکری احضار شده عرض مراحم گستری والطاف پروری صاحب منصبان نظامی راخواستار شده اند بالمقابل از طرف روسای لشکری هم موجبات طمانیت وتسلیت انها فراهم اورده شده است .

(اعزام مزید قوای عسکری بسمت مشرقی)

حسب اطلاع یکی ازنامه نگاران محترم حربی ما بروز جمعه ۹ ربیع الثانی یک قوه مکمله دیگری ازعسکر مظفر حبیبیه جهت الحاق با دیگر برادران عسکری خویش در سمت مشرقی بان طرف اعزام شده اند . ذات شاهانه جهت وداع وتلقینات لازمه برای این قوه مظفر نیز در بیتخانه تشریف فرما شده نطق جوش اوری را ایراد وجوابیه عالی را استماع فرموده اند که در شماره اتی ماصورت این خطابه پادشاهی وعریضه عسکری را جهت استحضار ناظرین محترم خواهیم نگاشت .

شکست فاحش اشرار خوگیانی

خبرمابعد یکه در اثر اطلاع فوق از راپورتحریریکه حضرت عالی افخم معین السلطنه صاحب بوزارت حربیه الحاق فرموده اند مژده ای را بناظرین محترم ما تقدیم میکند ۰

در اثر ارتصادمی که گزمه عسکری با مخالفین ملنقیر در هاشم خیل نمودند و متعاقبا مزید قوای عسکری مرکزی ونفری توپی عالیجاه عبد الرحمن خان جبارخیل وطرفداران ملنقیر نیز با انها معاونت نمودند ـ یک شکست فاحشی به تعصبان جمعیت اشرار خوگیانی شده است که قبل از ورود عسکری با طرفداران ملنقیر معروف مقابله بودند ۰

در نتیجه این مغلوبیت یکعده زیادی ازان سیه کاران اسیر ومحمد افضل نام خوگیانی سرغنه شان هم دستگیر شده علاوتا ۱٤ ضرب توپ ماشیندار و دو ضرب توپ قاطری و ٦ عراده موتر ویکعده اسلحه ودیگر غنائم بدست قوی ظفر موج حبیبه امده است !! :

تشریفاوری ذات شاهانه در ریاست مطبوعات

حسب اطلاعیکه باداره ما موصول گردیده روز ٤ شنبه ۷ ربیع الثانی ذات خسروی بمعیت یکعده از مصاحبین وحواشی حضور شان اولا باداره نوت وسکوکا ترونق افزا گردیده بر تمام ـ اجراات وعملیات ان اداره مدققانه نظریات واستفسارات فرموده متعاقبا بمطبعه حروفی کمبقرب نشیمن حضرت عالی والی صاحب واقعست رونق افزا گردیده بر صندوقهای حروف وماشین های پایکی وبرق وبرش واصناف امور اداری علم اوری کنان از حسن اداره اقای صوفی عبد الحمید خان رئیس وباقی معاونین وهیئت اداری شان کمدر مطبعه سنگی وحروفی ودیگر شعبات بذل مجهودات میورزند اظهار مسرت نموده علاوه بر تحسین وافرین زیاد هر واحدی ازین کارگران وعمله وفعله ریاست مطبوعات را مورد انعامات لازمه ساخته در دعاگوئی وموجبات خوشنودی ودلگرمی شان افزوده اند ۰

مد وجزر اسلام حصه ۷ مابعد ازشماره ۲۱

کاروانی بود ای باهزاران برگ و ساز — کاروانی در دو عالم پیشاهنگ سرفراز
کاروانی پرسترگ ومایه دار امتیاز — کاروانی بارکش از محیط الوحی حجاز
(کاروانی بود (پسمل) وه چه زیبا کاروان — کاروان میر عرب تاج عجم فخر جهان)
روبهان رابیش ایشان طاقت جولان نبود — قطبیان را نیز تاب زخم انچوگان نبود
کاروبار اهل (لندن) هم باین سامان نبود — ذکرچنین باک ار او خود مرد این میدان نبود
(تا بهم مملکت گیری فرمانگیختند — خاک صحرای عرب بر قصر قیصر ریختند)
هرکجا کردند رو اقبال پیشاپیش بود — در رکاب نصرت شان عقل دور اندیش بود
گرچه هریک در لباس مسکنت درویش بود — صولتش ازقیصر وفغفور خیلی بیش بود
(ان عزیزان چون طلبکردند از شاهان خراج — بحریا اند زشان اورد کیو تخت تاج)
تخت جم را خبر بادا گفت اقبال کیان — سرنگون افتاد ازبالا درفش کاویان

شوکت دین نبی برداشت تیغ خون چکان　　هر طرف برخاست از کیش صدای الامان

هند برایران وایران برسرتوران گریست　　مغ بر روبه وروبه بر یوغان گریست)

اتش لهراسپ(۱) مرد وهیربد (۲) شد سوگوار　　رفت در پای تاختن شبرگان (۳) رانقش ونگار

کرد پی در بوار ودرد بر مغان روز گار　　اسمان ساسانیان (۴) را راند بیرون از دیار

(ماند حیران لوید (۵) اذرگشپ(۶) از فرط یاس　　کیش زردشت اوفتاد از پا رسید روم المعاس(۷)

بانگ ادین الله) برامد عالمی لبیک خواند　　سرد شد اتشکده بتخانه را رونق نماند

با برهمن هیربد از دیده سیل اشک راند　　هردو را زنار در یک حلقهٔ ماتم نشاند

ادین برحق چون زمنبر برسرکرسی نشست　　سومنات(۸) اینجا وانجا هیکل ترسا (۹) شکست)

گرچه هرملکتگری زجا برخاستند　　خویش را با زیور فضل وهنر بیاراستند

ادرسگاه) دارالشفا) دارالکتب(۱۰) اراستند　　گرچه خودرفتند لیک اثارشان برجاستند

(گرچه ارد بیت حمرا* (۱۱) داستان سینه سوز　　قبة الخضراء* (۱۲) زیاد ما نارفته تا هنوز)

نور نوریه(۱۳) زنورالدین شاه ارسلان　　بود در موصل فروزان همچو مهر اسمان

از نظامیه(۱۴) درخشان بود نام اصفهان　　صاحبیه(۱۵) بود دارالقاهره مانند جان

(بود تا ... مستنصریه(۱۶) رونق بغداد بود　　از ... سلرنو(۱۷) تا بخارا (۱۸) ملک علم اباد بود)

تاز کفر رشتهٔ دین هدی نگذاشتند　　هرچه می بایست از جاه وحشم میداشتند

لیک چون سر درهوای معصیت افراشتند　　خود درودند انچه تخم نامرادی کاشتند

(منحرف گشتند چون از جادهٔ شرع نبی　　عهد دولت گشت همچون برق خاطف منقضی)

چشم تا برهم زدیم این انجمن از هم شکست　　ها وهوی بزم ما با خون مستعصم (۱۹) نشست

یکطرف شیرازهٔ جمعیت دیلم (۲۰) گسست　　سوی دیگر کاروان ال سامان (۲۱) رخت بست

(ان قطع بشکست ان می ریخت ان ساقی نماند　　ماند باقی درد حسرت چون کسی باقی نماند)

---

۱) ازانجا که اهل نارپرستان را نور مجسم می پنداشتند وهرکجا که انرا مشتعل میدیدند شت شیدان شید (حضرت نورالانوار) گفته جبین نیاز برزمین می نهادند لهذا بنا بر اصول مذهب درخراسان بنیاد اتشکده ها راقایم ساخت ازان پس از جانشینان او هرکه امد ان بدعت را افزوده اتشکدهٔ جداگانه تعمیر نمود پیش از ظهور زردشت ده اتش خانهٔ بزرگ درمقامات مختلفه بودند اما بعد از ظهور او چندان کثرت اتش پرستی درعهد ساسانیان رونق یافت که در هر قریه وشهر اتشکده های جداگانه قایم گردید یکی ازانها اتشکدهٔ نوبهار بلخ بنا کردهٔ منوچهر بود که لهر اسپ پدر گشتاسپ در تعمیر ان افزایش نموده اتش لهراسپ نام نهاد هزار ها علم حریر برچم بالای بامش نصب کرده بودند که طول هر پرچم از صد ذراع متجاوز بود — در سنه ۳۲ هـ ۶۵۰ ع ضرب شمشیر اسلام ان مقام را بیخ وبنیاد برانکند گویند سه صد وشصت وشش کاخ که عبارت ازمعبد وکشت گیران است درحوالی وحواشی ان بنا کرده بودند وهزاران زنان بکر همیشه کمر بسته زائرانش را خدمت ادا میکردند همچنین در سجستان قد دری ودیگر مقامات اتشکده های بزرگ بودند

بقیه حاشیه

در اصفهان اتشکده بود بنا کرده بشتاسف که نامش مارس شهرت گرفته بود در قومس نیز — اتشکده بود کو سبحه نام تعمیر کرده فریدون ودر جور برما (نام اتشکده را اروشیریا بکان بنا کرده بود ودر صنعا اتشکده بود غمدان نام میگویند کوضحاك تا زی انرا تعمیر کرده بود حوقل بغدادی در جغرافیای خود ومسعودی درحالات بیوت النیران نوشته اند که در ایران وفارس انقدر اتش خانه های گبران بود که احصای انها خیلی دشوار بود همه بر دست اسلام کشته اب تیغ شدند ۰

۲) هیربد خادم اتشکده چه هیر بمعنی اتش وبد بمعنی صاحب است ۰

۳) شش کاخ — کاخ معبد گبران ومسجد ده ۲٫ اتش پرستان را میگویند ۰

۴) ساسان نام پسر بهمن بن اسفندیار که از خوف خواهر خود که همای نام داشت وبعد هم زوجه شی در نکاح بهمن پدر خود بود وبعد از پدر مملکت برو قرار یافته بود تقریشده سر در عالم نهاد ساسانیان نسل اویند که بعد از کشته شدن دارا بدست اسکندر سلطنت یافتند و اخرین ایشان یزد گرد بود که در عهد حضرت عمر (رض) از خوف لشکر اسلام بجانب چین فرار کرد ۰

۵) موبد عالم زند واستا که کتابهای زردشت اند ۰

۶) اذر کشپ بمعنی اتش جهنده ونام اتش خانه بنا کرده گشتاسپ شاه ایران چون هیشه اتش دران جهنده می ماند لهذا بدین نام موسوم کردند ۰

۷) عماس بر وزن قلقف سحاب جنگ سخت وکار دشوار بی سر وپا ویوم العماس روز تاریک چون در سنه ۱۳ هجری در عهد خلافت حضرت عمر (رض) قادسیه بر دست مسلمانان فتح گردید ولشکر ایران بعد از جنگ عظیم از فوج سعد بن ابی وقاص (رض) هزیمت خورد بنابران عربان بسبب بعضی مناسبات انروز را یوم العماس نامیدند ۰

۸) سومنات اینبتخانه در جزیره نمای گجرات واقع شده است سلطان محمود غزنوی رح درسنه ٤۲٦هـ ۱۰۲۷ ع بعد از کار زار شدید فتح نموده بت سومنات را شکسته مال — فراوان ازان برگرفت ۰

۹) درسنه ۸۵۷هـ ۱٤۵۳ ع سلطان ابوالمعالی محمد خان ثانی انارالله برهانه — شهر قسطنطنیه را از دست ایمپراطور روم براورده بحوضه تصرف خود راورد و کلیسای ایاصوفیه را شکسته برجای ان مسجد جامع بنا ساخت که الان به مسجد ایاصوفیه شهرت دارد ۰

۱۰) در اسلام از همه بیشتر امیر معاویه در عهد خلافت خود بنیاد کتبخانه را قایم کرده است لیکن خالد ابن یزید کتب قدیمه را بکثرت فراهم نموده دار الکتب باضابطه را ترتیب داد چون عهد هارون ومامون در رسید ایشان کتابهای علوم وفنون وصحائف فلسفه وریاضی وهند سه وهیئت را از روم ویونان وهند وستان بدست اورده بناء کتابخانه هارا باسمان رسانیدند بعد ازان

بقیه حاشیه

مذاق مطالعهٔ کتب آنچنان شائع گردید که اعیان دولت وارکان سلطنت آنرا نیز از لوازم جاه وحشمت پنداشته کاشانه هارا بکتبخانه ها آراستند در ایام خلافت متوکل بالله عباسی کتابخانهٔ فتح ابن خاقان راکه (اهتمام آن بعلی ابن یحیی منیع تعلق میداشت) بیمثل تصور میکردند دارالکتب اندلس تقریبا چهار لک جلد کتاب در خود میداشت خلیفهٔ حاکم اموی المتوفی سنه ٣٢٦هـ همه خراج ملک اندلس ومغرب وافریقه را برگرد آوری کتب صرف کرده بود کتابخانهٔ نوح ابن منصور والی بخارا نیز در دنیا نظیری نداشت شیخ ابو علی سینا همه سرمایهٔ علم را ازان کتابخانه اندوخته بود عضد الدوله دیلمی نیز در شیراز دارالکتب بزرگ پیش خود میداشت که غالبا کل — تصنیفات قدیمهٔ اهل اسلام را حاوی بود و سیف الدوله در برابر ان فراخور مذاق خود یک ذخیره کتب نادرهٔ ادبیه را جمع کرده بود اما سرتاج اینهمه کتابخانهٔ خلفای فاطمیه مصر بود ماورای آنها ابونصر سهل ابن مرزبان امیر نیشاپور وصاحب ابن عباد بانی مدرسه صاحبیه و محمد ابن حسین بغدادی نیز کتابخانه ها میداشتند که از عجائبات روزگار شمرده میشدند در شهر قرطبه خانه هر فاضلی کتابخانهٔ جداگانه بود اهل فارس نیز ازین مذاق خالی نبودند چنانچه در حوالی اصفهان بمقام تعندز یک کتابخانهٔ بزرگ موجود بود در سنه ٣٨٢ هـ شاپور ابن اردشیر در بغداد یک دارالعلم بناکرده کتابهارا دران وقف گردانید بعد ازان خلیفه حاکم بامر الله فاطمی نیز در سنه ٣٩٥هـ یک کتابخانهٔ بزرگ تعمیر کرده وقف ساخت ازان پس از بنای — مدرسه نظامیه در هر مسجدی کتابخانهٔ جداگانهٔ قایم گردید الحمد لله که این زمانه نیز از کتابخانه های اسلامی خالی نیست در اسلامبول ومصر ومکه معظمه ودکن و لکهنو وعظیم اباد پتنهٔ و ریاست رامپور کتابخانه های خوبی یافته میشوند ٠

(١١) بیت حمراء یا الحمراء این عمارت در شهر غرناطه (گریندا) که پیشتر دارالخلافه مغرب در ملک اندلس (اسپانیه) بود بنا کردهٔ خلیفهٔ دوم از خلفای بنی امیه در عهد خلیفهٔ سیزدهم اهل اسپانیه آنرا از تصرف اهل اسلام بدر بردند ٠

(١٢) قبة الخضرا در بغداد دارالامارت بوده است که خلفای بنی عباس در وسط ان سریر خلافت زده بودند وهر روز رویان از برای فصل خصومات بارعام میدادند گویند ارتفاعش از ٨٠ ذرع متجاوز بود ٠

(١٣) نام مدرسهٔ بود بناکردهٔ نورالدین شاه ارسلان در شهر موصل ٠

(١٤) نام مدرسهٔ بود بناکردهٔ نظام الملک طوسی در اصفهان شیخ سعدی هم دران درس میگرفت ٠

(١٥) در القاهره یک مدرسهٔ بزرگ بوده است بنا کردهٔ صاحب ابن عباد ٠

بقیه حاشیه .

١٦) در سنه ٦٣٣ هـ ١٢٣٥ ع خلیفه مستنصر بالله عباسی در بغداد یك مدرسه بنا کرده ٣٣ انار طلا که معادل ٤٤٦٢٥٠ روپیه انگلیسی مروجه این زمان میباشد — مصارف سالیانه ان مقرر کرده بود اکثر فقهای مذاهب اربعه مثل علامه ابوالفرج ابن جوزی محدث دران درس میدادند چنانچه شیخ سعدی هم دران درس گرفته است یك اشپزخانه و یك کتابخانه بزرگ هم بدان مدرسه تعلق داشت که یکصد وشصت بار شتر کتابهاد اخل — فهرست ان بود ٠ (ستون الاسلام) .

١٧ سلرنو نام شهریست در ملك ایطالیا درزمان پیشین دران شهر یك مدرسه طبیه اهل اسلام بود که اهل یورپ جوق جوق ازبحر اموختن طب علمی وعملی بدان رجوع میاوردند و فن جراحی ومعالجات را ازانجا کسب میکردند .

١٨) قبه الاسلام بخارا انچه از وجود حضرت امام محمد اسمعیل بخاری (رح) شرف حاصل شده محتاج بیان نیست .

١٩) خلیفه المستعصم بالله ابو احمد عبد الله بن المستنصر بالله عباسی که انرا هلاکوخان نواده چنگیز خان در سنه ٦٥٦هـ ١٢٥٨ ع شهید ساخته .

٢٠) خاندان دیلمه که انرا ال بویه نیز گویند چهار نفر بودند احمد الدوله — رکن الدوله — معزالدوله از انجمله عضد الدوله در سنه ٣٣٧هـ ٩٤٩ ع خیلی پادشاه عظیم الشان گذشته است که از دولت بنی عباس خطاب امیرالامرائی هم یافته بود .

٢١) خاندان سامانیه اصل شان از ملك تاتار است ودر خراسان وماوراءالنهر ازسنه ٢٨٧هـ ٩٠٠ ع تا ٣٨٩هـ ٩٩٩ع سلطنت میکردند .

(کابل مطبعه سرکاری)

صفحه اول — جریده هفتگی حبیب الاسلام — سال اول — شماره ۳۰) — نمره مسلسل ۳۰)

واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

حبیب الاسلام

مدیر: برهان الدین کشککی .

اداره‌خانه — د باغنانان کابل — افغانستان

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود .

اداره در انتشار واصلاح مقالات وارده مختار است .

الجریده درهر هفته یکمرتبه بروز چارشنبه نشر میشود .

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود .

نرخ اشتراک

مقامات .	سالانه	ششماهه
شهر کابل	۶ روپیه	سه نیم روپیه
داخل افغانستان	۷ روپیه	۴ روپیه
ممالک خارجه	۱۵ شلنگ	۸ شلنگ

(قیمت یک شماره ۶ پیسه)

(درین اخبار از احکام دینی ومسائل اسلامی وهرگونه علوم وفنون واطلاعات سیاسی ومفاد دولتی ومنافع ملی بحث میشود .)

تاریخ قمری ۲۱ ربیع الثانی ۱۳۴۸) — ۴ شنبه — (تاریخ شمسی ۳ میزان ۱۳۰۸ هجری)

فتح عالی نوح ظفرموج حبیبی در مشرقی

(فرار مخفیانه محمد هاشم خان وشاه محمد خان بابری)

— استمالت ودلجوئی بنیکوکاران وگوشمالی بمفسدان —

— تقدیر از زحمات حضرت عالی سردار اعلی حمید الله خان معین السلطنه صاحب —

بعموم اهالی افغانستان وخداوندان عقل وبصیرت جهان این مسئله معلوم است که برای رفع بدعات وخرافات دوره سابقه همچنانیکه شیر مردان شمالی کمر اسلامیت شانرا در دائره دیانت وتهذیب بسته بودند بهمان طور نفری سمت مشرقی نیز نطاق همت شانرا بنام همین مقصد خارج از حدود تهذیب وعدنیت بند بده برعلیه حکومت امانیه بهر صورتیکه برای شان ممکن میشد بمخالفت وضرر رسانی وتکلیف افرینی رجال ومامورین ان میکوشیدند و باندازه درین راه فداکاری وضرر رسانی خود هارا بدرجه افراط زیاد رسانیدند که صرف نظر از مقررات اسلامیت ودیانت عالم انسانیت نیز بر ان وحشت وبدویت وناعاقبت سنجی وتعصب بروی این مفرطین ولجاج منشان مشرقی لعنت میفرستد ودر تاریخ افغانستان این طرز عمل وکردار ارذال شان مواقعات ننگین را اشغال نمود الی الابد این لکهٔ تاریخ داغ پیشانی انها خواهد بود .

زیرا عمارات درجه اول وتاریخی وباشنیدنها ومساجد ومعابد ومواقع تاریخی مملکت خود ها را که جلال اباد را عروس الامصار افغانستان ساخته بود با خاک برابر و سرتاسر تعمیرات و منازل ومساکن ان شهر مینو بهر را که از حدود جهاونی الی پل تاحتی واز لبدریا تا ریگزار

جنوبی احاطه‌ده شده رقبهٔ آن بیشتر از ٤ میل مربع تخمین میشود) خراب و ابتر کردند . باغ و بساتین و منازل و بدائع دل‌نشین آنرا از کار کشیده درخت‌زارها و جنگلات اورا (که در ایام گرما یادانه ضمت غیر مترقبه برای خود سکنهٔ آن سمت شود) علی الاکثر قطع و بی ثمر نمودند . جبه‌خانه و ماشین مرکزی آنرا بر علاوهٔ جور و چپاولی که وحشیانه نمودند بالاخر آتش زده تمتعها و محتویات بی پایان آنرا لقمهٔ آتش نمودند !!! بل از اثر انفجار آن اکثر حصهٔ محلهٔ شهر را نیز پرانیدند . وخون بس مظلومین را ازین عمل خود بگردن گرفته ظالم و مظلوم هرد و بزیر خروارها خاک و گل مطمون شدند . داد جور و چپاول و تاراج و یغما گری را دادند !!! در اذیت اطفال معصوم و رجال مظلوم کوتاهی نکردند . بر اهالی مظالم و تکالیف کمر شکنی را بشدت اجرا کردند قصر های عالی و جایهای لاثانی سراج العمارات باغ شاهی کوکب نرح لذماتی سلطانپور باولی — و عینیه و مدرسه و حکومتی وغیره دوائر سلطنتی و منازل شخصی و اهالی را مبار و برباد کردند منازل و رباطهای عرض راه را در سرتاسر مشرقی از کار کشیدند . . . هستی و مال و منال مامورین حکومت سابق را بالعموم مال حلال خود دانسته بردند وخوردند وانها و متعلقین شانرا بانواع مصائب و تکالیف سرد و چار کردند . .

بالاخر درین عرصهٔ ۹ ماه داد خونریزی و مال مردم خوری — نفاق انگیزی — شقاق انگنی — خود سری — لا ابالیگری و . . . و . . . . را طوری بجا اوردند که نظیر ان کمتر بخاطر می رسد . چند شاه و چندین وزیر برای خود تراشیدند و هر قوم بچند گند و چند شعبه منقسم شده و هرکدام ان برای خود رئیس جداگانه و کابینهٔ علیحده‌ٔ تشکیل کردند و همهٔ این ترتیبات مضره — خود هارا بجای اینکه برای مفاد و بهبود عالم اسلام و ترقیات افغانستان صرف میکردند در — میان خود شان صرف هرکدام انها بمقابل همدیگر خود مخالف و طرف واقع میشدند دائما خانه و جای و قلعه های همدیگر را جور و تاراج و بسوختاندند وسوء ادارهٔ شان باندازهٔ بود که — هیچ یک نفر از یک قریه بدیگر ده بدون بدرقه و محافظه رفته نمیتوانست .

درضمن این طوائف الملوکیهای آن سمت بدیگر افراد خورد و ریزهٔ انها عطف قلم نمیکنیم تنها از محمد هاشم خان (برادر محمد نادرخان) و نیاز محمد خان بابری اینقدر حکایت میکنیم که دارای پره و جثهٔ بزرگ و تقریبا درین اواخر کوس شاهی و جهانگیری را می نواختند و نوق العاده بمخالفت کابل جدی و بلانهایه در تبلیغات مضره برخلاف حکومت حبیبیه میکوشیدند .

ولی از فضل ایزد منان و برکت روحانیت پیغمبر آخر زمان و حسن نیت امیر حبیب الله‌خان و ضرب شمشیر درخشان و تهور و رشادت بی پایان معین السلطنه صاحب سردار اعلی حمید الله خان و فداکاری و جانبازی عساکر ظفر ماثر حبیبیه و عقیدت و فداشعاری مالیجاهان عبد الرحمان‌خان خانخانان و ملک محمد تیمرخان و ملک محمدعلم‌خان و اقوام و طرفداران انها چنان یک گوشمالی بجا و سرکوبی باسزائی برای اتباع و طرفداران محمد هاشم خان و نیاز محمد خان داده شده که امروز اثر و خبری ازان جمعیت و تشکیل سلطنت شان نیست . خود ان دو بد بخت بر از شکسته

یکعدهٔ زیادی از برادران نادان اسلامی مارا بنابر افراطجوئی وتشخص‌پسندی خود بجنگ بر انگیختند وبکشتن وزخمی شدن واسیر گشتن سپردند بعد اغازشدن جنگ علی الفور ازقرائن وامارات ناکامی خودهارا محسوس شدند ودر شب تاریک فرار نموده بکدام طرف مجهولی متواری شده اند . وعساکر فیروز ما تحت قیادت فرزند نامدار شجاع افغانستان سردار اعلی حمید الله خان پس از کار گرفتن عروس فتح وظفر سرتاسر مشرقیرا درحلقهٔ اطاعت حکومت کابل شامل وبه نکوکاران وسلطانان وعموم رعایای ان سمت اظهار ملاطفت ومراحم واکرام وا زمغرضین ومفسدین وشرارت پسندان شان بازپرس واستنطاق فرموده هر واحدی ازانهارا به کیفر کردار شان تحت مقررات اسلامی میرسانند . اینک ازاینور اخریکه باداره ما واصل شده عساکر کابل خوگیانی وارغو وخاران وفتح اباد وباولی وچهار باغ وجلال اباد وقلعه چه وچوره کلی را عبور کنان تملا در بتی کوت توقف داشته در اتخاذ بیعت اهالی وفراهم اوردن اسلحه واشیاي سرکاری کوشان بوده عنا قریب بخاک سرحد افغانی ما مواصلت میکنند .

اعزام دستهٔ دویمین عسکری بجانب سمت مشرقی

بتاریخ ۹ ربیع الثانی

ناظرین از مطالعهٔ اخبار ۲۶ ما قبلا مسبوقند که علاوه بر قوهٔ اولینی که از مرکز جهت ادارهٔ امنیت مشرقی حرکت نموده اند وذات خسروی مراسم وداع انهارا بایراد فرمودن نطق پرجوش الذاق فرموده اند یک قوهٔ دویمین نظامی نیز بتاریخ ۹ ربیع الثانی بصورت قوه الظاهر عسکری مقدم نیز اعزام واعلیحضرت امیر صاحب جهت خدا حافظی و بامان خدای سپردن انها بهمان تفصیلی که در شمارهٔ ۲۶ مرقوم گردیده تشریف فرمای بتخاک شده نطق اتی را ایراد فرموده اند .

(نطق خسروی برای دستهٔ دوم عسکری)

اولاد های عزیز وسربازهای رشیدم . خیلی ازخدای خود شاکرم که امروز بنابر ثبات وپایداری شما میتوانم خودرا بمقاصد دینی خود کامیاب گفته ومیتوانم بگویم ناموس وطن را بکمال رشادت و ابراز غیرت حفاظت وحراست خواهیم کرد . چه اولا میدانیم که ما خادم برای خدا خدمت میکنیم وخداوند معین ومدد گار ماست علاوه بران هیئت شما که امروز نظیر یک کلهٔ اهنی به پیشروی صف توقف زده وسیمای هرفرد شما برای شجاعت صداقت امانت که فرض شخصی هر فرد عسکر است اطمینان داده قلبا مرا متسلی می سازد که انشاء الله تعالی جل شانه فیروزی همیشه نصیب شما است وامروز که شمارا در مقام مبارزه وجهاد میفرستم هیچ یک احوال ملالی از ناصیهٔ شما احساس گرده نمیشود اینهم یکدلیل بزرگ ظفر عسکر فیروز است که مخاطره هارا دلهای پر قوت تان بخود راه نمیدهد البته میدانید که چندی وطن مقدس ما بنابر تحریک مغرضین در زیر فشار پنجه دشمنان واقع شده وحریف میخواستند یک موقع استفاده را بخود پیدا کرده مطالب ناپاک خود را انجام دهند ولی ازانجاکه خداوند کریم (جل شانه) نخواست این خطه مقدس را محو و نابود سازد غیرت شما فرزندان صادق این خاک پاک را بغلیان اورده وشمارا بفدا کردن جان های

تان حاضر و آماده نمود تا توانستند همه اغتشاشات داخلی را فرونشانده ارزوهای دشمنان ـ
خود را بخاك برابر وحسرت رادر دلهای شان باقی گذاشتید · افرین ای عسکر غیور · افرین ای
ملت باشعور من !!!

بلی · اگرچه بفضل خداوند چیزیکه اسباب تشویش خاطر ما وشما واقع شود باقی نمانده است
وبعجه جزویات تا اینقدرها اهمیت داده نمیتوانم با ان که معاملات مذکور اختتام پذیرفته وما
انشا الله تعالی (جل شانه) وظایف وجدانی وایمانی خودرا انجام داده ایم البته یقین است که ـ
روحانیت حضرت رسول مقبول (صلعم) نگران اخلافه بران ازما وشما مسلمانان امیدوار است کهزود تر
وخوبتر برای اعتلای دین پاك بکوشیم پس چون شرف استرای ان ذات مقدس وابسته بانتظور خدمات
ماست باید حاضر باشیم که حیات خودرا وقف رضای اوسازیم · لهذا چون خودرا مثل شما یکی از ـ
هم قطاران شما می شمارم بدین عزم راسخ وجازم هستیم که همچنانکه تا امروز تاریخ خط حیات خود
را وقف داده ایم که دریکی ازصحایف بلند ترین تاریخ وطن موقع ثبت را بخود احراز کرده میتواند
وهمچنان در سلسله حامیان این دین حق ممکن است ازما نامی برده شود · اخرین دم حیاتم را
درین راه خواهم سپرد وهرگز وجدانم قبول کرده نمیتواند که از خود وفقط شما اسباب ننگ وعار و ـ
خجالت امیز اخروی را باز مانده باشم چه نتیجه اخرین زندگانی فقط وفقط حاصل کردن نام نیك
است وبس بنابران شمارا درین راه هم فکر خود خواسته کلام خودرا بدعای اسلامتی و فیروزی شما
خاتمه میدهم ·

ـ معروضه جوابیه معین صاحب حربیه ـ

اقای محمد محفوظخان ازطرف عسکری بحضور

قهرمان مهربان ملت دوست عسکر پرور ما · توئی که برای رضای خداوندی برای نصرت دادن
دین محمدی دست ازجان وجهان شستی ·

توئی که عزم عالیت را جز برای اسائش ملت وازادی عالم اسلامیت صرف نمی فرمائی · توئی که به
نیروی بازوی مردانه ات جهان افغانستان را از وجود ظالمان پاك فرمودی ·

توئی که از همت ناموسکارانه ات پرده ناموس اسلامیت رابدریدن نگذاشتی · توئی که برای ـ
بجا شدن ننگ وناموس ملی خود روز ها زحمت میکشی وشبهارا به بیداری بسر می بری ·

اگر ما عسکرها بپاس عالم اسلامیت بخدمت جان شیرین قربان کنیم کم است شهنشاها خوش
بختانه دین دوستی رعیت پروری عساکرنوازی ناموسکاریت ما را هشیار وطوری بسر غیرت وکار اورده
است که بکمال جدیت وفعالیت حاضریم که برای اعتلای دین مبین خدمت واین خاك پاك افغانی وننگ
وناموس ملی خود ما نرا ازدستبرد دشمنان بجان وخون خود حمایه ووقایه کنیم :

زعزم ثابت خود کامیاب اسلام است — همیشه فتح وظفر در رکاب اسلام است
بحفظ دین وطن همت قوی داریم — چراکه این وطن ازجد وباب اسلام است

اینك ناموس عارضی مانراکه اطفال وعیال ماست بشما پدر معنوی خود وشمارا درحمایت خدای
خوی سپرده (الله اکبر) گویان برای سرکوبی دشمنان دین برای خدا جان دادن درراه یقین ـ

برای بدست اوردن ناموس مسلمین درمیدان جانبازی مردانه وار قدم نهاده شما بلقب پادشاه شیرین خود را وداع میگوئیم (الله اکبر الله اکبر الله اکبر) .

اقدام نا عاقبت اندیشانهٔ اچکزائی بمقابل

حکومت حبیبی

از روزیکه حکومت موجودهٔ اسلامیه ما بهمت مردان وسربازی اقوام شمالی بعد ازینکه کارزار وفداکاری غیورانه مقتدر بر قلع وقمع بدعات وخلع حکومت سابق گردیده زمام امور سلطنت افغانستان را بدست خویش گرفته معروف در اعلای کلمه الله وجد وجهد نسبت برفاه عباد الله است در برخی از نواحی مملکت عدهٔ از اشرار بعضی اقوام صرف بتحریک حس جاه طلبی ویولتیا طرفد اران ضعف این ملت اسلام علم بغاوت بر افراشته بدامع خامیکه چرا سلطنت افغانستان به ملیون غیور شمالی — مخصوصا بذات والای خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان تکیه کرد وتعصبا تگردید — ویا بغرضیکه پادشاه افغانستان نصیب ما شود شامل میدان کارزار باحکومت اسلامیهٔ شان گردیدند غافل ازینکه سلطنت وپادشاهی یک معاملت جیزی نیست که کسی بکسی بدهد ویا بتصرف بنده باشد که بدیگری به بخشد درصورتیکه پادشاه پادشاهان خدا وپادشاهی بامملکت باارادهٔ ازلی وبه ید قدرت حضرت واجب الوجود است بهر کسیکه ارادهٔ ورضای اورفته باشد بمحوای ایهٔ کریمهٔ قرانی تؤتی الملك من تشاء خلعت سلطنت را بوجود او عطا میکند .

امان اللعخان شاه مخلوع که اقدام به اجرای اوامر خلاف مقررات شرعی ووضع عادات ملی کرده عالمی را از خود متنفر ساخت مشیت ایزدی باتش انقلاب را در خطهٔ افغانستان افروخته بالاخیر پادشاهی افغانستان را بوجود این خادم دین لایق دیده به پادشاهی بر انگیخت وبسه عالمیان مشهود ساخت که لوای سلطنت تخصیص یک قوم ویا یک طایفه مثل محمد زائی ودرانی و بارکزائی وهزاره وغیره ندارد بلکه بهر کسیکه خدا میخواهد عطا میکند لذا اشراریکه از دیگر اقوام باین عطای خدا راضی نبود مبنای سرکشی را نهادند پس ازینکه طپانچهٔ عبرت را بر روی — خود خوردند بحقیقت نوع دانسته فورا باطاعت این خادم دین شتافتند مثلا در اوائل جلوس همایونی بعد ا اقوام وردک بمیدان فتح الباب بغاوت شده بالاخر جنان تلفات مالی وجانی — متوجه انها گردید که از گرانی ان تا امروز قدر است کرده نمیتوانند والان نسبت با اقوام شمالی خوبتر منتظر امر حکومت وحاضر برای فداکاری میباشند هکذا عدهٔ از اشرار تگاب که به سخنان مردم فریب مغرضین از جادهٔ اطاعت حکومت مرکزی منحرف شده بودند واقوام هزاره که — اراده بغاوت را کرده بود وعدهٔ که با غلام نبی خان در مزار علم بغاوت برافراشتند و همچنین اقوام منگل واحمد زائی جنوبی وجمعی از طائفهٔ خوگیانی مشرقی کمبر علیه حکومت اسلامی شان شوریده — بودند چه تلفات وشکستهای فاحشی کشیده اند وپشیمانی های که نکشیده اند .

ما یقین داریم و داشتیم که زبونی و پشیمانی یکتوم مایهٔ عبرت برای دیگران است اما بالعکس می شنویم که در اثر تجمع و اتفاق و تحریک خائنانهٔ اجگرائیهای خارجیه تحت تبلیغات مضره و ـ سرکردهگی خائنانهٔ عبدالغنی خان غند مشر سابقه و عبداللطیف خان محمد زائی کندک مشر سابقه عدهٔ از اقوام اجگرائی قندهار از گذشتگان عبرت نگرفته بنای بغاوت و قیام بر علیه حکومت موجوده را نهاده اند .

قراریکه از منابع موثق کسب اطلاع نموده ایم وقتیکه این خبر بسمع همایونی رسیده ذات ـ همایونی از جهالت و نادانی این اشرار متاثر شده از کمال رحم و شفقتی که در بارهٔ رعایای خود دارند و محو و نابودی انها را موجب ذلت و تباهی مملکت اسلامی خود میدانند نخواستند علی الفور افراد شجاع عسکری و سائر اقوام دلیر سلیمانخیل و ترک وغیره را که برای اظهار فداکاری و عطای گوشمالی بمردم اجگرائی اجازهٔ حکومت اسلامی خود را منتظر و مخصوصا برای این سرکوبی اجگرائی های نادان عرائض و درخواست ها می نمایند بر انها سوق داده دمار از روزگار شان برارد ذات همایونی خواسته اند که بنصایح و دلجوئی انها را ازین اقدام فتنه انگیز شان باز دارند لهذا ـ حضور همایونی اعلانهائی را که متضمن بر نصیحت و دلجوئی اوشان و مخاطره هائیکه از استقامت درین عمل باوشان دراینده متوجه شدنی و در نتیجه خمیازه و خسارهٔ ان بعلت الفنائی عائد گشتنی و شائع و سبب ان بدشمنان دین و وطنها عائد است توسط طیاره فرستاده انها را از حد زیاده از وخامت این افعال سراپا وبال شان که موجب بربادی و تباهی و ضعف مسلمانان میشوند خبردار ساخته است تا اگر نصایح و اندرز پدرانهٔ همایونی را بگوش قبول نشنوند مجبورا بـه استعمال قوای تجربه انها را ازین عمل باز دارند .

قرار اطلاعیکه از ذرایع موثقه بما اعطا شده فعلا در قندهار یکقوهٔ کافی از عساکر شمالی موجود و قوای توپی قندهار هم باندازهٔ زیاده و اثبات وجود دارند ولی وزارت حربیه محض جهت تخویف و ترهیب نشان دادن برای جهال اجگرائی برعلاوهٔ مختصری که با صاحب منصبان مرکزی اعزام شده اند از غزنی و مقر و قلات نیز چند مفرزهٔ عسکری را با تجهیزات و تشکیلات تامهٔ انجا جانب قندهار حرکت داده اند و همدر اینموقع دیگر عرائض متوالی اقوام ترکواند و سلیمانخیل بغرض حصول اجازه برای سرکوبی اشرار مذکور نیز بحضور همایونی رسیده است ولی از انجا کـه حکومت مرکزی بربادی ملت خود را نمی خواهد اقوام مذکور را اجازه نداده منتظر هستند که قضیه بنصایح و دلجوئی حل شود والا بعد از چند روز بکمال شدت و بطش چنان یك عبرت شدید و گوشمالی سختی بانها میدهند تا باشد که دیگری باین طور یك حرکت اقدام نکند و نیز جناب حضرت صاحب ذاکر شریف که اکثر از اقوام اجگرائی عقیدتمند و مرید ایشان است از یکطرف در اصلاح انها کوشیده و ازطرف دیگر بیشتر ازین بشورش اقوام سلیمانخیل و ترك که غالب انها هم از اخلاصمندان و مرید های او شانند بجهت سرکوبی اشرار اجگرائی صرف مساعی دارند . علاوتا باحصهٔ توپچی قندهار احتیاطا جهت استقبال به تعرض و گوشمالی انها از قندهار اعزام و فعلا تا حدود تختهٔ پل ـ

مواصلت کرده منتظر امر مرکز اند .

حبیب الاسلام ازین حرکت نا عاقبت اندیشانهٔ اشرار اچکزائی ها کسب تاثر وحزن کرده از ققفا خدای تعالی نیاز میکند که اوشانرا بشاهراه هدایت وسعادت رهبری فرماید تا از وخامت اعمال خود که باعث زبونی این ملت اسلامی شان میشود اندیشه کرده به ققفا نحوای کلا ایهٔ کریمه واعتصموا بحبل الله تشبث به روه الوثقی اتفاق واتحاد داشته از تفرقه وبرادر کشی اجتناب نمایند تا خود هارا بدنام دنیا وباخود عقبا نسازند وبد ستخود تیشه بر ریشهٔ اسلام نزنند زیرا چنین نفاق وشقاق وخانه جنگی وبرادر کشی اسباب زبونی وتباهی مسلمانان وباعث خشنودی دشمنان عالم اسلام میشود .

(یک دعوت پر شکوه والی صاحب برای ذات شاهانه)

بشب چهار شنبه گذشته یک حفلهٔ بسیار عالی وترتیبات خیلی بزرگ پر شکوهی بتقریب سعید ان دعوت پر از مسرتی که حضرت عالی والی صاحب برای خادم دین رسول الله امیر حبیب اللهخان داده بود انعقاد یافته بود تمیم مامورین ملکی ونظامی واعزه ومعتبرین حکومت حبیبیه ورجال و منسوبین حکومت اعانیه وعلما وفضلا واعزه وتجار وعمائد شهری بکروز قبلیرین ذریعهٔ تکت های خبری مطبوع از ساعت ٦ شام امد امدشان اغاز وهر واحدی از انها بمقامات معینهٔ شان پس از پذیرائی وخوداعید لازمه باعزاز جلوس می نمودند ذات شاهانه ساعت ٧ رونق افزای محل والی صاحب گردیده مراسم پذیرائی شان طوریکه شاید وباید فقط در محل اجرا اورده شده منطقه های مربوطه جای والی صاحب بشرف قدوم شاهانه بانواع گلها ورياحين ولوائح وبیرقهای رنگین پیراسته وباقسام چراغهای برقی وخیمه وشامیانها ومفروشات وتزئینات عالی پیراسته شده بود و بحضور شاهانه مریضه اخلاص تریندهٔ شیرینی ازواف والقا صاحب عرض وجوابیهٔ خوبی مرحمت گردیده پس ازان ذات ملوکانه وعموم مدعوین بصرف شیرینی وچای وغیره وشنیدن سازهای بوتلمون ومصاحبه های خود فقط مضمون پرداخته در اطراف ساعت ١١ بصرف اطعمه ملذذه وماکولات ملوکانه و مشروبات خوشگوار وفواکه بسیاری پرداخته متعاقب یک اتش بازی مجلل خیلی عالی العالی در منصهٔ نمایش گذاشته شده پس ازان انواع ساعت تیری واقسام تفریح و نمایش مسخرهای سائین نشان داده شده در مسرت عموم افزود ودر اطراف ساعت یک شب این مجلس پر شکوه پس از تبادل عرایض والی صاحب وجوابیه های اعلیحضرت همایونی که مشتمل بر دوام مسرت مسلمانان و دعای اتحاد واتفاق سکهٔ اندانشان بود ختام یافت .

شرکت حبیبیه

چون کلیه سرمایهٔ شرکت امانیه ازبین الغا بوده جزوی ازدیگر مشترکین دران شامل بود از حضور شاهانه شرکت مزبور بنام شرکت حبیبیه نامزد وباداره عین المال شاهی مربوط گشت .

طغیان دریای سند

از کراچی اطلاع میدهند که در اواخر ماه ربیع الاول بواسطهٔ باران های شدید دریای سند (اتک) چنان طغیانی نموده است که چندین قریجات را باخود برده و در حدود سند مزید بر سه صد نفر از ذکور واناث و صد ها زیاده از مال مواشی را نیز این سیلاب مدهش باخود برده است طغیان تا مدتی دراز دوام داشته هیئت های امدادیه بکمال فعالیت در جمع آوری اعانه وفراهم آوری اسباب همدردی با این مصیبت زدگان ققوق مصروفند ·

خلاصهٔ بیعت نامهای خلوصیت نشان ملت افغانستان
بحضور اسلامیت ظهور خادم دین رسول الله امیر
حبیب الله خان

ناظرین میدانند که از ابتدای جلوس امیر صاحب الا الان بیعت نامهای بسیاری از اطراف واکناف افغانستان بحضور شان رسیده ومیرسد که تمام آن مشتمل بر احساسات صداقت و اظهارات اطاعت وعقیدت بذات اعلیحضرت بوده ازان خدمات وفعالیتی که اوشان در رفع بدعات وازاله خرافات ابراز نموده اند اظهار شکران وامتنان کنان عرائض تبریک ومسرت خود ها را در هریک از بیعت نامهای بالفاظ مختلفه ومضامین واحده به عرض میرسانند چون حبیب الاسلام دریکقدر مدت زیاد تا جائیکه توانسته عینا مضامین ومندرجات بیعت نامهارا می نگاشت علی الیقین شایقین از محتویات ومندرجات بیعت نامها بوره معلومات گرفته اند ازین بعد چنان بخاطر داریم که خلاص این بیعت نامهارا بطور اجمال تحریر واز تفصیلات آن مثل سابق ازین جهت که چندین جلد کتابهای بیعت تمام نقاط برا یما از دار التحریر شاهی موصول گردیده است فوق صرف نظر کرده تنها نظر باقتضای وقت ولطافت مضمون ودیگر ملاحظات بانتشار برخی ازانها عینا خواهیم پرداخت · درینصورت معلوم است که ما به انتشار جمیع بیعت نامه ها هم موفق میشویم واز دیگر نشریات لازمی خود هم بحتیبی مانیم واگر خواسته باشیم که عینا به نشر تمام بیعت نامها پردازیم معلوم است فقط نقل وانتشار همین بیعت نامها کم از کم برای پنجساله نشریات حبیب الاسلام کافی است ·

از میمنه عالیجاهان شیخ عبداله خان قاضی

و سلطانعلی مفتی محکمه شرعیه و محمد رحیم کدکتخدا محمد علی کدکتخدا و عبد الغفور کرنیل پیر محمد کرنیل قطب الدین کپتان باقی امضاء ومهر ٦٠ نفر اعزه واشراف دیگر ·

از سبزوار عالیجاهان عبد القدوس خان قاضی

شیر محمد مفتی حاجی غلام حیدر حاکم سید جلال الدین مامور مالیه وباقی امضاء ومهر ٢٠٠ نفر اعزه واشراف دیگر ·

از اناردره جناب فضل رسول حضرت صاحب دی ــ عبد الحبیب خان الا ــ عبد الودود خان سید بهاء الدین خان وباقی امضاء ومهر ٣١٥ نفر اعزه واشراف دیگر ·

از اوبه جناب قاضی ومفتی محکمه شرعیه و سید یوسف خواجه و ولی محمد خان و سید حکیم سید عبد الکریم وباقی امضاء ومهر ۳۱۸ نفر اعزه واشراف دیگر .

از شاه قلان دین محمد مفتی محکمهٔ شرعیه حاجی محمد ابراهیم حاکم ـ سید عثمان صاحب زاده ـ سید عبد الله ومحمد عثمان قاضی سابقه شلقة شاقلان ـ وباقی مهروامضاء ۱۰۵ نفر اعزه و اشراف دیگر .

از چقچران سید اکبر قاضی ـ دین محمد مفتی محکمه شرعیه ـ دوست محمد حاکم ـ صاحبداد وباقی مهر وامضاء ۸۵ نفر اعزه واشراف دیگر .

از کشك وگلران غلام یحیی تیموری حاکم کشك و محمقق یعقوب خان تولبغشر ومحمد اکبر تیموری وخلیفه غلام رسول وحاجی محمد اکبر تیموری وباقی امضاء ومهر ۸۵ نفر اعزه واشراف دیگر .

ازشهرلنو قرا رود اربابحسن قول ـ محمد صدیق ملا امام سوار بابمحمد عمر مسجد نگار ـ واربابعبدالباقی و باقی مهر وامضاء ٤٥ نفر از اعزه واشراف دیگر .

از کهسان شیرمحمد خان حاکم ـ وملا محمد سرکاتب ـ وحاجی سید احمد ـ ولعل محمد وکیل وجلال وکیل وعبد الرحیم خطیب و ملاعبد الاحد وباقی امضاء ومهر ٤٥ نفر ازاعزه واشراف دیگر .

از جوند عبد الصمد حاکم ـ ابوسعید قاضی محکمه جوند ـ ومحمد عمر سرکاتب سابقه جوند وعلی نظرخان وکیل ـ حاجی سید میرخان و محمد امان خان ودین محمد خان وحاجی سید میرهاشم . و باقی مهروامضاء ۳۲ نفر ازاعزه واشراف دیگر .

از غوریان عالیجاهان محمد شریف حاکم غوریان نصرالدین قاضی ـ خواجه محمد عظیم ـ خواجه محمد عظیم ـ عبد الرحیم مامورمالیه ـ ملا محمد افضل ـ خطیب ـ حاجی عبد الکریم وباقی مهر وامضاء ۳۷ نفر از اعزه واشراف دیگر .

از غور عالیجاهان حاجی محمود حاکم غور ـ احمد جی قاضی غور ـ محمد اکبر مفتی غور ـ محمد نبیز خطیب ـ عطاء الله ملا امام وباقی مهر وامضاء ۹۰ نفر ازاعزه واشراف دیگر .

از ساخر عطامحمد ـ عبد العزیز محمد حسن محمد علی اخند ملامحمد غلام صدیق ملا شمرالدین وباقی مهر وامضاء ۳۲ نفر از اعزه واشراف دیگر .

از برچمن عالیجاهان سید اکبر وکیل علاقه داری ـ سید نورمحمد ـ سید یحیی ـ سید عبد الرشید ـ محمد معصوم وباقی مهر وامضاء ۱۰۷ نفر اعزه واشراف دیگر .

از تولك وتکاب اشغان وفرسی عالیجاهان عبد الواحد قاضی محکمه ـ سید شمرالدین ـ ملا عطاء الله دولتمحمد وکیل وباقی مهر و امضاء ۸۹ نفر از اعزه و اشراف .

از اسفزار عالیجاهان عبد البصیر محمد افضل عبد القادر محمد امین وباقی مهر وامضاء ۳۹ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از پسابند غور سید اعظم سید اکبر عبد العزیز ملاغلام حیدر ملا امام ـ ملامحمود ـ ملا محمد وباقی مهر وامضاء ۹۵ نفر دیگر از اعزه واشراف .

ازقریهٔ شاه منصور وقریهٔ بسازار قندهار بامضاء عبد الحبیب خان نوشکی وداد محمد خان

اندری وعبد الحکیم خان هوتکی و ۴۴ نفر دیگر .

از قلاچه سید هاتالیین علیای ارغنداب بامضای سید محمد حسن خان وسید گل خان و سید غریب خان وسید تاج محمد خان ودیگر نفری از قریه ده باغ وشیخ محمدی وقلاچه کتانی بامضای پیرمحمد خان وکیل و نائب محمد اعظم خان وحاجی محمد حسن خان وحاجی الله نورخان و ۱۰۱ نفر دیگری .

از قریه قنات صحبت بامضای نظرمحمد خان وصاحب خان وعبد اللطخان ومیرجان و ۵۰ نفر دیگر .

از قریه لنگر حضرت باباولی صاحب بامضای پسر سید معزعلی شاه مرحوم وغلام محمد خان وعبد الرحیم خان وشیرمحمد خان ومحمد شاه خان و ۳۳ نفر دیگر .

از قریه جبعدار ارغنداب بامضای حاجی نیازمحمد خان وعبد محمد خان وخیرمحمد خان و — محمدعظیم خان وملاسرفراز اخند زاده و ۲۲ نفر دیگر .

از قریه خاشیک ارغنداب بمهر ونشان انگشت الله حاجی گل محمد خان وجان محمد خان وباز محمد خان وملا فتح محمد خان و ۲۲ نفر دیگر .

بیعت نامه از طرف طوطی خان پ کمشر ونیازمحمد خان پرکمشر وفاروق د لگیمشر و — گل اقا د لگیمشر وحبیب اللهخان وپیرمحمد خان .

از قریه تابه بین علیا ارغنداب بنشان انگشت فضل الدین خان ومحمد سلم خان وسعد الدین خان ومحمد نور خان و ۲۶ نفر دیگر .

از نفری متوطنین کابل باشنده محله جات قندهار بامضا ونشان انگشت حاجی ملاامیرشاه بلوکمشر سابقه وخیر محمد خان کاتب وعیسی خان ومیرعباس خان و ۱۷ نفر دیگر .

از عسکری کابلی باشنده قندهار بامضای قمرالدین خان کرنیل وخوشدل خان تولیمشر و دولت محمد خان کرنیل وعبد الرزاق خان پرکمشر وعبد الرسول خان تولیمشر وهشت نفر دیگر .

از قریه گندگان قوم فارسی زبان امضای حاجی خلیفه محمد حسین خان وسید میرمحمد شاه خان وملا محمد علیخان وکاکه محمد افضل خان و ۱۷ نفر دیگر .

از قریه سیزنی بنشان انگشت داد محمد خان بابری وخیرمحمد خان بابری و محمد افضل خان نورزائی ومحمد حلیم خان و ۲۱ نفر دیگر .

از قریه بلندی بامضای محمد موسی خان وکیل وولی محمد خان وغلام محی الدین خان و ۱۰ نفر دیگر .

از قریه پاشمول وکلاه وغیره بنشان انگشت نیازمحمد خان وعبد العلیخان وحبیب اللهخان وخیروخان ومحمد رحیم خان وداد محمد خان وعبد الرحمن خان ومحمد سرورخان وباقی از ریش سفیدان قریه مذکور ۲۲۰ نفر دیگر .

از مردم کاکری وبابری وباقی طوائف قریه پاشمول وغیره بامضای میرزامحمد ایوب خان کاکری و گلزارخان نورزائی ومحمد اخلاص خان الکوزائی ونورمحمد خان کاکری وعبد الوکیل خان کاکری وفتح خان نیازی وعبد الرحیم خان بلوچ و ۴۵۳ نفر دیگر .

از قریهٔ منارهٔ علیا ارغندا ب بمهر ونشان انگشت محمد نوابخان الکوزائی وحاجی رضاخان نورزائی وخدا داد خان نوفلزائی وحاجی شاه محمد خان وحاجی عطا محمد خان و٤٤ نفر دیگر ·

ازقریه ماشقعیامذا ونشان انگشت سید عظیم خان وغلام حیدرخان ومحمد کاظم خان وگل محمد خان وغلام محمد خان وعبد الرحمن خان و ٢٦ نفر دیگر ·

ازقریه پارداند بامضاء سید نجم الدین شاه خان وسید عبد اللطفان وسید شمر الدین خان و سید عبد الاحد خان وسید عبد الرحمن خان وسید داود خان و٣٨ نفر دیگر ·

از قریهٔ مزرعهٔ خیشکی ارغندا ب بامضاء ومهر ونشان انگشت نورمحمد خان و ولی محمد خان اخند زاده وغلام قادرخان و خان محمد خان ومحمد کریم خان وملا گل محمد خان و٦ انفر دیگر ·

از قریجات تسروعلیا وسفلی وچهار قلبه ارغندا ب بمهر ونشان انگشت سید عبد الباقی خان وعطامحمد خان وحاجی محمد دین خان ومحمد شاه خان وحاجی عبد الرحمن خان وعبد العزیزخان و غلام سرورخان ونورمحمد خان وملامحمد یوسف خان وحاجی محمد اسمعیل خان ثم سلیمانخیل و خدا ینظر خان الکوزائی و ١٠١ نفر دیگر ·

از قریه چهار دیوار بنشان انگشت سید احمد شاه خان علوی وسید اتامحمد خان و سید میر عبد العظیم خان ومیر اسمعیل خان و ١٠ نفر دیگر ·

ازقریهٔ مرغان ارغندا ب بنشان انگشت حاجی ولی محمد خان وملا خوجه محمد خان ومحمد کریم خان وعبد الغنی خان وادم خان قریهٔ مذکور و ٣٠ نفر دیگر ·

از قریهٔ بالاقریه بامضا ومهر یارمحمد خان وعبد اللطفان وملا محمد نورخان وغلام جانخان واختر محمد خان و ٧٢ نفر دیگر ·

ازقریه میان جوی مرغان ارغندا ب بنشان انگشت حاجی بلوخان وکیل ومحمد حسن خان وغلام رسول خان و١ نفر دیگر · ·

ازقریه چهاریا بامضای حاجی محمدا خان هوتکی وغلام دستگیرخان وخان محمد خان وکمال الدین خان وتاج محمد خان ونورمحمد خان وسلطانخان وشاه محمد خان وحاجی پیرمحمد خان و٦١ نفر دیگر ·

ازقریه حیبران ارغنداب به نشان انگشت عادل خان وکیل وعطامحمد خان وشیرمحمد خان و نیک محمد خان و٢٨ نفر دیگر ·

از اقوام سادات شیرکرزی قندهار بامضای فضل محمد بیز صاحب مجددی وفضل احمد صاحب مجددی — ومحمد اسحق صاحب مجددی وعبد الحمید صاحب مجددی وعبد الله صاحب مجددی — وفضل غفار صاحب مجددی وغلام جان صاحب مجددی وعزیزالله صاحب مجددی وعبد الحکیم صاحب مجددی و١٠ نفر دیگر ·

ازنفری عسکری ومامورین ملکی وسکنهٔ محال کدنی قلعهٔ جدید بامضای حاجی محمد یوسف خان کندکمشر وخداداد خان بلوکمشر ورستم خان بلوکمشر وملا نظام الدین خان قاضی وملا عبد الواحد خان مفتی و سید محمود خان محرر محکمه ومیرعبا خان محرر مامورت مالیه وضیاء الدین خان وکیل تقو نورزائی

و ٣٦ نفر دیگر از عسکری ومامورین وسکنه مذکور .

از علاقه تحتیل بحر ونشان انگشت ملا میر محمد اخند زاده وباز محمد خان ومیرزا شیر محمد خان وسید محمد خان ومحمد نادر خان واقا محمد خان وسید خان و ٧٠ نفر دیگر .

علم النفس حصه ٥ مابعد ازشماره (٢٣)

(از قلم فاضل محترم هاشم شایق مد ظله)

اتصاف باید کرد : مادامی که احتیاجات مارا بخدای مطلق اوخود تامین میکند . لکه های گناه را بعفو تدوسی اوخود می شوید .

کرامت عقل و وجود ازوست . همچنین حیات وسعادت جاوید نیز ازو نصیب خواهد شد . بس روح معذور به خدا در شبهای تاریک وگاهی در روزهای سیاه چرا ازدست هوسات ازدست موانع بحضور او مناجات کرده امید وارفلاح نشود چه اوسبحانه اضطرابات ومناجات روح را می بیند ومی شنود . اینست که عزیز داشته است اگر گاهی ذلیل دارد از مصلحت ونفع نامرئی است .

هنوز فراموشم نشده است باوجود اینکه طفل بودم . علاوه بر تلقینات محیط که راجع به اداب وائین تربیه ام بود خارخار خیلی شیرین ولطیفه مرا بدعا ومناجات وبقرائت کلام مقدس میکشید در اثنای جریان این واقعه روحانی در معنویت خود انشراحی حس میکردم . این انجذاب وجدانی وادار میکرد که درتوالی شب وروز دوام یابد . ساعتهای لذیذی درحیات اضافه نماید . با وجود اینکه معلوم نبود این کلمات چه معنی دارد درین راه که سوق میدهد . مگر این احتیاج طبیعی خواهی نخواهی بتلفظ این نظم احتکار وادار میکرد وبهمانطرف متمایل میداشت . لیکن بالاخره معلوم شد که این اشتغالات از میل دینی نشات کرده است .

دسته از افراد بشر که در فضای انتاب عالمتاب و نور ستارگان اسمانی نشسته عرض امید وبیم میکنند ویادر سایه درختان سالخورده ودرکنار نهر های خروشان یا چشمه های باصفا ایستاده اظهار خضوع وطلب نجات مینمایند همه از عواطف دینی میباشد . مگر بساطت دماغ ومحدودیت فکر ازدریافت علت وجود وغایه حیات بازداشته به لویت اصلی ومرجع روحانی خود پی نبرده بشکل خسروانی تاامروزه مانده اند .

وگرنه سرا هر مولود بر فطرت اسلامی زائیده میشود مگر پدران ومادران بعضی امریان شان باموسوی یا عیسوی ویا زردشتی میسازند) اشاره بهمین میل ذاتی دینی است چنانچه طفل هر مخلوق بدون تلقین وتعلیم دارای حیا وصدق میباشد علامت دین واخلاق است این حال تقریبا تادورهای اخیر صباوت دوام دارد . اگر بحال خود هم گذاشته شود تویت یافته میرود . بعدها محیط — تربیوی این میل را یا تقویت مینماید ویا عاطل میگذارد هرگاه عاطل نگذارد همراه ظهور میلهای — اجتماعی ووسعت ان در بالغان حسیات اخلاقی ودینی نیز قصبة ومتین میگردد . بالفرض کازحسیات دینی محروم باشد غیر طبیعی است . زمانهای اوج وترقی این میل مختلف است . میل دینی پسران را در سالهای ١٦—١٧ ودختران را دوسال قبلتر باعقل ومحاکمه ظهور وبروز کرده بعد ازان چیزی توقف نمود باز در ١٨—٢٠ بکمال میرسد بعنی مفهوم قواعد واد ب دین نفوذ ایشانرا بخود جلب

مینماید . انوقت رکن اساسی دین که توحید خالق یاداء اعمال وتصدیق راهنمایان باشد بوقوع می پیوندد . مثلا جستجوی علت وسبب هر حادثه وهر چیز فکر علت اولی تولید کرده نشان کنان بمبدء کل نزد یامیسازد . کذا هر قوت بیشتر از خود عاجز مانده فکر قوت ترقی کرده بقوی ترین قوتها که قوت واحد تعالی است میرساند . اینچنین هر فعل نتیجه است و هر نتیجه دارای غایه است کجا فائده وخیر ویا بضرر وشر مربوط وملاقه مند میدارد فائده وخیر ضرور شر حیات امروزه ما تند است بخیر و شر وضرر وفائده حیات ابنده . چه حیات امروزه اگرچه موقت است مگر زندگی تنها برای امروز نیست وگرنه عبث خواهد بود . پس حیات جاوید ی هست که این حیات نمونه ای بیشتر هم بوده . همین است معنی بعضی از تبلیغ را هنمایان دین که ایشان چنین گفته وچنین بوده اند .

برای ادراک وحدت صانع در اول وهله عقل وحس سلیم کافی است . چنانچه مال (ان فی خلق السموات والارض الخ) را فلا ماریون فلکی در کتاب خود که خدا در طبیعت نام دارد اقتباس کرده ومادرینجا جملات انرا نقل نمود میموضوع میل بدین انجام میدهیم :

(بلی در قبال منظره حیات در سطح زمین در افق طبیعت باشکوه وفروزان ودر مقابل حریر لمعان خورشید درکنار بحار متلاطم ومواج وچشمه های صاف درخشان ودر میان دوزنها (منظرها) ی دلربا ودلکش طبیعت در فصل بهار وبالاخره در ان شبهای سکوت فرح بخش در ان شبهای نادره وتماشای کواکب اسمانی است که خدا را جستجو نموده ایم . بلی وجود واجب الوجود است که همچون قوه باطنی تمام اشیاء در طبیعت مرئی میبا شد) جلد اول صفحه ۱۲ طبع تهران .

مد وجزر اسلام حصه (۸) بعد ازشماره ۲۹

شد مبدل ناگهان ان عیش باحزن وملال — اختر اسلامیان افتاد درچاه وبال

بر مسلمانان رسید ای دوستان عین الکمال — صرصر (چنگیزیان) ( ) برخاست بارنج ونکال

(نوبهار گلشن (عباسیان) برباد رفت — چشم عالم کم بیند آنچه (بربغداد) رفت)

گریمی اید کشد قصر (خلافت) سرنگون — رونق ازبغداد رفت (۱) واتش) شد خوار وزبون

چشم ما تنها نمی ریزد بیاد شاش خون — دجله (۲) هم یاد بغداد برابیض اید برون

دست بیداد (تتار) انقدر ویران نمود — طمطراقت انچه گویا نبود اندر وجود)

اندرامد سیل افت خانه ویران کرد ورفت — مجمع اسلام را اشفته سامان کرد و رفت

خانه شاه وگدا با خاک یکسان کرد ورفت — خاطر مجموع یاران را پریشان کرد ورفت

ادستبازیهای دوران عقد جمعیت گسیخت — برگستان بنو رنگین رشته صحبت گسیخت

گرچه میسوزد جگر جور کبر بغداد کرد — لیا نیرا قرناطه) (۳) زان هم سخت تر بیداد رفت

(قرطبه) (٤) ویران شد واشبیلیه) (٥) برباد رفت ـ تیمور زانجا نامراد (٦) وخسته وناشاد رفت
ادوریخ احبا سرازان سرزمین بیرون نشاند ـ کز برایشان بقدر یادوجب (٧) هم جا نماند)

---

(١) چنگیزیان مغول درسنه ٦١٤ هـ ١٢١٨ م با ٧ لک سوار وپیاده از تاتار برخاسته اولا سلطنت خوارزم را پامال ساخته وسلطان محمد خوارزم شاه را از بلاد رانداخته روبجانب خراسان نهاد پس از مقوطان نبیره اش هلاکو درسنه ٦٥٦ هـ تاریخ وایران را برباد کرده بسر بغداد رسید و مستعصم بالله را شهید کرد حکم قتل عام مسلمانان را داده ٨ لک نفوس مقتول نموده عمارات دولتی را آتش زده خانه‌ها را مسمار نموده کتابها را بدریا انداخت تا دو ماه آب دجله گاهی از خون بیگناهان چون بحر احمر سرخ گاهی از سواد مداد کتب چون بحر اسود سیاه بود ـ اکثری از اهل تاریخ بر آنند که امروز تاریخ انحطاط تنزل اسلام وپس از آن مسلمانان را هیچگاه آن عزت وجاه دست نداد.

(١) که آنرا مدینه اسلام ودار السلام نیز میباشد مردم دروجه تسمیه آن میگویند که نوشیروان عادل را درین مقام باغی بوده است که هر هفته درانجا نشسته بداد مظلومان می پرداخت ازین جهت بهمین داد شهرت یافت . ولی درین زمان همینکه نام بغداد بزبان میرسد سطوت وجلال خلافت بنی عباس تصویر منارهٔ برمخاطب را بهانظار تشکیل میدهد وهیچ بطرف روزگار نوشیروان خیال متوجه نمیشود . اول کسیکه درسنه ١٣٧ هـ بنیاد این شهر مشهور را نهاده ودار الخلافه خویش گردانید دائرهٔ واقع شده است ـ ایوان خلافت را مثل مرکز در وسط شهر بنا کرده بودند اگرچه درین زمان غیر از تجارت گاهی بیش نیست وشاید بمشکل چهل هزار خانه وار داشته باشد . مگر در عهد خلافت عباسی ثروت ومکنت این شهر بجائی رسیده بود که شصت هزار حمام وسی هزار مسجد وبقول گبن مورخ هشت هزار وششصد شفاخانه . بزرگ درخود میداشت وسکنهٔ آن از ده لک متجاوز بود . وسعت ومعموریت آن را ازین قیاس باید کرد که این شهر شانزده باب داشت وهر دروازه از یکدیگر بفاصله هشت میل دور تعمیر شده بود .

(٢) دجله ازکوهستان ارمینا برامده عراق عرب را سیراب میکند طولش ٣٠٠ فرسنگ است دجله را زند مرود واروند رود وارمارود نیز میگویند نینوا وسیوسه و طیفون وموصل ودیار بکر برکنار اواباد واز وسط بغداد میگذرد .

(٣) درملک اندلس که آنرا اهل فرنگ هسپانیه میگویند خاندان بنی امیه از سنه ٩٢ هـ ٧١١ ع تا سنه ٤٢١ هـ ١٠٢٨ م ودر غرناطه (گرناده) که شهر پست خود بود دراندلس تا سنه ٨٩٧ هـ ١٤٩٢ م سلطنت کرده اند درسنه ٨٩٦ هـ ١٤٩١ م فردی نیاند با شاه نصرانی غرناطه را محاصره نمود . ابو عبد الله زاغل اموی که دران اوقات بر سریر خلافت متمکن بود از میان غائب گردید نصارا بر غرناطه استیلا یافته صدای قتل عام در دادند وبقیه السیف را بجور وظلم نصارا ساختند (موریسکو) نام گذاشتند وانهائی راکه از قبول دین عیسوی ابا نمودند گردن زده زنان انها را تابه های آهنین وسنگهای بزرگ در آتش گرم کرده بر پشت گذاشتند اخرالامر شاه هسپانیه

بر این جفا وجور اکتفا نکرده ده لکنفوسرا که بظاهر از خوف شمشیر ملت عیسوي راقبول کرده بودند ودر باطن محبت اسلام میداشتند از خانمان اواره ساخته بطرف شمال افریقه جلا نمود ٠

(٤) قرطبه (کارد وا) نام شهریست در اندلس بر لب دریاي وادي الکبیر (کبوتول کبور) — اباد ان کتفصیلش همه ازسنگ است درعهد خلافت بني امیه یکهزار وششصد مسجد وششصد حمام وپنجاه دار الشفاء وهشتاد مدرسه میداشت ٠

(٥) اشبیلیه (سویل) اینهم دارالخلافهٔ بني امیه بود ازقرطبه بفاصله چارروزه راه — اباد است ٠

(٦) فلیپ ثالث شاه هسپانیه بعد از کشت وخون بسیار همه اهل اسلام را از اندلس بیرون کشید چنانچه دران سرزمین که تا ٨٠٠ سال اهل اسلام حکومت کرد میبودند الان از براي نام هم مسلمان یافته نمیشود ٠

(٧) حالا دولت هسپانیه قدغن کرده است که تاکسي تذکره نداشته باشد دران ملك قدم نگذارد واهل اسلام را از براي سیر و تفرج هم نمیگذارند ٠

(کابل — مطبعهٔ سرکاري)

صفحه (١) واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا نمره مسلسل (٣١)

(جریده • هفتگی حبیب الاسلام — سال اول — شماره ١ ٣)

حبیـــب الاســـــــلام

مدیر: برهان الدین کشککی •

اداره‌خانه — دمانغانان کابل — افغانستان

همه امور تحریریه وحسابیه بنام اداره فرستاده شود •

اداره درانتشار واصلاح مقالات وارده مختار است •

در هر هفته یکمرتبه یوم چارشنبه نشر میشود •

اوراقیکه درج نشود اعاده نمیشود •

شرح اشتراک

مقامات •	سالانه •	ششماهه •
شهر کابل •	٦ روپیه	٣ نیم روپیه
داخل افغانستان	٧ روپیه	٤ روپیه
ممالک خارجه	١٥ شلنگ	٨ شلنگ

(قیمت یک شماره (٦) پیســـه)

(درین اخبار از احکام دینی ومسائل اسلامی وهرگونه علوم وفنون واطلاعات سیاسی ومفاد دولتی ومنافع ملی بحث میشـــود)

(تاریخ قمری ٢٨ ربیع الثانی ١٣٤٨) ٤ شنبه (تاریخ شمسی ١٠ میزان ١٣٠٨ هجری)

(الصدق ینجی والکذب یهلک)

راستی ومد الستموجب رستگاری و بیباکی وخیانت سبب تباهی اســـت

با بدان بد باش ونیکان نکو — جای گل گل باش جای خار خار

هر حرکت ونهضت واجراآتی که مطابق بذوق وخواهشنظریه عمومی در تحت اوامر روحانی واداره شرع نبوی وتطبیق اوامر الهی روی کار اورده شود مسلم است که ادنی یک تشبث واشاره از توه به فعل میاید •

بالعکس هرحرکت ونهضت وپیشبرد مطالبیکه برخلاف ذوق ونظریه محیط ومطالبه عموم برضد مقررات دینی واحکام اسلامی ومغایر عرف وعادات ملی درمحل اجراء گذارده شود با اینکه باب ظلم واجحاف درجریان‌مسدود وشکنجه عذاب در پیشبرد ان استعمال نگردد وبرعلاوه ان — انواع تشویق وتحریص واقسام رشوه دهی وترغیب دران بکار برده شود وبه لطایف الحیل وترس وعدارا دلدهی ومواسا معامله شود جز ناکامی ومایوسی وفتور در اتحاد وصمیمیت جامعه نتیجه نمی بخشد •

دور ازافراق ومبالغه‌مظهر این دوامر مسلم فوق همانا سقوط حکومت امانی وکامیابی حکومت حبیبی است‌که‌ان با دارائی تجهیزات مکمله عسکری وقوای تجربه حکومتش ناکام ومایوس ویکسر رو بفرار نهاد • واین باد ستخالی وعده قلیلی کامیاب وامید وار وهمواره فاتح وفقه الله وصاحب — افتخار است زیرا حکومت سابق بایک مشت خائنین به کرسیل وارزوی جامعه حتی بضد مقررات دین پاک اسلام شامل‌مرحله اقدامات شده می خواست عرف وعادات جامعه اسلامی خود را بافعال وخصائل غیرمفید اروپائیان تبدیل داده شئونات ظاهری‌ونامد مغربیان‌را عوض‌مقدسات اسلامی در شرف‌احترام بیارد چون‌اجرا وپیشبرد این‌مقاصد مغایر توقع وتمایلات عمومی بــود انست که با همه تجملات وتشکیلات منتظم واسلحه فراوان وعساکر تعلیم یافته وطوبوطیاره درمقابل

عده‌ٔ قلیلی از همان جامعه تاب مقاومت نیاورده رو به زوال رفت .

وحکومت موجوده با عدم همه اسباب ونداشتن وسائل لازمه چون منظور اصلی اش تقویت دین وتماما حرکاتش مطابق ذوق وخواهش عمومی بود باعده‌ٔ قلیلی بحریف غالب امده رو به عظمت واجلال گذاشت .

معلوم است این قوه وروحیات بهراندازه‌ٔ که افزون شده وخالی از الایش واغراض شخصی باشد بهمان اندازه حائز اثرات فیمتدار گردیده موثر وسریع النتیجه واقع میشود .

زیرا پیشبرد مقاصد بر وفق میل ورضای جامعه گویا پیشبرد ~~مقاصد~~ مقاصد بر وفق میل ورضای جامعه گویا پیشبرد مقاصد وارزوی خود جامعه است البته حتما این صورت کامیابی بخود میگیرد چنانچه رجوع بتاریخ این قضیه را ثابت ومشهود میدارد که فتوحات وترقیات عالیه‌ٔ راکه مسلمانان وعالم اسلام ازعصر سعادت حصر خاتم الانبیاء(ص) تازمانیکه مسلمانان بمعنی حقیقی اسلامیت اشنا بود نائل شده انجا تلتفر وکمی وسائل حربی وعدم فراوانی پول همه درسایه‌ٔ اتحاد وصمیمیت رجال ان اعصار ومقاصد خالی از الایش دنیوی واغراض شخصی اوشان وفراهم اوری اسباب سعادت و— رضامندی جامعه‌ٔ اسلامی بوده است .

مبرهن است بهمان درجه که این قوه وروحیات با اغراض شخصی وخواهشات نفسانی والایش دنیوی امیزش یافته ومنظور هرکس بهتری شخص خود شد (ولو اینکه یک جامعه تباه شود) باشــد بهمان درجه این قوه وروحیات از ترتیب اثر معطل مانده در ادنی واندک کاری نمیتواند مقتدر شود و بمطلب برسد نظیر این حقیقت را صرف نظر ازاینکه حواله بتاریخ وحوادث گذشته از نتائج دست بشر کنیم دور نرفته معامله ومبارزه‌ٔ حکومت سابق را در مقابل عده‌ٔ از خدام دین شمالی ومشرقی یاداوری میکنیم . زیرا عدم کامیابی حکومت سابق ناشی از سؤ عقیده وخرابی شخص (شاه) وباز بواسطه اغراض نفع پرستی وخیانت کاری خائنین بوده است که اعمال واقوال وروحیات شان— امیخته بالایش واغراض ناپاک بوده است .

بلی بمفاد ایه‌ٔ کریمه‌ٔ (ان الله لایغیر (الایه) تازمانیکه روح اسلامیت وطرفداری ازدین ومذهب پاس ملوم ومراعات خاطر رعیت پابندی بعدالت ودیانت امحای ظلمه وسرقه — بسزا رسانیدن اهل فساد ومامورین خائن ~~افففف~~ انصاف پرستی وراستکاری حب وطن و قــوم اتفاق واتحاد که همه از اوامر پاک دین اسلام وخصائل ممتازه‌ٔ مسلمانان است درمیان — مامسلمانها وجود خارجی داشت ملل اسلامی سر تاج ملل دنیا وسیادت شان باقوام دنیـا ثابت بود ولی از وقتیکه مسلمانان با این صفات عالیه‌ٔ اسلامی وداع کرده خصائل رذیله را همچو عدم پابندی بدیانت خود خواهی وخود پسندی تعدی واجحاف نفاق وشقاق بی انصافی ودغــل کاری . خیانت ووطن فروشی بغض وحسد قومی کسب کرده واین بلاهای مبرم مثل صاعقه‌ٔ اسمانی دربین مسلمانان افتاد بناءً سعادت وسیادت عالم اسلام سرنگون شده رفته رفته باندازه‌ٔ که این اعمال قبیحه ازطرف مسلمانان کسب شدت نمود بهمان اندازه مسلمانان خوار وزبون —

گردیده مثلیکه امروز می بینیم دستخوش افراط وبازیچه هوا وهوس دشمنان اسلام شده اند ·
مقصد از تسطیر این جملات است که در هر وقت وزمان در هر قوم وطبقه در هر حکومت وسلطنت اشخاص صادق ومنافق امین وخائن خیرخواه وبد اندیش — وطن دوست ووطن فروش ظالم وعادل حتما موجود میباشد که از اشخاص صادق وامین خیرخواه و وطن دوست عادل همیشه جریان امور بر حسب دلخواه جامعه صورت گرفته اسباب رفاهیت وامنیت ملت ومملکت فراهم شده ترقی واقع میشود اما بالعکس اشخاص منافق وخائن وبد اندیش وطن فروش ظالم خود پرست وخود خواه مصدر کارهای میشوند که موجب دل ازاری وتنفر جامعه شده وبالنتیجه از شدت فشار وظلم اینها اساس قوی یا حکومت وسلطنت بر باد فنا وزوال میرود · زیرا تاریخ نشان میدهد که انقلابات تماما در اثر ظلم وفشار وپیشبرد مطالب نا مشروع صورت گرفته است · لهذا بقائدین و رجال بزرگ مملکت لازم وحتمی است که به تعقیب افکار اعلیحضرت امیر حبیب الله خان ملت دوست در اجراات امور مملکت وپیشبرد مطالب همیشه پاس خاطر رعیت وامنیت ورفاهیت و سر سبزی مملکت را منظور نظر داشته خدمات اشخاص صادق وفقط امین را تقدیر وتحسین کرده اشخاص منافق وخائن را اگر در رجال حکومت موجود باشد برای همیشه از کار بر طرف کرده علاوتا — چنان مجازات عبرت افزائی بانها بایستی داده شود تا بدیگران مایه عبرت شده احدی مرتکب خیانت ومنافقت نشود وبان ذواتیکه بصداقت وفعالیت نظریات حکومت ومقررات اسلامیت را بجا اورده در رفاه واسوده حالی ملت وامنیت وشادابی مملکت صرف مساعی مینمایند چنان مکافات و تحسین وافرینی داده شود تا برای دیگران مایه غبطه و رشک واقع شده راغب باعمال نیکو ورفتار خوب و کار روائی مرغوب شوند ·

چه در هر ملت وحکومتیکه خوب از بد تفریق وامین از خائن تفکیک گردیده اشخاص بد کردار بکیفر رفتار شان گرفتار وذوات نیکوکار از ثمره کردار خود متمتع ومفتخر شوند طبعا وحکما ان — مملکت مترقی وان ملت خوش بخت وان حکومت مستریح میباشد · والسلام علی من اتبع الهدی ·

تشریف اوری فاتحانه سردار صاحب اعلا
از سمت مشرقی بدار السلطنه کابل

پس ازینکه حضرت عالی سردار صاحب اعلی اقای حمید الله خان معین السلطنه مصدر فتوحات عالی وکار روائیهای مهمی در سمت مشرقی شده وعرتا سرانجارا درحلقه اطاعت حکومت حبیبی داخل فرموده رشته های ازهم گسیخته امنیت وانضباط ان سرزمین رامحکم ومضبوط فرمودند اینک حسب اراده سنیه شاهانه سالما وغانما بروز جمعه ۲۳ ربیع الثانی جهت اخذ بعضی هدایات لازمه از حضور شاهانه وارد مرکز گردیده امور اداری وحکومتی مشرقی رابدیگر صداقت کیشان حکومت حبیبیه مقیم انولا تارسیدن حاکم صاحب اعلی موکول فرموده اند نسبت باین ورود مسعود مظفرانه جناب معین السلطنه صاحب پس از تقدیم مبارکباد بود عاگوئیهای لازمه تبریکنامه پلیکه ازطرف اقای — شیر احمد خان ملک الشعرای سابق بوده وملفوف بحضور همایونی نیز قرائت شده وفوق العاده مظاهر

قبول شاهانه واقع گردیده است. بحضور شان تقدیم میکنیم :

تبریك فتح مشرقی بنام نامی سردار صاحب اعلی

الا اي اخ شاهنشاه والا … كند عمرت فزون ايزد تعالى
بفیروزی لوایت باد بالا … بود بختت چو گل خندان وشهلا
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت از درگاه مولا
همیشه در قدومت فتح مندی است … نصیبت نام نیکو و بلندی است
نعال طالعت را ارجمندی است … ترا از حق تعالی بهره مندی است
حمید اللهخان سردار اعلـــی … مبارك فتحت از درگاه مولا
بسوی مشرقی بردی چو رایت … خدایت داد فیروزی ونصرت
همه خلق امدت حاضر بخدمت … نشان دشمنان گم شد ز ملت
حمید اللهخان سردار اعلـــی … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
نه تنها مشرقی را فتح کردی … بهرمید ان کمرفتی یا فشردی
زهرگلشن گل مقصود بـــردی … بخاك تیره دشمن را سپردی
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
بجنگ اولین در باغ بالا … رسیدی همره این شاه یکجا
چنان مردانگی شد از تو پیدا … که گفتند افرین اعلی وادنی
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
بجنگ دومین در خیر خانه … کمر بستی بخدمت رستمانه
زهرجانب برسم شادیانه … بلندی یافت این ساز وترانه
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
خودت با همرهان خود دوصدتن … شکست انداختی در فوج دشمن
سلامی شد به پیشت بیست پلتن … شدندت افرین گو مرد تا زن
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
بکابل امدی مردانه چون شیر … سر دشمن شد اندر پای تو زیر
نمودی فتح کابل را بشمشیر … تو باشی زنده وسر سبز تا دیر
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
امان اللهخان در ارگ شاهی … زلم افتاد در چشمش سیاهی
بحال او چنان امد تباهی … نشد غیر ازگریزش چاره خواهی
حمید اللهخان سردار اعلا … مبارك فتحت ازدرگاه مولا
بگردن طوق ادبارش جو اویخت … بسوی قندهار از خدعه بگریخت

شراب عشرت او برزمین ریخت | طناب دولتش یکباره بگسیخت
حمید اللهخان سردار اعلا | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
نشد در قندهارش نیز طاقت | اروپا رفت با بسیار حسرت
چورخ گشتاند ازحکم شریعت | بدنیا گشت رسوا وفضیحت
حمید اللهخان سردار اعلا | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
هرات وقندهار امد بیك روز | بدست شهریار ازبخت فیروز
تورفتی گشتی انجا جلوه افروز | شدند ازتو رعایا فرحت اندوز
حمید اللهخان سردار اعلا | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
تگاب وبامیان وغور بندان | هزاره ورد ك وفرتین وبیدان
دوسه روزی اگر کردند طغیان | توکردی جمله را در زیر فرمان
حمید اللهخان سردار اعلا | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
خطرها درجنوبی بود بسیار | زنیغ ظالمین شاه وسردار
خدا اسان نمودان کار دشوار | کمگم گردید زانجا نام اشرار
حمید اللهخان سردار اعلا فقط | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
در اخر وقت افغانان تیزین | اگر کردند اسپ فتنه را زین
تویك حمله نمودی همچو شاهین | کشد ازخون انجا خاك رنگین
حمید اللهخان سردار اعلا | مبارك فتحت ازدرگاه مولا
الهی عمر این شه باد دایم | شود درعدل ودر انصاف قایم
چو در دین رسول الله است خادم | ز (شیر احمد) دعاگوی است لازم

حمید اللهخان سردار اعلا
مبارك فتحت ازدرگاه مولا —

تشریف اوری نائب سالار صاحب رئیس تنظیمیه
سمت جنوبـــی —

جناب شجاعت انتسابا اقای محمد صدیق خان نائب سالار رئیس صاحب تنظیمیه جنوبـــی فاتح گردیز بواسطهٔ علالتی کهبوجود شجاعت نمود شان لاحق بود ومعالجه ان درجنوبـــی حسب دلخواه ممکن نی بلمته سر بود حسب ارادهٔ سنیهٔ شهریاری بروز جمعه ۲۳ مع الخیر والعافیه وارد کابل گردیدند — بعوض اوشان اقای عبد الرشید خان غندمشر سواری فرقهٔ جنوبـــی که بزیردست نائب سالار صاحب مدت زیادی بوده با اهالی انجا بلدیت خوبی داشته وپس از انجام خدمات عسکرانهٔ خویش در بامیان منصب فرقه مشری را از حضور همایونی نائل شده اند از حضور پادشاهی مفتخر ومباهی شده اند که باتفاق نظریهٔ بسالتماب معظم اقای سید محمد خان یاور حضور ایفای خدمت نمایند ٠

حبیب الاسلام ازان خدمات جانبازانه وفداکاریهای فوق العادهٔ که اقای محمد صدیق خان

نائب سالار بر رافتح گردیز و تالیف قلوب واستمالت خاطر اقوام نجیده جنوبی ابراز نموده اند اظهار تشکر وقدردانی مزید نموده دست بدعاست که رب العزت مع الخیر والعافیت صبح صحت شانرا از مطلع سلامت وآفتاب تندرستی شانرا ازافق عافیت براورده دل دوستانرا شاد و انصارا مکررا بخدمات برجستهٔ ذات اعلیحضرت ورفاه ملت وبهبود مملکت موفق وبامراد گرداند .

پریشانی اتبـــاع نـــادری

از اطلاعات تازهٔ که موصول شده است در اثر فتوحات عالیشانی که برای افواج ظفر امواج حبیبی در مشرق واصل شده است یك پریشانی مزید وتزلزل شدیدی را در تجمع قوی واهتمامات نفاق افگنی (نادری) تولید کرده چندین اقوام که باد ل ناخواسته در پیشبرد مقاصد نا مرضیهٔ اویا او سری جنبانیده ند سر سرخود باوطان ومنازل شان وایس رفته ودیگر نفری هم چون بر ناکامی ونفاق افگنی وبرادرکشی او مطلع شده انهنیز یکی بعد ازدیگری قافله در صدد تفرق وتشتت و مراجعت بمنازل شان میباشند .

محمد هاشم خان (برادر محمد نادر خان) در اثر شکستی که از عسکر شیرپیکر حبیبیه در حدود هاشم خیل خگیانی یافته ومخفیانه گریخته بود بشب ۱۸ ربیع الثانی بسرحد پاراچنار هند خود را رسانیده و درانجا این امدن خودرا نیز بواسطهٔ همان شکست خود اظهار نموده گفته (اگرنمی گریختم ویا قصد الحاق خودم را درعلی خیل جاجی با دگر برادران خویش قدمی نمودم — حتما بدست افواج کابلی دستگیر وبانواع عقوبت سرد چار میشدم اینك پس از استراحت قلیلی — بطرف تیراه میروم) .

—

بلدیه تحویلی محصولات را یادد هانی میکند

ریاست بلدیهٔ کابل حسب جریانات ماضیه چون از سال ششماه منقضی شده اعلان نموده است که اهالی محصولات دکانی خود شانرا تحویل نمایند . در صورت تخلف از تعمیل این امر در — موعد مقرره ٔ ان کمیزانست البته علاوه بر تحصیل محصول — شخص مخالف مورد بازپرس هم — خواهد شد .

ارزانی گوشت

درین ماه از توجه ریاست بلدیه وذواتی که فقط ارامی ورفاه رعایای عاجز وناتوان را خواستارند نرخ گوشت ازلی افغانی را نیم چارم به سه پاو نی یك کابلی ترقی کرده است ونرخ ارد وروغن وبرنج و دیگر اشیای ضروریه ومایحتاج عمومی نیز نسبت بماضی قدری ارزان شده است .

(رئیس بلدیهٔ کابل ونائب الحکومهٔ قطغن وبدخشان)

نیك مردان همواره درپی سعادت اخروی که دران سیادت دنیوی نیز شامل است و — نامردان همیشه عقب جیفهٔ دنیائی که نه سیادت دنیارامیتواند تضمین نماید ونه از سعادت — اخرت نسیمی بوی میوزد درتك وپو یند .

مشاجره ومناقشهٔ این دو عمل شد هم وقتی ثمرهٔ کشمکش خویشرا نشان میدهند عیان دیده

میشود که ان اولی بمراتب رفیع نهائی نائل ود وی د رعمیق ترین گودال نیستی وبدنامی سرنگون . این است د رس عظ هیپاک اسلام وهمین است عدرسه مقدس اسلامیت .

خواجه تاج الدین خان که باهرد نیا نظر وپاکدل ود ائما بوظیفه خویش علاقه تامه داشته در اول جلوس اعلیحضرت نسبت بسوابق د رخشان وی موقع ریاست بلدیه کابل را اشغال نمودند در ایام ماموریت خود با بهترین اسلوبی ازقبیل توجه بنرخ ارزاق : گوشت روغن وارد برنج و غیره که د ران جلب رفاه وارامی ومسرت عموم سکنه واهالی کابل منظور حکومت بود اجرای وظیفه نمودند حسن خدمات معظم الیها چه بحضور اعلیحضرت وچه در اذهان اهالی موقعیت خوبی را احراز کرده لهذا درین هفته د رموقع که خود شان حالی هم نبودند فرمان ترفیع شان بنائب الحکومگی قطغن بخانه شان فرستاده شده وعنقریب انشاء الله بسوی ماموریت تازه خود اعزام خواهند شد .

عوض اوشان اقای عظیم الله خان که قبلا د رزمان حکومت گذشته سمت نائب الحکومگی قطغن را داشتند ولقد د رموقع انقلاب این هم بتدین واسلامیت خویش بر ضد انتریک های رجال مفسد قیام نموده پروپاگند های غلام نبی خان سفیر سابق مسکو وعبد العزیز خان نائب الحکومه سابق مزارشریف را جدا رد واز اساس حکومت حالیه کشالوده ان برویزهد وتقوا است اهالی را اگاهانیده — نخست از همه ولایات بیعت نامه های اوشان را بمرکز فرستادند . این هم خدمت قابل تقدیری است . بریاست بلدیه شرف افتخار حاصل کردند . چنانچه بروز شنبه ۲٤ ربیع الثانی یک مجلس خیلی عالی که مشتمل بر اعزه وعمائد وکلانتران شهر ومامورین معظم بود راجع به تودیع اقای — خواجه تاج الدین وتشکر از حسن خدمات واظهار تبریک ودعای موفقیت برای رئیس صاحب بلدیه حالیه د رکانی ولی تشکیل گردیده خطابه های عالی د رینجا رد وبدل واین حفله بهمان طوریکه به ایات بیناتقرانی اغاز شده بود باستماع چند ایه شریفه قرانی ختام یافت . رئیس صاحب بلدیه پس ازان رسما بکارهای مفوضه شان اغاز واقای نائب الحکومه صاحب قطغن به تهیه اسباب سفریه شان مشغول شدند (نقل ان فرمان عدالت توامان پادشاهی را کمزده مستقل بودن ریاست بلدیه را بملت ابلاغ میکند با تفصیلات مزیده این مجلس در اتیه پس ازوصول خواهیم نگاشت) امید واریم هر دو نفر رجال مهم که درین انقلاب ضد مفاسد سهم مهمی داشته هم چنان بماموریت های تازه خود و باین تکالیف مجدده رسمی شان نیز بذل جدیت نموده درین راه مشخصه خویش که د ران — سعادت د ارین ملحوظ است بیشتر از پیشتر جاده پیمای رفاه وارامی ملت وپیشبرد مقاصد حکومت و سعادت مملکت باشند .

همچنین مقرری های تازه دیگری نیز د رسمت مشرقی وغیره نقاط افغانستان واقع شده که تاحال ما اطلاع کافی ازان که استناد اخبار ما شده بتواند نداریم امید واریم که پس از اعطای اطلاعات کد ارالتحریر شاهی بما تلطیف فرماید ازین مقرریهای تازه نیز اطلاعات شیرینی را بـــه قارئین باتمکین خویش تقدیم نمائیم .

عرض تشکر · به قدردانان علام حبیب الاســـلام

از حسن توجه که جناب انظم نائب السلطنه صاحب و جناب محمد قاسم خان رئیس تنظیمیه مزارشریف و جناب نائب الحکومه قطغن و بدخشان راجع بتعمیم علم ودانش در — صفحات وطن و تعدیل افکار توده ملت عزیز بخاطر دارند · درهمین نزدیکی ها یك یك عده از اصحاب ذوق را برای اشتراك اخبار ما باداره معرفی کرده اند ومخصوصا جناب عبد الله خان نائب الحکومه صاحب قطغن توجه بیشتر هم نموده اند که پول اشتراك را نیز — توسط رسید خزانه باداره فرستاده اند ما ازین ذواتکه توجه کامله شان را در راه — تنویر افکار ملت وتوسعه محیط معرفت بذل میدارند اظهار تشکر وامتنان نموده وهمچنان از باقی ذوات نایب الحکومه ها وحکام واولیای امور سلطنت هم چشم داریم تا وقتاً فوقتاً — پول اشتراك یك یك عده از ارباب ذوق را برای اشتراك در اخبار ما توسط خزائن دولتی تحویه دیده فهرست اسامی شانرا با رسید های خزانه شان باداره فرستاده چند سطری از — اخبار مارا بذکر خیر خود شان وقف نمایند ·

اعزام حاکم صاحب اعلای سمت مشرقی بجلال اباد

جناب سرمنشی صاحب حضور اعلیحضرت خادم دین رسول الله که در ایام حکومت سراج الملة والدین مصدر خدمات شایانی شده بودند ودر دوره امانیه در ضمن دیگر حقوق تلفی و از افزاز پسندی های حکومت امانی جناب ممدوح نیز از کار برطرف ومشغول امور شخصی خود — بودند واز ابتدای تشکیل حکومت اسلامیه حبیبیه حضرت معظم له متصدی چنان امور بزرگ وکار روائیهای عالیشانی شده اند که حاجت بتذکار نداشته برهمگان ظاهر وهویدا است که علاوه بر ایفای خدمات محمه تنبیه شان بحضور ذات شاهانه خدمات درستی را درهنگام ریاست تنظیمیه شان در لوگر وایفای دیگر اجراات متینی را در امور جنوبی فرموده اند — اینك در اثر خادم نوازی وتقدیر از خدمات اخلاص کیشان همایونی جناب محمد یوسف خان سرمنشی برادر محترم حضرت مرحوم مغفور محمد حسین خان مستوفی الممالك حکومت سراجیه) بحکومت اعلی سمت مشرقی از حضور مبارك پادشاهی مفتخر ومباهی شده عجالتا بروز دوشنبه ۲٦ بسواری موتر عزیمت فرمای محل ماموریت شان گردیدند ·

حبیب الاسلام: ازین حسن نظر وانتخاب پادشاهی وتقرر جناب محمد یوسف خان سرمنشی بحکومت اعلای سمت مشرقی درین موقعیکه مصید قلوب اهالی بحکومت حبیبی از حد زیاد بکار است ومی بایست که مامورین دانشور در تسلیت خاطر وازاله خوف وخشیت افراد نادان این سامان فوق العاده اظهار جدیت وفعالیت کنند اظهار مزید تشکر وامتنان خود را نموده طوریکه بحاکم صاحب اعلی عرض تبریك میکنیم افزون تر ازان سکنه مشرقی را بداشتن [illegible] همچه یك حکمران صداقت کیش عالی شان مبارکباد گفته به دعای حسن موفقیت وکامیابی حاکم صاحب کلان خود را خاتمه میدهیم ·

(طغیان یکحصه از اکراد ترکیه)

از بیروت اطلاع میدهند که عده از کرد های کوهستانی بدولت ترکیه طغیان کرده اند کرد های مذکور در اول وهله دو دسته بوده اند واخیرا متفق اعتصابگران حمله برده ودولت ترکیه قوای کاملی برای سرکوبی انها اعزام داشته در قریه کلیسا ارض روم با انها — مصادف شده ولی شکست خورده اند. ویکی دو نقطه مهم را متصرف شده اند.

ترکیه ویونـــان

در محاربات چند سال قبل جنگ یونان وترکیه باین شکل خاتمه یافته بود. که یونانیها چند ملیون پوند بدولت ترکیه غرامت جنگ بدهد ولی اخیرا یونانیها از ادای وجه مزبور خودداری کرده اند دولت ترکیه بتمام مملکت خود امر کرده است که املاک علاقه یونانیها را در انجاها ضبط کرده و بخزینه دولت ترکیه بابت غرامت جنگ را تسلیم نمایند. (رهبر اسلام).

خلاصه بیعت نامهای اخلاص ختامه ملت افغانستان بحضور
(عدالت ظهور خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان سلطان)

از مزارشریف عالیجاهان میر نظام الدین خان مفتی محکمه — خواجه عزیزاحمد خان وکیل حکومت خواجه عبد الرسول خان وکیل ماموریت مالیه — محمد اسمعیل سارباقی — غلام نبی خان کاتب گمرک — ملا قربان خان تجار وباقی ۲۳۰۰ نفر دیگر از اعزه واشراف.

از چهار سوق چار اسیاب عالیجاهان عظیم الدین خان — تراب الدین خان — محمد رحیم خان محمد اعظم خان — شیر علم خان — عصمت الله خان وباقی ۸۳ نفر ازاعزه واشراف دیگر.

ازسر اسیاب د ه افغانان عالیجاهان ملا عزیزاحمد خان — ملا سید محمد خان امام مسجد — ملا صالح محمد خان — تاج محمد خان — میرزامحمد سرورخان — ملاعبد الغیاث خان حکیم — محمد اسحق خان وباقی ۱٤۸ نفر از اعزه واشراف.

از اهالی لهوگرد. عالیجاهان محمد شریفخان مفتی — ملا خدای نظرخان — جانشاه خان — ملاعبد الوهاب خان ومحمد اعظمخان ملاعبد الرحیم خان — سعد الدینخان — محمد میرخان — عبد الغفورخان — محمد نعیم خان وملاعبد الواحد خان — علی خان — شاه نور خان — شهنواز خان — تقی محمد خان — ومحمد اعظمخان — ولی محمد خان — حبیب الله خان — وباقی مهر وامضای ۵۵ نفر دیگر از اعزه واشراف ومشایخ وعلما واعیان در ٤ قطعه.

ازاهالی میدان: عالیجاهان صوفی محمدعزیزخان و حاجی صاحبخان — وشاد ولیخان و پاینده محمد خان ومحمد حسن خان وکمد لخان — عبد الغنی خان — عبد الله ورخان — محمد ایازخان حاجی محبوب خان — ملاحضرتشاه خان وباقی مهر ونشان وشصت ۲٦۳ نفر دیگراز اعیان واشراف در ۳ قطعه.

از قریه سلطان صاحب متعلق غزنی: عالیجاهان ملامحمد امین خان وکیل وملک حبیب الله خان — از مهر وامضای ۳۰۱ نفر دیگر از اعزه واشراف.

از دره علی شنگ لغمان : عالیجاهان مولوی سید عالم خان ومحمد رحیم خان وجانان خان وخلیل الرحمن خان وباقی مهر وامضای ۱۰۲ نفر دیگر ازاعزه واعیان .

از ناله وبرنك قطغن ۸ رمضان : عالیجاهان ملا خوش محمد خان ملا امام – غلام رسول خان وکیل – ملا خوشوقت خان – ملا غلام حیدر خان – غلام محمد خان وکیل – محمد رحیم خان سید محمد خان – محمد بیگ خان – فضل احمد خان – ملا سید محمد خان – لعل محمد خان فرید ار– عبد اللعخان وباقی مهر وامضا واسامی ٦٤¾ نفر دیگر از اعزه واشراف در ۲ قطعه .

از غوری وبغلان : عالیجاهان عزیز احمد خان – علی محمد خان – وکیل و محمد کریم خان و قفقد محمد گل خان – جل نیاز خان وگل محمد خان وگل احمد خان وباقی مهر ونشان شصت ۱ ۱۸ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از خرم وساریاغ : عالیجاهان میرزا محمد امین خان ومیرزا حمید اللهخا . میرزا محمد یوسف خان محمد حسین بای – محمد موسی خان وباقی مهر ونشان شصت ٤١٨ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از خوست : عالیجاهان سید احمد خان – سید اسحق خان ومیر سید بهاءالدین خان – حسین علیخان ومیرزا محمد حسن خان – میرعبد اللهخان ومحمد قاسم – ملا سید محمد – ملا محمد نبی وباقی مهر وامضا ونشان شصت ٤٥ نفر دیگر از اعزه واشراف .

ازتکاب : عالیجاهان سید بهاءالدین خان – میرمحمد یعقوب وعبد الرحمن – دولت محمد ورجبعلی – حسینعلی وباقی مهر وامضای ۷۵ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از کلفگان قطغن : عالیجاهان سید ولی د املا – امان اللهد املا – محمد ابراهیم د املا – خان محمد د املا – ملا محمد حسن ومولوی عبد المؤمن و باقی مهر وامضای ۷۳٦ نفر دیگر ازاعزه و اشراف .

از جال واشکش : عالیجاهان ملاعبد الرحمن خان – وعبد القادر و عبد الاحد قلیخان و ملاعبد الخالق وغلام حیدر خان وکیل وملا نیک محمد وباقی مهرو امضای ۱۰۳ نفر دیگر ازاشراف واعیان .

ازچاه اب : عالیجاهان اسقال حفیظ الله وسید علی گل و محمد شریف وغلام نقشبند و سید صادق وبرهان الدین وعبد الجلیل وبادشاه میر ومحمد یونس وباقی مهر وامضای ۸۰ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از غوری : عالیجاهان ملاعلی محمد خان قاضی سابقه ود املا حسین محمد خان – د املاد وست محمد خان ومحمد کریم خان وکیل افغانی – محمد امین خان وکیل ومولوی عطاءالله وباقی مهر وامضای ۳۵ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از ینگی قلعه قطغن : عالیجاهان سید نظام الدین وملا حفیظ الله – ملاجل د اشود املا علمد اد فیروز وباقی مهر وامضای ٤۷ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از بغلان : عالیجاهان محمد دین وملا محمد صابر وعبد الغفار بای ومحمد هاشم بای — حاجی اللغوری بای وبازمحمد بای — لشکرخان بای وملک بای وبرکت الله والله نور و محمد نور و — عزیز احمد وخدا اینور وباقی مهر وامضای ٦٢٠ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از قندز : عزیزخان منگباشی سابقه — محمد کریم وکیل الفغانیه — عبد الرحمن عمرخیل و حاجی امام نظر وباقی مهر ونشان شصت ١٢٧ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از رستاق : عالیجاهان شاه معصوم مودودی ودا ملا غلام شاموود املا عابد خواجه ومفتی شمس الدین ومحمد رسول کوتوال وباقی امضا ومهر ٣٠٠ نفر دیگر از علما ومشایخ وعلمای ملکی ونظامی وغیره اعیان واشراف .

از زرمت : عالیجاهان سید حضرتشاه — عبد الکریم خان — محمد افضل خان — صالح محمد خان — جمعه گل — ملا عبد المجید خان مدرسه نزانی — ملا حسام الدین خان ملا عبید امین خان ملا عبد الوهاب خان ملا قد میراحمد خان — ملک جبار خان — وملا غلام محمد خان وملا عبد الکریم خان ملا محمد صدیق اخند زاده — ملا عبد القیوم — ملا امین اللهخان وعبد القدیر خان وسید حضرت شاه خان ملا محمد حسین وعبد القیوم وباقی مهر وامضای ٤٢٨ نفر دیگر از اعزه واشراف ٤ قطعه .

از شیخ اباد وردک : عالیجاهان ملا احمد جانخان مدرس خلیلی — ملا گل رحیم خان — ملا عبد الحکم خان مدرس — محمد کبیرخان — گلبدین خان — میرحسن خان — عبد القیوم خان — الله داد وملک شیر علیخان — صوفی پیرمحمد — ملک نور وباقی مهر وامضای ١٥٣ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از مرکز قطغن وبدخشان : عالیجاهان عظیم اللهخان نائب الحکومه وسید محمد خان مستوفی غلام رسول خان منشی دربار — امیرمحمد خان مدیر وارداتـ امیرمحمد خان مدیر گمرک — وعبد الرحیم خان وکیل غند مشر — عبد الغفار خان قوماندان کوتوالی — ملا عبد الرزاق وباقی مهر وامضای ٢٠٥ نفر ازمامورین ملکی ونظامی .

از اندراب : عالیجاهان امیرمحمد خان — سید شاه خان وعنایت الله — شمس الدین — علی احمد وسید حبیب — ارباب امیرمحمد — محمد امین — محمد اکبر — ملا محمد تقی — عبد الله — محمد مومن — مزار وکیل وباقی مهر وامضای ١٢٧ نفر دیگر از اعزه واشراف ٢ قطعه .

از هزاره توزی اندراب : عالیجاهان ملا محمد افضل وبای مراد بای — عزیزخان — عبد القادر و صوفی بایمنظر وباقی مهر وامضای ١٨ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از خنجان : عالیجاهان برهان الدینخان ملا امام و ملا خداداد وست — ملا غلام محی الدین خان وملا نصیر الدینخان — ملا عبد الواحد خان وملا نیاز بخش خان وباقی مهر وامضای ١٨ نفر دیگر از اشراف

از دوشی : عالیجاهان میرزا سراج الدینخان ومیرزا بازمحمد خان ملا صالح محمد خان و حبیب اللهخان وباقی مهر وامضا ٢٨ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از کیلگی : عالیجاهان غلام محمد خان اخندزاده وملا محمدعلیخان ملا امام محمد گلاب خان وکیل سابقه وملا عمرگل خان ملاامام ومحمد عمرخان وباقی مهر وامضای ۱۸ نفر دیگر ازاعزه .

ازغوری . ملا غلام محی الدینخان ومحمد اکرم خان — محمد فیروز خان وفقیرمحمد خان — صالح محمد خان —وباقی مهر وامضای ۸ نفر دیگر ازاعزه واشراف .

از برکه وتبنز : عالیجاهان ملا عزیزمحمد خان وصالح محمد خان محمد یار بای ومحمد ولی ملا سید علی و ملا سید محمد .

از میدان . عالیجاهان خواجه محمد خان —عبد اللهخان — ملک —ملاعبدالله — ملا نقل حمد خان —ملا عبد الله خان — بهرام خان — وعبد اللهخان — سیدعلم خان — محمد حسین خان — وباقی مهر وامضای ۲۸ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از خوات واموخاکورد ک : عالیجاهان احمد شاهخان وحبیب اللهخان وجلندرخان — و غلام علی خان وملا عبد اللهخان و محمد صدیق خان وغریب شاهخان وعبد الوهاب خان — عبد القدوس خان وعبد الظاهر خان وباقی مهر وامضای ۸۰ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از لغمان : تقلقیقا عالیجاهان غلام جانخان وکیل وحاجی اتاجان وکیل — محمد امین خان وکیل وملا شجاع خان وجلاد خان — تاج محمد خان — شاه اسلام خان — حسام الدینخان — محی الدین خان رضاخان شاه اسلام خان — حسام الدین خان — محی الدین رضاخان وباقی مهر و امضای ٦٤٧ نفر دیگر از اعزه واشراف واعیان .

از قرغه ئی وزیلانی : عالیجاهان ملاعبد اللهخان — وملاقربان — احمد خان وملاانعام الدین خان — وملا عبد اللطیف خان وملا اقاگل خان وملا سید کریم خان وملا غلام رسول خان امیرخان — عبد المجید خان — عبد الغیاث خان وکند ل خان — نورالدینخان وعبد المجید خان وصاحبدین خان وباقی مهر وامضای ۱۸۰ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از کوه صافی : عالیجاهان حاجی عبد الخالق خان ومحمد یعقوب خان وپادشاه گل خان و محمد اکرم خان وعبد الغفارخان وعبد الرحمن خان — محمد حسین خان وعبد القدوس خان وباقی مهر وامضای ۳٦ نفر دیگر از اعزه واشراف .

ازغزنی : عالیجاهان عزیزاللهخان امام مسجد گذر — ملافیض محمد امام مسجد وملامحمد وصی خطیب وسراج الدین خان وخواجه احمد شاهخان وملا یارگل خان وباقی مهر وامضای ۱۰۲ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از بد خشان . ملامحمد عثمان خان — مدیرحاجی ملا عبد الحکیم خان — ادینه محمد خان — و ملاعبد الجبار خان خطیب — عید ی محمد خان قاری وباقی مهر وامضای ۳٦ نفر دیگر از علما ومشایخ و اعزه و اشراف .

ازدره شیزه وباقی قریجات اندری : عالیجاهان مومین خان وحبیب اللهخان ومحمد —ان خان و میر عزیزاللهخان وامیرمحمد خان ساکن دره وباقی مهر وامضای ۲۵۰ نفر دیگر .

از سوزائی زرمت : عالیجاهان ملاعبد اللهخان ومیرگل محمد خان وملاعبد العلیم خان ـ وخان محمد خان وملاحید رخان ودرمحمد خان وباقی محر وامضاي ۱۱ نفر دیگر ازاعزهواشراف .

از دیمیرداد ورد ک : عالیجاهان خدا ینظرخان ومحمد حسن خان وخدا رحم خان ـ جلال الدین خان ـ وطره بازخان ومحمد علم خان وباقی محر وامضاي ۱۳ نفر دیگر از اعزه و اشراف .

از خان اباد وقندز وباقی مضافات قطغن : عالیجاهان ملاعبد اللهخان وملامحمد ولی خان وتیمورشاهخان ومیرزامحمد خان واکبرشاه خان وباقی محر وامضاي ۸۰۰ نفر دیگر از اعزه واشراف فقط ٤ قطعه .

از علاقه انجمن . عالیجاهان محمد اکرم خان علاقه دار وامیرمحمد خان غلام حید رخان ـ غلام شاه خان ـ مروت شاهخان وباقی محر وامضاي ۳۵ نفر دیگر .

از علاقه راغ : عالیجاهان صدرالدینخان ـ لعل محمد خان ـ علاقه ار ـ د املاشاه خان ـ ملا سید برهان الدینخان ـ ملامحمد اکرم خان ملا میرعلم خان حسین علی خان وباقی محر وامضاي ۸۳ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از علاقه کشم : عالیجاهان ملامحمد یونس خان مدرس وملاعبد الولی خان مولوی نجم الدین خان وملامحمد حسین خان ـ سید امام الدین خان خطیب ـ نظام الدینخان وباقی محر وامضاي ۲۵۰ نفر دیگر از اعزه واشراف وسادات وعلما .

از جرم خاش : عالیجاهان سید حسین خان ماموربالیه وکیل حکومت جرم وملاغلام محی الدین خان قاضی ثانی ومحمد عزیز مفتی ـ محمد قاسم خان مدرس ـ عبد الرسول خان وکیل ـ غلام محمد معصوم مجددي و باقی محر وامضاي ۲۷ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از علاقه خواجه غار قطغن : عالیجاهان سلطان ایشان خان ود ه ملا قمرالدین خان وکمال خان وغلام جانخان وباقی محر وامضاي ۱۳۸ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از علاقه فرخار تالقان : عالیجاهان د املا سلیم خواجه ملاحکیم خان وملاکریم خان ملا گدای محمد خان ملا محمد ولی خان ومحمد ایوب خان وباقی محر وامضاي ۳۹۷ نفر دیگر ازعلما سادات واعزه واشراف .

از علاقه شهر بزرگ : عالیجاهان غلام محی الدینخان علاقه دار ومیرهاشم خان ـ صاحبنظر خان وغلام محمد خان وقرجه بایخان ـ ملا خدای برد یخان وملا عبد الحکیم خان ـ محمد قد رضا خان ولد سعد اللهخان وباقی محر و امضاي ۷۱۲ نفر دیگر از اعزه واشراف .

از دره عربان ورد ک : عالیجاهان شامراد خان کپتان وملاعبد العزیزخان واللهنظر خان و صاحبداد خان ومحمد علم خان ومیرمحمد خان وباقی محروامضاي ۹۷ نفر دیگرازاعزهواشراف .

از شغنان : عالیجاهان میر حبیب اللهخان علاقه دار وغلام شاهخان د لگی مشر ـ شکرالله

لقمانخان وابراهیم‌خان —مراد محمدخان وباقی‌محر وامضای ٥٨ نفر دیگر ازاعزه واشراف.

ازمحمد افغلوگر: عالیجاهان ملاعبدالرحیم‌خان —عبدالغفارخان—اخترمحمدخان—عبدالغفورخان—ویسر محمدخان—گل‌محمدخان —عزیزخان—خیرمحمدخان—محمدعلم‌خان— لیغ‌محمدخان—غلام جانخان—گل‌دین‌خان—خانگل‌خان‌وباقی امضا ومحر ٤١٨ نفر دیگر از اعزه واشراف —در دو قطعه.

از گذرگذری کابل تاریخ ٥ شعبان‌لله: عالیجاه لیغ‌محمدخان—میرزامحمد هاشم‌خان—جان محمدخان—خیرمحمد —محمد سرورخان—محمد یوسف‌خان—وباقی محر وامضای ٥٠ نفر دیگر از اعزه ولله واشراف دیگر.

از گذر پایان چوک‌کابل وچنده سردارخان: خان‌وشیربچه ها: عالیجاهان‌محمد ایوبخان کلانتر—ملا غلام محمدخان‌امام مسجد—غلام‌محی الدین‌خان—علی احمدخان—حاجی‌محمد افضل خان‌تجار و باقی‌محر ونشان‌شصت ١٨ نفر دیگر از اعزه واشراف.

ازگذرعلی رضاخان. عالیجاهان‌ولی محمدخان—محمدیوسف‌خان—نظام‌الدین‌خان—محمد انور خان—میرمحمدحسن‌خان—احمد شاه‌خان—محمد انورخان —وباقی محر وامضای ٥٣ نفر دیگر از اعزه واشراف.

از خواجه رواش: عالیجاهان‌ملک‌محمد محسن‌خان —محمدشریف‌خان—پاینده‌محمدخان—نظام‌الدین‌خان—محمدعثمان‌خان—داود شاه‌خان—وباقی محر وامضای ٣٢ نفر دیگر ازاعزه واشراف.

ازتالوبرتک. عالیجاهان‌محمدرحیم‌خان— سید محمدخان— نیازمحمدخان—فضل‌احمدخان—ملا سید الله برخان—لعل‌محمدخان‌ترجمان—عبداللطیف‌خان‌وباقی امضا ومحر ٧٣ نفر دیگر ازاعزه واشراف.

ازکلالی قطغن. عالیجاهان خورده تلخان—مرزا ملک‌باشی اقامیرخان— قائب‌دادخان—علی‌رضاخان وباقی محروامضای ٨٣ نفر دیگر ازاعزه واشراف.

ازچکلک. فرمان‌بیگ—عالیجاهان‌محمد قاسم‌خان—تولیمشر سابقه—محمدیوسف‌خان و محمد امین‌خان—شیر علم‌خان—سید غریب‌خان—محمدعلم‌خان‌وباقی‌محر ونشان شصت١٨نفر دیگر از اعزه واشراف.

ازحصه٢ چهاردهی. عالیجاهان‌میرمحمد کاظم‌خان—محمدخان‌کندکمشر—میرزامحمدخان—فقیرملک‌خان—نظام‌الدین‌خان—عبدالغفورخان‌وباقی محروامضای ٤٨نفر دیگر ازاعزه واشراف.

از زرمت سمت جنوبی. عالیجاهان‌سید حضرتشاه‌خان —عبدالکریم‌خان—محمد افضل‌خان—صالح محمدخان—جمعه‌گل‌خان—داد محمدخان—باقی امضا ومحر ٢٢ نفر دیگر از اعزه واشراف.

از ارغنده وپغمان‌ومتعلقات ان. عالیجاهان‌شاه محمدخان—پاینده‌خان—عبدالمحمدخان—عبدالرحمن‌خان—عبدالمجیدخان—عبدالکریم‌خان وباقی محر وامضای ٤٠٥ نفر دیگر ازاعزه واشراف.

از چهارده هی کابل ۰ عالیجاهان میر احمد شاه خان ـ میر صابر شاه خان ـ میرزا محمد نصر خان ـ میرزا محمد حسن خان ـ سید نبی خان ـ حاجی میر سراج الدین خان وباقی مهر وامضای ۷۱۹ نفر دیگر از اعزه واشراف ۰

از حاجی بیک کوهدامن ۰ عالیجاهان طاوس خان وامام الدین خان وگل محمد خان وباقی ـ اعزه واشراف ۰

مد وجزر اسلام حصهٔ (۹) مابعد از شمارهٔ ۳۰ ۰

(مصر) اگر از رونق افتاده است (ایران) نیز هم — (هند) گر سرمست غفلت شد (خراسان نیز هم)
(پارس) گر پابست اغلال است (توران) نیز هم — گر برون شد (اندلس) از دست (یونان (۱)) نیز هم
(ایدریک) ان ملک (تونس (۲)) اوج ان (رومیلیا) (۳) — گر (فرانسه) غصب کرد ان این دگر (بلغاریا)
خیز تا برگرد (افریقه) (۴) برائیم اشکبار — گاه بر (تکرور) (۵) وبر (دقور (۶)) گه گریم زار
گاه بنشینیم از خیال شهر (زهرا) (۷) سوگوار — گاه بیاد غرب (۸) می باشیم هردم بی قرار
ـ یاد کردن دوستان را از مروه دور نیست — پیش ما نیان عهد دوستی دشوار نیست ـ
ان قدر رانیم یکدم تا وطن شد ناپدید — هرچه بود از زاد راه باما بپایان در رسید
رفته رفته کار ما اخر برسوائی کشید — در غریبی جان ما از بحر خود الفت خرید
ـ باد صحرائی وزید وبخت ما را خوار کرد — ناگهان سیلی در امد رخت ما را اب برد ـ
در (عرب) جرأت نماند ودر (عجم) — در (بخارا) شوکت و در (بلخ) هم صولت نماند
در (خراسان) قوهٔ ودر (قرطبه) — ثروه اندر (مصر) ودر (هند وستان) دولت نماند
ـ رفته رفته ثروهٔ اقبال ما گردید — تا هجوم اورد سختی عیش ما گردید تلخ ـ
نسل گرباتی است لیکن جوهر همت کجاست — (هاشمی) غیرت کجا و(خالدی (۹)) جرأت کجاست
زور (ایوبی (۱۰)) کجا و(طارق (۱۱)) نصرت کجاست — (غزنوی) ثروه (۱۲) کجا و(موسوی (۱۳)) شوکت کجاست
ـ این زمان زان نامداران جز نشانی بیش نیست — سرگذشت عهد یاران جز بیانی بیش نیست ـ

---

۱) فعلاً ملک یونان تابع سلطنت اسلامبول بود واکنون از سنه ۱۸۲۷ ع از ربقهٔ اطاعت سلطان روم ازاد شد ۰

۲) تونس در افریقه مملکتی استکه اهل اسلام انرا در قرن اول فتح نموده بودند و دولت امویها سپس وعبیدیه یکی بعد از دیگری بران تسلط پیدا اشت تا انکه در سنه ۶۱۰ هـ ۱۲۱۳ ع عبد الواحد بن ابی بکر بن عمر الحصفی که از طرف ناصر باالله محمد بن یعقوب بن یوسف بن عبد المومن خلیفه مراکش بران استیلا یافته سلطنت جداگانه در ان سرزمین قایم ساخت تقریبا ۳۷۹ سال ـ خاندانش بران حکمران بود بعد از انقلاب ادوار در تحت دولت اسپانیه درامد و فرنگیان بران —

قبض وتصرف نمود تا انکه در سنه ۱۵۷٤ عیسوی سنه ۹۸۲ هجری حضرت سلطان سلیم بن سلیمان اعظم انرا باز در حوزه حراست اسلام اورد والحال از تصرف دولت علیه عثمانیه نیز بدر رفته وتحت اثر دولت فرانسه است .

۳) روملیا بیشتر از پایه گذاران سلطنت اسلامبول بود حال بلکیریا ان را از تصرف سلطان روم گرفته است .

٤ـ٥ـ٦): مسلمانان در اروپا ازبحر گذشته تالب اب تیبرو کنکو وانکوه رسیده تکرو کوکورا متصرف شده در تور ویزکو و بما کورا درسواحل اتریه گرفته از دیگر طرف باب الندب را عبور کنان بزنگبار رسیده مند سون ـ متنده ـ مونتا ـ کلو ـ موزنبیق ـ رانیدر گاه خود ـ ساختند کهفعلا برخی ازانها در تصرف انگلیز وبعضی در ممالک فرانسه وچیزی در پرتگال است .

۷) این شهر را ناصر اموی در اندلس بالای کوهی تعمیر نموده است .

۸) نام حصه جنوبی متوحده پرتگال وافریقای (مغرب والمغرب) نهاده بودند که اروپائیها نیزانرا (الگ ر) میگویند این حصه تا ۷٤۰ هـ ۱۳٤۰ ع در قبضه خلفای بنی امیه اندلس بوده الان نام الملام از ان مقام برافتاده است . ابوبکر بن عمر ملتونی در ٤٥۰ هـ ۱۰۵۸ ع شهر اکمت را گفته از تلمسان تا بحر محیط سلطنت خود را وسعت داده مراکشرا پایتخت خود قرار داده بود .

۹) حضرت خالد بن ولید سیف الله که سپهسالار اسلام وفاتح دمشق وشام است رضی الله عنه .

۱۰) خاندان ایوبیه که از ٥٦٦ هـ ۱۱۷۱ تا ۹۲۲ هـ ۱۵۱٦ ع بمصر سلطنت کرده اولشان الناصر صلاح الدین یوسف بن ایوب فاتح بیت المقدس مروج است .

۱۱) طارق بن زیاد الصدفی اولین فاتح اندلس در ۹۲ هـ ۷۱۱ ع که (جبل طارق) بنام اوشهره ورشد .

۱۲) باانکه اسلام ازمدتی هندرا منور کرده بود بنیاد سلطنت اسلامی هند ازبرکت حکومت غزنی در ۳٦۷ هـ ۹٦٦ ع قائم شد اگرچه خود سبکتگین از سند عبور نکرده ولی سلطان محمود رح تا بسومنات رسیده در بنیاد کفر تزلزل افگند .

۱۳) بن نصیر الیکر سپهسالار ولید بن عبد الملک فاتح اندلس که طارق غلام او بود .

(کابل مطبعه سرکاری)

ختم

ـهـ

